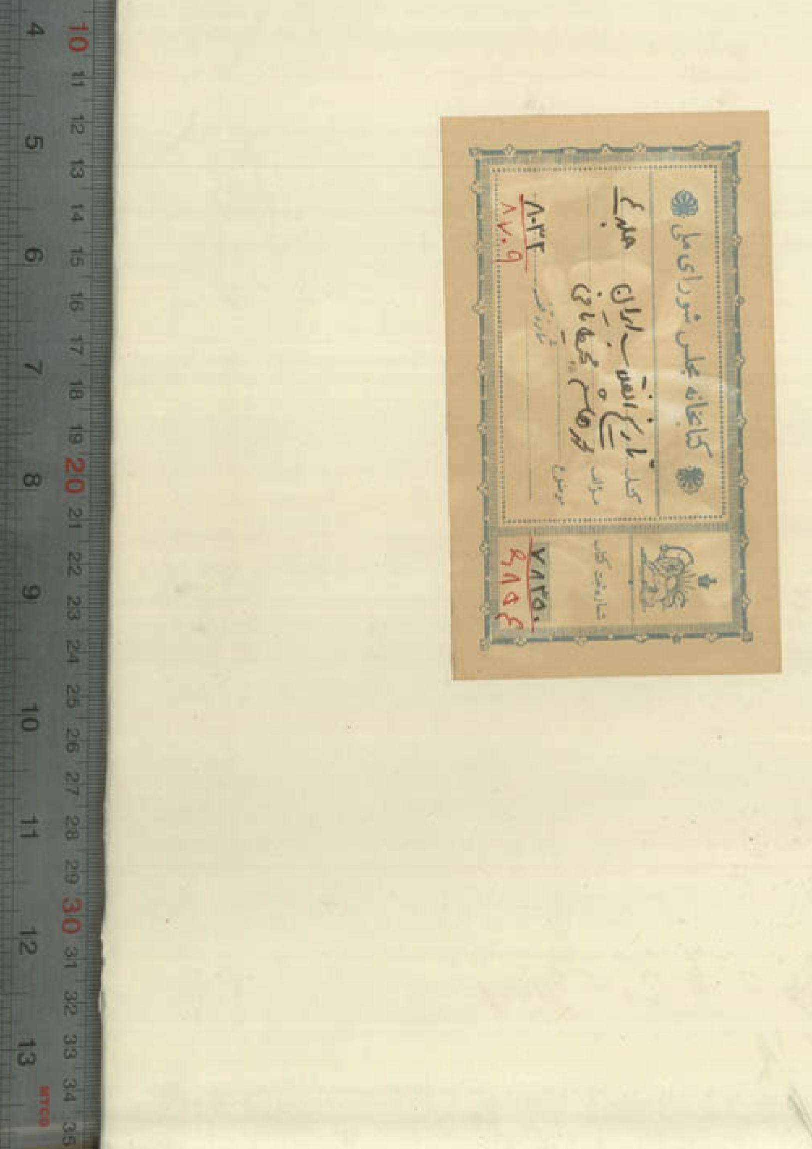






۱۰۰۵

تا یازدهم نوامبر (نوزدهم ذیقعده ۱۳۲۹) بواسطه بهانه‌ای که روسها ظاهراً برای تصرف حدود شمالی ایران فراهم نموده بودند کابینه ایران در خوف و هراس افتاده و با حرارت انگلیس مشورت نمود که چه مسلکی را اختیار کند سر ادوارد گری فوراً تلگراف نصیحت آمیزی کرده و رأی داد که اولتیماتوم روس را فوراً قبول کرده و بعد از آن مقتضیات سیر وقایع هم روس را تسکین خواهد .

صمصام السلطنه رئیس الوزرا امر نمود که تمام ژاندارمهای خزانه را از املاک شعاع السلطنه بردارند بمحض اینکه این دسته ساده نوح از جدید در تحت تسلط و قنسولخانه روس در آمده بود وکلای سیاسی قونسولی در صدد جبران خصوص ... پیدا کرده بودند .

بعد از اینکه حکم مزبور بمستر شوستر رسید چون بر خلاف حکم سابق که در خصوص ضبط و توقیف املاک شعاع السلطنه صادر شده بود فقط بعضی از وزرا را داشت مستر شوستر جواب عذر اجرای آن را نوشت که بگوید تا دستخطی که حکم ابطال آن است از طرف هیئت وزرا بر سد حکم اول را نسخ و باطل نخواهد نمود ولی حاضر هستند با املاک مزبور را در تحت حفاظت و سرپرستی فرستادگان آنها قرار داده و بعد کلیه امور را بایشان رجوع نماید .

در این موقع بیچیدگی و اغتشاش بحران کابینه شروع شد بطوری که کارها مشوش شد که در رساله‌ای که بر رسید نگفت «مشغول شده‌ام» در صورتیکه در تغییر دادن کابینه و کابینه مشغول نگارش خود بود .

بیست و نهم نوامبر در بیست و ششم ذیقعده ۱۳۲۹) نقارستان روس در ایران ... اطلاع داد که چون بر او اولتیماتوم قبول شده روابط ... پیش ... مقطوع است ولی معاملات تجارتی حاضر است ... توسط ... روس جاری ... خواهد بود ... که ... هزار نفر قشون روس از قفقازیه بطرف ایران حرکت نموده است .

اعضای کابینه ایران بیش از پیش دچار اضطراب شده و ... تقسیم نمایند که بنابر آن ... روسها ... الرأی شده و برای مستر شوستر حکمی ... که املاک شعاع السلطنه را تا امور ... روس تسلیم و ... ژاندارمهای ... را از آنجا ... املاک را ... رسید ... انجام کنند .

ظاهر است تا اوقتی در ادارات خارجه انگلیس از این مسلک ... حرکات و ... روسها رسیده بود این ... ایران را معمول فوری اولتیماتوم روس نصیحت نمود که تا قشون روس را از آن ... بیرون ... نیاید ... ایران ... انگلیس ... روسها عهدنامه ۱۹۰۷ را نتوانید اعتراض کنند .

در این اثنا هیئت کابینه خیلی ... شده و در ... روسها متفق الرأی شدند .

تا هجدهم ... چهارم نوامبر (دوم ذیحجه ۱۳۲۹) وثوق الدوله وزیر خارجه ایران با کمال تمام رسمی ... روس رفت و در آنجا ... روس را ... «حسنیانه» !! از طرف جرایل خود ... که ... سلوک ... ایران ... در خصوص املاک شعاع السلطنه شده ... معذرت بخواهم» بعد از اینکه ... دیپلماتی واقع شد که فقط کابینه روس که سند را ... وصل ... مرتکب شد .

وزرای ایران ظاهراً ... کرده بودند که ... املاک ... روسها ... قاطع خواهد داد ولی الوزرا ... ایران حقیقت ... روسها را ... تسلیم ... روسها ... روس ... حقیقت ... فقط ... سعد وثوق الدوله ... و ... روسها ... نقاط شمالی ایران را ... تصرف ... قشون ... اولتیماتوم شروع ... بود .

سر ادوارد گری بتوسط ... سفیر ... تهران کابینه ایران را اطمینان داد اگر معذرت از روسها خواسته شود ... قشون روس ...

۱۰۰۶

داخلی ایران بشوند خارج خواهند شد ولی معلوم نیست که سرا دولت دیگر یعنی کدام دفعه اطمینان و بموجب کدام حکم دولت ایران بقبول خواهشهای روس را اطمینان داد .

وزیر مختار روس در ضمن مذاکرات با وثوق الدوله اظهار رضایت ایران از قبول پیشنهادات اولتیماتوم اول روس ظاهراً اظهار نکرده ولی حکم شده بود که وثوق الدوله را از اولتیماتوم دیگر که در شرف طبع است اطلاع دهد .

تحریر که بواسطه این تحریر چنانچه از صورت آن پیداست ایران ظاهر گشت تصورش بسیار مشکل است . وزیر مختار انگلیس آن ملاقات سعد را معین نموده بود در حالیکه اتفاقات بزرگ در آن اوقات واقع شد بطوریکه از احتمال انگلیس حرکات زیاد واضح بود که اراده روس دارد لشکر قزاق شمال ایران بوده دولت انگلیس هرچه بگوید دولت ایران هرچه بکند انتظاری داشته و اردوهای روس از دریا رسیده اند که از یکطرف بهید بیان و از طرف دیگر تجهیز قزوین رسیده دفتر آن رسید شعله آتش سراکوه بدرجه مشتعل بود که از آنها یقین نموده بودند که از طرف انگلیسها هیچگونه اعتراضی در اقدامات آن بعمل نخواهد آمد .

دولت روس بر حسب دعوی هیچ ظهور نیست بهم نوامبر ذیقعده ذیحجه ۱۳۲۹ اولتیماتوم ثانی خود را اظهار نموده مطالبه کرد که در ظرف چهل و هشت ساعت باید قبول شود

مضمون مراسله اولتیماتوم روس بدرجه مبهم بود که سواد آنرا در اینجا نقل مینمایم .

ترجمه سواد اولتیماتوم ثانی روس :—

چنانچه در جمعه بیست و چهارم نوامبر (۲ ذیحجه ۱۳۲۹) اظهار حالی نموده بودم منتظر حکم دولت متبوعه خود بودم که بنابراین که دولت روس اولتیماتوم دیگر نموده اظهار مینمایم احکام متبوعه انگلیس رسیده و از انجمله از جانب دولت روس قرار اظهار مطالب ذیل را انجام فی الحال مینمایم .

انفصال مستر شوستر و مستر لکفر از خدمات مرجوعه ایشان و تکلیف سایر مأمورین انگلیسی که مستر شوستر آنها را استخدام نموده تابع تعیین خواهد شد .

اطمینان و وعده صریح دولت ایران که بدون رضایت سفارت انگلیس و روس مأمورین اجنبیه برای خدمات خود استخدام نکند .

ادای مصارف لشکرکشی حسارت دولت روس را در این لشکرکشی و برق غرامت بپردازد .

پس بعد از ظرف چهل و هشت ساعت برتری بعد از رسیدن جواب دولت ایران تشخیص خواهد شد .

جواب دیگر توضیحات از طرف وزیر مختار روس برای اولتیماتوم :—

من از قرائن خود میسازم اهمیت که بیان میکنم باعث دولت روس شده بیان مینمایم .

الف دولت روس برای جبران حرکت مستر شوستر که باعث اهانت به ما مأمورین دولت شده بنابراین بایستی محرز گردد که ایران بود عسکر تا که خواهش جمیع دولت ایران بطوری آنست که جواب حقیقی مناسب بین دولتین زمین شده و در آتیه ناخواسته اند که عبارت از دوستی و روابط شود محکم بین دولتین برقرار باشد در جلب جمیع مشکلات روس را احتیاج شود تا که اطمینان در رد دارد میکند .

ثانیاً وجود مانع بدان که وقت لازم است بگویم دولت ایران بطوری روس مصرا خواهد دست ساعت انتظار جواب خواهش های ایران دولت خود را انتخاب نخواهد کرد و در این مدت قشون روس در رشت خواهد ماند و اگر جواب مطلوب تحصیل نرسد بعد از انقضای مدت قوه قشون روس تعقیب خواهند نمود بدیهی است که در این صورت وجه خسارت روس زیادتر خواهد بود .

اثر بکلی «اصلاحات» مصرانه نقشه ملی و رعایای ایران بنمود در این صورت بهتر میکند با در تحریر .

عبارت آن اولتیماتوم که بفارسی نوشته شده بطوری تحریر شده بود که معنی آن واضح نمیشد خصوصاً در آنجائیکه مطالبه «جبران جریمه» نموده و در دیگر «جلب مشکلات روس بر دولت ایران که منظور باطنی است» اشاره شده بود .

همانوقت که آن اولتیماتوم داده شد رقعه از وزیر مختار روس رسید که بدولت ایران اطلاع داده بود بواسطه تلگراف مسئله ترتیب السلطنه و در شعاع السلطنه بتوسط او از طرف دولت روس نموده مایملکهای تمام املاک شعاع السلطنه در تحت حفاظت دولت روس

۱۰۰۷

در آنجا» تمام سپاهیان را از قسمت‌های ایران تخلیه و حرکت روس‌ها را بواسطه تلگراف متوقف نموده او را از این قید آزاد نمود -

در اثر وضع بلواهای رایج [illegible] شروع شد مسیو [illegible] اولتیماتوم روسی را رد کرد حمله نمودن و داخل شدن قشون روسی به ایران نفع مستعدین

ایرانیان برای مقابله [illegible] اقدامات [illegible] ایرانیان در آن امر [illegible] مسیو [illegible] روس [illegible] -

در اولتیماتوم سوم [illegible] (۱۳۲۹ ذیحجه) روس از حرکت [illegible] در [illegible]

آن امر [illegible] ایرانیان [illegible] اولتیماتوم روس را [illegible] روس [illegible] ادار [illegible] و قبول

آن اولتیماتوم [illegible] اولتیماتوم [illegible] شده [illegible]

[illegible] روس [illegible] ممکن است [illegible]

برای افواج ایرانی [illegible] احتمال ضرر دارد و ممکن است [illegible]

فقط [illegible] اولتیماتوم روس [illegible]

نموده بود که «[illegible]» [illegible] کلمات [illegible] ایران بردیم -

[illegible] اولتیماتوم روس [illegible]

[illegible] -

[illegible] ایران [illegible] «[illegible]» [illegible] -

در ایران [illegible] مردم ایران [illegible]

[illegible]

[illegible] -

([illegible])

[illegible]

[illegible] ایران [illegible]

[illegible] ایران [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] که [illegible]

[illegible] (سوسیالیست) «[illegible]» [illegible]

[illegible] ایران [illegible]

[illegible]

[illegible] ایران [illegible]

[illegible]

مردم بوده [illegible] -

[illegible]

[illegible]

[illegible] شدم -

۱۳۰۸

همین سیاست کوششهای بی‌اندازه و سعیهای فوق‌العاده نمودیم برای جمع‌آوری گندم از نقاط بعیده و رسیدن به مرکز قبل از اینکه راهها
(بواسطه سردی و بارندگی) مسدود شود و سعی و کوشش کردم که اعضای کابینه طهران را از جمع کردن غلات در دست بواسطه فقدان وسائل
دادن بمردم از انحرافاتی که سابق معمول بود باز داریم همچنین از سعی سعدی که بر خلاف نظر حکومت جیره آن زمان بود در دایره
«بهتکاری» اتفاق داده که از آن جمعیت شایع تحصیل و سیر زمان نمودن حکومت شرایط حاصل می‌شد.
نایب‌السلطنه و کابینه بکلی از تحوّلات در این امر مهم اقدام نموده و برای حکم با دولت طهران قرار داده شد در موقع و بنام آن جیره خواهیم تقسیم آن
وعده نموده که تغییر و تبدیلات لازمه خواهند داد ولی بر حسب معمول مدتی با تأخیر افتاد که اوضاع بدتر شد و بعد در بلواهای کوچک
و مختصر واقع شده و بسهولت رفع شد.

راجع بهمین امر این قضیه با گزارش آنکه یک نانوای معروف مدعی بود که از اعضای عمده اداره «انحصار نان طهران» در راس گروهی متشکل
و مقصر سال گذشته مشهور بود که چند مرتبه در زمان نایب حکومت چند نفر را بواسطه مخفی نمودن و در انبارها بالای حد خود دستگیر ساخته است در بازار ذکر
این شخص و اینکه دخترها را او پیش از اینکه در باب مالکیت تحصیل بسیار کرده است معظمی از آنان جمع شده و آن لیزار بی‌نفع نمی‌شد مردم بی‌خوراک
باید «مردم را از خوردن آن گرسنه نمود» هر آن و غیر که فوری در ترتیبات خود رفته کردم که از اعضای نظمیه اطلاع داد که:
«در آن نانوای معروف بر حسب آن روز رشادت کشته شد» فسادی بر آن خود آشنایی یافتم از اینجهت بر آن اقدامات و کار از جمله این شخص سرکرده
متوسط و دیگر کشته شد بقیه اگر چه از هیئت و سبب کشته شدن این شخص را از مأمورین تحقیق نمایند ولی تصمیم شدم که آینده درباره حالات
خود با تمامی احتیاط بجد راهم جز آن سر دسته قسمت مخفی بکار برد که حول سر دسته را بجه و بواسطه در زندان و زیر نمودن مال فقرا و غیرها
مشمول شده و اکثر اوقات سر دسته‌ای آنان ولی قوت برده بود با آنجا در باره تشنج و ظلم ولی اصلاحی شده بود ولی با این
که کشته شدن غیر منتظره این شخص بر دیگر اثری کرده بود با آنچه در نتیجه بر سیاداران توقیف بعد نظم شهر سهل گردید.

عصر سه‌شنبه دهم ... در مسجد و قهوه‌خانه وقت بعد از اتفاق پنج نفر صمصام‌السلطنه رئیس الوزراء از شرکت با نایب‌السلطنه همسفر رفت با کابینه جدید را
که تشکیل داده معرفی نماید اسامی وزراء احتشام‌السلطنه هم کرده که با اینها و وزارت عدلیه بر اعضای مجلس که از دوره ... با تمام دوره
غیر معروف از طبقه ... کرده بود در بر خلاف آن کابینه شد از رئیس الوزراء بر خلاف رای پوشش کرد محتشم‌السلطنه
در کابینه با صحبت اصرار داشت که بسیار آن با این اعضای قولشان روش متعلقات عمیقه دارا بود.
رئیس الوزراء پس از آن شروع بخواندن فهرست اسامی وزراء نمود و جمعی با هم و وزیر بعد بر سید بایست بیشتر وکلاء در باب آن دقیقه‌ای
بحث و مذاکره شد.

شاهزاده سلیمان میرزا «لیدر» (نماینده) حزب دموکرات بعنوان مخصوص نطق رفته اظهار کرد اگر چه رئیس الوزراء طرف
اطمینان کامل وکلا می‌باشند ولی حزب دموکرات نمی‌تواند با اعضای کابینه بعضی از آنها اعتماد نماید در این اثنا صدای اعتراض
و خشم آلود عده‌ای بلند بود رئیس الوزراء اسامی مخصوص نطق رفته و تعرض بر خلاف حزب دموکرات نمود و رئیس مجلس
رئیس الوزراء را مستدعی نمود که بر حسب قوانین داخله مجلس در این ... در بعضی اظهار با حقیقت رئیس الوزراء اعتراض نموده از مجلس خارج
گشت در ملاقات با خود کسالت نخست رئیس خود را آورده و تمام دیگر همراهان را تعقیب خواهیم رسید رئیس روحانیین طرفین کشمکش
و حزب دموکرات تعرض نمود رئیس مجلس شخص را قسم داد و مشروط آنکه سکوت نمود و از مجلس بواسطه مداخلت قانون اجماع
مجلس شخص سرپرست مقصر و بعد جلسه تعطیل گردید و دیگر کار را به بحث رسیده است مجلس با آواز بهمهمه متفرق شده ولی در حقارت
آن جلسه پارلمان ایران حیثیت اوراق تاریخ گردید.
آن شب آنچه منتظره بود پیشآمد و در روزهای بحث راجع با آنجا و اینجا را با روش و هر روز دارا و دارای اسم خود را از اعضاء
آن بلوای غیر منتظم نشستند و قریب با تعطیل کشور ایران ... که از آن مدت زمانی که هر دو مقصد تعقیب کرده بود که:

۱۰۰۹ تقریباً سیصد نفر در طهران چند روز مشق کرده و با لوازم جنگی و اسلحه کامل در تحت فرماندهی چهار نفر امریکائی بودند که سه نفر آنان
تازه وارد طهران شده بودند .

از این سعی و کوشش رئیس المالیه را حمایت نمودن محتشم السلطنه در هیئت کابینه و تعریف و تشدید انکار مردم تجار و سایر طبقات شهر طهران برای آن مقصود حمایت می‌کنند
که سالار الدوله را از هر جا منع نموده و مشروطه در معرض خطر است علاء الدوله که سابق والی فارس و از اعاظم بود تا آنکه حمله نموده با دسته قوچانی‌ها را مورد
انکار قرار گذارند که با چند نفر از سران ایل عمل و در نقشه سلطنت جدید ایران مهیا سازش نموده بود که از طرف دولت روس حمایت کنند تا
پادشاه مخلوع را سلطنت ایران برقرار نمایند بلی نوشته ظاهراً به آنها که به کمک دولت روس نوشته بودند که حتی در صورت کمک انصار «امیر»
و چند نفر دیگر را داشت .

روز بعد از ظهر آن جوان وطن‌دوست حسنعلی خان نواب و سید یعقوم ملاقات کرد و آنها در آن باب مذاکرات نموده و گفتم خوب است آن امیر و کابینه
اطلاع دهند تا شاید تدبیری به کار برند ایران مقتدر نبوده و صلاح ندارند مردم را به جا حالی و مساعدت اینکه تمام عمل کنند از اینکه از طرف ما عنصر تازه‌ای رود
و کلا هیئتی می‌آورد و مذاکرات نموده با آنها به همین جوانان گفته و نصیحت نمودم که هر قدر ممکن است در حقیقت صلاح است که برای این کاری آینده و
پیشرفت و نتیجه ای مهمی حوادث بود و از این حیث هیچ باک و پروائی ندارم زیرا که وعده خود وفا نموده و به هر قدر ممکن است در خصوص ایشان چاره در هر
حوائج بنمود .

صبح روز شنبه یعنی اول دسمبر (نهم ذیحجه ۱۳۲۹) در شکر تاب از جوانان متحمل شدم شنیدم که علاء الدوله را در موقع سوار شدن به کالسکه
از طرف سه نفر از مجاهدین مسلح با چند گلوله زده و بعد از اینکه بدلی مرد .

سعی دیگر برای کشتن سپهدار اعظم صدراعظم مخلوع نمود در حالتیکه سوار کالسکه بود با کمک مجروح شده در امیرزاده یک نفر از مهاجمین کشته شد .
به هر حال اتحاد ... جلوگیری از اعضای مجلس شورای ملی طهران بود برای آنکه تصور نموده بودند که مجلس برای چه مشروطه ایران
در موقع تصادم و انتقام از مشروطه مخلوع را آسوده با حمایت فرمانفرمای اقتدار آنان نمودند در حقیقت ... که از طرف شهر و دولت مملکت خود را بر ذمه
حفظ و غصب امیر ... سالار را درنموده اعضای مجلس تا شکر و در همین سابقه نظر حکمت آنها برای سپهدار ... را اداره و برای آزادی ایران
افزائید که ... تصمیم نموده ... در ... شده و باقی بودند اگر قطعاً آن دیگر خطر برای مشروطه بود ولی نقشه متفرق در آنجا ... بنا ... شده بودند
ولی در مشروطه که حکم خطر بود فوراً اعضای خود چشیده به هر کس آگاه بودند اعضای آن مجلس را (مجامع) را افزائی ساخته بودند در
هر حال در موقع برای دفاع و مقابله با خصم خود که مانع از مشروطیت جان آن بود آماده بودند .

نتیجه قتل علاء الدوله هم بزرگ بود فعلی زیرا که اثر و حتی از آن قتل آرام گردید و اضطرابی بسیار در دل‌های اعیان و متمولین پیدا
شده که هم بر جان و هم بر مال خود صحیح نمی‌دیدند زیرا که نقش تنها آنان در اداره طبقه حقوق و امر خود با کی نبود .

دیگر صمصام السلطنه خبر قتل دوست خود علاء الدوله را شنیدند یک جا بر او فکر جاری شده و تحویل دادند قسم خوردند که از ایشان انتقام بکشد ... آنکه
سال ... دارد از بیع و بس ... بکشند و گفت که در دست ... مشروطه را ... خواهم رساند .

علت و سبب این قوم محترم روس را بعضی تا بعضی ... تصور نموده بودند اگر مرضی هم صحیح ... به تحقیق بوده است که لازم بود که
سعی کنند ... که ... حال به این صورت عکس بود در ... نقاط که ... شعله مشروطه نفوذ روس گردیدن دیانت ... دیده بودم
دیگر اینکه مسئله وارد شدن که روز نامه مسلم شد نوشته ترجمه از القلوب طبع و توزیع نموده بودم به اتفاق در جرائد از آنها جلسات را ... بود .
از این مقالات و گفتگوهای منافقین بود که ... مشروطه را ... امامان را ... داد و ... تمام و ... مشروطه
از آن هم در این صورت ... بحرکات جدیدی شده ... که آنها با ... کامل ... شده و ... که نظم و ... را ... باید ... نمود .
کابینه ایران تصور نموده بود که حقوق ... عملی ... و ... هم ... را ... از ... معاهده ... سرای اگر
آرام گرفت ولی اثرات آن نقشه محو شده و ظاهر بود ... نموده بودند که ... کرم بودن ... داوری ... معاهده ... آن

۱۰۱۰

خطرهائیکه اروپا تقسیم دولت ایران که در آنجا برای توسعه منافع روس و انگلیس کشیده بود از خاطرش محو نموده بنابراین ظاهر میشد که روسها برای اجرای مقاصد دیرینه و رسیدن بآبهای گرم فرصتی برای تصرف نمودن ایران و نابود نمودن استقلال آن جستجو میکنند و در اینحال انگلیسها اراده نموده‌اند روسها در هر موقعی مقاصد خود را در ایران اجرا نمایند که اقلا مخالفت و مقاومت ظاهری با مواد عهدنامه ۱۹۰۷ نکرده باشند لیکن اطلاع مدبرین و سیاسیون دولت انگلیس و وزارت خارجه انگلیس را حسیاً در اثنای جواب توضیحات پارلمان ثابت نمودند که هیچ یک از روسها با مواد عهدنامه نمی‌باشند.

از اینحال بالنتیجه حال جانب اروپائیها واضح شد ظاهر میشد حسن عقیده کاملی در بابت برگزیدن ملیون حکم دانستند که احترام عهدنامه و نقض وعده‌های سعدی خود با بی‌شرمی تمام ... بکار بردند که تمام جانب و دارائی آن بواسطه مختصر بهانه موهوم مصالح مملکت از طرف ملک معوض خطر شده.

در حقیقت شد که قریب هجده سال اگرچه فهمیدن این نکته مهم بسیار مشکل است اگر فرضاً هم از حقیقت امر دولت مطلع میشدند چه میتوانستند بکنند و اگر روسها بهانه که حسب بود رسید و در هم میشد حیله‌های دیگر تراشیده و در این تعدیات خود سیستماتیک قرار میدادند و آنگاه اطراف ایران را محاصره کرده و در آن سرحد ها تسلط پیدا کرده شده بود متوسط ایرانیها و دارائی آن قسمت کرده بود که حکمی غیر منتظر در شرق قدیم تصفیه طرح اروپا در سال ۱۹۱۱ داده بود فرصت بقدری بی‌تربیت و چالاک بود قبل از آنکه وقت و موقع بگذرد دستان ... قدرتمند را حرکت داده و مقصد خود را انجام نمود.

این بحران و هیاهو که برای جنبش ایران پیش آمد سبب این شد که هر کس در باب دسیسه خود جمال کردند و اروپا و مشاور امور مملکتی هم که قرضه شده بود در کابینه در تحت ریاست صمصام السلطنه بکلی تغییر و مسلک اختیار کرده و صمصام السلطنه را هم با خود متفق نموده بود در وکلای مجلس هم بواسطه اینکه خود را اوطی پرست و حافظ حقوق ملت و مسئول استقلال مملکت دانسته و در مقابل آن سرنوشت این بسلطنت را طالب بودند در حقیقت برای جهنده کابینه پیش نمودند در حاکم و رؤسای ایران که ارکان کابینه الوقت بودند با شوستر مخالف که دیدند بواسطه اولتیماتوم و مطالبه روسها چنین تا نسبت در حجر آن اولتیماتوم بار آن مصادر مملکت و امارات برده سهو شده ... روس ... قانون و خود را با مسئله ... روسها بطرف سیاستی که سیستماتیک که بعد از ملتفت شدند باید گذر از خود ... با حوصله و بار آمیخت بود در با وجود ... احتمال خیانت و عهد شکنی در آن ... اولتیماتوم را قبول کردند.

ما در جهت رو در مقابل دیگر فوری قبل از آنکه ... روس ... اولتیماتوم روسی که برای قبول اظهارات و مطالبات خود پیش کرده بود فقط نقص بود کابینه را خود را در مجلس ملی اظهار نمود که رعایت قانون مجلس را از طریق مسلک که قصد دچار کرده بود صحبت نماید.

بلکه عین عقیده بعدی از ظهر محوطه و عمارت پارلمان از اینرو مردم منتظر و مضطرب بودند و برای آنکه برای تمام شان در مجلس ملی شد بعد از شهر ایران دو وکلای عدلیه و اعضای صف رشته‌ها را که انتخاب کرده بودند زیرا که ظهر بود ... ایران از حسن ملت شعوم ملیند.

کابینه قبول سلطنت روس تسلیم شده و در رفتار ... احتمال رعایت مجلس در آن ... ترک نمود صمصام السلطنه رئیس الوزرا در در موقعیکه نطق نمود که برای حیثیت و مذاکره وکلا در باب اولتیماتوم روسی در ظرف ۲ یا ۲ ساعت قریب بظهر ... مسئله بود اظهار کرد که «وکلا جبرا یک نامه نقشه بدهند با اولتیماتوم روس را قبول نمایند»

لیبرال و ظهار در مجلس سکوت تام خوانده شد بعد از ختم آن نطق سکوت عجیب بر تمام مردم طاری شد که نطق و شنیدن نطق و وکلا بر خورده بار پارلمان از پیر و جوان و علما و ملوانان مذهبی و وکلای عدلیه و ظهار و بازرگانان در جای خود نشسته اشک ریخته گریه کرده و حس و درد کنی ماندند.

یک عالم محترم اسلامی ایستاده در موقعیکه و قبل از وقت دیگر مذکور نیست و ظهر روز آن امر اختیار شان خارج نیست و هیچ رای نمیدهند یا پند آن بود صدا نطق مختصر بر اساس حالت موضع نموده گفت «در شأن و مشیت خداوند بر این امر قرار گرفته که آزادی و استقلال ما بزور از ما سلب بود ولی سزاوار نیست که با خود مان با اختیار خود از دست داده و ترک کنیم» و دستهای پر لرزش خود را برای دادخواهی و تظلم بسمت آسمان حرکت داده و در جای خود نشست.

۱۰۱۱

الفاظ و عبارات نطق بسیار ساده و مختصر بود ولی شنیدنی چنانکه روح را در اهتزاز آورد به قسمی که مکالمه کردن در حضور شفیق شاه دلیر در نظر
یک شخص ظالم قهار ستم پیشه بسیار مشکل و دشوار است و حال آنکه طرف او آتش زیر دو کاری (بوقه) که خیره خیره با ذکر سه در دلهای خود او را
برای حبس و شکنجه و نفی بلد نمودن باید بود از آن آنان ملحوظ دارند.
وکلای دیگر هم همان مسلک شاه را به استقامت در نطق نموده و بعضی هم نطق های مختصر نموده و از عرض در ضمن بر کلیه خود حمایت نموده و حقوق
زندگی و استقلال آنان را که با کمال زیاد به دست آورده بودند مطالبه کرده و دادخواهی شاه را از طرف ملت خود نموده اند.
چند دقیقه قبل از ظهر رای عمومی گرفته شد تا هر نفر که بسیار حیران و متحیر جواب داشت از انواع اتهامات بعضی قطعات بودند در مجلس بیان نموده و شاه کرد همه را
کرده و اخیر از مجلس خارج شدند.

خوانی اسامی وکلا خوانده شد هر یک در جای خود ایستاده و رای خود را علناً اظهار نمود.
و هنگامی که فهرست اسامی تمام وکلا خوانده شد تماشاچیان از نسوان و مردان روحانی و سایر طبقات از جوان تا پیر هستند به ساله تعیین تقدیر خود را
در صفحه اظهار آنچه در طرف ملت ایران که رشته با بسیار شده خود کرد آینده طلائع خطرات که در پیش داشتند بهیئت اجتماع خواهان داده و
او [illegible] ترس از آن نمودند تحت [illegible] خود و جان را داده و [illegible] در گرفتار شدن [illegible] و میدان خویش بزرگ شما را
برفراز کرده عزت [illegible] حقوق آزادی و استقلال [illegible] خود که با [illegible] نموده بود ترجیح دادند.
در موقعی که [illegible] جاری [illegible] برای [illegible] شده و [illegible] وکلا هم
برای [illegible] مستغرق شدند.
بواسطه [illegible] وکلا [illegible] کامل [illegible] کردند.
بسیاری [illegible] که [illegible] شده [illegible] که [illegible] ملی را
[illegible] که برای [illegible] وطن خود [illegible] دادن حاضر خواهند بود.

۱۹۱۲

چند روز بعد ازین دکلاو کاردار سفارت معزول شده در یک جلسه سری دولتین انگلیس و روس اتفاق آراء رسید در خلال این حال بر آراء
عساکر و قزاقان روسی با توپخانه پی در پی در شمال ایران وارد شدند از انگلیس هم قشون از راه خلیج فارس داخل خاک جنوب
ایران پیاده شده و ظاهراً برای حفظ راه تجارت و امنیت سیم تلگراف از طرف قزوین به طرف طهران حرکت نمودند -
در حکومت طهران شورش بعد از شورش بود که واقع میشد و نارنجکها که بر ضد دکلاو میشد و پلیس ... ولی ... آرام کردند
ارکان مجلس با این مخاطرات که نقض استقلال حدود ایشان بود در برابر قوای خود مستقل تر و با قدرت قدم بر نمودند -
مسلم است که جلسات آنها در روزهای پرشور با ... دسیسه را از ... سخ داد ... که در ... قسم حرف در ... دیده بود
و تا ... برادر ... امنیت از ... که ... ملکی که ... بود ... دست بر نمودند -
از طرف علما و تبریزیان ... حکم به تحریم و بایکوت امتعه روس و انگلیس شد ... برای ... را که به ... قدیم بود ... آنکه تعلق
به روسها است ... و در ... از ... شده ... ایران ... به ... برای ...
... را ... اسباب ... تمام ... برای ... و ... مدارس ...
... را ... و ... به طرفی ... شده ... بر ... ... و ...
داده و ... شکسته ... طبقات ... که ... ایران ... از ...
... اجتماع ... ... که ... خود را ... کنند -
... که ... تخصیص ... و جنگ ... بر ضد روسها نموده اند (۱)
روز دیگر خبر رسید که قشون روس در ... و ... قتل عام نموده اند -
... انگلیس در ... ایران ... است ... که ... انگلیس ... ایران ... تمام ... مملکت
... که ... انگلیس ها ... حکم ... که ... و ... در عوض ... ک
... بر ... مساعد ... بود ... -
... مجلس ... نفر از اعضا ... که ... نموده بود ... رسید ... حمله ... برده
و در ... محصور ... برای ... « دمیب » ... بعد ... « دمیب » که ... ساخته
... پیدا کردند ... قاب ... اقرار نمودند که ... بر ضد ... نموده ...
... از ... « دمیب » ... کنند -

---

(۱) سیزدهم دسامبر ... دهم ذیحجه ۱۳۲۹) ملا محمد کاظم خراسانی مجتهد معروف نجف ... از طرف ... طهران
... برای اعلان جهاد بر ضد روسها ... توسط ... ... در طهران ... که ... و ...
مسموم کرده است آن ملا معروف ... ... حاج ... و ملا عبدالله مازندرانی
در امداد و مساعدت ... و مشروطه طلبان ایران ... از ... اسلام ... نمودند -

۱۰۱۳

دیگر در همچو صورتی که [illegible] در طهران برای [illegible] در موقعیکه در اداره [illegible] بودیم اوراق گلوله‌ها بود که
از خانه‌های اطراف تابع میشد بواسطه جنگهائیکه مجاور پارک واقع میشد اینگونه اتفاقات برخلاف معمولی بود و در [illegible]
اداره جوانان طباطبائی «[illegible]» واقع میشد [illegible] روس که پاره از دستجات قشون و قزاقهای [illegible] روس در قزوین جا شده
و بیش اکثر بودند هر روز صبح زود با قزاقها برای مشق به پارک آمده متحفظین پارک صورتهای مهیب [illegible]
[illegible] نمودند [illegible] آن قشون بسیار [illegible] ایران وارد نموده بودند فقط برای اخراج [illegible]
[illegible] روس برخلاف میکردند حقیقتاً باعث تشویق [illegible] بود برای [illegible]
در [illegible] قفقاز که (صدها در طهران بودند) [illegible] که حقیقتاً تصرف [illegible] روس [illegible]
[illegible] برای خود [illegible] صنیع الدوله (مرحوم) [illegible] جمعی را [illegible] خود تحصیل نموده‌اند.
[illegible] عصر [illegible] در موقعیکه با [illegible] رئیس مهمانهای [illegible] بودم خبر رسید که [illegible] قفقازی در خیابان مجاور پارک
منتظر [illegible] اگر خبر صحیح [illegible] به نوبت [illegible] نمودم که [illegible] در سال [illegible]
در [illegible] قزاق [illegible] از [illegible] نمودند که [illegible]
حال [illegible] شده [illegible] (۱)
از [illegible] روز [illegible] نموده [illegible]
چهاردهم دسمبر (بیست و دوم ذیحجه ۱۳۲۹) [illegible] از طهران حرکت نمود که [illegible] ملحق بود.
روز دیگر [illegible] روس [illegible] ایران اطلاع داد که اگر [illegible] تمام [illegible] قشون [illegible]
قزوین بسمت طهران حرکت خواهد نمود چند روز بعد از آن [illegible] قراولخانه روس [illegible]
[illegible] نموده [illegible] رسیده [illegible] طهران [illegible]
[illegible] قشون [illegible] قشون بزرگی [illegible] فرستاده شد
که [illegible] تأثیر.
[illegible] و تلگرافات [illegible] و اظهار [illegible] تمام مسلمانان [illegible] طهران [illegible] چند فقره از آن تلگرافات [illegible]
کابینه ایران را [illegible] خود [illegible] بودند [illegible].
الحق [illegible] انگلیس [illegible] مبادره نمودند [illegible] ملت [illegible]
در [illegible] و مسلمانان [illegible] شده [illegible] شده [illegible] تحصیل [illegible]
[illegible] را [illegible] (۱)

(۱) [illegible] شده [illegible] «[illegible]» [illegible]
در طهران بواسطه [illegible] خطرناکی بود [illegible].

۱۰۱۴ دفعی وزیر خارجه عثمانی در جواب پارلمان اسلامبول توضیح داده دفعه حالت حاضره ایران را رنگ تهییج آمیز قوی داد آن طرف
عثمانی جواب داد که آزادی و استقلال ایران هیچ در خطر نیست زیراکه سفارت روس و انگلیس صراحةً حفظ آن مینمایند در صورتیکه در آن
هزارده هزار از قشون روس تمام نقاط قسمت شمالی ایران را تصرف نموده بودند.
مستر براون حقیقی از این مسلکهای مختلفه وزرای انگلیس مخصوصاً پارلمان انگلیس واعیان آنها را غیرت نمود تا از آن حالت ما که تظاهرات جلوه
نموده لیکن بود که ممالک متحده امریکا و انگلیس را اهانت دیدند که در ممالکت ایران مداخله نماید نمیشد چند نفر از اعضای آن احزاب داران عرف
مستر شوستر می آمده و خواهش نمودند که سوده قانون مختصری ترتیب دهیم با کسندی راه اختهای ایرانیه را که ملی محبت است رعایت کنند و
حالیه اسم را اضافه کرده تا آن قانون را فوراً امضا و اجرا نمایند و اسم شخص متمول حامی ارمنیوس ایگ را سر اسم و بلافاصله از مسیو ک اعانه
تحقیق کنم تا آن مسیو لیس از روسیه تجربه خود جانی به جهان تحقیق نموده و از روی نفاق کنند و بعد از تحصیل عمیق و تحقیق نموده اظهار کردم که
متاسفانه نمیتوانم در این کار مداخله و اقدام نمایم.
سفیر الدوله که فقط اسماً وزیر عدلیه بود اگرچه در نوع صلح و ناجعه و لیکن لازم از اقدامات کابینه لغو قاطع نمود کسی را اهمیت میدهد که رسول
کند اگر مستر حیارات ما هم بعد آمده ام با روس و انگلیس لطفه نزد خط را گذر در لغو بود برادرش که از تهیه مستر است انتهای سرد دارد
ما تمام کار را بدون قسم دارد و لیکن است که مجلس و وکلا شرط قرار ایران را می‌باشند می انگار نموده و لیکن بنظرم میرسد که مداخله در این گونه امور
وظیفه و تکلیف کاملاً نیست نه خزانه دار خصوصاً در صورتیکه تا یک از اصول مقصد آن اولتیماتوم را حس میکنند بعضی از وکلا هم
رای دادند که هرکس با پیشنهاد روس در انفصال من از شغل خزانه داری راضی بود دلیل بعنوان یشنا را مستر شوستر در ایران نگاه بدارید.
دیگر مستر در حال پیشنهاد برادر را نقوی را نزد نایب السلطنه فرستاد که باید اطلاع دهند که حکم مستر را هیچ اعتماد و دو نفر اعضای کابینه برادر در
سر حرف جبار مسلک عدیدی است که نایب السلطنه جبارات نامه بدهند تا با روس و انگلیس شروع مذاکره نموده در ایران از ایران سیاسی
با آن مرد لیس صلح نماید زیرا که والاحضرت نایب السلطنه نفوذ شده و از انتشار آن وادار شده در بیان کرده است و وکلا را تهدید نمود که اگر نه
دیگر هیچ جهتی را انکار نماید لیکن بعد مرحمت نمایند از هرکس خواهش نمود و حکم داد که کابینه استعفا نماید.
دفعی چهار فرقه سیاسی ایران یعنی دمکرات و اعتدالیون و اتحاد و ترقی و فرقه داشناکسیون (Dachnak Tzimoon)
(صاحب اراضی) توسط وکلا حوزه جمع شده و قرار دادند که از اقدامات آینده قشون روس و شعفی نمایند تا تحت هر تحریک باید
تمام قشون طوری که در دادوش مورد بحث است قاصر نشود منحصر بود در بیرون قوای «والد تحت تیر» و طوری که قسم خورده بودند که مولس مرد خط
ایرانیها منطبق و حمایت کنند تمام این قشون قوایی متکی بودند به نظم و انضباط و انجاع و سهولت نهادن انتخابات و در شادی تا چند نفر
عده از برادران تبریزیان از آنها به ظهور رسید که با شش روز با قشون و جمع کاری تر تا بدوش که علامان تمام سکان و مردمان بود مقاومت نمود در
در صورتیکه هیچ توپ و دوشکا نداشتند آنها در آنها گرده تا طهران را تصرف و تصفیه نمود در تبریز مداخله کرده بردند آن از قشون روس با
مردم را در صورتیکه آن قوای از آزادی فوق العاده بر این بیچاره قشون روس داشتند.

---

(۱) این بلکه قسم مختصر خاص حاصل محصور شدند لیکن آن و طهران در سایر ممالک دیگر را اصلاح مینمود.
اطلاع کاملی حاصل نمودم که از آن قسم یقین کرده بودند در صورتیکه مستر لیست سهولت لکن لازم را به آنها بفرست با از دستها
قشون خود را از ایران بیرون کشد خواستید داد و بعد از آنها از اولتیماتوم و تحریک روس هرگز رسید حمله اقدام بلکه شرکت انجام بدهد
تضعیف میشد.

۱۰۱۵

علاوه بر قشون سرکوب هزار و پانصد نفر ژاندارم قزاقخانه سرداران بود که به ریاست چند نفر صاحب منصب ماهر و شجاع آمریکائی تربیت یافته بودند
که فوج ژاندارمری را زیر دهان در طرز تربیت ایران که حقیقتاً مستحق [illegible] بودند خود ثابت نمایند تسلیحات شده بودند و تعهد کرده بودند
که دسته‌ها را با همه دیسیپلین نظامی نگاه دارم و بعد از چندی سرتیپ مخصوص صاحب منصب ایرانی که در ماندن تنها بودند چون مغلوب شدن ملیون را [illegible]
مراکز و بعد تمام جوانی کردند که برای دفاع وطنشان تنها از حکمت لازم بود و قرائن بسیاری داشتیم که تحت تربیت شتافتن قوی آماده [illegible]
برای مقابله با روسها .
در موقعیکه لیدران و شورای ملی فرق سیاسی برای مقابله کردن با روسها مصمم شده بودند دفعه یک سیستم اعتدالیه حقیقت سر [illegible] نموده
دارد و صلح متارکه را برای [illegible] خود سئوال و درستی کردند چون سه هزار ژاندارم را جمع و همه منتظر لوازم آن ملیت را که هزار و دو نفر لیدران
منتخب شده طبقات مختلفه مجلس و ملی با سلیقه‌های مختلفه در تدبیر کار شورت کردن از نخستین که اعتقاد آنها کافی ولی بیان بود در اینکه
آیا این باید قرار مسلحانه شورش بکنند و آیا این اقدام از نظر آزادی خوف در کار لازم خواهد بود و بالاخره آیا ضرر جسمانی مانع از
همتی را باید از ادامه آن برکنند .
سپس ساعت ولی باب هزار که نمودم اعلامیه محرر شدم که بر صدق سلک در جای خود خطاب برای ایرانی آتیم که اگر قشون ایران محض قوی
در شمال طوری بر خلاف قشون روس برای دیبرای آن شدن برفها تغییر یافته بیاید که هزار نفر قزاق روس داخل ایران نخواهد بود
آخرین ترکیب را با اصول داد باطل خواهد نمود نه یک سوار و نه یک طفل ممکن نخواهد کرد که بر قوای سربازان فدائی ایران
ماتم سرائی کنند .
اگرچه این هزار کتاب بسیار منهاک و عجیب بود و شاید هم حق داشتند که بموقع تنها کار را بعهده شخص خود گذارند اما از بار آوردن آن قصه
خیلی خوشحال هستم که وقوع و پیش آمد مصیبت خطرناکی را با این اطلاع داده که سفر را برای همه آنها بخواهند آن مصیبت وقوع مییابد .
با این همه اعطای هم مخالفت مجرمانه با اسلحه‌های آن دستها ضعیف کشته و تو سنگینی آنها را بر عهده دارند با مختصری علاوه بر او سفر را
نوشته شد که در ایران نظر بینندگان حاکم سعی درست صحیح برآورد ولی نزد اشخاصی که از موقع رسیدن آن گذشته متوان اعتماد و فواید است .
در همین قسمت در اطراف طهران شورش رسید که به واسطه بهاید و شهامتی که با تمامی سعد قرار روس گزارش کلمه ایران اظهار کرده مسئله معقول
آن شروط رضایی و قطع خرابکاریست در این هنگام زنان ایران اقدامات سفر را به طرز تسلیه نمود که شرایط سیاسی را که تا ابتدا
شد حیات ایران گرده بودند .
زنان ایران از سنه ۱۹۰۷ یک جلسه بسیار ترقی نموده بودند اگرچه از قرار «رادیکال» بسیار ساده و ترقی آنان زیاد
واضح بود ولی بالاخره از زنی با فقهان هم محسوب میشدند از آن قرارات زنان حالیت ثابت شد که فرهنگ اقدامات بود نموده
وسیع جمع تام صحت این قول وارد بشود که اتفاق طبعی حقیقی بود .
اگر بگویم که این قوه قوه خلاق که ایران شرقی ابتدا را سرآمد شجاع و امانت شرق زینهار شده و بواسطه آن ایران خوب نظم
برکند و وجه مخالف ندیده است که عمری برده شده بود شاید ما واقع این آن زنان برای زنده نگاه ترقی و روح
از آزادی کوشنها بسیار بیشتر در حالیکه آنان در تحت فشار قاطع بودند یک مبلغ و دیگری شدند بعدها در اتحاد طرف
حکومت مشروطه و بخصوص قوانین منع دعوای جماعت و شکایتی از آنها سوز رفتن بیشتر از سر با مانع بحرکات خوشنمائی
ملیحانه بودند تعطیل این موضوع این است که بسیاری از علما بر این آرزو برسر امداد و مساعدت ملی در سعادت و امور ملی از فرقه که ایشان
در شیوع تعزیرات و عقائد قواعد دینی خود را طالب بوده بیشتر بودند تعجب میکرد در صورتیکه نقصان کلی از آن تعزیر استبداد
منافع ما ایجاد آنان رسید .
در طرف دیگر تحصیل تعریض لازم که بتدریج خونریزی در سنه ۱۹۰۶ بر از زدن خود مشغول کامیاب شدند

۱۰۱۶

میشود از زمان سلطنت مظفرالدین شاه به اینطرف و [illegible] از جنبشهای مشروطه زنان ایرانی [illegible] در راه تحصیل آزادی جدید
و علامات آن با کمال سعی بعضی رسوم مخصوصه را که از قرون پیش در ایران معمول بود ترک نمودند .
[illegible] که ظهور اثرات [illegible] زنان ایرانی که [illegible] ببینیم .
ما که از اروپائی و امریکائی [illegible] زنان مشرق زمین در [illegible] تعلیم داده [illegible] شده‌ام
اما هیچوقت نگفته درباره زنان پرده‌نشین و محجوب مشرق قریب که [illegible]
و با کمال [illegible] مشغول تشریح [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] افزوده شده .
زنان ایران نمونه [illegible] مشغول کنند .
پس از چند روز [illegible] ایران [illegible]
حصول [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
دیگر [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
سؤال نمودم [illegible]
[illegible] .
در یک [illegible] زنان [illegible] ایرانی [illegible]
[illegible]
[illegible] سؤال نماید
[illegible]
[illegible] .
[illegible] زنان [illegible]
[illegible]
[illegible] .
در طهران [illegible] .

۱۰۱۷

در موضوع ضبط و توقیف املاک و اموال شعاع السلطنه چون دولتین روس متفق شده که هر کس هر چه بهانه قانونی برای جلوگیری از
از آن اقدام نماید در مشکلات دچار شده و حتی سعد را اظهار نمود که بار یک شعاع السلطنه دفعه در طهران در بانک استقراضی روس گرو گذاشته شد
و املاک مالکین بزرگ و دولت و دست‌نشانده از و بالاتر هم قرض است بهانه بشدند که آن اراضی و آن املاک را بتصاحب و ملکیت خود آن طریقه برآمدند طریقه
مختار در جریان عمومی نموده و بیانیه‌هایی برای حفظ املاک خود از ضبط شدن آن مکر دولت روس را نموده بودند و من هم توسط آن اراضی را املاک و جلوگیری
از ابطال تمام مالک رهن هم در عوض ارائه نمودن دفاتر و اسناد نمود برای بانک آن قرض‌ها شد که ابطال نمود .

در این موضوع دلسوزی بیشتر برای سخاوت و وطن‌پرستی مردان ایرانی بدست آورده و در همه سران بهرامی اولیا قرار به چونکه سر ضبط حسابی نمودم .
یک در میان شهر مساعدتش از اینهم که شخص وطن‌پرست بر علیه فرقه‌های ... بودند مقاومت را اظهار داشت که خواهش که یکی از رجال شعاع السلطنه است
سوادی را در صفحه آخری آن شاهزاده که سال‌ها شرح فقدان روش را از آن مطابق رسوم نموده تا حتی در اسلام و طوریکه اسناد را تحقیق آورده است
بدست آورده .

در آن زمان سردار خود اطلاع داده که آن شده را که در دوام فهرست و صورت تمام اراضی و املاک آن شاهزاده را صحیحه باید و بیانیه حاوی بود
بعد تبیان و به سواد سر بود شخصی همان سر دفتر بود از تمام مباحثه که شاهزاده مال را بمردم بدهد کار طلبکار بود از حقیقت را بود که آن از دارائیش
بود با اینکه در اداره شده خاطر حال خود و فرزندش بسیار رقت با احوال خیلی آنها نقش کرده بود که ارائه آن سند از وظایف بلکه فرض
وطنی او میباشد سواد آن راضی و فرستاد با امداد شده سر بود بوسیله ارکان اداری دفاع کنم که هر کس روس برای در توقیع و فرمایشات قانون نگاه
و حفاظت مأمورین خودش نه خود در آن مسئله عنها دلگرده بود .

در آن ایام ما را ظلمات که اولیا مردم در روز دیده بود که امکان ها حرکت آن باید سرخوش میشود . زنان ایران با همان دوران قبل برای
مصلحت ایرانی و محبت فوق العاده وطن خود قدم ارادی که آنان را از مردان لطوف در زیر داده و دستشان چنین خفقان بودند و بعد
ظهور رسانیده هر سهولت داشت که وکلا و نمایندگان در جلسه سری مجلس قرار داده بودند که مطالبات روسها را تسلیم نموده و در صورت نبودن
مارزیان و امالی با تحت فرقه فرقه شده بودند در حضورش مجلس وکلا را حکومت یا داد وظایف خودشان مجبور میتوانند بکنند
در این موضوع زنان ایران حواله مهیا نموده و بمقصد تو از آن جنس ضعیف ارقام و خرمها محصور با فرد خسته که از عموم با بت
شان خبر بسیار دستور دیگر در فاصله در جاده‌های سیاه و بعضی از تنگ یقه بشمار بوده هر کس عطای مینمود هر گیسهای از آنها دارای
لباس های خود طبیعه‌ها پنهان داشتند تکبیره بمجلس رفته و در آنجا جمع شده از رئیس مجلس خواهش نمودند که تمام آنها را اجازت دخول
در مجلس سری مجلس مذکور بدهد پنهان شده در اطاق ملاقات با رئیس مجلس تکلیف کرده و طرف بد از گره شده با خیال که
بسادگی خود با همراهانش سلطنت و مقصود آنرا درست ملتفت نبود از آن هیئت مادران و دختران محترم ایرانی طبیعتهای
خود را برای تقدیم نمایش داده و بعضی ها را پاره کرده هر اندکی که داراده و عزم خودشان را اظهار و عرق کردند که اگر
وکلا مجلس در انجام فرایض خود و مصلحت در قرار داد نیک سرفروشی ایران نرسند تا یند سردار فرزندان و خودمان را کشته
و جنازه‌های را اینجا می‌اندازیم .

اگرچه مجلس از یک طرف در دست عده‌ای سرداری در یک قضیه بعد از آن دراید دل از فرق حقوق وطن ملی خود بسر اسکرده .
آنها بالعکس حال تسرا دارند که با دار بلند فاش در بلد گفته بود که « عوض زنان نقاب پوش ایران پاینده باد »
بواسطه مشکلات و اتصال با تمام سران که بیشتر در بلاد نظرشان محیم بود فرصت تعلیم خود را برای ترقی حرکات جدیده
از دست داده و محروم گردیده نتوانستند از آن اقدامات خود با ده صحیح میرسید با احوال و با اتحاد و مطلعیت سران
ارتباط از آن سیرات شده بودند و تیپهای خودشان را برای اتمام مملکت خود مسدود دیدند و حدام و طرح را تشویق نموده و در محله
تحکیم حرکت مادران برای آنها مرکز کلید

۱۰۱۸

در این موقع در عقب دشت‌ها که خون افزا که دسته‌های سرباز ضعیف شده و خوف حبس و زنجیر و دار و گلوله از رشیدان مجاهدین
از دل مسلمانان رفته و در عقب حقوق ملی پامال شده از تماشاگاه‌ها بیرون کرده و دار سرباز ضعیف نماندند.
چون روس‌ها از شهید و دار زدن ابرار به رضایت مشیر فائده نبردند مجبوراً بحران را کرده آن حکم را دادند.
و از طرف دیگر در چهارم دسامبر [illegible] محرم ۱۳۳۰ کابینه که از طرف عده متعدد اشخاص محترم [illegible] یک صورتی [illegible]
منتشر شد و توسط عده از اندارمه و دسته از اهل بختیاری شانع کردن تمام و کلاء و تهدید و اخراج فوری و حبس کامیاب و کاتبان شده و بعد از آن
در ها را بسته و نفعی نموده و به مدت که [illegible] ارکان و اعوان که متصرف در نشان شاهی [illegible] قطعی [illegible] دیگر وکلا شدند نمود که اگر در جهت
با شما جمع شدن در جای دیگر بشوند گفته خواهند شد [illegible] اوله یعنی [illegible] کردند آن عقب [illegible] که از
پیش خود نظر در نظر را [illegible] شده بودند با این مهم حرف اقدام کرده‌اند [illegible] و بختیاری [illegible]
فنون پاره مخلوع در [illegible] در باب [illegible] جمع شده بودند [illegible] تصدیق [illegible] حدود [illegible]
شد و [illegible] غیب و تعطیل کردن عصار کابینه معزول شده که [illegible] از طرف داری روس‌ها بوده شده و مقصود
خود رسیدند

و نظرها [illegible] از اوضاع و احوال ایران اطلاع کامل رسیده [illegible] کابینه ایران را طرف داری روس‌ها معرفی نموده و از طرف قصه [illegible]
ولی ما طرف این تعهد که مملکت ایران دارای [illegible] قوه با [illegible] بوده [illegible] در مقابل قدرت [illegible] تعهد [illegible] که
که [illegible] با [illegible] مصالح [illegible] خود را [illegible] — مصنف
مملکت [illegible] که هیچ مقدار [illegible] آن کابینه معزول شده را از طرف [illegible] ملکت خود [illegible]
ولی [illegible] از [illegible] مهلکه حصه [illegible] کلاه [illegible] روس [illegible] سرداران بختیاری و [illegible] سردار [illegible] بختیاری بود
که فقط از [illegible] خود [illegible] جنگ شده بود آن سرداران [illegible] بودند از طرف [illegible] با [illegible] قبول و وفادار [illegible]
طماع ایران [illegible] و [illegible] نظر و حساب کرده که در مقابل [illegible] کار [illegible] و [illegible] خود را به
[illegible] بعد [illegible] در [illegible] داده [illegible] استبداد [illegible] عظمای [illegible] ملت [illegible] که [illegible] رضایت [illegible]
[illegible] چون رضایت [illegible] که [illegible] شدند [illegible] شده [illegible] دیگر [illegible] مشروطه [illegible]
[illegible] که [illegible] که [illegible] کابینه روس‌ها [illegible] خود [illegible] موقت [illegible] داده بود
[illegible] مشروطه [illegible] و [illegible] داده [illegible] ملکی [illegible] خود را [illegible] آن [illegible]
[illegible] حکام [illegible] که مملکت خود را [illegible] نمودند [illegible] آزادی [illegible]
عصر [illegible] از وکلای منفصل شده [illegible] که [illegible] کرده [illegible]
[illegible] کرده [illegible] خارج [illegible] وطن [illegible]
[illegible] و [illegible] بزرگ بود [illegible] و دسته‌های [illegible] که [illegible] که
[illegible] مملکت [illegible] شده بودند [illegible] حرکت [illegible] مسلک خود [illegible] کنند [illegible]
نموده و [illegible] شده [illegible] که [illegible] بودند
حق [illegible] الحمد [illegible] تعهد خود را [illegible] که [illegible] وطن
[illegible] که [illegible] که [illegible] نظم را دادن
و [illegible] امور مملکت خود نمایند.

۱۰۱۹

چون عنصر اصلی وکلای مشروطه که برای تحصیل آن چندین هزار نفر جانفشانیها نموده و خون خود را فدا کرده و در دچار انواع مصیبتها
و گرفتار زحمات و بلاها شده بودند در یک دفعه از دست رفتن و بی‌نتیجه شدن یکقطره خون نابود شد مردم ایران بر تمام اهل عالم
اعتدال و شایستگی خود را نمایش دادند که شاید سایر ملل متمدنه نظیر آنرا نتوانسته بعرصه ظهور رسانند .
مکرراً از من سؤال کرده شد که آیا ایرانیان قابل نظم امور مملکت خود میباشند یا اینکه طبیعتاً صرف نمیشوند و آیا از روح ملیت
و وطن‌پرستی و علم بحقوق خود دارند ؟ همیشه میدانستم بعضی عبارات در طی رساله و اظهارات با یاس تمام نمودن در انواع صحیح اهم
سرداران مطیع فرمان بردار و دیگر هیچ اجمال حرف سفیهانه بی‌تحقیق با فواح جنسی و تصادف به آفات و بلایا باشد
چقدر سهل و آسان است ولی دیگر یک تیپ اتفاق نظر ، وکلای مسلمان در حالت حرف عامی و جنسی با بیانی بر ادای
در قوای قوی‌تر دارد حیث عدم تعرض منتخب از خود ناراضی بوده و بار زنها و دیده اینکه تو یا قوم با اهالی همسایه دست نمودن در دفع ممالک
و حرف اعدام قتل و اهالی حال انکار از برگ عرش بیاد در قسمت ملت خود نمودن کار بسیار مشکل است تصور میکنم از این مباحث ما به جاش
و در حقیقت تحولات واضح و مسلم شده و همینقدر کافی است .
هرکس حال ادوار وکلاء ملت مشهدیه بلد کننده را در آن روزهای سیاه ظلمانی سیر نموده است که ایرانیان را درست نشناخته و بار آرزوهای
عالی و منصفانه این اظهار بنماید در یکصد قصور نداشته بعرف است ولی آن قصور بقصور اطرافیان است که فعل و اقوال ایشان را با نامه [illegible]
الکار ایرانیان در نظم و نسبت امور خود در شکسته که بر آنها حمله کرده شد متفق بر سؤال کرده است (یعنی کسیکه جواب میل از
سؤال دارد در جه اعتبار ساقط است - مترجم) لیکن اگر ایرانیان در یک مجمع و در « تیکنک » اصول اکثری نظم [illegible]
مشروطه دکانی خود اطلاع کامل برای بر ساده کسی نتواند انکار نماید ولی در اینکه ایشان نظریه مخصوص استعداد کامل برای ترقی دادن
و صدق و ملیت خود داشتند هیچ منکری نتواند تحوله نموده تحمل زندگانی مملکت است چیزی که نیز برای اصلاح امور تحصیل تکیه
کافی نمیباشد حالا ایرانیان بواسطه سعی و کوششهای مخالفه خود حال اینکه در تمام آن مدت گرفتار در تمایل امور داخلی و
در چار شکست حرکت متحمل بودند بادارد و معتدلی بمقاصد خود نائل شدند سعی و کوشش الملی ایران برای قطع
و فصل منکوسشید خود خواه کرده بواسطه اینکه آزاد نکرد یا به ترحمت زیاد و وعده بسیار ایشان آورده بودند سلب کرده بود از آن
اروپائی در تمام عالم منتشر نمودند که اهالی ایران سرداران ناچیز و الکاهی بوده و لایق در تاسیه الکی دولت مستقل محکم نشیند و
امور داخله مملکت خود را منظم نمایند .
لیکن از حقیقت امور ایران اطلاع کامل برای اکثر از تنوع و تحمل ملیکه باعث زوال اندلس شده متحیر بوده تصدیق خواهند
نمود که اندلس بحالی ولایت وبا صد تحقیق بار آن بحرانی حوالی شده که از حدود قران از هر طرف مشغول ارزش دستان بر
حال و عزت و استقلال ملکه هستی زمامداران آن حرکت بحاره را بادادن قمار با شرط و سیم حرکتی قرار داده بودند که بر سر آن
پیش بگیرند .
از اول دسمبر و نهم ذیحجه ۱۳۲۹ که کابینه صمصام السلطنه قبول کردن اولتیماتوم روس در مجلس رأی داد عنقریب رد ابطال وزراء من تغیر نمود
طاهراً مصمم شده بودند که هیچ قسم مطالبات ردی ما متقبل نمایند و متوقع بودند که بواسطه منفصل شدن فوری بردن تحصیل اختیار
راه بهتر اسهل و آسان مانم .
اگرچه بالطبع سیلی مشوطی یا استعفا داشته ولی اینجا چیال عدم تصویب مجلس هم در دل مرتکب شده بود در صورتیکه مجلس در تربیه قانوناً رأی داده بود
کابینه را در قبول آن اولتیماتوم رد نموده کرد استعفا میدادند پس قسم تغییر بردن اطلاع در صورت وکلاء شاید غصب یا سلب حقوق میشد
بالنتیجه حال مگر با ناشر وکلاء و بالغور میتوان چنین مراکز نموده و با حال صداقت نابل کنیم که من برای بنصرت و سعادت حکومت
بایران آمده ام اگر من از منفصل شدن نتوانم خدمت بالعکس در مشاید بزرگ درست بکنم با حال تعقیب و طیب خاطر

۱۰۲۰

حاضر و راضی هستم جواب سفیر غیر از این نبود که خود هیئت دولت مأمورین شما را از اول بصیرت مستمر نبوده اگر بدون حمایت ممکن شغل بود
حقیقتاً موافقت ما همه نموده و حتماً وکلا نسبت موافقت و عهد نکنی شما خواهند داد بسیاری از این‌ها چه از طبقه اعیان و مأمورین ترکی
با عموم اهالی سرا الفت نموده و شما را خواهش نمودند که در هیچ حال استعفا ندهم زیرا که آن استعفا خاتمه کار تا باشد داریهای ملت
مشروطه و مشروطه طلبان خواهد داد -
از ظهر روز اول دسمبر کابینه صمصام‌السلطنه هیچ سمت قانونی نداشت بواسطه عدم اطمینانی که وکلا از آن کابینه داشتند و هم بجهت
که سرداران بختیاری حوائج خود را در حکومت و ریاست لابواسطه رئیس الوزرا بودن یک از سرداران خود حسنه و هیئت بار ترود داشت
بموقع نشستن و لیکن بزرگی شدن ژنرال سابق‌الذکر نمودند بعلاوه ترتیب بین سرداران بختیاری و دولتین روس اتحاد جدید محکم شده بود
نقش واضح بود که پولیس روسی برای غیب مداخله کرده و در جهت این ایالت اقدام نمودند -
بعد از آنکه سلطان ... استعفای ما را رد نمود و حال آنکه پولیس روسی هر کار مهم حکایت نمود مأمورین و همه گفتگوی روس در طاقچه از
راه‌های دیگر سعی و کوشش نمودند که اولتیماتوم روس ابلاغ در ظاهر قبول شود بعضی‌ها هم وقت نمودند که این اولتیماتوم را
بیع الظاهر قبول کنند در آن مقام که امور مملکتی پریشان و اهالی مضطرب و مشوش بودند تقوید بسیاری باسم حوالجات روس‌ها بین فقرا
سالکین تقسیم کرده شد در مساجد عدیده عده کثیری از مردم جمع شده در حیث داران برای کمک و تنخواه دعا نمودند
از طرف جولیت روس مخدا بهزاران هزار از اوراق با عنوان که حضرت و تصدیق بسیار از تهیه سیب کمک و تنخواه دادن شده
تقسیم کردند با اینکه معلوم بود که پول آنها را از تهیه داده اند ولدم کمتر از صد هزار ریالی (سیاه کفش هزار تومان)
در این راه خرج شد -
عصر اول دسمبر بعد از گذشته شدن ... عده‌ای برده وارد شدند که از طرف ... خبر رسید که بسیاری از ... بختیاری که به شهر
از بازارها و ... حوادث حصول شده دانند با سیاره ابر مقدار ... نمودار بیگانه شده ... نموده اند که بمراتب از ... اتابک حمله نموده
و خزانه دولتی را تصرف کرده و دفاتر را آتش زده و اتلاف نمایند ... مقصد جانب نماینده ... بسیاری از ایشان که
مقدار زیادی پول برای مصارف ... خود در دارالخلافه در ... گرفته و ... صورت حساب و مخارج آن ...
بودیم -
چون این خبر بمن رسید یک از مستخدمین امریکائی خودرا نزد محصوص بختیاری‌ها فرستادم که بخود این طلوع بدهد که اگر خیال حمله حال
شهر و ده دارند ... ما فکر و با ما ... شناسد مقصود من از این طلوع دادن این بود که از طرز حالت و رفتار آنها
مطلع باشیم کارد را اندازه حرانه پارک اتابک را از شناه نفر سوار شنیز نمودم که مجموعاً ... دستجات نفرنگیه ... ابر سر
حد نشسته بودند بختیاری‌ها هیچ نیامدند -
فردای بعد از این وقعه مابین یفرم خان و سرداران بختیاری نقاطق ... تحقیق واقع شد و با بدین بدی ... با عث اجمال
منصادم تحت ... بختیاری‌ها ... دو اندازه یفرم خان سر رفت ... ایشان ... شهر شنیده شد ... نمودند که
بختیاری‌ها با ... در بحث حالت روسی و ... در ... یفرم خان ...
و اتفاق نموده از این ... ادارات ... نموده و ... اجمال عمارت و خونریزی شد پس ...
فرمانهای که بعده ... بودند ... گردند که برای ... و مهیا ملت شدند -
شمار مهمی یفرم و بختیاری‌ها رفته رفته با صلاح ایشان ... و شخص ... یفرم ... نظم از ... تعهد ... -
عزت ... با واسطه جا سوس ... روس در پارک اتابک روز بروز زیاد تر گردید مخصوصاً چهارم دسمبر (دوازدهم
ذیحجه ۱۳۲۹) کار ایشان ... نمود که ... مستخدمین و فرادولت ... بیار -

از وضع سلوک و رفتار وثوق الدوله وزیر امور خارجه و برادرش قوام السلطنه در رد حقه حسابی مهمی که بکار بردم الحال دلتنگ از سابق
یادم هست بوده ولی آن تغییر سلوک وارده جدید از زمانی شروع شده که ملتفت شدند که مسیو لکفر را برای تفتیش و تحقیق جمع و تقسیم مالیات
سال قبل از آمدن من طهران و بعد از آن در سه ماهه [illegible] جاری بود بخواهیم مرتب [illegible] مالیات ایالات [illegible] کمیسیون [illegible] بسیار
میباید اما از جهتی حقیقتاً از آنکه تفتیش خزانه را العهده [illegible] در تمام ایالات که خزانه دار کل [illegible] خود [illegible] را [illegible]
یک « سانتیم » (هیچ یک شاهی پول ایران) برای [illegible] وصول و جمع شده تقویم [illegible] لازم بود که [illegible] از [illegible] تحقیق و رسیدگی تمام
زیرا که قصد ما این بود برای [illegible] در [illegible] خوبی پیش برای حمل [illegible] مجبور است که [illegible] قسمت و [illegible] خود را [illegible] و [illegible]
و حکومت مرکزی یعنی طهران و خزانه دار [illegible] آن [illegible] که [illegible] سایر [illegible] و [illegible] بود که
[illegible] آن [illegible] وثوق الدوله و قوام السلطنه بوده [illegible] دو [illegible] پس از اطلاع از [illegible]
مسیو لکفر به [illegible] دارند [illegible] واضح [illegible] .
[illegible] عمیق و [illegible] نقدی در ایران رایج و معمول است که [illegible] تمام [illegible] که آن هم [illegible]
[illegible] راضی شدند در صورتیکه بخاطر بیاوریم که [illegible] آن [illegible] را که [illegible] مسیو لکفر از [illegible]
ایران [illegible] » .
امور مذکوره فوق و [illegible] که کابینه [illegible] در [illegible] و چهارم دسمبر ([illegible] محرم ۱۳۳۰) [illegible] و کابینه را
[illegible] .
[illegible] ([illegible] ۱۳۲۹)
قانونی را [illegible] و معمول [illegible] که [illegible] آن [illegible] خزانه دار [illegible] بود در [illegible] کابینه [illegible]
همان [illegible] فرضیه عثمانی را اظهار نمود .
[illegible] تعیین کلی [illegible] که [illegible] را [illegible] کرده بود [illegible] کابینه که
آن [illegible] خود [illegible] بود [illegible] ولی [illegible]
[illegible] قبول [illegible] آن [illegible] اقبال [illegible] آن [illegible] که [illegible]
[illegible] که کار [illegible] بصورت تمام .
[illegible] و چهارم دسمبر کابینه [illegible] که [illegible] کار [illegible] قبول
اظهارات خویش وعده نموده که [illegible] تمام حقوق [illegible] ایران [illegible] قرارداد [illegible] بود [illegible]
[illegible] طبقه [illegible] داده [illegible] قانونی در عوض [illegible]
[illegible] ایران کرده بودم [illegible] که [illegible] خود [illegible] اضافه [illegible] دیگر [illegible] اقدام
[illegible] حقوق [illegible]
[illegible] آن [illegible] طهران [illegible]
[illegible] که از طرف [illegible] که
[illegible] قانونی و [illegible] داده [illegible] کابینه [illegible] جواب [illegible]
[illegible] نظر نمودند .
[illegible] و چهارم دسمبر کابینه [illegible] که [illegible] کرد
و [illegible] کردن [illegible] نمودند .

۱۰۳۳ انفصال و اخراج مستر شوستر خاتمه بود برای دولت مشروطه ایران -

بعد از ظهر روز بعد که روز عید «کریسمس» (Christmas) (مولود مسیح) بود برای ملاقات رئیس کابینه
وزارت خارجه با من آمد که نامه بفارسی بمن داد که ترجمه آن ذیلاً درج میشود (این نامه برای اینکه در نتیجه عمل از فارسی بانگلیسی ترجمه شده
دالکول در اسناد از انگلیسی بفارسی) - جناب مستر شوستر خزانه دار کل محترم ؛ چنانچه جنابعالی مستحضر هستند نظر بتصمیم هیئت دولت
ذیحجه ۱۳۲۹ از طرف مجلس باختیارات تامه منتخب شد برای اقدام در تسویه و اصلاح مواد اولتیماتوم دولت روس که در اوایل همان ماه
هیئت وزرا قبول آن را داده بود به خلاصه نتیجه آن اقدامات بسفارت روس رسماً اطلاع داده شد (۱)
نظر باینکه یکی از فقرات اولتیماتوم مذکور راجع بعزل و انفصال وجود محترم جنابعالی از خدمت دولت ایران و قطع تعلقات
الحساب از امور مالیه میباشد بوسیله این مراسله از خدمات جنابعالی تشکر ... مالیه امور خزانه داری دولتی
تسلیم آنکه جنابعالی دفاتر خزانه را با ... که برای استخدام دولت ایران
طلبیده شده اند در قرارداد در اینکه بعد برای جنابعالی فرستاده میشود منضم خواهد شد -
نوشته شده ... نفر وزرا را داشت که صمصام السلطنه و وثوق الدوله هم در امضای آن شریک بودند -
در موقع وصول آن حکم عزل که یکی برخلاف قانون بود قبول نمودن یا از سه مسلک ... لاجرم
قبول پاره نمودن ... هیچ جواب نداده ... که ... مسئول اگر
مسلک اخری را اختیار نمودم با حال بی بهانه در ایران مانده بودم ... قانون ...
در طهران ... مستر شوستر ... در صورتیکه ... در موقع آن که
بعد برای خود ... فراهم نموده بودند ... که ... -
اعضای وکلا ... شده برای ... انفصال مستر شوستر ... نایب السلطنه با قسم
خود ... قرار دادن ... اجتماع ... نقطه ... داده
بود ... در طهران که ... قسمت ... در ... ارز ... نظم
بارید ... روس در طهران ... قشون
روس ... مستر شوستر ... نموده بود
بار ... نمودند -

---

(۱) آن کمیسیون که قانوناً منتخب شده بود ... طهار ... از طرف ... مردم که ... تشکیل یافته شده بود
احضار ... شده بود ... صحیح ... که از ... اثر کرده ... می
... است که ... از طرف مستر ... حقیقت دارد ... شده است که در ...
... بر طرف نمودن ... اقدام انفصال مستر نمودند -

بعد از تفکر زیاد و بسیار تصمیم به تاریخ سفر از ایران کردم زیرا که تعقیب غرضی جز همان بود و از ماندن آمریکائیها در ایران
از آن ضرری نباید بماند به ترتیب فوق بایدحکومت شب دوشنبه دسمبر (چهارم محرم ۱۳۳۰) جواب ذیل را به هیئت کابینه نوشتم : ـ

ـــ

جواباً اظهار میدارم مطلب را حاصل میکنم که در خصوص خدمات مستشاری قرارداد به ایران را بالفصل از شغل خزانه داری کل اطلاع
داده بودید بعد از آنکه تحصیل موافقت مجلس را خواستند با شغل و تسلیم آن را به کسی دیگر از اعضای خزانه داری ده نفر آمریکائی که در کار دولتی
که در خصوص اظهار شده بود که در مرحله دیگر از طرف هیئت محترم میتوان خواهش کرد که در مرحله هیئت قسمی قبول داشته و نظر اصلاح عمل
خواهد شد. بالفعل شغل آینده مستشاریهای آمریکائی را به کسی حال لازم مهم میدانست (۱) .
چند روز قبل از رفتن «دی گریمیس» مطلع شدم که سایر نظامی آمریکائی صاحب منصبان ایرانی را اندازی خواهش ملیات را
داری آن خواهش قبلی از ایشان بود که آن اقدامات کابینه که در شب چهارم دسمبر حذف معین نمود اعمال کرد ـ
بعد از ظهر روز بعد صاحب منصبان سربوده را حسب المقرر ملاقات نمودم خواهش نمودم که این طور تصور حدود های تبدیل خزانه داری دولتی
ملیات شود سفارش روز قبل را که برحذف کابینه شده بود نظر خود داشته و نوطف بودم لطف مختصری نموده و بسیار مهم لکن فقط
صاحب منصبان ایرانی باید ملیات شود و باید از هر گونه اقدامات و مذاکرات عمومی مسلح اجتناب و بر حذر باشند با که آن ملاقات و
مذاکرات برملا و در حضور جمعی از منتخب شاملان و ساختمان بوده و خطاب به جمیع حال ایشان را امر باشد نموده بودم در شهر منتشر
شده و شهرت کرد که از اندازه خزانه را طلبیده بودم که بها را مسلح نموده و برای افتتاح مجلس با موکد کردم تقدیر از ملاقات
سربوده سرمیله راح باک ادواه ارهاب و رزا رسید .
شب چهارم دسمبر (دوم محرم ۱۳۳۰) ارهاب حکومت برقی (دایرت الحکومه) در خبر رسید افواج روسی که
در انزلی ساخلو بودند شروع بقتل و عام سکنه نموده اند فردای بعد از آن خط سیم مابین و ملاقات شده و ارد بت قطع کرده
و باب مذاکره مسدود گشت بعد از تحقیق معلوم شد که از اثر کلوله قطع شده بود علاوه بر قتول مرحوم درویش در ارز
افواج دیگر روس را هم نقض و نیز بودند عملا اصلا قتل و عام، قبال در رشت معلوم شد مشهور بود دیکه چند نفر اهالی ایرانی

---

(۱) علاوه بر مستر شارل سکسلی مستر بردین و دیگر که همراهی من بطهران آمده بودند مستر کرنز که در نوزدهم ژوئن وارد شد
آمریکائی تنها که برحسب اجازه قانونی مجلس در اداره مختلفه بنیش بدرست دو قرارداد آنها را نموده بودم وارد شده بودند
مستر لورین پی جوردان (M. loring p. jordon) دراور آرت (M. robert elirott)
سلرائز (مفتش) مستر فرنک جی ویتنی (M frank g. whilney)
مستر پی جی فیتز سیمنس (M p. j fitzsimmons) معاون خزانه مستر جی آن مریل
(M. j. n. Merrill) مستر اسکار پرنس (M. oscar prenss)
مستر جون اف گرین (M. John f. green) مستر ای پی لوری (M. e. p. lowary)
سابقاً صاحب منصب قزاقخانه مستر دبلیو جی اودانوان (M. we. j o donoran)
مستر تورن لی بون (M. turin le boone) مستر دی جی واترز (M. d. j. waters)
مستر دیکی اداره محتسب بر کنار شاد اواخر ماه نوامبر و اوائل ماه دسمبر وارد طهران شده بودند ـ

۱۰۲۳

تقریباً بعد ده شب بیستم دسمبر (بیست و هشتم ذیحجه ۱۳۲۹) به بهانه کشیدن رشته سیم تلفون بیام عمارت مرکز نظمیه (اداره نظمیه)
بالا رفته و از طرف مستحفظین ایرانی از اینکار ممانعت و منع بعمل آمد سالداتها تفنگ خالی کردند صبح روز بعد در بازارها قتل عام شروع شده و تا
چند روز بهمان قسم جاری بود تا اینکه حکومت را اولتیماتوم داد که قشون روس مشغول قتل و کشتار است [illegible] زنان و اطفال و مردم بیطرف را تیر در معابر
میکشتند تقریباً چهار هزار نفر قشون دیگر با [illegible] روس اطراف شهر را محاصره و موجود [illegible] نفر [illegible] در قلعه [illegible] که تصرف بارک آ
ماشینه شد ولی با اینهمه دو روز خانه کسی و [illegible] هیچ برداشتند
(ماه [illegible] اینجه و توپ [illegible] بقدر [illegible] داشتند ولی از طرف دولت ممانعت شد که جنگ نکنند فقط مردم که روسها بارک حمله کردند مدافع
دفاع بعمل آوردند و [illegible] مهاجم و جمعی روس را از آنجا راندند که شرح آن در کتب دیگر [illegible] از طرف دولت ممانعت بعمل آمد که
دیگر دفاع نشد ارک را تخلیه و در [illegible] آنرا [illegible] کردند مصنف)
روسها [illegible] گلوله [illegible] نموده و بسیاری از همان مجروح و چند نفر کشته [illegible] در [illegible] حالت [illegible] تیر [illegible]
و [illegible] جنگ از [illegible] ایران محفوظ نموده و [illegible] در [illegible] کلیسا [illegible] در [illegible] روس [illegible] طهران [illegible] که
قشون روس در زیر [illegible] او بود [illegible] نموده [illegible] جنگ و [illegible] کرده بود زیرا که در [illegible] در آن [illegible]
در [illegible] که [illegible] بود [illegible] محاکمه [illegible] [illegible] محکوم [illegible] حکم طهران [illegible]
روز [illegible] که مطابق با دهم محرم در دنیا [illegible] بسیار بزرگ است در عموم مذهبی ایران [illegible] شماری [illegible] حاکم نظامی
روس در عمارت [illegible] که [illegible] روس [illegible] ثقه الاسلام را که رئیس روحانیون تبریز بود با چهار نفر دیگر [illegible]
[illegible] بزرگ [illegible] بدار زدند [illegible] (نتیجه [illegible] بدار [illegible] دارد [illegible] کنتربری
(Canterbury) یا دیر بزرگ را در روز «گود فرایدی» (good friday)
(که [illegible] دیعدی [illegible]) بدار بزنند [illegible] عکسها [illegible] شدند [illegible] که بدنها [illegible] راه [illegible]
[illegible] بعد روسها [illegible] ایرانی را که [illegible] بدار زده [illegible] «[illegible] طلبی» محروم نموده [illegible] و [illegible] دارد
[illegible] جاری [illegible] در [illegible] بودند یک [illegible] در [illegible] ملاقات
[illegible] که روسها انتقام خود را [illegible] خواهند گرفت [illegible] قطره [illegible] (دیکر است)
از [illegible] کشته شده و [illegible] برآید.
(این روسها در یک قرن اخیر [illegible] را [illegible] مملکت ایران نمودند که هر یک از آنها در [illegible] خود [illegible] ایران
و اسلام در [illegible] است [illegible] صد ساله روسها در [illegible] انتقام [illegible] خود [illegible] در [illegible] برای [illegible]
[illegible] نموده [illegible] مملکت [illegible] دشمنان ایران و اسلام [illegible]
در [illegible] و [illegible] هستند – (ادبی [illegible] را [illegible] که [illegible] کند)
[illegible] ایران و ایرانی که [illegible] آنها را [illegible]
[illegible] که [illegible] اسلام است [illegible]
[illegible] که [illegible] در [illegible] دریا [illegible]
[illegible] فاعتبروا یا اولی الابصار مؤلف)
بسیاری [illegible] از [illegible] روسها در سال ۱۸۷۱ میلادی
(مطابق سنه ۱۲۹۸ هجری در ترکستان [illegible] که اسکوبلف (Skobeloff)
[illegible] ترکمان [illegible] را [illegible] (Denghiltepe) [illegible]

(فقط اسم سیاست که طول زمان است در اینجا جهت عدد معین نیست)

دشمنی ایرانی خصوص را در آبادی در بلدیکری چنک (lilagosout chenk) که واقع در کنار
رودخانه «آمور» میباشد روسها در سنه ۱۹۰۰ مسیحی (مطابق ۱۳۱۷ و ۱۸ هجری) با چنان که عیب خود را در دل
اهالی چین رسید که در آنجا ده در حضور سالداتها و صد نفر را یکجا قتل نموده و از شقیقه تازیانه‌ای ... هر کوچ کردن از منزل نمودند اهالی آن قریه اظهار داشتند
که کسی با یار بر درهای عبور از آن برادر آن مسخره‌ها روسی‌ها ایشان بیچاره حکم رحمت در آن نمودند و بعد قسم تمام اهالی آن را در رودخانه برده
غرق کردند در اضطراب گردید.

با تصادف دستی آخر دفایع سرتوری فتحعلی شهر... یعنی (دونور بمیاری) روس که میگوید «در این حال حقیقت ایست در دست
منقضی ظلم است و باید تمام این ... را شمول قرار داده در زمان سرتاسر برای اغماض چشم پوشی ... خواهد بود» حیوان
سنگدل نیست.

در تجربه و ملاحظه حضرت‌ها باید ملتفت شد که ... روسی با دشمن فرانس در اقدامات سرتاسر هیچ قسم از دعوت خود کوتاهی بجا نخواهند آورد و تحقیق ...
و بیدانش بودن حالت ... حقیقت معلوم نخواهد شد ... شاید از ... منتقم محصول مخطوط ... روسها توجه و اهتمام کامل در توقف
و ضبط اختیار نموده و بلدیات انواع کارها مانند ... با ... کلوله‌های تفنگ کشتن کرده و بعد با انواع ... داغ و شکنجه دستها
و ... رفتار نمودند در ... سعادت و ... دیگر شدند با زنان و اطفال در ... آن ... شدند ... برای اهانت
اهالی روس که خود را حامی امنیت نخواهد بود و دلیل ... است برای ... ایران که ... مطلق و ترس ... خود را حامی ترقی و تمدن
صحیح عمومی و طرفدار ... آن ... شدند.

همان اوقات که ... در بازارها ... رواج و شیوع داشت دفعه مهم دیگری ... در دست دولت ایران که ... صدای سیدی ... ادارد
قشون روس برون ... و ... اشتعال ... برای ... امنیت ... احدی ... برادر اند

(شرح فجایع روسها را در ... که ... تبریز ... نوشتم تصنیف)

بعد از آنکه کابینه ایران ... کاملاً ... تمام ... انقلاب روس داد ... در دست ... واقع شد ... که ...
... در ... داد ... که (... روس که با ایران حمله نموده در ... شد ... خواهد نمود)
در ... روس ... کرده ... بود: که ... که ... واقع ... شد ... قشون ... در صورت قشون ... ایران خارج
خواهد شد.

در ... و ... سابقه الذکر ... واضح میشود که از ... دولت ... که ... قشون روس ... بوده و در ... ها
... خود قرار داده ... که در آن وقت ... دولت ... حمله ... حال ... از ... قوی
... و ... از ... بعد ... بودند.

در ... بیست و ... دسمبر ... (... محرم ۱۳۳۰) رودخانه ... عقب ... دولت
حمله ... نموده و ... رسید ... و ... اداره دولت ... آمده شده ... سلطنه ... را
... ملت ... تبریز ... نمودند ... که ... شدن ... بعد از آنکه ... بود ... خزانه را
... خواهد ... و ... در ... که ... خود را ... خود ...
... نموده ... که ... کابینه ... سلطنه ... که ... که ...
خزانه ... خواهد بود ... در ایران ... روس ... تحت ... کرده
بود ... در ... گمرک ... کنند بعد از ... کابینه که شاید

۱۰۲۶

و شکنجه‌های حلقه جوشان اسیر گلهای دار الی مول دفتر ده خود نهاده و در برف دخل شدن به اتوبیل بودم تا قرار عصر در ده خود مان در بهاها
در بست تا ده قدمی شما طراوت گرد و حقیقت آن خیال از خاطرم عبور نمود که امیدوار بهای ملت سلمان با تحمل بدین هدیه که برای شهر عریس و رفتن از
دست رفته خود در عالم تحمل انواع تصلیت نموده بودند چگونه از سر حمی اقراح که از ملل مسیحی که شهدای شده ملو تر از تیغ کشته وار این
قطع گردید -

ساعت نه و نیم صبح از دروازه قزوین طهران خارج شدیم ستیر وزارت فرانسوی «دشنقر» با ماشین کهنه‌ای در تمام اتوبیل را در دست داشت.
هر کس هر سوئی نخواهیم نمود آن احساسات و انتظارات جز دراز که دفعه از احساسات شوق جمعیت طهران که به سر دم لکار خود مشغول بودند گذشته
و ساده نوشته خاموشی بی صدای رسیدیم و فاقع شد با گذشته نقش قرآن حکوم آورده که نمود از منظره آرزوهای تا قصر کامل اسرا نجد در خیال که اینجا
که گذشت هر روح احساس اسم برگ دفترا نوشتن نماید از روی بسیار دملی سقوط شدیت یا اهل ایران داشتم و شکسته طهران از دو کس انتر در ها طلوع
شد از بیماری از نمایندگان جوزرا نشر فرستاده ز هر کدام اطلاع بدید که جمع لشکری برای وداع های کلمات و فی ملیه شد حوا ابادام رسیل برا و الیه محموس
می جمع شده و مانند ایم ست چنی از خبر لکه که رسید همیشه تنها نه مگذاشتم مجتمع طلوع داد که هیچ مجمعی تا قدول تحویل بود که بدین قسم اجتماع
نماید و شکه اتوبیل‌ها از میان ابهان عنا و غیر انمودند دسته ها زاید از دو خاطر را دیدیم که در از هرگاه حرز مشغول شوق لطافی بودند از کثیر بعضی‌ها
بیحیم تحفار شدند ولی همتی بودند که اگر لطم و ترقی آنها دلخوشند اکثر مانند مقدم دلیر ایران بواسطه نهاجر داشت آن نگردید -

۱۰۲۵

امتحانات مشغول مشغول نباشند بعد از آنکه از سفر در محل لیکا ... اطلاع داده بودم که اگر جهتی دیدند ثابت شأنش بر شغل نکنند خودم هم مشغول خواهم نمود
هفتم ژانویه امور مالیه را به مستر گرنر سپردم که بطریقه قانونی برای تخلیص خود جمع آوری کرده باشم.

عصرا روز خدمت خود را با ... مستر گرنر تعویض نموده و فصول و قسمتهای مهم معلوم گرد و لیست آن را دادم ... اطلاع دادم و حساب آن را که
خودم را راجع به ... بمی ... در خزانه داری ... بمشیر ... سپردم.

چند روز بعد ... از طرف کابینه تقول کرد که باز به مهیای عدم ملاقات سرا دارد بعد از آن حکم قانونی از طرف نایب السلطنه آورد با ...
... شده ولی در صدد ... حکم تصرفی ... بعد با ... از طرف ... که ... در ... خزانه داری ترقی ... نام
اگرچه ... حکم ... در ... نرسید ولی ... شبهه ... که ... حال خدمت خود را ... دادم ... اگر ...
... مسعود ... ولی ... نموده ... به بطلمی کارها ... به ... تحویل منحصر بودم ... از مسلک ... طریقه ... حکم ...
گرنر که تازه زمام خزانه داری را ... گرفته بود دادم.

مستر گرنر ... اطلاع داد که ... حکمت خزانه داری را ... معهود خود ... داده ... تقریبا ... آمریکائیان
بواسطه ... حوالی ایران ... اعتراف خود از قرارداد ... تحقیق نموده ... شده ... مملکت را ترک نمایند.

نهم ژانویه (هجدهم محرم ۱۳۳۰) نایب السلطنه پیغام فرستاد که ... ملاقات ... وداع ... دارد ... و ... میل دارد که در دربار
مرا ملاقات نموده ... از ... تشکر نماید.

روز دیگر در کالسکه نشسته ... دربار رفتم که ایشان حضرت را ملاقات نمایم چون ... سلطنتی رسیدم ... مسدود ... دربار ... مشغول
افسرده دل ... سلطنت ... چند ... فرمانبردار ... شاه جوان ... حرکت ... چون ... حضوری
دربار ... نایب ... مذاکره ... نموده ... برای اصلاح مملکت کرده ... نمودم ... تشکر نمود ... اعتماد
خود را ... ولی ... استقلال ... استقلال ... نظر ... .

ایشان حضرت وعده نمود که ... خود را ... مخصوص ... و ... دیگر ... ایشان ... سپردم ...
... مخصوص نایب السلطنه ... خود را ... صرف نمودم ... اظهار ... نموده ... اظهار
... آینده مملکت ... .

در این اثنا مستر گرنر ... روس ... سرحد ... نمود که ... مسعود ... آمریکائیان ... که ... بواسطه
... ایران ... روس ... قرارداد ... سرحد ... شد ... آمریکائیها ... نمودند
مستر گرنر ... شد که ... ایران فقط ... روس ... نمایند ... اسم ...
... ترجیح دادم.

حمل ... فرش ... صبح یکشنبه یازدهم ژانویه (بیستم محرم ۱۳۳۰) ... طرف ...
... نایب السلطنه «اتومبیل» ... که تازه برای ... شاه ... وارد کرده ... بود ... فرستاد ... همراهان ...
بود ... مستر ... و ... مستر ... (M. Edward Bell) مستر ...
آمریکائی ... طهران ... مختصر ... صندوقهای خود را ... بود ... بود ... تا ... ایام
... گوههای ... طهران ... بحر ... بواسطه ... عبور کنیم.

صبح صاف ... بود که ... طهران ... پوشیده ... شده ... در ... وقت ... روح
... ولی ... مملکت ... ایم ... مستر ... مدتی باقی.

خصائص و خصال نایب السلطنه جدید و خصائص آن

سابقه رقابت احزاب

نایب السلطنه حالیه ایران ابوالقاسم خان ملقب به ناصرالملک ملیباشد که قبلاً از اعیان رجال و تحصیلات عالیه خود را در دارالعلم «اکسفورد» تعلیم
نموده نسبت بنزاکت که از اخلاق های انگلیس ها بسیار دوست دارد و در امور خارجه و استقلال و از مسائل مهمه برد گردن ملیباشد در زمان سلطنت مظفرالدین
شاه در تحت ابو زرائی امین الدوله ناصرالملک بوزارت مالیه مأمور و شاهنشاه در آن زمانه هر دوره را انتخاب ریاست وزرائی خود داشت سپس بحکومت کردستان
مأمور شد قریب چهار سال در آنجا حکمران بود بعد از آن یعنی از زمان شروع حرکات اولیه مشروطیت رئیس وزرا بود و وزارت مالیه را نیز دارا بود
هنوز بعضی از امور وزارتخانه خود را اصلاح و تنقیح نموده بود که محمد علی شاه [illegible] ناصرالملک را حبس نمود و حق قتل بر قرار توسط سفارت
انگلیس نجات یافت ناصرالملک از حضور محمدعلی شاه خلاص گردیده روانه اروپا شده و تا زمان خلع محمد علی شاه و عود مشروطیت در ژانویه ۱۹۰۹
در اروپا توقف داشت چندی پس از آن بطهران مراجعت نمود ولی از قبول خدمات دولتی استنکاف ورزیده و همین قانع بود که میل و اصلاح
اتحاد نموده وزرا و وکلا را از مشورت امداد نماید
چندی بعد مجدداً بعنوان معالجه خود و فرزندش به اروپا مراجعت نموده اندکی زمانی پس از فوت عضدالملک نایب السلطنه قبلی مشارالیه بمنصب نیابت سلطنت
انتخاب گردید هشتم فوریه ۱۹۱۱ (هشتم صفر ۱۳۲۹) وارد طهران گردید که زمام مشاغل خود را بدست گیرد.
از اول دفعه که داخل حضور ناصرالملک ملاقات نمودم ایشان را شخصاً با صلاحیت عالیه و هم کمال سلیم دیدم از اینکه از یاد ما در این صحبت نایم در مدت
هشت ماه که در طهران بودم با ایشان را ملاقات به همینطور که در این مدت به اتفاق ارتباط صحیح با دولت ایران بر قرار نمودم ایشان ملاقات های طولانی متراکم مخصوصاً
در حسب خواهش خود ایشان در مسائل مختلفه مالیه و غیره که در آن علاقمند شده بود از آنها را که اکثراً صحبت نمودم با نایب السلطنه بحث بسیار خوش مختصر تا درستی
بود انگلیسی را بخوبی تکلم مینمود و فرانسه هم میدانست با به تحصیل و تجربه وسیع کامل داشت که مواد اکسفورد از آنکه ملل ایران در کوشش سلطنت مشروطه
مصادف گردیده بخوبی تشریح مینمود
در اکثر صحبت ناصرالملک حافظه خالی بود که از اول با ایشان را مصروف نموده و با روزی که با ایشان ملاقات نمودم حال همچو راه ترک نموده بود که ادامه
امانت سلطنت ایشان موقوف بوده و از طرف شخصهای مخفی مرکز طهران حیات ایشان در معرض خطر ملیباشد
بهر حال در سنه ۱۹۱۰ (ادوار سال ۱۳۲۸) نسبت نیابت سلطنت ایران چون معین شد که عده با اسم اعتدالیون موسوم شده
دفع کرد که سنتی با میل مشارکت و ناصرالملک را پشتیبان و همه آن حزب که محرکانه موسوم به «دموکرات» گردیدند امانت و اصالت را
برای انگلیسی در نظر داشتند ولی اکثریت ناصرالملک را قبول کرده مسلم بود که ناصرالملک معقول از دیگر عموماً و بسیار دارا و دیگر خصوصاً بود و وکلا
میدانستند که انتخاب ایشان به نیابت سلطنت در صلح و حیات مشروطه و امور اداره برای دولت ایران بسیار موثر و مفید خواهد شد ولی قبل از
اینکه بطهران مراجعت نماید بسر مدت عدیده از طرف اشخاص مجهول غیر مسئول با ایشان رسید که در صورت مراجعت ایشان را بقتل تهدید نموده بودند
لیکن علاوه بر اینکه حیات ایشان را مسبوق داشت خیال ایشان هیچ نقصی از آن نمود که در موقعی ایشان کلیتاً سردرگم شد از ابتدای دارایی
و با ترتیب خاص بواسطه ملاقات منفصل تمکین نموده و تغییر شرط هیئات دیگر در قبل از اینکه تمام خود با تدبیر با موقع اجرا گذارده تنقیح
سلطنت تمام شروط مذکوره لازم بود که ممکن باید به «پارتی» ها و احزاب مختلفه منقسم و پارتی که اکثریت داشته باشد کابینه تشکیل
نموده با پارتی که جزو اقلیت است باید در مقابل کابینه معهود «اپوزیسیون» و دستور العمل آنها را اجرا نماید
هر دو شبهه در ایجاد آن ناصرالملک اصولاً صحیح بوده و مجلس هم رای مذکور را قبول نمود در عرض شروط اساسی
قاعده اکثریت و رعایت لوازم بالاتفاق تجربه حقوق بین اکثریت و اقلیت در تعقیب قانونی دولتی امر بسیار لازمی است
ولی از اصول حقوق از اصول سلک «دموکراسی» بی تجربه بود تا چندی خط انفصال سیاسی بین آنها مرتسم گردید فوراً
رقابت شدید بلکه عناد شخصی بین فرقه اعتدالی که از حیث عده دارای اکثریت و حزب دموکرات که معدودی بودند شروع شد

25

۱۰۲۸

اگرچه قبل از این تقریباً تفهیم را ابراز کرده ولی در کلام معنی تشبث داشته‌اند «در یادگارم» (طریقه نمنت اسور) نظم جریان شرط که حکومت منتفع در ایران بشغل بیاید مختار نبود ولی شغله خود را با شرط جواز دانسته و تمام اقتدارات دوایر خود را بجد و جهد معمول داشته در حالتی که در قبضه و حل و عقد همگی مملکت بیان مصادف شد و مصرف بسد بشدند ولی مرافعه و بدرفتاری در فامیلهای فوجی در عملیات حلال راه یافته بود ناصر الملک بدار (مرحوم دوستوس) لیکن تقریباً خراب باریشان کرده مقصود دیگر واقع تاریخ است چون شاهنشاه چالاک بان بسیار درست و صحیح بود ولی در شکنه تهمیشان را دارد که بدفرقه بس و رفیقشان بودند ملاحظه ضعف و نقص بسوء طال خود را امر کرده اگرچه رقیب بر تور برای سر قسمت‌الدلت اسور اوزین بهر تفرقه جمع بود ولی بارها از ایشان شنیدم که از احیاء در رقابتها تحت تأثیر بیها که در مستی بی‌خود بودند بدست بسیار کرده و صلاح منقصه را کار از اسباب عمده منفرقین برضی امور مسدود شدند ولی هرگز به حیات منفعت نشدند که تا چه درجه درجه‌ات بعضی از آن اشخاص خود شان مسئول بوده‌اند.

در اثنائیکه مشغول قبضه کردن زمام مهام مالیات سلطنت ایران از جهت مأمور بجمع نقد و جنس رسیدند تا خیال که انگار قبل بساحر خواهند شد بکلی قوت گرفت دفعه برای منحصر اخراجی در یک از میزان و مهمها بهیچ راه از کارکنه‌ها داده نشد در طایفه سیلی «دمورز» با خود دانسته دنیا را یک از طرایقه متمکن هم دقیق بود.

همیشه زمام جبارات شغل خود را بدست آورد و نوایح عدیده بهمین قرار دادند که اکثر اشیا را خوب فکر کرده و نظر را جلد مدتها بیهمان نموده بودند در نوایح تهران چنین اظهار داشته اگرچه حکمت لیکن فقره بیشتر بان گشته که از همه روز جبارات نایب السلطنه را مسدود نموده که گویا فقط برای صرف تمام مبادا شد ولی بحمدالله دیگر قانون شرط بر آن مبنی مسدود کرده بود رضی دفاع بوده و هیچگونه فقدانی را که مخالف جبارات بسر برده باشند نکار نمودند بطوریکه آن دفتر ملوم هم ملوم هم در تمام هر یک آن نایب السلطنه بوده بعضی از خود را اضافه نموده در دفتر دارایی تا اختتام از آنها نشد در هیچ مدت شک و شبهه نیست اگر سیاست اینها شخص دیگر بان درجه قدرت و با آن احترام نفوذ بیکار آنان داشتند ملول دیدند بهوش تمام نمی‌گذارند اگرچه خود را در نفوذ بی‌منفعتی آن مملکت مدارا کرده‌اند.

در راه‌های اول دور دوم در ظاهر این حال داده کند که نایب‌ها آن دارای اساس نیستند زیرا که مرتفع آن حال صداقت و درستی نایب آن را داد از این حال ممکن بود که کار را سر بتوان تمام رسانید و بهتر آن بود که نایبان اجازه داده بود به «دراردبار» رفته حقیقت سیادت را از دل الفهمید ولی بر دوام آن بود که آن خویشان از بین بردند سیاست انرژی مملکت را داشت.

بعض از وقت که در آن اسرار ایشان تخت نشیند که چند جلسه فریب سیاسی در صحن مجلس ایشان بعضی از اعضا بکابینه داخل شدند: — عده از وکلا را بعبارت خود طلبیده و پیش از شیوع شرط و نطق در عدم قابلیت و قصور آنها از تخت سلطنت حضرت ایران اظهار داشتند که اراده قبض را دارد نایب السلطنه در او خرشتاسپ (اواخر شوال ۱۳۲۹) قبل از آنکه سالارالدوله الدوله القوم بجانب تهران حرکت نماید چند نفر از وکلا را خصوصاً از فرقه «دموکرات» با در عمارت سلطنتی خود در شهر که واقع در خارج طهران است طلبیده و پس از قرار این اراده اظهار داشت و گفتگوهای بیانات که هیچیک شیئه خود را اظهار نموده و با وکلا اظهار داشتند که «جز آن نمی‌کنند و خود را بزرگ می‌کنند» حضار جواب دادند که ایشان بحرف اینکه ارکان مملکت روح تست و طبیعت سادر باشد ایشان را گرفته و از احوال داده‌اند با اینکه آرام گرفتند در ایام دیگر از اهالی ما چند نفر از وکلا را اغتشات دهند در منزل خود در عمارت مجلس طهران طلبیده پیش آوردند وکلا شروع به گفتگو صحبت نمودند از «ارتجاعی» (اقدامات) که در روزنامه روسی «ردیچ اسلوو» در روزنامه سمی روس بایشان اعتراض نموده و شایعه داده بود و الحضرت اظهار داشتند که آن دروغها را دموکراتها بایشان نسبت داده‌اند سلمان میرزا اسدر نماینده دموکراتهای مجلس که حاضر بود نوشته از جیب خود بیرون آورده بلند برای دموکراتها در ورای نایب السلطنه در آن تشریح داده آن از تحقیق مسائل عقیده را آنها نوشته که نایب السلطنه سؤالی نوشته کافی نیست باید علنا اعتراف کنند که آنچه در (روسکی اسلوو) نوشته شده دروغ است سلمان میرزا جواب داد هر گونه این عبارت را نخواهیم کرد الی بلند کار نیست دموکراتها بلند باید نایب السلطنه از آن جواب ارجاع طبع صحیح شده و با دست شیئه خود را کوبیده گفت در شما ها نخواهید سر بلند پیر خواهند کرد من ایشان را خواهم فرستاد ادارات خارج از آنگونه هر آنکه که شما نکرده اید ما دست بازی از اشرار اطاق بیرون گردید

هیأت سلطنتی خود را طلبیده و مسوده استعفای خود را نوشته و در آخر آن ورقه این جمله را اضافه نموده (ما هم حق استعفا میکنیم که دیگر کارها برخلاف میل
بوده و از من تنفر دارند) لیکن از آن بخاطر میگویند که : تمام شاهزادگان و اعیان باید که کسی متعرض وی نشده با از این مملکت خارج شوم)
چون وکلا و وزرا و غیره از افکار انکار نمودند هیأت سلطنتی برخواسته که از مملکت خارج شوند کالسکه خود را با اسب بستند و طلبیده ولی مردم ایشان را اتفاقاً
داشته و در حضور ایشان داد و فریاد بر زدند بعد از لطف سید بعد از ساعت بعد از انجام این گونه حرکات در فراز حول آن مجمع سرانجام متفرق شدند.
(ناصر الملک برای هیأت سلطنت بسیار ... نایب السلطنه ایران ... اراده دارای ... مملکت لازم داشت که شد و با قرار داد نمود
و مادام که در ... قابلیت ایشان ... ولی حیدر ان دو ... در بعضی موارد ... اهم بر شاید ... هیچ خیر را مخاطر
نیاوردند مگر اینکه بعض شخص خود با ایران ایشان داشت معتمد)
نگارنده ایشان از مجلس و وزرا این بود که با هم بخواهند که ... را فرنگ ... کنند و حال آنکه حال خود ایشان این بود که خود نایب السلطنه شد
مادام که در کمیسیون ... عموم ملت ... دشمن ... محترم ... حال ... که ایشان ... از ... در فکر ... بخصوص ... قصد
خود نموده و اینها ... با ... اهتمام گرفتن کارها ... بعهده خود گرفته بودند.
هیئت کابینه و مأمورین طبقه اعلای قوه مجریه که در زمان توقف در ایران با ایشان مصادف گردیدم با نمایندگان قسمی از خوبی بروز ظاهر می‌نمودند بسیاری از ایشان
مردمان ... کاملی و بسیار زیرک بودند ولی عموماً دارای عیوب خود بودند ... فقط در فکر ... شخصی بودند اگر ... ایشان بسیاری از آنها بودند
خیال دیگر را ... اهتمام ... تحت نظر ... طبقه حکام ... ذخیره نمودن ... خود را ... قرار دادن ... نموده
و شروع داشت ... طبقه ... اتحاد طبقه ... اقتدار
داشتند و ... میشد ... بدان ... که ... وارد نماید.
اما وکلای مجلس ایران از قسم دیگر بودند بعضی از ایشان از طبقه زرگان و اعیان معمول بوده ولی اکثر ... وکلا از حیث ... و ... بودند
بسیاری از آنها قانون و طب خوانده و عده قلیلی ... طبقه ... و ... هم ... در ... حال ... بود ... نموده بودند که
اهمیت ... ایشان ... شده ... فقط ... حقوق ... عقیده صریح و
بها ... که در ... قسمتی ... خود را ... استقلال ... در ... سد ... بند.
اگرچه راپورت‌های مختلفه در باب مجلس و ... داده شده ... ولی ... یک ... تجربه ... مشکل
ولی یک سبب که بعضی اوقات هم دلیل صحیح ... خود ... که ... قطع ... کلمه ... ایشان ... را
مگر ... که ... بعضی ... که ... در ... ملت ... شدید ... در باب ... و ... خود را
اجرا نموده ... که ... التزام ... منتج ... الحکم ... باشند.
عقیده شخص من این است که هیچگاه در تواریخ عالم دیده نشده که ملتی با ... این دفعتاً ... سلطنت استبدادی ... حکومت
مشروطه (حکومت ملی) تبدیل کرده ... و ... ملی ... آن ... نموده ...
هیچ شخص ... که ... جدی ... نموده ... ملیتی ... این ... اعضای مجلس اول ... خود ... که :
«پارلمان» ... شد ... که ... نماید ... شاه ... که ... بود ... مجلس اول ... بود
... که ... مجلس ... اصلاح ... قانونی ... که ... دار ... که
ایشان ... شده ... ایشان ... نماید.
اعضای مجلس ... که ... ایشان ... در ... آنان را با
... «پارلمان» ... «کنگره» ... که ... حکومتی ... حد
تجربه نموده ... در ممالک ... دیگر ... تجربه ...

۱۰۳۰ ممکن حقیقتاً انعکاس حالات و احساسات اهالی در صدر محققاً مهم این است که این یک نکته مهم است زیرا که اهم باید بنمود فقدان علم و [illegible] دهند
بعد انتخاب این ملت ایران بود فقط اعضاء آن از حیث ترتیب و تحصیل از درجه و وطن‌پرستی بود نقص ایشان [illegible] مخصوص و [illegible] قابل تجدید از
نمودند [illegible] حال عقده [illegible] که ممالک [illegible] توقف در [illegible] خود [illegible] نموده [illegible] که دولت [illegible] را [illegible] محکم [illegible]
استوار نمایند و فقط همین در [illegible] بلند است و اهمال در [illegible] را عوض داده و از فرد [illegible] مملکت خود [illegible] و مخصوصاً از [illegible] ملک [illegible]
[illegible] بنمایند و [illegible] باشند [illegible] صادق [illegible] همین مقصود بوده در [illegible] که [illegible] وطن [illegible] بنمایند [illegible]
خاطر نمایم [illegible] اگرچه علم صحیح در [illegible] به [illegible] و اینست [illegible] احساس کرده [illegible] که اعتماد کامل خود را
[illegible] ایران [illegible] اظهار نموده [illegible] این [illegible] ایشان خائف بودند [illegible] در صورتیکه [illegible] ایران [illegible] (امریک) و [illegible] خود را [illegible] نموده
و تحت سعادت و بهبودی ایران کار کنند.

هر بار [illegible] که [illegible] مملکت [illegible] شنید [illegible] ایران [illegible] که اهالی آن مملکت هم حدود خود را [illegible] و احضار آن [illegible] هم [illegible] حفظ [illegible]
و [illegible] باشند

در کار [illegible] اگر [illegible] جمیع [illegible] که در [illegible] که [illegible] مامورین [illegible] از [illegible] طبقه [illegible] خود
و خود [illegible] فقط [illegible] بود [illegible] مسئله [illegible] بود که [illegible] که اهالی ایران را از [illegible] و تعلیمات
[illegible] با حقوق [illegible] که [illegible] فقط باید [illegible] بود که [illegible] که [illegible] باشد [illegible]
[illegible] مشروطه [illegible] ایران [illegible] شد [illegible] ایران از آن [illegible]
که [illegible] را [illegible] که حقوق ملت [illegible] آن [illegible] خواهد شد.

[illegible] در اهتمام دادن [illegible] و وظایف [illegible] خود [illegible] حقیقی [illegible] را [illegible] ولکن هم در بعضی [illegible] در این [illegible] نموده [illegible]
[illegible] زیرا که [illegible] هم از [illegible] و [illegible] بود [illegible].

اگرچه [illegible] ایران [illegible] باید [illegible] کامل [illegible] در حقیقت [illegible] از [illegible] ایشان را که در هیچ [illegible] در آن مملکت
و خود [illegible] ایران [illegible] آن [illegible] که [illegible] مشروطه را احاطه نموده بود [illegible] در [illegible] و اقتصادی [illegible] نمود
[illegible] در [illegible] واضح [illegible] روش [illegible] در [illegible] تعلیمات [illegible]
[illegible] را [illegible] دارد [illegible] که [illegible] فوائد [illegible]
در [illegible] که [illegible] بود که [illegible] را [illegible] نموده [illegible] خاطر [illegible] دولت
[illegible] شده و [illegible] را [illegible] دل [illegible] را [illegible] تصرف
خود [illegible] در کار [illegible] مجلس [illegible] صدد [illegible] حفظ [illegible] مانع
حقیقی واقع [illegible] بود [illegible] که [illegible] در ایران در [illegible] خطر است.»

[illegible] کردن خصوصیات اهالی ایران [illegible] که [illegible] اهالی آن مملکت که [illegible] از [illegible] قتل و [illegible] از
[illegible] از [illegible] در [illegible] هزار [illegible] ایران در ممالک [illegible] و تحصیل نموده [illegible] تحصیلات در
مملکت خود [illegible] کامل [illegible] بود [illegible] ایشان عموماً [illegible] بوده [illegible] احترام [illegible] طبقات [illegible] ایران [illegible] تحصیل
کرده [illegible] ایشان [illegible] عموماً [illegible] در [illegible] خود را [illegible]
[illegible] با [illegible] و با وجود [illegible] از [illegible] در [illegible] که [illegible]
[illegible] که [illegible] طبقه [illegible] در [illegible] ایشان در طرف [illegible] از
[illegible] ملت [illegible] ایران [illegible] در [illegible] مشروطه [illegible] کرده شد

۱۰۳۱

که سلطان تیم ظاهر شده دیابک بی حقوق در مضمون توران دوران آخر ظهور دگربار ز بیگانه شکست در طرف آزاد بسیار خواهد
ملت ... بی‌ظهور که کلمه ... شمار نشان دادند که ... از آن آزاد ... در ایران ... خود حاصل نموده از مملکت واقع حاکی ... نبرد و ... ایصال
حقوق ... کرده ... شد ... که ... تحیح ... از همین ... سر راه ... کنند ... عصر ... شده ... ترقی
... «ریزون ترک» (عثمانیان) را بر دیگر ... در همین ... جمهوریت ... شرق ... بیدار شده ... آن
... مانع شده که ... بیدار ... آزادی ... که ... بیدار شده ... انجامید
خود اند ... در راه ... است -

سیاست دول اروپائی در ایران

میدان دیپلوماسی ١٩١١ اروپا سیاست انگلیس و روس معاهده پوتسدام اسناد سری روس و آلمان که تابع قرارداد ایران از حیث
هواداری جمع عمومی و صحبت سیاستمداران انگلیسی بحرانهای معاهده انگلیس و روس .

(از ابتدای انقلاب و هنگام مشروطیت ... که برای سیاست و بخصوص آن عاقبت ... سرحد را در این همه پنهان کرده)

در ایران انگلیس تازه ... ظهوری پیدا کرد که اظهار روس و انگلیس خواستند سلطنت صوری در ایران تشکیل داده تا از الفاظ که در ایران شایع می‌شود در
الفاظ را دلیل عالم ... دیپلماسی تفسیر باشند

خلاصه سند یکم مارس ١٩١٢ (اول ربیع الثانی ١٣٣٠) که بعد دیگر از طرف ... در روزنامه « تیر شست » مشرق
اقصی درج شده بود و روس توسط ... که لازم بود فقط اسم سلطنتی در ایران بخواهند خود را از هر گونه تسویه ... در ... کرده و دیگر انگلیس نمی
سلطنتی باید و کامیاب شده از آن سلطنت را مفتوح می‌نماید .

عقیده شخصی من این است که خوانندگان (انگلیس و روس) تشخیص می‌دهند که از سیاست هر قسم و اقدامات ایران کتاب یافته بحث دیپلوماسی
در آن بخواهد بود ولی این عالم از طرح این سیاست سوی کاه دو مطلع شده اند ... که راجع به ... اینست اگر ... دیگر ... خود
هر قسم ... رسمی ... در اطراف ... محض ... و نتیجه بخواهد کرد حقیقت امر این است که ... انگلیس و روس در این قرون وسطی ... ترد ...
با هم با هم چند دلیل مشهور ... « پرنس » (le prince) تصنیف ... ایتالیائی (M. Macchiavelli)
... در این باب است (١)

... پیدا شد ... آنها ... دست خود قرار داده ... اسقر ... بوده و آن سلطنت را انگلیس اراده وارد کند
و حکام ... قبول نکنند ... تحویل بدهند (٢)

... عموم انگلیسیها ... خورده باشند ... واضح ... است که از ... سیاستمداران دیگر
... که در ... در ایران تحت ...
جواب ... چند کلمه بود « ... » یا « ... » خواه ... از روس « لیبرال »
(آزادیخواه) ... « ... » (...) سیاستمداران دیگر ... استعمال نموده که تا
... گردیده است (٣)

... که امور خارجه ... در اسم ... که مکرر ... و ...
(لیبرال) ... جواب آن ... سیاستمداران ... در ایران استقلال ... و ... خارجه ...
دارد ... که ... سیاست خارجی حکومت « لیبرال » ... عمومی ... شود ...
... خواهد آمد (١)

(١) ... که ... شده ... می‌باشند

(٢) ... اسقر ... که از ... عیسی بود ... از ... آورد ... حضرت ... داده ...
... خصوص ... تسبیح ... در صدد ... اول ...
... آنها ...

(٣) ... این سیاست ... دنبال نموده ... که ... واضح ... گردید

(۱) چقدر بسیار خواهد بود که نتیجه این رای عمومی از خود حزب «لیبرال» سؤال نمود.

در انتخابات لندن که رئیس سرویس و سعدآباد [illegible] ایران را [illegible] داد بحران [illegible] [illegible] منتظر بودند [illegible]

رسیده و آن حزب چقدر کلام در آنجا حاصل نمود. آیا کدام امر بود که آن کمکش [illegible] را [illegible] داد که [illegible] از خاطرشان محو گردید.

باید این سؤال را از «آدمیرال» (امیر البحر) می نمود که فرمانده و [illegible] جهازات [illegible] در دریای شمال اطراف [illegible] (؟) تشکیل

بود در موقعیکه [illegible] صبح در [illegible] «[illegible]» [illegible] اولی [illegible] «[illegible]» [illegible] کشف نمود

در [illegible] جهازات [illegible] موافق قواعد فنون [illegible] صف آرائی نموده و «[illegible]» ها [illegible] جهاز [illegible]

[illegible] اول [illegible] حرکت [illegible] نموده [illegible] حمله [illegible] بودند.

[illegible] طبقه [illegible] انگلیس [illegible] سؤال نمود که [illegible] خط سیر جهازات [illegible] از [illegible]

خود [illegible] شده و [illegible] از کار [illegible] گردید.

از [illegible] روس [illegible] سؤال نمود که آیا از «[illegible]» [illegible] که معاهده [illegible] انگلیس را [illegible] نقض نموده و از صورت وقوع

[illegible] انگلیس [illegible] خواهد بود که [illegible] حقوق ایران [illegible].

سؤالات [illegible] صدق و [illegible] جواب داده [illegible] که [illegible] روس در [illegible] نمود و [illegible] معلوم

خواهد شد آن اقوال [illegible] ایران [illegible] روس [illegible] نموده [illegible] انگلیس را [illegible]

[illegible] ایران [illegible] روس [illegible] ایران [illegible]

[illegible] و حقیقت [illegible] که [illegible] روس [illegible] استقلال سلطنت [illegible]

ایران از [illegible] در سال ۱۹۰۹ [illegible] کتاب [illegible] خواهد بخشید.

[illegible] از [illegible] ایران [illegible] داده است که [illegible] در مملکت [illegible] وارد نموده

در [illegible] آن مملکت را [illegible] تمام کرده [illegible] نموده [illegible]

در [illegible] سلطنت [illegible] خود را [illegible] «[illegible]» که [illegible]

[illegible] نموده [illegible] آیا تصدیق خواهد بود که [illegible] و [illegible]

با موافق حقیقت [illegible] است.

آیا دیگر هیچ [illegible] که [illegible] خود را [illegible] روس [illegible] معاهده [illegible] واقع شده [illegible]

در [illegible] خواهد شد.

[illegible] در [illegible] انگلیس [illegible] که [illegible] برای [illegible] در آن مملکت [illegible]

[illegible] مملکت [illegible]

[illegible] مملکت [illegible] (Anthony hope: ruritania)

[illegible] مملکت [illegible] آن است [illegible]

[illegible] انگلیس [illegible] است

(۱) [illegible] عمومی [illegible] که [illegible] در [illegible] سال [illegible]

[illegible] اوراق [illegible] آن [illegible] گرفته [illegible] خواهد بود

۱۰۳۴

اینهم در صورتیکه بر کشتی‌های مسافری بحری خویش تا منتها الیه آسیا (سکه دریائی) انگلیس بوده و بهترین قبال و فرانس در آن دیار دلال از
هدایات عمومی مبنی جنبه‌های ایشان از جنگ و کشتارها ملیات شد در صورتیکه تصرف شش سلطنت دشمنکاران انگلیس در آسیا دائم است
هیچیک از حامیان حالیه آنان برکه هست و فرانسه حالات بصورت شرقی را اشغال نکرده است.
در زمانیکه اتحاد انگلیس و فرانسه تحت کوشش (لرد لندس دونه) (lord lansdowne)
در سنه ۱۹۰۵ انعقاد یافت در سلک خارجه پالیسی انگلیس تغییرات بسیار راه یافت حقیقت عقیده آن مدبر سیاسی آن بود که انگلستان
باید از آن حامی انفراد شعشع خود خارج شود در روز که سیاسیات بالمرحل از اروپا داخل شود در کدام جهان اکثر العالم هم از تمر تجارت
انگلیس قوا بحری باید همین لفظ نظر داشته باشد
در زمانیکه حکومت (لیبرال) در انگلستان اکثریت حاصل نمود دولت انگلیس از جای مواقع دیپلوماتی پیچیده خارجی از «در اروپا» و «در آسیا»
برکند و در موقعه جنگ روس در اول دولت روس را در دل سنه ضعیف نموده در این جنس حالات جنگ و ترقی دادن صنایع و تغییر راه آسیا
خود قبول لازم داشت و فرانسه هم در سفری (تا شرق) قرار سیستم در دید داشت مدبر روس مجری شده و رای داد که اگر
حرکت انگلیس از روس تقویت نموده و سیاست ترتیل را در خط سیر که برزد و سلک خود خواهد کشید چرا ما جهت که قوا انگلستان رو به
تزاید گذارده و اتحاد انگلیس و فرانسه هم تابع کار آن جوکرد از طمع و منافع انگلستان تصور نمیشد و از روس که در واسطه جنگ ضعیف شده و اتحاد
ماند دیش از انگلستان در سال آلمان بهمان نتیجه را مستحکم که از اتحاد با فرانسه در جنوب مقصود نبود لهذا کار در طرح حالات مدبر سیاسی
و بعضیها گفته اند که اتحاد سه گانه برای محدود و محصور ساختن آلمان بوده است ولی بار خود ایشان هم انگلیس را منفعت و احساس نموده بود
منافع ساده برای ادای آن نقشه رسیده و در آنها هم ملاقات انگلیس و روس تصفیه لازم داشت نتیجه همان معاهده انگلیس و روس شد
که در سپتمبر ۱۹۰۷ انعقاد یافت سرادوارد گری امیدوار بود که توسط اتفاق معاهده مزبوره با موازی و فتح از تشکیل تنها را ارهای
حدود برقرار برادر جانبه رایج و معمول است از بودن اغراض محققه از سواد آن معاهده انکار نمود بنابر هم حقیقتا عوض روس تصفیه است -
آن معاهده مزبوره مسائل مختلفه مهمی را که در آن قسمت آسیا بین انگلیس و روس محل بحث بود تصفیه نمود یعنی! ولی نه از اراضی مدت بعدی
زمانیکه آن اتفاق مثلث (اتحاد ثلاثه) در شرق ممکن بود انها اتفاق حواس برده و احساس نمودند که آن اسحان وحریف و خود دخترها
اکثر بنیان انگلیسها خاصه در اروپا ارتباط و مساعیت با انان در آسیا تغیر برکنار خاطر انها انها بوده انها نتیجه منظور در تحصیل ما می
نعمت بهر عثمانی دارد در سیاست خاصه منفور «دیپلومات» آلمانی بسیار با هوش در ترکیه در قسطنطنیه بود که اسمش - بارون مارشال
فون بیبرشتین (baron marschall von bieberstein) بود بسیار زیاد کوشش
بسیاری برای تحصیل امتیاز راه آهن بغداد بجهه آلمان نمود (۱)
امریکائیهم عنقریب منفعت خواهند شد که قطعه او تعلق یافته است با تعرانکه حتماً در «دانلی» داخل خواهد شد
ادمیرال شستر (Admiral chester) و شرکائش مشغول بودند که امتیاز راه آهن در مملکت عثمانی را برای امریکا تحصیل کنند
و نیز هم با فون بیبرشتین مصارف شد تا نفوذ انگلیس با خیدپال هلی در قسطنطنیه بر پایه بنیه داشت ولی اکنون حالا ایشان فایق شمار شد
و نفوذ آلمان تمام ممالک عثمانی را احاطه نموده است عقیده خود عثمانیها این است که آلمانها مانند در وقت سقوط تنزل نموده و نه از حرکتی
واهمه دارند.
بهر حال آلمان در شرق وسطی شروع با اقدامات و عملیات نموده بود که در ماه نومبر ۱۹۱۰ امپراطور روس در «پوتسدام» با
امپراطور آلمان ملاقات کرده و معاهده «پوتسدام» نتیجه ملاقات گردید معاهده مزبور قطع معاهده پیشین بود حاصل آن را نوشته اند
تعدادی عبارات مختلفه رسانیده امانامه نجات داده بر نتیجه همه کس طلبیدند بر تحویل نتیجه آن معاهده انتقض شد و در وسط تمام آنها لغات
و اعراض ساری در تصمیم معاهده مزبوره با تغییر سواد آن نموده است خبر آمد تعرض تحقق در کار است

(۱) در بعضی از جراید عربی گمان کرده بودند که آن دیپلومات معروف در زمانیکه در مملکت (سفر کبیر) آلمان در لندن بوده است.

1.35

زیرا که وزرای خارجه روس و آلمان بعموم مردم این قسم وانمود کرده و سواد قرارداد که بر این مضمون بود را بهارستان بعکس اطلاع داده است -
اگرچه از این بابت کاملاً در سواد آن عهدنامه انکار برده شده ولی چنین بخاطر میرسد که حقیقت آن قبل از وقت بر پیترسبورغ واضح و مکشوف شده بود -
چهارم ژانویه ۱۹۱۱ (مطابق دوم محرم ۱۳۲۹) بارون مارشال فان بیبرستین در مجلس عالی اظهار داشت که معاهده پتسدام
روس و آلمان فقط راجع بکشیدن راه آهن ایران و اتصال آن راه آهنها خود میباشد -
مواد دیگر که رویهم رفته و منتشر بعموم انتشار داده و مذکور میشود بطوریکه ذیل است

1 اولاً هر یک از دولتین آلمان و روس متعهد میشوند که از اتحاد با هر دولتیکه اراده متعدی و حمله نسبت بدیگری داشته باشد اجتناب نمایند (۱) -
2 ثانیاً آلمان اعتراف نموده و تسلیم دارد که ایالات شمالی ایران داخل در منطقه نفوذ روس است و متعهد میشود که دولت روس حق دارد جمیع امتیاز راه آهنهائی که دولت ایران در این حدود بدیگران داده یا بدهد مطالبه نماید -
3 ثالثاً هر وقت امتیازی در شمال ایران بعنوان حمایت از مسلک روس بمصرف خواهد رسید برای کشیدن خط راه آهن از طهران تا خانقین سرحد ایران و عثمانی سهمی از سرمایه آلمان قسمتی از سرمایه روس بکار برده خواهد شد ولی در تحت نظارت صاحب امتیاز روسی -
4 رابعاً روس اعتراف و تسلیم میشود بفوائد تجارتی آلمان را در شمال ایران و ضمانت میکند که هیچ قراردادی مسلک «[illegible]» در منطقه نفوذ خود -
5 خامساً روس تسلیم دارد بحقوق و فوائد آلمان را که در امتیاز راه آهن بغداد بماریه داده شده است و ملتزم میشود که دست بسعی نفوذ را برای اشکال در آن قید کار نبرد -
6 سادساً آلمان متعهد میشود که یک خط راه آهن بغداد با خانقین سرحد ایران احداث خواهد نمود که خط بغداد را بخط خانقین و طهران روس و آلمان و خطوط دیگر در شمال ایران که تابع روس میباشند اتصال خواهد داد -
در ملاحظه بعضی مسائل دیگر راجع بتجارت حمل و نقل مال التجاره از خط راه آهن بغداد و خطوطیکه در شمال ایران بین دولتین منعقد شد [illegible]
و حصول نموده از آن معاهده و تجارتی ملتزم [illegible] کشیدن خطوط مزبوره بقیام نرخ کرایه و تعرفه حمل و نقل صادرات [illegible] در شمال ایران
سهل و آسان خواهد گشت و از الطرف هم راهی برای حمل و نقل [illegible] با سیاست صنعتی و «مدیترانه» باز خواهد شد و ضمانت برقرار
داشتن ([illegible]) [illegible] حقیقت [illegible] -
[illegible] که در آن عهدنامه [illegible] فقط [illegible] -
[illegible] از مواد عهدنامه [illegible] و اضح و آشکار [illegible] روس [illegible] ۱۹۰۷ روس و انگلیس [illegible] -
[illegible] مملکت روسیه خطه بسیار وسیعی است که یک بندرگاه ندارد که در زمستانها یخ نبندد یعنی تمام طرف بنادر روس در زمستان بواسطه یخ مسدود
میشود) از یکطرف تمام بنادر «بالتیک» در تحدید است و از طرف دیگر «ولادیوستک» که در ساحل دریای ژاپون واقع است [illegible]
هرگونه حمل و نقل [illegible] منفعه میباشد از وسط مملکت هم بنادر یکه در سواحل دریای سیاه واقع است [illegible] عبور تجارات
[illegible] مسدود [illegible] «[illegible]» [illegible] واقع شده بود
ولی [illegible] دریای [illegible]

---

(۱) اینهاییکه از کلمه متعدی مستفاد میشود موافق مسلک و عقیده دیپلوماسی است .

۱۰۳۶

در سال گذشته آلمان در خط راه آهن بغداد محصور است چرا که محصور شده‌اند که هر وسیله یک باب چند عدد در جاهای دیگر برای خود درست کنند یا در تمام سال‌ها نتوانند جهات جنگ خود را در هر نقطه که بخواهند و اراده نمایند پیدا کنند -

در خلیج فارس باید جنوب و سعد ... باشند بعضی از آنها هم از منطقه نفوذ طرف واقع شده است خود خلیج هم بی‌طرف تمام خواهد بود -

حالیه سؤال است که حرکت آلمان مجرا به روسها تحریک و شرح نموده که در شرق وسطی نفوذی نمایند خانه خراب‌شان را به نفوذی در شرق اروپا و هر چه از آنها هم در مقابل دریای «مدیترانه» به افریقا چه تحت عرض آلمان شده که آنها را در نقاط مختلفه مشغول در کرم نمایند یعنی هم اقوام و دول نظامی و هم همسایه‌ها را اراده که خودشان ملل تابع و ملل ضعیف ترقی نموده در ترقی حرکت آزاد کرده.

عقیده بعضی‌ها این است که مشترکاً نفوذ و سلک سیاسی بی‌طرف با تکمیل قوت خارجی در کار است و در هر نقطه که آنها در «آسیا» نموده آنها خوب است با آنها کرده و خواهد کرد -

اگر فرض بود که در «کنفرانس» (Conference) (میسیو سورت) «پوتسدام» اتفاق و مسابقه محضر مطابق مواد ذیل واقع شده باشد نتیجه چه خواهد شد :-

اولاً روس با وجود اینکه به سلطان تمام معرفی ستاره ۱۹۰۷ روس و انگلیس تعهد کرده که در صورتیکه آلمان در جای جنگ انگلیس بود اقدامی که باعث پریشانی آلمان شود ننماید -

ثانیاً آلمان هم نفوذ و تجارت روس را در ایران (نه تنها در شمال ایران) تسلیم نموده و حقیقتاً بطرق دیگر حرکت روس را در ایران تا که ... قرارداد و قید از خود ملاحظات کند -

ثالثاً چون روس متعهد و اتفاق نموده باشند در امتداد خط راه آهن بغداد با خانقین سرحد ایران و همانجا در اتصال آن خط راه آهن دیگر که آلمان از خانقین با همدان (در ایران) خواهد کشید و از این طرف حرکت با خرم آباد رفته و از دزفول و کارون گذشته با اهواز و محمره که تقریباً خلیج فارس می‌رسد -

رابعاً روس تعهد کرده که امتیازات لازمه فوق را از ایران بگیرد (۱) -

در صورتیکه مواد مذکوره فوق جزو فصول قرارداد و معاهده سری «پوتسدام» هم باشد آیا برای دولت انگلیس سود و اضافه خواهد بود در ملاقات لسا سطوعسکه رجب تواهی مواد وارده که در قوه گذشته شنیده نشد ما را به که نموده هم سؤال را آزاد کرده و لیکن ما را که شنیدیم جواب آنرا در اینجا ذکر نمود خاطر رسید سابق (lord holdene) که پیدا حالا بی وزیر جنگ ورود پس از ملاقات «پوتسدام» با دولت آلمان هم در آلمان رفته -

اکنون مساعدت این نتایج شغعی که از معاهده روس و انگلیس ناشی شده است تشخیص به صا معاهده مزبوره ملاحظه پس از اتحاد انگلیس و فرانسه آلمان را مرد از رونق ساختن کردانده و عیب معاهده «پوتسدام» شده نقصان از معاهده «پوتسدام» که راجع با انگلیس است جمع داده شعبی را که سرازیر و از دیگری از معاهده با روس در نظر داشت معدوم کرده و خواهد غیر ممکن دیده و قتی شده نقصان ایران را منطقه‌های نفوذ برای روس با عطای کردن روس در حقیقت قسمت حصه بسیار «تعبیر تشنه و لب در داری» را برد دار که خود هر آن است که از روس اتحاد تازه برای آلمان «که هم مگر دلیل دراز و یا با حق بود که روسها آزاد و ملاحظه داشتند» کرده است در عوض آلمان هم با این سیاست همراهی و مساعدت بخصوص دیگری را با روسها متعهد و متقبل شده است که حمایت از «سلک نفوذی روس در آسیا نماید»

آیا در این حالت با انگلیس برای حرکت آلمان چه خواهد بود

(۱) سیر ادوارد گری در جواب سؤال در اجلاس مجلس در بیست و چهارم دسامبر ۱۹۱۱ که راجع بر بنیش و سؤال از قرار نفوذ روس در نقاط داخله شده ملک نفوذ و تردید نخواهد بود -

۱۰۳۷ حرص انگلیس از این اسناد نه فقط نمایان شده بلکه بخوبی فهمیده خواهد شد معنی این است که خلیج فارس که لرد کرزن در سنه ۱۹۰۳

برای یکی از آن زحمات زیاد متحمل شده از این به بعد منحصر و محدود و تحت اختیار بوده یعنی از انحصار و اختصاص اولیه خارج می‌شود لرد کرزن پس در بیانات

خود چنین می‌گوید منافع ما «انگلیس» در خلیج فارس علاوه بر معاملات [illegible] که کرده‌ایم مربوط به امور سیاسی است منافع ما از نفوذ و اقتدار

و نتیجه زحمات صدساله گذشته و سرمایه که در اینجا صرف نموده‌ایم مقتضی تجارت [illegible] نظمیه و محفوظ داشتن قوه بحری در خلیج فارس

و [illegible] سیاسی در اینجا لازم است علاوه بر همه اینها خلیج فارس یکی از سرحدات بحری هندوستان است و قطعات [illegible]

است هندوستان می‌باشد.

معنی معاهده «در پوتسدام» با مرحوم [illegible] این است که انگلیس راه آهن بغداد و امتداد آن به خلیج ایران راه آهن کوتاه تا ما را محصور خواهد نمود از

شرق با آلمان از اینجا اقدامات واضح می‌شود که حکومت آلمان در «[illegible]» که [illegible] «راه دور» [illegible] دائره اطراف هند

و [illegible] رسیدن و حرکت دادن قشون [illegible] است.

یکی از نتایج تسلیح [illegible] و در همه آن «[illegible]» [illegible] که روس‌ها [illegible] خود [illegible] نموده که انگلیس نخواهد [illegible] از باز

شدن راه خلیج فارس و با آنکه در این معامله [illegible] کند اگر [illegible] بنادر [illegible] در این خلیج (با این منطقه بحری انگلیس)

[illegible] ولی [illegible] آلمان [illegible] ایران انگلیس را [illegible] داده [illegible]

انگلیس [illegible] در [illegible] روس [illegible] «طیوطانی» (Teutonic) [illegible]

[illegible] (جان بول) «John Bull» [illegible]

[illegible] که ای برادر [illegible] !!

[illegible] سپتامبر ۱۸۹۹ [illegible]

۱۳۱۷» [illegible]

«شمسه» [illegible] سپتامبر ۱۸۹۹» خواهشمندم که [illegible] دولت ملکه معظمه را از [illegible] ایران

روابط دولت بریتانیا با ایران .....

فقره پنجم: اغراض اقدامات [illegible] بریتانیای اعظم در ایران [illegible] روابط [illegible] ایران [illegible] دارای حدی

[illegible] هندوستان [illegible]

[illegible] سرحدی هندوستان [illegible] ایران «[illegible] ایران [illegible]» [illegible]

[illegible] دولت انگلیس [illegible] «[illegible]» [illegible]

[illegible] ایران [illegible] انگلیس [illegible] هندوستان [illegible]

[illegible] دولت بریتانیای اعظم حدود [illegible] ایران [illegible] مملکت

ایران [illegible] انگلیس [illegible]

[illegible] ایران [illegible] دریای [illegible] هندوستان [illegible]

[illegible] اغراض [illegible] ایران [illegible] هندوستان

[illegible]

[illegible] ایران [illegible] اغراض [illegible]

[illegible] خلیج فارس دارد [illegible] ملل دیگر [illegible] جلب می‌کند.

آن فاتحین و مأمورین حکومت هندوستان که اکنون رشته «تغییر عقیده دیپلماسی نمایان» برده‌اند این روش متین و تونی را اکرده اند د
سیاست خودرا ایجاد در نتیجه رخنه اند الغاش در قرار حدود ایران از تعبیر اینکه سراد دارد در راه دولت که سیستم تحت خفقان تمام ارتفاقید
مساعده روش انگلیس کرده متزلزل شود در زمانیکه سعد سرکش پیش آید دلیل مرتبه بود که هرگاه انجام ما در پیشرفت ایمان
آید د سطح هرگاه شده بود و از هر جا رهبر انگلیس نسبت با نقاط منقبض شد که ملیون در آن دهد ستیز از یک خیال ارتباط ملکه را اند
الحال سیر روش مبنی با حکم رسمی قطع لدریبی بود که تموقع حاکراده شد که «از ایران بمصرف بنهد و از آمال خود کنار رده
و دوای خودرا لطف در بار آنها معطوف و مصروف داریم» روش امت موقع را گردانی منقف شده در دوران آخر
لط سیر کـ ... در کابینه ... و آن آلت حاسه رهبرهای سلام مقصود خودرا در لندن بموقع تحصیل نمود .
یکی از نتایج آن مقصود این شد که از این بعد مملکت حاجی سیال قفقاز و جنوب غربی هندوستان ها در نظر و دیگر اینکه بعد از این ها تمع
د منافع در راه حفظ روش هندوستان ها در نظر اینها و بخش لطار انگلیس در خلیج فارس در عوض خطر لسار واقع خواهد شد .
نتیجه دیگر این شد که بعد از موقعیت مسلمانان هندوستان که به بینش حرکت شد انگلیس هند در اطراف بوده بواسطه عده ای از
دسایر ملل عیسوی اروپا سلطنتهای اسلامی مانند ترکیه و طرابلس «عثمانی» و ایران و دیگر که انگلیس که در موجب اطمینان داشته آنها
در حوزه صادقانه و وفاداری آنان نسبت بحکومت هند انگلیس نقصان یافته راه یافت ما از علمای بزرگ هند در سیاه که ما
از حسن نیت ملل محترم و نیت انگلیس در هندوستان نسبت با ظهار سیدارد که بعد از مسئله ایران مسلمانان هند متعد شد ایده که نمایندگان
خودرا در کنگره هنود نفرستند و این اقدامی بود که تاکنون آنکار از آن نموده بودند ولی امروز سیاست انگلیس در هندوستان از اینجهت به
ایران ابدا تحقیق یافته است (۱) .
در تمام عالم شرق حرکت سیاسی نقصان زیادی راه یافته ولی انگلیس علت اظهار این مطلب نمی نمایند زیرا که بعد از این حرکت انگلیس ممکن از
خودرا خاص و طرفدار ضعف نخواهد .
در ترکیه «عثمانی» هم نقصان اثرات اقدامات انگلیس ظاهر و واضح شده است و بواسطه اقداماتیکه در ایران در مسئله ایران کرده
معاملات و سیاسیون که عملا با رأی ایران را با صفهان قرار گرفته نوعی حرارت جنبی وارد آمد
اثرات این حرارت و نقضانات با اصول حکومتی انگلیس منجر خواهد بود اکنون خصم برای انگلیس (انقلاب) که حکومت انگلیس از ما (درید)
با اطمینان تمام بطرف خلیج فارس سیر برید و با چند سال دیگر نیمی خواهد رسید
حرکت هند انگلیس برای اثبات با فرح خود در قطعات خطه که قرد سلطنه نفوذ انگلیس است ترتیب در حقیقت خواهد داشت همان قسمتیکه
لرد کیچنر (lord kitchener) تمام قطعات وحدود آن را معین کرده بود ولی تمام ما در آن انتظاری هندوستان
بمحافظت آن خطه کافی نبایش شد حفظ حدود ایران را از حمله قزاقها بسیار صعب و مشکل خواهد بود و بنابراین برای کار تحویل آن حدود است
حقیقتا نیم میلیون (پانصد هزار) قوای انگلیس در هندوستان بعوض حمایت آن کم الدن مرحوم است و بعبارت دیگر که حیوان وقع دائمی
«خطر امور بین الملل» مراز دلیل است که مساعدت و امداد حرکت انگلیس از روس برای سرقت شد صدها جای نیز دخیر دولتش نسبت
بآزادی و استقلال ایران کار یست که از حیث صداقت و نیت مورد لطف خارج از عدل می باشد

---

(۱) کنگره هنود کنفرانسی یا انجمنی است که سالی یکمرتبه در یکی از شهرهای بزرگ معروف هندوستان که نماینده مرکز آن است
تشکیل میشود نمایندگان و لیدرهای هنود با هزاران نفوس دیگر جمع شده اقوال و اقدامات حکومت انگلیس که بر خلاف مصالح عامه
مسلمه نموده منتقد و مطالبه حرکت سیاستها بر دست سیکند تا اینکه بموفقیت و ملاحظت مجبور نبود

دولت انگلیس لفظ ترک کرده است، عادات و ملکهائی را که تاریخ مابین ایشان داده و بسیار اراده تشریح بود بر اثر که عموم ملت انگلیس از خطا بادی برای
ما روشن حقوق ایشان برای الترامات یافتند ولی البته تا ابد الدهر تمدن ایشان با این جوار ماند -

شاید حقوق سر ادوارد گری هیچ کس آن معرفت ندارد که در سیاست مسلک مخصوص اختیار کرده که به تمام ذات [illegible] ممدوح است و نه از جهت نتیجه از فرض قائل
حالیه ایشان را نسبت به خوانیم دید که اگر مال و ملک یک حرف انگلیس از حدود است اگر تمام آن یک لقمه از هم شده «دو نفر شکل مبدل نقوش شده است»
آیا ممکن است سوال بود که دولت انگلیس چه تدبیر می توانست دست روس را از ایران کوتاه کرده باشد؟ جواب بر تیا به عظم دولت
بحری است جهازات جنگی او در خلاف قدرت روس چه میتواند کرد و در این صورت باید ملاحظه نماید که هرگاه روس به خلیج فارس برسد انگلیس میتواند [illegible]
منظورانه کاملاً مابه با قشون روس در شمال ایران جنگ دولت انگلیس تا آن اعتبار که بکثرت دول بزرگ اروپا نظامی میباشد نظامی نیست تمام
قشون انگلیس مشغول دفاع با حمله قشون زیاد که روس میتواند از قفقاز به تو رسید نه باشد -

به هر حال از این بحث قصیر [illegible] و قائع نتوانیم دولت انگلیس با اینکه مشورت با آن در دیده اول در مناقشه شمال قسم [illegible] دولت روس احترام [illegible]
شمار است در موقعه دار رویه که گسته اظهار شد که روس توسط ملاحظه در اراده ایران که «انگلیس و روس هر دو متفقاً و متعهداً تعهد احترام اثر نموده اند»
علناً نقض عهد و مخالفت نظر را معاهده داشت پیش میکند حق بیین و تحقیق فرض انگلیس این بود که بر خلاف آن اقدامات اعتراض و مقاومت کرده
و روس را ملزم نماید که به سعی حقیقی آن اقدامات تا شیخ معاهده انگلیس و روس ساخته ملاحظه نماید آن اعتراض بر نمی شد که فلذا وفاداری انگلیس را نسبت
ایران تمام آنان مایس ما شده بر قرار است و شاید هم مانع از شدت پیشرفت از روس میشد ملتی که به سوی حدود طبیعی خطر معاهده را احساس کنند
لازم است که احترام آن معاهده را رعایت نماید در صورت ضرورت ولو لازم باشد هر گونه علنا در صدد مخالفت و نقض آن عهد میباشد
مخالفت و دفاع نماید لیکن افسوس مصلحت دقیق در این بود که دولت انگلیس به حمله اظهار شرف و احساسات احترام خود را نموده باشد

سر ادوارد گری برای [illegible] صریح اراده خود در مسئله شوستر و جنبش و تعدد قضیه شعاع السلطنه علنا قبول و اقدامات روس را امداد کرده
و عقیده خود را اظهار نمود که نه تنها هم استقلال ایران هیچ نقض نرسیده است چندی بعد مسلک مجیب اختیار کرد که انگلستان آزادی و استقلال ایران را
ضمانت نموده است. به هر حال [illegible] مضمون [illegible] که [illegible] اطلاع انگلستان که از اساس و سیاست «در آسیا» اطلاع کامل دارد
«مستر لرد کرزن (Lord Curzon) در بیست و هشتم مارس ۱۹۱۱ (بیست و سیم ربیع الاول ۱۳۲۹) در مجلس اعیان
در مباحثه راجع به ایران اظهار داشت : — من یقین دارم که استقلال و آزادی ایران که دولت اعلیحضرت در معاهده سنه ۱۹۰۷ انگلیس
و روس ضمانت کرده است هیچ فرق محکم و با تغییر از اولیا اعلیحضرت نخواهد داشت -

لرد مارلی (Lord Morley) نماینده فرقه «لیبرال» در آسیا چه بوده و هیچ ایراد و اعتراض نصیحت سیاسی را اختیار کرده
اعتذار و تعبیر اینکه سر ادوارد گری در شمال ایران [illegible] اقدامات روس نموده [illegible] تحقیق ولی [illegible] بود که [illegible]
ملت انگلیس گردیده و در روس و تمام اهالی عالم ظاهر و مدلل گشت که حکومت «لیبرال» تا چه درجه از اصول خلق [illegible] مسلک
[illegible] که دولت انگلیس اختیار نموده سبب میشود که [illegible] سوال [illegible] ملکه [illegible] حکمت [illegible] «در آسیا»
و «در اروپا» مشهور آن با توسط [illegible] در عقیده و وضع [illegible] راه [illegible] آیا [illegible]
بحری انگلیس [illegible] و دل جوی را [illegible] آیا [illegible] «فریق» [illegible]
اصلاح و حقیقتاً منتظم شده -

هنوز هم در بسیاری از نقاط [illegible] که عوض [illegible]
[illegible] لازم است که حقوق [illegible] را رعایت نموده و فرض ذمه خود را ادا کند -
دلایل فوق ظاهر و ثابت میشود که عمر آن حال دیپلماسی ایران [illegible] استقلال و آزادی بوده و نتیجه اقدام [illegible]
[illegible] تاریخ [illegible] اعدام آزادی ایران را در سنه ۱۹۱۱ در «پوتسدام»

مثبت و ضبط نموده است روس هم در صورتیکه از حقایق آگاه مطلع و مطمئن بود ملتفت است قرار صبر نموده و آهسته آهسته رفته رفته منتظر موقع
و وقت مناسبی باشد معاهده انگلیس و روس تا جائیکه تعلق به تکالیف و وظائف روس داشت معناً و حقیقتاً باطل شده و لذا انگلیس شده که
بیکاری کرده روس مصمم بود که مسلک و مقاصد خود را که کراراً اظهار نموده یعنی نظارت در تقسیم ایران را در ایران و در آنجا که
سرحد ایران را میشود و منتظر موقع هم اکنون بود فقط منتظر موقع مساعدی بود که اقدامات خود را جدی و حدود خود را الحاق کرده ممالکی که در روسیه
لازم شد لازم بمعامله سرکشی در اروپا واقع شد و او اوقات را داد که اقدامات در مقصد دربه خود را تمام و اکنون زد مرکز روس
کامل بود که از آن انعقاد شد قاعده کرده از این و سردار و لاد دیگر مخصوص شده و مع نظارت دفعتاً سیه حیدر را قراسنی کرد مرحب که ساطر
داشت فقط «دورنمایی است» تا این اطوار آن نوع جهت روس از حقیقت امر (یعنی حرف انگلیس) از آنکه مطلع شد تا برای وقت را
برگردد بهند دقایقی که بعد از آن بین روس و ایران پس از آنکه منجر بحرانی مجلس مشروطه در بیست و چهارم دسامبر ۱۹۱۱ (سوم محرم ۱۳۳۰)
شد فقط بهانه بود که خود روس حق و اختیار کرده بود و بنابراین حکمت جمیع آن بهانه ها برای آنکه مختصر سردار دیگری قوا عموم اسکلت
بود».

روس از (سوم آوریل ۱۹۱۱) شانزدهم ربیع الثانی ۱۳۲۹ در ایران مرکز حکمران مقتدر و مقتدر بود از قرار این جدول
بعد معلوم است که امارت در همه مرحله و جنگهائی که با ایران سلوک کرده بود از نقض و شکنی بود بیم روانه حبس و حول دریکه سد
قوه ای بود که روس بوسیله آنها در ایران حکومت میکرد احزابی که مملکت لزوم دارد در دچار شده بود سکوت و کیفیت عمومی ازاله
نخ داده بود و خود میشنا را آن و تمدن بالنسبه آنکه در طرح قصه بعض دقت و دقیق بوده فرض قسمت دیگر حوالی لذیذ آنها را بلعید.
در اوقات مختلفه سردار دیگر قصور دولت ایران جدی نمیشد ترتیب میداد سعی عدم حسن انتظام و تدبیر کوشش در تدبیر استخدام
ایرانی به «انگلیسی» بعدم تمکین از تعیین (استعمال لفظ) حامی تعدد روس و انگلیس)
اینها جدی ایرادات که فقط سردار دیگر نفع خود و سیاست ایشان و همکاری و هم سیاست که مرکز روس بنوعی گفته شد دیوار توجه عقد
در اتحاد آن است.
مرکز ایران بعد از انعقاد معاهده ۱۹۰۷ انگلیس و روس بر ایشان اطلاع داد که معاهده مزبوره را هیچ قسم تحول لازم است و خود را
ملزم دانسته آن تمدید بسیار از آنها اصرار داشت که بنابر مستر بزرگ کاری کند که صرحتاً بالکلیه «منطقه» تا نفوذ را الحاقیه مستمرات
در باب ایران نباشد.
مستر شوستر هم از اتحاد ابتداء نموده بود که این امر را تسلیم نکند استعمال لفظ منطقه تا نفوذ نقض عهد با مرکز میکند که منازل اهتمام نموده حالت
دعوت الملل مرکز محروم میشود شبیه اصح حصول و تعقیب روسی در حضور مرکز مستر شوستر سعی کامل بود در صورتیکه در عقب ابتکار
آنها سرکار ساخت شده بود.
«و خود سر آن مواقع مستر شوستر کوشش میشود که احترام جمیع حقوق حقه و منافع جایز اتباع خارجه را در ایران رعایت نماید ولی قوتی که بواسطه
اعراض شخصی مرکزیش از این اقدامات نتیجه معکوسی حاصل میشد
حاشیه آن مصمم بود روس کجاست و نقاد مسدود شد تمام تعمیر دیگر ویلسن (doctor wilson) لعبارت
لطیف در یک از انگلیسها خود در باب معاهده «دوستانه» مضمون زیر را نوشته بود: —
اگر کسی بخواهد معاهده این نسبت بحکومتهای جنبه بیت و قرار نماید در باب این مکان هم زیرا که را با کمال سیاستی که تنها استعمال کنند برای
اسم داشته اند که حالت مستقلین را کشف نماید و هیچ کدام هم در قضیه و اسامی عبارات آن مملکت تجاوز کرد.
کو این ذیل بایستی که سردار دیگر بر حسب خواهش روس در تابستان ۱۹۱۱ از عبارت لیاقت و دستور صفحه معاهده انگلیس و روس نمونه قبل از
وقت در خاطر آن هیچ روس خطور کرده بود.

۱۰۴۱

با وجود سعی که دو سفارتخانه‌ها کرده با کمال دقت و حسن نیت صادقانه خود نموده‌اند که از کلیه اوضاع مملکت ایران مطلع بوده‌اند چند نفر [illegible] مقصر نموده‌اند که به واسطه خاطر
در محوطه خود را [illegible] اعمال [illegible] گردیده و سعی کرده‌ام که کاملاً اهمیت [illegible] را التماس [illegible] از معاهده اتحاد انگلیس و روس مطلع
نموده و متعهد انتهای نموده‌ام [illegible] سیاسات [illegible] عمومی انگلستان [illegible] داده نمی‌شود.

با وجود [illegible] عرض چهاردهم دسامبر ۱۹۱۱ (بیست و سوم ذیحجه ۱۳۲۹) وزیر خارجه انگلستان در جواب سئوالی که یکی از وکلای پارلمان
نموده بود اظهار داشت که از این مسئله هرگز [illegible] که سر سیسیل اسپرینگ رایس به دولت ایران نوشته است اطلاع نبوده و ابداً ندیده است در صورتی که
چند دقیقه قبل همان [illegible] قسمتی از عبارات [illegible] خوانده بود [illegible] یکی از وکلای پارلمان [illegible] وزارت خارجه فرستاد [illegible] اصلی
المراسله که سر سیسیل اسپرینگ رایس [illegible] نوشته در پنجم سپتامبر ۱۹۰۷ (بیست و ششم رجب ۱۳۲۵) به وزارت خارجه ایران
فرستاده بود و وزارت خارجه [illegible] بدین مضمون جواب داد که وزارت خارجه انگلیس ابداً از این مسئله اطلاع نداشته و [illegible]
آن تاریخ [illegible] اول ژانویه ۱۹۱۲ (یازدهم صفر ۱۳۳۰) همان وزارت خارجه [illegible] نوشته و اظهار داشت که مضمون
المراسله سر سیسیل اسپرینگ رایس [illegible] به وزارت خارجه رسیده [illegible] انگلیس نوشته [illegible] صحیح
و مطابق با اصل می‌باشد (۱)

[illegible] وزارت خارجه انگلیس [illegible] ۱۹۰۷ انگلیس و روس [illegible]
آن اظهار رسمانه [illegible] انگلیس و روس که در [illegible] دولت انگلیس [illegible] وزارت
خارجه انگلیس [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] نموده و [illegible] کرد.

انگلیس و روس [illegible] نموده [illegible] که مقصود و غرض [illegible] ایران [illegible]
داده است که [illegible] دولت ایران [illegible] حقیقی مملکت [illegible]
[illegible]
[illegible] انگلیس و روس [illegible] سر سیسیل اسپرینگ رایس [illegible] نموده است [illegible]
خواهد داشت. (مراسله در [illegible] انگلیس [illegible] ایران نوشته درج [illegible] رجوع به صفحه [illegible]

در میان [illegible] دولت انگلیس [illegible] ایران [illegible]
«نشن» (nation) [illegible]
«[illegible]» [illegible] دارای مقام [illegible] است.
[illegible] مراسله سر سیسیل اسپرینگ رایس [illegible] انگلیس [illegible]

(۱) [illegible] وزارت خارجه انگلیس [illegible] شد.

۱۰۴۳ (مادامیکه تزار روس دارای دربار تجمل و ارتش ترقی‌یافته بود دارای نفوذ زیاد و چند از نمایندگانش متوجه میشد و سالها نبود که خود را مالک
[illegible] از نظر فهم حساب [illegible] [illegible] سیاست تزار روس [illegible] در تمام موارد و در مصالح با
اعتراض و مداخلت تزار روسی در ایران کاملا موفقیت مینمود «نقض مملکت ایران را [illegible] [illegible] و شکل قرارداد [illegible] که از آنها
هرگونه مقاصد [illegible] که مالک باشند در ایران [illegible] که در جمله از حال [illegible] صرف نظر کنند قرارداد
۱۹۰۷ [illegible] روسیه را از جنوب ایران که راه هندوستان است [illegible] اصلی
و نظر به تحقیق :- بالجمله مادامیکه تزار روس [illegible] ترقی کرد مملکت ایران در استقلال آن [illegible] [illegible]
[illegible] و [illegible] ایران [illegible] از [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] روس [illegible]
غیر مملکت بود که [illegible] که مملکت ایران دارای قوای [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
از نظر فهم [illegible] «[illegible]» مملکت ایران با روسیه [illegible] [illegible] در [illegible] تمام ایران [illegible]
[illegible] [illegible] مینمود سالها بود که [illegible] ایران دارای [illegible] نبود که [illegible] مملکت را
[illegible] و [illegible] (همان [illegible] [illegible] ایران [illegible] مینمودند) .
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] ایرانی [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] و [illegible]
و [illegible] دولت ایران «[illegible] مشروطه» مینمودند و [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
روسی [illegible] مملکت [illegible] مینمودند [illegible] در [illegible] [illegible] [illegible] مملکت [illegible] [illegible] خود مینمودند
که [illegible] [illegible] دارای [illegible] [illegible] روسی [illegible] در [illegible] تاریخ ذکر شده .
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] ایران [illegible] [illegible] شد
[illegible] [illegible] روسیه [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] روسیه [illegible] ایران از استقلال آن [illegible]
[illegible] شد [illegible] [illegible] که در ایران [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] از
[illegible] [illegible] روسی [illegible] [illegible] خود را در ایران [illegible] [illegible] [illegible] که شرح آن در جلد
[illegible] تاریخ [illegible] خواهد شد مؤلف)

سواد صورت از مقالهٔ روزنامهٔ «نیشن» منطبعهٔ لندن که در نهم دسمبر 1911
مطابق هفدهم ذیحجه ۱۳۲۹ اشاعه یافته است

آزادی مفقود شدهٔ ایران

در هفتهٔ قبل شایع شده بود که در زمان مختصری بقدر یک دقیقه پارلمنت ایران برانگیخته بود ایران فی الواقع تحت سیطرهٔ مشترکهٔ روس
واقع شده از طرف «سر ادوارد گری» برای مسلک افغانستان نظری پیشنهاد شد که علاوه بر ورود [illegible]
غیر مسموع هر کس بوده ایرانیان خود را رحم و مروت با حواله نمود در هیئات منتخبه و [illegible] رسیده [illegible] از اطراف ما
[illegible] اظهار [illegible] نشد تا این تقدیم شد اگر وزارت خارجه ما مایل بود که در [illegible] خود [illegible]
و بدبینی [illegible] رفتار کند و اگر دسته‌های مدبران از روس مختصر [illegible] کرد [illegible] شاه راه [illegible]
بود لیکن حمله بر آن مملکت فوراً منع [illegible] ایرانیان [illegible] مملکت خود را [illegible]
خاتمه [illegible] خود را [illegible] ایران [illegible]
انسانیت [illegible] از اطراف [illegible] آخر کار اعتراف [illegible]
دولت [illegible] اگرچه قطعی شدن [illegible] سر ادوارد گری در نطق [illegible] مسلک خود را
واضح و مشروح [illegible] نمود یک جملهٔ مختصری هم در عبارات آن دیده نمیشود که بتوان [illegible] حقیقی [illegible]
و اقدامات روس تغییر نموده و نه یک کلمه که مداخلات کاملهٔ روس را [illegible] و نه اشاره [illegible] مطبوع نبودن [illegible] کردن
روس [illegible] داده شده بود و نه یک فقره که ایرانیان را [illegible] محفوظ [illegible]
در [illegible] خود بلکه از [illegible] است که سر ادوارد گری فقط در [illegible] از حرکات جارحهٔ روس از مسلک خود
خارج شده بلکه [illegible] اختیار کرده است [illegible] مطالعه روس [illegible]
آن معاهده [illegible] است که ایران را [illegible] منطقه‌های نفوذی [illegible] که هر یک از آن دو دولت [illegible]
استقلالات [illegible] آن دولت [illegible] قرارداد را با استقلال و آزادی ایران [illegible]
[illegible] عهدنامه [illegible] خواهند داد . . .

آخر کار سر ادوارد گری برای اظهار حقیقت [illegible] که [illegible] روس در منطقهٔ خود [illegible]
[illegible] عهدنامه [illegible] آن اطلاع [illegible] استعمال شد [illegible] استقلال
ایران را رفته رفته [illegible]

[illegible] روس را [illegible] که [illegible] مختصری [illegible]
[illegible] مملکت [illegible] شده [illegible] از طرف روس [illegible]
[illegible] که [illegible]
[illegible] مملکت [illegible]
[illegible] شده [illegible]
[illegible] ایران [illegible] اعتراف نمود که [illegible]
[illegible] از طرف [illegible] و سر ادوارد گری [illegible]
[illegible] است [illegible]
ایران [illegible] حکومت [illegible] است [illegible] خود [illegible]

اگر انگلیس و روس حقیقتاً عوض شان از آن معاهده فقط مقید بودن احترام از استقلال و انحصار اقتصادی یکدیگر می‌باشند باهم در منطقه‌های
متناسبه خودشان نیز مسلم است که در احترام در منافع یکدیگر مقید و معتقد است که مساعی با قصد ایشان داشته‌اند (به منافع خودشان برخورد)
در صورتیکه عوضشان رقابت با نفوذ منافع است که در هر نقطه مقدمه شمال جنوب ادعا میکنند پس احترام و بیش منافع منطقه انگلیس را از منطقه
نفوذ روس با هم موافقت با مفهوم و بلکه با ظاهر سواد آن عهدنامه داشت چنانچه مستقاد میشود قسم تصور نموده اند از این تمام حقیقت منافع آن
نقشه نحوی یا غیر تحقق میشود -

سپس وقتیکه شجاع السلطنه مین‌آید و سالار الدوله که بهمین طور به سهولت از آن اعتراض کرد که گویا (تمس) اراده خود میشد از حرکات روس
نموده بود اگر میشد دولت ایران میتواند لوازم ایرانی را برای تنفیذ احکام خود برای ایرانی که میدهند امورات ادا هستند مامور کرده است
پس شاهنشاهی در مملکت خود حاکمیه پذیرفته است این مسئله سبب اصلی لشکرکشی روس بدان مملکت گردید اما با هم جاری دانش روس
همین طرف خود را نیز از آنکه دولت ایران سلطنتی را در اصلاح دیدند انگلیس به سعادت خواسته در این قول سطور جدیده روس که
تعقیباً سالار الدوله که در قول آن شهر رای داده بود که چون شد مستر شوستر در همان ایام رقیمه مکتوب خود را به (تمس) لندن
اشاعه داد و در آن دفاع نموده بود از تنقیدات رد مطالب و منفعتهای مؤثره مهلکه انگلیس به هم‌مسلکان روس ثابت نموده بود
محمدعلی میرزا بعد از آنکه شاه مخلوع نموده بود در این موارد احتمال شبهه و تردید نمیرود که خود مستر شوستر مسئول اشاعه آن مکتوب بوده
اگر دولت بزرگی میتواند در مملکت کوچک فقط بدین بهانه قشون بزرگ و حمله نمایند که مکتوب صاحب منصب خارج از اندازه دولت جرئت کرده است
که در روز دولت خواید ببرد انگلیس و روس مکتوب مستقل با استقلال به (تمس) میرسید پس با هر تمام ارتباط منصور مثل اهالی
را تعبیر داده شد که اگر مکتوب صاحب منصب اکنون دولت (مکنّا) (Mokanna) را در شرح مسئله جهان است
در (تمس) درج نموده بود آیا ما میتوانستیم آن تحریر را علت جنگ قرار دهیم حقیقتاً این قضیه همان قصه گرگ و بره و بحدی ظاهر است که
هیچکس نمیخواهد تشریح بیش از این را تصور نماید -

بیان واقع این است که دولت روس از اول مصمم به مخالفت با مستر شوستر بود زیرا که مسائل سیاسی در دنیا که در انگلستان
از اول اظهار نمود و ایران را بردن در مانع نظم و بادامه در قرض رحمت اگرچه مسائل انتظار این بود که بدان حد بهانه ممکن
کرده باشد ولی حمایت مستر روس بر قیم او طرفداری وقایع میدانه را که فقره مسائل رسمی دولت روس که بر مستر
تملک خود تصرف نموده بود خاتمه داد سالار الدوله که در تقریرات خود حقیقتاً آن مطالب را ثابت نمود که
دولت روس در موافقت با احترام بر مبانی حاکمیت در ایران محقق نمی‌باشند حقیقتاً دولت انگلیس و روس توسط امرای خصمانه با هم
خودشان را درباره آزادی و استقلال ایران خاک زدند (یعنی تنخ و باطل نمودند) و بعوض معارف دولت ایران برای
ما دیپلماسی مشارکت حمایت آن لشکرکشی روس حرم مطهر را بعد تعیین شریعی احکامی در تحت نفوذ روس حکمرانی او را در طول
شمال خواهند کرد هستند در این صورت ما با کمال حقیقت خواهیم نمود که جنوب ایران را در تحت حکومت طهران نیز ما که در سر مسلک ادعا
شده بر عهده حاکمیت قرار با این منطق و مستقل انگلیس را بر بردی نموده منتخب سیاسی حد اکثر به برای انتظام جنوب فراهم نمائیم
زیرا ادعای کردن منطقه نفوذ انگلیس با ما دیگر تحت حکومت مستقل باشد که کلیتاً در تحت نفوذ قراقهای روس و دیپلوماتهای
روسی و مأمورین مالیه روس و مفتش‌های تحت تهدید را مخالف روس است کار انقطاع نظم بیشتر را اگر چه تحت نیروی دو جنبه کرد
و معمول سلوک ما بشناسیم خیلی ملامت است از وضع سلوک مشترکمان ولی حقیقی درباره فرامینه نموده سکوت کرده ایم ما هم در برابر
ردود از ما هیچ با او با جاریم ولی از چند سال ما هم منطقه جنوب را ناقص خواهیم شد چنانکه ادعای روس در شمال است
کاملاً که حوادث جدیده صلب ایران انتظامی به هند انگلیس را از آن بلکه حرام نموده بود آخرکار لسعادت و طیب خاطر
خودمان تحقیقاً خواهیم رسید و افواج روس و انگلیس در مملکت عرب سعی مأمورین مقابله نموده و ما باید در مقابل یک دولت نظامی بزرگ آسیا
شویم

در روس و عثمانی را با افواج بی شمار سالها سایه‌ی آرام خود خرم یافت -
از ملکی نو و سرحدی مشتعله ایران را موافق مخصوص بیان کنم پس در تاریخ سنوات جدیده تغییرات بزرگ مشاهده میشد با دشمن و بدخواهش
که سعادت مرقومش را در هر صورت روس را بای شد حیثیات ارتجاعیه اسرار ایران با رسم جلد چند کشیده است که با حس جوانمردی در حصول آزادی و احترام ما در کوشش
مرا ابدی بی‌راج عملیات شرقی خود را از دست دادیم اگرچه این سلک را حفظ یک جمعیت مینمودیم ولی ممتنع الوقوع و هم از اقوام تمدن آن امر ما از تاریخ
سلک بیدار و چشم اروپائی سراد دارد دیگری ملیا شد یک و سوره ساده طرح آزادی حکم قربان بوده که سیاست دولت روس با جرأت دیگر لطف انجه دایره زندگی
انسان سوادانه حلیف نبود در هر سال مطلقه و دنبال بی‌نهایت دیگران را اندیشه خود کرده بر اثر تحصیل ظلمت در باز دشمن تقصیر از حول آن مصالحه کامله
با آنکیان حتا بلکه از ضرورت مماسه فرانسه در سیاست پرکش و نتایج آن و تسلیم کردن حصه بزرگ ایران را با احتمال آزادی و طمعان حضور روس تحویلی
ظاهر مینمود اما انهدام سیاست بود برای حصول این مقصد ج و با وجود سطح بست که این مملکت منقعد و سیاسی اند بسیار رسیده حیه
بوده است اگرچه دولت روسی در ابتدای آن سیاست شریک و با طمعان فرانسه ریخته شد ولی امروز در تحصیله تحقیق این خطور میکند
که دولت بسیار نتیجه مرحله سیاسی نمیکند در صورتیکه جمع اردو چه (اکادیر) سردار تار و با هم تعلیم در این کار و ملت تمام حقیقت واقع
این است که تا کنون نقاهرار دولت متاره را با دولت انصیلیش بر فوق نگردیده ایم تغییر و دقتی از داره فرانسه و انگلیس دولت روس با امان
شرایط و تعهدات در (نوتسدام) بکرده که نه اقتصادات و بخواهان س در ایران و عرصه ما مهارت و با آن طلای انگلیس که
در این ملت نقدی برای با رسیده برای خریداری صد اقتصادی کافی خواهند بود عملش بسیار واضح است زیرا در ممالک لشکریکه سلک با اوراق
هر روز در ده هزار دولت و دیلومیهم اورا امداد تمام کرده تا بر این بکار بردن عدالت تحت خود در بحران (نوسینیا) برای ابدالدهر
آن استعداد را راحت داد و ما در (اروپا) با رشته در سیاست و ایم (انحراف اتی مسکن) که استعداد اینها خودمان برای ما و لو استطا
حرص و طمع زیادی که با آن از امور این تاشیر است اگر کار را باید انجام دهیم حصر و با به لحاظ مقوییت بس در دوام در صورتیکه محو ایوم
که بیحو قیمت شکستن ملت ایران را برای یکطرح روس با دوام دارم ظاهر است که شماره ما در عودت محو اند شود -

ترجمه مقاله محرم روزنامه «نیشن» منطبعه لندن در دسامبر ۱۹۱۱

ایران در حالت انتحار است

در ازمنه سابقه که خصایل تمام نگری انسان با نقص و خطاهای جوهر ذاتش مخلوط باهم بود بعضی معتقد و تعبیه تعصبات و احترام حقوق
که متمکن بایشان ملحق شده بود در تجربه و مساعات ملموس در شنیده در زمانه هومر (۱) (homer) اگر شخص بیچاره
سیاح از روزهای ایرانیان تمدن سکنت جوراً حال و باش در حفظ جهات آن رئیس در امان بود و اگر شخص فراری یک از طوایف ایتالی باشنده می‌بایست لغض
دانست که دارائی و صرفه در شغلش باشد شاید خود الطایفه مخلوط خواهد بود لیکن عادت شنیده ملتی که در ظلمت و جهانگیری و بربریت غوطه‌ور بود
ولی دیپلوماسی جدید ما هنوز تازه برای بقای اشرف و عزت خود ایجاد نموده است هر دفعه که دولت ایران بواسطه تهدید که از لشکرکشی و حمله
روس برانگیخته شده بود رسوم سفیه را جمع نموده بانتجی گروید و سراغ از سنگ داونینگ استریت (۲)
(downing street) اخذ نمود تا آن جایی که همه آنها را بمنزله دیپلوماسی این امر را قبول کردیم که اگر دولت
دولت ایران باید این را از خود مسترد نماید حال آنکه بتأثیر قدرت در آن بود بعضی ناچار بعضی مطالبات روس را (اگرچه که خود دیپلوماتهای ما هم
آن رای را مطابق وجدان خود نمی‌دیدند) با کوبیت سکنت قدرتی پیش برد و بعد از آنهم از ایرانیها برای توسعه حقوق ظاهری بایشان وارد شده
بود بخواهد و حال آنکه حق با خود ایرانیان بود ایرانیان خوش و در پیروی رای انگلیس را نموده خیال کردند که از نفوذ ما در منع از تعدی
روس تعدی واقع خواهد شد ممکن بود تصور شود که اگر خبر رحم ما چیزی نکند شاید حقوق عزت و جمعیت ما محرک امداد بایشان شود در هر حال
ایشان در نتیجت از رای ما نموده عوض کامل روس داده اگر تمام آن شاید عما ساده است ما اکنون سهم از ایرانیان نموده افتاده است اثر و نفوذ
ما بعضی بود که ایشان را از اتصاف بمطالبات و نظام نشینی از آن منطقت تمام لذا قضیه ایرانیان را فهمانده که محل تاریخی در تحکم
تصور کنند که سلک و درب جاره که هر عصر شدن مطابقه خواهد بود با سلک ارداح شعار در آن زمانه «هومر» با قطاع الطریق
«الیالی» عجیب در این است با اینکه ما در امداد و منطقت ایرانیان هیچ چیزی هم ننموده‌ایم معهذا نمی‌توان از تهمت سستی و بی‌اعتنایی هم
بیاد آرید هیچ معلوم نمی‌شود که مطالبات شرق و مباده شریک خود را تصویب نموده‌ایم
دولت روس سه امر را درخواست نموده غول استر شوستر - مدیر مالیه ایران را انگلیسی و روس را در منطقه حق استخدام
دولت ایران مستخدمین خارجه را از هر مذهب و ملیتی که باشند با اجازت برای مبادله مصارف لشکرکشی روس که برای قرار ملاحظه
مطالب خود از ایرانیان تحقیق و حمیت نموده اگرچه در فقره اول آن شرط بی‌حساب و تماماً ظاهر تصویب بالوده و این شرط
دوم بایست مشکل‌تر حقوقیت ما را در امریکه با روس در آن شرکت نموده‌ایم بر حق صلحی ما در سکوت از انتظامات تعدی روس
منطبق مدد است در مشاکسکه با چشمهای خود ایشان استدیده‌ایم که جمعیت آن امضای را اعالی مسکنه صورت خود را سرکرده و داورا تعقیب
ببرد تا از خود در دست مصنه و در تصحیح حقوقش با بیند حفظ شرافت و سیاست خود شرکت نموده‌ایم -
اراده عمومی عقلای حکومتی را اکنون باید ببینیم از کار میکنند چاره نمی‌دهند که مسلک اختیار نمایند که از این بیمار است و تحقیقت و همین است که ایرانیان
ضعیف می‌باشند سراد و دارد دیگری ابتدا عقلانی نخواهد در ظاهرات بموطنان خود قرار داد اکنون هم سلکیا در امور او تعمیر داد
احساس خطر هر یک از افراد قاعده دول ملت انگلیس را از عروج در این مسلک میدان جمیل حسابات خود مستدانه نموده که مطلب تدارک
مهم است که محتاج شرح و بیان نیست که اینگونه مطالبات انگلیسی و روس ملزم نقض استقلال ایران و بالاخره انگلیزی است
شرط غول استر شوستر با همه ساعت که در «نمش» از صلاحیت حوزه اداره ایران فقط دفاع بحق نموده است که هر ملت اقدامی

---

(۱) هومر یکی از شعرای معروف یونان بود که در عصر اد است و در بیست در تمام آن مرز و بوم حکمفرما بود -
(۲) داونینگ استریت اسم یکی از کوچه‌های شهر لندن میباشد که وزارت خارجه در آن واقع است .

اثر حمله سرار اراده و مداخله نماید و آخر کار در جواب آن احتمال جنگ بزرگ شرط ملی حیات دارای اهمیت است و منوال و فرقی ملکی کسی با همه
لشکرکشی طاقت ما نه بقبول خواهشهای دولت مقتدری مجبور نمود و تا به هم استقلال خود ما را حفظ نمایند ملتی بار احتمال تحدید آن مطالعه نمود
و لی شرط مهم هر حمله حیات را منحصر در ما ابدالدهر جاری سازد اید حالت ایران مدبختانه طوری واقع شده است که با ید اقدامات برای نظم افواج
مسلحه و حصول ثبات خود منحصر کرد اند و غیر از این صورت ممکن آمر است در اینجا با حالات سریعه نموده خود می و هیچ طرحی ممکن نخواهد بود که بتوان اثر از
صداقت ما آن حیات سیعرض نماید استقلال رای و قوت آزادی منبر بوسیله حمایت کافی بود برای اطمینان صداقت در صورتیکه ایران عملی و خود مختار
بود میتوانست از قبول این طرف ولی عوض سعادت خواسته آزادی را تا ابدالدهر برقرار بدارد.

این شرط تو ظهوری که از طرف سر ادوارد گری در دستهای دولت ایران تحمیل شده نتیجه اش این است ما رعیت حاضره ایران را مجبوراً ما مور و خوار
ساختند ثبات ملدیس انگلیسی با روسی برای ایشان فرق نخواهد کرد بلکه مقصود ایشان این است اشخاص را برای استخدام در ایران حاضر نمایند که این
امورات مسلک خود شان هم در این حالت و انتظار نمایند که ایران مجبور بقبول خواهشهای ایشان شود چنانچه مسلک حکومت ما در مصر
همین طرز نفوذ است اگرچه ما فقط رای اراده و در امور داخله هیچ قسم مداخله نمیکنند ولی دولت مصر از اجرای آن مجبور است
اگر این شرط هیچ اثری نکند الا انقضای کامل آزادیهای ایران کرده و حقیقتاً منتج بحکم آن رای حکومتی میشود که به نیت تحت تسلید
برای حکومت لقانیه ما در مصر خواهد بود.

از سنه ۱۹۰۷ مسلک خود را با این درجه رسیده و نفوذ دادیم ما خود دارای نقلو ایم نمود از دکر اسمه از اصلول سیاسیه که در مجاز ما
با دولت حرف زده نوشته دار مقصد و تعهد با به انگلیس واردین توضیح نموده بود غرض از این سیاسیه سلطنتین متحد خوص ایشان بود از ما آن
معاهده که به نتیجه مداخله خواهد شد و نتیجه تقسیم مملکت سفار در سال ۱۹۰۸ بود این نظر سر ادوارد گری و مسیو ایزولسکی منعقد شد که
«دو همسایه از تمامیت و استقلال ایران مداخله نخواهند نمود ملک در صورتیکه خطر انقضای استقلال ایران به انتها رسید»

الحاصل مسلک هیچ دولتی واضح تر از این نمود ولی از اول تا به آخر ایالات انگلستان طرف لرد طلب نمودند که حق شرق و همان تحت مداخله
سال رسیده بود ما ابتدا از زمانی از این طلب نمودم که مستر شوستر در اقدامات با مورد معادن انگلیسی با در داده وصول مالیات از عمل
و کار مملکت را در دوستی نکردم و او «ابتدا» بحق رفته بر ما فقط ولی این مسئله بعنوان انکار نمود که ما با این اقدام ما نداریم که ما تحمل
آن حرکت حالی و مالی ما را داریم ما آرزو میکردیم بعنوان لطف که ما مالکیان برادر خود هستیم و در حقیقت مداخله از این را تصویب نموده ایم
ولی انگلیس از تعلقات اولیه ما گوش نکرد که در آن معاهده هر حسب تعبیر خود بد نیت گرفته نقض نموده ایم در مسئله مربوط با آن مشهور میشود
که در فصل هشتم «آزادی و استقلال آن مملکت را حمایت نماید» بعد از آن احترام صریح است که «ما برای این است در صدد بیان
خود نخواهیم مداخله نمائید ملک مقصود مال از این معاملات دو نفر است که از این حالت برای آن بهانه قطع حقوق و منافع خود مشغول
حوالی سازند» اگر این حمله سعادت در آنچه بود قوانین معین نمود که مقصود فهمانیدن ما برای آن است که غرض صحیح از این معاهده
حفظ استقلال و تمامیت قطعات ایران که هر یک از ما به دستش با تمام آن احد هیچ ما دیگری نشود امروز با عهد خود را شکسته و با
ملک ظلم جرام شد و در سهم رضایت عهد و میثاق خود از هر گونه مداخله مشاهده بر ارزش ما دانسته را فقط جرئت بدانیم در آن
اقدامات ملکیه قبال استبداد و اصحاب ملاحظه نمودیم که ما ایران را ابدالدهر از خطر مداخلات اجنبیه محفوظ
و آزاد بهر» و نیز برای اینکه بتواند امور داخله خود را موافق دلخواه خود منتظم گرداند» ولی چهار سال بعد اصرار کنیم
در استخدام و مامور کردن اهل خارجه در آن مملکت با امور آن کشور را در وقت سیر و کار منتظم گرداند نتیجه سر ادوارد گری
برای عمومی در این رشته ملزوم حقیقت بعقیده خود مال بواسطه تخصیص ما از این است به رای لیاقت و کفایت تحقیق نمی
دیگر و خود مندی و مهارت فوق العاده تمام بودن هم ما این گرد است بلکه مثل انگلیسی به استقلال رای و مال آمد و احترام
تحصیل اعتماد نموده این بود که (مکتر) آقای مستر شوستر بایران هرگز نمیتوانست منظور نمی مخصوص واقع بود.

هیچگاه تصور آن نمی‌رود که آن حرکات شنیع چاره‌ناپذیر است از جوانب سیاسی مختصر در آن رسم خارجه عنوان احتیاط نمود که حالا بنشین آخر
است و نیز بخش از جواب «لرد مورلی» سر ادوارد گری با تعبیر لهجه‌ای شیرین هم اداره را از حمله شده که خود امید داریم در بارنگ (سرای)
مسئول اصلاح به آن کار ... (اقلیم ایران) صورت پذیرد تا تحقیق کنند و در این صورت آن اتصال با حقوق و شرف ما در شرف
خواهد بود با کمال احتیاط تصور رفته است که با عمد به این که خودش در اداره با هم مع الطاهر شد با مثل شریک ضعیفی است که نتواند از اراده آن
شریک قوی و مدت حرکت جلوگیری نماید سعی این حرکات را بیشتر فرق لطافت است که سر بار گرفت رهایی یافته و از آن را عیب خویش ندارد
سر رشته طالب فرصت لشکرکشی ملتفت خواهد شد و حدود مشهد و سیستان راه هند و مشهد و به زمین تهاجر روابط ایران داده و تصادف
لوازم آن مشهد را با فراق آن روس حتمی الوقوع خواهد گردانید هم در حد شیرین و غیر محفوظ در این معاهده بر فنا نات مختلفه تجاری روس مسلم است
که دنباله چیزی با خواهد بود نتیجه ایران نقطه طرف بیشتر است و قسمت بزرگ از آن در خلیج در آن واقع است بالجمله اگر روس در
طهران حکمران بود حکومت این حصه بلاد مالک باک خواهد بود از تمام تامین خط با کمک در این کار رسیده است بنابر تحت بر این برکم این حال
شرح این معاهده معمول تجاری روس در «پترسبورغ» از آزادی و اختیارات کامله برای خود بهره‌داری نموده است ولی ما با کمک ما هیچ
معمول خود را ادار نموده هم سر رفته «آسیایی» لعید بنابر این راه آن سیل است و قسمت ازدیاد گردد در این صورت عثمانی را که همسایه
مجاور ایران است به همین قسم را در ترکیه و ملاحظات بیشتر را حیث خواهیم یافت از این حال فی الواقع با عاریت دار اظهار تنفر از این کار
در این امر که باعث جنجه گردید حساب با ما هیچ گام تولید شده است حال چه چیز دیگر هم اگر ما با این گونه رفتار و ما را از این
گرده طمع و اقدامات او در حمله عثمان حمیت نکنیم در نظر با ملکه بر سلطنت محمود شاه دوران است در عوض نویس بلکه دیگر ممکن است
مداخله با روس ما را نیز مصادف با چنین روزی نماید بر آنچه دارد دیگر نمود هم متواتر از این مطالب مثل جو در آن است
و ما شکر متواتر در دست تحریر حالت اولتیماتوم روس نماید و متواتر جواهر افواج (نه فقط قشون تارک) بلکه تمام افواج
ساحلی روس را از تبریز و سایر نقاط ایران تا بنابر اهم در تاریخ شیعی با این مثل می‌شد اظهار نمایند که این لشکرکشی موقت با روح
تمام مواد آن معاهده است نه فقط حرف اظهار محو اراده و ولو هیچ از دیانت مختلفه دیپلوماسی هم هیچ طرف قابل است که بی
نتیجه نخواهد بود اگر این به سر هم سوز واقع نمود لیس و پس آن است که از فراز هر حیثیت در عوض هدیه که در سلطنت شمالی اهل نعمت آن
نقد نموده مطالبه تمام روس از حقوق بر دولت ما از صرافان پاریس و لندن که مساوی در ها رخ بینان را بردی دی پیدا
طالب زندگی نخواهد داشت و ساری را در این منظره خطر یک با قبل دیگر نیز در دست سراد وارد دیگر ملتفت شد لیکن با اکثر قلبا تقدیر
تصدیق این سیستم تحت گرین بلیت تز بک تنفیذ خودخواه آن شریک با حال قوت باده دل و سند خود رفتار نموده است از آن رو
یک مقاله در «دیلی تلگراف» لندن و مقاله دیگر در نتیجه آن در «تایمز» پاریس بنابر تجویز متواتر از سیاست روس جلوگیری نماید
ما که این گونه مدار را هیچ برای بیدار آوردن و گرفتار کردن شوراها (نقیض حال ضعیف) لکن ما بیش از پیش ضرر دارد و جهت
از آزادی این حال لکار میبد آزاریم.

از کتاب اصناف ایران

در این سال‌ها هیچ یک از طرق تعدی چنین نیست که دخالت مستقیم اجانب با ایران وارد آمده که امروز در بازار سیاست و تجارت شرط
آن و انحصار تجارت و اعطای امتیاز و اسناد ... سرمایه‌داران ... و جز آن مسلوب گردیده است همه این حقوق با مصادر سلاطین و وزرای
سفیه خودخواه در این زمان رفته شده است برای آنکه در صدر دخالت هیچ بهره کاری بار خود ... شدند و سهام ... دلال ...
لکن سلاطین ایران بوده و هستند این سیاست‌ها «بدبختی‌ها» ... «ارم» ... نموده با حقوق ... خود ... شدند
ایران ... که امتیازات ... گرفته ... تمام منافع ... منافع و امتیازات ...
نعمت ... که امروز دولت ایران قدرت تحصیل سیاست ... خود دارد

شروع مملکت فروشی از زمان انحصار بیع و فروش تنباکو در سنه ۱۸۹۱ میلادی مطابق ۱۳۰۸ هجری شد از آن به بعد امتیازات ... آمد
و ... و ... ایران ... خود ... سلاطین
سالفه را ... آورده و دولت را ... حقوق ... خود ... ممنوع ... امتیازات
دولتی ... روس ... دولت ... روس ... بکار ...
انحصار ... «...» ... بود
که ... روس ... ایران ...
را ... که روس ... سلطنت ... ایران دعوت کرده ...

و دیگر شروع ... چهار صد و ... هزار ... (۱) ... بود که
... ایران ... ایران ... بود
... ایران ... شد ...

اگرچه برای ... دادن ... امتیازات ... ایران ... که ...
... و ... که ...
اهالی ... و ... ضبط نمود ...
... و ... عقد

طریقه سکوکات ایران بسیار ساده است سکوکات طلا ... رایج بوده ... عمومی همان قران است که ...
«...» ... قران ... رایج ... قران ...
... ایران ... ایران ...
... ایران ... ایران ...
... ایران ...
... (۱) ... شده ...
... ایران ...
... مملکت ...
... ایران ...
و ... (syndicate) ...

۱۰۵۰ در این سنه و در دیدن بیان رایج بود در صورتیکه چون دولت مشارالیه آن را جزو خطوط دیگر که در کشش سابق گذشت [illegible] مرتبه ترجمه شده است مورد نشد —

---

(۱) وقتیکه شروع بکار نمودم ملتفت شدم که در خزانه دولتی نه وجه نقدی موجود بود و نه منبع عایدی معینی بجهت پرداخت مخارج حکومت و حقوقهای دولتی در دست خزانه و غیره که در ولایات سابق و الحق صادر کرده بودند لازم بود — با وجود جنگ داخلی که از ابتدای سپتامبر ۱۹۱۱ میلادی (مطابق سنه ۱۳۲۹ هجری) در کار بود در صورتیکه فقط برای مصارف قشون ماهی یک ملیون و نیم تومان لازم بود و با وجود اینکه مالیات هم بواسطه عدم امنیت از ولایات بسیار کم وصول شد مبلغ چهارصد و چهل هزار تومان که بیشتر از بانک گرفته و تنزیل نموده بودند داده شد و وجوه لازمه که برای گرفتن جاسوس هست فراهم شد و حقوق قشون ایران تماماً پرداخته شد و جمیع مسئولیتهای خارجی الاعتبار فروش و منافع آن که برای رفع مسئولیت ایران لازم بود» ادا شد و فقط شخصی که از دولت گذشت لازم بود که بیشتر از آنها فروش شده یعنی فروش که از اعتبار ایران متعلقه آنها هم خرج شده بود و پیش ازینکه اعتبار آن قرضه گرفته شده بود تمام آنها در صورت طلب بانک تمامی بعد از اتمام این مصارف نه ملیون تومان از آن قرضه باقی بود و مشکل در نوامبر ۱۹۱۲ تمام آن در خزانه و مالیات را که وارد نمودم بیشتر از هشتصد هزار تومان خرج جمع نقدی دولت آنکه بعلاوه تحصیل مالیات گمرکی تا آخر دسامبر ۱۹۱۲ (مطابق محرم ۱۳۳۰).

---

(۱) تا جائیکه من معلوم شد حقیقت است از توابع آن یا سیاسی به شوراء در مملکت ایران بسیار است بلکه آنکه گفته بود حقیقت را دست [illegible] قیمتی از توابع حقیقی ایران نبوده که دولت روس در مملکت خود کرده است.

بعد از حرکت مستر شوستر از طهران

از کتاب اختناق ایران

در حالتی که بس از حرکت خود و مسافرین امریکائی تمام از طهران بوقوع پیوست طوری افسوسناک است که مجبور هستم آن را اظهار بدارم که [illegible] از اشخاص وطن
فروش باشند [illegible] بود مسیو مرنارد (۱) صاحب منصب بلژیکی گمرک که در تحت حمایت نظارت روس و [illegible] از طرف کابینه با مواد تحویل و تفتیش محاسبات
دفاتر خزانه شده بود و در بعد از حرکت من از ارباب تحویل گرفتن مستر کرنر مسئول خزانه دار [illegible] کابینه ارائه [illegible] تفتیش
متصدیان آمریکائی را اهانت [illegible] و [illegible] دفاتر را فوراً تحویل بدهند در حالیکه خودم چندین هفته قبل از حرکتم کوشش و جدید
کرده بودم که کابینه را مجبور نمایم با طریقه و دستوری برای تحویل دفاتر و محاسبات خزانه تعیین کنند

---

(۱) مسیو مرنارد در تمام این مدت با اظهار حکومت و [illegible] خود و برای [illegible] امور خزانه [illegible] را از [illegible] را از دست
ها، بدست خزانه دار [illegible] شد.

مسیو مرنارد پس از تحویل گرفتن خزانه ظاهراً اظهار تملق و خوش آمد حکومت سن پطرسبورگ [illegible] فرستاد که در یکی از جراید درج شد
در مملکت [illegible] نموده بود از وضع ادارات آمریکائی ها [illegible] ایران را [illegible] تمام کرده بود که [illegible] در محاسبات
خارجه خزانه با [illegible] مختلفه [illegible] شده [illegible] - [illegible] اظهارات را [illegible] ایران [illegible]
نموده [illegible] آمریکائی [illegible] ایران [illegible] توضیح آن [illegible] آن [illegible] در [illegible]
نمی رسید فوراً [illegible] محاسبات [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
نمودن [illegible] برآرد -

روز دیگر از طهران حرکت نمودم از حقیقت محاسبات خارجه خزانه [illegible] کاملاً مطلع بودم [illegible] تصور کنم که [illegible] مسیو مرنارد را [illegible] که برا
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] امریکائی ها
در ایران [illegible] دادن [illegible] خود در نظر [illegible] [illegible] سن پطرسبورگ بوده است

و دیگر کابینه ایران امریکائی ها را از مسئولیت امور خزانه [illegible] از محاسبات خارجه خزانه ایران [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] که [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
بود) [illegible] هزار [illegible] طلب خزانه از بانک [illegible] روس [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] گمرک بود که [illegible]
روس [illegible] [illegible] [illegible] روسی مطابق [illegible] ۱۹۱۲ [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] از حرکت من از طهران [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] گمرکی بود [illegible] قبل از حرکتم در
[illegible] آن بانک [illegible] [illegible] آن [illegible] [illegible] [illegible] اداره بود

مسیو مرنارد پس از اندک زمانی از تحویل گرفتن خزانه صورت حسابی که [illegible] خزانه دار [illegible] آن بانک [illegible] [illegible] [illegible]
را که از [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] هزار [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
از چندی قبل از [illegible] [illegible] خزانه داری بود و چندین [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] مطالبه نموده ولی [illegible] حاضره آن
زمان خزانه [illegible] [illegible] داده [illegible] [illegible] که [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] مطالبه
نکرده [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] امریکائی ها از مسئولیت امور خزانه خارج شده مسیو مرنارد [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] بانک [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
ایران [illegible] [illegible] [illegible] آورد -

وچندی روز قبل از حرکتم هم انفصال از شغل خود را بمستر کرنز رئیس کابینه اطلاع داده بودم و با اینهمه چون ذهن مستعد شده بود که بنحو بدی بعد دیگر در اینصورت استعمال آن شهادت نامه برای بعضی که آمریکائیها اظهار نمودند و عدم رضایت از آن میکردند لازم نبود دسته مراسله مذکور در حضور مستر شوستر خوانده شد تمام مأمورین امریکائی تحت اجتماع از قرارداد خارج شده اظهار نمودند که دیگر بهیچوجه کاری با مستر شوستر ندارند چنانکه بخواهند داشت مستر کرنز قرارداد فوق‌الذکر را بدست کتبی بحضور سفارت روس و وزرای ایران که آن طرف قرارداد را اختیار نموده بودند فرستاد و سه کابینه ملتفت شدند که رفتار وزرا از قضیه ساده نبوده فوراً کابینه اطلاع داد که آن کاغذ صحیح بوده است بعد از آنکه بعضی کابینه توضیح معمول با ایران فوراً مراسله شش ماه مراسله را دیده حمل کرده و برای مستر کرنز فرستادند اظهار داشته بودند که اصل این مراسله که توسط مستر شوستر فرستاده شده آن بوده است در عبارات مراسله مالویه بهیچ وجه عبارت خشن ملاحظه نمیشود.

ما این مستر کرنز ملاحظه آن مسلک صحیح خواهند و وزرا مسئله بدست آن کوت عنیبه کرده و با سفارت روس و انگلیس که امور کابینه ایران را ملاحظه و انکار در تحت نظارت خود در آورده بودند اگر چه در حقیقت تمام مأمورین امریکائی را در سال اول آورده بر حسب خواهش وزیر مختار روس امریکائیها اخراج شدند که توقف نموده و ملاحظه با رد درجه‌ای که درفش و تفویض امور خزانه معلوم نیست تا چند دولت ایرانی کامل از امور سفارت که بین دولتین ایران و امریکا شده بود بعمل آید صحیح است وزرا اسم کرم و تمام امریکائیان بصرف شرحی بقاء بود بلکه آن انتها شده بود از آن بعد تغییر نمود که از قضیه و طرح شوکه که وزیر مختار روس برای تعیین نموده تقدیر سپردن بخط ملاحظه.

(با مطالعه سطور گذشته بخوبی معلوم و آشکار میشود که سفارتین انگلیس و روس تا چه اندازه در امور داخلی مملکت ایران دخالت و اثر مینمودند در حقیقت مملکت ایران در استقلال ظاهری و استقلال خود دست نشاندگان سیاسی آنها بیش نبودند و اراده در حکومت بوده و بهیچوجه اختیاری در هیچ قسمت از خود نداشته انجا را که میل روس و انگلیس آزاد میکردند با قوه جبریه بر آنها تحمیل میکردند که این امر اختیار دارد در حال استقلال شدت تمامش در استبداد بود (مولف)

الکه در ممالک دیگر این گونه رفتار بی قاعده بسیار است ولی از طرف دیگر بانک هم برای وصول دعاوی خود جانب خزانه بر آنست و دفعه مستر شوستر صورت حساب خزانه را از بانک خواست بانک در جزو صورتی که فرستاده بود مبلغ سیصد و شصت هزار تومان بر علیه و بلکه را اسم محسوب داشته تصور این چند ماه اشغال است دفعه مستر شوستر کاملاً تحقیق صورت حساب بانک را با دفاتر خزانه مطابقه نموده ملتفت شد که اختلاف حساب بیش از چند هزار تومان بوده (همان چند هزار از آنکه بانک از سابق ادعا مینمود) صرف نظر از اینکه کارداران وزارت امور مالیه با بصیرت مطلع شدند شخص مسئله را از سفارت و هم تنها با تمام ملتفت بودند که آن مملکت برای این تفاوت هیچ توضیح و توجیهی قرار داد ولی چند وقت بعد مستر شوستر مجدداً برای اظهار چند فقره صورت حساب دیگر از روی قرار اعراض کاغذ نامه فوراً تصمیم شد اعلان نمایند که صاحب منصبان امریکائی خزانه بین پول فرانک را از ایشان برده اند تا اینکه دیگر کسب کرده بر خود او هم ملتفت شد که انتها و حالا نه پول برده نموده است از آن تاریخ به بعد دیگر بحث بحق اظهار آن حوال مسئله از مستر شوستر را دارایش نمودن پس از چندی که توسط خزانه آن را صورت حساب اصلاح نامه باقی و ترتیبات تحقیق در موقع ملاقات با وقایع گذران خزانه اظهار نموده بود که همچو مراسله که کسی مستر شوستر داده است دید که بانک فرستاده تقصیر اصلی و حقیقت واقع است.

چندی در تبریز مستر ... [illegible] آمریکائی خزانه از طهران حرکت نمودند مستر شستر که مسافرت خودرا در این شهر مهمات

و مسافرت ... خزانه ... [illegible] ... در تحویل دفاتر ... تحویل خزانه ... تحویل نمود مستر ... [illegible]

با شور ... مشغول بود ... [illegible] ... از تحویل ... خلاصه تا ماه مارس تمام آمریکائی‌ها از ایران خارج شدند

... [illegible] ... اعمال ... در ایران نماید .

روز بعد از حرکت از طهران در موقعیکه ماژور « پرایس » ... آمریکائی ... [illegible]

... [illegible] ...

... [illegible] ... « رودیت » ... [illegible]

... [illegible] ...

... [illegible] ...

که خود در حمله ماژور « پرایس » ... [illegible]

خالی شده ... [illegible] ... گلوله زده بودند ... که فرار کنند

... [illegible] ...

... [illegible] ... ماژور موصوف ... آمریکائی‌ها ... [illegible]

تازه ... کار آید (۱) بعد ... آمریکائی را ... در امور ایران نموده ... مملکت بود .

... [illegible] ... حرکت آمریکائی‌ها برای ماژور

اتفاق افتاد ... [illegible] ... گلوله کاری ... نیفتاد .

چندی بعد از ... [illegible] ... « ترایس برنیا » ... ایران را که ... قبل

... [illegible] ...

... [illegible] ...

... [illegible] ...

... [illegible] ... ایران ... [illegible]

... [illegible] ... قشون روس ... مملکت

... [illegible] ... ایران ... [illegible]

... روس ... [illegible] ... ایران ... [illegible]

... (۱) ... [illegible]

... [illegible] ... ایران ... [illegible]

... [illegible] ... مملکت ... [illegible] ... نبود

---

(۱) ... [illegible] ... آمریکائی‌ها را از ایران بوده ... [illegible]

... [illegible] ... ایران ... [illegible] ... روس ... [illegible]

... [illegible] ... است .

---

(۱) ... [illegible] ... (روس ...) روس ...
محکم کردید

دولت هند را بمقصود بصورت نقشه این خط طهران را آن که نمود فقط این بود که با کمال متانت و ما امکان حرکت نمود که بنقدار عوض این خط از حد
ایران با راه آهن های هندوستان اتصال داده شود ولی ها از آنکه فنون جنگ و دوائر نظامی امروزه بدرجه تکمیل یافته که ممکن است قوای
دو قورخانه و سایر لوازم عسکری را انتقال بسهولت و با کمال سرعت به هر نقطه از قطعات خطه دیگر حمل و نقل نموده و تمکن افواج از محل حرکت
بسرعت به سرحد هند رسیدند بنابر اتصال خط عوض راه باعث عبور لشکر از آنجا فراهم نمود -

گاه از عرض مونتس روس و انگلیس که هیچ انتظار از این نقشه سیاست نظر مشروح حقوق ایران در این گرد و فتنه تمام منابع ایران را اینجو میسر باشد در
التوقف را بر لاد انگلیس (ولی نه از طرف خود) که ضامن تعیین تبدیل نفع و ضرر و حسن رد این خط باید دولت ایران تشخیص بود و این که
به بهانه محور آن بوده که نظیر آن دیده نشده و دولت ایران هم بهیچ وجه راه آهن را لازم نداشته و فقط بمحوطه حادی عرض نظامی است و ابدا
نظر بصرفه و صلاح و تجارت ندارد اگر دولت ایران مجبور به تصدیق آن شد و تعمیر بمحوطه بود تمام مصارف و منابع مالی تمیس اقدام خدمات را مصرف
منابع این خط خواهد رسید بعلاوه برای آن مصارف دیگر این مسئله ملاحظه بود دیده خواهد شد که در ایالات روس قسمتی از این راه که بین حق و صلاح
واقع است بجهة قسمتهای لزوم رفع و توقف خود (امتیاز تصفیه یک) با ایران بحکم خواهد شد با حال اگر خط تبریز فقط با نقطه آخر
نظری صفحات شمالی منتهی بود فوائد صرف نفوذ و عرض دول بحوالی به بهانه برای آن روس جلب خواهد شد خاصه با شرط سه دلیل امتداد یا دوام
نظامی و تاریخ جنگیدن شیر از دولت روس از قدر حضر خارج خواهد بود در آن محوطه آنکه مراتب ایران ما حد تسلط فوائد سیاسی را دستور نماید
بلکه فقط فقط نظریش منافع تلگراف و عرض سیاسی خواهد بود و بعلاوه صرفه اقتصادی که تناسب با خرج داشته باشد برای دولت ایران تحول ندارد -

(پروگرام) ساختن راه آهن بزرگی هم که با سرمایه دولت انگلیس بدلال اشاره نموده باشد در طی حالات تدریجیه مخارش موقع اجرا گذارده بود
از شش قسمت بود سه را دو اراده ازین تشکیل صد هزار لیره قرض از اول عموم ساده برای آن انگلیسی حق از کد خسارت از این نمود که متوقف خواهد شد
که نتیجه آن تدبیر سیاسی فقط این شد که مساعد آن دولت بر آن برای تعارض روس و انگلیس در طهران با آن انگلیسی که مرتب سیاستهای ایران ابتلا
نموده بدست به اهم بود و قطعاً به وهم تحمل صد یکصد را واقع کرده را (۱)

از هم باشنده و از این اتفاق تا این سرشته که یاد ابرد آن تر سر دو طرحوس بسخ که بعبارات مربوطه از صحیح آن انگلیسی قرار داده شد
نموده به اعراض حقیقت دلیل صحیح بود از شرح آن شفقه که تعارض در الحمد سایه پارس (۲۸ ربیع الاول ۱۳۳۰) در طی ایران بود شد
بر مشیت سیت که در این جا ذکر بود تا تاریخ که از قرارداد ۱۹۰۷ انگلیس و روس در آزادی و ترقی و آبادی مملکت ایران نیز در
ظهور نموده واضح بود -

سواد مراسله تقارنی

نظر باستحکام روابط حسنه و عوالم مخصوصی بین دولت انگلیس و دولت امپراطوری روس و دولت شاهنشاهی ایران و نظر بآن سیاست و میل دارند اطمینان بخش
دهند که ممکن باشد سعادت دولت ایران در اعاده و آرامی مهدی و نظم و امنیت مملکتی خود تعارض روس و انگلیس بر حسب یاد و ترتیب صنعتی خود رفتار
اظهار دارند که از اراده و میل را دولت ایران تنهاده باشد -

اول آنکه برتیس شفقت حاضر میباشند که برای مصارف لازمه دولت ایران مبلغ یکصد هزار لیره به عنوان مساعده بمبلغ کار سازی دارند در صورتیکه
جواب مطلوب و مساعد این مراسله تعارض داده شود با تکه تنهای دیانک شاهنشاهی حاضر میباشند که هر یک سلسله حسابات جاری برای دولت ایران
افتتاح نمایند این سلسله مسلم است و چون که بانک شاهنشاهی لااقل این حساب جاری دولت ایران یک روز را در درجه (ماهیانه) خواهد بود
که معادل بهفتصد و پنجاه هزار و هفتصد و هشتاد روپیه باشد -

(۲) مبلغ هر کور تصریح بود صد هزار داده خواهد شد مسلم تا به آن از آنکه بنوبت آنکه دولت ایران خواهد بود —

(۱) این جمله صریحاً همین و کنایه از ویران نمودن مملکت ایران است برای آنکه هم خود تظییر این شد که برای یک دستمال قیصریه را آتش میزنند

وتمام صرفه عایدات گمرک شمالی و جنوبی که فعلاً در رهن بانکها است دولت تعهد به تناسب سهام روس و انگلیس (یعنی بالمناصفه) بمصرف
مادیه اقساط استهلاک و تنزیل این مساعده خواهد رسید -

(۳) وجه این عوض مساعده بموجب «پروگرامی» که بین کابینه و نمایندگان ترتیب یافته در تحت نظارت خزانه‌دار کل بمصرف خواهد رسید و اهم
مسلم است که قسمت عمده آن توجه بمصرف تنظیمات ژاندارمری دولت بمعاونت صاحب‌منصبان سوئدی خواهد رسید نمایندگان در تقدیم این پیشنهاد و تحصیل
حصول دارند زیاده مسرورند که سابقاً اشاره بدان شده بود دولت ایران خود را ملتزم نماید که اولاً مسلک خود را از این تاریخ به بعد موافق
اصول معاهده ۱۹۰۷ انگلیس و روس قرار دهد (یعنی منطقه‌های نفوذ را اعتراف و تسلیم نماید) ثانیاً محمد علی شاه و سالار الدوله
از ایران خارج نموده افواج غیرمنظم فدائی را مرخص نماید ثالثاً نمایندگان بحث برای تشکیل نظم مختصر قوای منظم با ارتش خواهند نمود -
راجع بمعاهده در باب خارج شدن محمد علی شاه از ایران (۱) و تعیین وظیفه بامشار الیه برقرار خواهد شد امیدواریم جواب
مطلوب بسهولتی بما برسد - ج .

«سر جارج بارکلی» «پاکلیوسکی کزل»

افکار امیدوار آرزوهای نمایندگان بعد آمده در هشتم مارس ۱۹۱۲ (۳۰ ربیع الاول ۱۳۳۰) یعنی چهار روز بعد از وصول
مراسله متفقه مذکوره یکایک وزیر خارجه تحریراً یکسان یعنی دولت فرنگی با ذوق ابراز داده «چون مقصد پسندیده دولتین را کاملاً
شفقت متعارف نموده بنابراین مراسله را قبول نموده داخل کرد» قبول شروط مذکور جوابی که اخیراً داده شده بود برای آنکه مملکت ایران
را با امیدهای یک آزادی تمامیه میدان استحقاق باشد

اگرچه بنظر تاریخ نگار حریت و استقلال ملت ایران توسط روس و انگلیس حالا تازه که در جهت برقرار دولت باعث زحمت تا کنون و تحریک این دفعه
سهم تواند شد ذوقی هم که آزادی ملی محو و دفع گردد فته شده هم ممکن بود برای انقلاب آن اعمال شنیع ان اهالی محلی و مساعدتی هم توجهی
قرار دهند مثل ترقی ثروت و تجارت تشکیل ادارات مطبوع بهتر و منظم تری ولی در حال دولت ایران جنگ این مساعده در فصل وجود آمد
وصدا اسیح جای اتهام نبود که ادعا با اطمینان کرده بتوی که روس شدن در قوا ایران را تأیید خواهد نمود -

---

(۱) در بیانات ۱۹۱۰ مطابق شعبان ۱۳۲۹ پس دو دولت بدولت ایران اظهار نموده بودند که چون محمد علی شاه
مخلوع بقصد استرداد تاج و تخت داخل مملکت شده بمطابق مواد قراردادی که در هفتم سپتامبر ۱۹۰۹ (محرم الحرام ۱۳۲۸)
بین دولتین و دولت ایران بامضاء رسیده تمام حقوق و وظیفه صد هزار تومانی سالانه او ساقط شده است -
با وجود این هنگامیکه در بیانات شده بود دیده میشود که پس دو دولت در هجدهم فوریه ۱۹۱۲ (۲۹ صفر ۱۳۳۰) دولت ایران را
ملزم و مجبور نمودند که دوباره وظیفه محمد علی میرزا را برقرار نموده و با کمال همراهان او در تاریخ مارس شرط شاهد از او تو دولت این اقدامات
با حقانیت حقیقت بر دولتها بگرد روس و صدق اظهارات سرادوارد گری در مجلس وکلای عمومی که دولت روس مطلقاً با شاه مخلوع همراهی ندارد
اراده تصمیم نمودن دولت مشروطه و جنگ آوردن سلطنت ایران با اینکه برای تحویل دادن وارد نمیگردد حقیقت دائم این است
که ملت اصلاح دهند بعضی کاملاً فراهم شدن پول برای آن حمله جنبا ولذا به تمام کمرانه او وظیفه اخاص کاینه انگلیس شرکت کرده است

۱۰۵۶ دولتین در تمام مراسلات و مذاکرات با دولت ایران هیچگاه مستعد و متمسک بعذر و بهانه مختصری نشدند که مسئله الغاء امتیازات
برای بهبودی حال ملت و آسایش عمومی است قبول داشتند ولی آنکه حس انصاف تمام اهل عالم را تشنه و تنفر ملتهای دنیا را برانگیخت جابرانه و حیثیت سابق
خودشان بود که فقط بعنوان مراقبت منافع روس یا سیاست انگلیس ملت لگد مظلوم را فدای منافع خود نمودند هیچگاه کلمه هم گفته نشد که نسبت
ظاهری داشته باشد با حقوق ملتهای ملتی که حیات آن در معرض خطر و مهلکه و حقوق شان بکلی پایمال اغراض ادعات شده است.

جدیدترین مطبوعات راجع بمعاملات ایران (۱)
در کتاب آبی انگلیس است که بما خود داده اند تحت عنوان ... خارج و نقاط دیگر سطرهایی که باعث ... بنظر ... میشود
بعموم مردم آشکار خواهد کرد که حکومت حمله های خونخوارانه در ... ملتهای ایران نموده اند

---

(۱) مطبوعات دیگر راجع بامور ایران - در جلد نمره ۳ و ۴ است که در مارس ۱۹۱۲ به پارلمان تقدیم شده است.
(۲) از جمله مشغله بارز در تمام ... ۱۹۰۷ ... ایران برای ... فقره ... تحت عنوان ایران نمره ۱ -
۱۹۱۲ ... ملاحظه ... روس و انگلیس ... (...) خود در نقاط
مخصوصی از ایران ... که از یک طرف متصل یا در قرب و جوار حدود ... و بلوچستان و از طرف دیگر سرحد روس ... باشد
معاهده ... مطابق ... مضامین آن ... رسیده است: -

« بموجب این معاهده هر دو دولت متفق و متعهد میباشند که استقلال و آزادی ایران را کاملاً تصدیق نموده و باقی و برقرار دارند و صلح و رفاه و ...
ترقی ... آن مملکت و حفظ فواید ... و ... هر یک از ملل دیگر میباشند و نیز متعهد میشوند ... دولت
ایران ... نقاط ... در قرب و جوار سرحد مملکت خواهش ... دیگر نمایند -
و بجهت رفع هر گونه اختلاف ... آینده و ... آن ... ایران بود
خطهای ... قرارداد تحدید شده است - اثر ... که ... دولت ایران ... آن ...
خطوط ... میشد ... خواهد بود - و نیز ... متعهد میشوند در صورت
وقوع ... (...) ... تاثیر ... و نیز ... فواید ... شایع
طلبکاران و ... از هر گونه ... که مطابق اصول این قرارداد باشند ... نمایند که ... باشد -
دولتین بموجب این معاهده ... تعیین ... اصول ... و احترام استقلال و آزادی ایران را از لحاظ خود ... مجبور خواهد
نمود - ... معاهده ... مقصود ... ملحوظ ... دولتین ... تحت ... احترام ... هر یک از امور ... ایران
دولت ... ایران ... خواهد ... معاهده ... ایران
خواهد بود -

۱۰۴۷ در این مقاله در سه صد یک سطر هم نوشته شده بود که آزادی و انحطاط بود که ایران ملت جوانانه بود که بعضی حرکت آزادی‌خواهانش را محو و نابود ساختند.

الکترونی دیده می‌شود حکومت توأم انگلیس و روس در ایران برخلاف معمول تمام ادوار تاریخ ایران اولین دفعه است که سلطنت چهار دسته در یک مملکت دیده می‌شود ولی حقیقت امر این است که آثار و خصایص روس لیکن سلطنت بیشتر از انگلیس می‌باشند ولی بیش از ضعف حرکت انگلیس است لاابد از اثرات همین ضعف است که ایرانیان در حالت انهدام سیاسی و محرومیت اقتصادی افتاده و مجبور به تحمل تمایلات و تظلمات جلادی اروپائیان با هر حرکت که ضعیف و ارادی [illegible] و در حال فقر و فلاکت می‌باشند در ظرف هر یک سال مراکو و طرابلس و ایران تحت سه دولت اسلامی را مسیحیان خراب و ویران نمودند در هر صورت منظره خونین تر نظر نمی‌شد اگر کسی خواهد نوشت که صدها ملیون مسلمان [illegible] را ملزم نموده که نسبت بقیصر با ان دید آیا مسلمانان عالم نمی‌توانند ولی تصور نمایند که در حادثات سنه ۱۹۱۱ این عبرت از آنچه اتفاق افتاد مسیحیه اروپا می‌خواهند که سلطنت اسلام را از صفحه عالم برانداخته و نفوس مسلمان را هم باقی نگذارند.

مابین مسلمانان اهل ایران تازه جهت تمام ایادی از انده بصیرت و بلوغ آن شروع نموده و استدلال کرده که یک اتحاد قوی جلالی معرفت زندگانی مادی تازه نقشه و سرداری از اروپا و میلهای استعماری و قبول سیاسی آنان نموده و از اعتقاد عشره دینی مسیح قطع شده [illegible] از مسیح سئوال نمایند که چه قرار دهند برای آن حکام عشره باقی خواهد ماند در صورتیکه حکم «تو نباید دزدی کنی» از انگلیس مراکو و طرابلس و ایران ترک شده نماند آنا جواب چه خواهد بود.

کیپلینگ (Kipling) گفته است که شرق زمینیان از ملک بعد وعده [illegible] بر دوران و لیکن [illegible] است اهالی مغرب زمین [illegible] شرق زمینیان را طرف مقاصد خود جلب نموده و آنها را مطیع خود ساخته در صورتیکه اهالی شرق مطیع شوند که آنان را لطیفه شوق [illegible] که نافع [illegible] حقیقت واقع این است که [illegible] که مابین مغربیان [illegible] مشرقیان [illegible] (افکار) نیت و طبیعت منفور می‌باشند از تکلیف و اطاعت حاکم خصوصاً در صورتیکه تصور نفع خود را نمایند.

بعد از جنگ [illegible] و سپهسالار در تبریز در تحت تبعیت
و حکومت شجاع الدوله مقیم ... از طرف کرد [illegible] بوده

دراواخر ۱۳۳۳

تمام مجاهدین و بعضی از وکلای انجمن ایالتی از شهر فرار کردند از جمله حاجی میرزا علی اکبر قره آقاجی و برادرش میرزا ابوالفضل از راه خارج به کربلا و از آنجا
مسافرت نمودند موقعی که سالارالدوله و یارمحمدخان در اطراف کرمانشاهان با قوای دولتی جنگ میکردند شهر را تصرف نمایند قره آقاجی خود را به کرمانشاهان رسانید
نظر به اینکه یارمحمدخان تمایل در جنگ نزدیک [illegible] عده قره آقاجی [illegible] قسم [illegible] اردبیل [illegible] نزد یارمحمدخان
مسافر تا اینکه یارمحمدخان در جنگ کشته میشود سالارالدوله شکست خورده [illegible] قره آقاجی [illegible] قشون [illegible] جنگ میکرد بود
بعد از حصول [illegible] به تبریز برگردد

جنگ سالارالدوله در کرمانشاهان

بعد از آنکه عده کافی یارمحمدخان و سالارالدوله تهیه شد [illegible] حاکم کرمانشاهان بوده [illegible] را حاضر نموده با اینکه جنگ
شروع نمود سالارالدوله تمام شهر کرمانشاهان را تصرف نموده [illegible] عده قشون سالارالدوله در حدود ده هزار نفر بودند که اطراف
ارک را محاصره کرده بودند

از عوائد - قوای روحی

قره آقاجی [illegible] در آن هنگام با سالارالدوله و یارمحمدخان در یک اطاق خوابیده بودیم [illegible] یارمحمدخان از خواب بیدار شد [illegible]
کرد [illegible] گفت خوابی دیده‌ام [illegible] فردا صبح مرا [illegible] یک پسر دارم [illegible] خودش [illegible] فرستاد [illegible] آوردند
سالارالدوله از خواب بیدار شد [illegible] یارمحمدخان [illegible] قرار شد [illegible] جنگ را [illegible] سالارالدوله [illegible]
گفت [illegible] خوابی دیده [illegible] یک اطاق [illegible] هر چه [illegible]
[illegible] اطاق [illegible] هر چه کردم [illegible] تمام [illegible]
یک [illegible] روز [illegible] صدائی شنیدم که گفت یارمحمدخان [illegible] قشون [illegible] شکست خورد سالارالدوله فرار کرد [illegible]
[illegible] بیدار [illegible] چند نفر [illegible]
[illegible] از خواب بیدار شدم [illegible] سالارالدوله [illegible]
قشون جمع شد [illegible] صبح [illegible] جنگ شروع [illegible] یارمحمدخان [illegible]
[illegible] صبح شد [illegible] شروع [illegible] تمام [illegible]
کرده جنگ [illegible] شروع شد [illegible] سالارالدوله [illegible] یارمحمدخان [illegible] توپها [illegible]
سالارالدوله یارمحمدخان را [illegible] آقاجی [illegible] یارمحمدخان [illegible] سالارالدوله
[illegible] چهار عراده توپ [illegible] هزار نفر [illegible] توپها [illegible]
[illegible] سوار [illegible]
[illegible] سالارالدوله [illegible]
[illegible] سالارالدوله [illegible]
[illegible] ارک [illegible] هزار نفر [illegible]
[illegible] عراده توپ [illegible] ارک [illegible]
خبر جنگ یارمحمدخان [illegible] قره آقاجی [illegible] سالارالدوله [illegible] یارمحمدخان [illegible]
مانده بود که خبر آوردند که [illegible] سالارالدوله [illegible] قشون سالارالدوله [illegible]
[illegible] یارمحمدخان [illegible] قره آقاجی [illegible] تمام [illegible] ارک
[illegible] قره آقاجی [illegible] همراه یارمحمدخان [illegible] سالارالدوله یارمحمدخان را [illegible]

کار بختیاری‌ها ختم شد سپس سالار نظام بختیاری رسید الی آنها صدمه رسید با شکست سخت هم یار محمدخان حمله میکند سالار الدوله با قشون از کار رود اسیر دارد
خان حمله شدید بر قشون خود را بارک سپردند حتی توپها را بارک میبرند یار محمدخان خبر آوردند سالار الدوله وارد ارک شد یار محمدخان با قره‌داغی
بر حرکت رو بارک سپردند سپاه قره باقی بارک رسیدند جنگ سختی نمود که توپها طرفین بر ارک بکار افتاد میشود سالار الدوله پی در پی فریاد میکرد
الحوادث تا غروب طول کشید بختیاری‌ها و کرمانشاه بدست بختیاری‌ها نشد درین بین یار محمدخان طرفی با ورزده یک تیره الر از گرفتند دسته تفنگ برده صدای یار
محمدخان را با سالار الدوله شنیدند برگشت یار محمدخان را آوردند که کار رو بانتها انتقاف الکار اسرور تماشا صدمه رسید بختیاری‌ها تمام کرمانشاه را قتل و غارت
میکنند زن و بچه کرمانشاه را میکشند اسرور تماشا میکند یار محمدخان قتل کرد سالار الدوله برگشت قشون وقتی شکست خورده بقدری که این کار رو انتها
بر گردیدند حول قشون که شکست خورد و همه با آرامی هر چه جدیت کردند که خود را از امتداد اول نجات دهند ممکن نشد بکار رفتن سردار
یار محمدخان که این طور دید گفت مردن از شکست خوردن بهتر است برخواست هر چه سالار الدوله داد و فریاد کرد جای نشد تنها را بر زمین انداخت
تفنگ برداشت فریاد زد ای جوانها در عقب من بیائید بمیرید بهتر از مردن بختیاری‌ها بیائید توپ را حمله کنند سالار الدوله از پشت بام
یار محمدخان از بازار توپها میدود بارک وارد شد تنها عقب نعره‌های یار بود که جلو دکان شیخ فرجی یار محمدخان و قره‌داغی سواره بودند
یار محمدخان یک وای میگوید قره‌داغی میگوید چه شد میگوید بدنم گلوله زدند مرا علاج کن بیرا الفه برمیخیزد قره‌داغی ملاحظه میکند اگر مطلب را
اظهار کند قشون شکست بخورد نفس بکشد بگذارند بهتر دانسته یک دکان را بسته با هر از جمعیت یعنی یار محمدخان را اندکان
کشیده دکان را میبندد بختیاری‌ها میفهمند فوراً از پشت بام رفته سالار الدوله را آگاه میکند سالار الدوله دست از جنگ کشیده بختیاری‌ها هم خاموش شده بودند
عده سالار الدوله بعملیات اولی خود برگردیدند
و شکست تمام رو بسالار در میان شب که همه جمع میشوند یار محمدخان را می‌بینند کشف میشود که جواهر کشته شد ممکن است ... از دهات دیدند سپس از آنجا در فرار
مسلط کردند بتمام قشون سالار الدوله در آن شهر خارج شوند اگر صبح لشکر رسید تو یار محمدخان کشته شد بختیاری‌ها ... سالار الدوله ... را با خود
تسلط کردند لیکن ... خبر دادند ... یار محمدخان و سالار الدوله ... صبح دیده بودند صدای ... نخورده بودند ...
که قشون سالار الدوله و یار محمدخان فرار کرده ... را دیده بودند یا دکان که یعنی یار محمدخان ... کشته بودند
... یار محمدخان ...
... سالار الدوله قره‌داغی ...

شروع انقلاب مشهد

تلگراف انجمن ایالتی مشهد به سعدالدوله
۱۳ ربیع الاول ۱۳۲۷ ق

جناب سعدالدوله ناصب مستبد وزارت خارجه عمرانا که نهایت یک ماهی را در دو سال قبل نزد ملت دستمدیده از خیانت های
شما انکار کرده اید اکنون شهرت دارد که بحمد الله [illegible] عوض شده است دعوت مدرس مجلس اسلام ناصب مستبد وزارت خارجه شده
دعا هواخواهان انقلاب شنوند آمده اند [illegible] سیئات اعمال خود را امداد به سفارت خود شهرت در این عالم هم در باقی وزارت
نوبت تره را که به کرات اتباع خارجه واگذار نموده اند حاضر سابق به عموم سفرا و قونسول ها اخطار شده است ابتدا ملت مأمورین دائره
استبداد و رائی ندارند در تحت اعتباری را [illegible] مبتنی بعضی بودند تا صحیح و مقتضی خواهد بود کارگزاری را هم که برای خراسان مأمور شده اید اطلاع
بدهید که مرجعیت بطور ایشان نموده تحویل خود را ملاحظه نماید دارد که ابدا ملت او را قبول ندارد (انجمن ایالتی خراسان)

تلگراف انجمن ایالتی مشهد به کارگزار ۱۳۲۷ ق

جناب معین الدوله مأمور اداره [illegible] از قرار معلوم تا تحصیل حقوق ملت شما را برای کارگزاری خراسان نقض ماموریت [illegible] فقره را امید
که ملت برای خراسان نقض کارگزار نموده ابدا شما را به این سمت نمی پذیرد هر گاه بخواهید به مشهد بیایید صرفه نخواهید برد بهتر از همانجا به طهران
معاودت نمائید انجمن ایالتی خراسان

تلگراف مشهد اهالی بنام کارگزاران [illegible]
در تاریخ ۱۳ ربیع الاول ۱۳۲۷ مخابره شده

عموم کارگزاران نقاط خراسان چون جناب جلالتماب مخبر الملک کفیل کارگزاری کل خراسان از طرف ملت منتخب شده اند لذا
[illegible] عموماً [illegible] که راجع به کارهای [illegible] اظهار نمایند در قسمت تقویت ایشان [illegible] و هرگاه رجوع
بطور ایشان نمائید مسئول خواهید بود (انجمن ایالتی خراسان)

تلگراف انجمن ایالتی خراسان به مشیرالسلطنه

جناب مشیرالسلطنه ناصب مستبد صدارت ایران چنانچه سابقاً شما اطلاع داده ایم ملت خراسان چندی است از خواب غفلت بیدار شده
و پس از داد حقوق مغصوبه خود را طلبیده و ابدا زیر بار تحکمات و جنایات خائنین مذهب و ملت نخواهند رفت از قرار معلوم [illegible]
هر روز جنایت [illegible] اقدام [illegible] جهالت [illegible] را مشهور از کله خود [illegible] نموده اید [illegible] وارده به مجلس سلطنتی
ایران اطفاء نایره دشمنی اسلام را نموده اید محض استحضار جناب شما [illegible] تا ملت [illegible] حقوق مغصوبه خود را از [illegible]
[illegible] حضرت [illegible] مشروطیت نموده است ابدا مأمورین [illegible] را از احکام [illegible] مأمورین [illegible] خراسان [illegible] از طرف ملت [illegible]
انتظام [illegible] نماید فوراً [illegible] خواهند شد [illegible] شدن [illegible] ارکان ملت [illegible]
مقدسه برای صلح و سازش [illegible] (مقصود قتل [illegible] است [illegible])
(انجمن ایالتی خراسان) - (موقف)

تلگراف ۱۴ ربیع الاول ۱۳۲۷ ق

جناب مخبرالدوله ناصب اداره تلگراف دولت علیه ایران در دوره تلگرافی [illegible] تلگرافخانه خراسان [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
(انجمن ایالتی خراسان)

خلاصه مکتوب انجمن ایالتی خراسان به [illegible] عثمانی
۱۴ ربیع الاول ۱۳۲۷

انجمن ایالتی [illegible]
[illegible]
[illegible] (انجمن ایالتی خراسان)

تلگراف از رشت بمشهد

انجمن ایالتی - در جواب این سرحج اسلام تلگراف اشرف شهر رشت را تصرف کرده انشاءالله الرحمن از توجه حضرت حجت عجل الله فرجه رشت را امن کرده انجمن ولایتی را دائر نموده متوجه تهران خواهیم شد اگر قدغن کرده اهالی را اراده داده از این مقدس مشروطه تبریک نمائید تا بگذارید ناریه دفع کرده تهران را از لوث خصوص خواهیم کرد خادم مشروطه اسلام فدائی ملت سالار

جواب از مشهد به رشت

جناب سردار ملت سالار رشتی تلگراف در خصوص اقامه مراسم مشروطیت و انعقاد انجمن ولایتی در راه عموم ملت و اجرای احکام حجج اسلام موجب تشکر خاطر اهالی و موجب امیدواری گردید با ملاحظه اهمیت وقت فعلی در انعقاد انجمن ولایتی و تأیید مراسم مشروطیت بذل جهد نموده مطالب لازمه را فوری اخطار نمائید (انجمن ایالتی خراسان)

تلگراف قوچان شاهزاده عمیدالدوله

تلگرافی با حضرت اشرف شاهزاده عمیدالدوله شروع که شما باشد او هم توئی بود که شما حقیقت دارید و ترتیب هستند که از نخستین ملت شیر مشهد

[illegible]

راپورت تلگرافی مشهد

اهالی مشهد جمع دسته کشته ترک دعاگوئی محمدعلی میرزا مشغول جدال اند یک نفر قفقازی ... که منتظر تعداد قفقازیه میباشند

محاصره انجمن ایالتی خراسان

جمعی از اشرار که ... انجمن را محاصره نموده که ... در طهران ... میکردند که انجمن ... چهار نفر از افراد انجمن با ... مجاهدین قفقازی ... حمله نموده ... چهار نفر ... که از انجمن ... نفر دیگر از اشرار را مقتول نمایند

اهالی خراسان نیرالدوله

نیرالدوله ... حرکت کرده وارد نیشابور شود تلگرافی ... شیر ... تصرف ... هزار ... نفر ... مجاهدین قفقازی ... که از قوچان ... جواب ... نیرالدوله جواب ... حکومت ... فقط ... املاک خود به نیشابور آمده ام ... تلگراف نکنند ... املاک ... خط ... شما خواهید کرد

خلاصه راپورت خراسان ...

[illegible]

خبر قوچان

قوچان شجاع الدوله انجمن ولایتی را برقرار نموده است

خبر تبریز

از تبریز دائماً خبرهای خوشی میرسد

راپورت انجمن ایالتی مشهد به تحقیق تجارت عثمانی

۲۲ صفر صبح نهم منتظم انجمن ایالتی در حال چند از مشغول مذاکرات راجع به قوچان هستند در محضر انجمن والی همراهی سالار مفخم
تلگراف شده در جواب شرح انجمن تلگراف یافته سالار مسعود پسر ارشد ... ایل ارسال سالار خان بجنورد به ترشیز رفته اصالةً
و الصه با انجمن عوض اظهار درست و تشکر کرده تقریر نموده اجازه تلگراف انجمن اسم را بشر خواسته است شش هزار تومان بملح
بلیک و سا بقدر در برف حرکت هستند و سیزده روز جنگ ... در بندر ... و تحریکات و خیانت قوچانیان که هیچ طایفه ای
هیچ اعمال شنیع از قتل و نفس زدن و سوزانیدن و دست تعرض به ناموس مردم دراز کردن و اموال مردم را غارت نمودن حاضر
نبود ... انجمن را که ... بکنند سی هزار تومان اموال مردم بدبخت را غارت و چندین هزار تومان از رعایای الی خان و چند
نفر را سر بریدند در بجنورد ... و عباس خان ... در مشهد ... انجمن ایالتی
و سکنی ... نفر نفر ... اتباع ایشان را ... لذا جمیع را مأمور گرفتاری آنها نموده ... و سکنه ... آثار غارت
ملاحظه ... خان قرار ...
و دیگر آنکه ملعون ... سالارات روسی ... توپ ... و در سرحد قوچان گشته ... در کار سردم ... روز
ظهور رسیده ... انجمن ایالتی آمده ... ایران ... حق ... نمایند
مرحله ... روسی نوشته سئوال نموده ... قشون روسی در سرحد ایران برای حفظ ... قنسول جواب ... برای حفظ اتباع خود ...
خارجه ... قنسول ... انجمن شرح مفصل ... قنسول نوشته ارسال ... ایران ... حفظ اتباع خارجه نموده
... اتباع خارجه ... حال ... قنسول خود ... دارد ...
قوچان ... قنسول ... دولتین ... در ... قشون روسی حاضر برای
دفاع ... و تمام ... خارجه ... انجمن ... اظهار تظلم و دادخواهی نموده اند

خلاصه مکتوب ... تلگراف عثمانی

... روسی ... قوچان ... اتباع خود ... از طرف ... حکومت ... دارد
... قوچان ... از طرف ... در قرار ...
... شده ... قوچان تمام ... قشون روسی ... انجمن ایالتی است

سواد تلگراف انجمن ایالتی قوچان

توسط انجمن سعادت اسلامبول عموم ... سلطنت ... قوچان مانند سایر نقاط
سلطنت ایران برای حفظ حقوق ... نموده ... حفظ حقوق اتباع خارجه ... از طرف
... روسی ... دولت ... نماید ...
نوز (انجمن ایالتی و عموم ملت قوچان)

تلگراف به مخبر الدوله

جناب ... خان . . . چرا ... سکنی ... چه ... . ایالتی و تلگراف ... سکنی
... را ... کرده ... را ... خواهند

تلگراف ایالتی برای قوچان

سعدالدوله را برای ... قوچان ... تلگراف اطلاع ... حکومت را قبول نموده تلگراف ... سعدالدوله
... حکومت ... ما ... در صورتیکه ... در ...
انتها نموده اند
سعدالدوله جواب ... در ... قوچان ... تلگراف ...
... تمام ... اهالی ...
روسها ... در صورتیکه اهالی قوچان ... داده ... خود را ...
خارجه ... سعدالدوله والی قوچان که روسها ... نموده ... روسها ...

در [illegible] [illegible] میکنند

اخبار سفارت [illegible]

[illegible] [illegible] سالار [illegible] مشغول حکومت [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] سالار [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] جواب [illegible] داده [illegible]

ملاقات سپهدار اعظم

در [illegible] تلگرافی در باب [illegible] رئیس سپهدار اعظم مذاکره نمودند [illegible] جواب [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] خود [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] از [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] سالار [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
نمودند [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] اطلاع نمودند [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
محفوظ [illegible] [illegible] [illegible]

تحریک رکن الدوله والی [illegible]

رکن الدوله [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

ملاقات [illegible] [illegible] نجف اشرف

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] نجف نموده [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] رکن الدوله [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] خود [illegible] [illegible] نموده
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

انقلابات خراسان از سنه ۱۳۲۷
کشتن های رعیتان یکی یکی

بعد از آنکه انقلابات در همه ایران شروع شد مجاهدین از هر طرف جمع شده ایران را سر دادند در طلب قیام نمودند در مشهد هم
انقلابات شروع شد تا سید [illegible] کوچک چهار خراسانی در جوکه مجاهدین وارد و دسته مجاهد در اطراف آن جمع شده از طرف هم
سردارانی از ترک قفقازی وارد مشهد شدند تا میرزا جعفر (شیخ الاسلام ایرانی) یک دسته مجاهد هم تشکیل دادند و طرف
انجمن ایالتی را گرفتند
اول کاری که مجاهدین کردند این رعیتان یکی یکی را در انجمن ایالتی سر زده کشتند ملا قربان را که صاحب باغ و تیمی بود بعد کرده
بالای بام ملک فنا بر سنگسار نمودند همچنین شیخ [illegible] را [illegible] مجاهدین قرار داده دست با قهوه‌چی میرزا ابراهیم سنگسار
نمودند
در آنموقع ایالت خراسان با شاهزاده رکن الدوله بود ایالت هم عده سرباز و توپدار با عده لشکری از [illegible] شهر مشهد را خود جمع کرده
ارک دولتی را سنگرها نموده در مقابل مجاهدین تیراندازی نمود
بعد روز عده لشکری از [illegible] و الواط بشهر مشهد که مسلح بودند با عده سرباز و توپدار دولتی تفنگ و تصرف ملا قربان را نسبت اهل
حمله کرده با مهمات عمارت توپخانه و باغ توپخانه وارد شده میرزا رحیم سرایه که از الواط شهر مشهد بود
با شاع [illegible] داود خانی با عده از الواط [illegible] که حرفه بیرون گرفته بود و جمعیت وارد باغ توپخانه شدند دارایی
عمارت ملک را حمله آوردند مجاهدین که در عمارت ملک جای داشتند [illegible] نمودند تا [illegible] رادع شدند قبل مجاهدین دسته
میرزا رحیم سرایه حمله کرده جمعیت و شاع [illegible] قراولها بود حمله کرد رحیم [illegible] الواط تا میدان ارک
رفته از در باغ توپخانه او را بیرون برده بیش یک تیر تفنگ خورده فرار کرد تا از هم میشکند فاش
میرزا رحیم مسلح شد و آن شب مرد
سپس شیخ حاجی ترک [illegible] مجاهدین در مسجد گوهرشاد برقی کلوله قرار داده کشتند میرزا ابوالقاسم
مجاهدین قصد کشتن حاج صنیع الملک کارگذار را که از طهران آمده بود و مخالف نظر مجاهدین بود (کردند) ساعت رفته تفنگ زدند و تیر
در حوض که بود بیرون آمد از العافیه تا آن خورده فرار کرد
میرزا حاج اعتضاد التولیه در [illegible] مجلس ساعتی که در مجلس بود شب تولیت ساعت جمعی را در باغ خود دعوت کرده بود [illegible]
مطلع گشته عده زیاد وارد باغ شده فرار نمودند اعتضاد التولیه را تفنگ زدند
حاج صنیع الملک [illegible] قوچ قرائی دست خورده که از تفنگ [illegible] قوچانی فرار کرده از لکان نفر دسته
دور در مجلس کرده عده از قبا و بدن شهید [illegible] کشتن ساعت را تیر زدند [illegible] در تفنگ زدند [illegible] و کلیه نفری که با او
داشتند غارت و تصرف کردند
حاج صنیع الملک پسری داشت معمم بنام شیخ محمد تقی در آن محوطه بیک از دوستان میگوید که شما از [illegible] بیرون بروید بدرم هستند
دو دوست ما را می‌سوزند که بدون است در آنجا دا آواز عموم اهالی خراسان مشهور است پدرم [illegible] دارد
دور دیدند که با کسی و شیخ [illegible] کار خود [illegible] اما صنیع الملک کار [illegible] و لذت [illegible] را [illegible] که [illegible] در
باب کرده بود بعض کاغذی نوشته بود که شما [illegible] شیخ محمد [illegible] حکومت [illegible] خراسان [illegible]
حالا آمده دخیره کرده ام [illegible] حالا که [illegible] اظهار شده که یک لفظ شنید [illegible] طلا [illegible] و بالش [illegible]
وصیت کتوب بعد از چند نفر از شاع [illegible] که [illegible] کاغذ [illegible] در دور از خودش [illegible] بیرون رفتند
[illegible] صنیع الملک [illegible] از اینکه تا آن [illegible] رفتار نکرده بود فراولان در [illegible] خود را هم برای اینکه [illegible]
رها دست [illegible] کرده بود که مجاهدین [illegible] طاق که روی سجاده نشسته بود سر [illegible] بیرون [illegible]
و دادند بعد از اینکه صنیع الملک را [illegible] سالدار [illegible] که قافله سالار مجاهدین ترک [illegible]
سر [illegible] نفر کرده که [illegible] صنیع الملک را [illegible] از [illegible] مشهد [illegible] از چند [illegible]
صدر العلمای ترک که قاتل معلوم شد

بیست [illegible]

۲
۱۰۴۸

در تاریخ   مهاجرین وارد طهران شدند در مرکز بیش مهاجرین قبلاً ذکر شده
سفارت روس رفتند که شرح آن در وقایعات مرکز ذکر خواهد شد

۱۰۶۶

قسمتی از اتفاقات مشهد بعد از ورود [illegible]
با سیر محمدعلی شاه مخلوع

بعد از اینکه محمدعلی میرزا مجدداً [illegible] یک بار دیگر قصد [illegible] سربازان ایران را گرفته بود بعد از آن
انقلاباتی که تمام مملکت را [illegible] بود که شرح آن را ذکر کردم بعد [illegible]
و [illegible] مشهد [illegible] اعظم و [illegible] اتفاقات [illegible] که [illegible] هر یک در [illegible] خود ذکر کرده
در [illegible] قیام نمودند که [illegible] هر یک از [illegible] در [illegible] خود [illegible]
ایرانی [illegible] که [illegible] جمع آوری [illegible] ذکر نمودیم.

وقایعات شهر مشهد

بعد از [illegible] که [illegible] ایران را [illegible] محمدعلی شاه [illegible] مجد الدوله [illegible] سردار [illegible] منصور السلطنه [illegible]
[illegible] مشهد [illegible] مشهد منصور [illegible]
در حقیقت یک [illegible] بود بعد از اینکه [illegible] مشهد [illegible] از مشهد خارج کردند
[illegible] سردار [illegible] مشهد [illegible] از شهر خارج کردند
در تمام [illegible] مشهد منوچهر خان [illegible] مشهد بود و در [illegible]
از طرف [illegible] وقایعات [illegible] ایران [illegible]
[illegible] ایران [illegible] منوچهر خان که یک [illegible] ایرانی [illegible]
بعد [illegible] ایران [illegible] حوادث [illegible]
[illegible] در تمام [illegible] مشهد [illegible]

[illegible] منوچهر خان

یک عراده توپ که در ارگ بود سالار خان و اسعد خان و مجاهدین ترک بردند به اطراف حرم [illegible] آوردند
تا دستیاری نیر صحیح الملک و محمد خان برادر یشار الله در قلعه تحصن نمودند از روز سوم به آخر بلاد جمع کردند حضرات
در قلعه حصاری و سالار خان و خود یشار الله با یک عراده توپ اطراف قلعه را محاصره کرده [illegible]
ممهور [illegible] را اصلاح و حضرات مجاهدین را در صحن حاجی صحیح الملک وارد کنند که بروند مهمان هستند [illegible]
وارد صحن [illegible] بودند در میان عمارت [illegible] در یک طاق [illegible] از ایوان [illegible]
دیده نفر از مجاهدین ترک و در همان طاق [illegible] از ایوان [illegible]
ترک [illegible] که در [illegible] گلوله [illegible] خورده بود [illegible] طاق [illegible]
نفر [illegible] در [illegible] یک گلوله [illegible] گلوله دیگر [illegible]
از طاق [illegible] سالار خان [illegible] مجاهدین را با گلوله زد [illegible]
[illegible] گلوله [illegible] تا دستیاری نیر حاجی صحیح الملک بوده [illegible]
گلوله [illegible] محمد خان [illegible] صحیح الملک [illegible] مجاهد
[illegible] مجاهدین [illegible] سالار خان [illegible] یشار الله [illegible]
[illegible] مجاهدین [illegible] محمد خان [illegible]
در [illegible] صحیح الملک [illegible]
حمزه [illegible] مجاهدین ترک [illegible] اسعد خان [illegible] حسن خان برادر [illegible] کرده بودند
[illegible] سالار خان [illegible] کرده بود [illegible]
[illegible] طلا [illegible] حضرات [illegible] حاجی صحیح الملک [illegible] کرده بودند
[illegible] طلا [illegible] اسعد خان [illegible]
بود [illegible] طلا محفوظ [illegible]
صحیح الملک [illegible] مشهد [illegible] مجاهدین [illegible] الدوله [illegible]
ارگ [illegible] الملک [illegible] مشهد نمود
مجاهدین ترک که [illegible] صحیح الملک [illegible] آقا محمد [illegible]
[illegible] محمد یوسف خان [illegible] الملک [illegible] آقا محمد [illegible]
[illegible] محمد یوسف خان [illegible]
[illegible] خان [illegible]
[illegible] مجاهدین [illegible]
[illegible] صحیح الملک [illegible]
از اطراف [illegible] ارگ [illegible][3] [illegible]
الملک [illegible] خان [illegible] الملک[4] [illegible]
[illegible] بودند
مجاهدین هم اطراف ارگ [illegible] ارگ [illegible] مجاهدین [illegible]
[illegible] مجاهدین [illegible]
[illegible] (توپخانه) [illegible]
بودند [illegible] مجاهدین [illegible]
و [illegible] ارگ [illegible]
[illegible] الملک [illegible] ارگ [illegible] مجاهدین [illegible]

[3] [illegible]

[4] [illegible]

۱۰۶۸

قبل خود را حتمی بسازد حاضر بعد از آنکه می‌شد به مرکز رفت حاجی حسین آقای پسر حاج کاظم ملک التجار را که تلگراف کشید که [illegible]
مشهد را با سالار الدوله بدادن انتقال رشیدی داخل ادارات در صحن مشهد بسمت دکاکین داشت با صحن حصار اقلاً جواهر بود از
حاجی پور را انقلابیون به سالار حمله بنمایند که کرده بودند بعد از آن به سالار به بنادق شلیک از آن بوده بودند
بعد از آنکه حاجی حسین آقا را از آنجا مرخص کردند رفت بقونسولگری که روسی تقدیم مشهد بیرق روسی را کنار مادر خانه‌اش
نصب کرده بیرق را اهالی مشهد که سیاب و مال خود را بودند به منظور اینکه روسی را قتل کرده بیرق روسی را در برابر
جاهای خود بالا نصب کردند

چند نفر در سیستان انجمن ملک هم مثل سابق را با ایل سکنه خراسان بود و بعضی عنوان سرکرده را برای آن که بعد از چند
سال حدیث دهان نادری در سرحد است تحت حمایت روس‌ها روسی داخل

ملک‌زاده طهران سپهدار اعظم که مدتی در خدمت برای معقول شد و از سابقه خدمات چند ساله کاملاً مشهور بود که
مجاهدین بر از دربار این طور تلقی شده تمام خدمات را در قرار ... جلیل جمال آنها سپهدار را تحت اختیار طرف سوگ با [illegible]
طمع مجاهدین بحرانی بود

آن اوقات نیابت سرحد بقاعات الدوله بالاتر بود حشمت الملک پسر حسام الدوله حاکم سیستان که با شوکت الملک عمو بین بدادن
سید دست در سیستان به سرحد آمد بود برادر الملک حاکم قائنات عده مسلح در اطراف خود جمع کرده بود به روی نظریه داشت
و آن ملاقات دیگر نظم سرحد که اقامت حشمت الملک در سرحد مثل امور حکمرانی می‌کرد از قرار ملاقات بر طرف [illegible]
بحشمت الملک بلوچ تا سیستان بردند در سرحد چهار دار [illegible] حرکت می‌کنند در این مورد ملاقات محمد نعمان انجم الملک سپهدار اعظم
سر رسید ملاقات شخص با صحن مشهد شکنند که این طهرانی‌ها مجاهدین بوکری تنها محمد نعمان انجم الملک یعنی چه تلگرافی هم در جواب انجم الملک
شکند که حرکت مشهد از حسن حدود شمار آمدنی است بوصول ملاقات با [illegible] و از این سرحد چند نیابت را که حشمت الملک را
در راه سیستان بیاید انجم الملک با ده نفر سوار از قرار دو نفر مجاهد که از آنجا همراه کرده بودند در سرحد برای انجام امور حدودی
در سه نفر از مجاهدین مشهد به ترشیز رفته بودند با اسمعیل خان سنگانی که چند نفر را جمع کرده بود بدستش سپرده با سه نفر دیگر را که
ذوالفقار خان جمشیدی با سوار و طایفه از ظلم سرکرده ایل دو نفر به تنگ قرار رفت و چندی نفلک را [illegible]

قلیچ خان و حاجی در سرحد نعمان با طایفه و سوار از ظلم و بعد بابت حاجی میرزا حسن سرخس با سکنه سیستان فرار [illegible] دهم فرمه
تربت حیدریه و بیگم که تحول سوار جمشیدی بود جواب شده درست بدکور از کنف رود مشهد سرحد آن حدود بیابان بود [illegible]
داشت حدود ادای از ... تربت حیدریه که با بیگم تکفیر شکست ... ادا فرار ... اسمعیل خان سنگانی و همراهانش فتاد
اسمعیل خان مرتبط بخالص بعطا و یک نشان تهیه کرده بود که از آن تشویش بود ۴۷ تمام بمشهد آمد از مشهد حرکت
در خیابانه خود نصب کرده تحویل بابت ترشیز فتاد شتاب ترشیز نزد حاجی میرزا سرخس ... اگر اسمعیل خان و همراهانش ترشیز بروند
اعدام در راه ترشیز بخواهید حاجی میرزا حسن سرخس هم در راه ترشیز را القبه یک نوع سکه را تاجیک در سال سیدان که به عهد
حوالی حاجی شیخ ابوالقاسم عماد ... رییس انجمن و ملا داشتی علاوه بر این با میرزا سرخس را انکار تا اسمعیل خان در کار بابت تربت حیدریه [illegible]
و میرزا ابو[illegible] از الدوله را دعوت ترشیز می‌کرد یک شب در وارد احکومه ترشیز جمع بودند خبر آوردند که نجفی را که عصر فرستاده بود در
او را دستگیر کرده آوردند اینکه جواب این میرزا سرخس را سوی ظهر خبر آوردند که تنها از فرستاده اسمعیل خان که برده را الوایش
تحریک میکند فرستادم او را گرفته او بیت آورده اند او را حواله ای کار طلبیده که من نوکر اسمعیل خان را با سر دیگر بنشیند و ... آتش
رفتن ترشیز سید او را برید نجفی فرستاد صبح رفته رئیس انجمن ترشیز نسل آنها آزاده میرزا حسن سرخس سید و کس داشت چه نفعه باید در انجمن
حاضر کرده ... از بریدن سید نوکر اسمعیل خان عذر نخواهد میرزا حسن سرخس را انشاء الله را فحش داده لعنت و دعوت جواب تعرا [illegible]
چند روز بعد در راه ترشیز اسمعیل خان هم در نوروز ۱۳ به تخفیف ترشیز با حیدری سوار از اهل ایل بلوچ و عده [illegible]
بود حاجی شیخ ابوالقاسم رئیس انجمن ترشیز قرار داد اسمعیل خان را در ترشیز نبود و از طرف میرزا حسن سرخس را سر چند از آن
در همین ... با اسمعیل خان دست در دعوا قرار کار گیر از ... برادر از ترشیز را فرستاد او را اطمینان داده مجاهدین
حوالی قلعه اسمعیل خان را وارد کردند قرار داد میرزا حسن سرخس را اسمعیل خان محکم و سوار کردند

حاکم سرخس[۵]

اسمعیل خان از طرف سنگر و شورش به رقش ممدوح برسیله یک نوشته که قاطع انتظام امر از انجمن ایالتی صادر گردیده بود اسمعیل خان
ممدوح به حبس برگشت از انجمن حسینی هم مرتضی میرزا انجمن گزارشد که اسمعیل خان حکومت است دارالحکومه را بفوریت تخلیه کند تمام
مقاصد اسمعیل خان عبارت از اهالی و رعیت خالصه و دراهای مرتضی میرزا بود
مرتضی میرزا هم ازین رو موافقت خواست که دارالحکومه تخلیه کند در صحن ملکزاده برکن الدوله نایب الدوله خواهان گردید که اسمعیل خان یک نوشته
که از انجمن ایالتی قطعی صادر گردیده فرستاده بر حکومت میرزا حسینی است انجمن این هم برانجمن دارالحکومه تخلیه کرد جواب رسید
حکومت ما ساخت است اسمعیل خان بفوریت حرکت کند پس از وصول این ابلاغ برای مرتضی میرزا هم ابلاغ از انجمن ایالتی مشهد صادر گردیده بود
که حکومت ما جور ساخته است اسمعیل خان حرکت کند مرتضی میرزا فرستاد اسمعیل خان را حرکت بدهند اسمعیل خان از حبس حرکت کرد
در سنگر سیاه بودن از رعیت سنگر قانع نشد سالار الخمی را فرستاد که قهر آقا خان را از سنگر بیرون نمایند دیگر دیدند که در آن وقعه
چند اسب دیگر هم گلوله خورده بود

در این موقع شهرتی دارد که مشهد کلیسان قنات عدل در وسط اما مشهد جلوه کرد است بخور ستی از طرف مشهد آتی که هر بخور حقیقتاً
متفقی اند شروع کار هر کدام در سر کار خود شان کار میکنند شروع تمام دکها را در یک نقطه مجمع خود از هر کس سنگر بند را دادند بطوریکه
دیگرهوش را فرض داشت بسته بودند اما آن بخور آقایان نوار دیگر بود

ظهیر السلطان سعادت ایالتی حرکت — ناصر خان [illegible] راه خود ایالتی که به راه رفیق بعلیک برای دستگیری سالار خان بروج
و گلوله خوردن در آن جنگ ملقب به سردار اسعد شد رشتی قزوین حرکت — صنیع الملک [illegible] — معتمد الوزاره رشتی نظمیه
علاء السلطان رشتی کابینه ایالتی

در موقع حکومت رضی حسینی و جار خالصه را محمد حسین میرزا سطور الدوله دادند مرتضی میرزا مشهد رفت محمد اعظم خان [illegible]
انجمن الملک هم که یک نیک در جار خالصه سر حسینی سرکشی داشت بمشهد رفت رودبار از دروازه در دارالایالة ظهیر السلطان را
ملاقات سلطانی خود را بیان کنید علاء السلطان که در همان طاق نقصه بود ظهیر السلطان سلطنتی شود که محمد اعظم خان میخواهند
ترک داد خود را ملتجی

ناصر بن مخفور ناصر بن برک سعد الوزاره چند نفر ایالتی لقب سمیعکی و [illegible] بود در آن موقع لقمانی دستوری لقمان دار النظمیه را
داد به عده ملکی بیبی و از امداد به رتب و نسب را کاملا برقرار نمود

مختبر میرزا برادر مرتضی میرزا در کوه سنج به نشر حکومت داشت سیدابراهیم که کاملا از تو مطلع بود و شرارت کرده سنج بود تمام فرق
اوباش محبوسی که کاری رفته بود سایت را بمسائل ساختکه سیدابراهیم از حبس تلف میشود عادل سیدابراهیم که از توس [illegible] میشود
[illegible] دارالحکومه [illegible] را سکرار داد شاهزاده مختبر میرزا حکم سفید بیرون آمد و آن جوش را نداشت ضعیفه ها رفتند که
حاضر بر آن باشد به ایالتی و دعوه ضعیفه را مخلص نمایند پس از استخلاص ضعیفه دیگران سیدابراهیم مشهد آیند بطلع نمایند
معتمد الوزاره بحکم ایالتی مأمور فرستاده مختبر میرزا را آورده در ارکانطه مشهد توقف قرار بشود در محاکمه حضور در [illegible] ادارات
استنطاق بعد از ثبوت تقصیرات مجازات شود پس از محاکمه مکرر این طور رای صادر گردید که :
شاهزاده را در میدان ارک مشهد شلاق بزنند سید محمد میرزا که عمل منصور الملک بود [illegible]
بدید برادر میرزا شلاق بزنند [illegible] پس از زدن [illegible] شلاق [illegible] محبوسی [illegible] را
حاصل [illegible] شد

واقعه [illegible] آور دیگر

در [illegible] آباد بین مشهد و نیشابور [illegible] که [illegible] طرف و عدالت
[illegible] در این بین [illegible] از مشهد رفته بود [illegible] آباد [illegible]
رفته بودند [illegible] حکم [illegible]
[illegible] آقا [illegible]
[illegible] ایران عموم [illegible] که ایرانی [illegible]

۱۲۷۵

مشهور شد که هنبار کردوقان فرار کرده بودند که به سرحد ایران فرض بدهند و جمعی نامیدند با ایران سرحد اصلاح عودت
ننمایند بعد از ظهور این واقعه و قتل لیچ حوقندی کشته یکی از آنکه با ایران و دادن هنبار کردوقان صرف نظر کردند
پس از قتل لیچ حوقند دولت روس درشتی نمودند سپس انگلیس با دربار صحیح سعدی رضوی بیت سعد الوزاره پیغام داد اجرای انتخابات
در صحیح ولی لیچ ملاحظه و اوضاع ملک خودش سردی نمود تا با دالدوله آنجا از آنها خارج شدند سپس انگلیس با خلف را برای اردوی
از صحیح خارج شد سعد الوزاره سالار الدوله را تحت الحفظ طهران فرستاد برادر سپس انگلیس با ملحص به نشاط با برادر طهران
رفته کار شرا اصلاح کرد

۱ فصیح الممالک برادر شر الممالک برادر در تهران ... زیارت حضرت امام الدکتر شرف ... بودند سالار الدوله را گرفته در اداره ایالتی توقیف کردند با عمران که برادر سیم ... را با منزل تکانه نموده بعد از چندی در توقیف نگاهداشت و بعد دیگری را ضبط کرده گفته سردار سعید رئیس قشون بعد از قبول کیل کرده ترخیص نمود بعد از چند روز در اولش دیگر سر بر ... حرکت کرده رفت

جنگ با سالار خان بلوچ

در همین اوقات بلکه با مهر خان رئیس قشون آماده شد سرباز و سوار نظام طرف بزرگ حرکت کرد به نیت هجوم شد
شجاع الملک رئیس ایلی بزرگ ایران با سوار ایرانی از راه و توپ سوار نموده از خانم با تورش بزرگ رفته اند توپ و سعید داد هم از اداره
قشون حرکت داده شد
رئیس قشون با این سعید داد در حصار آباد در فرسخ ملکیک که منزل شکوفه سالار خان بود از نرسید سالار خان نزد رئیس قشون
واسطه می فرستد که محتاج به جنگ و زد و خورد نیست تا بیش قشون به طهمان و پیش برسد خود نم لیتر قیاب یلوم رئیس قشون هزار
شجاع الملک هزاره شکوه می خیل و طهمان نمی دید که سالار خان در پایان است ادارهای جنگ و خونریزی قایم شکم هر یک
از دو با دو جنگ سفیدان طهماراتی کردند رئیس قشون قبل نکرد و پیش رفت سالار خان حوالی تمبداد در دو ایل از سحر
شنبه حرکت کردند توسلنه با عده سرباز و سوار خودش به رئیس قشون رسیده نزدیک ملکیک رئیس قشون است توپ
که سوار آن آماده های توپ را درست کرد بعد از چند تیر بعد از قلعه ملکیک اسم شده نعرف رسید از اینها پیش رئیس قشون
گفت چهره اش و معلوم خوردند و نیش به سوار خود کرد رحمان سرد آن آورد که شب سوار رفتند که است رئیس قشون
شجاع الملک شکوه با توپ را تو تیر در هم گرفت یک سرگنی ایمن چه برگشت به شور خود رئیس قشون با آن دیش سرش را جدا
تاراج کرده بود یعلک سربازی از روز جهار کرده بعد جهار تو سر نعشها را سرگرفته رئیس قشون را از سال با کسی که در جهد
بر عیش تمام نظر ابرازی رسانده بالای ظاهر آنجا به مخصوص آباد رسانده در همین اثنا با کشته هم ملکیک را محاصره کرده طرف
زنش فرار کرد خبر رئیس قشون رسید همین را که پیش سالار خان ما مور کرده در دره فرسخ النظر زنش که سردار سرد و سالار خان
رسید منتظر حمله نمودند سالار خان از قشون حوالی ایل تحوادی از این سید بد بلاد از شهدا اعظم خطاب رئیس قشون از آنجا
سید بد توصول لیچ بلافاصله مراجعه سالار خان کرد خودش با طهران فورا از محاصره شارالیه مصرف سالار خان زینبار
طهران قشون عودت نمایند رئیس قشون از هر نکته در ترتیب جلوداری انها مشغول شد که گلوله بود از مشغول جابیدن شکوه
بردند بود بعد از مشاهده که قراری های گلوله خراب شده بود در قبول کردند

اوضاع طبس و حمله حسین کاشی با نسا

در همین وقت خبر رسید که حسین کاشی طبس را محاصره کرده عماد الملک تنگ است از جوانی به احتیاط جنگ طبس دنبال بردم خودش به
محمد بیع کشماد در تر که در شان مور مشغول جواهر آرای خود و هم جزئی گرفته بود بواسطه جنگجوی که کرده بود رئیس نظمیه با امور کلیه در کرد
او را ضبط کرده حبس نموده پس از چندی از محبس رئیس نظمیه از شانور تلف قطع علاقه کرده با تربت حیدریه آنجا یک عده سوار
از اهل رئیس جمع شد خبر همین محمد بیع کشماد در که به مشهد رسید از آنجا از مشهد تاش قشون با یک عراده توپ برای کومک
سالار با نور نمود که بعد از قطع و جمع محمد بیع به طبس را از محاصره حسین کاشی خلاص نمایند
چند از آن چون شیخ خان سرتیپ سردار با دو فوج شجاع الملک برادر که این نیز یک سال سرسختی نموده شاید گرم
که لکن را از آن بد این خان چاپلوسی می کرد که از اول با او ساکت که بود است یاد می شد از خود بیان ابت شجاع الملک طهار
سیدار و با حکم از مشهد نبود بعلاوه قرار مکتم عملان صندوق حکم را العهده شد حکم از سرکرد صادر کرده شجاع الملک با سوار
خودش بالای سید ابراهیم خان سرد و از اول حرکت آیه بعد از طرف کار اسلام خان را احاطه داده سه چهار نفر از سوارهای
هزاره که همه بودند از آنجا اسلام خان و حسن برادر بزرگ را معطل جاده در شب سر از قتل از او بعد از که در کوه کاسی

۸ قره سوق ۵

۹ دریا دو ...

۱۰ قلعه ملکیک

در بیان تاخت بردن [illegible]

با اینکه شجاع الملک [illegible] قرب چهار هزار تومان [illegible] از [illegible] عثمان [illegible] سهند [illegible]
[illegible] کرده بود [illegible] شد [illegible] شجاع الملک بود [illegible]

[illegible] از طرف [illegible] رشی قوین مامور [illegible] شجاع الملک [illegible]
شجاع الملک [illegible] رشی قوین [illegible] ماموریت [illegible]
[illegible] رشی قوین [illegible] طایفه [illegible]
[illegible] از طریق [illegible]
[illegible] رشی قوین [illegible] شد

[illegible] (شجاع الملک) [illegible] رشی قوین [illegible]
[illegible] حقوق

[illegible] طایفه رشی قوین [illegible] صدیق نظام [illegible]
[illegible] ابراهیم خان [illegible] رشی قوین [illegible] ابراهیم خان [illegible]
[illegible] ابراهیم [illegible] رشی قوین [illegible]
[illegible] حقوق [illegible] شد [illegible] رشی قوین
اظهار [illegible] شد رشی قوین اظهار کرد [illegible]
[illegible] حقوق [illegible]
[illegible] رشی [illegible] سهند [illegible] (کلیات داستیرا) [illegible]
[illegible] رشی قوین [illegible] حقوق [illegible]
[illegible] خارج شد

بعد از [illegible] رشی قوین [illegible] صدیق نظام [illegible] طایفه صدیق نظام [illegible]
[illegible]
[illegible] نفر [illegible] طرف دیگر [illegible] شدند

[illegible] جواب دادند [illegible]
اظهار کردیم [illegible] حقوق [illegible] شد [illegible] اظهار [illegible]
[illegible] سهند [illegible] سوال [illegible]
[illegible] جواب [illegible] ابراهیم [illegible]
[illegible] سوال کرد [illegible] کرده [illegible] اظهار [illegible]
[illegible] رشی قوین [illegible]
[illegible] رشی قوین [illegible]
[illegible] حق [illegible]
[illegible] داد [illegible] اظهار [illegible] اشطاق [illegible]
صاحب سقف [illegible] رشی قوین [illegible] اشطاق را اظهار کردند
پس از [illegible] حساب [illegible] رشی قوین [illegible]
[illegible] کردن [illegible]
[illegible] رشی قوین حبس کردند

در تاریخ هفتم ذی‌الحجه هزار و سیصد و بیست و نه دولت روس به دولت ایران به واسطه ضبط اموال شعاع‌السلطنه و شمس‌السلطنه
رسیدن مالیه و خزانه‌دار ایران که شرح آن خواهد گذشت

اولتیماتوم داده و در اول محرم ۱۳۳۰ قشون روسی با مهمات کافی و توپخانه سنگین از راه عشق‌آباد از دروازه پایین خیابان
وارد مشهد شدند و تا چند روز قشون پیاده و سواره وارد می‌شدند در طرف ارک به طوری که تمام کاروانسراها و بازارها و عمارات
ملکی و مخروبه را خالی کرده مسکن نمودند و هر چندی یک دسته قشون[11] به قنسول روسی مقیم مشهد از عشق‌آباد و اطراف شهر دعوت کرده و اظهار حسن
اظهار می‌کنند چون در آن اوان به واسطه اهمیت شروطه و استبداد مانند سایر بلاد گرفتار فتنه و فساد است به علاوه قشون را برای حفظ اتباع
خودشان وارد کرده اهم مقصود دیگری برای ایشان نبود قونسول روسی داشت روزها سوار شده با اردو و صد نفر سواره در محل ایشان تشریف
خود را با ساز و نقاره نمایش می‌نمود

سید محمد طالب‌الحق که از طهران رانده شده بود آمده به مشهد آمده با ترکمان‌ها بر آن که اهم مقصد روس‌ها بودند شاه بود در مدرسه میرزا
جعفر متحصن بود (مدرسه میرزا جعفر در صحن کهنه جنب دارالسیاده است) محرک شد و اسباب شورش و انقلاب را فراهم آورد
با جمعی ترکمانان که از روسی ملول بودند از صحن مبارک از مدرسه خارج نمود به واسطه ارتباط معنوی و سری که با قونسول روسی پیدا کرده بود
از مدرسه متحصن بیرون آمده در محله سر ارک نزدیک قبرستان سر کوچه آقا میرزا تکیه داد و اهالی را به سوی محمدعلی شاه دعوت نمود کاغذ
نوشتند که چون مشروطه تمام شد تا به حال عزیز و سر و جان در سر کار مشروطه صرف نمودند حالا دیگر احکام محمدعلی شاه را باید اطاعت کرد
این مستخدم محمدعلی شاه سلطان مخلوع خود را از احوال آن روزها را به مشهد گذاشت رسیده جمعی را تا حسینیه اطراف خود جمع کرد آماده
از کمک‌های این روزها بعضی از فقرای انقلابی به ورود در حقه شکنی زیاد شدند

دستجات روس در شهر به علم آن که در عالم برپا شدن طالب‌الحق با جماعتی از اراذل و اوباش در محله ترکمان[12] جمعی از مشهد طالب‌الحق
در آن سمتی نطق‌ها نمود که مشروطه کفر است طالب آن کافر است دیگر اینکه باید ما همه از رؤسای تحت این سلطنه
یعنی هیچ مدعی برای ما دایه وارد در تمام عمارات ادارات باید از دکاکین مسیحی به واسطه رابطه سری به مخصوص از تکیه با جمعی
دار اقدامات کرده سر تحصن نشستند با اینکه کار زیاد با اتفاق ماده فساد قوت گرفت

ترکمانان با سرداران خود از سرکرده‌ها داشت سید محمد با اتباع خودش از محله ترکمانان با علم و بیرق حرکت کرده و به سمت بالای خیابان بازار
روان گشتند فریاد و زنده باد زنده باد اعلیحضرت محمدعلی شاه وارد صحن جامع شدند

بعد از اجتماع مردم طالب‌الحق منبر رفته مردم را تحریک کرد که فردا باید حرف ... باشند عرض ما از این اجتماع
این است که شاه را می‌خواهیم

بعد از اولتیماتوم روس روسی

بعضی از علمای نجف که بعد از هنگام خوف حاجی میرزا خلیل تهرانی و شیخ مشهد شده بودند از آن جمله آخوند
ملا محمد کاظم خراسانی مرحوم به تاریخ دوشنبه بیستم ذی‌الحجه ۱۳۲۹ ق مرحوم آیت‌الله عبدالله مازندرانی و
العجم شیخ ... شیخ‌الاسلام مرحوم آیت‌الله رحمه آقا نجفی اصفهانی در آن حال خبر فوت آخوند را به ملکوت اعلی مخابره دارند
مضمون تلگراف این بود که مرحوم آیت‌الله خراسانی یا علمای نجف تمام در تکیه ملکوت به فاصله چند ساعت فوت شده گردید
مردم خراسان در نقاط عدیده و منابر بعد از ختم شعله نمودند تا چندی در تذکار آن می‌داشت

[11] پرنس دابیژا ژنرال

[12] دفتر کمپانی روسی

[13] [illegible]

اثرات اولتیماتوم در ایالت خراسان

بعد از آنکه خبر اولتیماتوم دولت روسیه به دولت ایران رسید اهالی مشهد تعطیل عمومی کرده مسلک نطقها در مساجد و تکایا بر ضد دولت
روسیه نمودند از طرف جوانان سیاسی و رؤسای ادارات [illegible] و تجار و محترمین شهر را در دارالضیافه آستانه مبارکه دعوت نمودند در این باره که
اجتماع عمومی بشود چه در دور [illegible] در صحن [illegible] مبارکه مهمان دارالضیافه تشکیل گردید از هر طرف فریاد یا مبارک یا استقلال
بلند بود سالها که [illegible] مخصوص خود [illegible] فریاد کشان [illegible] حاضر شدند [illegible] تشکیل گردید اجتماع شهر
سقف [illegible] دارالضیافه که بنای بسیار بزرگی است [illegible] صحن محترم [illegible] مملو از جمعیت در ارکان [illegible] کردند.
[illegible] سالها که [illegible] در [illegible] تمام رؤسای ادارات در ارکان [illegible]
[illegible] را [illegible] خطور ممکن است اهالی این شهر [illegible] را [illegible] کرد.
پس از آنکه علما و رؤسا مشورت کرده متفقاً تصمیم گرفتند که [illegible] اهالی شهر [illegible] عامه بودم از طرف هم
[illegible] که [illegible] بودند [illegible] نطق [illegible] خاطر اهالی را فراهم [illegible]
حادثه این اجتماع [illegible] را [illegible]
در میان جمعیت کثیری که تمام فضای دارالضیافه مملو از جمعیت بود [illegible] هم برای جمعیت [illegible] نطق [illegible] که
[illegible] اسلام [illegible] مملکت [illegible] نمودم [illegible] از [illegible] جمعیت [illegible]
[illegible] این قسم [illegible] خودم [illegible] کردم.
آقایان محترم [illegible] حق دارد [illegible] احساسات [illegible]
[illegible] دولت [illegible] مملکت [illegible] دولت [illegible] اسلامی [illegible] دولت را [illegible]
که ایران [illegible] شما را [illegible].
اما از نظر [illegible] بر داریم [illegible] نظر عموم [illegible] تصمیم [illegible]
که موضوع را که [illegible] تصمیمات [illegible] تصمیم خودتان [illegible] اسلام [illegible] عموماً
بر طبق آن دستور قدم بر داریم تا [illegible] مقصود را [illegible].
این تصمیم هم در [illegible] هزار [illegible] مملکت [illegible] جمعیت [illegible] تصمیم [illegible] عموم
[illegible] تصمیم [illegible] ادارات [illegible]
[illegible] مملکت [illegible] تصمیم خود را [illegible] عموم [illegible]
[illegible] عموم [illegible]
[illegible] کار [illegible].
[illegible] بودم [illegible] دستار [illegible]
[illegible] ادارات [illegible]
[illegible] مشهد [illegible]
[illegible] - [illegible]
[illegible]

اما [illegible] اولتیماتوم از طرف [illegible] مشهد رسید [illegible]

بعد از ورود قشون روسی بمشهد

تخلیه سربازخانه دولتی

«اکنیارو بهرا» قونسول روسی جناب ... ایرانی را احضار با کمال سختی اظهار داشت که سربازخانه را در ظرف چهل و هشت

ساعت تخلیه برای قشون روسی بکنید خودم فردا آقای ... ناچار سربازخانه را تخلیه به تصرف قشون روسی داده اند

موزیکانچی های قشون را جنب کارگذاری جلوی منزل داده بودند هر روزه موزیکانچی ها جلو ... گنبد بام اداری

اطاق کارگذاری ... تبریک ... و ... مطابقت نمود

نایب السلطنه قوچان

بعد از انفصال ... ارشاد نایب السلطنه قوچان به نیابت ... که در باب ... نموده بود محض ... برای ...

مشهد داشت ... هزار ... را با قدرت شهر ... نموده ... و ... روانه داشتند

ریاست نظمیه شهر نظام سالار ممتاز

بعد از حرکت ... از مشهد ریاست نظمیه ... به شهر نظام (سالار ممتاز) محول گردید ... با کمال ...

خود ... اهالی شهر و ولایات ... اهالی شهر را ... از ایشان کمال رضایت را داشتند

یوسف خان هراتی بعد از ... محمد ... خان

یوسف خان هراتی در ... منزل ... کرده بود ... روسی ... خود ... چاپ ...

... کار ... طبع ... و ... گرد ... آن ...

روزنامه ... از ... جمع ... و ... روسی ... کرده

ملاقات ... از ... سربازخانه ... از ... نظمیه ...

در اواخر شهر محرم ۱۳۳۰ یوسف خان را از مشهد ... که ... روسی است ... کردند ... منزل گرفت

... سربازخانه ... از ... یوسف خان ... جمع ...

... روسی ... جمع ...

... یوسف خان ... از ... با کمال ...

... و ... از ... جمع ...

... از طرف ... روسی ... یوسف خان ... بود ...

روسی ... بود .

... جمع ... ایران ... صحن ... شهر ...

... یوسف خان ... ظ ... از ... آخر ... شعاع السلطنه ...

خود ... دیگر ... است .

... شعاع السلطنه ... جمعیت ...

... یوسف خان (... کلات) ... مشهد ... در ...

... یوسف خان ... است

... از ... یوسف خان ... است

روز ... صحن ... شهر ...

مردم ... خوب ... است .

سید آقا کوچک خان

سید آقا کوچک خان هم در حوزه محتشم صحن مشهد بود که از ... و علاوه ... جمع کرده بود .

این صدا از طرف ایلات که سه هزار ده رکن الدوله بود گفته شد هر یکی از اشرار به عده متعاقب خانه و منزل خود رفته هر یکی از ایلات تهران فوج سیلاخور
داشت بنشانم خانه خود را سد نمیشد چند نوبه نعش کذا شده بود قریب یکماه از اول غروب الی صبح نهر بنهند ماکه شبی بود دار و صدای تفنگ کردند
سرباز یکی را جوان تکرد بسیار لکان هر طرف گلوله شد هر
کار جنس و مجروح اشرار در تست اقسام حبس ظهور و تسمیه نمود.
در نقص مستمان طباطبائی که مسولات اسامه به قرینه نمود هر روزه در محضر علما اظهار مسلمانیت میکرد مسلمانان سردار هر روز
مسلم فوج مجروح جمعی اشرار شده عموم در جواب شکفته کار را در کار صاحب است علما هم سر فکر کار ایلات اشرار ارابه.
سوالات جواب شد حصار عیال شاه از صبح تا شام مقام آنها از فرار هر کوی رسی فتنه تفنگ یا سرباز در تو یعقوبان دولت بود یا طلبا یا سرباز را همراه نمود
در وقتی بیکار متکلف مسلمانان است و ظلم است که از ایجوریت شروطه یا جوابی سرباز از ایشان تمیز نمود قدر بایدیم.
در این حال که ... ازین نظمی و عدالتی شنیدند بعد آنکه که اگر شما نمی شنیدند لازم است ظلم کنید هر با لازم است هر تمام رکن الدوله جواب سردار
اسعد مساعد است.

تعدیات سواران بربری

رکن الدوله والی و حکام عده از سواران بربری مثل مسلم قوچی آقائی شده شد که از اشکال نماید محمد فرار میکند بسمت قریه دار و دسترس
سوارها در تعاقب محمد باشی سر ندار محمد و لیکن میکند سوارها که دارد دست مکتوب بالای قریه تعدیات زیادی میکنند.
خان و در دود فراره از تعدیات سوارهای بربری شهر سابق باطل نظم کند محمد قوچی آقائی به (ذکریا) ملکوت نشو بیرون بیاید جزئی رسید
دستخط ایالتی بعنوان سردار اعظم که در عموم رعیتی قوچان و حکام نیز رسید که عده نویسنده محمد را در ذکریا دستگیر نماید رعیتی قوچان فورا
سوارهای ترکمن از آباد ذکریا و طایفه چانی را احضار کرده که چطافان ها مودی کار ملتفت از اسامه شکسته قصد و قریه ها کار جو در ایشان ... خان مهراز
شاه سال ترکمن دو حمله اطراف ذکریا را امسک کند را بهم را با سوارهای ترکمن آبادی ملکوت با سوار گرفتن که هم تمام ایشان سکه حمله
در زیر سیره که در ذکریا است آنها را یا ایشکریم سریم در صورت سکه محمد قبل از ورود قوچان حرکتی جستی کرده بود در سر دار قلعه ذکریا
ملتزم خود شکوه لشته به هر آبادان خود هم دستورات لازم به بعدا در اطراف گماشته بود.
مهدی سکان لسر شطاخان که اهل شاهان بود یا جنس جمعه دار بدرش و عموش به دعا با داخل قلعه شده تکفیر از اولادهای محمد که در سال
قلعه با هنر ده بود او را گرفته محمد از سرداری قلعه صد اسیر نیز با و شناسیم مسلمان و برادر دیں هم اهل خوابیده که دست خوت را بهم اند
مهدی سکان خدا علیه محمد یک شیر سوار هوائی ملک که شاه مهدیقان دست از طلبه او مرداری مهدی سکان اخبار میکند محمد سیل
بیندازی رنگ سر تو میشود هر سره را سکند تکفیر هم از سوارها سرداری آبادی معقول تکفیر هم محمد و ... میشود.
قوچان حرکتی هر سمت چهار چطافان چهار و لسر جوان و برادرش و ذکرش را برادر خیال از ذکریا با سه اند تلو شکست فتنه پنبه
بعد از ظهور خبر این شکست ترکمن رکن الدوله والی و حکام هم رسید عده از سوارهای آشته را با مو اورده کمک آنها نتوانستند حرکت از آنجا راه
بلقوچان شکست خورده رسیده مراجعت میکنند مثل عقب ایشان لشکر نعشها را کشید وارد کرده این خبر در تمام شهر منتشر میگردد.
امثال ایشان محمد و همراهانش از ذکریا وارد دسته سیر از صبح بعدی حو لعقان هزار و هزار ایشان در صبح نو در ملحق کرده در قرداد این است
دولفان محمد را در دسته در سیر که جز باد بالدیه بیشتر. مشهور اصحاب الزمان علیه السلام از طرق مقصد عموم مردم خطاب میکنند
حضرات سردار محرفان است که سرد خان خود را وقف این ملتی صاحب کم همراه این هر روز در قرد اصحاب بیرق با وشتامی محمد علمان
سیاه ... سعید منابر.
بعد از شنیدن این آمدن محمد را در طاق زوقعه شب در صبح صد عرض رسید هر شب جمعی تعقیب کرده کمک محمد دولفان را اسکندر محمد. (ماند بود)
دولفان در طاق بالدیه آن را باز صبح صد هزار نیز ازل کرده بود محمد صبح؟ سرقش در میان ترکمن کوچک که از سرداری بسمت سرف
صبح صد بیست با اهل عزوب شهر بعد یا اهل میماند

ملحق شدن سربازهای رحمتی با سردار

یک عده سی تفنگ از سربازهای فوج فرائی بواسطه نرسیدن حقوق سال الضحی رفیقه با دولفان ستم و هم قسم میشوند

۱۰۷۶

حمله اخیر [illegible] بازار

امروز سربازها [illegible] که [illegible] بوده ... [illegible] کمپانی [illegible] یورش برده ارباب صبح [illegible] سرابدار [illegible]
هر یک [illegible] مقتول [illegible] حسب دستور [illegible] نقاره خانه [illegible] حمله [illegible] سربازها را شکست داده در آن
جنگ دیگر [illegible] سید [illegible] سربازها [illegible] خورده [illegible]
[illegible] شهر [illegible] رسید [illegible] نظمیه [illegible] الدوله
[illegible] راه [illegible] اسکورت [illegible] میکرد.
از طرف اهالی [illegible] شهر [illegible]
[illegible] بود.

سواد مراسله جنرال قونسول روس به طالب الحق

در جواب [illegible] آقایان [illegible] سید [illegible] حسب قرارداد [illegible]
[illegible] سلطنت [illegible] سلطان احمد شاه [illegible] آقایان [illegible]
[illegible] حسب [illegible] طهران
باید اهالی [illegible] فوراً [illegible] بنمایند (کمیته دادرسی)

سواد پاسخ نامه اهالی به سید محمد طالب الحق

جناب مستطاب شریعتمدار آقا سید محمد [illegible] جنرال قونسولگری روس [illegible] اجتماع نموده بودند [illegible]
[illegible] دیگر [illegible] خارج [illegible]
[illegible] است
اهالی [illegible] (رکن الدوله)

ایالت عربستان واقعه رکن الدوله

در موقع واقعه رکن الدوله والی عربستان نصیر خان در رود ... از بعضی سوارهای ... که ... محمد ... آمده رفته بود ...
نزد ایالت ... محمد ... (دو کریا) ... ایالت ... که ...
... عربستان بود ... حکم ... و ... محمد ... سوارهای ... عطاخان را ... که ...
کار خود را ... عطاخان ... سال ... اطراف ... سوارهای ... مامور ...
که ... نفر ... در ... محمد ... در ... بود
در ... خود ... بود ... همراهان خود را ... داده ... حمایت بود.
مهدیخان ... عطاخان که ... بود ... قلعه شده ... از همراهان محمد
که در ... قلعه ... بود ... بعضی ... سلمان و برادرزاده ... جوانی ... را
... مهدیخان ... محمد ... کرده بود ... مهدیخان ... بود
... محمد ... مهدیخان ... سوارهای ... محمد
... عطاخان ... و برادرزاده ... تفنگچی ...
راه ... سوارهای ... رکن الدوله والی عربستان رسید ... سوارها ... مامور ...
... خورده و رسیده ... کرده ... داده ... کرده.
... محمد ... سوارها ... محمد را
... سردار محمد خان ...
که ... خود را ... محمد ... سوار ...
محمد را ... صبح ... تفنگچیان ...
... صبح ... [illegible]
صبح ... محمد ... که ... صبح ... شب ...
... محمد ... اطراف ... کرده بود ... بود ...
فقط ... تفنگچیان ... حمام ...
هر یک را که ... سلوک کرد.
... صبح ... سواران بود ...
... تفنگچیان ... حمله ... داده ...
جوان ... تفنگ ... کرده.
کار ... رسید که ... نظم ... جمع ... کرد ...
... همراه ... بود ... سوارها ... میکرد.
... از طرف ایالت ...
... بود ... صبح ... بود ... سردار ...
... کار ... صبح ... بود
... سلمان ...
... داده ... تفنگچیان ...
... داده بود ... همراه بود ...
... کار ... میکند.

عایدات نظمیه حرمان

بعد از انفصال معتمد الوزاره [illegible] نظام سابق و سالار ممتاز [illegible] نظمیه کردید مشغول کار شدند

تفنگچیان هرانی

تفنگچیان هرانی که در حوالی [illegible] تمام [illegible] کرده بود چند [illegible] تفنگچی [illegible] شد [illegible] چند نفر [illegible] از تفنگچی [illegible]
در [illegible] کار [illegible] بعد از [illegible] مشغول [illegible] کردید [illegible] تمام [illegible] آن [illegible] اوقات [illegible] را
[illegible] خود [illegible] چند نفر [illegible] همراه شده [illegible] تفنگچیان [illegible] کرده [illegible]
[illegible] اقامت [illegible] کرد [illegible] گفت.

محمد قریش آبادی

محمد که از [illegible] محمد [illegible] از [illegible] محمد [illegible] راه [illegible] مشغول [illegible] و [illegible] بود [illegible] از سوارهای [illegible]
[illegible] محمد [illegible] سوارها [illegible] محمد [illegible] شدند [illegible] محمد [illegible] سوارها [illegible] محمد [illegible]
[illegible] سوارهای [illegible] کردند [illegible] قریه [illegible] شدند [illegible] کردند [illegible]
[illegible] از آن [illegible] شده [illegible] آن [illegible] شده

تفنگچیان هرانی و [illegible]

تفنگچیان [illegible] چند نفر [illegible] و [illegible] در اطراف [illegible]
[illegible] شده [illegible] تفنگچیان [illegible] از [illegible] تفنگچیان [illegible]
[illegible] تفنگچیان [illegible]
[illegible] از [illegible] شده [illegible] تفنگچیان بود که
[illegible] تفنگچی [illegible] کرد.

ملاقات [illegible] جمع تفنگچیان

روز [illegible] جمع تفنگچیان [illegible] مجموع [illegible] در [illegible] ملاقات [illegible] بود
جناب سردار [illegible] تفنگچیان [illegible] نظمیه [illegible] خود [illegible]
[illegible] است.
[illegible] ملاقات [illegible] نظمیه [illegible] کرد [illegible]
[illegible] تفنگچیان ([illegible]) [illegible] تفنگچیان [illegible]
منازل [illegible] کرد [illegible] کرد [illegible] در [illegible] است [illegible]
[illegible] تفنگچیان [illegible] است.
[illegible] نظمیه [illegible] تفنگچیان [illegible] کلام [illegible] که [illegible]
[illegible] تفنگچیان [illegible] عوام [illegible] که [illegible]
[illegible] سردار [illegible] تفنگچیان [illegible] مخصوص [illegible].

سواد عریضه علمای شهر مشهد و مجتهدین صحیح و مسمی برکت البلده دارالعرفان خراسان

قبل از بومباردمان رد شده‌های مجلس شوری را

حضور مبارک حضرت مستطاب اشرف اعظم والا شاهزاده رکن الدوله عرض می‌شود

ملت و مملکت خراسان از سیاسات مملکتی آذربایجان و خلف ممالک محروسه ایران و احکام صادره از ارض تهران را اگر رعایت ایشان
بر خلاف قوانین شرع مقدس که کل قوانین و ملل متنوعه است مطاع و متبع نمی‌دانند و شکر خدا را که ملت و اهالی خراسان و سیستان که امروز در ظل
عاطفت ملوکانه بندگان اعلیحضرت همایون شاهنشاه اسلام محمدعلی شاه قاجار خلد الله ملکه و سلطانه است بین مملکت آذربایجان و اهالی
ایران از نوائب الدهر ادارات جدیده مستحدثه عدلیه نظمیه و دوائر بلدیه و توابع بلدیه و نحو آن و عوارض فوق العاده
و قرار رفع اتهامات شود و حکام ولایات مسئول انتظام شهر و بلد باشند و دیگر هیچ احدی مملکت را نشنید و اللذات محترم و ارادل در
امامزاده مشغول شرعیه و دو رویانه موقوف کرده ملک را به دستیاری در تحت نظارت چند نفر متحصن ملت شاه خواه باشند.
از این تاریخ فتح الله الکبیر... به دست بازی از بابیات خراسان به حواله ظاهر این داده نخواهد شد و تنخواه حق اسلامی و مستمری نظام و
عمده سیم بردی و جواد بتوان در بین خودش و چند نفر دیگر از متشرعین متعبد که در تحت عرض ملت و متعهد نمودیم.
و اهالی خراسان خود را ممتثل حضرت انور از طرف قرین الشرف اعلیحضرت همایونی محمدعلی شاه از وجه خود فرمایند در طرق
سیّد عباس اجتماعات ملل خراسان لوازم اطاعت الی حصول حکام سلطان عموم حضرات حجج اسلام کثر الله امثالهم که حضور مبارک
انعقاد و نمایش احکام به عرض رسید در بالاخانه مسجد جامع موجود است.
اقتضای عالم اسلامیت و حقوق شاه پرستی و حکمت مدارانه حضرت اشرف والا این است که امیدواریم که در ظرف بیست
ساعت جواب صریح قطعی مطابق حکم خود را با ترتیب سرتیر امیدواری دعاگوی ملت نمود با اجازه فرمایند به نحو
که ملت ملک زاده صلاح دانند خود را از قید ماری رها نمود اینک چند ظالم را نمانند و اسلام علیکم از طرف ملت شاه خواه خراسان

حرره الاحقر محمد طباطبائی الموسوی المشهور به الحق

اجتماع مردم در مسجد گوهرشاد و این عریضه در دارالسلطنه اعلیحضرت همایونی پناه اسلام شاه محمدعلی شاه قاجار خلد الله ملکه برده است

(حرره الاحقر محل مهر حاج میرزا محمد سرابی)

(محل مهر حجة الاسلام آقا میرزا ابراهیم مجتهد رضوی)

(کتبه و حرره سید العلماء و المجتهدین و افقه الفقهاء الراشدین العبد الحاج سید علی سیستانی)

(صحیح است محل مهر حاج میرزا عبدالهادی) : محل مهر حاج میرزا محمد مجتهد مدرس : محل مهر حاج سید علی محمد سیستانی)

(معلوم است که در ملاحظه و این شرطه که بر اساس بیشتر حرام است و دولت با دربار مستقل تحول داده و تغییر از اعلیحضرت محمدعلی شاه که لایق
سلطنت نیست و هر که غیر از این روا داشته بر عزاری ... بدین در عیب نخواهد داشت حرره محمد حقوق الحسینی

(الاحقر حاج میرزا جعفر تورانی — محل مهر آقای امام جمعه —

(فهو المطلع حرره الاحقر (محل مهر آقا سید عبدالله بلادری)

(الجبیه مرقوم مرقومات صحیح است — فاضل مجتهد بودجردی)

(صحیح است این عرایض که به عرض مقدس اعلی رسیده ام ارتقا و ستاره دکتری ... اساسات که این شرطه که منافی شرع و دولت
است و موجب هتک و سلطنت مستقله حرره الاحقر حاج شیخ عبدالحسین بالاخیابانی)

(ما در امکه امام عصر عجل الله ظهوره سوء حال حقوق اسلام را اشتباه و قطع این قانون در نقار ملت اسلام که محض است از هر کس
صادر شود به هر چه برود دست رحم و قطع این بدعت محرمه ملعونه سریعت جهد شود اولی و اوجب است زیرا که البته ولایت متعدده
تعدی از ما به اشتمال قضیه متعصب سکوت نموده الدال بر اظهار الحق و حسم الباطل حرره الاحقر الجانی مبدء ...

(حاج سید محمد مجتهد کاشانی)

(احتیاج عمومی و جهات سرزمین ارض در این تجربه نفاذ و استقلال سلطنت مستقله ممالک اسلام با ذات اعلیحضرت محمدعلیشاه قاجار در رفع این مشکلات است و در این چند ساله شاید محسوس شده است (داعی الاحقر ... تنکابنی)

(در اینکه قانون مشروطه که دیده شده برخلاف قانون شریعت مطهره است شبهه نیست که مملکت بدون سلطان شدنی نیست بدیهی است بموجب حدیث آل محمد صلوات الله علیهم اجمعین صحت سلطان الاسلام و دعای وجود مبارک پادشاه لازم است و علما تمام مردم طالب و منتظر مقدم مبارک محمدعلیشاه را دارند : کاش آن بحبوحه رفته باشد کمتر کمان - بار آخر که دیده عشاق بر راه است . انشاء الله سریعاً امام زمان از خدا خواه که اصلاح تمام مفاسد کنند و ... انشاء الله السلام

(محل مهر حاج میرزا عبدالمجید مجتهد خادم ...)

در شک نیست که صلاح شمس سلطنت مستقله اعلیحضرت شهریاری محمدعلیشاه قاجار خلدالله ملکه و سلطانه است مشروطه و قوانین و ادارات جدیده برخلاف قانون شرع اسلام و شریعت است موقوف کردن و برچیدن آنها واجب است و ظاهر است که تمام ... رعایا ... حرره الاحقر الجانی ... احمد قائنی

(البته مشهود و معلوم و عقیده جمهور است کافه اهالی ایران از علما و امناء اسلام مخصوصاً سلطنت اعلیحضرت اقدس همایونی محمدعلیشاه را طالب و خواهانند و در ترقی ادارات عالیه را با حضور طالب و در تحت ملتمس خداوند متعال هم را اجابت فرماید

(الاحقر ... الحسینی الشرف)

(اللهم انصر با نصرک الجلی و ... بوجود سلطان العادل و ... سلطان السلاطین و الخاقان العادل السلطان بن السلطان محمدعلیشاه خلد الله ملکه - حرره الاحقر الجانی محل مهر ... شیخ الاسلام

(انی کتبت ... عرض ... جمیع ... سلطان الاعظم و الخاقان الافخم ناصر الملة والدین محمدعلیشاه ... الامام ... حرره الاحقر الجانی عبد ...)

والعارت ... المضمون ... اهل الضریح ... شاهنشاه محمدعلیشاه قاجار ... ادارات (سبق ...)
... - محل مهر ... - شیخ محمدعلی ...

(۹ حوت ۱۳۰۲)

این جانب تصدیق می‌نمایم که این ورقه بخط مرحوم میرزا عبدالحسین خان منشی ... نقیض ... صادر ... که نوشته شده است و خط خود مرحوم است میرزا عبدالحسین خان ... ۱۲۹۷ ... کرده است
در ... - رئیس دفتر ... مهر دفتر ...

سواد مطابق با اصل ورقه است که ملاحظه و تطبیق شد
۹ حوت ۱۳۰۲ رئیس دفتر ...
محل مهر
(دفتر ...)

جراید روسیا و فرانسه راجع به مشهد مقدس و توپ بستن روسها به قبهٔ مبارکه را

روز دهم ربیع الثانی ۱۳۳۰ نقل از جرائد [illegible]

روزنامه بیرژوی ودوموستی — می‌نویسد که روسها با آن ده نفر را که در بیرون دار کشیده‌اند ۴۰ نفر که سرشان [illegible] نمودند رها کرده
سر [illegible] انقلاب [illegible] متهم [illegible] کرده است .

از طرف روسها ۳۹ نفر سالدات مقتول [illegible] نفر و ۳۹ نفر سالدات مجروح و علاوه ۲۳ نفر روس که کشته
نفر یا زخمی [illegible] شده است .

« رچ (?) » که [illegible] از وکلای پارلمان [illegible] است برای [illegible] اوضاع ایران حرکت نموده [illegible] تحقیقات [illegible] رفته از آنجا
به [illegible] از [illegible] حرکت [illegible] اینکه این مملکت را [illegible] .
[illegible] روسی [illegible] برای [illegible] مشکل است .

در همین موقع

روزنامه [illegible] اظهار [illegible] که [illegible] باشد [illegible] که [illegible] را انتخاب کنند
روزنامه [illegible] می‌نویسد که [illegible] از طرف ایران [illegible] .
[illegible] مملکت [illegible] ایران [illegible] مملکت [illegible] روزنامه [illegible] است [illegible] قرارداد [illegible]
به [illegible] مملکت [illegible] حال [illegible] . ([illegible])

اجتماعات عده از [illegible] مشهد [illegible]

عده از [illegible] مشهد اجتماع کرده اظهارات [illegible] که [illegible] ساده [illegible] اگرچه تمام [illegible] را
قونسول روسی [illegible] مشهد [illegible] ([illegible]) [illegible]

سواد مراسله جنرال قونسول روس

[illegible] — [illegible] ایران [illegible] روسی [illegible] ممنوع با ایران [illegible]
[illegible] است .

[illegible] از طرف [illegible] جنرال قونسول [illegible] از طرف [illegible]
[illegible] ایران است .

سواد مراسله جنرال قونسول [illegible] بکارگزاری [illegible]

چهارم ربیع الاول ۱۳۳۰ نمره ۲۲

جناب [illegible] مشفق مکرم محترم مهربان

[illegible] اطلاع [illegible] از [illegible] اطلاع [illegible]
اجتماع [illegible] ایران [illegible]
[illegible] اطلاع [illegible] از [illegible]
جناب [illegible] اطلاع داده [illegible]
[illegible] قونسول [illegible] ملاحظه کرده [illegible]
که [illegible] ایران [illegible] کرده [illegible] ایران [illegible]
[illegible] خود را [illegible] ایران [illegible]
[illegible] ایران [illegible] کنند [illegible]
[illegible] شده [illegible]
داده [illegible] برای [illegible] اطلاع [illegible] ([illegible])

سواد مراسله جنرال قونسول روس بایالت الحق

در جواب [illegible] عموم اهالی [illegible] زحمت میدهد که اعلیحضرت محمدعلی شاه مخلوع برحسب قرارداد اولیای دولتین [illegible]
بنام سلطنت شروع [illegible] اعلیحضرت [illegible] همایون سلطان احمد شاه [illegible] ایران [illegible] آقایان [illegible] نموده چون [illegible]
نمایند که [illegible] اصلاح [illegible] در این باب اقدامی نشود باعث تعدی و شورش مملکت خواهد بود که برخلاف [illegible] اولیای امور [illegible] باید
اهالی [illegible] نموده جلوگیری نمایند.

سواد [illegible] الحق

جناب مستطاب [illegible] آقا سید [illegible] جنرال قونسول روس [illegible] جامع [illegible] نموده [illegible]
[illegible] محفوظ [illegible]
خواهند بود [illegible] خواهد شد [illegible] خواهد بود
(دکتر [illegible])

سواد مراسله جنرال قونسول روس [illegible] کارگذاری
هفتم شهر ربیع الاولی ۱۳۳۰ نمره ۵۰

جناب جلالتمآب [illegible] مکرم محترم مهربان [illegible] احترامات [illegible] زحمت افزا میشود [illegible] اشرار [illegible] قطاع الطریق
[illegible]
[illegible] برای خود قرار داده [illegible]
[illegible] اشخاص [illegible] دولت روسیه [illegible]
[illegible] اشخاص [illegible] صحیح [illegible]
[illegible] اشخاص [illegible]
رفاهیت و امنیت عموم [illegible] احترامات فائقه را تجدید مینماید «[illegible]»

[illegible] اشرار صبح

[illegible] اشرار [illegible] «[illegible]» [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] هستند.

سواد مراسله جنرال قونسول [illegible] کارگذاری [illegible]
مورخه ۲۳ ربیع الاولی ۱۳۳۰ مطابق ۱۳
مارچ ۱۹۱۲ نمره ۳۵

اینک با کمال توقیر [illegible] احترام زحمت افزای خاطر [illegible] جلالتمآب میشود که از قرار اطلاع واصله محمدعلی میرزا در [illegible] ماه مارچ
مطابق ۱۲ [illegible] در (…زاده) بوده [illegible] طهران
[illegible] رسیده که محمدعلی میرزا [illegible] حرکت کرده است [illegible] خاطر شریف
جلالتمآب [illegible] اطلاع [illegible] زیاده زحمتی ندارد
موقع [illegible] احترامات فائقه [illegible] جلالتمآب [illegible] (… [illegible])

اقدامات و همکاری نگارنده در مشهد قبل از توپ باران روسها صحن [illegible]

بنده که معاضد روسها ظاهراً و انگلیسها باطناً ملتفت گردیدم که خیال آنها فقط توپ باران نمودن آستانه مقدسه و لطمه زدن به عالم اسلام است
با اینکه قضیه [illegible] از نیت خودمان [illegible] نخواهند [illegible] متعهدین [illegible] داشت [illegible] محرک قرار [illegible] نتیجه [illegible] رسید
توسط [illegible] (شیخ [illegible]) قونسول انگلیس [illegible] خواستم [illegible] جواب داد که [illegible]
[illegible] واسطه [illegible] در حقیقت [illegible] حاج [illegible] که از [illegible] نگارنده [illegible] همراه [illegible]
[illegible] قونسولخانه انگلیس رفتم.

پس از ورود شیخ [illegible] قونسول انگلیس با چهره [illegible] بعد از [illegible] نمودم که [illegible]
[illegible] روسها [illegible] قونسول انگلیس [illegible] دارد [illegible]
[illegible] شد که [illegible] اسلام [illegible] هرگاه [illegible] که [illegible]
سئوال کردم [illegible] وسیله ممکن است از [illegible] جلوگیری نماید.

در همین موقع محمدخان [illegible] سیصد نفر مسلح در [illegible] راه [illegible] نفر [illegible]
[illegible] وارد مشهد نموده [illegible] صحیح [illegible] پس از [illegible] کند [illegible]
خواهند شد [illegible] که در همین موقع روسها داخل صحن خواهند گردید.

[illegible] مملکت [illegible] صحیح [illegible]
[illegible] آن چند نفر را [illegible] کرده از صحن [illegible] در [illegible] روز [illegible] قضیه
خاتمه [illegible] در جواب گفتند روسها [illegible] خواهند کرد [illegible] خواهد شد.

پس از [illegible] گفته شد [illegible] واضح شد که [illegible]
[illegible] خاتمه [illegible] پس از [illegible] خارج شدیم.
[illegible] یک [illegible] روسها [illegible] نمودم [illegible] خیال [illegible] داده
[illegible] محمد رضوی [illegible] از صحن [illegible] مشهد [illegible] صحیح [illegible]
[illegible] روسها [illegible] بقعه [illegible] روسها [illegible] اسلام [illegible]
[illegible] خلاف شرع و اسلام است
[illegible] صحن [illegible] نمودم [illegible]
[illegible] فقط یک [illegible] دارم [illegible] از نفر [illegible]
[illegible] شنید [illegible] چهار نفر [illegible]
[illegible] خدام [illegible] خارج کرده [illegible]
[illegible] صحن [illegible] نفر [illegible]
خاتمه [illegible] گردید [illegible] شدند.
[illegible] چند نفر [illegible] کرده [illegible] اسرار [illegible] شدند [illegible] یک بقعه [illegible]
توپ باران روسها واقع شد که شرح آن را خواهم خواند (با اسم [illegible] مدرسه [illegible] مشهد)

در موقع انقلابات خراسان دو شماره ذیل را دیدها

مفتش نظام «سالار مختار» رئیس نظمیه خراسان بود در الحق اگر ایشان نبودند اشرار با محمدتقی خان در مشهد کلیه شهر مشهد را غارت کرده
و آنچه مشروطه‌طلب و آزادیخواه در آن شهر بود بقتل میرسانیدند تفارش در همچو موقع خطرناک با تمام قوا در نگاهداری ساکنان خویش
و در آن یار رئیس نظمیه کمک میکردم تا اینکه بموضوع محمدتقی خان و شهر نفوذ رئیسها را کنده گردید -

شرح ذیل را در این موقع بمناسبت قدردانی بکار درج
مفتش نظام رئیس نظمیه خراسان نوشته‌اند

در موقع انقلابات خراسان که مرحوم کلنل پسیان برای تقویت حکومت تهران قیام و عده کثیری از دستجات الحق
و دولتیان در آنجا به سعد شهر و شهر گوهرشاد مجتمع و ادارات هم در اینجا بودند و سایر ساعات با اتفاقات و حملات خود تعطیل و مسجل کرده
ادارات نظمیه نظر بقرار حکومت و در ستاد قوای دولتی بجهات چند با اینها تقاضا داده که بقدر عده‌ای بمعیت چند نفر
در حساس اوقات دموکرات‌طلبان در صورت احتمال مناظرات قطعه بهمین اوقات در اداره نظمیه موقف بوده از مقدس موافقت
نقضیه مشغول بوده‌اند (حبل المتین - مفتش نظام رئیس نظمیه خراسان)

الی عصر کم کم اشرار از صحن و مسجد بنا و رز کرده سابقاً منبرها سرخ خند از شمار و میمونی لطی میکردند بالاخره اسبها و ارابات دیگری اینها سوار روس کشند بحجره
نزدیک ظهر از جهت خیابان فرسا اردکه در بالا خانه طوسی که کالسکه ها از آن ارقام نقف میکردند تحت کسان بازمانه توپخانه را در دکان مسلمانی
با لفک تفنگ رسانیدند که شرح آن را خواهیم داد
در این حال از بهار ... وطن و اعیان شهر مشهد تصدا آکه با این کشد اگر شما شهید مشهد را منظم کنید به ما لازم است اسلحه را تسلیم کرده الرو
جواب بیدرا عهده ... است

نیز از مشهد جواب از آقایان جوان اعتدال و دیگر از طرف جنرال قونسول جنرال دولت بهیه روسیه در شهر مشهد منتشر گردید

چون آقایان حلیه جوان اظهار عجز از حصول امنیت است دولت ... روس در مشهد مقدس نموده و برج و برج روز بروز ... و دیباب هیجان و تزلزل اهالی
شده بود لازم دیدم که بواسطه اهالی عموم و رفاه ایشان اقدامات مجدانه برای تعمیر امنیت مشهد مجبور شدم که موقتاً زمام حفظ امنیت شهر را
بدست خود گرفته و بموجب ... را الحاق ... ژنرال «ردکو» رئیس قشون دولت بهیه روسیه در خراسان محول و بعهده ... ل
واگذار نمایم از رجال ... اعتدال با حزب شرار ... عموم اهالی مشهد ... شند اتباع و جمله ... مشهد (... فوق)
صاحب منصب ... دولت بهیه روسیه در داخل ... نظمیه مشهد تحت ... داده ... اتباع خارجه بجنرال قونسولگری جوان آن کسیر از ... هر ... دارای
اسلحه ... اسلحه از ضبط ... خود نمایند و ... خواهد شد
الحمد ... در خانه کسی ... خواهد شد ... ربیع الثانی ۱۳۳۰

... اسلحه ... داداش قونسول

قبل از این اعتدال از طرف قونسولگری روسی ... نظمیه و قونسولی اطلاع دادند که با اسلحه خود برای ... چند ماه حقوق عقب افتاده در ارک
توپخانه حاضر شوند نیز از حضور کلیه عده قشون روسی ... با مصرع ... اسلحه خود را با تسلیم کنند در اطراف هم توپهای ... بوده
اگر ... سلاح ... را ... کنند عده ... بنام اسلحه خود ... تسلیم کردند ... نظمیه مشهد ... کرد در
و در بنام ... شهر ... روسی ... شهر ... درا ... نظمیه ... عده ... روسی
تسلیم کردند .

مراسله قونسول روسی بکارگزاری خراسان

صبح روز دهم ربیع الثانی ۱۳۳۰ «کیار روز ... » جنرال قونسول روس ... کارگزار مشهد ...
که امروز ... ساعت ... بتوپ ... که ... اطلاع از خانه ...
خود بیرون نروند

... روز قبل از ... عراده توپ ... در ... خیابان ... در ... خیابان ... عده سرباز روس
در ... بام ... که ... عده قشون روسی ... عراده توپ ... در تمام ... در خارج ...
دیگر ... عراده توپ صحرائی ... کرده بودند ... ها ... توپ ... گلوله
... که ... گلوله ها ... که در ... آن گلوله ... گلوله ها ... بود ... بر آن کرده ...
... گلوله ها ... گلوله ... گلوله ... در ... گلوله ... خرق
... گلوله ... گلوله ... که گلوله ... گلوله
... گلوله ... کرده ... میبرد
... توپهای ... قشون روسی در اطراف صحن و مسجد
روز روس ... بوده ... عراده توپ صحرائی ... در ... بوده ... عراده دیگر ... خیابان ...
... توپهای صحرائی ... توپهای ... قشون
روسی ... صحن ... در ...
قشون روسی وارد صحن و مسجد شدند

سواد راپورت اداره نظمیه ایالتی خراسان نمره ۴۲۰۵

مورخه ... حوت ۱۳۳۰ [illegible]

امروز صبح سه ساعت [illegible] که [illegible] گمرکی [illegible] نقل [illegible] بودند چند نفر [illegible] در گمرک [illegible] و قراول بودند از پشت
بام کاروانسرا [illegible] گمرک [illegible] توی گمرک شلیک کرده یک گلوله [illegible] و [illegible] را
سوراخ نموده رد شده [illegible] و یک سرباز را مجروح کرده [illegible] قراول را هم گرفته [illegible] را هم قطع کرده [illegible]
نموده غارت کرده بردند.

و از [illegible] سعداد [illegible] گمرکی [illegible] خود را دیده [illegible] رفته بودند [illegible] که [illegible]
[illegible] و [illegible] شهر را [illegible] نظم [illegible] کار نظم [illegible] ارادات [illegible] کند [illegible]
محذور [illegible] ([illegible] شد) [illegible] شده باید دیگر کرد.
[illegible] نظمیه [illegible] در اطراف [illegible] حقیقت محاصره [illegible] کار را [illegible] که اگر [illegible] سوال [illegible]
[illegible] نظمیه [illegible] شهر هم که [illegible] خواهد شد.

نقل از جریدهٔ طوس منطبعه مشهد رضوی ۳

خلاصه اوضاع خراسان و مشهد

در اواخر ماه محرم یوسف خان هراتی را از مشهد [illegible] از طرف جنرال قونسولگری [illegible] کرده [illegible] از آنجا [illegible]
انتقال کرده در [illegible] چند نفر [illegible] یوسف خان [illegible] چند [illegible] در [illegible] شد [illegible]
[illegible] روضه [illegible] مهر کردن [illegible] محمد [illegible] چند [illegible] جمعی [illegible] شهید [illegible]
شده [illegible] از [illegible] صبح [illegible] شروع [illegible]
[illegible] محمد [illegible] آقایی [illegible] سوار [illegible]
[illegible] نفر [illegible] واگذار [illegible] شد [illegible]
[illegible] (سردار محمد خان [illegible]) [illegible] یوسف خان را (سردار یوسف خان)
خطاب [illegible] و [illegible] کرده [illegible]
[illegible] یوسف خان [illegible] قرآن مهر کرده بودند [illegible]
هم بودند.

[illegible] سردار یوسف خان [illegible] صبح [illegible] محمد [illegible] سردار یوسف خان زنده باد سردار محمد خان [illegible]
رفته رفته [illegible] اشرار [illegible] شد [illegible] شهر [illegible]
[illegible] صبح [illegible] چند [illegible] بسم الله [illegible]
[illegible] شهر [illegible] صبح [illegible] امان [illegible] مردم [illegible]
[illegible] شهر [illegible] نقطه [illegible] می کردند.

[illegible] صادق [illegible] سید [illegible] کرده [illegible] قرآن [illegible] یوسف خان
[illegible] قرآن [illegible] حکم [illegible]
[illegible] گمرکی [illegible] خراسان [illegible] دفاع [illegible]
[illegible] صادق [illegible] گلوله [illegible] صبح [illegible] زنده [illegible]
[illegible] شده [illegible] می کنند [illegible] اعلیحضرت.

بیدار تیر روز دارقانی را وداع میکند.
و در اینروز چند نفر از زوار و اشخاص متفرقه کشته میشوند از اشخاص که در صحن و مسجد جمع شده بودند عده زیادی در اثر آن تیراندازی زخمی اکثر
کار دیگری نمیکنند.
تا اینکه روز دوم حمل توپخانه نعش‌کشی ها دوباره اجرا میکنند مردم تیمسری ها را احضار کنند و تنبیه‌ها را میکنند بار دوم هجوم کرده سرور تیمسر هاش
حیاتی و عده گاه و اوباش از بقچه آبادانه داخل میشوند در صحن و دیگر در حجره و حجره اشرار را هم توجه جات میکنند در این جمعی از اهالی کشته‌ها و راه‌گذر را هم
هدف گلوله نموده میکنند در ادارهٔ نظمیه اعلام میکند که تحریک و جسارت اشرار را میدانند و قتل اعمال اینان را مشاهده میکنند مجبور شده تمام
بیست‌هزار را در ادارهٔ نظمیه جمع میکنند که مبادا آنجا هم تعدیات نمایند شر شود و اشرار در شرح هجوم اهالی اسلامی طرف گلوله نمایند
آستانه مبارکه فرش و هزار نفر در آن تاریخ روسیان قزاقهای و ضرغام و غیره در یکسال عموم آستانه را از لوث وجود اشرار
پاک کنند ملزم شدند بهمین جهت تا اشرار را هم عهد داده قسم بستند که ماندند و روسها عملی متعدی را توپ بستن روسیان نمودند

شرح توپ بستن روسیان آستانه مبارکه را بدست قشون روسی
نقل از روزنامه طوس (مدیر و صاحب امتیاز «ا. م. هاشم»)

خلاصه شرح این وقعه مرتبه در شماره هشتم روزنامه طوس مورخه ۳۰ جمادی الاولی ۱۳۳۰ درج شده (در مع الاسلام السلام)
در اوایل شهر ربیع الثانی هر روز از طرف جنرال قونسولگری روس و نعشکش با نایب که (رکن الدوله) بود
نوشتند که از اشرار حکومتی نمایند و الا عاقبت را از طرف کنند از آنجائیکه مستر ایالت این طرف نمودن اشرار تهیه نمایند و بعد آمده
نگرانند از طهران ملاقات شده حتی مأموراتی حضوری نیست نمودند که حکومتی نمایند تا اینکه در اواخر ماه گذشته
روز پنجم حمل صبح چند نفر از نعشکش‌ها صبح که ترتیب دیدن را بر آنجا جمع کرده بودند از صحن خارج شده بسمت بالاخیابان سرگذر
در دکان سلمانی‌ها صحبت یکمرتبه سائق محله نوغان را دیدند متوسل شدند با یک گلوله چند زخم کار آن کاره را نقل نمایند.
خیال داشتند بعضی دکانها را هم غارت نمایند در اینجا جمعی از ترک‌ها و قفقازیها حلو گیری کرده با گلوله آنها را عقب نشاندند
اداره نظمیه از جهت تعصب و نبودن اجتماع جمع شده جنازه را حفظ و از رسته حدیث ایالتی ملتزم که کشف نمایند و ملت را نجات دهند
در ارک حکومتی بوده اید که مقطع از حضرت والا رکن الدوله ما تواسته شده در نظمیه رجوع میکنند شان سنگر بندی از فرداربنا کاری
ساخته شده خواهند.
شب یکشنبه که دورش و ماه از اشرار هم صدمات دیده و چند نفر از آنها را سر دل بعضه کشته آنجا در اینجا ترتیب که اجرات کاده را
از اول دو ساعت می‌شود مسموم شده حال برای نجات دهنده شدید تا بعد رسیده جنازه را برداشته قونسولگری هرلک به روسی ملتزم
نظمیه میدهند.
از طرف جنرال قونسول اظهار میشود که تا عصر نعشکش شارا اسیر ملتزم تمام عصر امروز زنرال (رادکو) رئیس قشون ایران
روسی سفارت هم دو ساعت مأمور انتظامات شهر میشوند کله عده نظمیه را از ربیع الاول ارک حاضر کرده نطق مفصلی برای آنها کرده
چند دسته سالدات با توپهای «شصت تیر» محلات شهر مأمور کرده و بهر دسته چند نفر نظمیه برای نمایندگی و بلدیت
مأمور شدند و بهمان ساعت یکنفر رئیس نظمیه هم که (قراپاتوف) نام داشت برای اداره نظمیه معین میکند که از اجزای رئیس
سابق نظمیه (ملتزم نظام) مأمورات نظمیه و شهر رسیدگی نماید.
روز بیستم حمل یکدفعه تعرض‌نامه از طرف «زنرال» (رادکو) باداره نظمیه اخطار میشود که تمام عده نظمیه
با اسلحه که دارند در قراقخانه قشون روس حاضر شوند برای کشف و جستجوی تمام حجرات صحن نظمیه و افراد نظمیه سر تا اسلحه در سراق قشون
روسی حاضر شوند جواب سالدات اطراف آنها را محاصره کرده حکم تحویل اسلحه میدهند تمام نظمیه اسلحه خود را تسلیم کرده یکدفعه
از شرکت نظمیه تا حجرات صحن نظمیه بهمراهی عده قزاق وارد اداره نظمیه میشوند حجرات صحت تا ترتیب شده تمام نظمیه
اشیاء را از نظمیه توقیف میشود در جمیع حقوق و ماهیه نظمیه را که ملتزم نظام رئیس نظمیه از یکصد زمانیه دریافت کرده بود می‌پردازد از طرف

رشتی حیدر بیک هم ملتزم بود که تمام ملبسهای حضرت [illegible] سیدها را بگیرند و در بین تمام ملبسهای گرانبهای خودشان را تسلیم کرده اراده فرار شد از القاب حضرت
اسم سید باید بر او [illegible] لباس رسمی در اداره حاضر شوند.

صدراعظم وقت از کار ظفر [illegible] تا اصلاح دستور از طرف ژنرال مذکور او قبلاً ۲۴ ساعته مهلت داده بود که با قاطع شوند و اسلحه خودشان تسلیم
کنند تا اینکه نقوه فهرست از شما سلام کنم.

از اینجا که اسرار [illegible] از ملت ها تشویق دهند که از طرف روسها برای آنها صدمه ای به حضرت الله نخواهد شد از اینها به که قاطع نشدند
بالدوه [illegible] حرکات اسلام [illegible] آنها شد که او ریاست روسی مجبور شدند که نقوه فهرست اشرار را متفرق نمایند [illegible]
هم مکرر از طرف جنرال قونسول روسی به آقای سرکار امام محمد رضوی نوشتند که صحن مبارک را از اشرار خالی نمایند و آنها را متفرق کنند تا صلح در تفرقه اشرار
نرسند !!

تا اینکه روز دهم حمل قونسول جنرال روسی اطراف بست را احاطه کرده از هر طرف [illegible] تعدادی بالای [illegible] توپ [illegible] در بالای امام
در این روز هم [illegible] مهلت تا [illegible] دادند که تسلیم شوند و اسلحه خود را بدهند سردسته های اشرار که یوسف خان هراتی و محمد قربان آقا در
[illegible] طالب الحق بودند [illegible] تسلیم سلاح و تسلیم گردیدند تا بالاخره جنگ مشغول گردیدند از هر طرف [illegible]
از شب [illegible] صدای توپهای صحرائی (شنیدر) توپهای [illegible] شد که منقطع نشد بود از [illegible]
محصور [illegible] شدند [illegible] فرار کرده [illegible] حضرت [illegible] روسی وارد
صحن و [illegible] شدند [illegible] عیال و اطفال [illegible] در صحن [illegible] و [illegible] بودند [illegible] و عیال [illegible].

تمام [illegible] در صحن [illegible] وارد آمد [illegible] هر [illegible] شد [illegible] را اسیر کرده در صحن کهنه [illegible] اطراف ابتدا
[illegible] روسی [illegible] صحن [illegible] را جمع کرده در صحن کهنه [illegible] اطراف بست [illegible] افراد [illegible]
عموم مردم را از دخول و خروج مانع بودند [illegible] شد [illegible] مشغول جنگ بودند [illegible] شدن [illegible] و [illegible] بواره تا کارهای [illegible]
و کارهای [illegible] وارد صحن شده [illegible] تا [illegible] در صحن توقف داشتند.

روز یازدهم حمل [illegible] روسی [illegible] بوده [illegible] و [illegible] اطراف بست [illegible]
[illegible] وارد صحن شد و [illegible] را [illegible] نمودند.

عصر روز [illegible] از [illegible] از صحن [illegible] در [illegible] نعش [illegible] نعش [illegible] و در [illegible]
[illegible] نعش [illegible] دیگر [illegible] که [illegible] نعش دیگر را [illegible] نعش جمع [illegible]
[illegible] از صحن [illegible] آورده [illegible].

روز [illegible] جنرال قونسول [illegible] و جنرال قونسول روسی با [illegible] وارد صحن [illegible] اطراف [illegible] کرده [illegible]
[illegible] جناب [illegible] قونسول [illegible] که [illegible] در [illegible] خود را [illegible] که [illegible]
کرده [illegible].

از روز [illegible] صحن [illegible] از صحن کهنه [illegible] خودشان [illegible] از [illegible] صحن [illegible] نوبت [illegible]
توقف [illegible] شده [illegible] از روز [illegible] صحن کهنه [illegible] کرده بعضی [illegible]
امام [illegible] خودشان [illegible] که [illegible].

[illegible] از دخول در صحن [illegible] معلوم [illegible] و [illegible] چهار صد و [illegible]
[illegible] که [illegible] و عده [illegible] معلوم [illegible].

روز [illegible] که [illegible] بوده [illegible] کرده [illegible] طالب الحق [illegible]
[illegible] کردند و [illegible] روز [illegible] توقف [illegible] کردند.

[illegible] توپهای صحرائی [illegible] از [illegible] و [illegible] کردند
[illegible] جنگ [illegible] طرف [illegible] از [illegible] طول کشید.

بعد از اینکه تیراندازی متوقف شد بالای مقصع ... در ... مردم شهر مشهد تعطیل کرده بودند

قرار در قفقاز ... مهرداد ...

این جوان در شروع ... قشون روسی ... برای ... کار ... راه ... مخصوص ... از سمت ... که

برای قرار ... ما ... بوده قرار کرده ... که ... ساعت ۳ ... اینجا ...

... تعطیل ... اول ... امروز ... کرده ... رقم ... نزدیک ... که ...

دیدم ژنرال «ردکو» ... قشون روسی با ... ساعت ... در ... طرف

طرف ... تغییر .

در سال ... نزدیک ... دیدم ... روسی ... که ... روسی ... سوال ... دارد

... دست ... ایستادم ... چه ... روس سوال کرد تمام

... ژنرال ما را ... کرد ... نمی‌کند ...

... که ... سوال ... کرد ... شد ... از ... مردم مسلمان

... نبودند ... مشغول ... است .

در ... قشون روسی ... قشون روسی ... شهر ... قبل ... ها لی

... جنازه ها ... ریختند ... جنازه ها ... مسلمان را ... ها

... معلوم شد ... مسلمانان ... معلوم شد ... که در حرم

طوس مشهد ... (مؤلف)

[illegible] ... در روزنامه طوس

ژنرال «ردکو» ... ژنرال ... «اُرُور» ... نظمیه که :

«قارا اوف» ... روزنامه طوس ... نظمیه ... نمی ... را ...

قارا اوف ... نظام ... نظمیه ... مدیر طوس ... نظمیه ... نظام ... مرا ...

... قصه ... نظمیه ... قارا اوف ... مدیر طوس

... نظمیه ... اعدام کند ... اعدام کند

... در ... مسلمانان ...

... که ...

... نظمیه ... روزنامه طوس ...

... نظام ... قارا اوف ... ژنرال ...

قارا اوف ... نظام ... مدیر طوس ... ژنرال ... تحقیق

... مدیر طوس ... تعقیب نکند ... معلوم نبود

... ها ... که ... جمع کرده ...

... شهر ... را فراهم ... .

... قشون ... مدیر روزنامه ... ژنرال ...

قارا اوف ... ژنرال ... مدیر طوس را تعقیب نکند ... نظام ... وسیله

... کنند .

... (... کار)

(... مدیر روزنامه طوس)

ولی چیزی که سردسته‌ها رای از ایستادگی را دستش نگرفته‌اند حتی از این اراده هم هنر از بیست ده تومان کنند و دیگر نشدند

روز سیم توپ‌باران و بعد [illegible] نقع صحن انتخابیه کرده رفتند .

جاهایی که در صحن بقعه مطهره وارد شده این است عده گلوله توپ صحرایی که به گنبد طلای امام رضا خورده و جاهایی که مجموعاً یک گلوله داخل گنبد شده چوب‌بست را شکسته که در وسط گنبد قرار داده و نیز اطراف آن آجرهای طلا لعابی گنبد داده مقداری از آستون آن شکسته شده و نیز ولی گنبد منهدم نشده چوب برقرار بود .

چند تیر گلوله توپ صحرایی اثر در این بقعه خانه صحن کهنه خورده بود چند تیر توپ [illegible] صحن کهنه زده شده بود چند تیر توپ با ایوان عباسی خورده که مقابل ایوان طلای صحن کهنه است و سطح صحن جدید تیر با توپ خراب شده که نیز اطراف آن صحن چند تیر توپ خورده و گلدسته ایوان [illegible] چند تیر توپ زده شده [illegible] گلوله‌های توپ [illegible] ده هزار گلوله [illegible] صحن و دروازه‌ها سنگ خورده بود [illegible] الاسلام [illegible] سلام [illegible] !!
[illegible] که صدای در صدد قطع حقوق و [illegible] [illegible] مال [illegible] .

[illegible] که [illegible] اول [illegible] شده [illegible] [illegible] خادم [illegible] و بعضی [illegible] خانه و [illegible] حقیقی [illegible] [illegible] !! [illegible] که ما داریم وای اگر از پس امروز بود فردایی

تعداد گلوله‌های توپ‌های صحرایی که به گنبد مطهر و صحن زده شده

گنبد مطهر امام رضا	۱۷ تیر
ایوان طلای صحن جامع	۹ تیر
ایوان [illegible] صحن جامع	۱۱ تیر
سردر ایوان صحن جدید	۳ تیر
سردر کارخانه [illegible]	۱۱ تیر

سایر [illegible] و سردرها [illegible] هر یک چهار تیر گلوله خورده است [illegible] تعداد صحیح [illegible] معلوم نشد

توقیف حاجی میرزا [illegible] آبادی

بعد از فارغ شدن از شهر [illegible] [illegible] [illegible] بسیار [illegible] دارد [illegible] [illegible] شده [illegible] از اطراف [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] جوکریه [illegible]

[illegible] [illegible] نظم [illegible] داده شده [illegible] [illegible] نظم نموده

محمد اعظم خان نقل می‌کند صبح رفتیم ارک ببینیم چه خبر است

در ارک مراجعت کرده در بازار شنیدم که گفتند برای بودن نزدیک آمدم دیدم برادرم منتظر من است گفتم کجا بودی چه خبر دارید گفت
همین قدر خبر دارم که از معرض ... سفیر ... که ... را ... گفتم بیا برویم خودمان ببینیم
چه خبر است با برادرم رفتیم تا ... رسیدیم دیدم ... نفر ... صبح ... ایستاده ... از ... نمود ... از
فراشها را از ... حضرت ... طرف ... صبح ... معرض ... در ... ابتدا ... از ... ایشان ... رهبر ... دی
... ابتدا بود ... صبح ... صبح نمود ... از ... سفیر
... نفر ... دیدم ... سفیر ... کلاه خود ... است
... صبح ... حکم ... دار ... حکم ...
... معرض ... صبح ... صبح ...
... نفر ... صبح ... سفیر ... طرف ...
... صبح ... صبح ... سفارت ... صبح ...
... سفیر ... نفر ... صاحب منصب ... بواره
... از ... صبح ... بعضی ... سردار ... ایم
(اما ... صبح ... سیصد ... ... بودند ... اکه
... گفته بودند)
... صبح ... دیدم ... بود ... ... جایزه
صاحب منصب ... قانون ... نظام ... ... اطراف ... اتحاد
... صبح ... صبح ...
... کلاه ... کتابی ... تحصیل ... بتوان ...
... داده اند
روز دیگر ... روز ... دیدم ... جایزه دادند ... یک ... خود را ... کند
... خود را ... دیدم
... صبح ...
... جمع ...
... نبودند ...
... سفارت ...
... قهوه ... سال ...
... سفارت ...
... صبح ... بودند ... نفر ...
... خبر ...
... جایزه ... جایزه دادند ... سفارت ...
... سفارت ... بودند ...
... گرده ...
... جمع کردند
بعد از ... دو ... دو ... ... از
... صبح ... اند ...
... صبح رفته بودند

انفصال رکن‌الدوله از ایالت و حکومت سالارالدوله

در این وقت رکن‌الدوله از ایالت خراسان منفصل شد شاهزاده سالارالدوله والی خراسان گردید سالار در ورود به ... آستانه نمود کتب خطی و حیوانات را گرد آورد که در ... تا زمانی که از آن خراسان باقی بود

حکومت قوچان

در ایالت سالارالدوله حکومت قوچان به عهده عزیزالله خان «سردار معظم» فرزند ارشد سردار ... که از ابوکرتا باجگیران سهام‌الدوله ... برقرار گردید ارشد سردار ... سهام‌الدوله گرد ... منهدم ... از طرف ... حکومت ... و ... را ... عزیزالله خان ... برای ... منهدم کرد ... که ... منتهی ... شد.

یکی از نوشتجات آستانه مقدسه

اعلانی که از طرف رئیس قشون دولت روسیه در خراسان منتشر گردیده عیناً نقل میکنیم

اعلان

جمعی از اشرار   آستانه مقدسه را ماوای خود قرار داده بواسطه اغراض و مقاصد شخصی در این مدت باعث اضطراب و وحشت عموم اهالی شهر گردیده بیرحمانه مسلم را میکشتند و غارت میکردند و بواسطه این قتل و غارت مانع از کسب کسبه که معاش یومیه خود را تحصیل نمایند شده بودند محض حصول امنیت در شهر و رفاه اهالی هرچه اولیای امور دولت بهیه روسیه از اشرار خواهش کردند متفرق شوند از احکام مشارالیهم قبول نکردند و با وجود اتمام حجت که کرده بودیم اشرار دفع اسلحه ننمودند و ابتدا از طرف آنها بقشون دولت بهیه روسیه شلیک کردند لهذا جبراً شهر مشهد را منتظم کرده از عموم مطالب ذیل را خواهشمندم.

(۱) تسلیم رؤسای اشرار و تعیین محل اقامت آنها.

(۲) اهالی ولایت هرچه اسلحه داشته باشند باید تسلیم قشون دولت بهیه روسیه نمایند.

(۳) تمام بازار و دکاکین شهر را باز کرده مطمئن باشند که در تحت حمایت قشون دولت بهیه روسیه تعرضی نخواهد شد مشغول کسب و کار باشند.

(۴) همه باید بدانند که روسها فقط با اشرار طرف بوده‌اند نه با اهالی طرف شهر با رعایا و کسبه و اموال آنها فقط دست نخوردند بلکه بواسطه قشون دولت بهیه روسیه محافظت شود که همه بتوانند مشاهده کنند.

(۵) هر کسی بر خلاف این اعلان مرتکب تخلف شود اطاعت نکند تنبیه سخت خواهد داشت.

۲ شنبه ۱۱ ربیع الثانی ۱۳۳۰   (رئیس قشون دولت روسیه در خراسان «ژنرال ردکو»)

مطبعه طوسی میرزا مرتضی المشهدی

عاقبت کار یوسفخان هراتی بعد از فرار از مشهد

فاعتبروا یا اولی الابصار

دیدی که خون ناحق پروانه شمع را — چندان امان نداد که شب را سحر کند

یوسفخان بعد از فرار از شهر مشهد تا خاک طبس رفت و با رعایت اموال و بردن مال مردم مشغول بود تا اینکه از طرف حاجی [illegible] نایب الایاله که (بعد از انفصال رکن الدوله و ایالت نیرالدوله بمشهد آمده بود) باطراف قدغن اکید میشود که اورا سردو دستگیر نمایند.

در اینموقع که خیانت بر خانواده ریاست هر کسی آشکار شود اطلاعات خود را رسید اینکه از خدا اخبار به فرزند آبادی که رفیق یوسفخان بود در همین ساعت بر هم خورده از اینکه جدا شود خودش با چند نفر وارد خاک قوچان میگردد اتفاقا سید محمد خان که سرکرده سواران بود در آنجا بر ریاست دیگر از قدغن شدیدکه از حال و قتل داشتن مسلکی است بمحض مطلع میشود که اینشخص وارد خاک قوچان شده فوراً یکدسته سوار مأمور دستگیر او میشود سوارها یوسفخان را بی زحمت اورا دستگیر کرده فوراً بنایب الایاله راپورت میدهند از طرف ایالت حکم میشود که اورا تحت الحفظ وارد شهر نمایند تا بمکافات خود را بخشد و بشهدای آن مقام عالی که کشته است.

یوسفخان را که سوارها رسیده از شهر مأمور میشوند که اورا بشهر بیاورند در بین راه خودش خیال فرار داشته سوارها مجبور شده اورا با گلوله میزنند.

(اگرچه یوسفخان هم در تحت تأثیر تبلیغات خارجی و فشار آنها بوده که یوسفخان در بروز وقایع مشهد بوده و اسرار آنها را در تمام آن زمانها که توسط عبدالحمید خان [illegible] ... [illegible] ... بر روی آنها فاش شد ... محرمانه فشار آورده که یوسفخان را کشته وارد مشهد نمیکنند نعش اورا وارد شهر کردند) «مؤلف»

روز جمعه هفتم [illegible] اورا از طرف ایالت با ... وارد شهر مشهد کردند ... سرباز و سوار تماماً در میدان ارک حاضر شده صف میکشند جنازه یوسفخان را با لباس نظامی تخته فرش کرده آورده ... وارد شهر کرده وارد میدان ... کرده مأمور یک وارد میدان ارک کرده جنازه را بدار آویختند تا ... اهالی شهر بیایند برای نظاره عموم آن مردود را با ... نشان دهند که اهالی شهر ... لکه ننگی سید الشهدا ... حضرت خیرالانام ... شده ... استقرار داد.

نطق یوسفخان در پای دار بگوش هوش هر اهل مشهد

ای اهالی و اهالی و عشایر آیا این رسم عهد و پیمان است آیا این بدرقه قسم قرآن است که با هم عهد و ظاهراً سرا در لطف و سروروصوره کرده و خودتان در حقیقت تند میکردید پیمان شکنید که با آتش نفوس با تو هم راه هستم و بهادرتان تماماً در مسجد است و میسر بشما رد است که با تو مقاومت دهید و دست و خود را ... آیا شما خودتان که نیست و در روز ... دید و نوال داشته برای جمع کرده مسافر و ... بیقرار و وعده میدهید ... که در هر روز ... با شما همراه هستم امروز که ... مقام عالی را ... آستانه ... که هم عهد و پیمان بودم به شما را در این مقام عالی ... امید دارم که ... برای این مقام عالی رسانید شما را ... که بخاک [illegible] ... مقام مقدس و عالی برسانید.

زنده باد ... بعضی ... حتمان و بعضی ... عشایر ... نطق او در سیدفور ... نظم بالا ... کشیدند.

زبان حال یوسفخان سردار در سردار

(گرکید سر بحر یک از اهل چمان	مرتجعیم تو دیدیم در مذهب و ایمان)
(نامی بسیم بودید شمایان روز رفیقان	خوردید قسم قرآن کردید همه پیمان)
(امروز که من گشتم با غصه و غم بریان	نی همت و نی غیرت تا بود دفاع یاران)
(شاهم همه در خواست از جانب تیموریان	کرکید همه با من در دار فنا حیران)
(آخر نه شما خوردید بامن قسم قرآن	من هم خوردم نزدم گشتم بحق دوران)
(از آن شما با جسم آلوده	کردید شما قیام تا دش قیام)
(خواهم که به یک تن گردید همه	در هر دوسرا نالد در هر دو جهان زاران)

(از [illegible])

اقدامات شاهزاده افسر الدوله [illegible]

راجع به آستانه مبارکه

شاهزاده افسر الدوله نوابزاده [illegible] مشهد برای تربیت خدام آستانه که در وقعه توپ باران واقع شد نیز دستور صادر شد [illegible] تعمیر را
شش هزار [illegible] مخصوص تعمیرات [illegible] را [illegible] شش نمودند [illegible] حکم شد که [illegible] را باید [illegible] آستانه بدهند برای [illegible]
[illegible] که [illegible] آنها [illegible] حقوق [illegible] بود [illegible] نیز [illegible]
[illegible] بالاخره [illegible] جمع [illegible] آستانه را [illegible] که [illegible]
مخارج تعمیر را [illegible] آستانه در [illegible] گرفته خود [illegible] تعمیرات را تمام کردند

تعیین تکلیف و [illegible] اشرار

در ضمن یک [illegible] اشرار [illegible] همراه بودند [illegible] که خود [illegible] تحت الحفظ [illegible]
تبعید نمودند.

حاجی [illegible] و حاجی عبدالرحیم صراف که [illegible] بودند تحت الحفظ به [illegible] تبعید کردند.
[illegible] مجتهد رضوی که [illegible] در مشهد [illegible] کردند که [illegible] صد تومان [illegible] را فراهم کردند
حکم کردند از شهر مشهد خارج شوند [illegible] از شهر خارج شدند.
[illegible] که خود را [illegible] خود [illegible] کرده بود در [illegible] مسجد [illegible]
طرف [illegible] تحت الحفظ [illegible] فرستادند.

عاقبت کار [illegible]

[illegible] از طرف [illegible] مشهد [illegible] که [illegible] مجروس [illegible] بودند
[illegible] انجام [illegible] از شهر خارج [illegible]
[illegible] مشهد [illegible] شد [illegible]
[illegible] شده [illegible] خود [illegible]

[illegible] کار [illegible] آستانه مبارکه

[illegible] واقعه توپ باران مشهد رضوی که [illegible] «[illegible]» [illegible] که [illegible] شد
[illegible] که [illegible] خود [illegible]
[illegible] که [illegible] توپ باران مشهد رضوی [illegible] سال [illegible] شد [illegible]
[illegible] آنها [illegible] فاعتبروا یا اولی الابصار

عبدالحمید خان [illegible] روسی

[illegible] که [illegible] روسی را [illegible] دولت روسی [illegible] روسی [illegible]
[illegible] دولت روسی [illegible] آقا عبدالحمید خان [illegible]
[illegible] واقعه [illegible]
[illegible] عبدالحمید خان را [illegible]
[illegible] که [illegible]
[illegible] که [illegible] خود مشغول شد [illegible] خود را [illegible]

مجرم فرنس آمری

بعد از فرار سه توقیفشان بطوریکه گفته شد با قوتی عراقی با خاک طهران رفتند از آنجا بعد اسلحه و مهمات را روانه کرده مرتفع ساختند در طرف جنوبش بوده برای رسیدگی با راه‌ها و قطعات در دانگ کسی ... مجرم نسبت ... مثل حال سرپرست ... که تعلیم اسلام کرده بکوه مشغول کردند.

سرکنت سید محمد یزدی طالب الحق

بعد از سپری شدن تعارف کرداری و اظهار شمار سینه چند صفحه که شرح با وضع و بیان ... بوده اخیراً در شماره ... سرمقاله ... را از لفظ تاریخ این شماره عقیده ... برای ضبط در تاریخ ... می‌کنم که تازه ... منتشر کردند

نقل از شماره ۱۷ جریده طوس سلطنه مشهد
مدیر ... نقل از روزنامه سه شنبه نهم شوال ۱۳۳۰
رشح فلاطون الحق

صندوق پست

مالکی توسط پست ... طالب الحق با داده رسید توسط ... مقطع از رشح آن ... اختصار برای ... عموم فارسی مجرم خود ... درج کنیم.

... که خود را لقب طالب الحق فرموده این سرکرده ... رسیده جوانی بود ... در کتب ... و داد اسم ... خواندن ... که مصداق ... در حقیقت ... است.

(عن ابی جعفر ع من ابی عبدالله ع (از احوج طالب الحق ... قال لدلال الیمانی ...)

چون نظر در ... آن سرکرده ... در طواف ... خود ... شرح ...

... را از نفطه آوردن ... وسیله شرح ... که ... کرده

... آیات الله جل شانه

مبارک و تعالی درباره مفسد فی الارض حکم فرمودند.

چون نظر با ... کرده ... مصداق ... این آیات ... ادا لازم و واجب است

(انما جزاء الذین یحاربون الله ورسوله ویسعون فی الارض فسادا ان یقتلوا او یصلبوا او تقطع ایدیهم وارجلهم من خلاف او ینفوا من الارض ذلک لهم خزی فی الدنیا ولهم فی الآخرة عذاب عظیم)

اما توسط ... که ... در مشهد رضوی ... اما توسط ... که خون ... ریخته شد اما توسط ... که حضرت ... الائمه ... خراب شد ... مفسد فی الارض را باید مجازات کرد و ... آیات درباره ... مجازات ... را بخودش خواهد داد.

اینکه نگاشته اید (دیگر نیست ... سید ... سید)

اگر ... آنچه ... سید ... سید ... کنند ...

که ... بودید ... قال الله تبارک و تعالی

(یا ایها الذین آمنوا لا تتخذوا الیهود والنصاری اولیاء بعضهم اولیاء بعض ومن یتولهم منکم فانه منهم ان الله لا یهدی القوم الظالمین)

اینکه نوشته اید (تحکیم آزادی عقیده ... الخ.

به این عقیده جنابعالی درباره خودمان حرفی نیست عقیده ایست ولی نباید تصور کرد که عموم مردم هم باید معتقد بقول این عقیده را باشند.
اما جنابعالی در ردیف مجتهدین جامع الشرایط هستید که مردم شما را تقلید کنند یا اینکه مقلدین و حکام هستند که توسط علم و دانش و اطلاعات شما را واجب الاطاعه بدانند اما ما هم مرتبه سیاست پرورده ایام هستیم که کلمات جنابعالی را با این تصور قبول کنیم که چه دعوی است که مثل بردید مردم عوام بیچاره را فریب بدهند که قیمت نسخه عقد شما سر شیخ چهار صد میلیون نفوس اسلام کرده تمدن های کلیه ما توسط در صحیح و حرام محترم در قرن گذشته اما برای دستگیری اکرام اثر ازلی بود که قانون حرمت بیته را محبور بودند و صحیحش و مسجد واقعیت ابطال کردید اما از دست آن طمعت عزیز از جنابعالی ظاهر از دیگری بود او که لیز از خودش رسید چه جنابعالی هم با صاحب بقیه است ربطی بغیر ندارد.
(اینکه نوشته اید — تصور فرموده اید که داعی در اجتماع مثل ایتام شما در جماعات بقیه از زوال نسل تحصیل اهلک داری در داخل منافع نرسیده ام) اولاد والد شما چه حرفیست که ایتام ما با آقایان شما فرق دارند انیحو معلوم میشود که جنابعالی در تحت ادامه مقام حضوری مذهب هستید و الا علمای ما و علمای شما فرقی نخواهند داشت.
اما در باب منافع از زوال تحصیل اهلک منظور شما را هم میدانم این قرن را نباید هم ابتقاع بردن از اموال مردم حرف نیست با این ترتیب اسلام از آن بردن فایده مذهب باعث تخریب آثار بیمارکه شدن اما کسیکه عقل خودش این باشد سزاوارست عقیده دیگران را بگوید بتخصیص این شیعه را اندازه فارس محترم بگذارم.
اینکه نوشته بودید (در این جهان از این وطن ما نهایت جمع شده است که هر یازده نفر از آن نهایت جمع شده در هم عموم ملت فریادها رهبران ایران را در این و دیار ما در سیاه کشانیدند)
این مطلب صحیح نیست (افراد نعقد هم تعمیم جایز) از افراد جنابعالی معلوم میشود که این اجتماع هم یک وطن ما ازین بوده منتهی در تحت ریاست جنابعالی الفکر یافته و از تور اعمال شما مظلمه این بلاد ترس و ظلم از هر وطن ما بیشتر بوده.
اینکه نوشته اید (اگر تصور فرموده اید که داعی از این نوع محاکمه عرض کردم . . . حوادث — غلط کردم مردم ما هم شرط طلب هستم حرف شنیده فرموده اید)
اشاره از افراد خود با آن حسن معلوم میشود که این فرعیات را فرموده اید.
اینکه نوشته اید (اگر بمدادش درست در باب این است داعی که شما را امین ساخته و اسم شما را هم بعد نکشم اگر در مسجد بشنوم)
خداوند ما را از کسانیکه تعرض بهم جویی میزنند که ام عداوت و بغض از این ملت است که بعض نکشد بکینی بدانیم که هر جا حرمتش شد از روم بر باد و ما ترسی از بلادش میکنند.
اما در باب سخنان جنابعالی از تیغ و حرف منتشر و در مکتب جنابعالی در عدله طریق بودم که خود را تا زاید لوا تا زده بودید در حرکات و جنایات شکر کرده بماند و از حرکت شما صرف نظر کرده که بلکه دیوانه محاکمه برآرد.
اینکه نوشته اید (که حوادث تا نقیض دارید)
حیات و ممات هر بنده در دست بی باقتدار خداوند است جنابعالی بتوسط کسی از حیات بخشی کنید این فرمایش هم غیر منطقی است و عقلا جاهلی نیستند.
نوشته اید که: ما را قسم بدهیم که زندگی که دارید بهش نوشته سراغ نگاه دارید اگر با مال آینده زنده ماندید و سزاوار است دل سوخته هر در وجود شما از آن مکرر بهش بر قوته برادرهای خودمان از حق فرع بکند و جمع صحبتکه فرمایند که در این حرفهای در میز موی حمله شنیده ام)
(از آن تاریخ گذشته ۱۳۳۰ قمری بود بکار برده الی کنون در قرن حیات هستم که این نوع تسلیم و بخشش این تاریخ مقام شنبه ۱۳۵۸ سحری است سی و نه سال اینها بکرده ام و طلب آنچه تا سال آینده داد و اینکه کرده اثر آن بعید خواهم خواند)
شنیدن کی بود مانند دیدن (کان اکر طبیب بودی سر خود دوا نمودی)
اگر جنابعالی دارای این مقامات و مرتبه عالی بودید در سلسله نوشتجات من خود را تا نشخص نکردید که حال امکان بالید آن شده و برای استخلاص خودمان از دیگران جنابعالی اشتیاق را مطیعیت هستید بکی آمدی در صحبت او و کار ازرای شما هم مصلحان کافی است.

اینکه نوشته بودید (اسرار غیبی بودن آنکه ذکر کننده و عن بود برای شماها موعظه شد)

امر از این است جنابعالی بگوئید صحت آن معلوم است پس هر کس که با علم خدائی امر کرده با بعضی اشخاص همه دین آنها فخر کند (کل نفس ذائقة الموت)

اینکه نوشته اید (اگر در مسئله حکم اکبر بوجوب دعوی ام حکم محکم دارد و ام بحث است)

از یک عرصه سمیع نه جوابی که بر اینست — عرض جواب درین رحمت با میدانی) حکم کننده بوجوب [illegible] حضرت آیت الله حاج [illegible] بود در یک

علما که صفت علم و عدالت ایشانکه [illegible] بزرگ عالم را گرفته بود در ایران [illegible] دیگر که [illegible] جنابعالی را [illegible] رسید که در [illegible] حیات با جوامع

مردمی اظهار نموده اند [illegible] که جنابعالی اعلم فقهاء [illegible] و [illegible]

که هرگاه حاکمی در سر موضوعی حکمی نمود نقض آن حکم حرام است [illegible] جنابعالی حکم [illegible] آن [illegible] در صورتیکه در [illegible] که حیات باشید

یا حاضر

اینکه نوشته اید (خدا دیده است [illegible]) [illegible] (جانا [illegible]) خوب بود که [illegible]

میگفتید که خدا [illegible] الله سلطان [illegible] —

اینکه در باب جواب نوشته بودید که کسی [illegible] جنابعالی بخواهد [illegible] زیرا که [illegible] وظیفه [illegible] عالم [illegible] است

به اشخاص [illegible] در ایران [illegible]

علی حضرت [illegible] جنابعالی که [illegible] و [illegible] معلوم است [illegible] جواب [illegible] عالم [illegible]

و باب [illegible] اسلام [illegible] حاصل کنید —

اینکه نوشته اید (ادعای که وارث رسول خدا ام دیگر باشم) بله

[illegible] ([illegible]) [illegible] وارث رسول خدا [illegible] باشید —

اینکه نوشته اید (امروز در تمام مملکت ایران [illegible] کلمه اش [illegible] است)

به شهرت جنابعالی [illegible] صدق [illegible] حرکات [illegible] جنابعالی است

اما در باب علم جنابعالی [illegible] (العالم [illegible]) [illegible] که

حکم [illegible] جنابعالی [illegible]

آیا [illegible] کلمات [illegible] علم [illegible]

[illegible] —

([illegible] — [illegible] — [illegible] — [illegible])

اینکه نوشته اید — ([illegible] جنابعالی [illegible] صحیفه [illegible]

[illegible])

او [illegible] جنابعالی [illegible] در تمام بلاد ایران [illegible] مشهور [illegible] عام شده [illegible]

[illegible] جنابعالی [illegible] اسلام [illegible]

[illegible] اسلام [illegible] جنابعالی [illegible] جنابعالی [illegible]

که [illegible] عوام [illegible] جنابعالی را .

عاقبت کار سید محمد رضا طالب الحق

[illegible] طبع صحیح در [illegible] اسلام [illegible]

[illegible] طالب الحق [illegible]

[illegible] ([illegible])

مهارت تفنگچی حقیقی

دیدی که آه عاشق پروانه شمع را   یکدم امان نداد که شب را سحر کند

حاجی سالار بهانه که در واقعه صحن و اجتماع اشرار یا از سر دسته های فتنه بوده بود از «توپ باران» شبانه بسمت طهران فرار نموده در این بین
اسمی باقی مانده لکن چند روزه با توسلات مسعود عازم مشهد شده بود تا سرحد که رسید چند روز در آنجا توقف کرد بار دیگر از حالت
فطرت خود سربرهنه در کوچه و بازار بعضی حرفها سرزده و داغ دل مسلمانان بعضی را تازه کرده یکی از مسلمانان که هنوز لطور نقش واضح
نشده بنابر میاید در قهوه خانه او را بیرون بخواند با یک گلوله که گلوله اول بدنش او خورده گلوله ثانی بسینه اش بخورد فوراً از قطار
خود ملحق گردید بعد از بعضی از واقعه حاجی که از مشهد صحبتی کرده اینکه مقصد آن فتنه شده بود بعد لکن لکن تیر از خود آن
سر شد و بار بعضی مسلمان ها عبرت گردید (کوشش تحریک نمودن دیده اختیار نکو)   (جریده طوس مشهد)

عاقبت کار مهر قورتیش آبادی

میرزا آنکه از طرف حکام و اهالی البحیه اقدام برای دستگیری مهر کرده بر تمر نه تحنید عاقبت حاج حسن آقا فرزند ملک التجار نزد ایالت
متعهد شده بود که مهر را دستگیر نماید بعده از نوارات و سمرنش خود با یزا فرستاد که در جاییکه بنابود مهر را دستگیر نمایند الحمد لله دستگیر
گردیده و ماموران حاج حسن آقا بیرون کشیدن جانم سرا بلک سطح لیرق راه بناور دریت میرسند.

عاقبت دشمنی کردار امپراطور روسی در مشهد مقدس

در ماه شهر ۱۳۳۴ قمری ۱۹۱۴ مسیحی که جنگ بین الملل شروع شد قرب یک سال از جنگ گذشته بود که روزهای
روسی در جنگ گذشته بیرون بودند یکدفعه انقلابی شروع شد پیش بیاید قبول از دست انگریزند و آلمان روسها با قشون امپراطور
امپراطور روسی و تمام دستگیری را دستگیر کرده طفل ...کی کوچک ایهم باقی کرده تمام را تیرباران کردند بعضی از آنها تمام آنهارا انگریز
و آلمان تا ادامه داد هر اماری کرد بهانه ... نکشتند - بعضی تمام عمرها ایرانیها خصوصا از مظالم خانواده رومانوف تماما خلاص
شدند چه حضرت ثامن الائمه علیه السلام حامی امپراطور روسی را بواسطه حرکتی بقعه و بارگاه متبرکه بمرده نمود بطور کامل دادند که در آینه بهانه
عبرت سایرین گردد دست و لسان زبان خدا و مبارک جسارت نکنند.

اعلان ثانی برای جمع آوری اعانه برای پیدل جم
از روزنامه طوس مشهد
۱۸ ربیع ثانی ۱۳۳۱

حضرت محترم کاملین و اهالی خراسان مخصوصاً اخطار میشود بواسطه بعضی پیش آمدهای غیر منتظره و تا پانزده روز جوش نبرده و توقف
جریده مشغله جمع آوری اعانه تعهده و تعویق افتاده حتی در بعضی از ولایات مشهد مرز دیگر پیش شده زیرا که بعد از تعطیل و کنکرا دل
ناچار مانده و کیل انتخاب نبود و نشده است و نیز بواسطه نبودن پست در بعضی از خطوط که مکتوبات دیر رسیده و جواب نمیرسید
لذا هرکس برای جمع آوری اعانه مشغول بشود و فهرسته وکلای تبریزی تا اندازه موقت حاصل کرد در مشهد از طرف اداره جریده
اعلان داده خواهد شد که در جریده تاریخ دفتر اعانه در مشهد و حرح لیست میشود .
و به وکلای اطراف اخطار میشود که دفتر و وجوه را زودتر که مشهد است ارسال دارند (مدیر جریده طوس هاشم)

جمع آوری اعانه برای هلال احمر

در سنه ۱۳۲۸ قمری که نایره جنگ بین ترکیه عثمانی و ممالک بالکان مشتعل گردید سه دولت بالکان بر دولت عثمانی حمله کردند
ملل مسیحی از اکناف عالم اعانه جمع کرده برای صلیب احمر و کمک به دول بالکان فرستادند ملل اسلامی ایران هم از نقطه نظر ملیت
و اسلامیت در این موقع لازم بود در حمایت اسلام حرارت خود را در مقابل ملت مسیح ابراز و اظهار دارند.
از تمام شهرهای ایران بروز حمایت مالی شد آثار همدردی نمودند نگارنده در این موقع صاحب امتیاز و مدیر اداره روزنامه طوس مشهد بودم
در شهر مشهد و ولایات خراسان به وسیله جلسات اداره روزنامه طوس دفتر اعانه باز کردم به عنوان کمک مجروحین و [illegible] مسلمانان که به وسیله هلال احمر
فرستاده شود.
نمایندگان اداره طوس در تمام ایالات خراسان مذکور اداره را در صدد جمع آوری اعانه برآمدند در شهر مشهد سعی بلیغی ابراز داشته
اعانه دادند.
از روزه قوچان مسعود خان دره جزی که حاکم آنجا بود قریب سه هزار تومان اعانه جمع کرده شخصاً برای هلال احمر فرستادند
همچنین از تمام ولایات خراسان هر یک از وکلا آنچه توانستند اعانه جمع آوری نموده به مشهد فرستادند و آنها یکجا در مشهد جمع شده به وسیله
بانک شاهی به عنوان هلال احمر فرستاده شد.
مسلم است که این جمع ها در مقابل مخارج سنگین جنگ بالکان برای ترکیه عثمانی مهم نبود ولی از نقطه نظر اسلامیت و ملیت در حمایت برادری
و سیاست اهمیت فوق العاده داشت.
اینک چند فقره اعلانات منتشره در جریده طوس را در خصوص اعلان شرح داده می‌نویسم

نقل از شماره ۶۲ جریده طوس منطقه مشهد
مورخه [illegible] صفر ۱۳۳۱ قمری

اعلان

حدیث عموم آقایان و وکلای محترم خود را اخطار می‌کنیم خوب در اعلان اول ... برای جمع آوری اعانه [illegible]
از وکلای اطراف سبقت از قبول این خدمت کرده بودند باشد و [illegible] شده
در شهر مشهد هم بواسطه بعضی [illegible] که تا دیر [illegible] کار را تمام [illegible] ماده نهاده [illegible] قرار داده شد که در ماه [illegible]
و اطراف یادآوری می‌کنیم که هر یک از آقایان هر قدر اعانه بدهند قبض رسید چاپی نمره دار [illegible] وکلای اداره در یافت دارند و
قبض رسید دریافتی نزد خود نگاه دارند که در آتیه برای وکلای اداره یادآوری [illegible]
چهار شعبه [illegible] دربار [illegible] برای [illegible] شش [illegible] تا هر یک از آقایان [illegible] شعبه ها [illegible] قبض رسید چاپی دریافت دارند

کاروانسرای ناصریه حجره جناب حاجی محمد حسین هراتی	سرای سلطانی حجره جناب آقا میرزا محمد قند [illegible]
تیمچه رئیس [illegible] حجره جناب حاجی محمد [illegible]	بازار دکان جناب حاجی محمد اسمعیل سگار فروش

(اداره جریده طوس - مدیر هاشم)

انتخابات دوره سوم مجلس شورای ملی

در جنب این جریان انتخابات شروع شد سردار معظم (تیمورتاش) که در موقع [illegible] قشون خراسان را [illegible]
مقام‌های حقوقی [illegible] سرالبرد [illegible] اینکه در مجلس حامی [illegible] سردار معظم را داده است از [illegible] قشون انعقاد داد که سرالبرد به
و [illegible] با [illegible] مجلس [illegible] از طریق [illegible] بسیار کرده بود

دفعه قتل نصرت‌الملک

روز ۱۳ شهر صفر نصرت‌الملک (سردار نصرت) با نوکرش البرد [illegible] برادرش سردار ابراهیم خان با [illegible] نفر دیگر
خانم [illegible] از [illegible] مشهد خارج [illegible] ملک آباد رفته بودند [illegible]
که [illegible] ابراهیم خان نصرت‌الملک [illegible] گلوله نوکر البرد [illegible] کرد [illegible] چهار ساعت
معروف روز چهاردهم صفر بعد از آنکه [illegible] مرحوم [illegible] نوکر البرد را [illegible] سرالبرد [illegible]
محبوس کرد [illegible] نصرت‌الملک [illegible] ابراهیم خان برادر مرحوم نصرت‌الملک دادند

بعد از طلوع بالشویکها در روسیه

بعد از شروع جنگ بین‌الملل سرحد روسیه که با سرحد ایران فقط یک رود [illegible] فاصله دارد و معروف است به (هریرود)
[illegible] روسیه که در سرحد [illegible] ایران [illegible] [illegible] اهالی را [illegible] کرده [illegible]
[illegible] در موقع [illegible] [illegible] سرحد [illegible] خارجه [illegible] خارجه [illegible] صد [illegible]
و [illegible] حقوق [illegible] شروع [illegible] قرار داده بود که [illegible] ایران [illegible] روسیه [illegible]
[illegible] جنگ بالشویکها [illegible] ترکستان شروع شد سردار [illegible] [illegible] طایفه [illegible]
(سالور) [illegible] بالشویکها [illegible] سرحد [illegible] ایران [illegible] طایفه [illegible]
[illegible] سرحد [illegible] احمد خان (قوام‌السلطنه) که در موقع [illegible] خراسان [illegible] قوام‌السلطنه [illegible]
[illegible] مشهد [illegible] بالشویکها [illegible]
[illegible] از [illegible]
در [illegible] حکومت [illegible] سحاب‌السلطنه [illegible] البرد [illegible] بالشویکها [illegible]
سحاب‌السلطنه [illegible] مشهد [illegible] سرحد روسیه [illegible]
[illegible] سرحد روس [illegible] روسیه [illegible] ترکمن [illegible] روسی [illegible]
[illegible] روسیه از [illegible] ترکمن [illegible]
سحاب‌السلطنه [illegible] سرحد روس [illegible] ایران [illegible]
[illegible] سحاب‌السلطنه [illegible]
[illegible] (سالور) [illegible] سرحد روس [illegible]
سحاب‌السلطنه [illegible]
[illegible] سحاب‌السلطنه [illegible] روس خارج [illegible]
[illegible] سرحد روس [illegible]
سردار [illegible] سحاب‌السلطنه [illegible]
[illegible] سحاب‌السلطنه [illegible] سردار [illegible]
[illegible] سحاب‌السلطنه [illegible]
[illegible] سحاب‌السلطنه [illegible] جواب داده
قرار کرده است
[illegible] سحاب‌السلطنه [illegible] قوام‌السلطنه [illegible]

هانی بها بکری و جادل را که این است برهانی سلطان را که ع اردشانی کار آمد هر هموزی بود باسم مهدانی سخانه این رفیق بماره را به بدون صحیح بعذ
رسانید آموزش را غارت کرد این خبر بانش رسید بمار را از حکومت جام منعقد بمشهد حضور گرفته بعد از ورود شنید در بستان صحیح النطفه را
در اردک حالی توقف کرده این راهم نمیتوانستند بردشار الرد یا در صحیح النطفه برسانند بانکشمانشد خبر بعد هم گرد معلوم نشد از توقف
حلاص شد

وکلای دوره دوم مجلس شورای ملی ایران
به ترتیب حروف تهجی

استرآباد — حاجی محمدحسن استرآبادی

اصفهان — سید اسدالله خارقانی - حاج میرزا حسن خان جابری - سلیمان میرزا

نجف آباد اصفهان — شکرالله خان قوام الدوله

بروجرد — حاجی شیخ صنعت اصفهانی سلطان العلما - حاج آقای سرنعیدار

خرم آباد — میرزا محمدعلی خان سالار معظم - دکتر حبیب الله خان کمالوند رئیس الملک

مشهد — میرزا طاهر متولی باشی - میرزا حسینقلی خان عمادالسلطنه - شیخ محمد جواد بلوری

دره جز — میرزا محمدتقی ملک الشعرا

ترشیز — حاج شیخ عبدالله

تربت — میرزا اسدالله خان قوچ معتصم السلطنه

نیشابور — شاهزاده محمد هاشم میرزا

قوچان — عبدالحسین خان سردار معظم (تیمورتاش)

بجنورد — یار محمد خان قاجار سردار اسعد

تون و طبس — میرزا محمود خان منتصر الملک

بیرجند — میرزا محمد ثقات

سیستان — میرزا اسعد خان کاشی معدل الدوله

زنجان — شیخ ابراهیم زنجانی - محمد ولیخان سپهدار اعظم - حاج شیخ علی صدرالاسلام

سمنان و دامغان — دکتر حسینعلی خان

ساوه — میرزا اعتصام خان

شاهرود — سید قاضی کاشانی

طهران کلیه — آقا شیخ محمدحسین یزدی - آقا سید حسن مدرس - میرزا محمدصادق طباطبائی - امام جمعه خوئی
میرزا حسین خان مؤتمن الملک - میرزا حسن خان مشیرالدوله - میرزا حسن خان مستوفی الممالک - میرزا حسن خان محتشم السلطنه
میرزا محمود خان احتشام السلطنه - حاجی سید نصرالله سادات اخوی - میرزا محمدعلی خان ذکاءالملک - حاجی آقای شیرازی

حضرت عبدالعظیم — آقا سید رضا فیروزآبادی

ساوجبلاغ — میرزا قاسم خان صوراسرافیل

دماوند — شیخ محمد آقازاده

عراق — حاج علیقلی خان سهام الملک - میرزا نصیرالدین

شیراز — میرزا نظام الدین مشار الدوله - میرزا سید محمد - حاج شیخ یوسف - محمدعلی خان بابائی - سید مهدی رضوی

قم — سید محمود صدرالملک

بهبهان — سید ابوالقاسم بهبهانی

بوشهر — میرزا محمدعلی خان - حاج آقا محمد بوشهری معین التجار

ملایر — حشمت الممالک

عراق — میرزا عبدالله معتصم السلطنه

همدان — میرزا محمد خان مدبر السلطنه

قزوین — حاج شیخ مصطفی مجتهد — حاج شیخ اسدالله مجتهد

قم — حاج میرزا علی رضا

سنندج — حاج میرزا اسدالله خان کردستانی — ناصر قلی خان ... السلطنه — محمد ... خان سردار معظم ...

کرمانشاهان — حاج میرزا حسین خان — سید حسین کزازی — حاج میرزا ابوالقاسم خان ... الممالک — شاهزاده محمد مهدی میرزا آرش السلطان

بیجار و گروس — حاج شیخ محمد حسن مجتهد گروسی

لرستان — میرزا محمد علی خان اصف الممالک — شیخ یحیی

رفسنجان — عبدالوهاب ... الاسلام

سیرجان — شیخ محمد خان شیخ الملک

بم کرمان — حاج سمیع خان اعتبار السلطنه

جیرفت — رستم خان رفیع الدوله

گلپایگان خوانسار — شیخ محمد حسن خوانساری

محلات گره — حاج شیخ اسدالله محلاتی

رشت — میرزا حسین خان ادیب السلطنه — میرزا صادق خان سردار اسعد

انزلی — دکتر سمیع خان ... سودرب السلطنه

لاهیجان رودسر — میرزا فتح الله خان سردار منصور

قومس — سید یحیی ناصر الاسلام ...

لاهیجان — حاج شیخ اسمعیل

ساری — اسمعیل خان ... — سید علی شریف العلما

مازندران — میرزا حسین خان عدل الملک — میرزا صادق خان منتصر السلطان — اسدالله خان نظام السلطان

جرگلان و ... — شیخ محمد محقق — شاهزاده محمد میرزا ... سردار

سبزوار — حاج عبدالرحمان ... نظام — میرزا محمد علی خان کلوپ (فرزند)

یزد — میرزا ... — وکیل الدوله — حاج میرزا احمد فرزند ...

نائین — میرزا ... خان

ابرقو؟ — سید نصیر فرزند صدر الممالک

... — افتخار ...

... — میرزا ... وقار السلطنه

... — یوسف میرزا ...

زرتشتیان — ارباب کیخسرو شاهرخ

کلیمیان — دکتر لقمان ...

... — حسن خان ... — میرزا طاهر ... — میرزا هاشم ... — شیخ رضا ... — سید محمد رضا مساوات — عبدالحسین خان وحید الملک — میرزا اسدالله خان ... السلطنه

فهرستی که وکلای دوره سوم مجلس شورای ملی طرح کرده‌اند

قانون نسخ قانون بیست و سوم جوزا ۱۳۲۹

راجع تشکیلات وزارت مالیه در پنج ماده

قانون تمدید ماموریت کمیسیون تفتیش و نظارت مالیه

ماده واحده

قانون راجع اسکناس بانک شاهنشاهی ایران

شش ماده

قانون منع خروج نقره و طلا از ایران

چهار ماده

قانون تمدید ماموریت کمیسیون تفتیش و نظارت مالیه

ماده واحده

قانون تشکیلات وزارت مالیه کل مملکت ایران در خزانه‌داری و گمرک و مالیات مالیه و مجلس مشاوره عالیه

چهل و سه ماده

قانون تشکیلات مملکت

(سی و یک ماده) تمام و هشت ماده

قانون تمدید مدت ماموریت کمیسیون تفتیش و نظارت مالیه

ماده واحده

قانون مالیات مستغلات

ده ماده

قانون مالیات دخانیات

شش ماده

قانون اصلاح ماده دوم قانون تحدید تریاک

ماده واحده

قانون فروش زمینه دبیرا (از قرار نقشه خطی است)

ماده واحده

قانون تعمیر مقبره نادرشاه افشار

شش ماده

قانون سربازگیری

ده ماده

خلاصه تصویبات مالی — تصویب بودجه سیزده ماهه دوازدهم مجلس — تصویب قانون تفریغ بودجه — تصویب قانون تفریغ بودجه سنه ۱۳۳۱ الی ایام فترت
تصویب بودجه توقف ایام ۱۳۳۳ / ۱۳۳۲ مجلس شورای ملی — تصویب قانون تفریغ بودجه سه ماهه دوازدهم آخر سال مجلس شورای ملی
تصمیمات و مطالب متفرقه — تصویب حقوق سالیانه مباشرین مجلس شورای ملی — تصمیم مجلس شورای ملی راجع به انتخاب کمیسیون تفتیش و نظارت ... خزانه‌داری
تصمیم مجلس شورای ملی راجع به مراجعه نظامنامه داخلی مجلس به کمیسیون خاص

هیئت رئیسه جزء یوم دوم مجلس شورای ملی ۱۷ محرم ۱۳۳۳

آقای حاج سهم الملک	رئیس سنی
[illegible] میرزا	منشی
[illegible] السلطنه	منشی
حاج میرزا اسدالله خان	منشی
ملک الشعرا	منشی
مؤتمن الملک	رئیس موقتی
سردار معظم رشتی	نایب رئیس
منتصر السلطان	نایب رئیس
مؤتمن الملک	رئیس دائمی
حاج سید نصرالله	نایب رئیس
ذکاء الملک	نایب رئیس
سلیمان میرزا	منشی
حاج عزالممالک	منشی
آصف الممالک	منشی
معتصم الملک	منشی
ارباب کیخسرو	مباشر
دکتر [illegible] خان	مباشر
وقار السلطنه	مباشر

انتخابات ۱۸ جمادی الاولی ۱۳۳۳

مؤتمن الملک	رئیس
سلیمان میرزا	نایب رئیس
دکتر اسمعیل خان	نایب رئیس
صدر الممالک	منشی
حاج میرزا [illegible] خان	منشی
حاج عزالممالک	منشی
میرزا محمد علیخان	منشی
ارباب کیخسرو	مباشر
وقار السلطنه	مباشر
میرزا اسدالله خان	مباشر

۱۱۰۸

انتخابات دوره سوم ذیقعده ۱۳۳۲

مؤتمن‌الملک	رئیس
عدل‌الملک	نایب رئیس
میرزا محمد صادق طباطبائی	نایب رئیس
مشیرالسلطنه	منشی
میرزا حسین خان	منشی
عمادالسلطنه	منشی
معتصم‌السلطنه	منشی
ارباب کیخسرو	مباشر
ملک‌التجار	مباشر
حاجی باباجان	مباشر

قوانینی که وکلای دوره سوم مجلس شورای ملی وضع کرده‌اند

قانون	عدد مواد
قانون نسخ قانون بیست و نهم جوزا ۱۳۲۹	پنج ماده
قانون تمدید مدت ماموریت کمیسیون تفتیش و نظارت مالیه	ماده واحده
قانون راجع به کمپانی بانک شاهنشاهی ایران	شش ماده
قانون منع خروج نقره و طلا	دو ماده
قانون تمدید مدت ماموریت کمیسیون تفتیش و نظارت مالیه	ماده واحده
قانون تشکیلات وزارت مالیه کل مملکت ایران	چهارده ماده
قانون ثبت	پنجاه و هشت ماده
قانون تمدید مدت ماموریت کمیسیون تفتیش و نظارت مالیه	ماده واحده
قانون مالیات مستغلات	هجده ماده
قانون مالیات دخانیات	هشت ماده
قانون اصلاح ماده دوم قانون [illegible]	ماده واحده
قانون فروش رحیمیه و [illegible]	ماده واحده
قانون تعمیر بقعه نادرشاه افشار	شش ماده
قانون سربازگیری	هجده ماده

خلاصه تصویبات مالیه

تصویب بودجه سه ماه و هجده روز [illegible] از ۱۴ [illegible] الی ۲۹ حوت پارس ئیل ۱۳۳۳

تصویب قانون تفریغ بودجه ۹ ماهه تنگوزئیل ۱۳۲۹ مجلس شورای ملی از اول حمل الی آخر قوس سنه مزبور

تصویب قانون تفریغ بودجه سه ساله ایام فترت

تصویب بودجه توشقان ئیل ۱۳۳۳ - ۱۳۳۴ مجلس شورای ملی

تصویب قانون تفریغ بودجه سه ماه و هجده روزه آخر سال پارس ئیل سنه ۱۳۳۳ مجلس شورای ملی

خلاصه تصمیمات و مطالب متفرقه

تصویب خطابه افتتاحیه مجلس شورای ملی

تصمیم مجلس شورای ملی راجع به [illegible] مستخدمین [illegible] که محاسبات خزانه‌داری

تصمیم مجلس شورای ملی راجع به مراجعه نظامنامه داخلی مجلس بکمیسیون خاص

اقتباس از کتابت سفیر ایران که در اوایل جنگ به ایران اطمینان داده

بعد از اینکه دولت عثمانی حکم تجهیز عمومی صادر نموده عده در حدود خود مشغول استحکامات و جمع آوری عسکر شد در حدود کردستان ایران در خاک عثمانی
و لو تا تمام نقاط حدودیه آذربایجان که متصل به خاک عثمانی است کم کم سپاهیانی در میان اکراد منتشره شد و از آنان دقت اولیاء دولت
معطوف و خیالاتی را که ممکن بود وقوع محاربه بین روس و عثمانی برای دولت فراهم نماید پیش بینی نموده هیئت در صدد برآمده اند که از وقوع حوادث
ناگوار جلوگیری نمایند اول اقدام دولت برای حصول این مقصود این بود که ... طرفین ... از طرف دولت روس ... اردوی روس را از
خود از آذربایجان ... دولت ... طرفی ... منتفع سازد ... قبل از دخول ... در ...
برای حصول اطمینان از طرف دولت عثمانی در چهارشنبه نهم ذیقعده ۱۳۳۲ که روز ورود اینجانب به وزارت امور خارجه بود در جلسه ... با سفیر کبیر عثمانی
در نتیجه مذاکرات با جناب رئیس الوزراء اظهار رسید که اگر دولت ایران بی طرفی خود را اعلان نماید دولت عثمانی بی طرفی را محترم
شمرده ابداً از اقدامی که نقض آن باشد خودداری خواهند نمود ... بهمین جهت ... عثمانی اطمینان داد ... بی طرفی
اعلام نمود پس دولت عثمانی رعایت آنرا خواهد نمود و بالعکس دولت عثمانی اطمینان دارد که حضور قشون روس در خاک ایران
قطع نظر از اینکه حدود ما را تهدید میکند خود نقض بی طرفی است ... قشون ... در خاک ایران اقامت دارد واضح است که
سپاهیان رعایت کامل بی طرفی از طرف روسها منظور نخواهد بود ... دولت ایران منتظر ... که اوضاع ...
حقیقت تا است دولت عثمانی هم تعهد ... رعایت بی طرفی ایران نموده و حقیقة تعهد خود را ... اجرا گذارد.
نظر به ملاحظات فوق رقعه ذیل به وزیر مختار روس نوشته شد

۱۰ ذیقعده ۱۳۳۲

نمره ۱

آقای وزیر مختار

تحریکات روس و عثمانی اوضاعی در آذربایجان پیش آورده که برای جلوگیری از وقوع یک پیش آمد ... که مبادا آن برای ایران ...
وخیم ... مذاکرات ... دولتین ... قطعی فوری ... بدیهی ... لازم شد که ...
وقت ... که ... حاصل نمائیم
آقای رئیس الوزراء امروز بعد از ظهر ... در ... (۱) تشریف خواهند آورد و خیلی خوشوقت میشوم که
جنابعالی هم ... بعد از ظهر ... در ... تشریف ... حاضر ... که در ...
در این ... نقض بی طرفی ... (سر والتر تونلی) (۲) هم دعوت خواهند شد که در این مجلس حضور بهم رسانند
(محمد علی)

مسیو ... آقای رئیس الوزراء (۳) و آقای وزیر امور خارجه برای اینکه تأمینات سابق سفیر کبیر را در باب رعایت بی طرفی
ایران از دولت ... صبح یازدهم ذیقعده با سفیر ... تمام یک ساعت ... سابق را تکرار ... اظهارات
خود را در باب اینکه با وجود حضور قشون روس در خاک ایران رعایت بی طرفی خارج از امکان است ...
اظهار داشته ... را ... گرده ... دارد که دولت عثمانی ... اظهارات ... که به دولت
ایران داده است تصدیق خواهند کرد
بعد از ظهر همان روز آقای وزیر مختار روس (۴) با ... حاضر شد و مذاکرات مفصلی بمیان آمد

(۱) منزل ییلاقی آقای وزیر امور خارجه
(۲) وزیر مختار انگلیس در طهران
(۳) آقای مستوفی الممالک
(۴) مسیو کروستوتس

آقای رئیس الوزراء با حضور وزیر امور خارجه از اجتماع قشون آذربایجان را شرح و وضع اکراد و هیجانیکه در آنها تولید شده [illegible]
ممکن است بعدها بروز نماید در ساحت بیان و جلوگیری از این گونه حوادث ناگوار را لازم دانسته تقاضا کردند که برای حصول اطمینان
عثمانیها لازم است دولت روس [illegible] مگر خود دقت نموده و هنگامیکه از اجتماع آذربایجان [illegible] قشون خود را از
آذربایجان [illegible] حضرت اشرف [illegible] سفیر [illegible] هم اظهار شده بود [illegible]
[illegible] در آن حدود [illegible] خواهد داد [illegible] اکراد [illegible] جلوگیری [illegible] دولتین روس و عثمانی هر دو
در صورتیکه ممکن است از حدود ایران [illegible] دولت ایران از ابتدای جنگ حاضر اروپا
تصمیم [illegible] طرفی بوده و [illegible] طرفی را [illegible] نموده است ولی حالا که حوادث تازه را پیش [illegible] ممکن است در
حدود دولتین [illegible] تصمیم هستند [illegible] طرفی [illegible] و واضح است [illegible] قشون [illegible] دول متخاصمه
[illegible] دولت [illegible] طرفی [illegible] دولت ایران [illegible] طرفی در [illegible] دولتین روس
و عثمانی [illegible] دولت روس [illegible] قشون خود را از آذربایجان
رفع [illegible] عثمانیها را [illegible] نموده [illegible] است [illegible]
در [illegible] روس [illegible] نقطه نظر دولت ایران را [illegible] دولت عثمانی مطمئن شد که [illegible]
[illegible] قشون روس از آذربایجان قشون عثمانی [illegible] اما رئیس الوزراء در جواب اظهار داشتند
که معلوم نیست دولت ایران [illegible] نخواهد بود که قشون [illegible] قشون روس [illegible] قول
داده [illegible] در صورت [illegible] ایران از قشون روس [illegible] ایران [illegible] معلوم است در [illegible] حال دولت
ایران [illegible] ممکن است [illegible] موفقیت حاصل نبود [illegible]
[illegible] دولت ایران [illegible] خود [illegible] روس [illegible]

نمره ۱

مراسله وزارت امور خارجه به سفارت روس مورخه ۱۲ ذیقعده ۱۳۳۲

در موقع که [illegible] جنگ [illegible] دول اروپا [illegible] دولت [illegible] اعلام شده [illegible] طرفی
[illegible] که ممکن است در حدود دولتی [illegible]
[illegible] دولت [illegible] لازم [illegible] دولت [illegible] در [illegible]
[illegible] دولت [illegible] قشون خود را [illegible] ایران [illegible]
[illegible] دولت [illegible] که [illegible]
[illegible] دولت [illegible]
[illegible] دولت [illegible] ایران [illegible] دولت [illegible]
[illegible] لازم [illegible]
[illegible] عثمانی [illegible] طهران [illegible] دولت [illegible] خود را [illegible]
[illegible] دولت عثمانی [illegible] ایران [illegible] خواهد نمود [illegible]
[illegible]

(محمد علی علاء السلطنه)

نمره ۲
نمره ۲

یادداشت وزارت امور خارجه بسفارت انگلیس

مورخه ۱۲ ذیقعده ۱۳۳۲

از وزارت امور خارجه دولت علیه ایران بسفارت جلیله دولت فخیمه انگلیس اشعار میشود که لوایحی را برای تحفظ حقوق
جلیله سواد آن تلگراف در ضمن بیانیه اعلیحضرت پادشاه انگلیس بتوسط آن سفارت ارسال میدارد وزیر امور خارجه نظر باطمیناناتی که مکرر
از طرف دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان نسبت بامور ایران داده شده مترصد است در موضوع مسئله بیطرفی ایران اطمینانات
دولت علیه ایران بیطرفی خود را اعلام نموده ارشاد نمائید که در این موقع ابراز خواهند کرد اولیای دولت ایران را مستحضر فرمایند

(محل مهر) وزارت امور خارجه

نمره ۳
نمره ۳

تلگراف وزارت امور خارجه بسفیر کبیر ایران

در اسلامبول مورخه ۱۲ ذیقعده ۱۳۳۲

البته مطلع هستید که عثمانیها در حدود ایران تحریک قشون نموده و تعدی به رعایای ایران نموده اند و عشایر حدود را تحریک
میکنند و در این قضیه ما اهمیت میدهیم که از این اقدامات عثمانیها امکان میدهد که حدود را نقض کنند و قشون روس بحدود ایران داخل شود حادثات
بزرگ برای ایران فراهم خواهد آورد وزارت امور خارجه از این حرکات عشایر حدود و تعرضات که در حدود اتفاق افتاده
احتمال دارد که ایران را بمخاطره بیندازد لهذا متمنی است که در حدود مملکت ما هر دو دولت از حدود ایران
که در این موقع جنگ میخواهند کاملاً بیطرفی خود را حفظ نمایند مراقبت نمایند و از آن دولت تقاضا داریم که جلوگیری کامل
دارند که اگر دولت روس قشون خود را ببرد دولت عثمانی هم حفظ بیطرفی دولت ایران را کامل خواهد کرد و اقدامات لازمه در این
نقاط بکند در این باب مذاکره شده و نتیجه آن را اطلاع بدهید در این صورت میتوان از دولت روس تقاضا نمود که
قشون خود را از حدود ایران ببرد و دولت ایران در این باب مساعدت خواهد کرد و از این طرف هم اطمینان
بدهید که مطلقاً اجازه نخواهیم داد که تجاوزی بحدود ایران بشود در این باب اقدامات لازمه را بعمل آورید
و اطمینان صریح در این باب از دولت عثمانی تحصیل کرده نتیجه را اطلاع بدهید که اگر حدود ایران محل جنگ این
دو دولت واقع شود خسارات این مملکت زیاد خواهد شد و اهتمام جدی دارید که در این باب
و باید توضیح لازمه بدهید که جلوگیری از این اتفاقات بشود اگر حکومت عثمانی از این اقدام جلوگیری نکند فوراً
باید اطلاع بدهید که حاضر است که دولت عثمانی کاملاً اطمینان داده
بشود که در صورت رفتن قشون روس دولت عثمانی هم بیطرفی ایران را رعایت نموده قشونی که در حدود است
را از حدود دور نمایند و این اطمینانی که تحصیل میکنید باید طوری باشد که قشون روس هم خارج شود
در اقدامات دولت ایران کمال مساعدت را دارد دولت ایران کمال انتظار اقدامات کافی
جنابعالی است که زودتر تلگراف فرمائید (علاء السلطنه)

نمره ۴
نمره ۴

تلگراف وزارت امور خارجه بسفارت ایران

در پطروگراد مورخه ۱۵ ذیقعده ۱۳۳۲

نظر بورود قشون روس از طرف آذربایجان بحدود عثمانی و ورود قشون عثمانی بحدود و تحریکات عشایر در حدود و بعضی
و بعضی زد و خوردها که خبر آن در حدود واقع شده و احتمال اتفاقات بین قشون دولتین بر خاک ایران دولت علیه با سفارت
عثمانی و سفارت روس در این باب مذاکرات شده و اولیای دولت ایران را در حفظ بیطرفی خود مراقبت
حدود خاطرنشان کرد و سفیر کبیر عثمانی اظهار میدارد که دولت عثمانی رعایت بیطرفی دولت ایران را کاملاً خواهد کرد

دلیل معلوم است با اینکه قشون روس در خاک ایران است اظهار بی‌طرفی ایران بی‌نتیجه خواهد بود و حال اینکه اظهار بی‌طرفی ایران و حفظ بی
طرفی از مصالح دولت روس و انگلیس که در جنگ داخل هستند [illegible] با این قشون روس و عثمانی در خاک ایران هر
[illegible] از طرف روسها [illegible] شده و [illegible] آن که [illegible] قشون خودشان است [illegible] در این
باب با مراسله رسمی از سفارت روس احضار قشون خودشان را خواهشمندم (۱)

سفارت روس این مطلب را [illegible] خود [illegible] خواهد کرد [illegible] نقطه نظر دولت [illegible] که اگر در آذربایجان
بین قشون روس [illegible] دولت روس [illegible] آن [illegible] ایران
از توضیح مستغنی است [illegible] روسها [illegible] لازم است [illegible] خود
را از حدود دور نمایند [illegible] اینکه قشون روس در ایران اقامت دارد [illegible] دولت [illegible] آمده
[illegible] قشون [illegible] اقدامات [illegible] مطلع
شده‌ایم [illegible] اقدامات [illegible] هستیم (علاءالسلطنه)

نمره (۵)
نمره ۵

مراسله سفارت روس به وزارت امور خارجه

مورخه ۱۴ ذیقعده ۱۳۳۲

در جواب مراسله [illegible] مورخه ۱۲ شهر حال نمره ۳۱۶۷
زحمت افزا شده [illegible] دستور [illegible] اولیای دولت امپراطوری [illegible] قشون
روس را از آذربایجان [illegible] ممکن نیست زیرا فقط وجود قشون [illegible] روس [illegible] را
فراهم آورد [illegible] دولت علیه ایران [illegible] ممکن الحصول نمیباشد [illegible] اولیای دولت علیه ایران
[illegible] از طرف اکراد رخ داده است [illegible] در این موقع احترامات
فائقه را [illegible] تجدید [illegible] (کرستوتس)

نمره (۶)
نمره ۶

مراسله وزارت امور خارجه به سفارت کبرای عثمانی

مورخه ۱۵ ذیقعده ۱۳۳۲

خاطر [illegible] زحمت افزا است [illegible]
دولت علیه عثمانی [illegible] (۲)
[illegible] (۳)
[illegible] (۳) [illegible] (۳) [illegible] (۳) [illegible] ایران [illegible]
[illegible]
[illegible] دولت علیه
[illegible] حدود [illegible] است

(۱) در تلگراف لندن اضافه شده ([illegible])
(۲) [illegible] در شمال غربی ارومی
(۳) از قراء سرحدی واقع در حدود غربی ارومیه

در سند از حق وجود لذ تخطیات و اهمال غیر منتظره فوق را از دست نموده تو به آن جناب مستطاب را العوقف خیمه [illegible] اوضاع
را کردها [illegible] طلب [illegible] که تاریخ و سایر [illegible] را [illegible] لازم است اعلام فرمایند که منتها درجه [illegible] و منهوبات را از آنها پس گرفته
به اهالی [illegible] رده قراء [illegible] کردستان [illegible] [illegible] دولت علیه [illegible] اراده [illegible] حضرات قرار
ندهند [illegible] مساعدت اولیای عظام [illegible] ملیه [illegible] در اتحاد و استحکام [illegible] دوستانه [illegible] بیش از پیش مستحکم گردد

(محمد علی علاء السلطنه)

نمره (۷)

نمره ۷

تلگراف وزارت امور خارجه به سفارت کبرای ایران

در اسلامبول نمره [illegible] ۱۶ ذیقعده ۱۳۳۲

از ارومیه خبر رسیده عثمانیها با کردها [illegible] ایران حمله داده [illegible] تحریک [illegible] حکومت [illegible] قراء صوماى و برادوست
[illegible] را [illegible] هجوم کرده از اوضاع حدود [illegible] [illegible] آن [illegible] داد [illegible]
[illegible] منهوبات را استرداد [illegible] دیگر [illegible]

(علاء السلطنه)

نمره (۸)

نمره ۹

تلگراف کارگزاری تبریز به وزارت امور خارجه

۱۸ ذیقعده ۱۳۳۲

تلگراف ارومی درج میشود (سه روز هم است قزاقهای روسی با دو عراده توپ برای تنبیه کردان اکراد [illegible] (مرگور) شده با کردها
مشغول جنگ بودند بعد از عودت در عقب قریه [illegible] یک قریه [illegible] شهر کرده اند میگویند اکراد شکست خورده اند [illegible]
مشغول شده اند بعضیها میگویند قزاقها [illegible] دو عراده توپ هم اکراد گرفته اند روسها دستپاچه [illegible] توپ [illegible]
اهالی [illegible] شهر [illegible] اند

(نصر الدوله)

نمره (۹)

نمره ۱۰

تلگراف تبریز به وزارت امور خارجه

۱۹ ذیقعده ۱۳۳۲

خلاصه راپورت ارومیه درج میشود (از قرار معلوم قشون روس که به قریه (مرانه) (۱)
رفته بودند مراجعت کرده میگویند که [illegible] و [illegible] غیر معلوم است [illegible] هم جنازه سه نفر را که میگویند صاحب منصب
(۲) هستند به شهر آورده اند معلوم نیست سایر مقتولین از افراد قشون (۱)
چقدر بوده [illegible] [illegible] بوده اند [illegible] معلوم میشود که [illegible] روس [illegible] هستند

(نصر الدوله)

---

(۱) جاده [illegible] ارومیه (۲) مقصود صاحب منصب روس است
(۱) مقصود قشون روس است

نمره (۱۰) تلگراف کارگزار تبریز به وزارت امور خارجه ۱۹ ذیقعده ۱۳۳۲

راپورت کارگزار خوی درج میشود [illegible] قشون [illegible] روسها و عثمانیها [illegible] دارند [illegible] اکراد [illegible]
عشایر در [illegible] صوماى و برادوست اهالی [illegible] اضطراب [illegible] خیلی [illegible]

(نصر الدوله)

نمره (۹)

نمره ۱۱

مراسله وزارت امور خارجه بسفارت روس ۱۹ ذیقعده ۱۳۳۲

دوستدارا با نهایت توقیر و احترام در تعقیب مراسله سفارت مورخه ۱۷ شهر شوال گذشته و مورخه دوم شهر حال باستحضار خاطر محترم جناب جلالت
مآب مستشار بموافق اطلاعی که میرسد [illegible] نموده در تاریخ ۸ اسپتامبر [illegible] اند [illegible] بحضور [illegible]
جزو [illegible] ([illegible]) [illegible] شده و سرقت [illegible] را که [illegible] خود تصرف کرده بوده است
بایستی آورده شده [illegible] بر ضد جنگ [illegible] بطور [illegible] خونریزی و بیرحمی رفتار کرده اند که [illegible] شده است
[illegible] جنرال قونسول [illegible] تقاضا نموده است که [illegible] را از اردوی [illegible] خاطر
[illegible] خواهند فرمود که [illegible] تکالیف [illegible] برای اولیای دولت ایران [illegible]
[illegible] با احترامات تامه خاطر محترم جناب جلالتمآب [illegible] فوق [illegible] مخصوص [illegible]
[illegible] جنرال قونسولگری [illegible] رعایا و مأمورین [illegible] از این قسم اقدامات ممنوع فرمایند [illegible]
[illegible] موجبات [illegible] فراهم [illegible] اقدامات [illegible] است

(محل مهر علاء السلطنه)

~~۱۱۴~~ ۱۱۱۵

نمره (۵)

نمره ۸

ترجمه مراسله سفارت آلمان بوزارت امور خارجه

۱۷ ذیقعده ۱۳۳۲

در قرار اطلاعی که رسیده از [illegible] نموده است جنرال قونسول روس در تبریز در روز [illegible] را با آلمانی که [illegible] خواسته است که نه تنها از عمال

شرکت آلمانی موسوم (دوچ پرزیش ترپیش اکتیس گزل شافت) را توقیف نموده اظهار با روسیه اعزام دارد و عمال مزبوره را

با حال [illegible] بطور [illegible] اثر که بر ضد [illegible] اظهارات [illegible] دولت [illegible] سفارتخانه مزبوره را در روز صبح توقیف نموده

در صورتیکه جنرال قونسول روس توقیف آنها را از [illegible] آلمان خواسته است [illegible] را [illegible] که [illegible]

از سفارتخانه فوق [illegible] آلمانی [illegible] که [illegible] روس [illegible] فوراً توقیف و به روسیه اعزام کرده [illegible]

که [illegible] از سفارتخانه آلمانی [illegible] روس [illegible] برای [illegible] که [illegible]

و جنرال [illegible] که [illegible] سفارتخانه آلمانی در [illegible] (که [illegible] در سفارتخانه مزبوره [illegible] شده در

[illegible] سفارتخانه محترم شده) که [illegible] جنرال [illegible] که [illegible]

سفارتخانه آلمانی [illegible] از اقدام جنرال قونسول روس که [illegible] اقدامات دیگر [illegible] حقوق سلطنت ایران [illegible]

[illegible] سفارتخانه مزبوره [illegible] از طرف عمال [illegible] روس [illegible] واقع [illegible]

[illegible] را [illegible] ایران [illegible] روس [illegible]

[illegible] شده [illegible] -

[illegible] آلمان [illegible] صادر [illegible] که [illegible] برای حفظ [illegible] مزبوره [illegible]

[illegible] لازم است [illegible] صادر کرده که عمال سفارتخانه آلمانی را که [illegible] ساخته [illegible] سازد

(ورق کار دارد)

نمره ۱۲
نمره (۱۱)

راپورت تلگرافی تبریز ۱۲ ذیقعده ۱۳۳۲

الان از ارومی راپورت رسیده که بعد از ورود و خروج دو کشتی (۱ نهر) نظامیان روس نعش یکنفر از مقتولین عشایر را از اسکله های
دریوزی شهر آورده اند که علامت صاحب منصب نظامی عثمانی داشته بعضی سپاه و مکتوبات از نعش او در آورده اند در قونسولگری و حکومت
معاینه و [illegible] تشخیص [illegible] شده [illegible] عشایر [illegible] ارتباط [illegible] مقتول [illegible] هنوز از تعقیب نظامیان
[illegible] صحیح رسیده است (حنیفع)

نمره ۱۳
نمره (۱۲)

راپورت تلگرافی ارومیه ۱۲ ذیقعده ۱۳۳۲

امروز صبح صدای توپ شنیده شد معلوم است قشون روس دسته عشایر را [illegible] ملاقات کرده اند [illegible] کرده اند در روز
عصر [illegible] (۲) [illegible] در [illegible]
[illegible] منتقل نموده اند
(حنیفع)

نمره (۱۳)
نمره ۱۵

تلگراف کارگذار تبریز بوزارت امور خارجه
وصول ۲۲ ذیقعده ۱۳۳۲

راپورت ارومی را درج مینماید (از قصبه ترگاور شیخ برزان (۳) [illegible] عثمانی [illegible]
[illegible] عشایر [illegible] جمع کرده بحدود ارومی [illegible]
(نصر الدوله)

نمره (۱۴)
نمره ۱۶

تلگراف کارگذار ارومی بوزارت خارجه
وصول ۲۲ ذیقعده ۱۳۳۲

[illegible] شیخ عبدالقادر [illegible] حکومت ضبط است
[illegible] حضرت سلطان عثمانی [illegible] شیخ عبدالقادر [illegible]
[illegible] (مرگور) (۴) [illegible]
[illegible] سلطانی [illegible] (معتمد الوزاره)

---

(۲) قریه ای از محال برادوست
(۳) از رؤسای عشایر سرحدی
(۴) ترگور و مرگور دو محال است واقع در جنوب غربی ارومیه

نمره ۱۵

تلگراف کارگذار تبریز بوزارت امور خارجه
۲۲ ذیقعده ۱۳۳۲

بموجب راپورت ارومی در دو جا [illegible] قشون روس [illegible] وارد [illegible] ارومیه که در
عرض راه سلماس واقع است شده [illegible] زده اند
(نصر الدوله)

۱۱۱۸

۱۲)

نمره (۱۲)

نمره ۱۴

تلگراف به سفارت لندن وزارت امور خارجه

۲۱ ذیقعده ۱۳۳۲

درباب رجعت قشون روس مراتب لازمه را مکرر تذکر داده اولیای دولت علیه قوه و قشون مرا زد بمجرد تخلیه قشون روس از آذربایجان
مشغول شوند حواله شد اول باید ایجاد قوه کرد بعد تخلیه آذربایجان را خواست اظهار داشته حالیه سفارت روس شده تمیز قبح نموده بما
تجربه گذشته ملتفت بر که رفتار روسها در دولت عثمانی بهتر از روس است آیا به برادر مکاری عثمانی دولت بطرفی شود عثمانی از که با نیز اظهار دولت
خارجه ثابت حال برای تقویت مراتب لازم است شده بود که اولیای دولت در تهیه قوه برای حفظ سرحد و زمینه بالیه چه طرح عمل اتخاذ کرده اند

(مهدی)

نمره (۱۶)
نمره ۱۷

[illegible] تلگراف آقای [illegible] از [illegible]

۲۳ ذیقعده ۱۳۳۲

آقای [illegible] تلگراف امروز از حکومت ارومی [illegible] اطلاع خاطر مبارک [illegible] عرض [illegible] سردار در [illegible] که در [illegible] جنگ بود
امروز [illegible] اینها جنازه [illegible] عثمانی نموده که [illegible] آورده در حضور [illegible] حکومتی و [illegible]
از [illegible] اسلام اینها را [illegible] از [illegible] و [illegible] که از [illegible] اینها [illegible] معلوم میشود [illegible] دو [illegible]
داشته [illegible] عبدالله و دیگری [illegible] نموده [illegible] عثمانی همراه داشته [illegible] صورت [illegible]
و [illegible] اینها [illegible] جنازه [illegible] عثمانی رسیده در جنگگاه [illegible] کرده [illegible]
که [illegible] وارد [illegible] از [illegible] توقف است که در [illegible] آقای قونسول به حکومت [illegible] اظهار
داشته حکم رسیده از [illegible] شهبندری و اتباع عثمانی که در اینجا جمع شده از جمع سلاح [illegible]
[illegible] شهبندر [illegible] نمایند که سلاح خود را به حکومت تحویل بدهند [illegible] اینها [illegible] بعهده [illegible]
در صورتیکه [illegible] شهبندری که [illegible] از طرف [illegible] جمع سلاح خواهند شد [illegible]
به شهبندر [illegible] در صورتیکه [illegible] نمایند [illegible] ساقط و در صورت [illegible]
[illegible] بعهده [illegible] است (اعتضاد الدوله [illegible])
[illegible] به عرض [illegible]

نمره (۱۷)
نمره ۱۸

تلگراف وزارت خارجه به جناب ایالت [illegible] آذربایجان

۲۵ ذیقعده ۱۳۳۲

برطبق تلگراف حکومت ارومیه [illegible] قونسول روس در ارومیه به حکومت اظهار داشته است
که [illegible] شهبندر و اتباع عثمانی جمع سلاح [illegible] فوراً به حکومت ارومیه [illegible] جمع سلاح شهبندری و اتباع شهبندر
[illegible] اتباع عثمانی [illegible] سلاح است [illegible] شهبندر اظهار [illegible]
[illegible] سلاح اینها از طرف شهبندری [illegible] حکومت [illegible] مقصود [illegible] جمع [illegible] تابع [illegible]
[illegible] شهبندری [illegible] که [illegible] است [illegible] از طرف حکومت [illegible] دستور العمل
[illegible] اتباع عثمانی [illegible] که [illegible] عثمانی [illegible]
[illegible] شهبندری [illegible] داده شده است
[illegible] منظور [illegible] تلگراف [illegible] (علاء السلطنه)

نمره (۱۸)
نمره ۱۹

رقعه وزارت امور خارجه به سفارت روس

۱۵ اکتبر ۱۹۱۴ ۲۵ ذیقعده ۱۳۳۲

بموجب تلگرافی که از ارومیه [illegible] رئیس الوزراء رسیده [illegible] قونسول روس (ودنسکی) در ارومیه به حکومت [illegible] اظهار
داشته است که از شهبندر و اتباع عثمانی جمع سلاح نمایند [illegible] در [illegible] به حکومت [illegible] نموده است که در صورت
[illegible] روس [illegible] عمل خواهد نمود [illegible] لازم دانستم که فوراً [illegible] را با اطلاع خاطر [illegible] که
فوراً [illegible] تلگرافی [illegible] در ارومیه [illegible] که از [illegible] احترام [illegible] شهبندر و [illegible] قونسول خارجه مقیم در
مملکت [illegible] خودداری نماید

و دستورالعمل‌ها و تعلیمات لازمه به مأمورین محل داده‌ام که از بروز هر نوع حوادثی که ممکن است اوضاع درهم حالیه را تلخ‌تر سازد
جلوگیری نمایند در صورتی هم که از اتباع عثمانی کسی مسلح شده باشد واضح است که حکومت محل باید با موافقت شهبندر به تحقیق سلاح آنها اقدام نماید
اما در باب خود شهبندر و جابرزاده خیال بر تصدیق خواهند فرمود که اقدام ویس قونسول روس راجع به تحویل او لکار بر خلاف خواهد بود و تبیین
پس اطلاع بوده تعدی به موقع بی‌طرفی ایران را خیلی مشکل‌تر مینماید دولتین را که موجد آن خواهد بود ما احتراز از آن بوده‌ایم ثبت شده
تولید مشکلات عمده تا به حال بیست احترامات قانون بین‌الملل را مرعی فرمایند (محرمعلی)

نمره (۱۹)
نمره ۲۰

مراسله جناب آقای رئیس الوزرا و وزیر امور خارجه به دارالمختار روس

مورخه ۲۶ ذیقعده ۱۳۳۲

اگرچه دولت ایران خیلی بر تأسف است که در جواب اظهارات راجع به بیرون بردن قشون روس از خاک ایران که صلاح
دولتین و بهترین وسیله برای حفظ بی‌طرفی کامل ایران در شروع جنگ بود آن جناب از طرف دولت متبوعه اظهار شده که اولیای
دولت روس فعلاً بیرون بردن قشون را صلاح نمیدانند ولی مجدداً اظهارات سابق را در این باب تأکید مینمایم که با حضور
قشون در دو جبهه ایران عموماً و آذربایجان خصوصاً حفظ بی‌طرفی که منظور اولیای دولت ایران است بعید مانده و
یا وقایعی که همه روزه در حدود دو عرض اتفاق می‌افتد محل ملاحظه است که مشکلات عمده در راه خاتمه جنگ برای
ایران تولید خواهد شد اوضاع حدودی که اخیراً از دسکوت لر کرده بود یا چندی است کم کم مغشوش و اکراد به هیجان
آمده و تجهیزات عثمانی در جوار حدود مسلم است که روز بروز بر ساز است جلو فرو رفته مداخلات قشون روس در لشکر
لیس از آنها ممکن است باعث تولید ادعائی شود که احتراز از آن بهر نحو که ممکن باشد در صرفه و صلاح دولتین روس و ایران
است اولیای دولت ایران برای حفظ بی‌طرفی خود و تکلیف اهالی در آذربایجان در این موقع که جنگ بین روس و عثمانی
محقق الوقوع است مخصوص برای اینکه آذربایجان میدان جنگ واقع نشده اهالی از طرفین دچار خسارات جنگ نشوند
عده وسیعی که در نظر دارند اعزام و الحضرت اقدس همایونی به تبریز است و دولت مصمم است که با سرعت وسایل حرکت
اردوی معهود را فراهم سازد و مخارج آن در خود آذربایجان برای تهیه و وضع اسباب آن تا به حال نقش است که حضور
حضرت معهود در آذربایجان اثرات نیک در اذهان نموده جلوگیری از خیلی مفاسد و غیر مترقبه خواهد نمود و جناب
جنابعالی نیز برای احتراز از بروز این مواقع در حدود ایران و عثمانی لازم است دولت متبوعه را متوجه فرمایید که زودتر اقدام کرد.

(در این مجلس جوابرا به موکول به مذاکره شفاهی با ایشان جواب از ایشان نمودند)

راجع به اقدام ویس قونسول ارومیه در بردن شرحی آقای وزیر امور خارجه به جنابعالی نوشته‌اند در باب آن مخصوصاً جلب توجه شما را
نموده لازم است که در این موقع باریک طوری رفتار نشود که بهانه برای شکایت و دخالت نظامی بدست دولت عثمانی داده شود
خواهش دارم به ویس قونسول ارومیه تعلیمات لازمه بدهید که از اقدامات غیر قانونی احتراز نموده موقع بی‌طرفی ایران را مشکل‌تر نکنند

نمره (۲۰)
نمره ۲۱

تلگراف وزارت امور خارجه به سفارت کبری اسلامبول

۲۶ ذیقعده ۱۳۳۲

موافق اطلاعات واصله عثمانیها سه روز است که سرحدات ایران را قشون‌کشی کرده ... بدتر از آن حدود قشون جمع کرده مقصد
حدود در جنگ سردم شاهی نقطه عثمانی در جوار عشایر و اکراد ایران مهدی‌طالش ملاقات واصله عساکر ... اکراد متفق
عده از ... عشایر ایران را وادار به تعدیات نموده چندی مصادمه باردیها در اطراف ارومیه شده علائم حدود تازه
نصب شده بعضی نقاط منهدم و ملایات حدودی از آن تاکنون در خطر است (مخبر علاءالسلطنه)

نمره (۲۱) راپورت کارگزار آذربایجان بوزارت امور خارجه

نمره ۲۲

۲۶ ذیقعده ۱۳۳۲

راجع به تحریکات و اقدامات متنفذین حدود عثمانی راپورت میدهد بطوریکه سابقاً عرض کرده از قرار اطلاعاتی که اخیراً
از کارگزاری رسیده محمد فاضل پاشا که از سرکردگان متنفذین دولت عثمانی در حدود است باره اقدامات دکاندار نموده است
در تحریک و تهییج عشایر بر علیه ... و یک فقره از کاغذهای مومی الیه بدست آورده لفاً سواد آن تقدیم داشت (محسن)

ضمیمه راپورت فوق کاغذ محمد فاضل پاشا

جناب شیخ سلطان والدولتین جلال اکرم حاکم بانه آقای محمد خان دام عمره
معلوم عالی است که فرنگستان و اهل اروپا بهمه مرتب فرصت هستند که تجاوز بر دین مبین اسلام و خلافت مقدسه را اقدام
کرده اند ولی حالا بر سر ایشان را خداوند عالم تبارک و تعالی در جنگ عمومی میان خودشان داده تا علیه عالم اسلام از این
فرصت عظمی باشی بی خبر داده باید کرد و اهم عموم ملل اسلام با عموم مخصصات مهیا شدن برای نابودی اهل جنابعالی
سلطان که الحمد لله جایز مقام رفیع که تمام اقوام اسلامیه آورا عظیم خواهند حدیات سیما هر دولت دین خود
نمودن ممکن و سهل است پس از آنجا که حمیت مسلم جناب سرکار عالی در حقه تهیه و دیانت بجنگ و
دنیا و آخرت را آماده جوانمردی شدن منتظر آن ما دیده مهیا باشید اگر هر چه حال بودن در جهت است و ایرانی
در اینجا با حاجی بوده وقت کردن با هر دلو و ساطت نوشته ... معلومات دادن مطلوب منتظر است باقی دوام ملکی
سرکار ۲۳ رمضان ۱۳۳۲ (میر پنج فریق داغستانی محمد فاضل)

نمره (۲۲) مراسله سفارت روس بوزارت امور خارجه

نمره ۲۳

۲۸ ذیقعده ۱۳۳۲

در سه دو ماه قبل نوشتجات و اسامی چهار نفر نظامی سلطان جناب سلطنت اشرف عالی را از راه ... ارض روس نو نسل گردن
امپراطوری در ارومیه رسیده است که مشخص میدارد که در زمان عقب نشینی اکراد در قریه (جار باش) قرب ارومیه بعضی
نعش عسکر عثمانی با لباس رسمی پیدا شده که سه نفر آنها دارای نشان عثمانی بودند که ذیلاً شرح داده میشود

(۱) عمر چرکز زکریا اوغلی عسکر طابور ۷ بلوک ۳ اردوی چهارم ولایت بطلیس قاز ۱ هلد طون
در نزد آن نعش کوه عثمانی و بلیط نظامی و تفنگ ها نزد در جعبه کار رفته و دلیل آنکال در کا سپرده تک باکس
اسم نعوان چرکز بحری افندی صاحب منصب نهم بلوک سرحدی در محل قره کلیسه ولایات ارضروم پیدا شده

(۲) عبدالله جاوش چرکز زکریا اوغلی عسکر طابور اول بلوک سیم اردوی چهارم در ولایت بطلیس قاز
۱ هلد طون تذکره عثمانی و بلیط نظامی و تفنگ ها نزد او بوده در فوق صورت اسامی دوازده عسکر که زیر دست او
بودند و صورت مهمات تفنگ خود را داشته دارای ... او دو رشته نوار کار و فشنگ که بر ارتش آن ایرانیه شده است

(۳) ناشم صاحب منصب بیش از ادهالی شده است قانون نظامی عثمانی ذیقعده و مراسله ... مع حسن عسکر
که از عبدالحمید برادر حسن که در جنگ کشته شده سفارش نموده است

چهار نفر عسکر دیگر هیچ نوشته و سندی بر نهند بر دو نکا همچنین که در این باب نوشته شد بسفارت کارگزار از محل جرات عمله ایران
و ملا دستجات کردها طبقات اهالی ارومیه رسیده است و شهادت داده اند در این احضار نمودم و بس قونسول امپراطوری
در اینجا اظهار تشکر نموده است در این موقع احترامات فائقه را تجدید مینماید

(کروستوتس)

نمره (۲۲/۲۲)

نمره ۲۴

مراسله سفارت روس بوزارت امور خارجه

مورخه ۲۸ ذیقعده ۱۳۳۲

از قراریکه بسفارت اعلیحضرت امپراطوری بطور غیر رسمی اطلاع رسیده است عثمانیها هفت و چهار نفر صاحب منصب برای تعلیم و لوازم عساکر ایران از طریق خلیج بایران فرستاده و دیگر سید مهدی نفر دیگر هم صاحب منصب لذا با طول و چند عراده توپ و با تسلیم مترجم همسند که بدینسبب لهذا امر سندارا بنهایت توقیر و احترام از جناب مستطاب اشرف عالی خواهشمند است از صحت و سقم این فقره بزودی دوستدار را مستحضر فرمایند در این موقع احترامات فائقه را تجدید مینماید

(کرستوتس)

اول

نمره ۲۳

۱۱۲۴

مراسله وزارت امور خارجه به سفارت روس غره

نمره ۲۵

ذیحجه ۱۳۳۲

در جواب مراسله محترمه سفارت جلالتمآب [illegible] استظهاری مورخه ۲۸ ذیقعده ۱۳۳۲ راجع به طلبات [illegible] رسمی
ذکر شده به سفارت متبوعه رسیده راجع به اقدام عده [illegible] از طرف دولت علیه عثمانی به ایران و همچنین فرستادن [illegible]
[illegible] جواب [illegible] که این مطالب [illegible] صحیح [illegible] دوستدار فقط
[illegible] اطلاعات واقعه را تجدید می‌نماید

(مهر علاء السلطنه)

نمره ۲۶

مراسله وزارت امور خارجه به سفارت روس [illegible] ذیحجه

۱۳۳۲

دوستدار با [illegible] [illegible] در [illegible] مراسله خود مورخه ۱۹ شهر ذیقعده [illegible] مراتب [illegible] دوستدار رسیده
[illegible] جنرال قونسولگری [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] اتباع ایران هستند [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] محترم [illegible] جنرال قونسول [illegible] ۱۷
شوال و ۳ شهر ذیقعده [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] اتباع [illegible] [illegible]
[illegible] داده [illegible] [illegible] دوستدار [illegible] [illegible]

(مهر علاء السلطنه)

نمره ۲۷

مراسله سفارت کبرای عثمانی به وزارت امور خارجه

۳ ذیحجه ۱۳۳۲

[illegible] [illegible] وزارت [illegible] [illegible] دیگران [illegible] حقوق [illegible] اتباع [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] سفارت کبری رسیده
[illegible] [illegible] حقوق اتباع [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] عثمانی [illegible] [illegible] [illegible] اطلاع
[illegible] دولت علیه ایران [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] دیگران [illegible] حقوق [illegible] اتباع [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] عثمانی [illegible] اتباع [illegible]
[illegible] دوستدار [illegible] [illegible] احترامات فائقه را تجدید می‌نماید

(عاصم)

نمره (۲۳)
نمره ۲۸

تلگراف وزارت خارجه به سفارت کبرای ایران

در اسلامبول چهارم ذیحجه ۱۳۳۲

رؤسای عشایر عثمانی جداً در حدود مشغول تحریکات عثمانیها شیخ برزن را که جداً از ایران محسوب است عبور از تحریک
سال عشایر فرستاده شده عبدالله خان و ابراهیم بیگ و حاجی بابا خان در رقابه نور اوات سکونت برای اطراف
عشایر منگور بیریم در (موانه) و اطراف ارومیه پس رؤسا و اکراد حکم ... شده و جوات
با روسیه رسماً سرحد ارومیه با قراولات روسیه فرستاده شده محرک عشایر ایران رفتن عساکر و ... عشایر و سرحدهای
عثمانی مخالف حسن همجواری با سفارت عثمانی مراتب را که خطر تعالی الطور تعقیب نماید

(محرمانه علاءالسلطنه)

نمره (۲۴)
نمره ۳۲

تلگراف کارگزار مشهد به وزارت امور خارجه

ششم ذیحجه ۱۳۳۲

دیشب که شب ششم ذیحجه بود ساعت ... از شب گذشته سی نفر سالدات روس وارد سبزوار شده هفت نفر شهرت ... شده چند زخم
سنگ و قرابین ... آورده قرار کرده از خود هفت نفر هم از نفر ... و سلاب ... دو لوله قنداره ... و تعمیرهای او
... را از ایران ... تحقیقات ... در نتیجه معلوم شد
... و آن مجروح ... قراولات ... خطوط ... زنده نخواهد ... از آن
او ... در مشهد ... محتشم ... آنها ... احضار ... کرده ...
در موضوع از اتفاق سالداتها ... خراب ... قراولات ... در ... ایشان
اظهار نمایند

(معززالدوله)

نمره (۲۵)
نمره ۳۳

تلگراف وزارت امور خارجه به سفارت ایران در لندن

مورخه ۷ ذیحجه ۱۳۳۲

چنانکه مستحضرید دولت ایران ... یک قوه ... در آذربایجان قراهم ... تصمیم نمود که ... حضرت ... سفیر ... در ... انقلابات
اهتمام دارد که نفوذ ... حضرت ... در آنجا ... اکراد ... ولی ... عشایر ... چون ... تمام ... در این
... جواب ... دولت ... از نوع جنگ ... نموده ... مقصود
دولت ... که ... دست ... آذربایجان را که صلاح ایران ... قراهم ... تمام
... با بانک ... ایران ... مخصوص ... که لازم است ... قراهم کند
که تصمیم دولت ... حاضر خواهیم

(محرمانه علاءالسلطنه)

نمره (۲۶)
نمره ۳۴

تلگراف وزارت خارجه به سفیر کبیر ایران در اسلامبول

مورخه ۷ ذیحجه ۱۳۳۲

جنگ در قرب ارومیه ... اکراد در ... (۱) (قره‌سلماس) با اسمعیل آقا ... زد و خورد در جنگ قریه
(...) ... شده که سی نفر از ... عثمانی ... سرحد ... اکراد
سردار اکراد ... سلطان عثمانی و ... شیخ عبدالقادر ... دولت عثمانی ... شیخ ... اکراد
... اکراد ... ارومیه ... و ... —

(۱) از قره‌سلماس

بقیه در صفحه یازده است

نمره ۲۴ اول

نمره ۲۹

مراسله وزارت امور خارجه به سفارت کبرای عثمانی

مورخه پنجم ذیحجه ۱۳۳۲

دوستدار عطف به مراسله خود مورخه غره ذیقعده ۱۳۳۲ راجع به وقوع شرارتهای جدید در حدود ارومیه و انقلاباتی که به واسطه حرکات رؤسای
عشایر اطراف در آن نواحی حادث شده است زحمت می‌دهد که مدتی است مراتب اخبار تلگرافی مأمورین ایران در باب عشایر [illegible] مشغول
غارت و تحریکات هستند و شیخ بارزان که [illegible] طرف [illegible] مأمورین [illegible] شده بار دیگر [illegible] بوده [illegible]
نمودار شده و در حوالی و اطراف ارومیه [illegible] شده است که [illegible] حول و حوش [illegible] غارت گردیده و اهالی
آن دهات مضطر به شهر ارومیه ریخته‌اند لهذا دوستدار [illegible] ممالک عثمانی [illegible] عواقب وخیم این اوضاع را به آن
سفارت و دولت متبوعه خود خاطرنشان و تقاضای [illegible] نموده که حرکات عشایر [illegible]
ولکن [illegible] مراقب [illegible] اقدامات [illegible] احوال [illegible] نمایند که
موجبات [illegible] در آن نقاط [illegible] حوادث [illegible] گردد

(محل امضای علاءالسلطنه)

نمره ۲۴ دوم

نمره ۳۰

مراسله سفارت کبرای عثمانی به وزارت امور خارجه

پنجم ذیحجه ۱۳۳۲

مراسله محترمه جناب مستطاب اشرف مورخه پنجم ذیحجه ۱۳۳۲ دائر به وقایع متأسفانه ارومیه که از راپورت تلگرافی مأمورین معلوم
الحال است در وقوع آن حوادث با کمال تأسف تحریکات مأمورین حدود [illegible] عثمانیه [illegible] نموده بودند و [illegible] حقیقت [illegible]
[illegible] حکومت [illegible] سال [illegible] مأمورین [illegible] از
[illegible] اولیای عظام [illegible] صحت نموده [illegible] مورخه
سوم و چهارم ذیحجه [illegible] علاوه بر آن [illegible] مأمورین [illegible]
که به واسطه [illegible] گردیده [illegible] اولیای عظام [illegible] نموده [illegible] سمیتقو
[illegible] عشیرت [illegible] رئیس عشیرت [illegible] رئیس
عشیرت [illegible] عشیرت [illegible] مشغول [illegible]
[illegible] عشایر عثمانی [illegible] آیا [illegible] سمیتقو [illegible] داده [illegible]
[illegible] تمام [illegible] قبایل [illegible] چراغ [illegible]
[illegible] گردیده است تحریک [illegible] مأمورین حدودیه عثمانی [illegible] بارزان [illegible]
که [illegible] عثمانی [illegible] مأمورین [illegible] حدودیه [illegible] عثمانی [illegible]
[illegible] نموده [illegible] انتقام [illegible] نموده [illegible]
هجوم برده [illegible] ارومیه [illegible]
سمیتقو [illegible]
[illegible] عشایر [illegible] حقوق [illegible] تحریکات [illegible] مشغول [illegible]
[illegible] تحریکات عشایر [illegible] مأمورین حدودیه عثمانی نموده [illegible] نقطه که
آتش فتنه [illegible] ظلم [illegible] ایران [illegible]
[illegible] عشایر [illegible] حدود [illegible] اخیر [illegible] اعتراض [illegible] است

که وجود سمیتقو و عونه اش سمبود آقا در سرحد و حامی بستن اعتماد اهر دله و بنا بر مقتضی آسایش و امنیت سرحد بیست سال گذشته که در مرکز
و ترکستان و دولت [illegible] سنانهای بر بیاره باعث انقطاع نورش و فقدان سرحدی گردید الوقت [illegible] ارکان سلاح و سنگ گرفته و صرافا
معدنیه الحمش ارکان تحصیل [illegible] و سنگ گرفته در چند سال است که بعادت اکراد [illegible] سمیتقو و عونه اش را الآن هنوز در حوالی [illegible] گذشته
از اینکه هیچ ثمری [illegible] گردیده رعایا از اطراف امداد دولت عثمانیه ملتفت نشده سالها در پیش عساکر [illegible] گردیده آیا با این تفصیل [illegible] لشکر تحریکات
و عدم موفقیت رعایا و [illegible] امور به حدود دولت عثمانی داده ؟ آیا در عوض این نیست که [illegible] از حجم [illegible] مملکت نظر دقت
اولیاء عظام دولت علیه را [illegible] و حرکات با مأمورین محرکه [illegible] سمیتقو و عونه اش حال امنیت [illegible]
دا [illegible] نبوده است و با [illegible] و عدم [illegible] حقوق دولتی ؟ آیا اولیاء فخام دولت علیه [illegible] نمی نمایند
که از این [illegible] که به تکرار [illegible] داخل حدود دولت عثمانی وارد آمده به حرکات [illegible] و حوادث
مطالبه [illegible] عثمانی [illegible] درجه [illegible] سعادت از [illegible] نموده است تمام این [illegible] فقط از نقطه
حسن جامعه و حفظ مساعدات [illegible] بجوار [illegible] از این [illegible] که [illegible] و اتباع و حقوق عثمانیان
وارد آمد [illegible] که اولیای عظام
دولت ایران [illegible] اظهارات [illegible] از این طول کلام که [illegible] تسلیم [illegible] را
که مأمورین [illegible] عثمانی داده و در مسئله [illegible] فوق [illegible] آن [illegible] اخطار [illegible]
در [illegible] مسئله جواب مورخه ۳ و ۴ ذیحجه ۱۳۳۲ را [illegible] آن [illegible] اکرام [illegible] الصورت
[illegible] منتظر [illegible] اقدامات فائقه را [illegible]
(عاصم)

نمره ۳۱۱

سواد مراسله وزارت امور خارجه به سفارت کبرای عثمانی

سیم ذیحجه ۱۳۳۲

در جواب [illegible] مورخه ۳ ذیحجه ۱۳۳۲ دایر بحفظ منافع اتباع [illegible] و طرفین [illegible]
با کمال احترام [illegible] که [illegible] منافع رعایا [illegible] و طرفین [illegible]
[illegible] حکومت [illegible] که [illegible] بوده [illegible]
از طرف [illegible] محافظه منافع رعایای [illegible] عثمانی [illegible]
[illegible] فوق [illegible] صادر گردید [illegible]
فائقه [illegible] میدارد
(محرم علاء السلطنه)

ادل
۲۵

نمره ۳۵۰

مراسله وزارت امور خارجه بسفارت انگلیس مورخه

هفتم ذیحجه ۱۳۳۲

دولت علیه ایران با کمال احترام خاطر اولیای دولت فخیمه انگلیس را مستحضر میدارد که قریب یکماه است که شعله جنگ در اروپا مشتعل است و تجارت ایران
با ممالک خارجه دچار بحران عظیمی شده و این بحران باعث تنقیص عایدات گمرکی آن گردیده است و از قرار معلوم چون جنگ اروپا باین زودی
رفع نشود بیم آن میرود که وضع گمرکات ایران روز بروز بدتر شود و منشاء نگرانی اولیای امور اینست که [illegible]
ماه بعد از ختم جنگ هم حالت مساعد اولیه برنگردد و در این صورت ممکن بلکه محتمل نزدیک بیقین است که کسر عایدات گمرکی که نتیجه
حتمی این جنگ است دولت علیه را مأخوذ از ادای اقساط قرض خود که عایدات از آن محل عاید است که تضمین آن عایدات گمرکی جنوب
داده شده است باز دارد و در ممالکی که در حال جنگ هستند مهلت نامه برای ادای قروض صادر و در بعضی بالخصوص اتخاذ کرده که حتی المقدور
از ورشکست دوائر که بواسطه وقوع جنگ مورد مخاطره گردیده اند جلوگیری نمایند چون دولت ایران متقنا در این جنگ هرگونه
ندارد ولی چار شده است که با ضعیفی که ایران دارد دچار نتایج وخیمه آن گردیده و یک شکست غیر منصور بتمام عمده عایدات
آن وارد خواهد آمد

لهذا دولت علیه ایران از دولت فخیمه انگلیس تمنا دارد که این وضع را در تحت نظر کامل در آورده و ملاحظه کند که آیا
ممکن است در این یکسال یعنی تا ماه اکتبر ۱۹۱۵ دولت علیه ایران تأدیه اقساط قرض و معامله که با بانک دولت فخیمه انگلیس نموده است
و در مجموع آن اقساط ماهی تا مبلغ ده هزار لیره است موقوف و در این یکسال منظور کلیه عایدات گمرک جنوب را
بدولت علیه واگذارند تا مقتدر دولت علیه ایران رجاء واثق دارد بخصوص اینکه مساعدات شایان با [illegible] بحران منصوص سابق
برگردد و عایدات گمرکی روی ترقی گذارد و بهیچوجه مجبور نشود که تأدیه اقساط را از بابت ترتیب و مهلت که بیش از یکسال
تأخیر اندازد دولت علیه ایران امیدوار است که این خواهش او را دولت فخیمه انگلیس حسن تلقی فرموده و جمیع عایدات را
باختیار او خواهد گذارد و تنها متوقع است که دولت علیه ایران خاطر بعضی نقاط از دولت فخیمه انگلیس و روس را بوضع
سخت و ناگوار کنونی خزانه دولت ایران که از ابتدای [illegible] با یک بحران سخت در هفته است متوجه
ندارد و سبب این وضع ناگوار تنها مخارج فوق العاده است که از چهار سال قبل با مطرف کردن بواسطه طغیان و شورش های
ایلات مملکت دچار گردیده این نقصان شود نه تنها مخارج گزاف برای دولت شد بلکه بواسطه عایدات
نواحی عمده و کلیه محصول تا چند سنه در حالت [illegible] بواسطه بزرگی بوصول مالیات واجب از این محل
دارد [illegible] بوصول بیش از [illegible] ممکن شد دولت علیه ایران مطمئن است که از نظر دولتین
بهیتین انگلیس و روس هیچ نکته برای تصویب صحت آنچه که ذکر شده نبوده و تصدیق خواهند فرمود که دولت علیه هم در
در اتخاذ وسایل لازمه برای اصلاح این وضع فروگذار ننموده است و جمیع دولت علیه ایران [illegible] از عهده
اصلاح آن بر آید امیدواری کامل بکمک و معاونت دولتین بهیتین انگلیس و روس که در هر گونه مواقع مساعدت نموده اند دارند
و تمنی ملتمس که باتفاق یکدیگر سعی بکنند بلکه دولت علیه ایران که تصور میکند برای احتیاجات خزانه که حاصل نتایج
شیوع اکنون نبوده کافی نبوده بر ما [illegible] باشد که رفع احتیاجات در این مملکت را نمایند بلکه بتواند در آتیه وضع خود را تحکیم نموده
و اقدامات را که در نظر است بطمأنینه بنماید با اوضاع اقتصادی مملکت بحال طبیعی خود عودت نماید

(مهر علاءالسلطنه)

نمره ۲ / ۲۵

نمره ۳۶

مراسله وزارت امور خارجه به سفارت روس مورخه

هفتم ذیحجه ۱۳۳۲

دولت علیه ایران بخاطر اولیای دولت بهیه امپراطوری روس را مستحضر میدارد که بواسطه حادثه جنگ که اکنون در اروپا برپاست تجارت
ایران با ممالک روسیه و سایر ممالک خارجه ارتباطات [illegible] درجه سخت و دشواری را طی میکند بطوریکه عایدات گمرکات شمالی
محروسه دچار تنزل و شکسته گردیده است و این وضع ناگوار تا مدتیکه حضرت جنگ در این است [illegible] در تزاید خواهد بود [illegible] آن درجه
که مشکلات اقتصادی بمقام عادی و اوائل خود را تا چند ماه بعد از انقضای حادثه جنگ احراز نماید در اینصورت محتمل بلکه قریب
به یقین است که با نقصان عایدات گمرکات شمالی که از نتایج ناگزیر اوضاع حالیه است پس از وضع مخارج جاری [illegible] که حواله
گمرکات شمالی است از قبیل [illegible] و [illegible] اعلیحضرت محمد علی میرزا شاه سابق و غیره با دادن اقساط قروضی که به دولت
امپراطوری روس باید پرداخته شود کفایت نخواهد نمود در ممالک متحده [illegible] وضع در قرار داده شده است که مهلتی
موقتی از دولت بلژیک و دوایر مالیه که دچار بحران [illegible] بواسطه نتایج [illegible] تا آنکه دولت علیه ایران مستقیماً اتصال
و دخالتی در جنگ ندارد ولیکن نظر بوضعیات مخصوصه که دارد از انقضای عایدات منظوره عاجله عایدات اساسی مالیه خود سخت دچار
مشکلات غیر منتظره از آن گردیده است لهذا دولت علیه ایران از دولت بهیه امپراطوری روس خواهشمند است که وضع کنونی را از جهت
مداقه عمیقه آورده با یک نظر لطف آمیز ملاحظه فرمایند اگر ممکن بود از اول [illegible] آینده اقساط قرض طلا در سنه ۱۹۰۰
و سنه ۱۹۰۲ را که اقساط آن در ده ماه هر ماه (۱۴۰۰۰۰) منات و در دو ماه هر ماه (۱۳۵۰۹۷) [19]
واقع است [illegible] تعهدات سفارت آن [illegible] بتعویق انداخته [illegible] عایدات گمرکی شمالی را
باختیار دولت علیه ایران واگذار فرمایند دولت علیه ایران [illegible] دارد [illegible] بحران معمولی سابق
برگردد عایدات گمرکی رو به تزاید گذارده [illegible] اقساط را [illegible] استهلاک [illegible] تأخیر [illegible] از دولت
علیه ایران [illegible] دولت بهیه امپراطوری روس [illegible] گردیده [illegible] عایدات را [illegible] و
نیز منظور آن است که دولت علیه ایران [illegible] روس و انگلیس را توضیح [illegible]
دولت ایران که [illegible] با یک بحران سخت در حال [illegible]
[illegible] که [illegible] مملکت [illegible]
[illegible] دولت [illegible] بواسطه عبارت [illegible] جدیده [illegible]
رفته [illegible] موقعیت [illegible] شد
دولت علیه ایران مطمئن است که [illegible] روس و انگلیس [illegible] صدق و صحت [illegible] ذکر شد [illegible]
[illegible] که دولت علیه [illegible] اصلاح [illegible] دولت علیه ایران [illegible]
[illegible] اصلاح آن [illegible] روس و انگلیس [illegible]
[illegible] دولت علیه ایران [illegible]
که [illegible]
خود را مستحکم نموده و [illegible] اوضاع اقتصادی مملکت [illegible] خود [illegible]

(مهر علاءالسلطنه)

برات (۲) آورده روسها شش نفر از اکراد را مصلوب و توپ عسکر عثمانی را که همراه آن دستگیر کرده بودند به دسته در سلماس دار
میخواهند بفرستند اردوی و اتباع عثمانی را خلع سلاح نمایند هرگاه مقصود دولت امپراطوری از دخول روس برای تنبیه اکراد به اردوی رفته اند
تعرضات عثمانی موجب بر اینکه رسمی حمایت منافع اتباع و اطرافش را در آذربایجان بعهده گرفته در موقع تعرضات اردوی عثمانی را
با ایران مرجعه کرده از جواب بر دولت بهیه چون که از اینجا تعرضات با امورهای عثمانی داده برای محافظت منافع اتباع و اطرافش حفظ شهرهای
اردوی او ابراز اراده بمرتبه صادر شده حرکت منظور از امارات بسیج حضرت عالی است (محرم علاء السلطنه)

نمره ۳۷
نمره (۲۷)

مراسله به سفارت روس مورخه پنجم ذیحجه ۱۳۳۲

از قرار خبری که در شب پنجم ذیحجه سه ساعت از شب گذشته سه نفر سالدات اندرخت که در مشهد وارد منزل [illegible] شعبه آنجا شده
تصرف قوای دست جب [illegible] از مقطوع و جمهور خطرناک دست آورده از طریکه حیات تصرف [illegible]
در عوض خطر است و صاحبش فرار کرده از این حرکات و امارات بیرون به لطائل اندرخت که مخالف اصول و قانون و موجب
تأسف است در مشهد ارتکاب از این حرکات و اصول دولت العلیه حکایت خواهند است با تلطف توجه کرده و سابقه
در مشهد از برای جلوگیری از این قبیل تعرضات تمامات منقضه اظهار داده بنگاه صادر فرمایند که مرتکبین امور مخصوص
و اتباع خارجه مخصوص جانب این حرکت را تحریم نموده با توجه به این امر با حکم تنبیهات نمایند با اینکه تعرضات جلوگیری شده دفعه با لوکاری
نتیجه تنبیه و امارات فائقه منتظم میدارد (علاء السلطنه)

نمره ۳۸
نمره (۲۸)

تلگراف به سفارت لطفعلی [illegible] مورخه ۸ ذیحجه ۱۳۳۲

موارد اظهاراتی که در اطراف بحال روس رضد اتباع عثمانی و اطرافش شده بعد قضه در اردو مرده نفر را با تحقیق که در جریان از دهه قرار
در اردو با قصد خانه را غارت و امورات و برای تنبیه نفر از اردوی را تسلیح کرده اتباع عثمانی بشهر شده و خانواده اسرا مخصوص ارد و بله
انها با تلگراف خانه منقطع و پس قونسول شهر جمیع اسلحه را اخطار نموده و گفته که در صورت موقف چند خواهد شد این رفتار با امورهای روس
با امارات بد نموده و مناظرات عظیمه را نزدیک میکند و از طرف دیگر در شهر سر و با [illegible] دکاکین را غارت و مجلس در شهر نفر
سالدات نموده منزل شعبه آنجا رفته با اداره رحمت مهلک او زده و بنش را قطع نموده موقف نموده است سابقا هم در اردو
نسبت به قونسول آنجا و اتباع دکاکین را غارت نموده که تعرض نمود هر اگر او در مختار شده نتیجه حمله بر او مخصوص خطار تلگرام به قنسول الطان
روس تقدیم مناظرات عظیمه را نزدیک میکند که بالاخره رفع آن بی نهایت مشکل خواهد بود با وزیر خارجه جنگ هرگاه خاطر
نشان نمائید که تکرار این حرکات سبب حرکت قوای بیاده و تقوت عموم خواهد شد احکام مؤکد در ترک این رفتار صادر نمائید
(علاء السلطنه)

(۲) از قرار عثمانی در حدود سلماس جبلد قتل

نمره (۲۹)

نمره ۳۹

مراسله وزارت امور خارجه به سفارت روس نمره ...

هفتم ذیحجه ۱۳۳۲

با نهایت احترام به استحضار خاطر محترم می‌رساند از قرار تلگرافی که خبر رسیده است در اراضی و اطراف آن ده نفر از اهالی دهات حول
و حوش داگرادور انتقال اند نیت به سر ارادت چهار ارده قریه و غیره و تحقیقات شده است و نیز از ده دیگر از سیصد نفر از قرار اهالی از آنجا
را که سابقه خصوصیت اظهار عشایر به خاطر محترم نوشته شده است هیچ دخالتی در این واسطه نداشته است از کلیه نسبت به حدود و اهالی کردیه و دلیل اقدامات
ذوق نموده در طوایف عشایر برای اخبارات با مطلوب تحشیه حدود نفی طرفات عظیمه را بر دیگر نشان داد از این که وظیفه اولیای
دولت متبوعه جنرال سردار حفاظت می‌نمایند اهالی دیگر نیز مساعدت می‌کند با بر خلاف تحقیقات مأمورین اند نیست به از
این دولت علیه نسبت به تعقیب دعاوی و تهدیدات ایران اعتراض نموده صدا داده است جو تمدید اخبارات فوق الذکر را مواقع مقتضیه
اظهار داده بر ... در ... صادر فرمایند با اقدامات اولیای دولت متبوعه جنرال سردار در این ده است دیگر نیز هیجان عشایر
در نکته حدود به نتیجه مطلوبی منتج گردد ترجیح زحمت نموده احترامات فائقه را تکرار می‌نماید (محل امضاء علاء السلطنه)

نمره (۳۰)

نمره ۴۰

مراسله وزارت امور خارجه به سفارت کبری عثمانی

سلخ ذیحجه ۱۳۳۲

راجع به توقیفات عشایر ... وقایع ... حدودی با نهایت احترام زحمت افزا است که اگر دولت علیه سفارت کبری
که منظور اختلاف و منازعات دو دولت اقدام می‌نمایند توجهات خود عطف عنان اراده ... عشایر دلتان درباره
سرحدات ذی نفوذ اند دولت علیه را به سطح نظر قرار داده مشهور خاطر ... تصدیق ... خواهد شد که اقدامات ... دفاعی
آنان ... عهد ... اما ... حدودی دو ... آذر بایجان کرده ... تصدیق ... مشغول ...
خلاف ... که با اقدامات ... سرحد ... حدودی ... شده ...
شده تصدیق ... که پس از ... عشایر ... دولت علیه ... که اولیای دولت متبوعه جنرال سردار به
تعقیب ... احترام ... نظامی ... آذربایجان ...
احترام قرارداد حدودی ... عشایر خصوص ... دولت علیه ...
ایران ... اخبارات ... تصریح ...
اخیره اردوی که به اطلاع خاطر محترم عالی رسیده است در قریه (چهاربخش) اردوی کمیسیون ... تعقیب عساکر عثمانی
با لباس رسمی واقف شد که ... عثمانی بوده ... عسکری ... اند

(۱) ... عسکر ... سیم ... چهارم ...
که ... عثمانی ... نظامی ... عسکری ...
...

(۲) ... عسکر ... سیم ... چهارم ... که
... عثمانی ... نظامی ...
...

(۳) ... عسکر ... که ...
...
... .

و نیز توضیح بدهید به موجب چه طور کاغذ سید طه پسر شیخ عبدالقادر و شیخ جلال الدین پسر شیخ جلال که از اشخاص با نفوذ عثمانیه هستند در بین
عشایر حدودی ایران نوشته و عین آنها در وزارت امور خارجه موجود است از آن طرف در تحریک عشایر این طرف و مداخله در ضایع
حدودی دولت ایران هیچ قسم فروگذار نمی‌نمایند و از ها شیار مذهب و دو خارجه تقویه (رایات) آورده و چندی در قشلاق هم چند
بار آورده بودند
از دیگر طرف عثمانیها هم که رسیده و حالا دیگر مدتی است آقا محمد فاضل پاشا و شیخ عبدالقادر در سرای ساوجبلاغ و در میان عشایر اند تبلیغ مشغول
لکن و نفوذ رؤسای عشایر حدود را بر حرکت علیه انگلیس و روسها مهلت داده و با خود هم خیال و متفق کنند و سرکرده در باره طرف دیگر است
ملاحظه شده و خبر رسیده که اگر این حال دوام کند و در حدود جنگی بشود تمام آذربایجان در آتش جنگ افتاده و مسئولیت وارد
بهترین صورت طرفین آن وقت خواهد بود حالت جنگی دولت و با وجود هم از اثر تحریکات رؤسای عشایر و لشکر اندک
عثمانی نیز دخالت برای دولت ایران دور خواهد بود و ضرر تصور ظهور آن را قطع نمی‌نماید از دو طرف و
لشکریان او و محمد آقا برادر حمزه بیک سیوف حکاری خطر اینکه مسئول شده و دو سید از کار قرار گرفته‌ام که مستقر شهدا و
اشخاص فوق الذکر بوده نسبت کرده و با احتمال اتفاق تصدیق بدهید به موجب که بر قوم فرموده اند تعهده دولت ایران دارد
است و تعهده مشمول این ضمانت خواهد بود در حال حاضر سید از جانب دولت عثمانی خود را از سلک ممدوح سلطان العثمانی
که اساس آن جنگ نیز دولت هم آتش را فرض کنید و فایده هیچ است اینها سریع و با صلاح مأمورین در طرفین تماس
وجوه کسی از تحریکات رؤسای عشایر و در کار لشکر طرف بوده باشد تا نشانی است دولت ایران در نتیجه شدن حفظ
آذربایجان از فنون حیثیت محض نتیجه نبود و ضابطه که منشأ بروز آن شد در حدود قوه دولت ایران بوده است کاملاً
استقرار بیطرفی را برای نتیجه خیرات فائقه ممنون خواهد
(علاء السلطنه)

نمره (۳۱) یادداشت سفارت آلمان به وزارت امور خارجه
نمره ۴۱
دهم ذیحجه ۱۳۳۲

سفارت امپراطوری آلمان از خبری که روزنامه رعد شماره ۱۰ اعلام داده خبر فوق العاده داده با تعجب زیاد نهایت مخصوصاً حاصل
نمود موافق خبر مذکور که از طرف اولیای دولت علیه تکذیب نشده معلوم می‌شود ما که از سرحد مرکزی ایشان سفارت آلمان منتظر
بعد آن است چون محض اطلاع موثق از دولت ایران برای سفارت امپراطوری خالی از اشکال است از جناب اشرف تمنا نمود
توسط تلگراف دوری و حضوری از اولیای دولت ایران در خصوص تحقیقات کاملاً فرموده در صورت صحت اطلاعات سریعاً مرحمت نمائید
که هر آن دولت دولت فرانسه مدتی بر ایشان نموده و بحث ترجیح ممانعت را در باره تجار و علاوه نیز حتما نیز از تحقیق مسئله جواب آن
از سفارت امپراطوری روس سفیر طهران سئوال بود آیا در سفارت علی‌حده سربازان روس در یک محلی بیطرف دولت محقق بود
هر دفعه ترک مسئله بر خود رد شده یا خیر با نماینده است که سفارت امپراطوری منتظر دارد در جواب اقدامات ضد
دارند است که در حفظ بیطرفی آلمان نیست و دولت ایران معمول نشود اگاه و منحصر گردد ایام توکیل و احترامات سند را بیاد
(سفارت آلمان)

نمره (۳۲) تلگراف وزارت خارجه به کارگزاری همدان
نمره ۴۲
دهم ذیحجه ۱۳۳۲

در موقع فقط اموال و سرکارت مسیو اسقمان در همدان مخالف بیطرفی نمود که چه از دولت ایران هم دستور تعیین بدهید و لازم است که
اموال و دارائی سفارت را تا اطلاع ثانی تلگرافخانه حکومت و کارگزاری هر سه محل مهر و محفوظ نمایند و دستور تعیین داده شود
(علاء السلطنه)

پیرو [illegible] ۳۲

۱۱۳۳

نمره

نمره ۴۳۵

مراسله سفارت روس بوزارت جلیله خارجه مورخه

یازدهم ذیحجه ۱۳۳۲

دوستدار با نهایت تأسف و احترام در جواب مراسله محترمه جناب مستطاب اشرف عالی مورخه نهم شهر حال راجع بحقوق استیفای [illegible] خاطر عالی
طلبه سابقه و [illegible] شرح صدر [illegible] مساعده رحمت افزا شده خاطر مودت مظاهر را مستحضر میدارد که سفارت را اطلاع داد
بوزارت جلیله امور خارجه دولت علیه حضرت امپراطوری اطلاع داد و هر وقت که جواب برسید از اینجا خاطر محترم جناب
مستطاب اشرف عالی را قرین استحضار خواهد داشت در اینموقع احترامات فائقه را تجدید مینماید

(کروستوتس)

۲۴

نمره (۳۳)

نمره ۴۴

کاغذ کارگزاری کل آذربایجان بوزارت خارجه

۱۲ ذیحجه ۱۳۳۲

شرح ذیل از کارگزاری ارومی رسیده برای اطلاع تقدیم میشود (حسن)

ضمیمه راپرت فوق راپرت کارگزاری ارومی لفافه کارگزاری کل آذربایجان (۲۳ ذیقعده ۱۳۳۲)

از قرار تحقیقات صحیح رجعت عشایر اکراد سرحدی ظاهراً این است که عده زیادی قشون روس در بخش ... تا سلماس حرکت نموده بعد از ورود قشون در نزدیکی ارومی بنقطه از قشون از طرف صوبلاغ ... و ساير دهات ترگور حرکت کرده و بعد هم عازم ارومی شده قشون که بطرف سواره رفته بود همه در آنجا شده از این جهت اکراد در کنار شهر مشغول دعوا بودند و در د قشون روس را سواره سوق شده جمعی جهت و وضعیت کفه از تعرض خود بر اسیر ... از این طرف هم قشون رفته از قریه (اینی) (۱) که متعلق است بکرکش حان نخجوان لشکر میباشند دعوا شده با قشون روس نموده جمعی از اکراد مقتول و گرفتار شده سایرین شکست خورده بحالت عقب نشینی فرار کرده لذا از این رو روس مراجعت نموده و بقریه بهر آمده جمعی را هم در سواره بعنوان گلوله؟ حالا خود نزدیک ... بمحل ... است و چند نفر اسیر که ... اکراد هستند با شهر آورده اند

(سعدالوزاره)

نمره ۴۵

نمره (۳۴)

مراسله وزارت امور خارجه بسفارت روس مورخه ۱۲ ذیحجه ۱۳۳۲

در تعقیب مراسله مورخه ۱۲ ذیقعده ۱۳۳۲ راجع به تصمیم اولیای دولت متبوعه دوستدار در بی‌طرفی در جنگ اروپا اتخاذ و سابق ابلاغ شده است و در جواب مراسله محترمه آنجناب جلالتمآب مورخه ۱۰ ذیقعده راجع بعدم امکان خروج قشون دولت بهیه روسیه خاطر نشان آنجناب جلالتمآب میسازد که چون از ابتدا دولت متبوعه دوستدار همیشه عهد کرده دولت بهیه روسیه منتظر بود که در صلح و ... روس و ایران ... عهود دولت علیه جاری شود اولیای دولت دوستدار از عدم موفقیت ... روسیه را ... خروج قشون ... حال ... قشون دولت بهیه را ... لازم است ... آنجناب جلالتمآب ... که ... در خاک ایران ... دولت علیه ... آذربایجان ... دولت علیه ... قشون دولت بهیه روسیه ... جلالتمآب ... که دولت متبوعه دوستدار ... جنگ اروپا در حدود ایران ... ولی چون ... اولیای دولت دوستدار ... اولیای دولت بهیه تصدیق خواهند فرمود ... اولیای دولت علیه ... اولیای دولت بهیه ... خواهند بود اما در باب ... اکراد ... اکراد ... آنجناب جلالتمآب ... که اولیای دولت متبوعه دوستدار ... که در ... خود منظور داشته اند ... بود که از ... نتیجه ... راجع ... بود

(محمدعلی علاءالسلطنه) (۱)

---

(۱) زرقراو؟ ترگور محال ارومیه است

(۱) مضمون این مراسله برای اطلاع وزرای مختار ایران در لندن و پطرزبورغ و اسلامبول مخابره شد

نمره (۳۵)

نمره ۴۶

راپورت کارگزاری به وزارت خارجه

سوم ذیحجه ۱۳۳۲ داخله ۱۲ ذیحجه

سه فقره راپورت کتباً و تلگرافاً از کارگزاری ارومیه رسیده و سواد صورت تحقیقاتی که راجع بان دو جنازه نوشته شده فرستاده بود سواد آنها را
لفاً تقدیم داشت (محسن نصرالدوله)

ضمیمه راپورت فوق — راپورت تلگرافی کارگزاری ارومیه ۲۳ ذیقعده ۱۳۳۲
بعد از رجعت اکراد جنازه دو نفر از اکراد در محل دعوا پیدا شده که لباس نظامی عثمانی داشته اند و دستکشها که نزد آنها یافت شد که نشان نظامی
عثمانی است در بر آنها اوراق و سه‌ای نوره معلوم شده اسم یکی عبدالله دیگری عمر از روس دارای یطلیس ... و ... داشته دارای سوال
اوراق معلوم میشود حالت نظامی خود را تمام کرده اند در صورت مسئول سواد اوراق مزبوره را لفاً تقدیم می‌شود لکن شبه برد نهاد در آن
مأموریت عثمانی را تسلیم کرده ... در قونسول بحکومت ... اظهار کرده است حکومت ارومی در اینجا از طرف دولت عالیه است به شهبندر
اطلاع بدهید از کسان خودتان که در شهبندری جمع کرده سلب اسلحه کرده لوسینه در حکومت توقیف نمود اکنون اراضی حکومت دیار از
... شهبندر اسلحه به شهبندری اعاده نمود والا قونسول روس خود فراهم آورده اسلحه را جمع ... نفره ... توجه شده در صورت
... شهبندر و اقدام قونسول روس ... فیصل شرح جواب در اینجا ... تصدیع ... راپورت فراهم خواهد شد
(سعدالوزاره)

ضمیمه راپورت کارگزاری — راپورت کارگزاری ارومیه مورخه ۲۳ ذیقعده ۱۳۳۲
اظهارات قونسول روس را توسط تخلیه اسلحه از کسان شهبندر اطلاع داده حکومت جلیله هم معتاد این مطلب عرض نموده که این
مطلب را توسط کارگزاری به شهبندر اطلاع بدهم و آقای شهبندر ملاقات و مطلب را ابلاغ کرده جواباً مسموع ... از قونسول روس
التماس دارم محافظه شهبندر و اتباع عثمانی از وظایف حکومت محلیه میباشد لزوم دارد که شهبندر ... بدهید و ملاحظه که
حد رسمی دولت عثمانی است در حکم خاک عثمانی بوده و کسی که مأمور ... است هم متوهم در داخل شهبندری ... فراقات بکلی خالیه در اینجا
بیست نفر تفنگچی دارم ... شهبندری بوده ... هر گاه ... محض ... از بقیه ... دلیل
... تا که مسلح ... جواب خواهم ... هر گاه بخواهند ... خارج از ... شهبندری ... را
در خاک عثمانی در حق ما ... ایران در ... خواهند نمود ... ثبت ... بحکومت جلیله عرض کرد
(سعدالوزاره)

ضمیمه راپورت کارگزاری ... راپورت کارگزاری ارومیه مورخه ۲۳ ذیقعده ۱۳۳۲
تفصیل پیدا شدن جنازه دو نفر عثمانی را از کوه ... که متصل شهر است ... دعوا بود اطلاع داد برای تحقیق ... احوال
... از قونسولگری دو نفر ... و ... چند نفر دیگر را ... نموده و اوراقی که نزد جنازه ها بود ملاحظه کرده و صورت مجلس نوشته اند
سوادی از صورت مجلس بحکومت فرستاده بود ... از حکومت جلیله گرفته لفاً تقدیم نمود از ملاحظه آن ... که از قبل
اینها سواد ... شد ... در قونسولخانه برده اند (سعدالوزاره)

صورت مجلس ضمیمه راپورت فوق

تاریخ روز پنجشنبه ۲۳ ذیقعده الحرام ۱۳۳۲ مطابق ۳۰ سپتامبر ... نزدیک کلیسای نصرانی که در ... کوه
واقع است پس از ... جنگ با اکراد جنازه پیدا شده بشهر آورده در ... که ... نموده کاغذها در بر داشتند
آنها که بحضور جنابان جلیل ... قونسول دولت بهیه روس ... (اندریوسکی) ... جنابان آقای حاجی میرزا ... آقا و
جناب ... الاسلام و جناب ... حاضر ... حکومت جلیله ... (...) و حاجی ... آقا
و میرزا ابراهیم و (... عدیشر) ... کاغذها ... شد (... ثبت ... ثبت عثمانی) —

اسم چرکس زرگر اوغنا عمر ۱۲۹۵ ملت اسلام ثابت اوته (متوسط) جسیم آلی سیاه یاری (زرد) دلدب لطیس (پاسپورت) دیگر باسم چرکس زرگر اوغنا عبدالله ملت اسلام ۱۲۹۷ - ۱۲۲۸ نمره پاسپورت ۱۲۲۱ -
۸ شیجی تابور اوچ منجی بولوکده عبدالله زرگر اونیجی تابور اوچونجی بولوک دوردنجی اوردوده پس از آن نزد کی
پیدا شد یک قوطی فشنگ نمره ۲۰ یک عدد فشنگ دانه پس از آن یک نان باز خط قرمز دیش عدد بولک پس از آن
یک حلقه یک سیب سفید بود که سوار بوده است پس از آن یک تکه پس از آن یک تکه فشنگ سیج تسمه در توی آن یک فشنگ
خالی بود پس از آن یک پاکت با پول (ارض اردم و لدب حلیه شده ورقه کلیه شده) پس از آن یک صورت با مهر راج
هیئت با مات حدث پس از آن چند طغرا کاغذ بخط با طبیع آقای محترم بمیه لیسار دکافه جات در فوق کمر محرم ۶ در ذیر خود ثبت
تاریخ فوق ۱۳۳۲ صحیح است قونسول روس - قنسه عیدتر - سر ابندر یوسک الکویک - امیر قبار
بارون کرکور - رضی جان جهدان - ناصر الدسلام - حاجی سیر فتحعلی

نمره (۲۰۶) رانورت کارگزاری آذربایجان بر ترجمه ۳ ذیحجه ضمیمه
نمره ۴۷

در ۱۲ ذیحجه ۱۳۳۲

رانورت کارگزاری ارومی راجع بحمله جلو لقافه هم شد (حسن نصر الدوله)

رانورت کارگزاری ارومی ضمیمه رانورت فوق ۲۳ قعده ۱۳۳۲

اهالی سواد ولعضی ازدهات ترگور که جلو مسیحی ارند است تخلیه شده در دعوای اخیر سواحل اکراد بهار اجابه و چند نفر ازاین در دم مقتول کرده
دلیفه قرار داد شهر آمده بود دز ازینجا که جلو عموماً مردمان رشید شده روسها با پنها از تفنگهای دیگه لو داده در وقوع هجوم اکراد بشهر پیش جنگ
قونسول روس دار قرار اظهار حکومت جلیه قرب سی نفر هم در این دعوا از جلو تا کشته شده است عداد از عشایر اکراد ساعت برلود با عنوان
که از قریه ها لو به نقاط شلیک نموده و با اکراد شلیک داده اند به اتو دقریه کنجیس که هر دو تیش بیت مسیحی شدند نجوم برده چند خانه را -
تاراج نموده و چند نفر را مقتول کرده اند (سفهدی اظهار میدارد که هم لیر دو بارجه ده را تاراج نموده و پنجاه نفر هم مقتول کرده اند
ولی تا بحال این فقره را تصدیق نمیکنند) از آنجا که این شیوه تولید عداوت مذهبی کرده و چند روزات را به فراهم میکرد حاکم با حکومت جلیه
ملاقات و مطالب اسرار اظهار شان نمود فوراً از طرف حکومت دو نوکری قراق معین شد که جلو را ممانعت نماید در این خصوص
سفهدی با حکومت هم سنگیه نموده زیرا از قرار مرکور در قراء ترگور دو دسته خانوار از اتباع مسیحه عثمانی و چهار نفر از ایران یا از اتباع عثمانی
سکونت دارند (معتمد الوزاره)

نمره (۳۷) فرمان همایونی راجع به بیطرفی دولت ایران
نمره ۴۸

۱۲ ذیحجه ۱۳۳۲

نظر باینکه در این اوقات بدبختانه بین دول اروپ نایره جنگ مشتعل است و ملکت ما با دول متحاربه متحد دوستی ثابت دارد
و نظر باینکه روابط وداد به اتحاد الله با دول متخاصمه برقرار است برای اینکه عموم اهالی از عواقب بعضی ها در حفظ دوستی ار دولتخواه
نسبت بدول متحاربه مطلع باشند امر و مقرر میفرمائیم که جناب مستطاب اجل اکرم افخم اکرم مهین دستور اعظم ممدوح الممالک رئیس
الوزرا دو وزیر خارجه فرمان ملوکانه را انتشار داده ایالات و حکام و مأمورین دولت ابلاغ دارند که دولت ما در این موقع مسلک بیطرفی را اتخاذ
و روابط دوستانه خود را با دول متخاصمه کماکان حفظ و حمایت مینماید و بدین لحاظ مأمورین دولت را با مر خود مأمور نمایند که بنا بر وقایع
الوجوه و جدا کلک بیطرفی و صداقت هریک از دول متحاصمه مراعات و از پیچ آن ذات چنین برای نیز از طرفین بذاکره
و حاصل کنند و باید از ظاهر از کدام از دول متحاربه زیر جبر از عموم ده مسلک بیطرفی دولت متبوعه خود را کاملاً رعایت نمایند

و در یکمدت حفظ بیطرفی و صیانت روابط حسنه با انگلیس دولت با مصلحت دانسته در خصوص رسید در جواب سفارت انگلیس که
شرف صدور خواهد یافت

نمره (۳۸) تلگراف مستحضر الملک وزارت امور خارجه به مأمورین سیاسی ایران

نمره ۴۹

۱۲ ذیحجه ۱۳۳۲

در این موقع جنگ اروپا دولت ایران بیطرفی کامل را تصمیم نموده چون حالیه دایره جنگ وسیع ممکن است خاک ایران را نیز فرا گیرد لهذا بیطرفی رسماً در تاریخ اول نوامبر به موجب فرمان همایونی اعلان گردید حالیه مأمورین دول هم تصمیم را اعلان ... اطلاع داده که دولت نقض ننمایند برای اینکه خاک ایران در ابتدا میدان جنگ واقع نشود دولت ایران که از مطالبات متنازعه که ابتدا یا نهایتاً در طرف مقصود است بشنید دولت ... بذل مساعی جمیله خود را دریغ ننمایند (مخبر علی علاء السلطنه)

نمره (۳۹) تلگراف نایب الایاله آذربایجان به وزارت داخله

نمره ۵۰

نمره ۱۲ ذیحجه ۱۳۳۲

در فقره تلگراف جناب اجل ... حکم از دسته بقیه عسکر عثمانی از خط سرحدی سمت چهریق و ... (۱) سمت خاک ایران عبور کرده با قشون روس که بالا ... طرف بوده زد و خورد کرده چند نفر از طرفین مقتول شده سرحدات تا ... علاوه بر این در صورتیکه دولت علیه ایران بیطرف است از تجاوز عسکر عثمانی به ... خاک ایران ... آذربایجان را میدان جنگ قرار داده نفع آذربایجان پامال خواهد شد ۱۱ ذیحجه - تقی

نمره (۴۰) مستحضر الملک وزارت امور خارجه به سفارتخانه های دول متحابه

نمره ۵۱

مقیمین دربار ایران ۱۳ ذیحجه ۱۳۳۲

از ابتدای جنگ عظیم اروپا که منتهی به ... دولت اعلیحضرت شاهنشاهی عملاً بیطرفی خود را محفوظ داشته و در صدد بر بود که بیطرفی خود را عموم دول رسماً اعلان نماید در این موقع که حوادث ناگوار جنگ روز به روز منتشر و در دول دیگر را که از اول داخل میدان جنگ نبوده نیز شریک مشاجره ممکن است ... آنها حدود دولت علیه ایران گشته بود لهذا خود را مجبور دیده اگرچه با کمال توقیر و احترام برای فرمان اعلیحضرت همایونی شاهنشاهی حفظ امکنه و خطوطی را که دارای بیطرفی دولت ایران نسبت به جنگ ... از اروپا محصور گاه جنگ که منظور است در سرحدات ایران دایم بود صادر گردیده ... ارسال مرحمت ... که ... فرمان همایونی را با طبع دولت متبوعه ... ابلاغ ... و دستور را معمول فرمایند ... از ... جلالتمآب ... اطمینان دارد که برای رعایت بیطرفی ... از وقوع جنگ در خاک ایران ... دولت متبوعه خود مساعی جمیله بکار برده ... را ... اولیاء دولت ... بیطرفی خاک و اهالی ایران را از بلاها و شدائدی که ممکن است از وقوع جنگ ... در ... مملکت ایران ... جاری گردد مصون فرمایند (مخبر علی علاء السلطنه)

نمره ۵۲

نمره (۴۱) تلگراف کارگزاری تبریز به وزارت خارجه نمره ۱۳ ذیحجه ۱۳۳۲

تلگراف ساوجبلاغ ... چند روز قبل ... بلاد ... اطراف ساوجبلاغ ... و اگر ... ساوجبلاغ ... اظهار داشته است که بعد از این ... خواهد کرد

---

(۱) دو نقطه در حدود ارومیه

تقصیر دفاع صرف با نشانی فرقی هم باشد هزار نفر از اعداد حرکت کرده امیر ارکوک هم [illegible] (درایت) خواهد آمد ازاد [illegible]
مرگور و ترگور و بلاد بصحرای دسترسی را اهمال خواهند کرد تمام هم حرکت باشند پس جنگ عساکر عثمانی خواهند نمود یک شب در [illegible]
توقف کرده شب [illegible] دیجه یا [illegible] تهران را [illegible] ساخته به (سوه) (۱) اگر امیر شعار بلاد محرابه رجعت
نموده معلوم نیست امیر ارکوک هم [illegible] که با سرحد دو فرسنگ است آمده باشد (حشمت الدوله)

نمره (۴۲) تلگراف وزارت خارجه به سفارت اسلامبول

نمره ۵۳

مورخه ۱۳ ذیحجه ۱۳۳۲

تلگرافی از ایالت آذربایجان رسیده که از قرار تلگراف حاکم ارومی بعده عساکر عثمانی از خط سرحدی سمت جری و بیدکار از سرحد
ایران عبور کرده با قشون روس که با اکراد طرف بوده اند جنگ کرده چند نفر از طرفین مقتول شدند از نقض بیطرفی با [illegible]
از روی کمال جدیت ملاحظات بنمائید درصورتیکه دولت علیه ایران بیطرف است حدود آذربایجان را میدان جنگ قرار ندهند
(علاء السلطنه)

نمره ۵۴

نمره (۴۳) مراسله به سفارت کبرای عثمانی مورخه ۱۳ ذیحجه

سفارتخانه خاطر محترم دوستدار به سفارت [illegible] مستحضر میدارد که بموافق چند تلگراف واصله از آذربایجان عده عساکر [illegible] از خط سرحدی
(جری و بیدکار) [illegible] خاک دولت علیه ایران داخل شده و بعضی اقدامات نموده اند [illegible] بتعجب است که با [illegible]
قرارداد حدود [illegible] که [illegible] حدود [illegible] و [illegible] آن [illegible] حکومت [illegible] موارد [illegible]
[illegible]
[illegible]
خاک دولت [illegible] [illegible] [illegible]
(علاء السلطنه)

نمره ۵۵

نمره (۴۴) مذاکرات حضرت [illegible] آقای رئیس الوزرا

با جناب وزیر مختار روس در روز [illegible] ۱۳ ذیحجه ۱۳۳۲ [illegible] بعد از ظهر

جناب وزیر مختار اظهار نمودند از [illegible] رسیده است [illegible] ایران اطلاع [illegible] [illegible]
[illegible] جنگ [illegible] [illegible] ولی [illegible] جنگ
دولت روس مجبور [illegible] حفظ قفقاز در حدود آذربایجان [illegible] عملیات نظامی اقدام خواهد کرد ولی [illegible] دولت روس قصدی
[illegible] دولت ایران [illegible] [illegible] آذربایجان [illegible] دولت ایران [illegible] اقدامات
[illegible] [illegible] اطلاع [illegible] دولت ایران [illegible] [illegible] نشده
[illegible] دولت ایران [illegible]

حضرت [illegible] رئیس الوزرا [illegible] جواب دادند [illegible] [illegible] [illegible] اظهار [illegible] در [illegible]
[illegible] آذربایجان میدان جنگ [illegible] [illegible] [illegible] خواهند نمود
[illegible] [illegible] [illegible] در این خصوص [illegible] کرده ام
[illegible] [illegible] اقدامات [illegible] سفارت [illegible] تصور کرده بودم.

(۱) [illegible] است در جواب [illegible]

که این اقدام بر طبق اساس بی‌طرفی که اعلان نموده و به همین جهت مامور بودیم دیگر جای این [illegible] نبود ولی باز از این موضوع استفاده کرده اظهارات بلیغه
حضور آنجناب دیگر بدین جواب می‌نگارم که حمایت اینطور که اظهار [illegible] در قبال ملاحظه کرد و به اصفهان [illegible] است خراسان و دو مامور
اولیای امور دوستانه را باشد که بنویسد که در اقدام در جهت قشون روس [illegible] آذربایجان [illegible] از [illegible]
حفظ نمایند بدولت ایران ثابت نمایند و به اطراف اولیای دولت [illegible] برای حصول [illegible] از قدم [illegible]
اقدامات سابق اقدامات قویه بعمل خواهد آمد

جناب وزیر مختار [illegible] بر حسب سفارش [illegible] خواهم کرد که [illegible] اطلاع کردم
روس [illegible] که [illegible] آذربایجان [illegible] جنگ واقع [illegible]
[illegible] ملاحظه کرد و [illegible] مسئله [illegible] مطالب [illegible]
جناب وزیر مختار [illegible] سفارت [illegible] وزارت خارجه [illegible] اطلاع کرده [illegible] وزارت خارجه [illegible]
حضرت اشرف رئیس الوزرا [illegible] اقدام وزیر مختار [illegible] که [illegible] جمع شده [illegible]
[illegible] وزیر مختار [illegible] روس [illegible] کرده [illegible]
نمایند که [illegible] دولتین حالت بی‌طرفانه داری برداشته نشود (۱)

نمره (۵۴) مراسله وزارت امور خارجه به سفارت روس

نمره ۵۶

مورخه ۱۳ ذیحجه ۱۳۳۲

مراسله محترمه جنابعالی راجع [illegible] در مشهد [illegible] احترام [illegible] اظهار [illegible]
[illegible] دولت علیه [illegible] حفظ [illegible] اتباع [illegible] حقوق
[illegible] اتباع [illegible] ملاحظات [illegible] در
[illegible] مشهد [illegible] روس [illegible] آمده [illegible]
[illegible] روس [illegible] شده [illegible]
اموال [illegible] مشهد [illegible] کارگزاری
حکومت [illegible] سردار [illegible] محترم جنابعالی
را اطلاع [illegible] داده [illegible] سردار [illegible]
[illegible] داده [illegible] اقدامات [illegible]

(محل مهر علاء السلطنه)

---

(۱) این فقره خبر راجع است باینکه در آن اوقات قونسولهای روس در بعضی نقاط ایران با اتباع روس [illegible] خود را [illegible]
[illegible] قرار داده [illegible] روس [illegible] داده بود [illegible] داده بود [illegible]
[illegible] ایران [illegible] روس [illegible] حصول [illegible] در آن نقاط [illegible]

نمره (۵۵۶)
نمره ۵۷

مراسله وزارت خارجه به سفارت کبرای عثمانی

مورخه ۱۳ ذیحجه ۱۳۳۲

دوستدار به تأیید مراسله خود مورخه نهم شهر ذیحجه ۱۳۳۲ و در جواب مراسله کرامی جناب مستطاب عالی مورخه پنجم شهر جاری مربوط به وقایع
اکراد و تکرار [illegible] اقدامات لازمه و جلوگیری از [illegible] با کمال تحیر زحمت افزا میشود که اگر ذات عالی سفارت کبرای اولیای عظام دولت
علیه با یک نظر عمیق وقایع چند ساله اخیر آذربایجان را تحت توجه در آورده بصورت قهقرائی از آنها در باره سیاسی امور [illegible] حدود را
ملاحظه فرمایند قویاً تصدیق خواهند فرمود که چه اندازه از بابت عشایر حدود نشینان آذربایجان [illegible] دعاوی سفارت [illegible]
روسای عشایر و متنفذین حدود دولت علیه شده و از نظر اولیای [illegible] عشایر [illegible] سال قبل [illegible]
عشایر [illegible] و قوای نظامی دولت علیه با سادات [illegible] تعهد [illegible] تحریک [illegible]
و تحریک متنفذین حدودی دولت علیه که [illegible] مأمورین عثمانی در خاک ایران [illegible]
فراهم نهاد که [illegible] خود [illegible] قشون [illegible] ایران [illegible] حدود [illegible]
[illegible] رؤسای عشایر [illegible] ولایات
آذربایجان که [illegible] جناب مستطاب [illegible] مراسله مورخه پنجم ذیحجه [illegible]
[illegible] عشایر [illegible] محفوظ [illegible] اولیای دولت [illegible]
کاملا [illegible] ایران [illegible] دولت متبوعه دوستدار [illegible]
عواقب [illegible] مطالعه [illegible] اولیای
عظام دولت علیه نموده و خصوصاً دوستدار [illegible] مورخه ۱۶ ذیقعده ۱۳۳۲ و مورخه پنجم ذیحجه ۱۳۳۲
و مورخه نهم ذیحجه ۱۳۳۲ [illegible] سفارت [illegible] رسیده [illegible] دارد که اگر [illegible]
دولت از طرف اولیای عظام [illegible] سفارت [illegible] دولت ایران [illegible]
[illegible] حدود [illegible] قشون [illegible]
[illegible] اولیای دولت [illegible]
[illegible] عشایر [illegible] تصدیق [illegible]
[illegible] اولیای دولت ایران [illegible] اولیای دولت متبوعه دوستدار [illegible]
[illegible] اولیای دولت علیه [illegible] واقعه [illegible]

(محل مهر علاءالسلطنه)

نمره (۳۴۷)
نمره ۵۹

ملاقات جناب مشاورالممالک با وزیر مختار روس در شب سه‌شنبه

۱۴ ذیحجه ۱۳۳۲

اظهارات جناب مشاورالممالک بموجب راپورت تلگرافی که از تبریز رسیده امروز صبح قبل از طلوع آفتاب قراولهای
قشون روس با پلیسه قشون به شهبندرخانه عثمانی رفته شهبندر عثمانی و قنسول آلمان را گرفته و در خانه ایشان را مهر کرده اند چون
این طور رفتار نسبت به مامورین خارجه در خاک ایران که مملکتی بیطرف است برای اولیای دولت ایران ممکن است تولید
اشکالات بکند تقاضای اولیای دولت ایران این است که هرچه زودتر به جنرال قونسول در تبریز [illegible] تلگرافاً [illegible]
اظهارات جناب وزیر مختار در خصوص اعلان جنگ روسیه و عثمانی هنوز تلگرافی نرسیده ولی از وزیر مختار انگلیس اعلان
جنگ را شنیده ام [illegible] قنسول عثمانی در تبریز چند ماه است در آنجا [illegible] دولت خود [illegible]
معلوم است در صورتیکه جنگ شروع شده هر [illegible] قشون روس [illegible] خود [illegible] معهذا [illegible]

مساعی در استخلاص رهاینه‌ها ... بلاشرف خواهیم کرد

اظهارات جناب آقای وزیر الممالک راپورت تلگرافی از کرمانشاهان رسیده که قونسول روس کارگزار را ملاقات و اظهار نموده است
که شهبندر عثمانی با جمعی همدست شده که قونسول و داوینکف (۱)
و رئیس قونسول بغداد را که فعلاً در کرمانشاهان است بقتل برسانند و تقاضا کرده است که شهبندر خارج شود والا اگر یک تیر شلیک شود
شهبندر را توقیف خواهند کرد البته مستحضر هستید که مأمورین روسیه در ایران باید با مأمورین عثمانی طوری رفتار نمایند که تحریکات
خطرناک در ایران نشود من اکیداً خبر به قونسول داده‌ام که صحبت ... تا قونسول از طوری رفتار کنند بالخصوص در کرمانشاهان
مملکت است از این حرکات تحریکات بزرگ برای دولت ایران تولید نشود اگر برای قونسول اتفاقی حادث شود ممکن است تحریکات
مرحمت کرده منضبط و قرار دادن بخواهند.

اظهارات جناب وزیر مختار نقطه نظر شما را کاملاً تصدیق دارم که به قونسول کرمانشاه تلگراف کنم در ضرورت عدم
اطمینان از کرمانشاه حرکت کنند و توجه شما را به نکات جمع دقیق جلب میکنم و آن این است که ممکن است بعضیها تمایلات
اینکه عثمانیها سالهای دائم تحریک میکنند ... آنها نسبت بعثمانیها هم اگر که دلیل منطقی است ولی شما تاریخ را فراموش
کنند و در خاطر شما ... که همیشه عثمانیها ایرانیها را دوست بوده‌اند و در هیچ نوع از خصوصیات حدود ادعائی نکرده‌اند ... را از روسیه
شروع مدت که ... ایران ... خاک ... گیرند ولی در صدد بوده‌اند اما قصد عثمانیها نسبت بایران خطرناک‌تر است و اگر این
انتظار رفاه و ... فایده از روسیه با ایران خواهد رسید هر گاه در این موقع دولت ایران با ما همراهی ... قول میدهیم که بعد از
جنگ قوای خود را از ایران ببریم بلکه نه دیگر تقویت ... و استقلال ایران را ضمانت تمام مخصوصاً خواهش میکنم توقیف
وزرا اسم بخصوص دقت رئیس الوزراء و وزیر امور خارجه را باین نکته جلب نمائید

اظهارات جناب آقای وزیر الممالک اولیای امور ایران همیشه دوستی روسیه را در قیمت دانسته‌اند و از اینکه از عثمانی ... جاره
در ... راجع به پولتیک ... است ... ایران در حفظ بیطرفی کاملاً منظور ...
در جانب دوستی روسیه را هم ... [ناخوانا] ... که
به آذربایجان وارد خواهد ... اقدامات نمائیم که با قوای از طرف دولت ایران ... روسیه بوده
بلکه متعاقب آن از آذربایجان از این صدمات نکرده است

اظهارات جناب وزیر مختار مسلماً خساراتی که در این موقع به آذربایجان وارد آید بر ضد میل روسیه است و ما متوانیم اطمینان
میدهیم که تمام این خسارات را هم جبران خواهیم کرد

نمره ۹۰

نمره (۳۸۳)

مراسله وزارت امور خارجه بسفارت روس مورخه ۱۳ ذیحجه

از قراری که تلگرافاً بوزارت رسیده امروز قبل از طلوع آفتاب ... اندیشت ... رئیس ... شهبندر
دولت عثمانی و قونسول ... را دستگیر ... را هم مهر کرده ... افتضاح نمایند از طرف دیگر ...
دستگیر نمودن قونسول آلمان نموده‌اند ... [ناخوانا] ... که
مأمورین دول ... [ناخوانا] ... باشند
... مأمورین ... [ناخوانا] ... مأمورین دولتی
... در استخلاص ... [ناخوانا] ... اندیش را از
هر حیث محترم نموده ... [ناخوانا] ...
دولت علیه نشود (محمد علی علاء السلطنه)

(۱) صاحب منصب روس معلم دسته قزاق ایرانی

نمره (۴۹) — نمره ۱

تلگراف وزارت خارجه به سفارتین پطروگراد و لندن

مورخه ۱۳ ذیحجه ۱۳۳۲

نظامیان روس در تبریز باش شهبندر عثمانی و ویس قونسول آلمان را گرفته دفاتر آنها را ضبط و مهر نموده قصد دارند که [illegible] را از راه [illegible] ویس قونسول
آلمانها هم در قونسولخانه امریکا پناه برده است دقت کنید که این رفتار نظامیان مخالف با حقوق بین الملل و منافی با [illegible] بیطرفی دولت ایران است
که امروز [illegible] داده شده فوراً با جدیت لازم مذاکره و اهتمام کامل در تخلیص آنها معمول آورده اطلاع بدهید [illegible] این فقره اسباب هیجان
مردم و زحمت دولت شود

(وزارت امور خارجه)

نمره (۵۰) — نمره ۳

تلگراف به کارپرداز بغداد مورخه سه‌شنبه ۱۴ ذیحجه ۱۳۳۲

موافق فرمایش اعلیحضرت اقدس شاهنشاهی در این موقع که بعض از دول متحابه با هم محاربه دارند دولت ایران مسلک بیطرفی را اختیار
کرده لازم است مراتب را به آقایان علماء اعلام و عموم مأمورین و اتباع ایران ابلاغ نمائید که این مسلک را تعقیب نمایند مخصوصاً شما مأموریت
داده میشود که خودتان شخصاً حضرات آقایان علماء اعلام را در کربلا و نجف ملاقات و از نقطه نظر دولت را بایشان حالی و کاملاً تشریح نمائید
که اتخاذ مسلک بیطرفی امروز مصلحت و مقتضی صلاح دولت و ملت ایران است مقصود این است که مقتضیات وقت و مصلحت دولت را با حسن
بیان خودتان حالی نموده استحصال موفقیت نمائید منتظرم که از حسن اقدام و انجام مأموریت خود زودتر مستحضر نمائید

(محرم علاء السلطنه)

نمره (۵۱) — نمره ۴

مراسله سفارت کبرای عثمانی به وزارت خارجه

مورخه ۱۴ شهر ذیحجه ۱۳۳۲

قطوریکه حضوراً خاطر محترم جناب مستطاب اشرف آقای رئیس الوزراء را از دفعه [illegible] مستحضر داشته اینک برای مزید استحضار آن
ذات اشرف وزارت خارجه هم زحمت افزا میگردد برای [illegible] اینکه باش شهبندر عثمانی مقیم تبریز از طرف قوه نظامی روس
داخل شهبندرخانه شده و هیئت باش شهبندری را از آنجا محبوس و توقیف و بتفلیس فرستادند و کلیه اوراق باش شهبندری را
هم قونسول جنرال روس ضبط نموده است بدیهی است که دولت متبوعه دوستدار از این حرکت [illegible] دیده و حاکمیت در
حق [illegible] دولت و دست بیطرفی [illegible] درجه [illegible] گردیده است [illegible] احترام [illegible] این حرکت را که مغایر حقوق
بین الملل و منافی با بیطرفی [illegible] در خصوص [illegible] که دولت عثمانی
در این باب خواهد نمود [illegible] احتیاطیه را [illegible] اقدامات لایقه را اتخاذ بکنید

(مهر)

نمره (۵۲) — نمره ۷

مراسله سفارت کبرای عثمانی مورخه ۱۵ ذیحجه ۱۳۳۲

دوستدار از مضمون ملاحظات مشروحه مراسله محترمه جناب مستطاب عالی مورخه ۱۴ ذیحجه ۱۳۳۲ دایره بتوقیف باش شهبندر
[illegible] مقیم تبریز [illegible] که مرقوم فرموده اید از طرف نظامیان روس نسبت به هیئت باش شهبندری شده است
اطلاع حاصل نموده [illegible] دوستدار [illegible] دولت علیه ایران [illegible] احترام خاطر
[illegible] مسرورم که بمجرد وصول خبر [illegible] دولت علیه که [illegible] تقاضای [illegible] سفارت
[illegible] با جناب مستطاب اشرف افخم آقای رئیس الوزراء [illegible] فوراً [illegible] که در [illegible]
[illegible] حرکت نظامیان روس [illegible] بیطرفی [illegible] ملاقات هم
[illegible] جناب مستطاب عالی [illegible]
[illegible] طرف ایران

نمره ۶۴

تلگراف متحدالمآل از طرف ریاست وزراء عظام به فرمانفرمایان ایالات و حکام ولایات مورخه ۱۳ ذیحجه ۱۳۳۲

از طرف قرین الشرف اعلیحضرت همایون شاهنشاهی ارواحنا فداه فرمانی شرف صدور یافته است عیناً درج میشود

(عین فرمان در نمره ۳۷ مندرج است)

در باب انتشار این فرمان مبارک یقین است البته بنحو الیق خواهند شد که نظر جناب [illegible] ملوکانه ارواحنا فداه در این موقع جنگ عمومی تنها بیطرفی مملکت است و هیچ دولت [illegible] جز استقلال [illegible] نظر صرف نموده [illegible] اعلیحضرت اقدس [illegible] است که پس از وصول این فرمان مبارک بالعموم اهالی [illegible] اظهار نموده و مراقبت نمایند که با نهایت [illegible] دولت علیه و اهم [illegible] ملوکانه لاکلام [illegible] و طبقات اهالی [illegible] بیطرفی دولت متبوعه خود را [illegible] نموده در حفظ روابط حسنه بین دولت علیه و دول متحابه ساعی باشند (مستوفی الممالک)

نمره ۶۵

تلگراف وزارت امور خارجه [illegible]

۱۴ ذیحجه ۱۳۳۲

نظامیان روس در تبریز [illegible] عثمانی و قونسول [illegible] را گرفته دفاتر آنها را ضبط و مهر نموده قصد دارند که [illegible] قونسول [illegible] آمریکا [illegible] دقت کنند [illegible] حقوق بین الملل و منافی بیطرفی دولت ایران است که امروز [illegible] داده شده فوراً اقدامات لازمه [illegible] اطلاع [illegible] جهت [illegible] (علاءالسلطنه)

نمره ۶۶

مراسله سفارت امریکا به وزارت خارجه

۱۴ ذیحجه ۱۳۳۲

قونسول آلمان و اتباع آن دولت در تبریز از قونسولگری آمریکا درخواست ملجاء و پناه نموده [illegible] در معرض خطر است [illegible] بخصوص [illegible] عثمانی ها [illegible] آیا [illegible] تنها [illegible] قونسولگری آمریکا موقتاً به قونسول آلمان و [illegible] اتباع آلمان در قونسولگری [illegible] تحصن داده است

ولی قبل از آنکه [illegible] تحصن جواب [illegible] (در [illegible] صورت [illegible]) [illegible] قونسولگری [illegible] آن [illegible] بخصوص [illegible]

نظر به [illegible] فوق [illegible] سوال [illegible] که [illegible] دولت علیه ایران [illegible] بیطرف [illegible] اتباع آلمان [illegible] دارم [illegible] جواب فوری [illegible]

(کالدول)

که سفارت ایران تردید شده است بوده و هرگاه تشبثات جدید از جهت مطالبه حالیه نمایند فقط حق قسم مسئولیتی را بعهده اولیای
عظام دولت علیه محول شده از قرار تعهدات صادره هیئت و قیود جناطیه را که در ولایت ساحلیه محترمه فوق الذکر در نموده بود در حوالی امورات
رد نموده بصراحتاً تصدیق شده که اولیای دولت ایران از آن نقش عدم مسئولیت منتزه خواهند بود و سهل است هرگونه خسارات سیاسی
و مادی از این وقایع بر دولت علیه محول شده که طرف و بهمان بوده و فقط جانب در هر حال مقدس خود تردید نموده است همکلا و حالا
وارد آمده و بعدها نیز وارد آید در تمام حق و جبران آن مطالبه خواهند نمود - (محرره علاءالسلطنه)

نمره (۵۳)
۶۸

سفارت اسلامبول بوزارت مختار ایران در دربار [illegible] خارجه

۱۵ ذیحجه ۱۳۳۲

در تاریخ دوازدهم ذیحجه صدور فرمان همایونی را راجع به بی‌طرفی دولت علیه ایران در جنگ اروپا بلکه [illegible] اطلاع داده‌ام [illegible]
اطلاع بوزارت [illegible] را که در این موضوع شده است ملفوف ارسال میدارم
از ملاحظه این نوشتجات [illegible] معلوم خواهد شد که [illegible] دولت علیه از ابتدای وقوع جنگ اتخاذ مسلک بی‌طرفی و حفظ آن [illegible]
اما واضح است [illegible] یک عده قشون خارج در بعضی نقاط مملکت اقامت دارند حفظ بی‌طرفی [illegible] که لازم است [illegible]
و نظر [illegible] معهود اولیای دولت [illegible] سفارت روس [illegible] که [illegible] اقامت [illegible]
شود [illegible] دولت عثمانی [illegible] حدود [illegible]
عثمانی [illegible] که در موقع وقوع جنگ [illegible] دایره [illegible]
و [illegible] حدود [illegible] دولت [illegible] سفارت روس در [illegible]
حسب [illegible] دولت عثمانی [illegible] سفارت روس [illegible]
عثمانی و روس [illegible] جنگ شده [illegible] آن عساکر عثمانی که [illegible] حدود [illegible] دولت [illegible] قرار داده بود [illegible]
سمت ایران دارد [illegible] روس [illegible]
نظامی عثمانی در [illegible] حدود [illegible] روس [illegible]
[illegible] نموده و [illegible] عثمانی و روس [illegible]
[illegible] ایران [illegible] خسارات [illegible] تعهد [illegible]
[illegible] اطلاع [illegible]
و [illegible] وزارت امور خارجه
[illegible] (وزارت امور خارجه)

نمره ۶۹
نمره (۵۴)

مراسله سفارت روس بوزارت خارجه مورخه ۱۶ ذیحجه ۱۳۳۲

[illegible] مراسله محترمه [illegible] مورخه ۱۲ شهر حال راجع به بی‌طرفی دولت علیه ایران در این جنگ اروپا [illegible]
و احترام [illegible] مراسله محترمه فوق الذکر
[illegible] وزارت جلیله امور خارجه دولت [illegible] امپراطوری [illegible] دولت
ایران اطلاع داده شد [illegible]

(کرستوتس)

نمره (۵۵)
نمره ۷۰

مراسله سفارت آلمان به وزارت امور خارجه

مورخه ۱۸ ذیحجه ۱۳۳۲

مراسله محترمه مورخه ۱۳ شهر ذیحجه جاری که حاوی سواد فرمان اعلیحضرت قدر قدرت شاهنشاهی راجع به بیطرفی دولت علیه ایران در محاربه اروپا بود واصل و از مفاد آن استحضار حاصل آمد موقع را برای تجدید احترامات فائقه مغتنم میشمارد (فن کاردورف)

نمره (۵۶)
نمره ۷۱

مراسله سفارت اسپانیول به وزارت امور خارجه

مورخه ۱۹ ذیحجه ۱۳۳۲

با کمال توقیر و احترام از وصول مراسله محترمه مبارکه که سواد فرمان همایونی راجع به بیطرفی دولت علیه در جنگهای اروپ در [illegible] که محترمانه در سرحد آذربایجان به وقوع رسید اطلاع یافته رسیده مراسله فرمان مزبور را با عبارات معینه [illegible] در [illegible] آن دفتر خواهد شد احترامات عالیه را در این موقع تجدید مینماید (وزیر مختار اسپانیول [illegible])

نمره ۷۲
نمره (۵۷)

تلگراف سفیر کبیر [illegible] به عموم کارگزاری‌ها ۱۹ ذیحجه ۱۳۳۲

چون از طرف دولت علیه اعلان بیطرفی شده است جداً قدغن نمایید که در حدود بیطرفی رفتار نمایند و از هر گونه کمک مادی و معنوی با دول متخاصمه که مخالف بیطرفی است [illegible] (وزارت امور خارجه)

نمره ۷۳
نمره (۵۸)

مراسله سفارت انگلیس مورخه ۱۹ ذیحجه ۱۳۳۲

محترماً باطلاع خاطر مودت مظاهر میرساند که [illegible] که از قرار خبری که از [illegible] سواحل [illegible] رسیده است یک کشتی جنگی دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان در رود کارون [illegible] درخواست [illegible] و چون [illegible] فرامین سلطانی [illegible] و مامورین عثمانی [illegible] به [illegible] نقطه موسوم به ام الرصاص که مقابل [illegible] محمره است عسکر و توپ [illegible] و از قراریکه والی بصره [illegible] قونسول ایران [illegible] است اگر کشتی انگلیسی از کارون خارج نشود محمره را [illegible] خواهند [illegible] دوستدار [illegible] واثق دارد که اولیای عظام دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان [illegible] در خاک ایران [illegible] و در هر موقع کامله [illegible] توجه [illegible] در این موقع بیطرفی ایران را [illegible] خواهد داد کشتی انگلیسی [illegible] لطفاً [illegible] در آب [illegible] ایران [illegible] از کارون خارج نماید [illegible] تصدیق خواهند نمود [illegible] هر [illegible] که در [illegible] ایران [illegible] توجه [illegible] احترامات [illegible] جواب احترامات فائقه را [illegible] مینماید (مخبر [illegible])

نمره ۷۴
نمره (۵۹)

رونوشت مراسله سفارت ایطالیا مورخه ۱۸ ذیحجه ۱۳۳۲

بموجب مراسله مورخه ۱۳ ذیحجه جاری سواد فرمان همایونی را راجع به بیطرفی در جنگ اروپا [illegible] در [illegible] که در حدود مملکت ایران واقع [illegible] ارسال فرموده بودید [illegible] حضرت [illegible] فرموده از این جانب تقاضا نموده بودید که از دولت متبوعه خود خواهش نمایم که دولت [illegible] بیطرفی ایران [illegible] عدم تعرض [illegible] از طرف دول [illegible] که فوراً تقاضای مزبور را [illegible] متبوعه خود تبلیغ نموده و [illegible] دولت متبوعه [illegible] احترامات فائقه را [illegible] مینماید

(شارژدافر ایطالیا [illegible])

نمره ۷۵

نمره (۶۰) ترجمه مراسله سفارت هلند مورخه ۱۶ ذیحجه ۱۳۳۲

با کمال افتخار وصول مراسله مورخه ۱۲ ذیحجه دایر بر فرمان همایونی را که روز قبل درباب بیطرفی دولت ایران در این جنگ حاضر صادر شده است اطلاع خاطر عالی رسانیده مراتب را باطلاع اعلیحضرت ملکه هلند خواهم نمود موقع را مغتنم شمرده احترامات فائقه را تجدید مینماید (امضا) شارژدافر هلند [illegible] امور سفارت پادشاهی هلند (لودویک [illegible])

نمره ۸۳

نمره (۱۶) تلگراف کارگزاری تبریز مورخه ۲۰ ذیحجه

اتباع آلمانی از طرف طرابوزان حرکت نموده و از طریق [illegible] چند نفر [illegible] از طرف ایالتی [illegible] نموده

(نصرالدوله)

نمره ۷۶

نمره (۲۰) مراسله سفارت آلمان بوزارت خارجه ۱۸ ذیحجه

با کمال احترام خاطر مبارک آن جناب اشرف را مستحضر میدارد که از قرار مسموع روسها در تبریز در قونسولگری آلمان را [illegible]
نموده و در صدد [illegible] اتباع آلمان برآمده‌اند [illegible] روس [illegible] و [illegible] قونسولگری آلمان را
پاره پاره [illegible] و [illegible] در حالیکه [illegible] در تحت حمایت [illegible] بوده [illegible] توقیف
قونسولگری آلمان در خاک ایران [illegible] [illegible] [illegible] تقاضا [illegible] نموده و محترمانه [illegible]
دولت علیه را که در [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] احترامات وارده [illegible]
[illegible] حرکات [illegible] که در [illegible] در خاک بیطرفی واقع شده نه تنها نقض و ابطال [illegible] از حقوق بین الملل [illegible]
[illegible] و [illegible] بلکه [illegible] دولت ایران در بیطرفی مملکت که [illegible]
اعلیحضرت [illegible] همایونی [illegible] شده [illegible] مورد تصدیق [illegible] که [illegible] بر [illegible]
[illegible] آن جناب اشرف [illegible] [illegible] مراتب را [illegible] فرمایند که [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] در ضمن احترامات فائقه را تجدید مینماید

(فن کاردرف)

نمره ۷۷

نمره (۳۰) مراسله سفارت آلمان بوزارت خارجه ۱۸ ذیحجه

با کمال افتخار خاطر جناب اشرف را مستحضر میدارد که [illegible] مهاجرین [illegible] از تبریز بطرف [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] که مهاجرین [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] که [illegible] جناب اشرف
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] خواهد فرمود [illegible] لازم است
هم از طرف خود [illegible] توجه جناب اشرف را [illegible] معطوف دارد که دولت علیه [illegible] است [illegible] اگر از
[illegible] مملکت بیطرف ایران [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] محفوظ دارند
مهاجرین [illegible] [illegible] [illegible] از [illegible] خارج شده [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] دولت علیه [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] ایرانی [illegible] صادر فرمایند
که [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] آزادی [illegible] [illegible] مهاجرین [illegible] [illegible] [illegible]
جناب اشرف [illegible] در ضمن احترامات فائقه را تجدید مینماید

(فن کاردرف)

نمره ۸۱ 1147

نمره (۴۳ ع) تلگراف به سفارت لندن و [illegible] نمره ۱۹ ذیحجه

در تابع اتباع انگلیسی سفیر کبیر [illegible] که لندن [illegible] ما مورین [illegible] روس [illegible] و بعد [illegible] اتفاق [illegible] کرده [illegible] در مختار [illegible] کرده شده بوده
داد [illegible] وقف کند [illegible] این [illegible] استها [illegible] وارد [illegible] است [illegible] از [illegible] در عدم [illegible] بها [illegible] احترام
دولتین را اطلاع دهید (محرم ع علاء السلطنه)

نمره ۸۲

نمره (۴۵ ع) تلگراف به نائب الایاله آذربایجان ۱۹ ذیحجه

چند روز قبل از طرف [illegible] به تلگرافی رسید که عده اتباع عثمانی را با تخصیص [illegible] روانه کرده [illegible] اقدام [illegible] که انکار کرده [illegible]
[illegible] شده [illegible] از [illegible] رسیده است [illegible] از [illegible] مخالفت [illegible] که [illegible]
را احترام [illegible] حقوق [illegible] و [illegible] است [illegible] از [illegible] که [illegible] خود [illegible] را
انکار کرده [illegible] آمده [illegible] نموده [illegible] کاملا [illegible] داده [illegible] فرمایید
(محرم ع علاء السلطنه)

نمره (۴۶ ع) تلگراف فوری به سردار رشید نائب الایاله آذربایجان

نمره ۸۴

نمره رمز شب ۲۰ ذیحجه

از قرار اظهار سفارت عثمانی مهاجرین انگلیسی را که [illegible] چند نفر [illegible] عودت دادند و در صدد [illegible] بوده [illegible]
با وجود [illegible] به رئیس الوزراء [illegible] است [illegible] روس [illegible] اقدام [illegible]
[illegible] لازم است [illegible] دفعه [illegible] سرکرده [illegible] روس [illegible] و مهاجرین [illegible]
به طرف [illegible] فوری [illegible] روانه [illegible] بزرگی [illegible] تلگراف [illegible] الاطلاع
جواب فوری مخابره فرمایند (محرم ع علاء السلطنه)

نمره (۴۷ ع) سواد [illegible] تلگرافخانه ایران در دربار [illegible]

نمره ۸۵

سه شنبه ۲۰ ذیحجه ۱۳۳۲

در تعقیب سواد [illegible] ۱۵ شهر جاری [illegible] از ابتدای وقوع جنگ در اروپا بر خلاف [illegible] دولت
علیه ایران در بعضی از نقاط ما مورین و اتباع روس [illegible] و [illegible] داده و کم کم
[illegible] نموده [illegible] ما مورین و اتباع [illegible] و [illegible] نموده [illegible]
[illegible] بالاطراف [illegible] جلو [illegible] خلاصه [illegible] اطلاع [illegible]

۱ [illegible] ایران که [illegible] (قول [illegible]) [illegible] عثمانی
در [illegible] که در [illegible] دسته [illegible] حمله نموده و بعد که [illegible] از
طرف حکومت محلی [illegible] کرده [illegible] روس [illegible] از احترام حکومت
در [illegible] شده [illegible] که [illegible] ماند
تازه که [illegible] روس وعده داده است که [illegible] که از [illegible] دست [illegible]
با حکومت محلی [illegible] خود [illegible]

۲ [illegible] روس [illegible] روس [illegible] نموده که
چون [illegible] وقوع جنگ [illegible] در میان [illegible] و اتباع روس [illegible] آذربایجان موجود است [illegible] است

خطرهائی برای اتباع بیطرف خواهد بود بهتر است که اتباع آلمان و اطریش با مأمورین اینها را از آذربایجان حرکت نمایند معلوم است که این ترتیب
برخلاف بیطرفی دولت ایران بوده و فوراً به آذربایجان امر داده شد که در حفظ و حمایت اتباع آلمان و اطریش و کلیه اتباع خارجه اهتمام
لازم است بعمل بیاورند و چنانچه در تحت حمایت سفارت ... بعد از حرکات سفارت روس بروند شد

۳ (شهر رشت) که تازه یکی دو ماه قبل از جنگ قونسولی آلمان در رشت مقیم بود در بدو اعلان جنگ بلافاصله در قونسولگری
آلمان از طرف دو نفر اتباع روس ... حمله کرده و تمام اسباب و اوراق و اثاثیه که متعلق بقونسولگری بود ضبط و تاراج کرده
بر نصف آنها آمریک رفته کارهای قونسولگری را امریکا بعهده گرفته و ... قونسولگری ... در قونسولگری آمریک است

۴ در مشهد دو نفر سالدات ... بطرف قونسولگری ... دارد ... از ... که از ... در رفتار ...
را پورت کارگذاری قونسول روس مقیم مشهد خود ... از قونسولگری ... نموده ... را دستگیر ...
فرستاده که بسفارت ... رسانیدند

۵ بمحض اعلان جنگ با عثمانی قونسول روس در تبریز ... شهبندر عثمانی را با مأمورین دیگر و دو نفر
شهبندری را مهر کرده و بعد از طور ... بقونسولگری اطریش ... توقیف نموده اند و خیال داشته اند که قونسول
آلمان ... این معامله را نمایند ... بعضی از اتباع ... آمریک پناهنده گردیده فعلاً در آنجا محفوظ است شهبندر عثمانی
و ... قونسولگری اطریش را تفتیش فرستاده اند جمعی از اتباع آلمان و اطریش هم که ... آذربایجان با
استعداد کافی بطرف طهران اعزام نموده است

معلوم است دولت علیه ایران تمام این حرکات و اقدامات را که از طرف مأمورین روس شده منافی با حقوق
خود دانسته در موقع خود بمقامات مربوطه اطلاع داده و شکایت نموده است مأمورین دولت هم بر طبق دستور العمل که
بآنها داده شده است در موقع بروز این قبیل موارد ... سعی و کوشش نموده و خواهند نمود که در حق حفظ بیطرفی
این دولت با اندازه که مقدور است حقوق اتباع خارجه مقیمین ایران ... دارد ... از هر قبیل تجاوزات
محفوظ داشته جلوگیری کرده اند

(در ضمیمه ... فوق ... بطور ... دستور العمل داده شد)

جناب ... مأموریت دارند که ... وزارت امور خارجه ... اقدامات ... روس را که هم منافی بیطرفی دولت علیه و هم ممکن است اسباب ... روابط دوستانه که بین دولتین موجود
است ... خاطر نشان فرموده ... قطعی تأکید نمایند ... که از این قبیل
اقدامات مخالف اصول ... جلوگیری نمایند که محظورات برای دولت تولید نشود

(وزارت امور خارجه

نمره (۸۶)

نمره ۸۶

مراسله سفارت انگلیس بوزارت امور خارجه

مورخه ۲۰ ذیحجه ۱۳۳۲

شرف دارم خاطر جناب اشرف را مستحضر سازم از اینکه بعد از مراسله مورخه ... جناب اشرف را که ...
در حضور یک جهاز جنگی انگلیس در رود کارون فرموده بودند فوراً به ... وزارت امور خارجه اعلیحضرت پادشاه انگلیس
تلگراف نموده و ضمناً از قونسول جنرال انگلیس مقیم بوشهر استعلام نمودم که آیا کشتی ... در کارون ملاحظه شده
یا خیر و آیا قصد آن چیست ... کشتی که بمأموریت خود ... قونسول جنرال ... قرار ... در محمره
ملاحظه شده تلگرافاً ... اطلاع ... که جهاز ... دور ... از تاریخ مراسله جناب اشرف
از کارون رفته است و دیگر هیچ ... ایران نمی‌باشد ... که ... فوراً ...

اظهار میدارد در هر حکمی که از طرف دولتین شده بیان نقطه نظر مسئله مربوطه قبول العکس داده شده یقینی بر این است
که باشی [illegible] ایران مدنیت مراعات نمو [illegible] این خبر سخنان اشرف [illegible] خورشید هم [illegible] دارم جانب
اشرف هم او دوستدار هم عقیده خواهند بود که این اقدام دولت تازه ایست از آزار خاص اعلیحضرت پادشاه انگلستان در حفظ
روابط دوستی که از دیرباز منظور نظر سیاست انگلیس و ایران بوده است در تشریح جریانات فائقه را تکذیب میدارد

(دالتز توملی)

نمره ۸۷
نمره (۶۹)

مراسله وزارت خارجه بسفارت آلمان مورخه ۲۰ ذیحجه

مراسله محترمه جناب راجع بعزیمت مهاجرین آلمانی از شیراز بطهران و حمایت [illegible] احترام گردید و فوراً تلگراف لازم بایالت [illegible]
آورد باینجانب صادر نمود که در صورت لزوم است اما احتیاطات کافیه بعمل آورده و آنها را [illegible] با اتومبیل مخصوص بطرف طهران
روانه دارند

(محمد علی علاءالسلطنه)

نمره ۸۸
نمره (۷۰)

تلگراف وزارت خارجه بسفارت پطروگراد ۲۰ ذیحجه

در تعقیب تلگراف ۱۹ ذیحجه خبر رسید که سی چهل نفر رعایای آلمان را که از آذربایجان بطهران میآمدند از [illegible] صاحب منصبان روس
عودت داده اند که برسیده [illegible] با قزاق در تحت الحفظ و عدم ممانعت مسافرین بطهران مخصوصاً لازم است از جانب لازم [illegible]
فوق آورد با تمام اوامر صریح صادر فرمایند که بعد از این از اینگونه اقدامات که دولت ایران را برخلاف بیطرفی رسمیه دچار اشکالات
خواهد کرد احتراز نمایند منتظر جوابم (وزارت امور خارجه)

نمره ۸۹
نمره ۷۱

مراسله وزارت خارجه بسفارت روس ۲۱ ذیحجه

در تعقیب مذاکرات شفاهی آقای مشیرالملک با جناب جلالتمآب راجع بعدم مراجعت [illegible] با مأمورین ادبیات [illegible] رعایای
دولت آلمان که از تبریز بطرف ارومیه [illegible] آقای سردار رشید [illegible] آذربایجان جناب جنرال قونسول محترم [illegible]
مهاجرین بطهران ممنوع و [illegible] از صاحب منصبان [illegible] داده اند [illegible] فرموده بودند که [illegible] جانب [illegible]
جنرال قونسول [illegible] داده اند جناب جنرال قونسول در این [illegible] مرحمت [illegible] فرموده بودند [illegible] تلگراف
نمایند [illegible] رسیده قریب چهل نفر از رعایای دولت آلمان که عازم طهران بوده اند [illegible] صاحب منصب
[illegible] آنها صاحب [illegible] داده و [illegible] جناب جنرال قونسول [illegible] آذربایجان
اظهار داشته اند که آنها را [illegible] خواهند نمود بطوریکه اطلاع رسید [illegible] از طرف جنرال قونسولگری [illegible]
[illegible] اولیای دولت [illegible] را دچار
اشکالات [illegible] بموجب تلگرافات [illegible] و عدم ممانعت آنها از [illegible] طهران [illegible]
[illegible] احترام [illegible] شده آنها را
نمایند که [illegible] طهران نمایند . (محمد علی علاءالسلطنه)

نمره ۹۰
نمره (۷۲)

تلگراف اردوی [illegible] بوزارت امور خارجه مورخه ۹ ذیحجه
تاریخ وصول ۲۱ ذیحجه

[illegible] اردوی [illegible] حرکت نمود از [illegible] حکومت اگرچه [illegible]
[illegible] شده بود ولی در وقایع جزیره از [illegible] اقدامات [illegible] مداخله نمایم —

در تعیین حدود و طغیان عشایر دسته و ایلات مجاوره را برحسب مقامات عالیه خود راپورت کرده حال که مسیو ... را که
نظامیان روس مراراً دیده اظهار اتباعه عثمانی قلمداد کرده است و حال اینکه از اتباع مسلمه دولت ایران بوده اند و اگر هم تبعیت عثمانی بوده
باشند ممکن است در این ادوار به واسطه تماس در عثمانیها از حدود ایران تبدیل تبعیت کرده باشند که شرح حال آنها قبل از تقاضا در ...
سرحدات عرض شده است ملاحظات ترتیبات حالیه سرحدداران عثمانی نوشته به حکومت معهوده راپورت داده دولت علیه خواهد نمود .

(سعدالوزاره)

نمره ۹۱

نمره (۷۳)

مراسله وزارت امور خارجه به سفارت انگلیس مورخه ۲۲ ذیحجه

مراسله محترمه جناب ... راجع به توقیع ... و حملی ... احترام گردید ... با کمال تأسف خاطر جناب ... را از این سخن مستحضر داشت که وزارت
خارجه در انتها با سفارت روس ... و اظهار ... مسئول ... است مخصوصاً نظر جناب ... را با این نکته معطوف میدارد
که چون ... اقدامات نظامیان روس در حکم ... است ... به هیچ وجه دولت ایران نخواهد بود زیرا که اولیای
دولت ... مساعی خود را مصروف ... از هیچ اقدامی در جلوگیری و وقوع این قبیل حوادث ... خودداری نکرده اند
و پس از وصول مراسله محترمه هم تلگرافاً ... از ... آذربایجان ... تحقیقات لازمه در جلوگیری از حدوث نظایر
این ... آن ... به ... آذربایجان داده شده است (مهر ... علاءالسلطنه)

نمره ۹۲

نمره (۷۴)

سند ... بعموم سفارتخانه های ایران در خارجه ۲۳ ذیحجه

چنانکه خاطر ... مستحضر است از سنه ۱۳۲۳ با این طرف عثمانیها ... غربی خود را که ... سرحد ... ایران
کرده بودند ... به تجاوزات نظامی نموده حدود غربی آذربایجان را در تحت اشغال خویش درآوردند و با وجود ... های متوالی
دولت ایران ... حدود ... در تصرف نظامی عثمانیها بود تا در اواخر سنه ۱۳۳۰ بعد از ... جنگ بالکان
با عثمانی ... با میانجی ... دولتین ... خود را از ... حدود ... آذربایجان ... نمود
در همان اوقات ... کمیسیون حدودی که به موجب پروتکل طهران برای تسویه امر حدود در اسلامبول منعقد بود با وجود ...
و تعطیل ... مشغول کار بوده و بالاخره ... خود را در اواخر سنه ۱۳۳۱ با اتمام رسانیده ... کمیسیون
فنی مختلط برای ... علائم سرحدی تحدید ایران و عثمانی ... کمیسیون فنی ... در اوایل سنه ۱۳۳۲ از محمره شروع
به کار کرده و در ... روز قبل در کوه (آغری) عملیات خود را خاتمه داد در ... عملیات کمیسیون ... عثمانیها
در ... نقاطی که به موجب تصمیمات کمیسیون ... دولت ایران واگذار میشد ... فراهم آورده حتی در تحدید
حدود قطور و قراء ... (۱)
با ... علائم در نقاط ... بوده موفقیت ... با ... حال جنگ است و از اهالی قراء ... بوده
عثمانی ... تخلیه و تسلیم آنها را موقوف به بعد از جنگ نمودند ... که حال از ... نقشه حدود
آن قراء و ... تخلیه ... بعد از جنگ تخلیه و نصب علائم ... با ... اثرهم ...
... نگردید
علاوه بر ... مقررات پروتکل اسلامبول و عملیات کمیسیون فنی پس از تحدید حدود در کردستان نظامیان
عثمانی از سرحد اورامان (لهون) (۲) تجاوز و علامتی را که تازه نصب شده بود منهدم نمودند

---

(۱) ... است از محال ماکو

(۲) بلوکی است در حدود غربی کردستان

و هم جنس قراء، سیر و سایر دیگر را که به دولت ایران تعلق داشته در شروع تجدید حدود تخمین کرده بودند مجدداً اشغال
و علاوه بر حدود را خراب نمودند که بسیاری از تجاوزات فوق الذکر از اواسط ماه ذیقعده که تاکنون هر روزه تلگرافات متوالی از ارومی
و کارگزاران ایران حدودی آذربایجان مربوط به تحریکات عساکر رؤسای عشایر و متفقین حدودی عثمانی در تاختن عشایر ایرانی میکنند به دولت میرسد و حتی
سه فقره ملفوف که رؤسای نظامی و عشایر عثمانی که رؤسای عشایر این طرف نوشته بودند عشایر را تحریک [illegible] وزارت امور خارجه موجود است
پس از ملاحظه سواد آنها جای هیچ گونه تردید باقی نمیماند که اقدامات عشایر و الدولت به طرف تحریک و تشویق دعوت میکنند در ضمن
مراسلات مستوره که سواد آنها لفاً ارسال میشود [illegible] رؤسای نظامی عثمانی تحریکات رؤسای عشایر این طرف جداً تردید
وصول [illegible] از تحریکات [illegible] در صورت [illegible] دولت ایران [illegible] شده پس از
اعلان جنگ عثمانی و روس عده از عساکر منظمه عثمانی به خاک دولت ایران تجاوز و در اراضی ایران [illegible] طرف متوقف هستند

(محمد علی علاء السلطنه)

نمره ۹۳

نمره (۷۵)

تلگراف سرکنسولگری تبریز مورخه ۲۳ ذیحجه

موافق راپورت و جمعیت از اردوی عساکر عثمانی ساوجبلاغ را [illegible] کرده از محال صوماي و [illegible] وارد شده و در دهات
اشنو متوقف میباشند هرگاه عساکر عثمانی بخواهند به طرف شهر حرکت نمایند اگر ادوم [illegible] و از هیچگونه قتل و غارت و ظلم
و تعدی خودداری نخواهند نمود (نصر الدوله)

نمره ۹۴

نمره (۷۶)

تلگراف تبریز مورخه ۲۳ ذیحجه

در باب عودت دادن آن تبعه از طرف [illegible] و کارگزاری و ایالت [illegible] جنرال [illegible] با [illegible]
موجب خواهد [illegible] رسیده بهار را [illegible] تعقیب نمایند [illegible] تحت تعقیب خواهند فرستاد

(نصر الدوله)

نمره ۱۰۱

نمره (۷۷)

تلگراف سرکنسولگری تبریز دجله ۲۶ ذیحجه

قشون روس از حدود طرف [illegible] از قرار معلوم قریب ده هزار قشون عثمانی با جمعی اکراد قطور ایران را متصرف و از آنجا
در حرکت هستند [illegible] روس و سایر طرف روسیه حرکت میکنند [illegible] در جهت تحقیق [illegible]

(تقی سردار رشید)

نمره (۷۸)

نمره ۱۰۲

تلگراف وزارت خارجه به سفارت ایران در لندن و پطروگراد

مورخه ۲۷ ذیحجه

بطوریکه از تلگرافات سابقه مستحضر هستید مدتی است عثمانی مشغول تجاوزات به خاک ایران بوده حضور قشون روس در
آذربایجان [illegible] مصادمه روس و عثمانی را در آذربایجان پیش بینی کرده [illegible] و از هیچ نوع مراقبت و تقاضا از روس
فروگذار نکرده [illegible] دولت روسیه تعهد نمود که قشون خود را از آذربایجان حرکت داده دولت عثمانی هم [illegible]
بیطرفی ایران را رعایت نموده آذربایجان را [illegible] قرار [illegible] میرسد قشون روس از طرف خوی
پیش رفته [illegible] که در صورت حال آذربایجان [illegible] خوب [illegible] روسیه قشون متوقف آذربایجان
را از خاک ایران خارج [illegible] که وسیله [illegible] مطالبه [illegible] وزارت خارجه [illegible] نقض بیطرفی ایران را [illegible]
خسارات مادی و معنوی وارده به ایران را بر روسیه وارد [illegible]

(محمد علی علاء السلطنه)

نمره دفتر ۷۶

۱۱۵۲

نمره ۹۷

مراسله متحدالمآل وزارت امور خارجه به سفارت انگلیس و روس

۲۵ ذیحجه ۱۳۳۲

در تعقیب مراسله متحدالمآل راجع باستعمال بیطرفی جانب طرفین دولت علیه ایران به سفارت اعلیحضرت پادشاه انگلستان دو سه ساعده با کمال توقیر
در احترام حقوق این است که برای رفع مضیقات عمده که تجار اهالی ایران که تجارات شان با اول بالکان مانند سالیانه ادوات تجارت
مینمایند (۳۵۱۱۹۹۵،۰۵) و از آن تاریخ به بعد ارقامات مضیقه ماهها رنگ آلیس سنه (۱۱۵۸۹۵/۷۵)
و این ارقام تمام از این حیث است که این نقصان کلی از تنزل امر تجارت بین‌الملل که ناشی از جنگ اروپا می‌باشد
حاصل گردیده و مسلم است مادامی که جنگ دوام دارد و فرانسه تنزل صادرات ایران به خارجه بیشتر خواهد شد اگرچه عواید گمرکات
وصول زیاد – اشتراک و وجود جنگ معتدل‌تر صادرات را تخفیف نموده ولی از قرار اطلاعات تجارتی حتمی خواهد گردید که کمال فوق العاده
تنزل کرده است این مطلب بدلالت آن دارد که هرگاه حال حاضر بطول کشد و آرامی مسکت نشود محقق است که عواید بعداز ریادی مضیقه
خواهد و تنزل عمده در صادرات گمرکی بحری محسوس است
مخصوصاً چون جنگ عثمانی با دول بهیته انگلستان و روس هم حدود حاصل است که تاثیرات عمده جنوب و شمال پیدا کرده وارد گشته دارد
مراسلات تصور می‌رفت از تجارت ایران کاسته شده می‌شود تجار تازه را به سختی استعمال کرده صادرات گمرکی هم بی‌شمار جلوگیرات را
مسدود کرده است جنگ مزبور که در حوالی آن و در خاک انگلیس و فرانسه مشغول است که تجارت را از حیث وسایل حمل و نقل در تمام بحر اسود
و دریک قسمت عمده بحر احمر مسدود نمود (مدیترانه) و همچنین هند و بحر خزر که طرق تجارتی عمومی دارد است با زحمت
و آن اندازه آزادی را هم که تقریباً قبل از جنگ عثمانی در یک قسمت از مدیترانه برای تجارت این طرف برقرار بوده از میان
برده است
با این احوال میزان ظن قوی داشت که عایدات گمرکی که از بنادر جنوبی مثل بوشهر و آذربایجان فوق العاده تنزل نماید
اولیای دولت مجبوراند برای جلوگیری از فقدان اقتصادی که تصور آن بشود شده و نظر بحسن مساعدت که همواره از طرف دولت انگلستان
پادشاه انگلستان مشاهده کرده اند حالیه در تعقیب مراسله متحدالمآل مستدعی است فرموده اند از حسن توجه دولت انگلیس
و روس در این باب تا که یک مساعدت بحال تجارت اینجانب و ساعده ای مبذول داده اقدام فرموده و ایضاً را تو م را
در مملکت بیشتر و عایدات گمرکات تمامی جنوب را آزاد کرده از دفعتاً مساعده مساعده بدهند که در این موقع
وسعت پیدا شده مسئول حاصله عایدات منظوره منقطعه نماید
دوستدار امیدوار است که سفارت جلیله در این باب مساعی جمیله بکار برده اولیای عظام دولت فخیمه انگلیس را
به این خواهش دولت متبوعه دوستدار موافق فرموده جواب مساعد متحدالمآل مزبور را زودتر ارسال فرمایند.

(محل مهر علاءالسلطنه)

در مراسله سفارت روس بجای خط اخیر بطور ذیل نوشته شده است
لهذا دوستدار برای مزید استحضار خاطر محترم آن سفارت جلیله لازم است اظهار گردیده و خواهشمند است لطفاً و فوراً
نیز در تعقیب مساعی جمیله خود بمقامات لازمه تذکره داده نظر انجام نموده و هرچه زودتر جواب مساعد مراسله فوق به تحقیق
دستور فرموده قریب ملاحظه فرمایند با انتظار رسیدن اقدامات حسنه در این باب واقعه را تجدید می‌نماید

(محل مهر علاءالسلطنه)

۴۲

نمره ۱۱۵۳

نمره ۹۸

مراسله وزارت امور خارجه بسفارت کبرای عثمانی

۲۵ ذیحجه ۱۳۳۲

مطابق اخباریکه جدیداً بدوستدار رسیده است [illegible] قائم مقام [illegible] باتفاق حرکت [illegible] که از دولت علیه عثمانی از حدود
نموده در قریه [illegible] ساوجبلاغ اقامت و در صدد جمع قوه میباشند که [illegible] عشایر ایران را نزد خود جلب نموده بطرف ساوجبلاغ
حرکت نمایند دوستدار متحیر است چگونه [illegible] با مأمورین دولت علیه را [illegible] پس از اعلان بیطرفی دولت متبوعه خود بر ضد [illegible] نموده
و چگونه تصور کنند که اولیای عظام دولت علیه رعایت بیطرفی این دولت را از نظر [illegible] و مأمورین خود را از اقدام [illegible]
که منافی حقوق بین الملل و مخالف روابط وداد [illegible] است [illegible] حدود [illegible] ممانعت ننموده اند ،
علیهذا دوستدار [illegible] ساوجبلاغ [illegible] پروتست [illegible]
اتخاذ [illegible] کامل بیطرفی این دولت [illegible] حدود [illegible] اقدام [illegible] دوستدار [illegible] آن [illegible] فرمایند

(محل توقیع علاء السلطنه)

1154

نمره ۹۹

مراسله وزارت امور خارجه بسفارت روس

۲۶ ذیحجه ۱۳۳۲

در تعقیب مراسله خود نمره دوم شهر جاری محترماً باستحضار جناب جلالت مآب میرساند که از قرار اطلاعات صحیحه واصله شعبه بانک استقراضی در تبریز [illegible]
قانونی مصدق بمقام تعرض کارخانه قالیبافی پتاک آلمانی برآمده و به بهانه یک ادعای بی‌طلبی بی‌اصل در صدد است کارخانه مزبوره را
توقیف نماید [illegible] در تعقیب مراسلات خود نظر محترم جناب جلالت مآب را باشکالاتی که برای اولیای امور دولت متبوعه [illegible] ایران
مأمورین آن دولت بهیه در خاک این دولت بطرف فراهم خواهد شد [illegible] را انقضا نموده [illegible]
با کمال احترام از حضور جناب جلالت مآب [illegible] که [illegible] لازم در عدم تعرض بکارخانه مزبوره بمقامات داده مستدعی است از
نتیجه اقدامات حسنه مستحضر فرمایند

(محمد علی علاءالسلطنه)

نمره ۱۰۰

مراسله وزارت امور خارجه بسفارت کبرای عثمانی مورخه

۲۶ ذیحجه ۱۳۳۲

[illegible] قشون عثمانی [illegible] اشغال [illegible]
[illegible] قشون روس [illegible]
[illegible] ایران [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] فرمایند

(محمد علی علاءالسلطنه)

نمره ۷۸

تلگراف قونسولگری کارپردازی مقیم سفارت کبری اسلامبول

۱۸ ذیحجه ۱۳۳۲

نظامیان روس در تبریز باش شهبندر عثمانی و قونسول آلمان را دستگیر و به تفلیس فرستادند قونسول آمریکا هم به قونسولگری انگلیس اداره عهده سفارت روس سپرده است و در جواب مراسله سفارت عثمانی نوشته‌اند به (فرس ماژور) شده تبعیت را اداره — نظر و استدعای ... دستور العمل لازم داد اگر حضرت ... که در تبریز مانده دولت ایران ... و امروز با اوضاع حاضره آذربایجان ابتدا مشغول است

(علاء السلطنه)

نمره ۷۹

مراسله وزارت امور خارجه به سفارت اتازونی

۱۹ ذیحجه ۱۳۳۳

دوستدار از مضمون مراسله محترمه مورخه سوم نوامبر ۱۹۱۴ (۱۴ ذیحجه ۱۳۳۲) دایر به اعلام اراده دولت متبوعه در خصوص حفظ حقوق قونسولگری دولت محترمه امریک در تبریز که از اتباع آلمان و عثمانی ... اطلاع حاصل نموده و در جواب اظهار میدارد از ورود حسابات مودت آمیز حسابات توقیف ... که از طرف مأمورین دولت امریک بعمل آمده ... دولت علیه ایران ... مأمورین آن دولت محترمه را در ... بعمل آورده است کاملاً تصدیق نموده و از ... که ... شده اظهار امتنان نموده ... اوامر اکیده به مأمورین محل آذربایجان صادر گردیده که مدلول مراسله محترمه ... را در تحت نظر دقت گرفته در مواقع لازمه اقدامات مقتضیه را در این باب بنمایند

(محمد علی علاء السلطنه)

نمره ۸۰

مراسله سفارت آلمان به وزارت امور خارجه

۱۹ ذیحجه ۱۳۳۲

در جواب مراسله محترمه مورخه ۱۳ شهر ذیحجه جاری راجع به قتل تیمور میرزا خان در مشهد دوستدار ... مراسله خود ... جناب اشرف سمیری ... مأمورین محلی امر فوری صادر فرمایند که تحقیق نمایند آیا قاتل تیمور میرزا خان ... رسیده این تأخیر ... را معلوم نموده اقدامات لازمه ... را ...

(فن کاردوف)

نمره ۹۵

راپرت کارگزاری آذربایجان به وزارت امور خارجه

۲۳ ذیحجه ۱۳۳۲

از کارگزاری ارومی در ضمن راپورت ۱۵ ذیحجه می‌نویسند (اردوی ... طرف عصر ... شهبندری دولت عثمانی و ... را ... دولت روس توقیف کرده ... ... حرکت دادند)

(حسن نصر الدوله)

نمره ۹۶

راپورت کارگزاری کل آذربایجان ۲۳ ذیحجه ۱۳۳۲

کارگزار خوی در ضمن راپورت ۱۰ ذیحجه می‌نویسند (صبح روز ... شهبندر خوی را گرفته در قونسولخانه توقیف روز چهارشنبه ... شهبندر را ... طرف تفلیس حرکت دادند)

(حسن نصر الدوله)

نمره ۱۰۳
نمره (۷۹)

تلگراف وزارت خارجه به سفارت لندن ۲۷ ذیحجه

از مقصود تشبثات [?] اولیای امور خارجه مراکز [?] نمایید و درست نقطه نظر دولت علیه را از اجرای هرگونه مداخله در این جنگ حالیه و حفظ بیطرفی
خود گوشزد و تشریح نمایید ولی واضح است این بیطرفی در صورتی ممکن خواهد شد که از طرف دیگران هم کاملاً رعایت آن بشود بطوری
که دولت اقوام [?] دولت انگلیس را از بردن کشتی جنگی خود از آبهای ایران تقاضا [?] مینماید همان قسم اقدامات روسها و عثمانیها را در خاک
خود هم شکایت و مطالبات [?] حمایت که طرفین نموده اند [?] [illegible] که اولیای دولت انگلیس از نفوذ
نفوذ معنوی خود را باید نقطه نظر دولت را تشریح نمایند (محمد علی علاء السلطنه)

نمره ۱۰۴
نمره (۸۰)

تلگراف کارگذاری آذربایجان به وزارت امور خارجه ۲۸ ذیحجه

راپورت کارگذار ساوجبلاغ که متضمن راپورت [?] است درج میشود (امروز [?] قشون دولت عثمانی در حرکت [?] عده [?] حدود [?]
[illegible] قوت گرفته متصرف سلماس را وادار کرده اند که خفیه با [illegible] را [illegible] اند [illegible]
[illegible] روزانه [?] که شهر را [illegible] کرده [illegible] خواهد آمد) (نصرالدوله)

نمره ۱۰۵
نمره (۸۱)

تلگراف سفارت [?] بغداد ۲۹ ذیحجه

در تعقیب تلگرافهائی که راجع به بیطرفی دولت ایران شده و شرح تعلیمات داده شده بود که [illegible] اعلام بکنند که مسلک بیطرفی
دولت متبوعه خود را [illegible] در این عقیده ثابت [?] عموم مسلمانان [illegible] ایران را با نقطه نظر که صلاح امروزه ایران است
متبوعه [illegible] محمره [illegible] داده اند که [illegible]
بیطرفی ایران [illegible] محمره [illegible]
که اگر موافقت نکنند محمره [illegible] ایران [illegible]
در بیطرفی [illegible] دولت ایران [illegible] کاملاً [illegible]
حکمت [illegible] بیطرفی ایران حفظ [illegible]
[illegible] بیطرفی دولت ایران را کاملاً رعایت نمایند (محمد علی علاء السلطنه)

نمره ۱۰۶
نمره (۸۲)

تلگراف سفارت روس ۲۹ ذیحجه

[illegible] نمره ۱۸ ذیحجه ۱۳۳۲ [illegible]
[illegible] دولت عثمانی [illegible] بیطرفی دولت [illegible] در طهران
[illegible] ایران [illegible]
دولت عثمانی [illegible]
[illegible]
[illegible] ایران [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] ایران [illegible] سابقه

نقل در صفحه ۲۳۲ است

سواد نمره ۸۲

۱۱۵۷

نمره ۱۰۷

سواد مراسله وزارت امور خارجه به کارگزاری آذربایجان و کردستان

سلخ ذیحجه ۱۳۳۲

چنانکه اطلاع دارید از ابتدای جنگ اروپا دولت ایران مسلک بیطرفی خود را محفوظ و در تمام این مدت از عملیات جنگی روس و عثمانی در ایران برکنار

بی‌طرفی خود را ثابت نموده در جنگ فعلی اروپا و عثمانی صادر و تمام مأمورین دولتی در درجه وحدت به اطلاع گردیده است با این حال تعدیاتی که از طرف

دول متخاصمه به خاک ایران میشود حالا که اتفاق مورد نقض بیطرفی دولت علیه گردیده در سرحد خود جبران خسارات وارده و مادی و معنوی مطالبه

خواهد شد علی‌الخصوص برای اینکه بطور تحقیق معلوم شود که میزان خسارات از طرف قشون دول متخاصمه به رعایای ایران وارد آمده و مقدار آن

از روی تحقیق تعیین و ثابت بی لازم است (تمام کارگزاریهای حدود آذربایجان دستورالعمل جامعی بدهید که حتی المقدور مواظبت نموده

از ابتدای هیجان اکراد و شقاوت اشرار و حوادثی که با قشون روس و همچنین بعد از اعلان جنگ روس و عثمانی هر مقدار خسارتیکه از طرف قشون روس

و عثمانی و یا اکراد و دیگر به تحریک روسها یا عثمانی‌ها بعد از تصرف آذربایجان را فراهم آورده اند به رعایا و املاک اعیان و املاک خالصه

دولتی وارد آمده و هر اندازه نفوس تلف شده و آبادیها و قراء خراب و احراق گردیده با قید محل و زمان و تاریخ مقدار دقیق آن خصوص

کارهای لیکار ترتیب صورت بدهند و توضیحات لازمه را کاملاً قید و صورت صحیح مطمئنی ترتیب داده بوسیله آن کارگزاری به مرکز بنویسند

انشاءالله در موقع خود بکار آید و این به توصیه خواهید کرد که خیلی مرتب و به قید صحت و ثبوت مطالب مستند و در دفتر مربوطه نوده

و تمام و دستورالعمل سعی کنند که ذره از تمام لوازم این خود غفلت نکرده و ضمناً این اقدامات را خیلی محرمانه کرده طوری بکنند که تا یکی برای اجرای

وظایف خود آن فراهم آید) از وزارت جلیله داخله نیز خواهش شد که حکام ولایات و متعهده نایب الایاله آذربایجان صادر

نمایند تا مأمورین ایشان حکام هر دایره بعمل در نعمت با کارگزاریها دستورالعمل‌های لازمه بدهند که کارگذاری کردستان به سازی سلطنتی تبلیغ

در این باب نوشته شد

حتی المقدور مواظبت نموده به ترتیبی که مناسب بدانند تحقیقات جامعه نماید از قبیل عملیاتی که از تحدید حدود و

عملیات محصول قشون و تصرف و تاراج ولایات که شده و خصوصیات از جنگ روس و عثمانی هر کاه نسبت به ایران کرده اند هر مقدار

خسارات به رعایا و املاک اعیان و املاک خالصه دولتی وارد آمده و هر اندازه نفوس تلف شده و آبادیها و قراء خراب

و احراق گردیده و اطلاعات مربوطه را با قید محل و زمان و تاریخ مقدار در دفتر مخصوص ثبت نموده توضیحات لازمه را

نیز ضمیمه آن نموده صورت صحیح مطمئنی ترتیب و به وزارت خارجه بفرستند انشاءالله در موقع خود بکار آید و البته جمیع اینها

به قید صحت و ثبوت مطالب مستند و در دفتر مربوطه بوده و تمام و دستورالعمل سعی خواهید کرد که ذره از تمام لوازم آن

غفلت نشده و ضمناً این اقدامات و تحقیقات را طوری محرمانه بکنید که تا یکی برای اجرای وظایف خود آن فراهم آید

(محمدعلی علاءالسلطنه)

نمره ۱۰۸

سواد مراسله وزارت امور خارجه به وزارت داخله — سلخ ذیحجه ۱۳۳۲

چنانچه بر خاطر اولیای آن وزارت جلیله پوشیده نیست که ورود قشون روس و عثمانی در خاک ایران و از حوزه‌ها که اجرا و اقدام

شده با اعلان بیطرفی دولت علیه ایران در جنگهای فعلی دنیا منافی بوده و جبران خسارات وارده از این تعدیات به رعایا و املاک

دولت و خصوصاً آنکه در شهرها و املاک هر یک از نقاط حادث گردیده و املاک نفوس و احراق آبادیها که دائم شد در موقع خود باید مطالبه

بشود، برای اجرای این مقصود از وزارت امور خارجه به کارگزاری آذربایجان و کردستان دستورالعملهای لازم داده شده که بوسیله کارگزاریهای

خود حدود و دفاتر دیگر دفتر مرتبی از خسارات وارده و جهات وارده با قید محل و تاریخ ترتیب داده بمرکز بنویسند چون کارگزاریها خود برای

اجرای وظایف خود در این موضوع به مساعدت حکام محلیه محتاج کامل دارند از وزارت جلیله خواهشمندم متعهده نایب الایاله

آذربایجان و حکومت کردستان صادر بشود که تحکام سرحدی تعلیمات لازمه دارای مساعدت و همراهی با کارگزاریها در اجرای این

مقصود بدهند بدیهی است مخصوصاً تاکید خواهند فرمود که این اقدامات را خیلی محرمانه کرده طوری نکنند که تعرض در انجام این منظور فراهم آید

(محمد علی علاءالسلطنه)

نمره ۱۰۹

تلگراف وزارت امور خارجه به سفارت لندن

سلخ ذیحجه ۱۳۳۲

متعاقب تلگراف مفصله راجع به تلگراف رمز جنابعالی در باب قشون روس در آذربایجان جنابعالی را اطلاع میدهم که آنچه هر قدر در
صفحات آذربایجان بر حسب اطلاعات اولیه آن قول است که تضییقات تا اندازه‌ای تخفیف یافته عوائد گمرکی که توسط خود سفارت املاک روس داده
و دولت را دچار صعوبات کرده اشکال بدتر نتیجه عدم مساعدت جرائد و اشغال نقاط ایران آنان بیشتر مقصد آن است پس
از تلگرافات زیاد در این باب وزراء مذاکره با سفیر کبیر عثمانی و وزیر مختار روس نظر به اینکه سفیر کبیر عثمانی میداند که هرگاه دولت ایران
بیطرفی خود را اعلان نماید هر دو دولت عثمانی آنرا کاملاً رعایت کرده محترم میدارد ولی ضمناً اظهار کرده است خصوص سفیر کبیر سفارت
میکند مادامیکه قشون روس در آذربایجان است عثمانیها این قشون را که متوقع تهدید حدود خود دانسته مجبور خواهند
بود که در جوار حدود ایران در مقابل قشون روس ما هم قوای کافی تهیه نمایند که در مواقع لزوم از حمله ایشان دفاع نمایند
سفیر کبیر دولت متبوع را متقاعد دید که برای رفع بهانه عثمانیها تخلیه مملکت از قشون اجنبی که سرلشکری لازم اقدامات جدی با
با دولت روس مذاکره نماید ولیعهد اعلان بیطرفی را منوط به تخلیه خاک ایران از قشون اجنبی نموده آقای رئیس الوزراء خود
هم شخصاً با وزیر مختار روس بحضور وزیر مختار انگلیس که در این جنگ با روس متحد است مذاکره نموده و بمکتبه اظهارات
شفاهیه وزراء مختار را کاملاً مساعد دیدیم تا اینکه رسمی به سفارت روس نوشته شد با همراهی سفارت انگلیس ارسال داشتیم
پس از چند روز به سفارت جواب رد ظاهرات دولت علیه داده شد.

علیهذا دولت بطرز مقتضیات و ادامه آذربایجان چاره که آیند نشنیده بود لیکن بود که ملاحظه جنابعالی را مبرز
آذربایجان و در این والاحضرت همین تعهد تا تشریف فرما شوند و از قواء محلیه بقدر مقدور استعداد فراهم کنند
که باین دو وسیله که مهمتر آن استقلال ایالت آذربایجان بود و والاحضرت معظم له است رفع مشکلات شود
اما حوادث بقدر هر قوه در این اثنا با وجود قشون روس غیر ممکن بود تصمیم دولت با وزیر مختار روس مذاکره شد باز
اظهار مساعدت و بطرز و کراه تلگراف کرد در جواب مذاکره شرط اظهار داشت در این نوع که حسن حالی دارد برای اینکه
در بطرز و کراه روز قبول شود حوادث سیاست مساعدت بسته به اسرار دارند یعنی عده قزاقان ایرانی ترتیب نماید
ضمناً اگر پیشنهادی برای اصلاح اوضاع غیر مطلوب قراقخانه نماید تحصیلاً در انجام آن مساعدت خواهیم کرد.
اولیای دولت برای استخلاص از مشکلات و صدها یکه از اقدامات روسها در آذربایجان بحدی است قبول
این امر را در این موقع بصرفه تدبیر تصمیم شد که پانصد نفر قزاق بریاست فرمانده دکلیه راجع بر بقعه قزاق طهران
و آذربایجان ترتیب بدهند که کاملاً در تحت ریاست و نظارت وزارت جنگ دائر شود)
این جواب دولت را وزیر مختار روس استقبال کرده وعده داری داد که در بطرز قبول کرده ولی از آنجا جواب رسید
عیان اصلاح نیست والاحضرت همین بالنصوب حرکت نمایند حتی که ورود حوادث ارومیه ملاحظه خواهید کرد برای
خود در سرحدات ما و عثمانی ترامپ فرمانده سردار اکبر رعایت بیطرفی ایران شود پس آنها و اکراد شروع تحرک شده است
واضح نیست که وقوع جنگ در داخله ایران تا چه حد حوادث باکراد و چه خسارات زیادی برای ما ایجاد
ممکن است که در کشمکشها تقسیم مملکت تصمیم گردیده و در استقبال طرف تا نتیجه را ملاحظه نماید ، هر چاره که متوجه شود چه
اینکه دولت این تعهده دولت روس که بیطرفی ایران را ترسیم زده است وارد شود چه چاره دارد ؟

چنانکه در فوق اشاره کردم اولاً تعقیب این پولتیک قوه غیر مستعد ورود با وقتی که دولت ایران مخارج لازمه فوریه
سخت است نمی‌تواند دیگر استعدادی در آذربایجان بدهد و اعلیحضرت امپراطور روس تعهد را بصورت دوام کند تا خود قشون
روس اشغال پذیر شود که کاری از پیش نرود و ملاحظه کرده‌اند هر وسیله که دولت حرکت بنماید برای انگلیس از اول
آذربایجان حفظ خط سرحدی خود در دشتها تابع استعمال آلت شده و هر مورد جواب منفی داده‌اند از طرف دیگر نا امنیه
حکم عمومی که در سرتاسر طرق و شوارع است بکرات رشته تجارت دنبال الکسجه عواید گمرکات را کاسته انگلیسها با یک
سفارت و حدت فوق بر ده فقره طرح پیشنهاد که قرض را مطالبه میکند ضمناً قرض خود را از دولت مطالبه نمایند -
در صورتیکه خودشان باز بهتر میدانند که قانون اساسی حق اجازه دخیل را برای دولت نداده است . برای ترتیب
مالیه هیچ طرحی امروز ممکن نیست مگر استقراضی که از حیث حاجات فعلیه دولت بود و کم کم طرح های بهتری بنظر میرسند که همین تبلیغ و غیره
از افتتاح مجلس طرح خواهد گردید بوقت وقت حاصل گردد و بحث تعدیلی بودجه که از مخارج غیر ضروری جلوگیری شده باشد
برای نهایت قوه در آذربایجان تنها به دستگیری تلف قربانی و اعلیحضرت امپراطور تعهد بتعهد تکلیف یک قوه مخصوصه است لیکن کارهم بالوداع قشون
اجنبی غیر ممکن و ممتنع است . اما آنکه میگویند با طرد ترکهای عثمانی از آذربایجان به طرفی میشود معاودت کرده با دستگاه در استعمال بدتر از
روس است دولت بدتر بوده است که ورود ترکهای عثمانی را تردید میکنند ولی اخراج بهتر ممکن بود که قرارداد
لازمه حاصل گردد - اولیای دولت ایران در این موقع جواب مساعد را به دولت انگلیس داشته‌اند که از جهت تأمین تخلیه قشون
روس مساعدات معنویه بعمل آورد انگلیس بسهولت که ایران منتظر بود تا تخلیه است که میشود در جهت تأسی
مشکور حالانکه حکومت عثمانی و روس شروع شده است با این حال بود . این تفصیل را برای اطلاع جنابعالی نگاشته که در
موقع مذاکره هر طور مقتضی است اظهار نمائید و نتیجه را اطلاع دهید ممکن است بکلی اخراج به طرفی شده است تعهد ارسال شد

(محمد علی علاء السلطنه)

نمره ۱۱۰

مراسله سفارت انگلیس بوزارت امور خارجه - غره محرم ۱۳۳۲

مراسله مورخه بیست و هشتم شهر ذیحجه گذشته جناب اشرف ارفع اعلی شرف وصول بخشید در این مراسله تذکر اظهار فرموده بودند که گمرکات
بابت بنا به اول سال پس از کسر (۳/ ۵۱۱/۹۹۵/۰۵) قران میشود جناب اشرف ارفع اعلی
تفصیلی را از نتایج جنگ مخربه که در اروپا و آسیا راه از طرف دولت علیه ایران خواهش فرموده‌اند که
مدت یکسال در پرداخت اقساط تمام قرض و مساعده‌ها که بر عهده گمرکات جنوب داده شده است از طرف دولت
اعلیحضرت پادشاه انگلستان مهلت داده شود که دولت علیه بتواند آن وجوهات را با اراده خود بمصرف برسانند . علاوه بر این جناب
اشرف خواسته بودند که دولت انگلیس در روش مبلغ سی هزار لیره برای ایران در دهند که دولت سایر الیها
مقتضیه باید آورد خاطر جناب اشرف ارفع اعلی را مستحضر میدارم از اینکه مفاد مراسله مزبوره را به دولت خود تلگراف نموده ولی تعلیقه خود
میدانم خاطر محترم را از جهت دیگر یک جمله از مراسله مزبوره راجع اینکه از انگلیس دارد آنچه در تفصیل را
جناب اشرف مبلغ (۱۱۵/۸۹۵/۷۵) تخمین فرموده‌اند چندی قبل که آخر آن مراسله مورخه ۲۹ جمادی الثانی ۱۳۳۲
بوده است خاطر دولت علیه را بایستی جلب نموده‌ام که آنهایست مزبوره موقتی است زیرا که گمرک صادره بدون اضافه دول
انگلیس برخلاف شروط عهدنامه تجارتی و منعقده در سنه ۱۹۰۳ مطلب را اظهار داشته‌ام که اگر
اخذ این مالیات لازم است که استعداد باید بنا بر دولت انگلیس را که فعلاً در موقتی بودن آن مالیات شده‌اند تحصیل
نمایند در این باب هیچ جوابی اظهارات خود دستدار داده شده است در اتمام احترامات مینمایم

(والتر تونلی)

۱۱۶۰

منظور دهنده خود اظهار است که انحصار رد اخطار در نتیجه که خوشبختانه فعلاً در پیش روس و ایران موجود است تو هم نقطه مسبب
شده با دولت عثمانی حوزه قطع نظر نمایند که اقدامات لازمه را در عقب سرحد ایران دور نگاه دارند از اینکه اردو عثمانی شدید
جنگ واقع شود تعمیم آورده سر دولت عثمانی و دولت روسیه تعداد اثبات نگرانی را نسبت به اقدامات فعلیه را کمتر مینماید

(محرم ۲۷ علاءالسلطنه)

نمره ۱۱۱

نمره (۸۳)

تلگراف کارگزاری سلطان‌آباد تاریخ دوشنبه دوم محرم

۳ روز قبل روس قونسول انگلیس یک فقره تلگراف در درج دفعه انگلیس را راجع با بلاغه مفتنه در شهر دیدار که روس قونسول
سلطان‌آباد مذاکره شده طبع و در شهر منتشر کرده و از قرار اطلاع برای علماء اعلام محرمانه فرستاده در حروف باکس فرستاده است در کجا
آنجا را طبع منتشر ساخته ... در توزیع هم در این انحصار کارگزاری تعبید مینماید در قضیه ناشی از نظر حضرت حجة الاسلام آقای
حاج شیخ باقر مجتهد لیست روس قونسولگری مزبوره شده از این جهت نمایند در کارگزاری برای توضیح و مذاکره در این باب آمده
بود در نتیجه این جهت حالا در کارگزاری را هدایت حضرت معظم له فرستادم در توضیح ملاقات حضرت شیخ اظهار عنوان میکند
که اگر قبلی مطالب مهم بطور منفصل از طرف یک قونسولگری شود باعث تعلیمات و تولید اغتشاش است و باره هم از آن
دیگر ... در کارگزاری هم جوابا شکایت لازمه را نموده با یک نوع لزوم تجاوز مسلک طرفین و رد به تمکین
کار را نه تنها طرف آن پشتیبان کرده و در جواب نموده است که من تو هم هم اقدام و اظهار مستقیماً نفوذ نموده در کارگزاری
در این خصوص دهنده نمایند اوامر خواهند داد و اطلاع داریم با کارگزاری از طریقی که لازم است در انجام این
اقدامات مقتضیه بعمل بیاورد حضرت شیخ هم منتقد بشری قبول فرموده اند

دو ورقه از تلگراف ... طبع شده هم لف است ارسال محض استحضار خاطر مبارک لفاً تقدیم است

۲۱ ذیحجه (فرید الملک)

نمره ۱۱۲

نمره (۸۴)

مراسله سفارت روس بوزارت امور خارجه

مورخه دوم محرم ۱۳۳۳

دوستدار با کمال احترام خاطر محترم آن جناب مستطاب اجل عالی را مستحضر میدارد که اولیاء دولت امپراطوری را از قصد
حفظ بیطرفی ... دولت علیه ایران نسبت بروسیه در جنگ روس و عثمانی مستحضر دهنده نظر هیچ خیرخواهی و تبعیه نسبت بروسیه تا حال
توقیر اظهارات نفوذی خودرا که قبل از جنگ نموده با تجدید اظهار که اولیاء دولت امپراطوری ابداً خیال طمع با ایران نمی‌باشند و هیچ قصدی
در تزلزل ارکان تمامیت و استقلال ایران ندارند دوستدار مأمور است جناب مستطاب اجل عالی را مطلع نماید که از طرف دولت
امپراطوری تمام اقدامات لازمه بعمل خواهد آمد که اقدامات جنگی روس در خاک ایران در خصوص عملیات ... دولت روس را
با این اقدامات نمایند هر چه کمتر نسبت با اهالی صلح طلب آذربایجان اثر کند و هر یک با اهالی صلح طلب محلی بواسطه اقدامات جنگی روس
رسیده مورد توجه خواهد بود ... دولت امپراطوری تصدیق میکند که هر چه قشون خودرا از آذربایجان زودتر بعد از اتمام جنگ و استقرار
نظم و قمع ... رسیده برحسب وعده داده است که دولت علیه ایران کاملاً موعده خود وفا نماید در تمام اقدامات و بقیه
حوزه ... نسبت بجناب مستطاب اجل عالی تجدید مینماید

(کرستوتس)

نمره (۸۵)

تلگراف کارگزاری تبریز تاریخ جمعه دوم محرم

تلگراف کارگزاری ... ستنجر رالوراد کارگزار سلدوز درج شود (مکتوب شخصی قائد شیخ جمال الدین آمده قادر جندی
هم ... نفر عسکر و صد نفر سواره از ... نامه در قریه ... ستنجر رالوراد داده که شیخ جلال الدین
با جمعیت اکراد (...) عازم اینطرف شده در اینجا ارادت عثمانی را نگه داشته ... دیدند —

جواباً با وقفه اینکه عمل خود رجعت کرده سردار را حاضر نمائید با آنچه برسد اینک که مصرف آن البته فرستاده ارجاع الامور تمام سرحدات
در خاک ایران هستند ممانعت کنند که ایران بر وجه حالات متصرف و حقوقها معلوم شد که معلوم نیست کدام طرف خواهد نمود از قرار تقریر محمد
چند باشه که جنگ و قتل با شعاد و اتفاق عرب بوصلت آنجا تردد بطرف والی رفته است) ۲۹ ذیحجه (نصرالدوله)

نمره ۱۱۳

نمره (۸۶)

تلگراف وزارت امور خارجه به کارپردازی بغداد ۲ محرم ۱۳۳۳

شاید تلگراف ۲۹ ذیحجه اعلام میکنم که بر خلاف بیطرفی ایران تلگراف هیجان آمیز آقایان علمای اعلام حجج اسلام و آیات
عظام آقای میرزای شیرازی و شیخ الشریعه اصفهانی و آقای صدر و آقای حاجی سید مصطفی کاشانی و آقای سید علی یزدی و آقای شیخ محمد حسین مازندرانی
و آقای شیخ جواد و سایر آقایان نجف کربلا کاظمین سامره و بنادر و سایر ایلات و عشایر سرحدی ایران رسیده که بموافقت با دولت عثمانی خود را
داخل نزاع با سایر دول نمایند

اولیای دولت وقتی شنیدند که در یک چنین مورد مهم اسلامی مأمورین متقابلی دارند تلگراف دعوت دارند که بیطرفی دولت را بالاخص حضرات
آیات الله که هواخواه ملت بیضاء احمدی هستند خاطرنشان کنید انتظار داشتند که خود تحقیقاً دقایق این تصمیم را با آنان مذاکره و مصلحت امروز
دولت را کاملاً حضور ایشان عرضه و اقدامات را در این زمینه باید نمایند در هیچ موردی که انتشار و در عالم شعله دار و بر مأمورین وظیفه دارند
مستقیماً و با تمام قوام دولت خود جلوگیری معلوم گشته که بر خلاف آن مقصود و دولت تلگرافهائی از طرف آقایان صادر شده
است از هر اعلام تأکید میشود که سرتاسر ارکان آیات الله هاتف اولاد تحقیقات نمائید حتی تلگراف به مقصد ایشان شده
بوده باید با آنها این نکته را تشریح نمائید که اولیای دولت پس از وقوف کامل باوضاع و پیش آمدها و ملاحظات عمیقه در حال
فعلی مملکت باتخاذ مسلک بیطرفی تصمیم نموده فرمان شاهانه صادر و مدلول آن بهمه جا ابلاغ شده حقیقه برای وقایه قطع
ایران حفظ جان و مال و نوامیس مسلمین بعقیده این مسلک را صحیح آقایان آیات الله اگر خود را در تحت تفتیش دیده
و اعلام این تلگرافها مبادرت فرموده اند این نکته را هم باید از نظر اعلام خود دور نمایند که مصلحت دولت و حقوق مادی و معنوی
ملت ایران بصورت غیر قابل علاج پامال و تضییع و دست چاره دیگر از اصلاح آن کوتاه خواهد بود با تعرض در صدد رد این
تلگرافها در قضایا باشند با یک وقار و مداوای این حوادث قادر است که بیطرفی دولت ایران را هواخواهان
ما با سعادتم و بر خلاف فرمان شاهانه رفتار نمایند اهتمام را انتظار دارم

(محمدعلی علاءالسلطنه)

نمره ۱۱۴

نمره (۸۷)

تلگراف وزارت خارجه به کارپردازی بغداد دوم محرم ۱۳۳۳

با عطف بتلگراف نمره دو لول تلگراف ۲۹ ذیحجه اعلام میکنم که چون از طرف جاوید پاشا حکام جزء و کارگذاران دیگر دولت
عثمانی بروسای ایلات و عشایر و حاکم محمره بر قسم تشویق و تهدید میشود که با دولت عثمانی در این جنگ موافقت و در جنگ متنازعه با دول ثلاثه
مخصوص ماموریت داده میشود که بصورت از جاوید پاشا و سایر روسای لشکری و کشوری ملاقات و مقصود دولت ایران را از اتخاذ
مسلک بیطرفی توضیح داده اظهار دارید که دولت ایران اطراف امر را در امر متخاصم با دول کاملاً ملاحظه کرده و بجز کناره جوئی از منازعات
خصمانه و خونریزی اینکه به مصلحت ایران حفظ شده سیاست بیطرفی خود را رسماً اعلام نمود و هیچ نقض مساعی نیست که
نقض بیطرفی ایران فراهم در بار ایلات و عشایر این دولت را بموقعیت خود تهییج در صورتی علاوه برای تهدید نماید تصمیم است که از
عشایر در مملکت بیطرفی رسمی باشند مصلحت دولت عثمانی هم نیست و تهدیدات میشود با ما ثابت نموده دقایق مصالح دولت
را خاطرنشان و تهدیدی که متعاقب موقع دولت بدینجا اظهار از این تحریکات و تهدیدات اردشیه توجه بیطرفی ایران در یک
این اقدامات نموده نتیجه را اعلام تلگراف رسمی داده شده که از بغداد
و صادر نمائند

(محمدعلی علاءالسلطنه)

نمره ۱۱۵
نمره (۸۸)

تلگراف [illegible] از [illegible] ۳ شهر محرم

خبر رسید که [illegible] با [illegible] سواره [illegible] محمره [illegible] ایران [illegible] کرده
[illegible] در [illegible] ایران [illegible]
[illegible] ایران [illegible] اعلام فرمایند

([illegible] السلطنه)

نمره ۱۱۶
نمره (۸۹)

تلگراف کارگزار آذربایجان [illegible] ۲ محرم

تلگراف ساوجبلاغ متضمن تلگراف [illegible] درج می‌نماید ([illegible] سلماس [illegible] از طرف [illegible] حرکت کرده [illegible]
[illegible] کاغذ [illegible] اعلان [illegible] قانون اسلام اعلان جهاد [illegible]
[illegible] روانه خواهم شد [illegible] کاغذ [illegible])

(۲ محرم - نصر الدوله)

نمره ۱۱۷
نمره (۹۰)

تلگراف کارگزار آذربایجان تاریخ [illegible] محرم ۱۳۳۳

تلگراف کارگزار ساوجبلاغ متضمن راپورت [illegible] درج می‌نماید ([illegible]
وحقیقه صمد و صالح [illegible] رسید که [illegible] سلیمان آقا [illegible]
[illegible] قریه [illegible] نظام [illegible] دارند [illegible] عراده توپ [illegible]
رسیده ده عراده دیگر در راه است [illegible] ساوجبلاغ حرکت نمایند)

(۲ محرم نصر الدوله)

نمره ۱۱۸
نمره (۹۱)

تلگراف کارگزار آذربایجان به وزارت امور خارجه [illegible] محرم ۱۳۳۳

تلگراف ساوجبلاغ عیناً درج می‌شود ([illegible] نموده
[illegible] ساوجبلاغ [illegible]
[illegible] ساوجبلاغ
[illegible] آذربایجان [illegible] ساوجبلاغ [illegible]
[illegible]

۳ محرم (نصر الدوله)

نمره ۱۱۹
نمره (۹۲)

تلگراف [illegible] محرم ۱۳۳۳

چند روز قبل [illegible] ساوجبلاغ [illegible] آذربایجان [illegible]
[illegible] مراغه [illegible]
[illegible]

([illegible] الدوله)

نمره ۱۲۰
نمره (۹۳)

تلگراف کارگزار [illegible] محرم

در شهر تواتر رسیده [illegible] ساوجبلاغ [illegible] وارد [illegible] شده است ۲ محرم

(نصر الدوله)

نمره ۱۲۱
نمره (۹۴)

تلگراف کارگزاری تبریز ۵ محرم ۱۳۳۳

حاج شجاع الدوله که دو سه روز میشود وارد نعمت آباد و فاتح شهر شده جمعی از قشون آذربایجان را از ولایات مختلف احضار
و در میان دو آب اردو خواهد زد که با اکراد و قشون عثمانی عبدالرزاق اردو خواهد زد تا مخارج اقدام برای دولت متبوع و
محتاج بعرض نیست در روز [illegible] با اطراف [illegible] حرکت کرده است (نصرالدوله)

نمره ۱۲۲
نمره (۹۵)

تلگراف بسفارت پطرزبورغ پنجم محرم ۱۳۳۳

با اطلاع [illegible] از مقدم موحش شجاع الدوله بسفارت داده اند از تبریز خبر رسید مشارالیه در نعمت آباد نشسته افواج مرتبه بنظامی جمع‌آوری کرده
علاوه محرکین و اهالی شهر را هم تهدید و دعوت باطاعت میکند و دولت که اراده [illegible] ورود او بخاک ایران مخالف بود
که بعد از آمدن به تبریز جهت تحواهد [illegible] و با اینکه در مجلس وعده داده بود تلگراف کند که حضور آمدن او را موقوف نمود معهذا مشارالیه وارد
و این تعدیات را بحضرت فراهم کرده است مسلم است این اقدامات او با چه درجه مشکلات برای دولت تولید و آذربایجان را که محتاج
به آرامی و سکونت است دچار تشویش و تمام نموده در اشتعال خواهد داشت مخصوصاً لازم است حضرت اشرف عالی بدانند که مشارالیه تا کنون هم
در تبریز نیامده و هر طور است دستگیر حرکت او را فراهم و اطلاع بدهید معلوم شد که هر طریقی با شما حرف او را طول بکشد مشکلات دولت را زیادتر
و اقدامات دولت هم از [illegible] مردم حق ندارند برای این طریق داد دولت را هم برای [illegible] اقدامات حالا هستیم
(مخبر عظیم علاءالسلطنه)

نمره ۱۲۳
نمره (۹۶)

تلگراف وزارت خارجه بسفارت لندن مورخه ۶ محرم ۱۳۳۳

بعد از اینکه دولت از احتمال رجعت شجاع الدوله به تبریز مطلع شد فوراً مخالفت خود را با این خیال در طهران و پطرزبورغ اظهار داشته
و دولتها وعده داده شده که از آمدن او جلوگیری کنند چرا در مجلس پطرزبورغ تلگراف کردند که شجاع الدوله به آذربایجان برود
ولی وزارت خارجه اطمینان میدهد که فقط مشارالیه برای کمک املاک رفته و ابداً در کارها مداخله ندارد از تبریز خبر رسیده که شجاع
الدوله در نعمت آباد متوقف افواج مرتبه را نظامی جمع‌آوری کرده تهدید مینمایند و مردم را برای اطاعت دعوت میکنند و دعوت سلطنت
او نماید دولت نقض داده که این اقدام مشارالیه مخالف یک نقطه نظر یا مقصد ماست و معلوم شد که اگر جلوگیری فوراً نشود
مشکلات دولت چه اندازه خواهد بود مخصوصاً در صورتیکه ارباب الدوله خانه دولت حمایت دارد و نقطه نظر خود را جواب
رفتار میکند این اقدام را بدولتها در آوردن شجاع الدوله مخالف عهد با دولت ایران در حقوق تمام معاهدات است که بمیل خود
داده و سند نیند خواهند و حضور متوقع دولت را در حقیقه مشغول خواهند کرد مخصوصاً دولت ایران از اول همین نقطه
حفظ حقوق خود را بر که آثار این اقدامات شجاع الدوله را بدولتها حالی میخواهند که برای عدم نقض بطرف ایران که در صلاح
و صرفه دولتین است فوراً شجاع الدوله را از تبریز بیرون برده عجالتاً از این مشکلات دولتین را زیادتر خواهد کرد
منتظر اقدام است سریعاً نموده نتیجه را اطلاع بدهید (مخبر عظیم علاءالسلطنه)

نمره ۱۲۵
نمره (۹۷)

تلگراف کارگزار آذربایجان بوزارت امور خارجه ۸ محرم ۱۳۳۳

تلگراف با اطلاع مستحضر را اول نامه را درج نمایید (روز جمعه ۷ محرم شیخ [illegible] طرفدار با معرف سلطان در حضور نظمیه و عده [illegible]
بطرف عصر وارد نامه شده و از مجاهدین [illegible] جمع‌آوری نموده کاغذ نامه است که بعد از تحریک بحصول نظم جمعی
بطرف شهر حرکت نمایند و بحال خبر رسید که محمود بیاتی از دشمن غیره ساقی هم فرد ا وارد خواهد شد
(ششم محرم نصرالدوله)

مراسله وزارت امور خارجه به سفارت روس مورخه

۷ محرم ۱۳۲۳

در فقره طلبکاری [illegible] مراسله مورخه ۱۳ ذیحجه گذشته [illegible] آن سفارت بهیه در اردوی [illegible] کمپانی [illegible] دولت عثمانی [illegible] عمال ایرانی
و [illegible] سهام‌داری را گرفتار و در دست [illegible] نموده [illegible] سهام‌داری را توقیف کرده [illegible]
خبر رسید [illegible] سهام‌داری [illegible] گرفته [illegible] توقیف [illegible] ۱۵ ذیحجه [illegible] بطرف [illegible]
نموده [illegible] اقدامات [illegible] دولت بهیه روسیه [illegible] و [illegible] است [illegible]
خود [illegible] اقدامات [illegible] دولت علیه ایران است [illegible]
[illegible] نمیشد [illegible] داده [illegible] ایران [illegible]
نتیجه [illegible] را [illegible] فرمایید

(محل مهر علاءالسلطنه)

نمره ۱۲۶
نمره (۹۸)

تلگراف کارگزاری آذربایجان مورخه ۸ محرم ۱۳۳۳

تلگراف ساوجبلاغ را درج مینماید (راپورتی از مندوبین ارومی که در لاهیجان رسیده میگوید امروز که دوم نوامبر است سه هزار نفر عساکر عثمانی با اتباع شیخ جلال اهرمی و سید عباده توپ وارد لاهیجان خواهند شد امروز مهاجرین آقا رئیس تلگراف بمیران با استقبال عساکر خواهند رفت) (نصرالدوله)

نمره ۱۲۷
نمره (۹۹)

تلگراف کارگزاری آذربایجان مورخه نهم محرم ۱۳۳۳

تلگراف ساوجبلاغ سواد تلگراف رئیس بانه را درج مینماید : مرکزی از شیخ محمد اهرمی که سلسله طریقت تمام عشایر و الکراد کردستان میباشد کاغذی به محمود خان که از رؤسای ایل لازه کلان بانه است رسیده با مضمون (با امر سلطان عثمانی اتفاق مستظهر بشمشیر سلطانیه و تمام مسلمانان (کل عشیره) برای رفع جهاد دولت کفر که با اسلام مشغول محاربه شده اند ما مأمور هستیم بطرف آمده با عشیره هر کسیکه غیرت اسلامیت دارد حاضر شود و مالا برای جهاد حاضر بوده بطرف مکری و ساوجبلاغ عازم باشیم) نمره دار رسید البته حالا هیجان عظیمی برپا کرده مصمم حرکت هستند (نصرالدوله)

نمره ۱۲۸
نمره (۱۰۰)

راپورت ملاقات رئیس اداره عثمانی با قنسولگری عثمانی ۱۰ محرم ۱۳۳۳

قبل از اینکه جناب سفیر کبیر دو هفته قبل در ساعت [illegible] راجع به راپورتهای تلگرافی دایر بورود شیخ جلال الدین و شیخ عبدالقادر بمتصرف سلیمانیه و بانه و اینکه محمود خان رئیس عشیرت حاضر عازم جنگ با نقاط است نشود و تلگرافها را قرائت نمایند سرح صحبتی از ملاقات حاضره از حدود کردستان و آذربایجان و اینکه اکثر از طرف اکراد عثمانی ترجمه ایجاد دسته و باب نموده و نظر سفیر را بانیکه جلوگیری نموده توضیح دادم که این تجاوزات باعث جلب قوای روس بطرف تا خواهد شد و محاربه بین عساکر عثمانی و قشون روس در حدود علاوه بر اینکه تمام ولایات و قرای آنها بکلی منهدم میشود بی طرفی ایران نقض کاملاً آنها میشود مخالفت صدای است دولت ایران را دچار خسارات و حملات سخت قرار خواهد داد اولیای دولت عثمانی بنابر این مسئله را صواب نمیداند که خاک ایران با وجود بیطرفی دولت علیه مورد حملات و مخاصمات واقع و اکراد نایل گردد و دائم بود

جناب سفیر جواباً اظهار داشتند که این اهم مقصودی که اداره در اینجا جنگ ملت احترام بیطرفی دولت ایران نموده و ما در اینجا در اینموقع خودمان مسئله را بعداً نوشته و تاکید نموده ولی بدبختانه مرتباً این ملاحظه را فقط دولت عثمانی در نظر گرفته و دولت علیه ایران ابداً بیطرفی خود را فقط نسبت بدولت عثمانی حقیقت داده و در مقابل دولت روس بیطرفی عثمانی محفوظ نمیماند و در صورتیکه معاملات دولت ایران نسبت بدولت روس که بهیچوجه حفظ بیطرفی ایران را منظور نداشته و قشون خود را پیش از شروع جنگ در حدود آذربایجان زیاد نموده و غیر از این شاهده میشود که چگونه روسها چهار نفر از رؤسای اکراد را اعدام کرده و مشغول جمع آوری قواء از اهالی سرحد عثمانی هستند و چون این تجاوزات و تجهیزات منحصراً متوجه دولت عثمانی است در صدد است از حدود ایران داخل خاک عثمانی شده و بمواضع مهمه هجوم برند دولت ایران هم در مقابل آنها قوه ندارد و دولت عثمانی برای اینکه مستقیم دفاع از طرف خود می نماید لابد بخواهد نمود ولی مکرر به اینها توضیح داده ایم که مطالبات دولت عثمانی این است که ممانعت و تسلط ایران کرده بلکه نقطه نظر بموقعی است که در تحت اشغال روسها است

جواب گفته شد اینکه میفرمائید دولت حفظ بیطرفی ایران را فقط در مقابل عثمانی میکند درست در صورتیکه دولت عثمانی میخواهد بی طرفی ایران که تصور کرده این روس هم که ایران امور و جزئیات میباشد روس از طرف دولت ایران سند نیاورده است شده و جلوی اقدامات کمی و اقدامات مینماید در اینموضوع دنباله مراکز است شده هنوز با نقطه رسیده تنفرات را است که اگر آذربایجان در تحت نفوذ دولت ایران است پس بیطرفی دولت علیه چگونه با این تهدید عثمانی در بر تهدید ها و ولایات آذربایجان

را توقیف و تعقیب به تبعید نموده‌اند و اتباع عثمانی هم از رعایای خود هم شده‌اند و حتی با سرحدداری خوی و نخجوان آنها را به ترتیب جمع کرده‌اند
حمله قشون شجاع الدوله به حدود خوی چونکه تعدی قشون عثمانی متواتر و اگر آذربایجان از نفوذ دولت ایران خارج است سرحدات دولت ایران
بمورد نیست و با این حال اخطار دولت ایران الحقیقه مسکوت و دولت عثمانی خود را کار نکند و از طرف حدود آذربایجان بمورد
اطلاعات رسمی دائم بتوسط دولت عثمانی و حتی نمی‌توان از نظر قوای ایران را کاملاً محفوظ دارد که حدود آذربایجان را کاملاً رد نماید
سخت گرفته قشون خود را از طرف آنجا دافع و ورود آنها منع می‌کنند و دولت ایران هم قوای خود را در آنجا دو نموده و قشون
عثمانی را از هجوم روس مطمئن سازد از رفت آمد اکراد در حدود از طرف عثمانی شد ایران محقوق است بر طرد آنها تمام

(حسن مشیرالملک)

نمره ۱۲۹

نمره (۱۰۱)

مراسله وزارت امور خارجه به سفارت روس ۱۱ المحرم ۱۳۳۳

بموجب چند فقره تلگرافی که واصله اخیراً از آذربایجان شجاع الدوله با عده زیادی از سرباز و ملازمان ساوجبلاغ و نقل ... نعمت‌آباد
رفته وارد آنجا شده‌اند و هم قشون نظامی و غیره را احضار کرده در صدد است که افواج سرباز و اسلحه سازد که از
اینکه سابقاً خاطر آن جناب جلالت‌مآب مستحضر شده بود که حرکت شجاع الدوله ممکن است در این موقع مهم که دولت ایران خود را مشغول
حفظ انتظام و آرامی است ترتیبی را اتخاذ نماید چون جناب جلالت‌مآب وزیر مختار به تصدیق اطلاعات سرحدداران و عده
نموده بودند بلکه ایالت لازمه در منع او صادر فرمایند که برخلاف انتظار دولت ملتزم سرحدداران شجاع الدوله
مرخص نموده بطوری که پیش‌بینی شده بود فوراً شروع به اقدامات سرکرده افواج دولتی را بدون اطلاع و اجازه
دولت احضار و بخیر مشار الیه اتخاذ جلالت‌مآب تصدیق نمایند که این رفتار مشار الیه برخلاف انتظام و نظم و دیده
می‌شود نظر اینکه اولیای دولت سرحدداران هر آنچه لازم باشد که در این موقع حرکت هیچ وجه که اسباب عدم انتظام واقع باشد
در آذربایجان و غیره روی ندهد ولی عملیات در نقاط این شهر به ملاحظه آنجناب وزیر مختار انتظار دارم خواهشمندم که هر چه
زودتر برای منع شجاع الدوله از این رفتار خود هر آنچه ممکن است به سرحدداران به سرعت امر فرموده و از نتیجه هم
دوستدار را مستحضر فرمایند که دولت سرحدداران تقاضای جدی دارم از اشخاص آذربایجان محروم نشوند

(محمد علی علاءالسلطنه)

نمره ۱۳۰

نمره (۱۰۲)

تلگراف وزارت خارجه به کارگزاری

اسلامبول مورخه ۱۱ المحرم ۱۳۳۳

در ۶ و ۷ و ۸ محرم تلگرافی رسیده که دو هزار و سیصد سرباز عساکر عثمانی با اتباع شیخ حسین الدین ... داده
دولت وارد ساوجبلاغ خواهند شد و غره محرم شیخ ... که از اتباع نفوذ است با تصرف ساوجبلاغ در حالی که
حافظ سرحد وارد بانه شده ... با به مشغول جمع آوری یک راه کال ... که از طرف ... بکار
نماید خبر رسید که محمود پاشا رئیس عشایر جاف دو روز است وارد می‌شود و متصرف تصرف نموده که ... امیر ... اعلام
کرده‌اند را تحریک و تهیه ... ترکمن ... کرده با تمام رعایا ... عملیات باعث جلب قشون روس ... که
در حال آرامش نشده خواهند شد و این طرح ایران در تلف سکنه شهر اقدامات جدی خصوصاً لازم است

(محمد علی علاءالسلطنه)

نمره ۱۳۱

نمره (۱۰۳)

تلگراف وزارت خارجه به کارگزاری تبریز ۱۲ المحرم ۱۳۳۳

مذاکرات صحیح دو فقره ... از طرف ... تلگراف ... و صحیح کردید اقدامات کارگزار بر قبیل ... کارگزاری در صلاح و فایده
نموده است ... که دولت در این موقع حرکت اعتدال طرح کرده است ... عموم ... ملت در عالم آرزو دارد امیدواریم
... طرف باشند ... که ... رسم تازه طرح هر ... آنها ... برند

لازم نمودم پیش از آنکه این اسم مخصوصاً با این ترتیب باشد که از طرف جناب شیخ … منافی بیطرفی … قایل … را
دوره اروپ بدهید (… محرم علاءالسلطنه)

نمره ۱۳۲
نمره (۱۰۴)

تلگراف نایب الایاله آذربایجان ۱۲ محرم ۱۳۳۳

چون اکثر از افواج و سوار از ضعیف فوج … و غیره را … کرده اند مدلول حکم تلگرافی را به جناب مستطاب … کرده،
ابلاغ نمودم چون جمعی از آنها را دستگیر کرده ها در میان اهالی شجاع الدوله نوشته جات … از جنرال فوتوکلی روس تحصیل کرده از قرار
… با جنرال فوتوکلی اظهار نموده از این … حرکات داده از شورش … موقوف نمیشود … شده سرکرده ها مخصوصاً
جناب … اهالی را به جنرال فوتوکلی فرستاده … پیشتر سوال کردم قنسول جواب داده است چون شجاع
الدوله از طرف اعلیحضرت امپراطور … حدود … که اگر قنسول عثمانی بخطر … داخل در حکم … روس
در میان حرکات متفقه … منافات … در این صورت … خواهد بود مگر اولیای
دولت علیه لغو نمایند. (۱۲ محرم تقی)

نمره ۱۳۴
نمره (۱۰۵)

تلگراف وزارت خارجه به سفارت لندن پطروگراد ۱۵ محرم ۱۳۳۳

پطروگراد … در تبریز … خبر … حسب … شجاع الدوله به آذربایجان که سفارت روس در تبعیت … مراکز … گفتند
… حفظ … و وعده کرده … تلگراف کنند … شجاع الدوله و … از جنرال قنسول
روس خبر رسید که فوج … را احضار نموده … تلگراف شده که … شجاع الدوله ممکن است …
… افواج روس از اطراف … جناب مستطاب … اظهار … در میان اهالی شجاع الدوله را از
جنرال فوتوکلی … از جنرال قنسول … کند جنرال … الملک
که از جنرال قنسول … جواب داده … شجاع الدوله … آذربایجان …
… در میان … دولت … ایران … اهتمام …
و … مردم را از حفظ بیطرفی … شجاع الدوله … افواج دولت … خواهد کرد …
خواهند نمود … وزیر امور خارجه … شجاع الدوله …
… شجاع الدوله … ممکن است … .

(علاءالسلطنه)

نمره ۱۳۵
نمره (۱۰۶)

مراسله سفارت روس به وزارت امور خارجه ۱۷ محرم ۱۳۳۳

… بیطرفی … قبول … (بیطرفی …)
… دولت … (اقدامات … روس در آذربایجان) …
… ایران … اقدامات … روس … در فقره … مذکور
… ممکن … اولیای دولت … خودرا …
… (نظم و …) اولیای دولت … قبول …
… کلمه نظم … اولیای دولت … ایران
… در این … (کروستوتس)

نمره ۱۳۶

۱۱۶۷

نمره (۱۰۷)

مراسله وزارت خارجه به سفارت کبرای عثمانی ۸ محرم ۱۳۳۳

مطابق تلگراف دیگری که در این چند روزه از سرحددار رسیده معلوم می‌شود که باز هم رؤسای عشایر و متنفذین حدودی اکراد تبعه از قبیل شیخ جلال الدین و شیخ علی طویله و دیگران در خاک ایران و دولت علیه در زد و خورد ساوجبلاغ و ... به تحریک عشایر و ملاها و رؤسای ایلات مشغول و از آن جمله تصرف سلماس به سمت حدود صاین قلعه و عده طرفدار و چند نفر از رؤسای دیگر از قبیل خلیفه محمد صالح و شیخ محمد و سلیمان آقا در قریه ... رایت و در شهر و نیز به خاک ایران آمده از قوای نظامی عثمانی و چند عراده توپ آورده در باب ... کلانتر را شیخ مشغول جمع‌آوری استعداد شده که از طرف ... و ساوجبلاغ و ... حرکت نمایند در این اخبار ... تصرف برسند مسعود ... و شیخ جلال الدین با ... قصد ... طرفدار و سیصد عسکر و دو عراده توپ و ... تفنگ از طرف عثمانی وارد ساوجبلاغ شده ... که در حالتی که ... ادعا ... خود ... قلیه ... فرا ... وارد حکومت ایران که در ... بوده ... را ... خود خالی کرده ... علیه ... شده ... ایران ... تعرض ... خبر رسیده که عده عشایر ... در ساوجبلاغ ... عثمانی ... سفارت ... تعرض دوست ... سرحددار ... ایران ... دولت علیه ایران ... از قوای ... و سپاه ... خود ... احترام ... ذات محترم جناب سفیر ... دولت علیه عثمانی ... تصدیق ... ایران ... توجه ... حقوق ... ایران ... ارزش ... دولت ... ولی ... واقع ... دولت ... اولیای ... که ... ایران ... حدود ... از طرف دولت ... مقتضی ... حدود ... ایران ... از طرف دولت ... که ... اولیای ... عشایر ... سرحددار ... از ... توجه ... دولت ... جناب ... تحصیل نتیجه مطلوبه مورد ... ادوات ... اولیای دو دولت اسلام ... تشکر ... داده‌اند

(مهر علاء السلطنه)

نمره ۱۳۷

نمره (۱۰۸)

مراسله سفارت کبرای عثمانی به وزارت امور خارجه ۸ محرم ۱۳۳۳

با کمال ... عریضه را که ... الیه ... عثمانی ... از ... سفارت کبری ... اطلاع ... اشرف وزارت جلیله ... درج ...

محض اطلاع خاطر مبارک عرض حال را عرضه می‌دارم در ۲۲ ذیحجه ۱۳۳۲ ... فرمانروای ... حکومت ایران ... وارد ... ایران ... شده جناب ... حاجی ابراهیم ... عثمانی ... در ... اهالی ... از ... که ... والی ... مهر ... را از ... ساوجبلاغ ... اردبیل ... نصرت الحکومه ... والی ... ایران ... اتباع ... اسلام ... حکم ... اتباع را ... کرده ... تعدی ... کرده

58

39

و در روز ما رالغاه دهنه سوار از دو نوم از چهار نفر اتباع که تجار بودند بنابر دعه تعدیات الحکومه [illegible] کرده وقتانه اینها را که [illegible]
قنسول روس تعقیب نمود وحبس کردند خودها و هستی را با همراهی [illegible] رسیدند تا ایران و [illegible] نمود [illegible] دعه تعدیات الحکومه
همراهی سه چهار نفر قزاق روس روانه اردبیل نمود از قرار معلوم که از اتباع روس بطرف [illegible] عبور داده [illegible] از اردبیل [illegible]
تمام خسارات کرده از محبس حکومتی آزاده مشغول حفظ اهل و عیال خود [illegible] عیالات آنهم و سعدی ابراهیم [illegible] تبعه عثمانی
که با از چهار نفر [illegible] شده اند [illegible] گرفتار و روانه اردبیل نموده اند)
و در سندار [illegible] که این قبیل رفتار و حرکات [illegible] با مامورین روس [illegible] که نمایندگی و همراهی با مامورین محلیه [illegible] درباره اتباع
و مامورین رسمی دولت متبوعه [illegible] که [illegible] در جنگ [illegible] دوست هم [illegible] از طرف برای [illegible] جلوگیری
خود [illegible] اتخاذ نموده بود [illegible] سردار [illegible] از طرف دولت علیه ایران [illegible] و از طرف
دیگر با مامورین روس ما مامورین محلیه اند دولت علیه بسیار [illegible] تمام [illegible] قواعد عالم درباره اتباع و مامورین عثمانی از حکومت رفتار خلاف قاعده
از قبیل حبس و توقیف [illegible] اوراق رسمی و وجوه نقدی و غصب اموال و قتل و [illegible] اینها [illegible] نموده امر بهذا
سردار حق [illegible] رفتار و حرکات با مامورین روس و مامورین محلیه اند دولت علیه [illegible] با مامورین و اتباع عثمانی [illegible] نموده
[illegible] ایران [illegible] درباره [illegible] و اتباع عثمانی [illegible] ایران طلب [illegible] آنچه
سلطانی [illegible] از طرف مامورین روس [illegible] مامورین محلیه اند دولت علیه درباره عثمانیان [illegible] خاک
ایران واقع گردیده فوراً احتیاطیه را ذکر [illegible] (عاصم)

نمره ۱۳۸

نمره (۱۰۹) [illegible] وزارت امور خارجه [illegible]

[illegible] ۱۸ المحرم ۱۳۳۳

روزنامه رعد در نمره ۳۲ مورخه ۱۲ شهر حال مقاله درج نموده بود که: نظر به اظهارات رسمی [illegible] سفارت روسیه
دولت ایران ظاهراً وعده داده است که بطرفی [illegible] خود را [illegible] روسیه حفظ [illegible] اظهارات [illegible]
وزیر مختار روس که خلاصه آن در تاریخ ۲۵ ذیحجه [illegible] مندرج بود دولت علیه [illegible] وعده بطرفی [illegible] داده
[illegible] بر اساس بود و [illegible] بطرفی کامل و مطلق دولت علیه [illegible] وزارت امور خارجه خویش را مجبور دید
که [illegible] بطرفی [illegible] را در جریده فوق الذکر [illegible] رعد [illegible] موضوع است
[illegible] روزنامه رعد [illegible]
[illegible] وزیر مختار روس [illegible] در آن [illegible] آقای وزیر مختار
اشاره نموده [illegible] دولت ایران [illegible] از طرف دولت روسیه [illegible] وعده بطرفی
[illegible] وزیر مختار روس [illegible] اظهارات [illegible]
قرار داده است [illegible] آقای رئیس الوزرا [illegible] وزیر مختار روس [illegible] وعده بطرفی [illegible]
خروج قشون روس را ما [illegible] (علاء السلطنه)

نمره ۱۳۹

نمره (۱۱۰) [illegible] وزارت امور خارجه [illegible] ۲۱ محرم ۱۳۳۳

در تعقیب [illegible] ۵ المحرم [illegible] دولت روسیه [illegible] اتباع [illegible]
اتباع [illegible] مشغول جمع آوری قشون [illegible] علاوه [illegible] دولت [illegible]
[illegible]
[illegible] خاطر [illegible] اتباع [illegible] احترام کنند

٥٩
۴

خیلی آزار داده همان ساعت فرار نموده بسمت بغداد رفت خطرناک بود منتظر جواب فوری هستم (علاء السلطنه)

نمره ۱۴۰
نمره (۱۱۱)

تلگراف وزیر مختار ایران مقیم پطروگراد بوزارت خارجه ۲۳ محرم ۱۳۳۳

با وزیر امور خارجه مذاکرات لازمه نموده گفتند جانشین وزیر مختار در طهران اظهار نموده است مقصود از حرکت شجاع الدوله انتظام امور خود در مراغه است و شجاع الدوله مشغول تهیه وسائل برای جلوگیری هجوم اکراد به ارومی است از حقیقت خود دولت علیه مطلب را بی خیال نکنند و سرحدداری شجاع الدوله و غیره صلاح بر ارز و مناسب است که دولت علیه مراقبت و سرحدداری از شجاع الدوله در حفظ امنیت سرحد و جلوگیری از هجوم اکراد به ارومی نشان نظر نزده و عمل شما که دولت علیه در اقدامات سابقه شجاع الدوله را از ان مرحله تعقیب هم در این باب مذاکرات کرده جواب قوی را داده هم گفتند بالصلاح قشون عثمانی وارد ساوجبلاغ شده قشون روس رفته در سرحد تمکین دارد این فقره هم باعث ممانعت از شجاع الدوله شده است و اراده جنابعالی دارند که در مراغه بنشینند کاری نکند
(احمد)

نمره ۱۴۱
نمره (۱۱۲)

راپورت تلگرافی ساوجبلاغ مورخه ۱۳ محرم ۱۳۳۳
(وصول ۲۳ محرم)

سه روز قبل از کوک و شیخ عبدالله با دویست نفر عسکر و با قصد لشکر عشایر طرف عصر وارد و حکومت جلیله در بلاغ خانه بودند که خود مصرف تلگرافخانه آمده و کلیه شکر که چرا انتقال یافته جواب دادند من با مراد در جلسه هم تماماً دستور حکومت کرد ایران بتنزلید با نظمی که مراد لازمه اقدامات را انتظام داوریم و در صورت دوستی بخواهید که ایرانی چه مطلب دارد تصرف شکفتنی خبر با مساعدت شما آمده هم وعده داریم صحبت حکومت رفتند شهر جمع در سر حال دو دخت است
(سلطان محمود)

نمره ۱۴۲
نمره (۱۱۳)

راپورت تلگرافی گوگان ۱۴ محرم ۱۳۳۳

فوج اول خاصه که مقابل سرحد شده از بعد آنها با تجهیزات سرتیپ عازم شده عقب آنها هم امروز و فردا امروز دیشب نفر توپچی بهادر لو برای آوردن توپ از تبریز مراغه امروز از گوگان عازم تبریز شدند
(محمد بیگلربیگی)

نمره ۱۴۳
نمره (۱۱۴)

راپورت تلگرافی میاندوآب مورخه ۱۴ محرم ۱۳۳۳
وصول ۲۳ محرم

دیشب دو ساعت از شب گذشته قشون ساوجبلاغ با چادر خود وارد میاندوآب شدند فعلاً در حال دو آبی هستند
(عبدالحسین)

نمره ۱۴۴
نمره (۱۱۵)

راپورت تلگرافی مراغه ۱۵ محرم ۱۳۳۳
(وصول ۲۳ محرم)

شجاع الدوله امروز صبح قریب ششصد سوار و هفتصد سرباز حاضر مراغه را با پیاده و توپ عازم میاندوآب نموده و خودشان از عقب با هرچه سوار و سرباز حاضر شد با نوشته خود شبها از نوخاصه اردو عازم میاندوآب خواهند شد
(محمد رضا)

نمره ۱۴۵

نمره (۱۱۶)

راپورت تلگرافی ساوجبلاغ ۱۵ محرم ۱۳۳۳

دیروز بعد از عصر [illegible] وزیر عثمانی با همراهان که دارند [illegible] رسانیده پس از عرض راپورت [illegible] آقا بقول خودش با شصت نفر
محمد امین آقا پیران با [illegible] نفر وارد طرف عصر سهام السلطان قوم قراپاپاق با [illegible] آقا و رضا آقا پیران آقای [illegible] آمده بر
حاجی خان [illegible] از شهر [illegible] آقایان [illegible] حکومت جلیله [illegible] دارند [illegible]
جسارت را از حد گذرانیده محمد آقا پیران است [illegible] که حکومت جلیله [illegible]
مصرف رفته بودند [illegible] از جمله [illegible] خاک ایران و معاودت
نمایند [illegible] اظهارات صحیح است اهالی ساوجبلاغ [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] دولت عثمانی بوده [illegible]
[illegible] حکومت جلیله [illegible] جواب [illegible] مصرف [illegible] و آقایان [illegible]
[illegible] ایران [illegible]
[illegible] ساوجبلاغ [illegible] خاک پاک ایران [illegible]
حکومت جلیله [illegible]
[illegible] ساوجبلاغ [illegible]
[illegible] آگر قاش (۱)
[illegible]
[illegible]
[illegible] حکومت [illegible]
آقایان [illegible] حکومت همراه می‌باشند (سلطان محمود)

نمره ۱۴۶

نمره (۱۱۷)

راپورت تلگرافی ساوجبلاغ ۱۶ محرم ۱۳۳۳

(وصول ۲۳ محرم)

از طرف حکومت جلیله [illegible] از طرف مصرف [illegible]
فعلاً شهر آرام [illegible] حکومت جلیله [illegible] راپورت [illegible]
[illegible]
[illegible] نمایند (سلطان محمود)

نمره ۱۴۷

نمره (۱۱۸)

راپورت تلگرافی [illegible] ۱۶ محرم ۱۳۳۳

(وصول ۲۳ محرم)

یک عراده توپ بزرگ [illegible] اعزام نمودند (محمد رضا)

---

(۱) آگر قاش دهی است در شمال شرقی ساوجبلاغ

نمره ۱۴۸
نمره (۱۱۹)

راپورت تلگرافی سلماس [illegible] محرم ۱۳۳۳

(وصول ۲۳ محرم)

دیروز چهار بعد از ظهر پیش قراول اردوی عثمانی [illegible] بوارد [illegible] دو فرسخی [illegible] رسیدند

(عبد الحسین)

نمره ۱۴۹
نمره (۱۲۰)

راپورت تلگرافی ساوجبلاغ ۲۰ محرم ۱۳۳۳

(وصول ۲۳ محرم)

دیروز [illegible] چهار [illegible] که [illegible] و [illegible] شده بود [illegible] نموده [illegible] در [illegible] را [illegible] نموده [illegible] آنجا [illegible] که [illegible] دولت عثمانی که [illegible] در تحت محافظه قراول حکومتی [illegible] شهر [illegible] بوده [illegible] را [illegible] و [illegible] را [illegible] نداری ضبط [illegible] جمع شده [illegible] حکومت [illegible] و [illegible] تغییر پیدا کرده [illegible] نظر [illegible] رفتار نمایند

(سلطان محمود)

نمره ۱۵۰
نمره (۱۲۱)

مراسله سفارت روس بوزارت امور خارجه ۲۳ محرم ۱۳۳۳

از قراریکه [illegible] اطلاع داده اند عثمانیها در ساوجبلاغ [illegible] و اموال [illegible] و [illegible] قنسول [illegible] ضبط و تصرف نموده اند [illegible] سفارت [illegible] تقاضا [illegible] عثمانی نخواهند فوراً [illegible] نمایند که [illegible] و اموال [illegible] مسترد [illegible] حکومت [illegible] [illegible] در آذربایجان حکم خواهد شد که تمام اموال و اسباب [illegible] عثمانی را ضبط و تصرف نمایند [illegible]

(کرستوویس)

نمره ۱۵۱
نمره (۱۲۲)

مراسله وزارت امور خارجه بسفارت کبری عثمانی مورخه ۸ محرم

[illegible] چندی [illegible] رسیده است [illegible] عشایر [illegible] دولت علیه [illegible] جلال [illegible] در خاک [illegible] دولت علیه [illegible] ساوجبلاغ [illegible] ایران [illegible] عشایر [illegible] دولت [illegible] و [illegible] در قریه [illegible] خاک ایران [illegible] نظامی عثمانی [illegible] هستند که [illegible] ساوجبلاغ [illegible] دولت علیه [illegible] ایران که [illegible] روابط [illegible] ایران [illegible] نموده از آن جناب [illegible] عشایر [illegible] خاک ایران [illegible] بطرف [illegible] دولت [illegible]

(محمد علی علاء السلطنه)

نمره ۱۵۲
نمره (۱۲۳)

مراسله سفارت کبری عثمانی بوزارت امور خارجه ۲۴ محرم ۱۳۳۳

در جواب مراسله [illegible] وزارت [illegible] مورخه ۱۸ محرم [illegible] ساوجبلاغ [illegible] که [illegible] [illegible] که احوال [illegible] [illegible] دولت [illegible] تکرار [illegible]

۴۲
۴۳

مخابره چند نسخه تلغرافات کرمان [illegible] رسید شنیدند که نمایندگان متحدین سابق و اراده دولت در اینجا با نوکر و [illegible] کرمانشاه ... [illegible]
حالیه مکرر است اولیای قطعی هم بعضی از امورات با [illegible] اعتدال و کتباً تلغرافات کرمان [illegible] بلند ولی بدون اینکه ثمر نمری کرد لطوریکه اوراق
تلغرافات نشد و وزارت جلیله امور خارجه با صدق حال مطلع شد در این صورت چه شده است که اکنون بدرالدوله [illegible] بیان با مورین
معلوم الحال با این درجه بی اوراق با حقیقت نمرده و اهمیت [illegible] می‌شود و علاوه بر آن پس از وصول دولت عثمانی کمک [illegible] و مشاورات
و مطالبه از دولت [illegible] و ... و [illegible] احوال و اموال [illegible] تسمیه و نمودن [illegible] که بالمره هم
مساعی و نظامی روس با کمک و شرکت بیان با مورین محلیه در باره با مورین [illegible] و تابع و نهب [illegible] عثمانی [illegible] نظر او ... [illegible]
عظام امیدوار بود (زبانی سید ... ایران توجه کرده و با مقررات مهمی حقوق [illegible] عظیم [illegible])
و بی [illegible] آن با مورین معلوم الحال موجب مرقوم و نقش آن [illegible] که حقیقه [illegible] بالبر [illegible] نموده است
و [illegible] از [illegible] با مورین [illegible] در خصوص [illegible] ... وزارت خارجه [illegible] ... [illegible] است که جدا
با مورین محلیه از [illegible] فقط [illegible] در تحریر [illegible] آن وزارت [illegible] ... فوق العاده درج
کرده و اکتفا نموده اند و [illegible] با ... [illegible] دولت عثمانی
و [illegible] و تلفات [illegible] ... قشون عشایر را اسیر
با ... [illegible] ... ایرانی [illegible] ... عساکر عثمانی وارد [illegible]
شده اند [illegible] ... دولت عثمانی از دست ... [illegible] آن سامان بوده است و اکراد و عشایر هم
اکنون [illegible] ... [illegible] ایران [illegible] صادق
است که در عوض [illegible] عشایر و اکراد آن حوالی [illegible] از دست [illegible] بوده اند [illegible]
و [illegible] ... [illegible] ... [illegible]
که [illegible] ... احکام جهاد و دفاع [illegible] ... علمای اعلام
صادر کرده [illegible] ... [illegible] ... [illegible]
[illegible] ... اولیای فخام دولت علیه ایران [illegible] ... و تسلیم
احترامات فائقه را تکرار می‌نمایند (امضاء)

۱۵۳۰

نمره (۱۲۴)

تلغراف نایب الایاله آذربایجان ۴ محرم ۱۳۳۳

(در روز [illegible] دو فقره تلغراف دیگر از ... رسیده ... عرض میرسد: صبح [illegible] تلغرافی عرض کرده تلگراف فوراً [illegible]
نموده [illegible] ... وارد [illegible] ... (محمد حسن [illegible])
[illegible] ... [illegible] ... [illegible]
[illegible] ... [illegible] ... [illegible]
[illegible] ... [illegible] ... دولت علیه ایران [illegible] است
از طرف [illegible] ... [illegible] ... [illegible]
[illegible] ... [illegible] ... [illegible]
[illegible] ... [illegible] ... (محمد حسن [illegible])
[illegible] ... [illegible] ... [illegible]
[illegible] ... [illegible] ... [illegible]

کرکوک و حتی که متصرف کرکوک با سردار بکری نموده از خطر مبارک رسیده و زنانی هم که همراهی رسید بعرض حوالی رسید

(تقی)

نمره ۱۵۴

نمره (۱۲۵)

تلگراف وزارت خارجه به کارگزاری ذات الجلاله تبریز

مورخه ۲۴ محرم ۱۳۳۳

سفارت عثمانی مینویسد در دو دفعه دیگر بعد حیدر ابراهیم صلیبی با قوه‌های عثمانی و چهار نفر اتباع عثمانی در اردبیل با موردی حکومتی اسکان گشت
قونسولگری روس که دسته قزاقها اتباع مزبوره را گرفته و دفعه بعد مثل الملک نایب الحکومه ضرب زده ساز اینها را ضبط و مبلغی وجه نقد از آنها
دریافت و آنها را همراهی عده قزاق روس روانه روسیه نموده است مساعدت کرده است توقیف شده همه حقوق و حفظ حقوق رفتار
شده صورت محبوسین همراه است طبقه طبقه و دکتر ابراهیم بیک را گرفته‌اند ... اتباع دول متحابه را از حمایت طرف ایران
دستگیر و استنطاق و پول از آنها گرفته روسیه بفرستند فرض کنیم که قزاقهای روس اقدام با حکومت مدتی کار صورتی دیگر داشت
در دولت رابطه جهالت و ظلم با اینها حکام محلیه در جواب اعتراض سفارت مسکوت کردند لازم است ادله تحقیق نماید که اظهارات سفارت
عثمانی صحت دارد و جبر بانیان طبق بالتدابیر سابقه تمام حکام و نواب آذربایجان ممنوع است را الکند بدید که در این قبیل موارد
ابدا مداخله نکرده مسلک دولت متبوع خود را که حفظ کامل بیطرفی است رعایت ورزد از تعقیب روسیه بر حرف شده مبادی در
برای دولت فراهم سازند و باینها هرگاه مملک الملک واقعا اقدام را کرده در تفصیل او اهتمام دیگری را اسیای اولیا سند اقدامات را اعلام

(محرمع علاء السلطنه)

نمره ۱۵۶

نمره (۱۲۶)

تلگراف وزارت امور خارجه به سفارت کبری اسلامبول ۵ محرم ۱۳۳۳

در حالیکه سنندج و اطراف کردستان در بحران است دولت ایران خبر رسید که مأمور عثمانی در سنندج اظهار میدارد که عده
عسکر و ظفر سوار کردستان خواهد آمد عثمانیها موقع را مناسب برای حمایت تجاوز کارانه خود دیده با موقعی که از ایران در روز
تجاوز و حمیت روسها را با تمام مرجعه بسند بشید برای دولت بطرف مقدس بر کشید بکنید جلوگیری اقدام و نتیجه را اطلاع بدهید

(علاء السلطنه)

نمره ۱۵۷

نمره (۱۲۷)

تلگراف وزارت امور خارجه به سفارت پطروگراد ۶ صفر ۱۳۳۳

با سابقه احوال شجاع الدوله که در حالیکه از اول دولت حکومه دولت روس توقع دارد که از طرف دولت ایران با تمامات قاصد
او شود و آنها این سیاهی را ... اعلامیه سیاسی خواهد داشت اگر دولت روس با قصد شجاع الدوله و جلوگیری از اکراد نکوشد
داشت همراه و مریدگیه رو در این حال اعلام بتعهد و جمع آوری استعداد از تمام افواج در این حال دولت مرکزی متمرد اکراد جلوگیری
از اکراد و حفظ آسایش ملاحظ را خود دولت کامله ملزم است عهده و باید از حضور دیگر حرکت روس بطهران حرکت میفرستند بکند
اجرای این امر ممکن خواهد بود تعلید و شجاع الدوله در قطع مخابرات تلگرافی نیستی در آن صفحات بمرد خود را با دولت مغلوب و ممکن نیست که دولت
تواند موفقی با خیالات او و برنامه ... زیادی هم برای دولت تولید خواهد شد طهران است در این باب سابق و این
تلگراف با وزارت امور خارجه مذاکره و تعهد او را از آنجا که ... نتیجه را اطلاع بدهید

(علاء السلطنه)

نمره ۱۵۸

نمره (۱۲۸)

تلگراف وزیر مختار ایران از لندن به وزارت امور خارجه ۴ صفر ۱۳۳۳

درباب شجاع الدوله سکوت ... اصلاح میشود از صحبت ... سفارت روس احتیاط میشود که روسها حضور شجاع الدوله را در حدود
با عثمانی مفید و نفوذ او را در مطیع کردن طوایف با روس کمک بدهند ولی انگلیسها با همراه او و با دولت روس در ممانعت
شجاع الدوله جمع مذاکره نموده اند در صحبت بیطرفی و اقدامات ترکها علیه دولت خارجه کلمه مکرر ذکر دولت علیه با حدی که لازم است
به سفارات عثمانی بدولت نکرده است ظاهرا تعجب کرده که تمام طلبات مرتکب است

(مهدی)

۴۴
۴۵

نمره ۱۵۶ ۲

۱۲۶ / ۲

۱۱۷۴ ——— مراسله سفارت آلمان به وزارت امور خارجه مورخه

۲۵ شهر محرم ۱۳۳۳

با کمال احترام خاطر مبارک دفاتر جلیله اشرف را مستحضر میدارد که مأمورین نظامی روس در حقیقت دو نفر توقیف نمانده که از اتباع آلمان

برای عبور سالمانه خود همراه داشتند در اهار گرفته و از ۱۳ الی ۲۲ نوامبر در ... در نخجوان مأمورین مزبور دو نفر دیگر در یک محبس

متنزل توقیف نموده اند و از آنها اسلحه و تمام اسباب آلمانی آنها را گرفته تنها دو نفر مزبور در تبریز و بعد آنها را بحکم حکومت

اراده ... طور معامله نمایند

و میدارد ... در خصوص این اقدام متجاوزکارانه که بر علیه اتباع آلمان در یک مملکت بیطرفی بعمل آمده در طرف دولت

علیه ایران حق تامه وارد میباشد و در جناب اشرف بطور جدی از دولت روس اعتراض نموده و مستدعی است اقدام خود را مستحضر

خواسته فرموده در تعیین جبران ... تجدید نمایند

(امضا: فن کاردوف)

نمره ۱۳۳

نمره ۱۰۴۰

۱۱۷۵

تلگراف وزارت جلیله داخله به کلیه نقاط آذربایجان

[illegible] اردبیل - سراب - اهر - خلخال - میاندوآب - ساوجبلاغ - مرند - مراغه - گاوگان - عجب‌شیر [illegible]

مورخه ۱۴ محرم ۱۳۳۳

ریاست تلگرافخانه [illegible] تلگرافخانه‌ها [illegible] ولایات جزء آذربایجان مأموریت دارد که این تلگراف را فوراً به [illegible] لازم برساند عموم صاحب‌منصبان و سرکردگان نظامی و افراد سوار و سرباز و توپچی و غیره هم نظر با اهتمامی که دولت در حفظ و تکمیل بیطرفی [illegible] آذربایجان دارد لزوماً اخطار می‌کنیم که قاطبه افراد نظامی از صاحب‌منصب و تابین باید مرتب باشند که حرکتی از آنها بر خلاف نظم و بیطرفی نشود و صریحاً می‌نویسیم که هرگاه صاحب‌منصبان نظامی و تابین اعم از سوار و توپچی و غیره بدون اجازه دولت علیه و اطلاع آذربایجان زیر اسلحه بروند [illegible] خود صرف نظر کرده [illegible] مخصوصاً [illegible] سوار و سرباز به دولت [illegible] صریحاً [illegible] که اگر سوار و سرباز و توپچی [illegible] بدون اجازه دولت استعمال اسلحه [illegible] مقصر دولت خواهند بود [illegible] خواهد شد

(حسن ابن یوسف مستوفی‌الممالک - وزارت داخله)

نمره ۱۳۴ / ۳

نمره ۱۵۵

مراسله سفارت کبرای عثمانی به وزارت امور خارجه - ۲۴ محرم الحرام ۱۳۳۳

در جواب دو فقره مراسله محترمه وزارت جلیله امور خارجه مورخه ۲۵ و ۲۶ شهر ذیحجه الحرام ۱۳۳۲ دایر به ادعای ورود قشون عثمانی به خاک ایران و قطور و ساوجبلاغ [illegible] قطور را مرقوم فرموده بودند زحمت افزا شده هر چند حقیقت امر در نزد اولیای عظام دولت علیه ایران کاملاً مکشوف و محتاج به تشریح نیست ولی سکوت خود را بیش از این حسب‌الوظیفه جایز ندانسته و دلایل ذیل را اظهار [illegible]

در ابتدای جنگ حاضره قوای نظامی عثمانی ابداً تجاوز از حدود ننموده و بر عکس قشون روس از خاک پاک ایران حمله به خاک [illegible] عثمانی کرده [illegible] آیا روسها نبودند که [illegible] قطور [illegible] عثمانی تسلیح نموده‌اند - آیا روسها نبودند که عبدالرزاق [illegible] اسلحه و مهمات [illegible] عثمانیها [illegible] قشون روس مشغول محاربه می‌باشند؟ اگرچه در جواب از طرف عثمانیان کاملاً تشکیک گردیده آیا روسها نبودند که [illegible] در آذربایجان [illegible] عثمانی [illegible] ؟ و الا اگر آن [illegible] از طرف روسها در خاک ایران واقع [illegible] علت داشت که دولت [illegible] عثمانی در جنگ [illegible] کلمة الله و حفظ حقوق [illegible] عالم اسلام [illegible] در حدود [illegible] دولت [illegible] ملاحظه تشریح فوق [illegible] وزارت جلیله [illegible] خواهند داد که [illegible] اولیای [illegible] دولت علیه ایران [illegible] آذربایجان و عدم [illegible] در حفظ بیطرفی کامل ایران [illegible] در جنگ [illegible] عالم اسلام [illegible] برای دولت عثمانی فراهم گردیده است [illegible]

(عاصم)

تلگراف حکومت بوشهر بوزارت امور خارجه نمره

۲۷ محرم ۱۳۳۳

تلگراف شب ۲۸ زیارت شد خیلی اسباب حیرت است که سفارت عثمانی بنده را متهم ساخته است در مسئله جهاز (آلمانی لنگا)
ابهام روز [illegible] که ثابت نمایند یا معذرت بخواهند حال این جهت را البته [illegible] که بنده بحارات انگلیسی [illegible]
که به بصره بروند و [illegible] هم احکام سخت صادر کرده است که با انگلیسها همراهی نمایند که هر جهاز [illegible] بنادر [illegible] از جنگ با کشتیهای
یک جهاز آلمانی [illegible] یک جهاز روسی [illegible] کشتیهای انگلیسی بود در این ایام هر جهازات انگلیسی [illegible] نمایند و تمام کشتیهای
انگلیسی را اینها کمک دارند [illegible] هستند و از اهالی کویت و بنادر [illegible] این جهت [illegible] است که [illegible]
ملک هم قبول نمیکنند انگلیسها تقدیر [illegible] دریائی دارند [illegible] خط بحری را [illegible] کرده و خط بحری [illegible] و تقدیر از [illegible]
که [illegible] عثمانی بوده [illegible] اهالی کویت [illegible] دارند که [illegible] محتاج نمایند [illegible]
جهاز توپخانه که ما داریم و حال اینکه هیچ جهازی هم در تحت حکم بنده نیست بحارات انگلیسی رفته‌اند [illegible] بنده به بنادر صحیح
در صورتیکه این مسئله و مسئله صدور احکام مأمورین را [illegible] همراهی انگلیسها ثابت کرده‌اند بنده [illegible] تعقیب فرمایند
استقلال [illegible] و الا [illegible] بنده که سی سال [illegible] در [illegible] مأموریتهای مختلفه [illegible] امور خارجه خدمت داده‌ام [illegible]
تفصیل [illegible] مشهور است [illegible] بنده را [illegible] سفارت [illegible] بخواهید معلوم شود که [illegible]
که [illegible] عثمانی در بوشهر [illegible] شهبندری دارد [illegible] محمد حاجی [illegible] که در سال
۱۳۱۶ و پس از [illegible] تفتیش که احکام [illegible] قرار رسید که او در [illegible] وکالت شهبندری قبول
نفرمایند [illegible] محمد حاجی را [illegible]
[illegible] شهبندر بوشهر [illegible] ایران [illegible] عثمانی
که [illegible] بوشهر و از [illegible] که مضمون آن عیناً درج میشود ؛
[illegible] سفارت عثمانی [illegible] حاکم بوشهر و بنادر [illegible] خلیج فارس [illegible]
[illegible] انگلیسی دارند [illegible] همراهی [illegible] بصره
[illegible] احکام سخت [illegible] صادر میکنند که [illegible] همراهی با انگلیس نمایند [illegible]
که حکومت ایران [illegible] خلیج [illegible] دولت [illegible] ملت
[illegible] عثمانی و ایرانی [illegible] حکومت خلیج [illegible] دولت
[illegible] محمد حاجی [illegible]
[illegible] از طرف محمد حاجی [illegible] داده [illegible] بنده [illegible] تلگراف [illegible]
[illegible] عرض بنده معلوم نبود [illegible] شهبندر عثمانی نموده است [illegible] تلگراف [illegible]
محمد حاجی است که سفارت عثمانی [illegible] محمد حاجی را
[illegible] الحکومه [illegible]
[illegible] انگلیسها
[illegible] بنده [illegible]
انگلیسها [illegible] مسئله جهاز (آلمانی توکا) [illegible] که
[illegible] داده شود

(علی محمد)

۱۱۷۷ نمره ۱۵۷

مراسله سفارت کبرای عثمانی بوزارت امور خارجه

۲۸ محرم ۱۳۳۳

موافق اخبار صحیحه که اخیراً بسفارت کبری رسیده معلوم میگردد که شجاع الدوله فقط محض تنها با دریاکان ایلخی کمر زده بلکه با کمال جدیت
افواج آذربایجان را با توپخانه و سوار ایرانیه و دسته‌ها بامداد آن برضد عثمانی‌ها جمع میکند و حقوق آنها را هم از مالیات دولتی گرفته و مسلح و دراردو کاملاً
هم هر قدر ذخیره در دولت حاضر بوده از قبیل یوت و کشک و غیره ضبط و بار حرکت خود برده است و سند از محرمانه است که آنها این اقدامات
را بطرفی دولت علیه ایران لااقل خواهند است تا حال الله اولیای عظام بهیچ تعذر خواهند فرمود نهادا سند ارسال و حصول الد اقدامات
فوق الذکر شجاع الدوله را که تماماً مخالف با مبادی بیطرفی اند دولت علیه ایران شده رد و تکذیب نموده و فوراً از آن اقدامات
وزارت جلیله سیمری است که اگر این اقدامات شجاع الدوله برخلاف میل و اراده اولیای محترم اند دولت علیه است رسماً و علناً مخالف خود بوده
مرقوم میفرمود را در تمام خاک ایران منتشر در آذربایجان سرکوب اسلام فرمایند که اهالی وقوع بیطرفی دولت علیه ایران او را از زمره
عصاة و سرکشان محسوب نموده و در گرد او جمع نشده و با او همراهی کردن نه نمایند و الا نصد البتوق خواهند فرمود که دولت متبوعه سفارت از
دریافت این همه رفتار و سایر حرکات مامورین سیاسی و نظامی روس که با شورش محلی ایران در همه قسم تصوری را که لازمه یا بدتر است که علیه
ننماید محقق خواهد بود بموجب اقدامات لازمه را اتخاذ نماید

(عاصم)

نمره ۱۵۸

تلگراف وزارت خارجه بسفارت کبری دولت ایران مقیم [illegible]

غره صفر ۱۳۳۳

روزنامه اسلو در ۲۳ نوامبر مرقومی دایر به تغییر بیطرفی ایران و حمله عثمانی بطرف مواضع عثمانی نوشته است بر تکذیب این اخبار لازم است
فوراً تکذیب نمائید

(وزارت امور خارجه)

نمره ۱۵۹ تلگراف وزارت داخله به حکومت [illegible] — ۲ صفر ۱۳۳۳ اول

حضرت یا قضات جعفرت سلطان محمد الاسلام ادام الله دولته و شوکته — تلگراف محترم حضرت عالی در خصوص جنگ بین دولت علیه عثمانی و بعضی دول
دیگر و حصول انجمنید و نظریات اخیر که از احترام حضرت اقدس ملوکانه رسید تا این انقدر آن ذوات محترم در حفظ
بیضه اسلام و مابین دو فرقه ممالک اسلامی رشک مسلم و با کمال تقدیر است و باید مطمئن هم باشند که اولیای دولت علیه ایران هم در حفظ بلاد اسلام و
آسایش حال مسلمانان بمنظوری بر از در — و یک نکته هم از با حال اطلاع خاطر محترم رسیده است که دولت علیه بطرفی خود را که با دول
با تمام دول اسلامی و غیر اسلامی دانسته است منقضی باید که در موضوع جنگ دول از دول تا بگذارد که بطرف خود را ازهم زده طرف دیگر را اختیار کند تا بر این
مسلک بیطرفی را اساس نهاد خود ساخته و این نظر خود را رسماً به اطلاع ممالک متبوعه دول متحاربه اسلام و غیره نموده در این تاریخ که بهمین
نظر در اینکه این مسلک سرو صدا و اتفاق آن ذوات مقدسه با نظریات دیگر در اندیشه خود اطراف کار در مطالعات متوجه و حوال مملکت
توجهی نمایند خواهند دید اما این مسلک را تحولی داده و خواهند دید که اتخاذ این نیت در حفظ موضوع با حالت حالیه بیشتر در اینجا منظور بسیاری
حفظ مقدس و اتحاد حفظ با تمامیت بلاد اسلامی با کمال احساس است بنابراین بیطرفی رو بسرود که اذهان آن ذوات مقدسه بهتر این نظر را
طرف توجه قرار داده و در تاثیر آن نقطه بیطرفی تصحیح نمودند و تعلیمات مؤثر صادر فرمایند که انشاء الله تعالی ممالک محروسه
ایران و جمعیت مسلمانان با توجهات کامله حضرت حجت عصر عجل الله تعالی فرجه و با یدی آن ذوات محترمه از مصائب جنگ
محفوظ مانده و در حفظ دوائر کنیکم کاشف شوند

(حسن مستوفی الممالک (وزارت داخله)

نمره ۱۶۰

نمره (۱۲۹) مراسله وزارت خارجه به سفارت روس ۳ صفر ۱۳۳۳

در جواب مراسله محترمه آنجناب جلالتمآب مورخه ۲۳ محرم با نهایت احترام زحمت افزا است که سفارت در وصول مراسله محترمه از تبریز
تلگرافاً اطلاع داده اند که جنرال قنسول امپراطوری [illegible] ایالت آذربایجان [illegible] نموده و چون [illegible] تصمیم نمودم که مراتب را
باطلاع خاطر محترم رسانده ضمناً خاطر آنجناب جلالتمآب را متذکر مراسله خود مورخه ۱۳ ذیحجه نموده یادآور شوم در این مراسله [illegible]
آنجناب جلالتمآب را مسبوق ساخته بودم که از رفتار نظامیان امپراطوری به در اینموقع نسبت به شهبندر عثمانی در تبریز ممکن [illegible]
داشته و چون [illegible] که اولیای دولت [illegible] برای رفع توقیف [illegible] شهبندری و استخلاص شهبندر فوراً [illegible] فرمایند [illegible]
فرمود که اگر در اینموقع بطوری که اولیای دولت متبوعه من [illegible] کرده بودند از طرف اولیای امپراطوری به [illegible] داده
داده شده بود [illegible] دولت علیه را [illegible] امپراطوری به در خطه آذربایجان [illegible]
نظامیان امپراطوری به [illegible] فرموده بودند [illegible] که [illegible] اولیای دولت
متبوعه من [illegible] اقدامات [illegible] امپراطوری به [illegible] دولت علیه عثمانی
با نقض بیطرفی ایران [illegible] آنجناب جلالتمآب [illegible] دولت علیه عثمانی [illegible] اطلاع
[illegible] امپراطوری به بعمل آمده [illegible] اندازه [illegible] حقوق بیطرفی دولت علیه ایران [illegible] خاطر اولیای امور
دولت عثمانی را در اسلامبول و طهران [illegible] بعمل خواهند آورد
[illegible] سفارت کبرای عثمانی بعمل آمده [illegible] که تلگرافات [illegible] تحقیق [illegible] رفتار [illegible]
ولی چون [illegible] لازم [illegible] خاطر محترم را [illegible] رابطه تلگرافی [illegible] طرف [illegible]
نظامیان امپراطوری به [illegible] قطع کرده [illegible] دولت [illegible] امپراطوری به
[illegible] مخابرات [illegible] مقطوع گردیده [illegible] آنجناب جلالتمآب [illegible]
[illegible] مراسله خود مورخه ۲۳ محرم ۱۳۳۳
نموده [illegible] دولت علیه [illegible]
عدم تعرض [illegible] اقدامات لازمه [illegible] نموده ام
بطوری که [illegible] بیطرفی [illegible] اقدامات [illegible]

(محمد علی علاء السلطنه)

نمره ۱۶۱

نمره (۱۳۰) مراسله وزارت خارجه به سفارت کبرای عثمانی

مورخه ۳ صفر ۱۳۳۳

[illegible] جوابیه جناب [illegible] مورخه ۲۴ محرم ۱۳۳۳ واصل [illegible] با نهایت احترام جواباً زحمت افزا است
که اهم مقاصد اولیای دولت علیه ایران [illegible] حفظ بیطرفی دولت متبوعه خود در این محاربه [illegible]
[illegible] اولیای دولت [illegible] اهتمام و اقدام و کوشش خود را دریغ نکرده [illegible]
[illegible] توجه [illegible] حوادث [illegible]
[illegible] دولت علیه [illegible] اولیای دولت علیه [illegible] اقدامات [illegible]
[illegible] عثمانی [illegible]
[illegible] دولت [illegible]
[illegible] عثمانی [illegible] مامورین ایران [illegible]
با کمال [illegible] خاطر محترم [illegible] سفارت [illegible] که اولیای دولت علیه ایران [illegible] ۔

دعاتوریهای دولت علیه در بعضی جاها طرفداری نمایند و دولت ایران هم نتوانسته رعایت حفظ بیطرفی در خاک سلطان آذربایجان را از اول رعایت
در دفع سالدات [illegible] خود که ترک [illegible] را [illegible] سالدات [illegible] خود [illegible] قرار شد [illegible] و قراولات خود را
ضعیف داده جمعیت خود آنها را تفرقه و سالدات عثمانی را [illegible] کرده [illegible] لازم [illegible] اطلاع که
[illegible] قشون عثمانی [illegible] آن نقاط [illegible] علاوه [illegible] شیخ [illegible] و شیخ [illegible]
دیگر [illegible] عشایر در کردستان عشایر و کاکیان کردستان [illegible] عثمانی [illegible] از کار [illegible] تحریک
کرده [illegible] که [illegible] صدور [illegible] سالدات [illegible] عشایر [illegible] را [illegible] کرده [illegible]
[illegible] نسبت [illegible] دولت [illegible] در عوض [illegible] دولت [illegible]
[illegible] خود [illegible] داده تحریک [illegible] کارگزاران [illegible] شده [illegible] که [illegible]
[illegible] نموده [illegible] کارگزاران [illegible] در [illegible] آذربایجان [illegible]
با صدور احکام [illegible] دولت [illegible] خود [illegible] کرده تصدیق [illegible] حفظ بیطرفی [illegible] دولت [illegible] خود را از
[illegible] دور [illegible] که صادر [illegible] باشند که [illegible] دولت علیه [illegible] که [illegible] سالدات [illegible]
[illegible] کشور [illegible] بعضی [illegible] شیخ [illegible] دولت ایران در خاک
خاک آذربایجان [illegible] تحریکات [illegible] بیطرفی [illegible] جلوگیری نمایند.

(محل مهر علاء السلطنه)

نمره ۱۶۲

نمره (۱۳۱)

سفارت دولت علیه [illegible] ۳ صفر ۱۳۳۳

[illegible] که [illegible] عثمانی [illegible] روس [illegible] که [illegible] روس [illegible] عثمانی [illegible] وزیر مختار روس
[illegible] رئیس الوزراء ملاقات [illegible] دولت ایران [illegible] که [illegible]
[illegible] (۰) ملاحظه [illegible] که [illegible] وزارت امور خارجه [illegible] وزیر مختار [illegible] کردند [illegible] در
[illegible] رئیس الوزراء [illegible] وزارت خارجه [illegible] اطلاع دادند [illegible]
(۰۰) در [illegible] معلوم شد که وزیر مختار [illegible] وزیر مختار [illegible] دولت ایران از
روس [illegible] خاک ایران [illegible] داده [illegible] وزارت خارجه در
[illegible] روس [illegible] در
تاریخ دوم محرم [illegible] روس [illegible] (۰۰۰)
[illegible] که [illegible] دولت [illegible] وزیر مختار [illegible]
[illegible] وزیر مختار [illegible] که [illegible] روس [illegible]
[illegible] وزیر مختار [illegible]
[illegible] ۱۷ محرم [illegible] وزیر مختار روس [illegible] (۰) [illegible]
[illegible] قشون
قشون خود را از خاک ایران [illegible] وزارت امور خارجه [illegible]
[illegible] روس [illegible] که [illegible] اطلاع داده خواهد شد

(محل مهر وزارت امور خارجه)

(۰) نمره ۳۴۳ این کتاب ملاحظه شود (۰۰) نمره ۱۳۴ این کتاب ملاحظه شود (۰۰۰) نمره ۱۸۴ این کتاب رجوع شود

نمره ۱۶۳

نمره (۱۳۲)

تلگراف وزارت خارجه به [illegible] مورخه ۵ صفر ۱۳۳۳

شروع [illegible] فقط در [illegible] رسانیده‌اند [illegible] دولت [illegible] ایشان را [illegible] دیگر [illegible] جمع آوری قشون میکنند [illegible]
که در [illegible] [illegible] عثمانیها شده و وزیر مختار عثمانی [illegible]
است که [illegible] قرار [illegible] که [illegible] قوای خود [illegible] عثمانیها [illegible] دولت [illegible]
قشون خود را [illegible] بیطرفی ایران [illegible] محترم [illegible] قشون خود را [illegible] عثمانی و [illegible]
کردند [illegible] عثمانی هم [illegible] و در جواب [illegible] قشون [illegible] تهدید [illegible] محترم [illegible]
نقض بیطرفی شما [illegible] ایران [illegible] حق [illegible] عثمانی [illegible] قشون [illegible]

(محل مهر علاء السلطنه)

نمره ۱۶۴

نمره (۱۳۳)

شرح مذاکرات حضرت اشرف آقای مستوفی الممالک رئیس الوزراء با وزیر مختار عثمانی

در [illegible] حضور وزیر امور خارجه سیم صفر ۱۳۳۳

آقای رئیس الوزراء - [illegible] از [illegible] که با وجود [illegible] کرده‌ام [illegible] محترم [illegible] خداوند تعالی را [illegible]
[illegible] روس عثمانی و [illegible] اوضاع [illegible] که قشون روس از ایران [illegible]
[illegible] بیطرفی ایران [illegible] ایران که [illegible] ایران [illegible] عثمانی
[illegible] اوضاع [illegible] ایران [illegible] قشون روس از
ایران [illegible] دولت ایران [illegible] بیطرفی خود [illegible]
[illegible] بیطرفی ایران [illegible] ایران [illegible] بیطرفی خود [illegible]
تعقیب نموده موفقیت حاصل کند

(بعد از [illegible] آقای رئیس الوزراء وزیر مختار [illegible])

وزیر مختار عثمانی - در باب بیطرفی که حضرت اشرف رئیس الوزراء اظهار فرمودند مجبورم آنچه را که [illegible] بگویم:
[illegible] [illegible] عثمانی [illegible] قشون [illegible]
[illegible] عثمانی [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] واضح است [illegible] بیطرفی [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] دولت [illegible]

آقای رئیس الوزراء - [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] دولت ایران [illegible] بیطرفی خود [illegible] بیطرفی [illegible]
سلطان [illegible] عثمانی [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] وزیر مختار عثمانی
[illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] مملکت [illegible] [illegible]
[illegible] دولت ایران [illegible] دولت ایران [illegible]
[illegible] دولت ایران [illegible]
[illegible] [illegible] ندید.

وزیر مختار انگلیس — آنچه در باب راه‌آهن اظهار کردم بطوری شنیده‌ام خودم هم تصور میکنم بطوری که حالا خوب است بالمعیت روس در اینجا راجع
بآن جواب حضرت اشرف رئیس‌الوزراء را بگیرند

وزیر مختار روس — در باب نظمیه آیا نظمیه ایران شد نظمیه بلژیک نقص بیشتر نیست

آقای رئیس‌الوزراء — با وجود اینکه وزیر مختار روس ملاحظه میکنند که مسائل ایران و بلژیک را از هر جهت فرق است و از آنها بیشتر بلژیکیها رفتار کردند
اگر آنها با بلژیکیها اینطور رفتار کردند بلژیکیها هم اینطور اسباب امیدواری آنها را فراهم نمودند

وزیر مختار روس — قشون روس چرا بایران آمد برای اینکه در حال داخلی خارجه در خطر بود و قشون تبریز را بهار قطعه قطعه میکرد
سفارت هم ... — آمدن قشون روس ابداً بجهت بودن مجلس و مشروطیت نبود که قشون بلکه بخواهند استقلال داخلی اتباع خارجه تعرض کنند
بلکه بقدر جلوگیری از خطر و برای مساعدت با مردم قشون روس وارد شدند

آقای رئیس‌الوزراء — مسیو چرچیل در این قضیه اطلاع دارد خوب است ایشان بگویند آمدن قشون روس را از ایشان سؤال کنند

مسیو چرچیل — وقتیکه عین‌الدوله تبریز را محاصره کرده بود و چند ماه محاصره طول کشید کار بجائی رسید که مردم علف میخوردند و مردم
به قونسولگریها و روس و انگلیس پناه بردند سفارتین انگلیس و روس در طهران از مرحوم محمدعلیشاه تقاضا کردند که محاصره تبریز را در ۳ روز
موقوف دارند و عده داد در روز معین نکرد در آن وقت بحسب تقاضای انگلیس و روس قشون روس با مقداری آذوقه وارد شدند
در آن وقت با حال اینکه دولت ایران آمدن قشون را تصدیق کرده است

وزیر مختار روس — صحیح است که در آن وقت جنرال دولت ایران رفتن قشون را با این جهت تقاضا میکرد

آقای رئیس‌الوزراء — اگرچه این در بدو امر دولت ایران حضور قشون روس را در ایران تصدیق کرده ولی اصرار کرده که بعد از
رفع فوق العاده است که بواسطه جنگ بماند و نقاط قشون روس در ایران خطرات بزرگ برای ایران هست

وزیر مختار روس — در باب سپهدار الدوله عناد و تعدی با وجود اینکه ایشان آدم است کار را برقرار نمیدند و باید برای جلوگیری
از آن هم فکرها نمیشود قوانین شکل پیدا اگرچه در ... و کرار اعتقاد دارند که درباره سپهدار الدوله دارند گاهی تغییر میکنند ولی گویا
بر تغییرات مرطوبی دستور العمل فرمانفرمای قفقاز است

آقای رئیس‌الوزراء — ادامه سپهدار الدوله و دلتنگی که ابراز میشود چون که این رد با آذربایجان دادند و صدمات وارد
ملکی است هرچند جنگ را ختم نموده دولتین معتقدند لاینحل است دولت ایران بکشد اینهم قشون بهمان شکل هنوز باقی است که کرده بودم
با آنهمه داده شده و بعد از آنکه آن طرف رسیده است و بعضی است پیش آمد که از آذربایجان برای اهمیتی که داد
در این موقع باید با کمال اشتیاق حرمت دولت ایران را اظهار کنم که اگر دولت ایران بخواهد قوه کافی تماماً بآنجا فرستاده میشود
و تهیه همان قوه که جهت نظم لازم است که ... بدهید مخصوصاً ملاحظه فرمایند بیش از آذربایجان دارند بداد
اتفاق نمیخواهد کرد و چندی بعد از آن عامه ایلات سر بطرف نیست خواهند کرد اتفاقاً حوزه را در باب حرکت قشون باید ملاحظه
کرد و چون آنجا ملکت ایران در محل خود داخل کنند که نتوانند از وقایع ناگوار جلوگیری نمایند

وزیر مختار روس — در موقع تحدید حدود هم دولت ایران بهمراهی دولتین متوسل شد این مسئله را این بود که
دولت ایران در سرحدات عثمانی ملاحظات حقوق خود را حفظ نماید

وزیر مختار انگلیس — مسئله حدود ابداً مربوط بمطالبی که مذاکره میشود نیست.

وزیر مختار روس — دولت ایران چه میخواهد

وزیر مختار انگلیس — مرد صحیح است ایران انه تنها را میخواهد نه سپهدار الدوله را

آقای رئیس‌الوزراء — شاید بعضی اطلاعات ایشان در این است که مقصود قشون چطور باشد و چگونه این علت رفع کرده حرکت
عثمانی بخواهند سفارتین بکنند دولت ایران را با خود خیلی از آنچه از وقایع گذشته در آذربایجان ملکی است عثمانی صدمه وارد نمایند و چه
وارد خواهد آورد.

وزیر مختار انگلیس — نمی‌توانم پنهان کنم که برای ایران وضع تنگی پیش آمده کار شجاع الدوله در طرح این سیاست [illegible] دیگر را به سند

و چون رسید [illegible] سرایت نکند معلوم نیست اگر عثمانی‌ها سؤال کنند که چرا شجاع الدوله که نوکر ایران است قوای مسلح را از صدر عثمانی‌ها

بیرون می‌کنند دولت ایران چه جواب خواهد داد اگر اغتشاشات در روسیه و با افکار عامه اهمیت [illegible] خطه [illegible] عثمانی‌ها [illegible]

باید بشنود اهمیت [illegible] تصور می‌کنم قبل از آنکه دو ماه دیگر بگذرد و بیش از ده روز نگذشته که نشنیدم در این باب صحبت کنم [illegible] بکنم با آنکه دولت

ایران محصور است یک طرف نور حرب است راه صحیح برای [illegible] فکر کنم بعقیده من خوب است قشون روس از جهت [illegible] حضرت

اقدس [illegible] بروند قوه در اینجا [illegible] داده بود و چون روسیه شجاع الدوله اعتماد دارد [illegible] قشون آذربایجان باید محول گردد

وزیر مختار روس — خوب است دولت ایران فکر کند که بیک کدام طرف برای ایران [illegible] این است از [illegible] پطرزبورگ

به اطلاع داده‌اند که بعضی [illegible] دولت با عثمانی‌ها همراهی می‌کنند

وزیر مختار انگلیس — حالا تصور [illegible] است که دولت ایران در این [illegible] طرف [illegible] خود را [illegible]

آقای رئیس الوزرا — خیلی متشکرم که با وجود افکار عامه دو [illegible] عثمانی دولت ایران [illegible] حفظ بیطرفی خود را

کرده که ممکن است [illegible] دولتین [illegible] منظور [illegible] پطرزبورگ [illegible] حاصل کرده [illegible] لکن خواهش کنم که برای

رفع این مقدمات ایران را کامل خود بکنند [illegible] تکلیف [illegible] جلوگیری کند در صورت‌ها [illegible] از جهات

این مملکت دارم [illegible] لازم دولت ایران با قوای مسلح خواهد بود [illegible] جلوگیری [illegible] در صورت [illegible] قشون

عثمانی‌ها [illegible] نخواهد کرد و چون [illegible] دولت ایران [illegible] طرف خواهد شد معلوم است

با این خیال قشون روس را از ایران خارج [illegible] قشون عثمانی [illegible]

وزیر مختار روس — آیا حضرت اشرف [illegible] وضع داخلی [illegible] عثمانی [illegible]

آقای رئیس الوزرا — ابداً [illegible] لازم [illegible] واضح [illegible] باشد و امیدوارم [illegible] رئیس [illegible] کند

ولی [illegible] مملکت [illegible] دارد [illegible] سرحد [illegible] می‌کند و [illegible] سرحدات [illegible]

[illegible] از [illegible] عهده

وزیر مختار انگلیس — [illegible] را که می‌دارم [illegible] کنم قائم مقام [illegible] صمصام الممالک رئیس [illegible] کرده و [illegible]

است در صورتی که انگلیس‌ها [illegible] با عثمانی‌ها همراهی کند صمصام الممالک [illegible] نوکر ایرانم [illegible] شود [illegible]

خواهم کرد قائم مقام [illegible] از دولت حکم صادر خواهم کرد

وزیر مختار روس — [illegible] دولت انگلستان [illegible] پطرزبورگ خواهم کرد و [illegible] اطلاع خواهم داد

وزیر مختار انگلیس — [illegible] کافی است [illegible] خود [illegible] می‌کنند

وزیر مختار روس — چون آمدن قشون به ایران [illegible] شده [illegible] انگلیس [illegible] کمک کند

ولی [illegible] دارم در پطرزبورگ [illegible] خواهد کرد که ایران [illegible] روسیه [illegible]

وزیر مختار انگلیس — [illegible] را [illegible] خود [illegible] خواهم کرد

آقای رئیس الوزرا — [illegible] دولت ایران [illegible] که دولت روس [illegible] کند [illegible]

خواهد کرد که [illegible] ایران [illegible] خود [illegible] قشون [illegible] حالا هم [illegible] خود [illegible]

در خیر ایران و روسیه است [illegible] که از خطر [illegible] ایران را [illegible] معلوم است [illegible] قشون

حضرت اقدس [illegible] خواهد [illegible] از قوای [illegible] خواهد [illegible] و چون دولت ایران [illegible]

[illegible] وزیر مختار انگلیس [illegible] پطرزبورگ [illegible] خواهد گرفت و ممکن هم هست که [illegible]

بود ولی اینکه [illegible] وزیر مختار روس [illegible] در پطرزبورگ [illegible] دولت ایران [illegible] در [illegible] خود —

صادق و صمیمی است که از اظهار این خواهش در آتیه هم خودداری نخواهید کرد خیلی تشکر میشوم که جناب وزیر مختار روس اطلاع بدهند خبری که گوشزد
آن سفارت شده راجع به تعدیات بعضی عشایر با عثمانیها در سرحدات دولت تا چه درجه صحیح است

وزیر مختار روس — چنین خبری از اطراف دیگر هم رسیده ولی هنوز تصدیق نشده است من این مطلب را تلگراف میکنم و البته اقدامات لازمه خواهند کرد

آقای رئیس الوزراء — با کمال میل عرض میکنم که دولت ایران تعهد کرده و بی‌طرفی را از هر طرف مراعات نموده و باید این یک قسم از اقدامات طرف
منحرف شده اگر تقاضای دولت ایران از جلوگیری‌های ایشان است ولی این نتیجه نخواهد شد که دولتین ... این تقاضای خود
را مجدداً تکرار کنند

آقای وزیر امور خارجه — از جناب وزیر مختار روس خواهش میکنم در جواب تلگراف ... را هم که آقای رئیس الوزراء اظهار فرمودند بیان نمایند

نمره ۱۶۵

نمره (۱۳۴)

تلگراف وزارت خارجه به سفارتین ایران در لندن و پطرزبورغ

ششم صفر ۱۳۳۳

روز دوشنبه جنرال جنگ روس ... داده شد اقدامات دولت در حق قشون روس و نظریات دولت در این مورد ...
... اطلاع داده شده در ابتدا و در ... راجع به ... صادق ... دولت ایران ... از ...
در صدد برآمد که افواج دولت را با ... از ... عثمانی در ایران ... از ... کند ...
شده ... عثمانی ... ایران ... قشون روس در ایران ...
... که همین جهت ... شده است ... از ...
... قشون روس ... که عشایر ... ملک ... دولت در حفظ
بی‌طرفی ... دولت ... عثمانیها موفق خواهند گردید که جنگ را در ایران ... کرد
... دولت ایران در ... قشون روس ... واقع شد ... دولت ... وزیر مختار روس
... رسید ... که ... از ... اردو ... کرد
... حضرت رئیس الوزراء ... وزیر مختار روس
... ایران که ...
... حفظ کرده ...
... قشون روس از ایران ... دولت ایران ... خود ...
... قشون روس ... عثمانی ...
... ایران ...
... ایران ...
... ایران ... ایران ...
را از خطر حفظ و اولیای دولت را ممنون نماید (محرمانه — علاءالسلطنه)

نمره ۱۶۶

نمره (۱۳۵)

مراسله سفارت روس به وزارت امور خارجه

سوم صفر ۱۳۳۳ (ششم صفر رسیده)

چون برای فرستادن دو رت (۲ دسته) قزاق ایرانی دولتخانه همراهی حاج شجاع الدوله به مراغه (در اصل مراسله سفارت روس (ماکو) نوشته شده ولی بعد معلوم شد که مقصود مراغه است) لازم بود که دفعه برای مخارج لشکرکشی چهار هزار و دویست و نود و [illegible] منات و شصت و [illegible] کاپک [illegible] از [illegible] هزار [illegible] [illegible] چهار هزار [illegible] منات داده شود [illegible] ملاحظه اینکه دولت علیه ایران [illegible] ایرانی [illegible] [illegible] [illegible] داده [illegible] از وجوه [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] وجوه را [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] فائقه [illegible]

(دکر وستوتس)

نمره ۱۶۷

نمره (۱۳۶)

تلگراف وزارت خارجه به سفارت پاریس

ششم صفر ۱۳۳۳

حالا که تا اندازه‌ای اطمینان حاصل شده که لازم است مخصوصاً جداً اقدام نمایند که دولت فرانسه نقطه نظر ایران را در حفظ بیطرفی خود تأیید نماید [illegible] دولت [illegible] اقدام [illegible] دولت فرانسه در نزد دولت روس [illegible] بیرون [illegible] قشون خود [illegible] از ایران [illegible] در حفظ بیطرفی [illegible] در [illegible] مؤثر و مفید است [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] تلگراف [illegible] اطلاع بدهید

(محمد علی علاء السلطنه)

نمره ۱۶۸

نمره (۱۳۷)

تلگراف وزیر مختار ایران از پطرزبورگ به وزارت خارجه ششم صفر ۱۳۳۳

چند روز بود مشغول اقدامات بودم [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] وزارت خارجه [illegible] شجاع الدوله [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] شجاع الدوله [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] جواب داده [illegible]

(اسحق)

نمره ۱۷۰

نمره (۱۳۸)

تلگراف وزارت خارجه به سفارت پطرزبورگ ۷ صفر ۱۳۳۳

در روز [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] سفارت روس رسیده [illegible] دو دسته قزاق ایرانی دولتخانه [illegible] لازم بود [illegible] شجاع الدوله [illegible] [illegible] برای مخارج [illegible] ۴۲۹۸ منات و [illegible] کاپک [illegible] ۸۵۰ [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] داده [illegible] از خزانه روسیه [illegible] [illegible] ایران [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] اطلاع داده [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] ایران [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] اطلاع بدهید

(محمد علی علاء السلطنه)

نمره ۱۷۱

نمره (۱۳۹)

تلگراف وزیر مختار ایران از پطرزبورگ ۸ صفر ۱۳۳۳

[illegible] [illegible] وزارت خارجه [illegible] [illegible] [illegible] شجاع الدوله [illegible] ایران [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] تلگراف [illegible] [illegible] اطلاع [illegible] [illegible] [illegible] روس [illegible] [illegible] [illegible] تلگراف [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] شجاع الدوله [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

(اسحق)

اول
۱۶۹

مراسله وزارت خارجه به سفارت کبرای عثمانی نمره

۶ صفر ۱۳۳۳

مراسله محترمه جناب مستطاب سفارت نمره ۲۳ محرم ۱۳۳۳ راجع به اقدام رئیس ایلات [illegible] واصل و باعث حیرت گردید چه اولیای دولت علیه
اهمیت کامل را [illegible] دولت علیه ایران برای حفظ بیطرفی [illegible] دارند [illegible] آورده جهد بلیغ مبذول داشته‌اند و همچنین [illegible]
قوای انگلیس به تعقیب [illegible] و هرگز [illegible] ننموده‌اند .
در این موقع بنده تصدیع میدهد که چون [illegible] رفتار عساکر عثمانی در [illegible] ایران [illegible] و رفتار [illegible]
[illegible] عساکر خود [illegible] نقض کرده اعمال آنها را [illegible] و مخالف بیطرفی ایران میدانند .

(مهر ع علاء السلطنه)

۸ اول
۱۷۲

مراسله سفارت کبرای عثمانی به وزارت امور خارجه نمره

۸ صفر ۱۳۳۳

با نهایت تأسف خلاصه چهار [illegible] مراسله سفارت کبری را برای استحضار خاطر محترم آن جناب اشرف وزارت جلیله درج [illegible]
[illegible] از [illegible] سفارت عثمانی در [illegible] [illegible] ایراهیم [illegible]
[illegible] بصورت [illegible] تمام [illegible] ایراهیم [illegible] نموده [illegible]
محرماً [illegible] اولیای عظام دولت علیه ایران رفتار قوای انگلیس را [illegible] و در [illegible] نموده [illegible] دولت متبوعه خود [illegible]
و حقوق [illegible] حقوق [illegible] خود [illegible] خواهند [illegible]
[illegible] رفتار [illegible] ایران [illegible] سفارت کبری را [illegible] استحضار [illegible] احترامات
فائقه را تجدید مینماید

(عاصم)

۱۷۳

مراسله سفارت کبرای عثمانی به وزارت امور خارجه نمره

۸ صفر ۱۳۳۳

در قرار تلگراف وارده از بغداد به سفارت کبری معلوم میگردد که در تاریخ [illegible] هزار و چهار صد [illegible]
[illegible] صندوق [illegible] الدنگ [illegible] صندوق [illegible]
[illegible] کرده [illegible] آغوش [illegible]
و در بندر بوشهر از طرف حکومت محلیه [illegible] محمود الدنگ [illegible] را مصادره و در ۲۷ [illegible] در ساحل ایران [illegible] دو سند از
[illegible] که حکومت محلیه بندر بوشهر [illegible] محمود الدنگ [illegible] توقیف کرده است [illegible] رفع [illegible] محرماً
[illegible] وزارت جلیله [illegible] که [illegible] حکومت محلیه بندر بوشهر [illegible] از [illegible] محمود الدنگ
[illegible] عثمانی برای [illegible] محمود الدنگ [illegible]
حکومت [illegible] بندری [illegible] محمود الدنگ [illegible] تمام [illegible] عثمانی [illegible]
[illegible] که [illegible] محمود الدنگ [illegible] از طرف حکومت بندر
بوشهر [illegible] دولت متبوعه خود [illegible] سفارت کبری [illegible]
[illegible] خواهند [illegible] احترامات فائقه را تجدید مینماید

(عاصم)

مراسله وزارت امور خارجه به سفارت کبرای عثمانی مورخه

۹ صفر ۱۳۳۳

پس از شکایتی که از حرکات سرحددار سابق کردستان محمود منتظم بیک و سایر اشرار رفقای ملک سرحددار حالیه و دستیار سرحددار بوده که ساز باشد مسلک اتحاد کنند کردستان ... در سرحد و کاملاً تسلیم و جریان امور سرحدی ... که ... بلاد معهود ... دولت ایران به تعلق حقوق ... لایق و امور ... مخصوص ... تلگرافات کامله حاصل شده و انتظار حسن موقعیت در نظم امور سرحدی ... سرحددار ... برخلاف مأمول و ... بر خلاف انواع ... تلگرافات ... کرده ... [illegible] ... عامه ... جامع ... عموم ... و ... در تهیج مردم اهتمام داشته که ... جمعی ... و اهالی را ... عثمانی ... خرجمه ... از سرحدخانه خارج ... الفلاقت ... که ... خارج شده ... خارج شدن ... و در ... [illegible] عثمانی ... آقا محمد و نصرالله ... و فتح الله ... که مستخدم سرحددار ... مردم را ... حالات سرحددار ... سرحددار ... از ... حرام ... و ... دیگر ... [illegible] ... اطراف کردستان ... مراتب ... سرحددار ... سرحددار ... خلاف ... علیه دولت ... ایران و ... مملکت و ... توجه دادن ... که ... خارج است ... خواهشمند است که ... سرحددار ... سرحدداری ... صادر ... اطلاع ... [illegible]

(محل مهر علاءالسلطنه)

نمره ۱۷۵

نمره (۱۴۰) ۱۱۸۷

مراسله وزارت خارجه بسفارت روس نهم صفر ۱۳۳۳

در جواب مراسله محترمه مورخه پنجم صفر جاری راجع باینکه دو دسته قزاق ایرانی و ترکمان به اعزام نموده بودند که با شجاع الدوله بماکو اعزام نمود که از خارج قطع و نهب کرا
قراقلوها [...] را از خزانه روسیه مسترد دارد که هر گاه مخارج مزبوره را از خزانه ایران مسترد دارد با کمال احترام خاطر دوستدار را مطلع میسازد که جناب جلالتماب را از
حیرت اولیای دولت متبوعه خود از حقیقت قرارداد که ارتباط آن با هیچ اصول و قانونی وفق نمیدهد منحصر دانسته ضمناً توجه جناب جلالتماب را بر اینکه تحت اطلاع [...]
بلکه معطوف میدارد که پس از چندین مرتبه که با جنابعالی حضور جناب جلالتماب در این باب مذاکره [...] از اوضاع حاضره مراتب را خاطر نشان
از اقدامات قنسول روس در ایران برای مملکت تصور نمود بیش از این شد و مخصوص بعد از اینکه در مجلس روز سه شنبه چهارم شهر حال که حضرت مستطاب
اشرف آقای رئیس الوزراء بود که با حضور دوستدار متعدد از مقدم به توقیف بعضی از اولیای دولت علیه راجع نموده و مخصوص منافی سیاسی که
از رفتار شجاع الدوله که با تصویب و تقویت دولت روسیه مینماید و ملتفت است مسئولیت آنرا کرده با دولت متبوعه با جناب جلالتماب خاطرنشان
فرموده رفتار قنسول روس در ایران و خروج شجاع الدوله و آزار و اذیت اهالی ایران برای حفظ نظم حدود اقلیم اولیای دولت متبوعه دوستدار
انتظار داشتند که جناب جلالتماب با وجود تجربه که از ظهور حسن نیت اولیای دولت جلیله فرموده اند از تسریع این قبیل اقدام و مداخلات
و اظهارات صادقه اولیای دولت متبوعه دوستدار که در حقیقت صلاح روسیه و ایران است خاطر نشان فرمایند که بعد از این [...]
[...] و اقدامات و اقدام خوش بگذرانند که هر نوع مراسله فوق الذکر جناب جلالتماب برای آنکه اقلاً دولتین صدق نیت انتظار رود و داده
است که اولیای دولت متبوعه دوستدار اظهار و اعتراض دوستدار بر نفع حقیقت است که مرتبط ایران است (و در ملاقات روز سه شنبه
چهارم شهر حال با جناب جلالتماب خاطرنشان کرده بود) نتیجه آن [...] و ایران [...] طرف [...] به انتظار مجلس و اقدامات
مزبوره جناب جلالتماب بطوریکه عموم [...] و تکمیل ایران و روسیه بعضی است از خصوص [...] نظریات خود را به اولیای دولت
رفع این قبیل اقدامات مخاطره آمیز تاکید [...] (محمد علی علاء السلطنه)

نمره ۱۷۶

نمره (۱۴۱) سواد مراسله جوابیه به سفارت دولت علیه ... [...] صفر ۱۳۳۳

معروف میشود که از قراریکه در ورود شجاع الدوله به تبریز بمراجعه دولت علیه [...] دست و شد در صدد انفصال اسماعیل [...]
[...] در تبریز در باب شرایط قبول اطاعت صرف [...] اولیای دولت و [...] است آنرا کمال مرحمت شد
ولی چون از تقویت [...] روس مخصوص جنرال قنسول تبریز استعمال نموده [...] استعمال که [...] خود محروم [...]
[...] مهدی [...] حضرت [...] دو [...] از [...] [...] [...] و در حال [...]
[...] از صدور اراده دولت [...] و از [...] کمال نموده متوقف خود را با دولت [...] در صدد [...]
[...] اعمال او داده بود از [...] با سفارت روس [...] تحصیل موافقت برای انفصال اسماعیل کرده بود [...] تا ورود
[...] حضرت [...] شد [...] آذربایجان [...] دیگر انفصال شجاع الدوله [...] اینکه فعلاً
[...] سفارت در این انفصال تحصیل شده بود [...] شجاع الدوله [...]
[...] و [...] ایران [...] حضرت [...] آوردن [...]
[...] جنرال قنسول روس [...] بود [...] که او [...] سفارت [...]
باید [...] از [...] دولت [...] خود [...] خاطر [...] که دولت [...]
در صدد [...] انفصال او [...] از [...] خارج [...] و [...] با [...]
خارج شهر [...] قنسول [...] نتیجه آن
[...] انفصال [...]

در حینی که [...] جنرال [...] روس [...] اطلاع رسید که شجاع الدوله در صدد [...] آن

همان وقت با سفارت روس در طهران مذاکره نماید که بحسب اوضاع [illegible] اطمینان حاصل شود که از آمدن [illegible] جلوگیری بشود [illegible]
تعدی آمده با اینکه [illegible] اخیر ورود او [illegible] و وعده داده [illegible] چندی در اینجا [illegible] متعهد [illegible] رسید که [illegible]
خارج شهر رفته و در اینجا مشغول احضار افواج [illegible] ولی وزارت امور خارجه روس در جواب اظهار داشت [illegible] داد
که مقصود شجاع الدوله حفظ [illegible] امور حکومتی [illegible] خواهد داشت و لیکن [illegible] رسید [illegible]
را اطمینان دهم که شجاع الدوله [illegible] از روی کار [illegible] استعداد [illegible]
روس رسیده که [illegible] قزاق ایرانی [illegible] ایران [illegible]
[illegible] ولی اطلاع [illegible]
در [illegible] ارسال [illegible]
[illegible] نکرده است (محرمانه علاء السلطنه)

نمره (۱۴۲)
نمره ۱۷۷

مراسله سفارت روس به وزارت خارجه مورخه ۱۰ صفر ۱۳۳۳

دوستدار با نهایت توقیر و احترام زحمت افزا شده خود را [illegible] که در مراسله مورخه [illegible] (۱) در خصوص فرستادن عده
قزاق [illegible] شجاع الدوله [illegible] قزاق ایرانی [illegible]
[illegible] قزاق ایرانی [illegible]
ایرانی [illegible] شجاع الدوله [illegible] (اکرستوتس)

(۱) رجوع به نمره ۱۳۵ شود

نمره (۱۴۳)
نمره ۱۷۸

تلگراف وزارت خارجه به سفیر کبیر ایران در اسلامبول مورخه ۱۱ صفر ۱۳۳۳

خبر رسید [illegible] حاکم [illegible] در [illegible]
[illegible] (محرمانه علاء السلطنه)

نمره (۱۴۴)
نمره ۱۷۹

شرح ملاقات حضرت اشرف رئیس الوزراء با جناب وزیر مختار انگلیس
سه شنبه یازدهم صفر ۱۳۳۳

وزیر مختار انگلیس سؤال میکند در صورت رفتن قشون روس از ایران [illegible] ایران برای محافظت [illegible]
آقای رئیس الوزراء جواب داده‌اند در صورت رفتن قشون روس [illegible]
[illegible]
[illegible] رئیس الوزراء [illegible] در صورت [illegible] ایران [illegible]
[illegible] خواهند داد [illegible] دولت ایران [illegible]
[illegible]
[illegible] را فراهم آورد

وزیر مختار انگلیس از [illegible] در طهران [illegible] اظهار نگرانی کرده‌اند
آقای رئیس الوزراء [illegible] در طهران [illegible]
در طهران [illegible] دولت روس [illegible]
[illegible]
[illegible] کرده‌ام [illegible] —

حق دسترسی دارد در نقاط شمالی که قشون روسی در آنجا است دارد بهمین جهت مذاکرات مشهود و محسوس میباشند و در اراضی که انگلیس ها نفوذ است
بعکس اینها نه قبل از انقلاب روسیه چه در حال و چه آنکه اگر قشون روسی از ایران برود دولت ایران را استقلال خود نگذارد از نفوذ عمالها هم با ایران رفتار
نخواهند کرد و هرگاه به سفارت‌ها سفارت شکایت نمایند دولت ایران را حفظ حقوق خود با آنها طرف خواهد شد قشون خود را از بعضی نقاط

وزیر مختار انگلیس — سئوال کرده در صورتیکه دولت روس قشون خود را از بعضی نقاط میتواند ببرد دولت انگلیس از بعضی نقاط دیگر احضار کند
چه عقیده دارید ؟

آقای رئیس الوزراء — بطوریکه سابقاً هم اظهار داشتم باید در این مورد علت را رفع کرد چون علت اجتماع حاضره حضور قشون روس
و رفتار دولت روسیه است هر قدر این علت منتفی و رفع شود همان قدر درجه ما بات و مذاکرات به فرق حاصل میشود لیکن اینکه را
هم امروز صادقانه بجنابعالی میگویم که سابقاً انگلیسها را ایرانیان خیلی محبت کرده بودند ولی این قرائن و رفتار روسها ملاحظه میشود که انگلیس با روسها
در اینجا بیانات عامه را انتشار داده انگلیسها قدری تغییر داده دولت انگلیس در حسن صلاح خود است که خیلی با ایرانیها تلطف کردم
تغییر مسلک و سلوک حالیه خودشان نمایند

وزیر مختار انگلیس — در صورت تحمل افکار عامه و شکایت اتمام لطف عنایتی آیا دولت حاضره با انگلیس در صدد بنا
ساختن خواهد بود یا خیر

آقای رئیس الوزراء — دولت حاضره با آخرین نقطه در حفظ بطرفی سعی خواهد نمود و با این مذاکرات موفقیت نخواهد نمود

اول

۱۱۹۰

نمره ۱۸۰ مراسله سفارت کبرای عثمانی به وزارت امور خارجه مورخه

۱۱ شهر صفر ۱۳۳۳

گرامی مراسله وزارت جلیله امور خارجه مورخه نهم شهر صفر المظفر ۱۳۳۳ را که راجع به شکایات از شهبندر عثمانی مقیم کردستان در حکمیه [illegible] مرقوم فرموده بودید [illegible] جهت [illegible] رفیق بیک شهبندر داده [illegible] سردار کردید [illegible] علاوه بر اطلاع کامل که [illegible] صندوق [illegible] شده [illegible] نقض [illegible] لازم [illegible] بالفعل [illegible] نموده [illegible] در این صورت [illegible] ممکن است [illegible] [illegible] اکنون [illegible] شده [illegible] صندوق [illegible] است حالا [illegible] احکام [illegible] عالیه [illegible] عموم [illegible] علما [illegible] اعلام [illegible] عثمانیه [illegible] حکومت [illegible] شهبندر [illegible] ایران [illegible] حکومت [illegible] شهبندر [illegible] شهبندر [illegible] داده بوده [illegible] از طرف شهبندر [illegible] دولت علیه ایران [illegible] واقع [illegible] گردیده است [illegible] شهبندر [illegible] شده [illegible] ممکن است [illegible] اسلامی [illegible] [illegible] اعلیحضرت [illegible] [illegible] احترام [illegible] [illegible] کردستان شهبندر عثمانی داده [illegible] شهبندر [illegible] [illegible] احترامات فائقه را تجدید می‌نمایم

(مهر)

اول **نمره ۱۸۱** مراسله وزارت امور خارجه به سفارت آلمان [illegible]

۱۱ شهر صفر ۱۳۳۳

در جواب مراسله محترمه آن جناب مورخه ۲۵ محرم ۱۳۳۳ [illegible] احترام [illegible] سفارت [illegible] امپراطوری [illegible] شده است [illegible] دولت [illegible] دولت [illegible] اصول [illegible] دولت [illegible] امپراطوری [illegible] سفارت [illegible] شده [illegible] دولت روس [illegible] مراسله [illegible] امپراطوری [illegible] دولت علیه [illegible] سفارت [illegible] [illegible] روس [illegible] شده است [illegible] محترم [illegible] [illegible] امپراطوری آلمان [illegible]

(محل مهر علاء السلطنه)

اول **نمره ۱۸۲** مراسله وزارت امور خارجه به سفارت کبرای عثمانی - ۱۲ صفر ۱۳۳۳

[illegible] مراسله محترمه جناب [illegible] مورخه ۲۲ محرم ۱۳۳۳ راجع [illegible] [illegible] [illegible] ایران [illegible] جواب محترم [illegible] [illegible] [illegible] دولت علیه ایران [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

(محل مهر علاء السلطنه)

راپورت ملاقات مشاورالممالک معاون وزارت خارجه

با وزیر مختار انگلیس روز چهارشنبه ۲ صفر ۱۳۳۳

وزیر مختار انگلیس — امروز مراسله از سفارت روس به وزارت خارجه رسیده است یا خیر؟

مشاورالممالک — شنیده‌ام مقصود چه مراسله است دیگر امروز به وزارت خارجه نرفته‌ام

وزیر مختار انگلیس — مراسله که وزیر مختار روس چند روز قبل در باب اعزام قزاق برای همراهی اتباع آلمان دولت نوشته بود از او سؤال شد دیروز

اظهار بی‌اطلاعی نمود بعد با او گفته شد خودش مراسله را امضا کرده است جواب داده است که مضمون آن را نسنجیده امضا کرده است و —

(دیورنیوف) در ترتیب این مراسله اشتباه کرده است بالاخره قرار شد در اصلاح این مراسله مراسله دیگری بنویسند ولی برای این مراسله است که باید

به وزارت خارجه فرستاده شده چون سواد آن را ندیده‌ام خواهش دارم ملاحظه و ترجمه آن را ارسال کنید (۰)

مشاورالممالک — بعد از ترجمه مراسله و حیدان فرمودید اساس در این مراسله و مراسله سابق اشاره بکنم دانسته‌ام با وجود قزاق اتباع آلمان در قم

ومشایعت آنها برای دستگیری کدام از طرف رفته آنها آیا از این خبر تلگرافی رسیده است؟

وزیر مختار انگلیس — خیر

مشاورالممالک — دیشب از قزوین خبر تلگرافی رسید که اتباع آلمان با قزاق خود از آنجا از آب طرف ساوجبلاغ حرکت کرده

با قزاق‌های عثمانی تصادف و مصادمه نموده بودند و جنگ که واقع شده اتباع آلمان با چند نفر به طرف قرار کرده‌اند و یکی از منزل

سردار رشید تصمیم است عده قزاقها برای این است چه ملاحظه کنید عدم بی‌طرفی دولت روسیه و طرفداری دولت ایران چه نتیجه

می‌بخشد و چه صدماتی را اسباب می‌شود لهذا از تکلیف خود در مواقع این مسئله تذکر می‌دهم در جواب این مراسله چه خواهد کرد و چه جواب تعیین با ملاحظات که همین ادارات

در حضور کرمان است خواهد فرمود

وزیر مختار انگلیس — کاملاً با نقطه نظر شما موافقت دارم تصدیق می‌کنم رفتار روسها صحیح است تکلیف کرده برای وزیر

مختار روس لکن مالی رسید نمی‌توان کار کرد زیرا نقطه نظر انگلیس‌ها در روسیه مخالفت دارد روسیه در ضعف ایران نافع است

و انگلیس‌ها ملاحظه اینکه ممکن است روزی موفقیت ما مخصوص است سالها بسیار شود با اینکه ایران قوی باشد واساس کار قرار اینکه

می‌دانم این مسئله ملاحظه مقصود است چند روز قبل هم که «سرلوکس» با یکی از شما ملاقات نموده است نماینده لاطم رد است

که بعد از جنگ حالیه دولت ایران ممکن است سنجیده تعیین روسیه و انگلیس شود چیز حاضر نیست که خود وزیر مختار روس به کرمان رفت

و مقصد بعد از جمع ما مورین روسیه دولت ایران مخصوصاً در اظهار ملیت تعیینات بسیار در ماده «درفش» (۰) گفت

آدم است در تبریز بلوف است بعض به طور دیگر داد راپورت داده است که بعضی صاحب منصب عثمانی که با قزاق‌ها به طرف دیار بکر

می‌رسید که عثمانی‌ها با ایران در باطن همراه هستند و با این نبات امیدوار کنند الوقف در اول دیگر داد هم قول این آدم را با ور کنند

مشاورالممالک — اطلاع یکی چند روز قبل خود رئیس الوزرا هم به خیال اظهار داشتند رفتار روسها دولت ایران را وادار

به مقاومت کرده وضع عجیبی پیش آورده شما چطور به حرف سپرده می‌شوید چون دولت ایران تا حال هیچ‌گاه در حضور آن بعضی ملاقات شده

کرده تصدیق کنید اطلاع دارم در جای ملاقات آقای رئیس الوزرا بعضی از علما بوده‌اند می‌دانم که خیر چون در آن ملاقات بعضی از علما

خیال اجتماع داشتند ممانعت کرده با وجود این مسئله آنقدر است که اقدامات مدعیان ایران در اظهار دیگر از طرف تهییج نشده است

وزیر مختار انگلیس — آیا شنیده‌اید که صدر العلما و آقا سید محمد امام جمعه ملاقاتی بعضی از علما در مقابل اسم دعوت داشته‌اند؟

مشاورالممالک — در این باب خبری نشنیده‌ام و نمی‌دانم هیچ دلیل برای این قسم تصور باشد و چنین خیالی را هم ندارم در این قبیل از مردم

وزیر مختار انگلیس — دیروز که آقای رئیس الوزرا را ملاقات کردم همین طور اطمینان دادند و قبول این اظهار را دارم و همین طور هم

امروز به سیدل ملاقات کردم اما یا شاید که رادار تهران است آن‌گاه معروض است که خلاصه آن رسیده که :

که دولت ایران بیکار در دو طرف تنها نبود و من چون خودم را دوست ایران می‌دانم و انگلستان نیز حامی ممالک کوچک بوده صلاح ایران را
در این می‌بینم که رسماً با ما شرط بکند که بعد از جنگ قشون خارجی را از ایران خارج و مصونیت و استقلال ایران ضمانت و ایران بیطرف خود را اگر اراده
بشود و بعد از آن هم انطور که ملل کوچک را با رفتار کردند ایرانیم همان طور رفتار کرده و نگذارند اعلان بکنند که حرب نمایند و داخل جنگ بشود

مشاورالممالک – ما چه داخل جنگ بشود ؟

وزیر مختار انگلیس – در طرف آذربایجان روسها مجبور هستند با ما همراهی کنند در طرف کرمانشاهان هم دولت ایران می‌تواند جهاد را از نفر
راه اندازیم که قوه منظم است حاضر کنند تنها حاجت به صاحبمنصبان بشوند بختیاریها [illegible] بختیاری را فوراً از هند [illegible] خواهیم داد و اسلحه هم
مشغول هستند مثل [illegible] وغیره که نقود را اندازیم ملحق بشوند و عثمانیها [illegible] کار را از ایشان بریز
تحت ریاست اگر صحیح [illegible] ایران [illegible] است ولی [illegible] دارم برای کمک با ما حاضر هستند به تعداد [illegible] سرحد
در خاتمه مذاکرات وزیر مختار انگلیس شرحی از اقبال کار کردن با وزیر مختار روس بیان کرد

---

(۱) مقصود سرهنگ علیه سفارت روس است که در نمره ۱۴۲ ملاحظه می‌شود
(۲) ویس قونسول روس مقیم اردبیل

نمره (۱۴۶) تلگراف وزارت خارجه به سفرای ایران در لندن و پطروگراد
نمره ۱۸۴
(۱۲ صفر ۱۳۳۳)

در باب نتیجه مذاکرات دولت علیه با سفرای روس و انگلیس راجع به احضار قشون روس و جلوگیری از آزار شجاع الدوله در [illegible]
در [illegible] تحریکات شجاع الدوله با دولت روس بر ضد عثمانیها ملاحظه هستند که دولت ایران هر قدر [illegible] اقدامات
را خاطرنشان نموده مثمر ثمر نشد [illegible] وصله شجاع الدوله با اراده و حرکت قشون روس [illegible] جلوگیری کرده با عثمانیها
[illegible] از [illegible] زد و خورد شجاع الدوله با چند نفر [illegible] قرار کرده است [illegible] قشون روس [illegible]
دو آن هم در تصرف عثمانیهاست ملاحظه کنید با این حال که عثمانیها [illegible] آذربایجان [illegible] اقدامات [illegible] ممکن است در
آذربایجان روی دهد چقدر [illegible] عثمانیها [illegible] کرده [illegible] دولت انگلیس ملتفت شده فوراً و در خاتمه
[illegible] وقت [illegible] عدم [illegible] اظهارات دولت ایران [illegible] روس [illegible] در آذربایجان
وارد خواهد آمد [illegible] نموده پیش از [illegible] دولتین [illegible] است [illegible] رسماً [illegible] رسید نتیجه را
اطلاع بدهید (محل امضای علاءالسلطنه)

نمره (۱۴۷) تلگراف وزارت خارجه به سفرای لندن و پطروگراد ۱۲ صفر ۱۳۳۳

بعد از [illegible] مذاکرات مذکوره در نمره ۱۴۶ کلیتاً اظهار داشته می‌شود که اروپائیها از اوضاع حاضره نگران هستند
بطوریکه لازم است در [illegible] شما تمام [illegible] کامل [illegible] رسید که [illegible] ممکن است [illegible] نگرانی [illegible] بشود
که وجود قشون روس را لازم [illegible] و با [illegible] اقدام [illegible] خواهد کرد با هر چه در قوه دارند سعی نمایند که از [illegible]
منصرف بشوند و نگران باشند و واضح بود وزارت خارجه بگویند که رفع نگرانی در باب [illegible] در دست خود آنان است [illegible]
در رجعت قشون روس نموده از اقدامات روسها جلوگیری کنند نتیجه را اطلاع بدهید

(محل امضای علاءالسلطنه)

۱۲
۵۷

نمره (۱۴۸) تلگراف وزیر مختار پطروگراد به وزارت امور خارجه
نمره ۱۸۵

۱۰ صفر ۱۳۳۳

امروز با وزارت خارجه مفصلاً مذاکره نموده و دخالت و حرکات قنسولهای روس را با کمال ادب و متانت گفته و تذکار
مراتب شرح دادم سفیر انگلیس هم که با [illegible] در این مطلب همراهی مخصوص دارد هر قدر لازم بوده مذاکره کرده ولی در مقابل نتیجه گرفته نبود هر دو
شرح اسرار و وحدت لازم را نمودم میگویند حالیه که [illegible] از شجاع الدوله فقط در تحفظ سرحد و جلوگیری از اکراد و عساکر عثمانی تقویت
دارد شجاع الدوله با مأمورین دیگر ایرانی در صدد [illegible] عساکر عثمانی بیطرفی ایران را بهم زده داخل خاک ایران میشود حق داریم
دفاع نمائید ولی دفاع [illegible] متعاقب بیطرفی [illegible] بلکه فقط از طرف [illegible] درباب دادن [illegible] از
روس اینجا اطلاعی [illegible] کنند تحقیقات میکنیم ولی هرگز ممکن نیست در مسئله شجاع الدوله [illegible] تغییر یا تبعید [illegible] شده
باز در اقدامات هست

(احمد)

نمره (۱۴۹) تلگراف وزارت خارجه به سفیر کبیر ایران
نمره ۱۸۶

در اسلامبول ۱۷ صفر ۱۳۳۳

سابقاً به سفارت کبری در خصوص [illegible] مذاکرات به دولت ایران اطمینان میداد که هرگاه قشون روس از ایران خارج بود قشون عثمانی
از سمت [illegible] ایران [illegible] خواهد کرد و حرمت دولت ایران و احترامات حقوق را که [illegible] از طرف [illegible] قشون روس
شروع کرده حدود [illegible] متعرض است [illegible] مطلوب حاصل نشود [illegible] حالیه [illegible] لازم است مذاکره تحصیل اطمینان
در تخلیه نقاط [illegible] عثمانی [illegible] تلگراف بفرمائید (محمد علی علاء السلطنه)

نمره (۱۵۰) مراسله سفارت انگلیس به وزارت امور خارجه
نمره ۱۸۷

مورخه ۱۸ صفر ۱۳۳۳

شرف دارم خاطر محترم جناب اشرف را مستحضر سازم از اینکه حسب تعلیماتیکه پس از مذاکرات در وضع حاضره با جناب
اشرف رئیس الوزراء به قنسول انگلیس مقیم تبریز داده بودم [illegible] به جهت [illegible] اینکه [illegible] تعداد [illegible] و کرد
[illegible] اطلاع [illegible] تبریز را تهدید مینمود [illegible] خارج شده و پس از [illegible] از تبریز [illegible] عثمانی [illegible]
[illegible] قنسول انگلیس [illegible] قبول [illegible] داده شده
که قنسول [illegible] بانک شاهنشاهی ایران [illegible] قنسول انگلیس مقیم تبریز [illegible] کرده
حال که [illegible] اطلاع جناب اشرف [illegible] وظیفه خود میدانم [illegible]
دستور [illegible] که [illegible] قواعد انگلیس [illegible] محافظت [illegible]
محافظت نمایند [illegible]
عثمانی [illegible] جناب اشرف رئیس الوزراء اطمینان بدهند از اینکه [illegible] قنسول خارجه مقیم مملکت [illegible] محترم
شمرده بود [illegible] احترامات فائقه را تجدید مینماید

(والتر تونلی)

نمره (۱۵۱)
نمره ۱۸۸

تلگراف وزارت خارجه به سفارت ایران در پطروگراد

و لندن نمره ۹ ۱۶ صفر ۱۳۳۳

اول ژانویه وزیر مختار عثمانی اظهار داشت قرارهای قطعی به وزیر مختار روس اطلاع داده که ملاحظات نظامی قشون روس
از آذربایجان ریخته خواهد نمود در هر صورت لازم است که دولت ایران هم جداً از عثمانیها جلب قشون آنها را بخواهد
جواب داده شد که اولاً خلع دربار خیال حمله ندارد و ثانیاً اینکه اکراد را اظهار نموده با سرحدات آورده که تجربه را ملت تابع
الیوم بر پا کرده و عثمانیها با فرقه آمده اند که اظهارات دسته جات با خط ما که اظهار رضایت قانع شده و به عثمانیها اظهار
کرده و آنها هم اظهار کرده که با حال نبوده راجع به تخلیه تمام خاک ایران فقط آذربایجان نیست و عثمانیها هم مکرر گفته اند تا آنکه
قشون روس در خاک ایران است ما خود را در سرحد و زمین رسیده هم هم جنگ روس را ورزا با شهر تبریز ملاقات شده را
عنوان کرده جواب داده که با اظهار تفاهمی بمقدار قانع شده و شکایت از آنها رشتا نوشتند که از تمام خاک ایران
خواهند رفت منهم فوراً مراتب را با تلگراف سواد تلگراف دارایی اطلاع جواب سکم از طهران هنوز جوابی نرسیده اردو
الان وزیر مختار روس به ما داده است که کلیه قشون روس خاک ایران را تخلیه خواهند نمود و خبر داده هم که مراتب را
سر سید اظهار را تصدیق نماید بعد از مراکزه درست وزراء عظم دولت شده فوراً حضرت و تعهد یک نفر
مأمور که در میان عشایر نفوذ داشته باشد برای اعزام دفعه کافی در طهران و آذربایجان کمک نموده حالیه هم در این زمینه
اقدام دیگر را اطلاع بدهید عمده مقصود دولت این است که اقدام تخلیه ایران با هر تعهد شود که اگر طول بکشد
ممکن است خروج قشون روس از نقاط آذربایجان به صدق وارد و عثمانیها نمود تسهیل شود روزدر اقدام
نکند که دولت هم مراتب خود را با عثمانیها جداً تعقیب داریم که تا هر چه زودتر بشود

(محرمانه مشاور السلطنه)

نمره (۱۵۲)
نمره ۱۸۹

تلگراف وزارت خارجه به سفیر کبیر ایران

در اسلامبول نمره ۲۰ صفر ۱۳۳۳

خاطر ایشان مستحضر است که اقدامات دولت در رفع ... خاک ایران از قوای روس جلب توجه داد و وزرای مختار
روس و انگلیس تصریحاً و رسماً اطلاع داده‌اند قوای روس کلیه خاک ایران را تخلیه میکنند ولی اخیراً از قرار معلوم از دسته
اردبیل و شهر ... و اطراف آذربایجان شروع کرده‌اند اولیای دولت ایران در عالم اسلامیت حسن ...
که اولیای دولت عثمانی در هر موقع مقام اتحاد و اسلامیت را القدسی دارا بوده قطع استقلال طلبانه مهارا استقلال و
حفظ بیطرفی ایران امر فوری شود که بدانند که قوای دولت عثمانی دست از سیاست در سرحد به ادرار هر جا که هستند
رحمت وارد به کمک سیاسی تاریخی با این خاک دولت هم این اقدام نمایند —

حس هرا که در اقدام این کار مهم را اساساً در نظر داشته جنبه احساسات بدهند که قبول روش حالیه که از سرکردگان آذربایجان را نخواهند بخشید تا
مهاد [illegible] در شرح قوای عثمانی [illegible] در ایران روانه شده به زیر [illegible] خداوند نخواسته اگر [illegible] بشمرده شود محسوس است که
[illegible] اسلامی زبان [illegible] و راه خواهد آورد و اگر [illegible] دست [illegible] هم شود و [illegible] ایران [illegible]
زانش [illegible] خواهد بود

(وزارت خارجه)

نمره ۱۹۰

نمره (۱۵۳) مراسله وزارت امور خارجه بسفارت روس ۲۰ صفر ۱۳۳۳

اگرچه [illegible] از [illegible] جنگ مابین روسیه و عثمانی مکرر خصوص از [illegible] و سردار [illegible] دفعات [illegible] عرض [illegible]
فوق الذکر [illegible] را در ایران [illegible] شجاع الدوله را به آذربایجان [illegible] آن نموده خاطر
[illegible] خطر [illegible] مصالح [illegible] روسیه و ایران [illegible] بموقع [illegible] گردیده [illegible]
[illegible] دولت [illegible] قرار [illegible]
بلکه [illegible] ایران [illegible] شجاع الدوله [illegible] افواج [illegible] قراق [illegible]
[illegible] ولی [illegible] شجاع الدوله [illegible]
که [illegible] قرار [illegible]
[illegible] ایران [illegible]
دولت [illegible]
اخیراً اطلاع حاصل شد [illegible]
خود را [illegible]
دولتی را که شجاع الدوله [illegible]
[illegible] عثمانی [illegible] ابراهیم فوزی [illegible]
عثمانی [illegible] در جواب [illegible]
ایران را توضیح [illegible]
[illegible] شجاع الدوله [illegible] ایران [illegible]
[illegible] ایران [illegible] اسلام را [illegible]
در مملکت خود [illegible] اسلام [illegible] کلمات
[illegible]

(رئیس مهاجرین و سرحدی میسیو ابراهیم فوزی)

از جواب ابراهیم فوزی [illegible] دولت عثمانی [illegible] شجاع الدوله [illegible]
خود را [illegible] دولت [illegible]
[illegible] دولت [illegible]
است که [illegible] ایران [illegible] دولت [illegible]
[illegible] دولت [illegible]
[illegible] ایران [illegible] دولت [illegible] ایران [illegible]
[illegible] ایران [illegible]

(مهر علاءالسلطنه)

۸۲
۵۹
۶۰

۱۱۹۶ اول

نمره ۱۹۱

مراسله وزارت امور خارجه به سفارت روس نمره ۶

۲۰ شهر صفر ۱۳۳۳

در قرار جلالت‌مآب وصول مراسله مورخه سفارت بهیه در [illegible] را که با تاریخ [illegible] برای عبور [illegible] خود همراه داشته‌اند ارائه
نکرده‌اند و از ۱۳ الی ۲۳ نوامبر تاریخ [illegible] از [illegible] را در [illegible] توقیف نموده [illegible] مقام [illegible] دولت
[illegible] از طرف قونسول [illegible] اولیای دولت بهیه [illegible] اداره [illegible] نایب [illegible]
احترامات [illegible] [illegible] را [illegible] [illegible] دول خارجه مقیمین ممالک
محروسه [illegible] [illegible] را [illegible] فرمایند

(محمدعلی علاء السلطنه)

اول

نمره ۱۹۲

راپورت ملاقات با وزیر مختار اتازونی نمره ۵

۲۱ شهر صفر ۱۳۳۳

بر حسب امر حضرت اشرف اعظم رئیس الوزراء عظام دو ساعت بعد از ظهر با وزیر مختار آمریک ملاقات [illegible] که مقرر فرموده بودند [illegible]
با قرابات قونسول امریکا در تبریز [illegible] جلوگیری [illegible] در شهر [illegible] اظهار [illegible] تشکر نموده توقع نمود که قرابات
قونسول [illegible] تلگراف [illegible] وزیر مختار [illegible] بود
وزیر مختار پس از اظهار تشکر از توجهات حضرت اشرف اظهار داشتند که از اقدامات قونسول خودمان خبر دارم [illegible]
[illegible] دولت [illegible] صلح [illegible] جلوگیری از خونریزی [illegible]
[illegible] داده‌ام [illegible] کاملی در خصوص [illegible] [illegible] که قوه دارم اهتمام [illegible]
[illegible] حضرت رئیس الوزراء که مرا بسیار ممنون کرده فوراً با تلگراف [illegible] اطلاع [illegible] از طرف خودم هم اظهار
تشکر کردم [illegible] دولت [illegible] که طرفین صلح را [illegible] مأمورین [illegible]
است [illegible] اظهار داشتند که [illegible] تلگراف رسید که [illegible] قونسول [illegible]
تا صبح [illegible] رسیده [illegible] عثمانی [illegible] قونسول‌ها اهتمام در جلوگیری از جنگ و خونریزی در شهر
دارند [illegible] دولت [illegible] وزیر مختار روس [illegible] که قشون روس قصد [illegible]
[illegible] خبر دارم [illegible] عثمانی [illegible] قصد [illegible] شهر را [illegible]
با تعلیمات [illegible] «اگرچه قونسول ما اقدامات دارد» [illegible] روس [illegible]
[illegible] حاصل نماید
وزیر مختار [illegible] اظهار [illegible] خبر دارم [illegible] عثمانی [illegible] اهتمامی دارند که [illegible]
[illegible] دولت ایران [illegible] اهتمامی نمایند که شهر [illegible]
آلوده نماید

(حسن ظهیر الملک)

نمره ۱۹۱ ب

۱۱۹۷

نمره (۱۵۴) مراسله وزارت خارجه به سفارت کبرای عثمانی مورخه ۲۰ صفر ۱۳۳۳

دو سه روز قبل در جواب مراسله مدیده خود حضور قشون عثمانی [illegible] آقای رئیس الوزراء [illegible] که در جنوب [illegible]

با بحث قشون عثمانی [illegible] قوای انگلیس [illegible] از خاک بیطرفی ایران [illegible] لذا [illegible] استقلال عالم

اسلامیت [illegible] قشون عثمانی [illegible] مسلم [illegible] قوای انگلیس [illegible] از خاک ایران [illegible]

[illegible] دولت علیه [illegible] دولت علیه ایران [illegible] که در [illegible]

[illegible] استقلال دولت [illegible] مملکت محترم [illegible] خویش را از دست

نداده [illegible] دولت علیه ایران اطلاع رسیده که قوای دولت روس

به خاک ایران [illegible] و [illegible] کرده [illegible] پس از [illegible]

[illegible] قوای انگلیس [illegible] تبریز [illegible] قوای روس

[illegible] دولت ایران [illegible] که جناب سفیر کبیر [illegible]

[illegible] دولت علیه [illegible] سفارت کبرای خود [illegible] دولت علیه [illegible]

[illegible] که قوای انگلیس [illegible] خاک ایران [illegible]

[illegible] دولت علیه [illegible] احترامات فائقه [illegible]

(محمد علی علاء السلطنه)

نمره (۱۵۵) تلگراف وزارت امور خارجه به سفارت ایران

نمره ۱۹۳

در پطروگراد ۲۱ صفر ۱۳۳۳

راپرت تلگرافات شما در باب شجاع الدوله [illegible] روسها [illegible] در تبریز بوده [illegible]

داده [illegible] وزارت خارجه [illegible]

[illegible] شجاع الدوله [illegible] دولت [illegible]

[illegible] شجاع الدوله [illegible]

ایران [illegible] دولت ایران [illegible]

شجاع الدوله [illegible]

[illegible] دولت ایران [illegible]

[illegible] شجاع الدوله [illegible] ایران را

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] دولت ایران [illegible] دولت [illegible]

مملکت [illegible] دولت [illegible] مملکت [illegible]

از مخاطرات آتیه [illegible]

(محمد علی علاء السلطنه)

۸۸

۵۷

۶۱

نمره ۱۹۴

نمره (۱۵۶) تلگراف وزارت خارجه بسفیر کبیر ایران

در اسلامبول ۲۱ صفر ۱۳۳۳

بشرف عرض برسانید قوای عثمانی در آذربایجان عقب قشون روس را تعاقب نموده و تنها در آجی (۱) مشرف شده اند در ارجح
است که برای حفظ تمام قوای عثمانی از آذربایجان که تازه به گرگان (۲) آمده اند و سپس فرداً خیال ورود به تبریز را دارند
مطابق دستوری که سابقاً داده ام اقدام نمایند عموماً بعوض امر صادر فرمایند که از سمت در حدود داخلی نموده سعی در خیال عقب روسها
فراهم نمایند در نتیجه اقدامات دارند جهت عثمانیها را اثر به رود در طلوع بدهید (مخبر علاء السلطنه)

نمره (۱۵۷) تلگراف وزارت خارجه بنایب الایاله آذربایجان ۲۲ صفر ۱۳۳۳

مراسله از سفارت انگلیس رسیده است که راجع به حفظ مصالح و فوائد انگلیسی در این صفحه در غیاب قنسول اظهارات نموده اند
قونسولخانه انگلیس هم به قونسولگری آمریکا سپرده شده است تعهد مسیطالی در نقطه تبع انگلیس ها و کلیه اتباع خارجه اهتمام در
را بنمایند که اسباب شکایت تولید نشود در این ترتیب نتیجه و خسارات سالک سالمانی و اسباب قونسولخانه انگلیس مکاره که ...
ایشان را از جهت فراهم نتیجه را فوراً تلگراف فرمائید (علاء السلطنه)

نمره ۱۹۵

نمره (۱۵۸) تلگراف سفیر کبیر ایران از اسلامبول بوزارت خارجه ۲۲ صفر ۱۳۳۳

راجع به سردار ... از خود سردار ... هم تلگراف رسیده بود فراهم نموده ... از وزیر ... عثمانی ... صادر (محمود)

نمره ۱۹۶

نمره (۱۵۹) سواد مراسله نمایندگان ایران در خارجه ۲۴ صفر ۱۳۳۳

در اول ژانویه در مجلس انگلیسی بحضور اشرف آقای رئیس الوزراء و هیأت اظهار داشت که بر حسب تقاضای هم قطار روس خودم
بدولت علیه اطلاع داده بودیم که در ژانویه قشون روس از کنار آذربایجان بیرون خواهد رفت و حالا لازم است
که دولت ایران هم با حدت تمام از عثمانیها بخواهند که ... از خاک ایران ... در سمت ... عقب ... محترم انگلیس جواب
داده شد که ... عثمانیها ... که ... عثمانیها ... کرده ... و ...
رسیده ... عثمانی ... ده ... که ... در ... نبود
درباب جهت تمام قشون روس از کلیه خاک ایران نبود نه فقط آذربایجان سفارت عثمانی هم در ... سابق ... خود
گوشزد کرده است با اینکه قشون روس در خاک ایران ... دارد ... در ... طرف ایران محسوب ... نمایند .
ملاحظه ... الوزراء ... عثمانی را ... و در ... اظهارات سابق ... انگلیس ... اظهار ... تقاضای
رجعت قوای عثمانی را از آذربایجان ... که ... عدم ... طرف ما
لازم است که تمام قشون روس از کلیه نقاط ایران ... جواب ملاحظه
در ... بعضی نقاط ... رسید که ... وزیر مختار ... سفارت
وزارت امور خارجه وزیر مختار روس ... وزیر مختار انگلیس ... روس ... داد که حکم
خبر رسیده است قشون روس از تمام خاک ایران ... خروج قشون ... از ... وزارت ... دارد
ولی ... گفته بود که قشون ... از ... شهر ... خارج ... وزیر مختار ... تلگراف ... رسید که در صدد
بردن قشون ... وزیر مختار ... راجع ... بعضی نقاط ... وزیر مختار روس ... لازم
نفوذ ... در ... آن که ... کرده ...

در شنیدن این قضیه که در [illegible] است آنچه عنوانات سابق خود را تکرار کرد نقل کردم که [illegible] جواب داد که [illegible]
را در بسته کلیهٔ [illegible] شد که روسها متعهد شده فقط رفتن خود را اعلام داشته در تبریز فقط برای حفظ [illegible] نظامی است و در سایر نقاط
[illegible] را متعهد هستند [illegible] تا بعد صلح [illegible] رسید قشون [illegible] وارد [illegible] وارد [illegible] اند از [illegible] قشون [illegible]
و [illegible] قشون [illegible] از شهر خارج شده با [illegible] عثمانیها در کنار رود [illegible] توقف [illegible] وارد [illegible]
به طرف [illegible] رفته‌اند و گویا در اینجا [illegible] متعهد [illegible] که [illegible]
[illegible] عموم [illegible] در اینجا [illegible] شود که [illegible] قشون
عثمانی [illegible] روسها نمی‌شود (علاءالسلطنه)

نمره ۱۹۷

نمره (۱۶۰) متحدالمآل به نمایندگان ایران در خارجه ۲۴ صفر ۱۳۳۳

حرکت شجاع‌الدوله را از تبریز به مراغه و تکلیف دادن اردو را در اینجا سابقاً اطلاع داده‌ام بنابراین در تاریخ حرکت از تبریز [illegible] چهار
عراده توپ [illegible] و تقریباً صد دسته با مهمات و قورخانه از [illegible] همراه کرده بعد از [illegible] اردو در مراغه متوقف [illegible] قشون
روس به سمت [illegible] حرکت [illegible] نظامی عثمانی و عشایر [illegible] توقف بود شجاع‌الدوله از ایشان [illegible] حرکت [illegible]
قشون و عشایر حمله [illegible] دو دفعه مقابله با اکراد با عده [illegible] فرار و تمام اردو و لوازمات که با خود [illegible]
عثمانیها و عشایر [illegible] فرار [illegible] سمت [illegible] آمده [illegible]
شجاع‌الدوله [illegible] خود شجاع‌الدوله [illegible] که [illegible]
[illegible] که [illegible] تبریز [illegible]
[illegible] عثمانی [illegible] قشون روس [illegible] از شهر [illegible]
[illegible] شجاع‌الدوله [illegible] قشون روس و [illegible]
[illegible] عثمانیها [illegible]
[illegible] عثمانیها [illegible] عثمانی
[illegible] تبریز [illegible] شده
قشون روس هم که در کنار شهر [illegible] عثمانی [illegible] برای آن
دادن قشون خود [illegible] ایران [illegible] شجاع‌الدوله [illegible]
[illegible] عشایر ایران را
که [illegible] عثمانی [illegible]
[illegible]
با [illegible] روس و عثمانی [illegible] ایران [illegible] کرده [illegible] وقت [illegible]
[illegible] ایران [illegible] خود [illegible] روس [illegible]
کرده و مخصوصاً [illegible] قشون روس [illegible] شجاع‌الدوله را با ایران [illegible]
[illegible] که [illegible] از طرف [illegible] در [illegible] خود
[illegible] هیچ طرفی [illegible]

۹۰
~~۶۴~~

در مرحله روسها در کنار شهر [illegible] و عثمانیها هم نزدیک میشوند در این مراسله قفقازیه روس و عثمانی نوشته شده است که لوازم آنها را با لوازم خود [illegible]
را دولت ملاحظه [illegible] برای اطلاع خاطر جنابعالی ارسال میدارم چون از [illegible] مطلب هم اطلاع دارید لازم است که در این موقع
برای [illegible] درست نقطه نظر اولیای دولت [illegible] در این باب [illegible] نظر شان را تایید نمایند [illegible]
روزنامه‌ها برای اطلاع جنابعالی اخیراً ارسال خواهد شد (محمد علی علاء السلطنه)

نمره ۱۹۸

نمره (۱۶۱)

تلگراف کارگزار قزوین به وزارت خارجه ۲۳ صفر ۱۳۳۳

امروز صبح قنسول [illegible] ملاقات [illegible] اظهار داشت قنسول روس که از قزوین رفته بود در این روزها [illegible] مراجعت خواهد کرد

(سالار فاخر [illegible])

نمره ۱۹۹

نمره (۱۶۲)

تلگراف وزارت خارجه به وزیر مختار ایران

در لندن ۲۶ صفر ۱۳۳۳

با نهایت عجله دولت در صدد [illegible] حضرت [illegible] است ولی با وعده [illegible] قونسول روس که از قزوین رفته بود
مراجعت کرده [illegible] وارد کرده [illegible] قونسول [illegible] هم خارج شده ملاحظه نمایند [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
ایران [illegible]

(محمد علی علاء السلطنه)

نمره ۲۰۰

نمره (۱۶۳)

مراسله وزارت امور خارجه به سفارت انگلیس

۲۶ صفر ۱۳۳۳

وصول مراسله محترمه [illegible] ۱۹۱۴ [illegible]
امور [illegible] قنسول انگلیس [illegible]
[illegible] قنسول خارجه [illegible]
[illegible]
دولت [illegible]
[illegible] دولت ایران [illegible]
احترامات فائقه را تجدید [illegible]

(محمد علی علاء السلطنه)

نمره ۲۰۱

نمره (۱۶۴)

تلگراف وزیر مختار ایران در لندن به وزارت خارجه ۲۷ صفر ۱۳۳۳

[illegible] وزیر مختار [illegible] اطلاع داده بود که [illegible] روس [illegible]
[illegible] وزارت خارجه [illegible] وزیر مختار [illegible] قنسول [illegible]

ایران باشور که اینه از خرجها ... از این وضع نموده صحبت ... با دولت علیه را مؤکد دارم

(مهدی)

نمره (۱۶۵)
نمره ۲۰۲

تلگراف وزارت خارجه بسفیر کبیر ایران در اسلامبول

۶ صفر ۱۳۳۳

خاطر عالی را قبلاً از دخول قوای عثمانی به تبریز مسبوق داده‌ام که اطلاع از روس قصد تخلیه خاک ایران را دارد اما جوسیم در تعاقب اقدام کنند قوای عثمانی به تبریز داخل شوند هنوز اخبار خیلی اخیر رسیده داخل شدند قوای روس قسمتی شهر را تخلیه از هر جهت وزیر مختار ایران از طهران وزیر مختار عثمانی در اسلامبول ... کلیه امور دولت ایران از تبریز رفته جلوگیری محکم بخشند قبول نموده ... انتقام از عثمانی هستند و عقیده دولت ایران در اسلامبول عثمانی ها ورود عساکر را موافق جلوه داده صحبت خاطر خود را علناً بروز داده بالجمله اگر دولت عثمانی رسماً هم ... را اعلام ... در اسلامبول دارد حقیقت خود ... برای دولت دانسته خواهد کرد که ... خواهد بود در ... که اولیای دولت مسئول ... هستند انتظار قطعی دارد که اولیای دولت عثمانی با اولیای دولت ایران ... فوری قوای عثمانی از خاک آذربایجان امر فوری صادر فرمایند که آذربایجان ... محفوظ از خطرات مانده ... انتظار دارم

(مهر علاء السلطنه)

نمره ۲۰۵
نمره (۱۶۶)

تلگراف کارگزار قزوین بوزارت خارجه ۲۷ صفر ۱۳۳۳

عده از قشون روس دیشب و امروز وارد قزوین شدند (...)

نمره ۲۰۶
نمره (۱۶۷)

تلگراف سفیر کبیر ایران از اسلامبول بوزارت خارجه ۲۷ صفر ۱۳۳۳

تلگراف مبارک وقتی رسید که تمام روزنامه‌ها ... خبر ورود عثمانی را به آذربایجان ... تخلیه از قشون روس طبیعی ... دلیل برای ... وزارت خارجه در روز ... و از ... اظهارات لازمه نمودم ... تخلیه ... دولت عثمانی ... وعده ... طبق ... اما ... مملکت ... دستخوش ... نخواهیم کرد ... ایران ... نظر ... سرحدی را ... طبق ... وعده داده در جواب ... به عبارت ... عوض خواهیم کرد در باب ... آذربایجان ... دولت ... وزیر خارجه ... تأکید لازم شد که قایع ... حرکت نکنند و اگر ... اقدام ... (محمود)

نمره (۱۶۸)

تلگراف وزارت خارجه بسفیر کبیر ایران در اسلامبول ۲۷ صفر ۱۳۳۳

با وجود ... قوای عثمانی سردار ... و ... از طهران ... از این خطر ... دولت ایران منتظر است که ... اقدام ... صادر شود که ... اولیای دولت ایران ... اولیای عثمانی ... اقدام ... اولیای دولت ...

(مهر علاء السلطنه)

اول — نمره ۲۰۳

مراسله وزارت امور خارجه به سفارت روس مورخه

۲۶ صفر ۱۳۳۳

عطف به مراسله مورخه ۷ و ۲۵ ذیحجه ۱۳۳۲ راجع به تلگرافی که در دهات گمرکات شمالی ایران بواسطه جنگ بین‌المللی ظهور نموده و منعی را که اولیای امور ایران نقض نموده اند دوستدار [illegible] وزیر امور خارجه را در این موارد مستحضر ساخته [illegible] جواب مراسلات نمره [illegible] رسیده است بر نهایت احترام تمام جسارت [illegible] که مراقب [illegible] در ادارات [illegible] مطابق ۲۳ ربیع [illegible] دولت علیه ایران باید فقط بیطرفی را بعضی [illegible] دارد و از [illegible] رسیده [illegible] بواسطه [illegible] سفارت [illegible] که [illegible] بواسطه [illegible] امورات [illegible] شده بود [illegible] در تعقیب اقدامات مخصوصه که برای انجام تقاضای دولت علیه ایران فرموده اند [illegible] توجه سریع فرمایند که [illegible] جواب مراسلات فوق الذکر دوستدار را بالمساعده داده شود [illegible] اولیای دولت علیه ایران از [illegible] که دولت [illegible] اطلاع [illegible] فرمود حال [illegible] را اصلاح خواهد نمود

(محل مهر علاءالسلطنه)

اول — نمره ۲۰۴

مراسله وزارت امور خارجه به سفارت روس مورخه

۴ ربیع الاول ۱۳۳۳

نظر باینکه چندی [illegible] عثمانی [illegible] از آن [illegible] توجه جناب جلالت مآب را [illegible] از حضور قشون دولت بهیه روسیه در ایران [illegible] ملکت [illegible] نظریات اولیای دولت متبوعه دوستدار که در اصلاح روسیه و ایران بود [illegible] اولیای امور دولت بهیه روسیه [illegible] در ۱۲ صفر [illegible] اشرف [illegible] رئیس الوزراء [illegible] دوستدار از طریق اظهارات جناب جلالت مآب [illegible] قشون [illegible] دولت بهیه [illegible] ۱۸ شهر صفر [illegible] تصدیق فرموده [illegible] ۱۸ صفر [illegible] قشون روسیه را از ایران [illegible] اولیای دولت متبوعه دوستدار [illegible] قشون [illegible] روسیه [illegible] که [illegible] اولیای دولت متبوعه دوستدار [illegible] در حالیکه اولیای دولت متبوعه دوستدار [illegible] دولت ایران را در تعقیب مسلکی که [illegible] روسیه و ایران [illegible] نموده اند [illegible] اضطراب [illegible] دوستدار [illegible] از آنجائیکه اولیای امور ایران در [illegible] روسیه و ایران [illegible] جناب جلالت مآب [illegible] که برای [illegible] قشون روسیه [illegible] ایران [illegible] شده [illegible] ایران است [illegible] دولت متبوعه دوستدار [illegible] مساعدت نمایند [illegible] احترامات . . .

(محل مهر علاءالسلطنه)

نمره ۲۰۷

نمره (۱۶۹) مراسله سفارت انگلیس به وزارت خارجه ۲۹ صفر ۱۳۳۳

چون کمپانی مارکنی کارگزاران دولت علیه ایران از ایستگاه تلگراف بی‌سیم مشهد که در آن در این اواخر انتفاع می‌برده از پیش
خاطر جناب اشرف مسبوق است که این ایستگاه تلگراف بی‌سیم که در دست انگلیس است از سنه ۱۹۱۱ در این اواخر مورد استعمال
بوده حال لازم شده است که دوباره این ایستگاه را راه بیندازند و برای این منظور یک عمارتی که به نظر کمپانی در ازمنه که برای
مدت مدیدی ادارات تلگرافی مشهد دارد اجاره نموده در کار جدیت است محض از هر گونه سوء تفاهمی در این باب در خاطر
در جناب اشرف از هر جهتی خاتم قبول زحمت قرار بوده از ادارات لازمه دولت علیه بخواهند که رعایت خود را در جدیت
این ایستگاه که جزو [illegible] اظهار دارند نقش دارم جناب اشرف از هر جهتی مقصود کوشش خواهند فرمود که [illegible] ممکن شود
قبول المستقبله استحصال نمایند زیرا که فوراً منفعت خواهند شد که فقط مقصود از این ایستگاه تلگراف جدید سهل می‌نماید با مخابرات در دریا
بعضی کمک [illegible] مخابرات و سایر [illegible] لزوم فرمام فوری در جنوب ایران [illegible] در دریای خلیج در دریاها [illegible]
ملاحظه شد که کارگزاران دولت ایران از ایستگاه مشهد ایستگاه را استفاده نموده [illegible] کاملاً داده باشد —
ایستگاه مزبور ملاحظه شد در این موقع احترامات فائقه را تجدید می‌نمایند (والتر تونلی)

نمره ۲۰۸

نمره (۱۷۰) تلگراف وزارت خارجه به کارگزاری اصفهان غره ربیع الاول ۱۳۳۳

در قرار اظهار سفارت روس در اصفهان بعضی اشخاص مسلح تفنگ داده و اهالی را اطراف بر ضد [illegible] عثمانی و آلمان تحریک می‌نمایند که بلوا نمایند
که این رفتار ایشان برخلاف مسلک بی‌طرفی و صلاح این مملکت است که مخالف کرده‌اند [illegible] نموده‌اند هستند با اتفاق حکومت با اشخاص محترم
اظهار نصیحت نمایند که این اقدامات را حالی نموده نتیجه را اطلاع بدهید (علاء السلطنه)

نمره ۲۰۹

نمره (۱۷۱) تلگراف وزیرمختار [illegible] به وزارت خارجه ۲ ربیع الاول ۱۳۳۳

در این چند روز خبری که مکرر با وزارت خارجه ملاقات و از اطلاعات مسبوق و در زمینه دعوای [illegible] در صدد رفع کله دولت روس بودم تا اندازه
موفق شده و وعده همه جور مساعدت را گرفتم ولی می‌گویند منتظرم از طرف دولت علیه هم مساعدت مخصوص بشود در مسئله تخلیه
ایران از قشون روس سؤال کردم [illegible] معلوم شد که این مسئله است از اولیای دولت یک تلقی [illegible] از تعداد آذربایجان و مشهد [illegible]
اتفاقاتی به وقوع آید که کمک اقدامات بنده نماید (اسحق)

نمره ۲۱۰

نمره (۱۷۲) تلگراف وزارت خارجه به سفیر کبیر ایران

در اسلامبول ۳ ربیع الاول ۱۳۳۳

واقعه قتل نیر دار بکری و پرسش مختار الیه تلگراف شد مشهور شد که از اقدامات بیهوده و قتل مختار فریاد که اقدامات بدرد نمی‌خورد.
کرده و مرد ایران صاحب در این موقع نشان [illegible] دارد و جلب نکرده خبر رسید که مظفر السلطنه حاکم نفر را هم عثمانی‌ها مقتول
و در اثر این رفتار اهالی مملکت هیجان شدید کرده اند برای انتظام مملکت اقدام شده ولی تکرار از این اقدام نظامیان
عثمانی علاوه بر اضطرابات قوت [illegible] قرار می‌دهد دولت عثمانی به سفیر در جمع تصدیق حقیقت حرکت دولت ایران تلگراف [illegible]
کرده عثمانی این مسئله را از دولت جدا و تسبیح تکرار از طلب نموده نتیجه را اعلام فرمایند

(محمد علی علاء السلطنه)

نمره ۲۱۱

نمره (۱۷۳) تلگراف وزارت خارجه بوزیر مختار ایران در پطروگراد

لیله ۴ ربیع الاولی ۱۳۳۳

از اقدامات جنابعالی مستحضر و خیلی خوشوقت شدم امیدوارم که نتیجه موفقیت جنابعالی مشهود شود ولی در باب عده قشونی که از روس عبور
منتظر هستند توضیح داده بودید و حال آنکه حالا معلوم است که از طرف دولت روس علاوه بر عده سابق عده دیگر هم بسرحد
سرحد خودشان مشروط بتقاضا شده در باب حفظ آذربایجان حرکت پیش بینی کرده که در ازاء حضرت ... سه هزار نفر علاوه بر
استعداد موجوده و نتیجه اثر کرد در ترکیب قشون خواهد بود در آذربایجان خارجی ... مشهد ... کسانی و قزوین در همان
است و ... موجوده هیچ نگرانی ندارد برای ... که دارد سه هزار نفر سوار و پیاده علاوه بر استعداد موجوده
معلوم شده که بعد از حرکت قشون روس در این صورت خواهد شد و حتماً لازم است وزارت خارجه را مستحضر نمائید که
اگر از این بابت اهالی ولایات تعرض میکنند روس ... بلکه بواسطه سوء اطوار خودشان است تصور میکنند مردان قشون
روس نمیخواهند از این مقصد ... خود را ... ولایات ... که ابداً استعداد روس ندارد در حال
همین دو ولایت ... تابع خارجه ... فرد ... در این صورت برای قشون روس
اسباب ... جلب افکار عامه که موجب ... خواهد بود و ... عثمانی است در قرار
در این باب ... روس ... مصلحت خود اقدامات خواهد بود نتیجه اقدامات ... جنابعالی را منتظرم

(محمدعلی علاءالسلطنه)

نمره (۱۷۴) تلگراف وزیر مختار ایران از پطروگراد بوزارت خارجه

نمره ۲۱۲

پنجم ربیع الاولی ۱۳۳۳

چند روز است در مطبوعات اینجا اخبار راجع بخصوصیت ... وحدت ... ایران و عثمانی ... کابینه عثمانی را راجع
سوگند ورود عثمانی ... ایران ... شده ... و ... فوراً ... شده ... اگر حقیقت دارد تلگراف فوراً باید تکلیف خود را ... از ... مطبوعات ... که از طرف ...
... مطلع فرمایند

(اسحق)

نمره (۱۷۵) تلگراف وزارت خارجه بوزیر مختار ایران در پطروگراد لیله ششم ربیع الاول ۱۳۳۳

نمره ۲۱۴

تلگراف جنابعالی رسید نتیجه در مطبوعات ... ایران و عثمانی ... اصل است ... فوراً ... نمائید
... کرده ... از طرف عثمانی ... دارد ... ایران ... از طرف دیگر ... مطبوعات
... عثمانی ... ایران را ... ورود قشون عثمانی ...
دولت ایران بوده ... قشون عثمانی ... هزار نفر قشون ...
که قسمت عمده آن قشون ... قوه ... طرف ...
... دولت ایران ... قوه ... مطبوعات ... داخل ...
... آذربایجان ... آذربایجان ... قشون ...
... که قشون ... ایالت ... ابتدا
... که ... قشون ...
رسیده ... قشون ... با وجود اینکه ...
امور ... چند نفر قشون ... که ... قشون در ایران ... ابداً ...

95

بقیه صفحه ۸ عقب

نمره ۲۱۳ — مراسله وزارت امور خارجه بسفارت کبرای عثمانی مورخه

سلخ ربیع الاول ۱۳۳۳

نظر باینکه برخلاف انتظار خبر رسید که محمد حسین خان سردار مکری حاکم ساوجبلاغ در اثنای مسافرت بطرف کرکوک توقیف و مشارالیه از این رفتار نهایت
اضطراب [illegible] حرکت علیه نموده بود با تعجب بسیار [illegible] رجال دولت علیه ایران [illegible] و تعرض و توهین از سردار معزی الیه را ممنوع شد علاوه
بر آن بوسیله سفارت کبرای ایران [illegible] حضرت مستطاب اشرف رئیس الوزراء دامت شوکته در [illegible] ملاقات [illegible] برای اقدام جدی از
مساعی را انقضاء [illegible] حفظ جان و رهائی او [illegible] رسید بوقتی که از سفارت کبرای ایران [illegible] جواباً اعلام کردند که اولیای
دولت علیه عثمانی [illegible] سردار معزی الیه [illegible] کامل [illegible] تلگراف و [illegible] سردار مکری را
بممالک عثمانی وارد کردن حسن معامله را با سردار معزی الیه بمقام ریاست وزراء [illegible] و بدین وسیله خاطر اولیای دولت علیه را مطمئن فرمودند
متأسفانه مع الرغم آن تأمینات خبر رسید [illegible] رفتار [illegible] دولت علیه در [illegible] نمودن سردار مکری و [illegible] پانزده ساله اش
رسید که [illegible] در مطلوب اولیای دولت علیه [illegible] تصور نموده برای اقدام [illegible] دولت [illegible] دوم [illegible] آتش
[illegible] موفقیت داده و عجیب این است در تعقیب واقعه [illegible] محمد حسین خان حاکم [illegible] نفر دیگر [illegible]
[illegible] خاطر محترم عالی رسیده است [illegible] حاکم [illegible] نفر [illegible] سردار [illegible]
[illegible] گردیده تحت [illegible] اولیای دولت علیه ایران [illegible] اقدامات [illegible] دولت علیه [illegible]
[illegible] رنجیده شده [illegible] احترامات . . .

(محل مهر علاء السلطنه)

اول — نمره ۲۱۵ — ترجمه مراسله سفارت فرانسه بوزارت امور خارجه مورخه

۷ ربیع الاول ۱۳۳۳

با نهایت احترام [illegible] خاطر حضرت اشرف [illegible] که [illegible] مدرسه [illegible] رسیده است [illegible]
[illegible] مخصوصاً تعلیم زبان فرانسه [illegible] اقدامات [illegible]
[illegible] که از [illegible] فرانسه بوده [illegible] حفظ [illegible]
[illegible] حضرت اشرف [illegible] صادر فرمایند که [illegible] اقدامات [illegible]
[illegible] اقدامات [illegible] باید [illegible] است . . .

(ریمون لکنت)

دستانه ایران را متحد نمایند نکنند متعهدا دولت ایران با قبول از شرط خود حتی المقدور روسیه ابتدا خود را از تمرکز کرده است سرحدات را با قطع رابطه سفیر عثمانی

سازند تمامًا بدربه اطلاع بدهید (علاء السلطنه)

نمره ۲۱۶

نمره (۱۷۶) تلگراف وزارت خارجه به کارگزار مشهد ۱۱ ربیع الاول ۱۳۳۳

از قراریکه از قنسولگری روس [illegible] روس [illegible] از سمت ... نفر با [illegible] عثمانی [illegible] آمده که [illegible] تحقیق کنید این مسئله حقیقت دارد یا خیر

اگر حقیقت دارد نظر بمسلک بیطرفی دولت موقتاً با این اشخاص جلوگیری نموده نتیجه را اطلاع بدهید (محرمانه علاء السلطنه)

نمره ۲۱۷

نمره (۱۷۷) تلگراف وزارت خارجه به سفیر کبیر ایران در اسلامبول ۷ ربیع الاول ۱۳۳۳

خبر رسید عساکر عثمانی خیال حرکت بسنندج دارند با سفیر [illegible] ابتدا قصد [illegible] نقض بیطرفی [illegible] است [illegible] جلوگیری بشود

حضرتعالی هم با اولیای [illegible] دولت فرمایند که عساکر بسمت کردستان حرکت نکنند (محرمانه علاء السلطنه)

نمره ۲۱۸

نمره (۱۷۸) تلگراف وزارت خارجه به سفیر کبیر ایران در اسلامبول ۱۱ ربیع الاول ۱۳۳۳

[illegible] خبر رسید [illegible] ارکان حرب عثمانی دو نفر را برای تفتیش [illegible] اعزام دارند [illegible] ضابط [illegible] فرستاده و نوشته است [illegible]

[illegible] را [illegible] ارکان حرب [illegible] درصورتیکه [illegible] بیطرفی [illegible] اگر [illegible] از این رفتار [illegible]

[illegible] عثمانی [illegible] رفتار [illegible] در رفع آن [illegible] بفرمائید

(محرمانه علاء السلطنه)

نمره (۱۷۹) تلگراف وزارت خارجه بوزرای مختار ایران در لندن

نمره ۲۱۹

و پطروگراد ۸ ربیع الاول ۱۳۳۳

[illegible] صاحب منصب روس [illegible] رفته [illegible] قشون روس [illegible] وارد [illegible]

[illegible] روسی [illegible] قشون را [illegible]

[illegible] قشون را هم [illegible] حرکات [illegible] داده [illegible]

[illegible] جلوگیری [illegible] قشون [illegible]

[illegible] قشون خود را [illegible] حرکات [illegible] خواهد [illegible]

منتظر جواب مراجعت هستم (محرمانه علاء السلطنه)

نمره (۱۸۰) مراسله وزارت خارجه به سفارت کبرای عثمانی نهم ربیع الاول ۱۳۳۳

نمره ۲۲۰

اولیای دولت علیه ایران [illegible] دولت علیه [illegible] سفارت [illegible] اولیای دولت علیه عثمانی

[illegible]

اولیای دولت علیه عثمانی [illegible]

روس را [illegible] عثمانی [illegible] بیطرفی [illegible]

[illegible]

را برای یک دولت بیطرف فراهم نمایند اولیای دولت علیه ایران [illegible] دولت علیه [illegible]

[illegible] حقوق بین الملل [illegible] ایران [illegible]

این رفتار را حق و معقول طلب کرده جرأت و تقویت یاغیان سلطان یکند به قطار

(محمد علی علاء السلطنه)

نمره (١٨١) تلگراف وزارت خارجه به سفیر کبیر ایران در اسلامبول
نمره ٢٢١

نهم ربیع الاول ١٣٣٣

در این موقع که شنیده شد عثمانیها عمارت بلدیه و قونسولگری روس را در تبریز آتش زده و خراب کرده‌اند به سفارت عثمانی رجوع شد که این اقدام
ناجای بدون مبارزه در تبریز کرده جلوگیری کند چه اثر بد کرده و در انظار این قسم رفتار قوای عثمانی تأثیر خوب ندارد

(محمد علی علاء السلطنه)

نمره ٢٢٢
نمره (١٨٢) مراسله وزارت امور خارجه به سفارت انگلیس نهم ربیع الاول ١٣٣٣

در جواب مراسله مورخه ٢٩ صفر راجع به کشتی تلگراف بی‌سیم در بوشهر تذکار داده که جلوگیری از نصب
دستگاه تلگراف بی‌سیم در بوشهر اطلاع داده شد و مستدعی است که مأمورین دولت ایران از دستگاه مزبور جلوگیری کنند البته معلوم است که حال که چاره مجبور
دستگاه مزبور را بدهند و چون تلگراف بی‌سیم نمایش از جهت بی‌طرفی ما رعایت نخواهد شد و در این موقع که دولت ایران حضرت
اعلیحضرت پادشاه انگلستان با دولت علیه عثمانی مشغول جنگ و صلح فارسی با این ... نیست اولیای دولت ... از چاره جنگ کاری را که
از عملیات بی‌طرف نیست تصور داشته ... دولت انگلستان سفارت ... منتظر است که دستگاه
دستگاه مزبور را اگر ... دولت ایران نصب شده است بردارند

(محمد علی علاء السلطنه)

نمره ٢٢٣
نمره (١٨٣) تلگراف کارگزار مشهد به وزارت خارجه ١٢ ربیع الاول ١٣٣٣

مشهد ورود شماره نفر مأمورین عثمانی به مشهد ... خالی از اهمیت نیست ... جلوگیری از این گونه تحریکات در این
شرایط بی‌طرفی دولت علیه ... به عمل آید ... اعراق و عرب ... بی‌طرفی ... بعضی
مجهول به مشهد رسیده و صورت حکم جهاد ... اسلام عثمانی را منتشر ... بعضی ... اقدامات
... جلوگیری ... بی‌طرفی ... سرحد خارج بدهند

(معزز الدوله)

نمره (١٨٤) تلگراف وزارت خارجه به ... ایران در ...
نمره ٢٢٥

شب ١٣ ربیع الاول ١٣٣٣

کلنل پاسن قونسول ... که قبلاً از حدود ... با مراغه ... به اتفاق ... بقصد ... با کرادیان
رفته بود ... در ... تحریکات ... که جهات ... شده
... عثمانیها ... عثمانی و اکراد رفته ... خطر ...
... عملیات ... مأموریت ... وارد ...
... ولی ... است

(محمد علی علاء السلطنه)

نمره (١٨٥) تلگراف کارگزار محمره به وزارت خارجه ١٢ ربیع الاول ١٣٣٣

... عثمانیها ... عشایر ... طرف ... عشایر ...
... ایران ... که ... عثمانی ... شده ... مشغول ... هستند

٣ ٢٢٣

٩٨
٦٩

۱۲۰۸

هم چنین اطلاعات رسیده که بسردار ... دو هزار نفر عسکر پیاده و سواره و چند عراده توپ مأمور نموده که از راه خاک دولت علیه ایران شده
از طریق محمره حمله به بصره نموده از این طرف بصره را انتزاع کنند (اکرام الملک)

نمره (۱۸۶) مراسله وزارت خارجه به سفارت کبرای عثمانی ۱۲ ربیع الاول ۱۳۳۳ ۳/۲۲۳

بطوریکه بخاطر دارند از اینکه قوای دولت علیه عثمانی در خاک بیطرفی ایران ورود نموده و بخصوص که برای این وزارت علیه در [illegible] مبنی [illegible] تولید کرده و به بیطرفی ایران
لطمه شدید وارد آورده [illegible] خبر میرسد که اکراد از [illegible] دولت علیه عثمانی [illegible] لازم را اداره [illegible] نموده او و اهالی عماره
را تهدید نموده [illegible] اتفاق عساکر عثمانی [illegible] عربستان خاک بیطرفی دولت ایران [illegible] خبر [illegible] اطلاع میرسد که غضبان با طوایف عماره
با تیپ فوج عسکر و چند عراده توپ بحدود [illegible] طرف فرستاده شده از طوایف ایران هرکدام با آنها همراهی ننمایند [illegible] غارت [illegible]
قسم تجاوزات عشایر این طرف [illegible] دولت علیه ایران [illegible] که [illegible] مقیم [illegible]
با نقض بیطرفی [illegible] دست [illegible] عهد [illegible] در حرب [illegible] دولت نموده شروع [illegible] که فوراً [illegible] تصمیم داده اند
قطعه [illegible] نظامی اولیای دولت علیه [illegible] غضبان و طوایف عماره [illegible] دولت علیه [illegible] را منصرف
اولیای دولت علیه را قرین امتنان فرمائید (محمد علی علاءالسلطنه)

نمره (۱۸۷) تلگراف وزارت خارجه به سفیر کبیر ایران در اسلامبول ۲/۲۲۵

۱۳ ربیع الاول ۱۳۳۳

حکومت عربستان اطلاع میدهد در عماره از جانب قشون عثمانی [illegible] کرده و [illegible] سردار ارفع [illegible] ایران [illegible]
کرده غضبان [illegible] عماره را تحریک کرده [illegible] عربستان هجوم [illegible] عشایر [illegible] عماره
آورده و در [illegible] طرف حویزه برای [illegible] جهاد فرستاده [illegible] طرف حویزه خبر میرسد که غضبان با طوایف
عماره و قشون عثمانی بسمت [illegible] طرف حویزه حرکت کرده [illegible] فوج عساکر نظام [illegible] عراده توپ [illegible] فرستاده [illegible] بحدود
[illegible] طرف میرسند از طوایف عربستان هم هرکدام با آنها همراهی بکنند با آنها [illegible] قصد [illegible] کارون [illegible]
و محمره را [illegible] نمایند [illegible] خود [illegible] کنند [illegible] عشایر عربستان [illegible] شده [illegible]
[illegible] خواهد کرد و این نقض بیطرفی ایران [illegible] دولت [illegible] خود [illegible] مینمایند
[illegible] [illegible] تجاوزات [illegible] را [illegible] اولیای دولت
عثمانی جز [illegible] ایران را مجبور مینمایند که [illegible] دیگری [illegible]

(محمد علی علاءالسلطنه)

نمره (۱۸۸) تلگراف کارگزاری [illegible] به وزارت خارجه ۱۳ ربیع الاول ۱۳۳۳ ۲۲۶

دیروز در [illegible] قوای نظامی [illegible] عثمانی [illegible] خبر شکست [illegible] که [illegible]
[illegible] نموده [illegible] خبر میرسد عثمانیها و اکراد [illegible] اهالی [illegible] اطراف [illegible]
[illegible] قشون [illegible] [illegible] حضرت [illegible] اهالی [illegible]
[illegible] دارند [illegible] فضل خدا [illegible] اهالی [illegible] دولت [illegible] حفظ [illegible]
[illegible] اقدامات [illegible] بفرمائید

(اسعد [illegible])

۹۹
۷۰

۲۰۹ اول

نمره ۲۲۶ مراسله وزارت خارجه بسفارت فرانسه مورخه

۱۲ ربیع الاول ۱۳۳۳

دوستدار بمجرد وصول مراسله محترمه مورخه ۲۳ ژانویه (۷ ربیع الاول) سفارت [illegible] که مرقوم فرموده اند در کرمانشاهان برضد منافع دولت متبوعه بجناب جلالتمآب عالی داده شده فوراً مراتب را بوزارت داخله اطلاع داده و علاوه [illegible] از حکومت و کارگذاری مهام خارجه کرمانشاهان استعلام و امر اکیده صادر نمود که در صورت صحت [illegible] مستلزم رفع [illegible] حفظ بیطرفی دولت علیه و مخالف با منافع اتباع الدولت فخیمه [illegible] که شرایط حفظ بیطرفی کاملاً مرعی و ملحوظ گردیده و مسامحه با مرتکبین آن حتی وارد نباید

(مهر علاء السلطنه)

اول **نمره ۲۲۷** رقعه وزارت امور خارجه بوزارت داخله مورخه

۱۴ ربیع الاول ۱۳۳۳

سواد مراسله سفارت فرانسه را [illegible] که درباره اعلانات و مناشیریکه اخیراً از طرف ([illegible]) در کرمانشاهان برضد منافع فرانسه‌ها داده شده و بوزارت امور خارجه رسیده است لفاً ارسال و خاطر الوزارت جلیله را [illegible] احکام اکیده بلاتأخیر بحکومت محلیه و اطلاع کارگذاری از این قبیل اعلانات [illegible] نموده وزارت خارجه را از نتیجه آن مستحضر فرمایند

(مهر علاء السلطنه)

نمره (۱۸۹) تلگراف وزارت خارجه به وزیر مختار ایران در لندن

نمره ۲۲۸

۱۴ ربیع الاول ۱۳۳۳

راپورت وقایع اخیره و حرکت قشون روس به تبریز است که برای اطلاع شما تلگراف می‌شود چون در مدت توقف خود عثمانیها در تبریز تحریکات شدید
در ارامنه و اتباع روس دست اندازی کرده بودند از بیم نزدیک شدن قشون روس تبریزیها در نهایت وحشت و اضطراب بوده برای [illegible]
در طرف ارامنه قشون روس … از اطراف … عده‌ای از طبقات مختلفه نزد رئیس قشون روس رفته در فرسخی شهر … رفته جنگ
در سه فرسخی شهر واقع می‌شود … ۸۰۰ نفر از عثمانیها … از اطراف … رفته … از
[illegible] … قشون روس … سیم تلگراف … خراب کرده …
اردو عثمانی قرار کرده … توقف خود عثمانیها … خراب کردن … روس …
شهر … ایرانی هم عثمانیها جمع سلاح کرده بودند … باقی … با خبر

(محمدعلی علاءالسلطنه)

نمره (۱۹۰) تلگراف کارگزار اردبیل به وزارت خارجه

۲/۲۲۸

۱۴ ربیع الاول ۱۳۳۳

موافق راپرتی که جناب ایلخانی … داده قشون روس عقب … قره‌لو … نفر
… قصد آمده … نموده … قرار … راپورت … که روس قشون …
آورده … داده … از طرف … دارند … می‌خواهند (مدیر السلطان)

نمره (۱۹۱) تلگراف کارگزار محمره به وزارت خارجه

نمره ۲۳۱

۱۵ ربیع الاول ۱۳۳۳

شرح … عثمانیها را … عثمانیها … کرده اند … جنگ … بصره … انگلیسها
با عثمانیها موقعیت … شده محتمل است …
هم … شده … عظیمی … شده … انگلیسی …
… نموده اند (اکرام الملک)

نمره (۱۹۲) تلگراف کارگزار اردبیل به وزارت خارجه

نمره ۲۳۲

وصول سورقه ۱۵ ربیع الاول ۱۳۳۳

در قرار معلوم بعد از زیادی قشون روس … اردبیل خواهند شد

(مدیر السلطان)

نمره (۱۹۳) تلگراف حکومت کرمانشاه به وزارت خارجه

نمره ۲۳۳

۱۸ ربیع الاول ۱۳۳۳

در خصوص اوراق … که … در شهر … رسیده … معلوم شد … اوراقی …
… مختلفه … رسیده … شده …
شهر … داده … کرده … نمایند که … لازم است —

لیکن مخبر مسطور به بریتانیا چیزی نشده بمحض ورود ممتحن و بنابر آن قطع شد خاطر مبارک را اطمینان میدهیم که با بودن ممتحن در بین دولت
امریکا لطمه بحیثیت بیطرفی ما هرگز ظهور نخواهد کرد و چیزی در شهر و سرحد ما فعلاً فراهم نیست حقیقت [illegible] خواهد داشت

(امیر مفخم)

2/231 نمره (۱۹۴) تلگراف وزارت خارجه بوزیر مختار لندن

مورخه ۱۵ ربیع الاول ۱۳۳۳

دو روز قبل بعد از آنکه خبر رسید عثمانیها شیخ محمره را با قوای لطافی بیرون طرف حاکم ایران فرستاده عشایر ایران را تحریک و به کمک
موقتا بکشند بعد از نقض بیطرفی دولت ایران مخابره فوراً با سفارت انگلیس تلگراف و سفارت عثمانی مراتب را اطلاع دادند که شیخ محمره
که دولت ما از طرف دولت عثمانی از این اقدامات و جنگ فوری منع شده دولت ما تصمیم گرفته در اطراف کارون وضع آن حوالی
[illegible] که طرفین در صدد [illegible] اند ایران را داخل جنگ نموده معلوم نیست آن چه خواهد بود از
طرف دیگر هم دولت متبوع خود را که متبوع بیطرفی ما هم مشخص است در نظر داشته باشد که حفظ آن صفحات از تجاوز عثمانیها
چه اندازه لازم است عثمانیها [illegible] و سرداران بختیاری اجازه داده شده که با قوای خود حاضر بوده منتظر احضار باشند چنانچه
اگر احضار شدند دولت مشغول دولت را در این مورد خاطرنشان کند که انتظار عثمانیها حمله بدان که بصره از طرف محمره است

(علاء السلطنه)

نمره (۱۹۵) تلگراف وزارت خارجه بکارپردازی بغداد
نمره ۲۳۴

مورخه ۱۶ ربیع الاول ۱۳۳۳

شیخ خزعل سردار اقدس با مراجعت حفظ بیطرفی که عثمانیها او را بموقف خود برضد انگلیسی دعوت کردند چون بتوقف نکرد
نسبت میدهند که او با انگلیسیها موافقت کرده عثمانیها چرا مرقومه فشار خود در تحریک عشایر نسبت که برضد بیطرفی ایران اظهار داشته اند خود
مرافع داخود در جنگ دول هر جمله میدهند که نسبت از تحریکات دست بردارند در صدد آن در صورتی که دولت عثمانی بتوسط اخبار در عماره مشغول
درکه تحریک عشایر بوشهر چه سرحد ایران نموده بعبارت عثمانیها شیخ تر لازم به طرف حاکم ایران فرستاده نموده لذا
عشایر را بموقعیت دعوت و در صورتی ممر دهها را انقلاب عبارت نه بر این تحریکات را از نظر داشته و جای لازم را اگر نمایند

(علاء السلطنه)

نمره (۱۹۶) تلگراف وزارت خارجه بسفیر کبیر ایران در اسلامبول
نمره ۲۳۵

مورخه ۱۸ ربیع الاول ۱۳۳۳

آقای رئیس الوزرا با سفیر کبیر مذاکرات جدی نموده جلوگیری از تجاوز به محمره و عدم تحریک را خواسته اند ولی آن هم
محدود است دولت را خاطرنشان دو خواستند که اداره با دولت ایران برای حفظ بیطرفی خود در آن حدود کمک ندارد دست
ملتفت کرده که اگر در شمال بواسطه روسها آن قرارات و تجاوزات را اگر دولت متبوع را اطوار مشکل کرده در جنوب ابداً
نمانده برای تجاوز هرا [illegible] ببیند و در تحریکات حمام نمایند که خواهد شد [illegible] مشکل خواهد شد
[illegible] دقیق که ما در نسبت ملتفت شده باب [illegible] اثر نشده اگر [illegible] تسلط با اینهم لازم است با سفیر کبیر
مذاکره سابقه را دو بیانید فرمایشات خودمان تحریک با بصره از اینکه در این سرحد اطلاعات در این باب بدهید که اقدام
در این اقدام بکنید بلکه انشاء الله در مبانی دیگر مشکلی برای دولت فراهم نشود (علاء السلطنه)

نمره ۲۳۶ نمره (۱۹۷) تلگراف سفیر کبیر ایران بوزارت خارجه مورخه ۱۸ ربیع الاول ۱۳۳۳ تاریخ وصول ۲۰ ربیع الاول

بمجرد وصول تلگراف (۱) وزیر امور خارجه را ملاقات کردم فوق العاده اظهار تأسف کردند برخلاف مصلحت و اجازه بر کرده اند
مطور ایشان هم تعلیمات داد که توضیحات بدهند ولکن هنوز جوابی نرسیده است (محمود)

۱۰۲
۷۲

(۱) رجوع بنمره ۱۶۸ شود

نمره (۱۹۸) تلگراف کارگذاری تبریز بوزارت خارجه
نمره ۲۳۷
۱۸ ربیع الاول ۱۳۳۳

راپورت مورخه غره ربیع الاول کارگذاری خوی که توسط تلگراف تبریز فرستاده شد درج میشود [illegible] از اردوی عثمانی [illegible] ذخیره بین راه
در سلماس از اهالی رعایا با سواران ارومی غارت و حرکت نموده و از هیچ قسم بیرحمی دریغ نکرده و عده‌ای هم از رعایا [illegible] بنده از [illegible]
اسباب وحشت و اضطراب و ناامنی عموم شده [illegible] روس [illegible] مشغول [illegible]
[illegible] از همدیگر [illegible] خارج است [illegible] جلوگیری از انتشار [illegible]

(اسدالله)

نمره (۱۹۹) تلگراف از کردستان بوزارت خارجه مورخه
نمره ۲۳۸
۱۸ ربیع الاول ۱۳۳۳

یک دسته سوار از قشون عثمانی وارد خورخوره (۲) شده اند [illegible] قشون روس [illegible]
بدست عثمانیها [illegible] حدود [illegible]
[illegible] (نیجوین) (۳)
[illegible] خواهند شد

(نصرالسلطنه)

(۲) ملوکی است در شمال کوه [illegible] چشمه [illegible] سقز
(۳) قریه‌ایست در خاک عثمانی محاذی سرحد کردستان ایران

نمره (۲۰۰) مراسله سفارت امریک بوزارت امور خارجه
نمره ۲۳۹
مورخه ۱۸ ربیع الاول ۱۳۳۳

بموجب خبری که از تبریز به سفارت رسیده است فرمانده قشون روس در تبریز خیال دارد ملک کارخانه آلمانی موسوم به [illegible] را
توقیف [illegible] اظهار دارد کارخانه [illegible]
که [illegible] دولت امریک [illegible] دولت ایران [illegible] قنسول امریک در تبریز [illegible] قشون روس
خیال ضبط ملک [illegible] اطلاع داده است [illegible]
حافظ حقوق [illegible] اقدامات لازم بعمل آورند

(کالدول)

نمره (۲۰۱) تلگراف وزارت خارجه بکارگذاری تبریز
نمره ۲۴۰
مورخه ۱۹ ربیع الاول ۱۳۳۳

بقراری که از سفارت امریک اظهار شده از طرف روسها برای توقیف و ضبط ملک متعلق بکارخانه آلمانی [illegible]
اقداماتی [illegible] اظهار و جلوگیری [illegible] و عدم تعرض روسها
نسبت بآنها اقدامات مقتضی نموده نتیجه را اطلاع بدهید

(علاءالسلطنه)

۱۲۱۳ اول

نمره ۲۲۹ مراسله وزارت امور خارجه به سفارت کبرای عثمانی مورخه

۱۵ ربیع الاول ۱۳۳۳

دوستدار از تحصیل وصول مراسله گرامی مورخه ۲ شهر صفر ۱۳۳۳ راجع به تلگراف سفارت آمریکا که آن سفارت سنیه حاصل شده داد
اثر دلتنگی حکومت متبوعه در این باب مرقوم فرموده اند مراتب را بلادرنگ به حکومت معزی الیها تلگرافاً تفصیلاً استعلام نموده از سفارت جوابیکه
رسیده بود بوسیله جناب ظهیرالملک خاطر محترم ذات آن سفارت [illegible] را قرین استحضار داشته و معلوم خاطر محترم عالی گردید که
حکومت متبوعه از این تصورات [illegible] در طبق [illegible] دولت [illegible] در خط [illegible] دولت علیه [illegible]
نهایت سعی و کوشش را بعمل میاورد و بدیهی است که دولت [illegible] جناب مستطاب عالی [illegible] اظهارات [illegible] دارد
مسلم نتیجه خواهند داد

(مهر علاء السلطنه)

نمره ۲۳۰ مراسله وزارت امور خارجه به سفارت کبرای عثمانی مورخه

۱۵ ربیع الاول ۱۳۳۳

در جواب مراسله گرامی مورخه ۸ شهر صفر ۱۳۳۳ آنجناب مستطاب راجع به کشتی (اما تو تقا) با نهایت [illegible]
که دوستدار مراتب را از حکومت متبوعه بلافاصله استعلام نموده جوابی رسیده است عیناً برای اطلاع خاطر محترم درج مینماید
محمولات جهازات را [illegible] که جهاز معزی الیه آن [illegible] در [illegible] که اینها [illegible] داده
فرستاده [illegible] بارنامه [illegible] در گمرک [illegible] محمولات جهازات [illegible] در انبارها گمرک محفوظ میباشد
و هیچ باری را نگذارند [illegible] در خصوص [illegible] از [illegible] گمرک [illegible] استعلام کردم جوابی که فرستاده است
معلوم میشود [illegible] گمرک [illegible] ولی محمولات [illegible] جواب [illegible]
[illegible] ولی در باب [illegible] گمرک [illegible] بارنامه موجود [illegible] معلوم میشود
محمولات جهاز (اما تو تقا) [illegible] در این صورت ذات عالی سفارت [illegible]
اما تو تقا حکومت [illegible] خاطر محترم [illegible] خواهد شد که [illegible] حکومت [illegible]

(مهر علاء السلطنه)

اول نمره ۲۴۱ مکتوب وزارت امور خارجه به وزارت جلیله پست و تلگراف مورخه

۱۹ ربیع الاول ۱۳۳۳

چون سفارت [illegible] متخاصمین در خاک دولت علیه [illegible] مخابرات [illegible]
[illegible] که وزارت خارجه لازم دید خاطر محترم را مستحضر دارد که دستور العمل مخصوص [illegible]
[illegible] مرقوم [illegible] مخابرات [illegible]
[illegible] که پس از [illegible] وسیله [illegible] مخابرات [illegible]

(وزارت امور خارجه)

نمره (۲۰۲) تلگراف وزارت خارجه بسفارت پطروگراد
نمره ۲۴۲

مورخه ۱۹ ربیع الاول ۱۳۳۳

از طرف روسها در تبریز نسبت بکارگزاری و اتباع آلمان و اطریش تعرضاتی میشود که با بیطرفی ایران منافی است فوراً اقدام
امر صادر کنید تعرض به اشخاص و تبعه آلمان و اطریش ننمایند (علاءالسلطنه)

نمره (۲۰۳) تلگراف کارگزاری تبریز بوزارت خارجه
نمره ۲۴۳

۱۹ ربیع الاول ۱۳۳۳

راپورت مورخه غره ربیع الاول کارگزار خوی که توسط یکنفر ارمنی فرستاده عیناً درج میشود در تعقیب مراسله مورخه
۲۱ صفر فدوی که حکومت از (؟) و خوی بیرون رفته دو دسته حرکت کرده قسمت عمده قشون روس هم در خیال حرکت بودند
و از قرار اطلاعات خودشان تماماً بوده ۲۳ شهر صفر از (؟) نصف شب تخلیه بودند که روز سه شنبه ۲۴ عده قزاق و
سالدات و توپچی با یکنفر جنرال ارمنی راه جلفا (؟) معاودت نموده هر باره ارامنه که فرار نموده بودند مسکن نموده‌اند
فعلاً تابع (؟) شهر از نفر ارامنه خوی آمده از یک فرسخ قوه نظامی داشته و از قرار یک تابع شده عساکر عثمانی هم
تا سه فرسخی خوی آمده‌اند بدیهی است که با این وضع سمت (؟) خوی حتماً باید (؟) دولت بود

(اسد...)

نمره (۲۰۴) تلگراف از کرمانشاه بوزارت خارجه
نمره ۲۳۶

۲۲ ربیع الاول ۱۳۳۳

الان محرمانه خبر رسیده که جمع قلیلی با چند نفر عثمانی که از تبریز می‌آیند وارد کردستان (؟) فردا هم که سمت کردستان حرکت بکنند مسئولیت
فوراً اطلاعات لازمه را با تلگراف بدهند از ادای خزانه دار هم شرحی با این تلگراف شده که محمود مختار بیک
مالیک و ظل (؟) و (؟) تعلیمات مخصوص بکردستان (؟) قرار که اثرش را اینجا کرده حرکت نمایند (۱)
آمدن شخص بکردستان اثرش معلوم است حاضر در این موقع و با این (؟) منتظر جواب فوری (نصیرالسلطنه)

(۱) علت آنست خزانه دار کل ورقش با این تلگراف بوده است

نمره (۲۰۵) تلگراف کارگزار استرآباد بوزارت خارجه
نمره ۲۳۷

۲۲ ربیع الاول ۱۳۳۳

امروز راپورت رسید روز یکشنبه قریب صد نفر سالدات و قزاق مقیم قره تپه در کمش تپه بعنوان آخوند (؟) آخوند
ملای جعفر بای را گرفته معلوم نیست کجا فرستاده‌اند (معززالسلطان)

نمره (۲۰۶) تلگراف وزارت خارجه بسفارت کبری دولت علیه
نمره ۲۳۸

در اسلامبول مورخه ۲۲ ربیع الاول ۱۳۳۳

دکتر نوزن (؟) آلمانی چندی قبل در اصفهان بر حسب (؟) رکن الملک ملاقات نموده اجاره
وسایل بقتل کارکنان جنرال قنسولگری روس حلال و فعال وادار کرده اخیراً آلمانها (؟) قشون عثمانی

نمره ۲۴۴

مکتوب وزارت امور خارجه بوزارت جلیله مالیه مورخه

۱۹ ربیع الاول ۱۳۳۳

وزارت امور خارجه لازم میداند اینرا بوزارت جلیله اطلاع بدهد که متوجه بوده باشد در این موقع که قشون طرفین متخاصمین در خاک دولت علیه ساخلو است و بالاخره مشغول نزاع شده لذا طبیعی است خساراتی بتبعه و اهالی دولت علیه و ادارات دولتی میرسد و لازم است که صورت آن از طرف ادارات حکومتی مرتب شده و بوزارت جلیله مالیه ارسال گردد تا از روی آن خسارات وارده با ملاحظه دولت ایران را از دو دولت متخاصم خواسته ولی از قرار معلوم جنگ وسیله برای مطالبه وجه خسارات سر حدات وضعیت در دست نیست لهذا لازم است از وزارت جلیله مالیه در ولایات و بلاد ایالت و نواحی و کارگزاران دستور العمل مخصوص صادر شود که صورت مرتبی از خسارات مفصلاً از اشخاصیکه بواسطه حدوث جنگ یا بتبعه یا ادارات دولتی وارد شده دقیقاً بر محصوص منضبط سازد تا در موقع لازم از آن استفاده شده وجه خسارات مزبوره مطالبه آید

(وزارت امور خارجه)

اول — نمره ۲۳۵

ترجمه مراسله سفارت آلمان بوزارت امور خارجه مورخه

۲۲ ربیع الاول ۱۳۳۳

نوعی خدعه که از طرف انگلیسها با ایران و دولت ایران شده است لابد باطلاع حضرت اشرف رسیده است جنرال قنسول از شیراز اطلاع حاصل نموده‌ام که در اهواز مسیو (هلیش) تبعه آلمان و همچنین مستشار سفارتخانه (فن هوکس) را انگلیسها توقیف نموده و معلوم است که در خصوص آن با حضرت اشرف مذاکره کرده‌ام و تعهد نموده اند سردار ارفع اقدام جدی کند که ناقض حقوق بین الملل و نقض حقوق بیطرفانه در خاک ایران ملحوظ شده‌اند و شدیداً اعتراض نموده از حضرت اشرف خواهشمند است در خصوص اقدامات تاکید فرموده و طوری نمایند که اشخاصیکه بحقوق ایران و سلطان معظم‌الیه تخطی و تجاوز نموده‌اند توقیف نموده که دولت ایران مصمم است حقوق و آزادی اتباع ملل دوست مقیمین ایران را حفاظت نموده تا از هر گونه تخطی دوام گردد

از این مسئله که انگلیسها جرأت مستخدم ایرانی اداره تلگراف را از اهواز جلب نموده و تلگراف را بیک کشتی انگلیسی حمل نموده اند لابد خاطر حضرت اشرف مسبوق است جنرال قنسول شیراز باطلاع حضرت اشرف رسانیده که این از یک تبعه ایرانی ملتمس است که سردار منتظر اقدامات و اوامر حضرت اشرف در خصوص حفظ آلمانیها قوی شد

(فن کاردروف)

عثمانیها سپهبد فخری برای اولین اصفهان بشرقی ملاحظه هنوز تکلیف جواب برداشته نزول حرکت در کاشان ایست خود را
سپهبد عثمانی مشرقی در رفتن با سایر اصحاب حسن که اشرار و متفرقین ملک مال مردم را ضبط کرده اند مشرق عثمانی را
بربا و به ادعای را و کلیه اقدامات و تحریکات کرده که اهالی لغو آنچه دولت ... اسکلیت و فوراً مأمور تعقیب
نامه حرکات بشود بعد دولت در ... در نظر ... اداره با مالیه مراکز ... هم اطلاع
بدهید دیگر را تأسیس نمائید با دولت هم ... دولت را ... استحکام روابط کرد

(علاء السلطنه)

نمره (۲۰۷) مراسله وزارت امور خارجه به سفارت کبری عثمانی
نمره ۲۳۹
مورخه ۲۲ ربیع الاول ۱۳۳۳

هیچ خبر رسید که ... افندی نام با چند سوار عثمانی از ... آمده و از ... ثابت و سوار ... تحقیق
مراتب اقدام نموده و خاطر محترم دارند ... سفارت ... شده ... که اگر حقیقت ... افندی ... خلاف
عهود و ... دولتین هم ... سفارت ... اقدامات ایران خود ... ایجاد ... حکم ... ممنوع
دستور داده ... دولت علیه عثمانی ... که ... ایجاد نمایند ... دارالخلافه ... فرمایند در این
موقع ...

(علاء السلطنه)

نمره (۲۰۸) تلگراف وزارت خارجه به سفارت کبرای دولت علیه
نمره ۲۴۱
در اسلامبول مورخه ۲۳ ربیع الاول ۱۳۳۳

جواب تلگراف ... حضرت ... رسیده ... از ... از ... در ... عثمانیها ... فرنگی
ناصری رسیده ... از اطراف دیگر ... که از ... سلیمان کشته شده در ... کرده ...
... معلوم است ... اقدام با تحریک عثمانیها است و ... ایران را دادار کرده ... ایران
محق است که دولت عثمانی را ... که از این راه ... نماید ... ادام است فوراً جلوگیری
... را بخواهید که در ... تلگراف رسیده
که ... افندی ... کردستان رفته ... کار ... کرمانشاه ... شده اگر ...
در ... صدر اعظم ... داده ... تلگراف ...
... اطلاع بدهید که منتظر جواب هستم

... نرسید (علاء السلطنه)

نمره (۲۰۹) تلگراف کارگزار محمره به وزارت خارجه وصول ۲۳ ربیع الاول ۱۳۳۳
نمره ۲۴۰
امروز ... یک ... از ... که ... به ... ناصری ... (اکرام الملک)

نمره ۲۴۲
نمره (۲۱۰) تلگراف وزارت امور خارجه به کارگزار ایران در اسلامبول مورخه ۲۳ ربیع الاول ۱۳۳۳

خبر رسید ... عساکر ... سیف الدین ... کارگزار ...
... سفارت ... اقدام ... فرمائید

(علاء السلطنه)

۱۰۷
۷۵

نمره (۲۱۱)
نمره ۲۴۳

یادداشت سفارت روس بوزارت امور خارجه

مورخه ۲۴ ربیع الاول ۱۳۳۳

بموجب خبر واصله از بطرزبورغ و از ... معلوم میشود که کارخانه قالیبافی مرسوم به لیطاک توقیف شده و عمارات کارخانه مزبور بتوقیف
در دست قشون روس است و ... آن در زمان جنگ بطور موقت توقیف گردیده و پس از ختم جنگ بموجب قرار صلح بر حسب قانونی
آن مسترد میشود اقدامات ... روس را ... کارخانه ... جهت ... بتوان گفت زیرا ... آذربایجان ... جنگ واقع
شده و ... گردیده است که هم قشون ... و هم ... کارخانه در اقدامات ... قشون روس ... هم از
محض ... وزارت جلیله امور خارجه ... حضرت ... مقام ... زیاده ... میگردد

(کرستوتس)

نمره (۲۱۲)
نمره ۲۴۶

تلگراف از کردستان بوزارت امور خارجه

مورخه ۲۵ ربیع الاول ۱۳۳۳

یازده نفر عسکر عثمانی از ... آمده ... و ... بطرف کردستان حرکت کرده اند

(نصیر السلطنه)

نمره (۲۱۳)
نمره ۲۴۷

مراسله سفارت آلمان بوزارت امور خارجه

مورخه ۲۵ ربیع الاول ۱۳۳۳

... خاطر حضرت ... مستحضر کرده است که ... نایب قنسول ... (فون ...)
را ... در محمره توقیف و به بصره تبعید کرده اند ... اقدام که ... خاطر حضرت
اشرف را ... اعتراضات خود را اظهار ... سوال ... که ... طرف ...
از طرف ... دولت ... اقدامات خود ... حقوق
ایران ... محمره ... توقیف ... کمک
نموده اند ...

(کاردورف)

نمره (۲۱۴)
نمره ۲۴۸

مراسله سفارت آمریک بوزارت امور خارجه

مورخه ۲۶ ربیع الاول ۱۳۳۳

با نهایت احترام خاطر مبارک را مستحضر میدارد که ... از سفارت روس ... جاری ... سردار رسیده ... کارخانه
قالیبافی موسوم به (لیطاک) ... که در تحت ... آمریک است توقیف کرده ... فقط ... روس
برای ... استعمال نموده اند کارخانه ... ختم جنگ ... اصلاح ... سردار ... دولت
آمریک ... اطلاع داده است که ... کارخانه ... اطلاع
رسیده ... کارخانه را که ... شده ...
نظامی ... نموده ... دست آمریک است ... تابع
دولت ... که کارخانه ... روس توقیف نموده ... سردار ...
دولت ... سوال نموده ... اطلاع ... سردار
... دولت متبوعه خویش ...

(کالدول)

نمره ۲۴۴

مراسله وزارت خارجه بسفارت کبرای روس مورخه

۲۵ ربیع الاول ۱۳۳۳

در تعقیب [illegible] مراسله دوستدار [illegible] حسب خبر واصله از تبریز قونسول دولت بهیه خیال دارد ملک کارخانه قالیبافی پتاک آلمانی را
که در تحت حمایت سفارت آمریک است ضبط و توقیف نماید از سفارت [illegible] بمأمورین [illegible] اعتراض و بوجود ممنوعیت
ممنوعیت این رفتار را اخطار نموده اند علیهذا دوستدار نظر [illegible] لازمه [illegible] مراسله نمره خود [illegible] آن مورخه
۲۱ ذیحجه ۱۳۳۲ معطوف داشته [illegible] خواهشمند است [illegible] در اعلام تعرض کارخانه مذکور [illegible] از
از توقیف [illegible] هرگونه [illegible] در این [illegible] صادر [illegible] دوستدار را [illegible] مستحضر فرمایند والا هرگونه خسارت که
بکمپانی مذکور وارد گردد مسئولیت آن بعهده کارگزاران دولت بهیه خواهد بود

(محمدعلی علاء السلطنه)

نمره ۲۴۵

ترجمه مراسله سفارت انگلیس بوزارت امور خارجه مورخه

۲۵ ربیع الاول ۱۳۳۳

دوستدار بموجب مراسله ۱۶ ماه گذشته شرحاً بخاطر حضرت اشرف رسانیده بودم که چون دستگاه تلگراف بی سیم که تقریباً
چهار سال است در بوشهر نصب شده بقدر کفایت قوه [illegible] نموده [illegible] دستگاه مزبوره را با دستگاه قوی تری
که فعلاً در [illegible] مشغول نصب آن هستند تبدیل نمایند در همانحال توضیح اطلاع داده بودم
که عمال محلی ایران بواسطه استفاده از این وسیله مخابره جدید که برای تجارت فوق العاده مفید و سودمند میباشد وجود دستگاه تلگراف
مزبور را اعتراف و تصدیق نموده اند حضرت اشرف بموجب مراسله مورخه ۲۵ ماه گذشته لطفاً بدوستدار اطلاع داده اند
که دولت ایران بهیچوجه از نصب تلگراف بی سیم در بوشهر اطلاع نداشته و بعکس اجازت نداده است که تلگراف بی سیم در ایران
نصب نمایند و مرقوم فرموده بودید که این کیفیات [illegible] بسی تعجب است که عمال محلی ایران از دستگاه مزبوره استفاده نموده باشند
و در اینکه دولت ایران [illegible] دستگاه تلگراف بی سیم را التصدیق نماید اظهار تردید نموده بودید مخصوصاً در صورتیکه دولت انگلیس
با دولت عثمانی در حال جنگ است و بنابراین اجازه [illegible] در جنگ بحری [illegible] گردد در خلاف
بیطرفی که ایران اعلام نموده است دوستدار [illegible] فوق الذکر [illegible] دولت متبوعه خود اطلاع داده ام و [illegible]
که با حضرت اشرف [illegible] صلاح دیدم قبل از آنکه [illegible] دولت خود [illegible] ملاحظات [illegible] اظهار دارم
چه از طرف دوستدار [illegible] دولت متبوعه [illegible] ممکن است [illegible] نمایند که دولت ایران بواسطه
[illegible] که [illegible] اولاً — در خصوص جنگ بحری [illegible]
ملاحظات [illegible] جنگ بحری در خلیج فارس [illegible] فقط دولت [illegible] دارای [illegible]
جنگی میباشند دوم — در صورتیکه [illegible] سابقاً وجود داشته است به بیطرفی ایران [illegible] وارد
نخواهد گردید سوم — دوستدار [illegible] خاطر حضرت اشرف را [illegible] در [illegible] مزبوره [illegible] منظور
در کار نبوده و فقط مقصود از [illegible] تجارت [illegible] مخصوصاً [illegible]
برای ایران [illegible] فوق العاده دارد [illegible] که دولت
از [illegible] بی سیم در ایران خبر ندارد بنابر عدم اطلاع دولت از وجود تلگراف بی سیم در [illegible] تقریباً [illegible] سال
که بدون اعتراض از طرف دولت ادارات مزبوره مشغول کار است و مأمورین ایرانی گاه گاهی از آن استفاده نموده [illegible]
استفاده رسماً وجود ادارات مزبوره را تصدیق نموده اند حضرت اشرف [illegible] که [illegible] تلگراف بی سیم

۱۲۱۹

[illegible] عمال دولت ایران [illegible] بکار افتاده است [illegible] ۱۹۰۹ [illegible] که دارای ثروت زیادی میباشند

مزبوره بیفایده نموده [illegible] در صورت ادارات بین المللی تلگراف بیسیم قید شده [illegible]

مزبوره ارسال خواهد [illegible] تمام کشتی ها [illegible] که در خلیج فارس [illegible] دستگاه تلگراف بیسیم

[illegible] لازم است که [illegible]

هرگاه [illegible] قرار داده شد [illegible] دولت ایران [illegible]

[illegible] تجارت فوق [illegible] مملکت است [illegible] هرگونه [illegible]

[illegible] دولت ایران [illegible] دولت انگلیس [illegible] تجارت انگلیس در خلیج

فارس [illegible] مملکت است تجارت مزبوره [illegible] از طرف دولت ایران [illegible] میدارد

(دفتر ترقی)

۱۳۲۰

نمره (۲۱۵) تلگراف وزارت امور خارجه بحکومت کرمانشاه

نمره ۲۴۹

مورخه ۲۶ ربیع الاول ۱۳۳۳

که ملاقات مامورین عثمانی را با اردوی سالار الدوله جهت عبور از حدود و اینکه آنها را بموافقت با خود تحریک میکنند نوشته بودید بمامورین سرحدداران
مستحضر نمائید لازم است بآنها اظهار شود که ممکن نیست تخطی بطرفی در جوار ایران با دولت متبوعه خود آگاه فرمایند که حوزه حکمرانی حضرت والا از حدود
انقلاب حاصل نموده موجب نقض بیطرفی دولت ایران تولید نگردد (علاءالسلطنه)

نمره (۲۱۶) تلگراف سفیر کبیر ایران از اسلامبول بوزارت امور خارجه

۲۴۴

مورخه ۱۲ ربیع الاول ۱۳۳۳ وصول غره ربیع الثانی

با صدر اعظم و وزیر جنگ مذاکرات مفصل نموده صلاح حساب آنها را اقناع کرده که از طرف جنوب قشون نمایش برود
(محمود)

نمره (۲۱۷) تلگراف سفیر کبیر ایران از اسلامبول بوزارت امور خارجه

نمره ۲۵۰

۲۶ ربیع الاول ۱۳۳۳

در باب تلگراف راجع بخرابی عمارت قونسولگری روس در تبریز با صدر اعظم مذاکره نمودم اظهار تاسف کرد که حتی خیال نیست
(محمود)

نمره (۲۱۸) تلگراف حکومت و کارگزار کرمانشاه بوزارت خارجه مورخه ۲۵ ربیع الاول ۱۳۳۳

نمره ۲۵۱

(وصول ۲۹ ربیع الاول)

نظر بسمت ترجمه و جواب دهنده ۱۱ فاتی کارگزار که بقلم خانه رفته صمصام الممالک حاکم قصر را احضار و حضوراً وقایع سرحدی را استعلام نموده جواب
عیناً درج میشود: (بتلگراف زیارت شد اردوی از عثمانیها در سرحد حاضر شده شیخ عجمی و عظم کردستانی که در ایران ملقب
بشیخ الاسلام نموده جالیه و طبیعه حوزه دولت عثمانی است از طرف علمای اسلام عراق عرب با بعضی اوراق و فتاوی بقصر آمده و عکس
خط و مهر آقایان حجج اسلام را هم همراه دارد نزد فرزندی آمده اظهار نمود والی با بابای بغداد دختران اردو ... نهادال ... سلام
رسانیدند و گفتند با اسلام و شما اسلام تابع شوید با ما از روی توفیق نموده با کرند برویم و از آنجا از حضرت اجل ایالت جلیله کرمانشاه جواب
رسیده بسمت فرودن حرکت نموده بروسها حمله ببریم حاکم هم در جواب گفتم که من نوکر دولت هستم ایران هم بیطرف است لی اجازت
دیدار جاره نتوانم بده دولت که حضرت اجل ایالت جلیله هستند ممکن از من منفور عسکر وارد خاک بیطرفی ایران نشود در حوالی ... بیجهات نکرده ام
حالا در سری حکومت جات مسکیم قرار است باید حضور مبارک اجازه بگیرید اگر بدانید که نشود شیخ هم ... کرمانشاه بقول اهالی
بیرون قشون را الیه بسرحم خود را فرستاده و تقاضای کرده بود که شما بعثمانیها راه بدهید حرکت آنان بیطرف تا این نقض بیطرفی
دولت ایران را بدانید اردوی شهر دوال و خانقین الزهاب زیارت تفصیل حقیقت ملاحظه میشید و با تواریخ اطلاع اسم
حوزه را نام که منفور بود از شما و از شاهزاده مهاب سرحد را دارم هر ... عثمانی که از خطر اظهار رسید موضوع بسرحد ... قبول آنها هم
اعتماد و ورود سپاه ایشان را دارد که از تعداد برسید دولت کنند (حاکم قصر)
تلفن حکومت و کارگزار هر چند روز یکبار قبول آنها از قصر حرکت تاکید است (امیر اعظم - معاضد الملک)

نمره (۲۱۹) تلگراف کارگزار کرمانشاه بوزارت امور خارجه مورخه ۲۹ ربیع الاول ۱۳۳۳

نمره ۲۵۲

را المورخ که از حکومت قصر و سرحدداران بابت خبر رسیده بعجوم قشون که عثمانیها خیال دارند از حدود و ... شهداد نموده
وزیر شاه کرمانشاه و سوال بقریه رفته که در اینجا باروسها محاربه نمایند قبول آنان به ازدیاد قوای روس و گردش حدود قصر را

۱۱۱

ممیزی منتخب هم که از انعقاد قرارداد با روس ها بقیه صدراعظم آمده بود بیست روز است اهالی ملایر حکومت نمی کنند و عازم شده شورش
با حکام ملایر وارد شهر کرمانشاه میشود (معاضد الملک)

نمره (۲۲۰) تلگراف وزارت خارجه به کارگزاری اصفهان مورخه
نمره ۲۵۳
۲۹ ربیع الاول ۱۳۳۳

خبر تلگراف راجع به دکتر نوزان تلگرافات لندنیه نیز داده شده مرقومه در خصوص شغل سکنه و اشخاص دیگر چه علت [illegible] نفر را انداخته ام از اصول آن رسیده باشد جهت شده اولا انداخته ام بحمدالله بیست از دکتر سیف الدوله کرده این تلگرافات را انداخته ام آیا با اطلاع حکومت بوده یا خود کرانه اقدام کرده اند تحقیقا مراتب را اطلاع بدهید با شغل سکنه و اشخاص دیگر چه باشد و سنی چند داشته بالاطلاق مراتب را فوراً را پورت بدهید و در نظر داشته باشید که این مطالب را که اهمیت تام دارد فقط بوسیله تلگراف اطلاع بدهید که اقدام از ترفع بگذرد
(علاء السلطنه)

نمره (۲۲۱) سواد کارگزاری اردبیل به وزارت خارجه و سواد راپورت حکومت
نمره ۲۵۴
طالش بحکومت اردبیل مورخه ۲۳ ربیع الاول ۱۳۳۳
(وصول ۳ ربیع الثانی)

قشلاق باقرلو - قشلاق قره بیک ولد غره ده لو وجه در اوجا رود حاک دولت علیه ایران که در کنار رود خانه سرحد است نفرشان یک شب بصبح مانده ششم ربیع الاول از فراز لیو از اباب اهالی سرحد ادفا رود قرب سیصد نفر قزاق و ساله است از رودخانه سرحد گذشته این قشلاق را دوره کرده و آتش زده در حالیکه اهالی قشلاق تا در خواب بوده اند از قرار معلوم که قشلاقها را گرفته اند اینرا انداخته اند بر اهالی بخوابیده تلف شده یک نفر از آنها بکلوله زده و کشته اند اهالی قشلاق و اطفال آنها که یک آدم کال ولد غره ده لو است یک نفر هم هر رقم که از آنجا از تعرض زیاد از گلوله کشته شده معلوم شد که قرب چهل پنجاه نفر زن و بچه بره و برخی با زخم گلوله سرزده و چند نفر زخم شده در محله چهار مال ولد غره ده لو بر حسب قطع یک رشته دار بستن است

نمره ۲۵۵
نمره (۲۲۲) تلگراف از کرمانشاه به وزارت خارجه ۳ ربیع الثانی ۱۳۳۳

لنگر و خان مریوانی سرحد می نویسند که عساکر عثمانی از خط مریوان عبور [illegible] در دو روز خود کمک سرحد بند دیگر که هم در خود مریوان دوره است
(ناصر السلطنه)

نمره ۲۵۶
نمره (۲۲۳) مراسله سفارت آلمان بوزارت خارجه مورخه ۳ ربیع الثانی ۱۳۳۳

نوشته جدیده که از طرف انگلیسها با ایران و دولت ایران مترتب است یک تلگراف حضرت اشرف رسیده است و سفارت در این باب اطلاع حاصل نموده که در اهواز سیر هلمیش بنده آلمان مستخدم تجارتخانه فون هوکس را انگلیسها توقیف نموده و تبعه آلمان که در خصوص او بحضرت اشرف مراتب را گزارش نموده ام عهد ساعات شده نموده اند و سفارت این اقدام جدید که نقض حقوق بین الملل و خود سرانه در خاک ایران مانند است حدا و شدیدا پروتست نموده از حضرت اشرف خواهشمند است در این خصوص اقدامات لازمه فرموده و طوری سازند که حقوق ایران و سلطنت معظم انگلیس و سفارت را مطمئن نمایند که دولت ایران مصمم است حقوق و آزادی اتباع ملل دوست مقیم ایران را محافظت نموده از ابتلاء ضرر و خطر واقع گردد
از این قرار که انگلیسها جبرا مستخدم آلمانی اداره تلگراف را از اهواز دور نموده و سیم و دستگاه تلگراف را که تکنیکی انگلیسی حمل نموده اند

دلتنگی خاطر حضرت اشرف منظور شد مسیو [illegible] فوق‌العاده [illegible] حضرت اشرف [illegible] که هم از یک نفر ایرانی [illegible]
و سفارت از انتظار اقدامات وافیه حضرت اشرف در خصوص [illegible] آلمانی فوق‌الذکر [illegible]

(کارزدرف)

نمره (۲۲۴) نمره ۲۵۷

تلگراف کارگزار اصفهان به وزارت خارجه

۳ ربیع‌الثانی ۱۳۳۳

استقبال ژاندارم بدون اطلاع حکومت بوده [illegible] عرض مخصوص در [illegible] که [illegible] قونسول [illegible] روس [illegible]
[illegible] هم استقبال کرده [illegible] که [illegible] استقبال کرده [illegible] قونسول [illegible] روس [illegible]
همین استقبال کرده [illegible] رفتن این کار را کرده‌اند (سپهر[?])

نمره (۲۲۵) نمره ۲۵۸

مراسله وزارت امور خارجه به سفارت روس

مورخه پنجم ربیع‌الثانی ۱۳۳۳

موافق اطلاعی که به وزارت رسیده است [illegible] در حدود [illegible] به وزارت [illegible] داده [illegible]
[illegible] بیچاره [illegible] و [illegible] نموده [illegible] خوف و اضطراب [illegible]
[illegible] خسارات وارده و [illegible] که [illegible] خواهشمندم [illegible]
[illegible] خسارات وارده [illegible] قرار داده [illegible] تشکر فرمایید

(علاء‌السلطنه)

نمره (۲۲۶) نمره ۲۵۹

مراسله وزارت امور خارجه به سفارت روس

مورخه پنجم ربیع‌الثانی ۱۳۳۳

راجع [illegible] احترام [illegible] که [illegible] سفارت [illegible] مسیو [illegible]
[illegible] دولت [illegible] در کارخانه [illegible] کارخانه را [illegible]
[illegible] نموده [illegible] نموده [illegible] روانه [illegible] مسیو [illegible]
[illegible] مورخه ۲۴ ربیع‌الاول را که [illegible] سفارت [illegible] ارسال [illegible]
[illegible] خواهشمند است [illegible] جنرال [illegible] محترم [illegible]
[illegible] نظر [illegible] اقدام [illegible] مسیو [illegible] باشد

(علاء‌السلطنه)

نمره ۲۶۰

نمره (۲۲۷) مراسله وزارت امور خارجه به سفارت انگلیس مورخه پنجم ربیع‌الثانی ۱۳۳۳

[illegible] دولت [illegible] مراسله [illegible] مأمورین انگلیسی [illegible]
[illegible] اقدام مأمورین انگلیسی [illegible] دولت ایران [illegible]
حاصل کرده و [illegible] مراسله ۳۰ ذیحجه ۹ نوامبر ۱۹۱۴ [illegible] اطلاع [illegible]
که [illegible] انگلیسی [illegible] احترام [illegible] ایران [illegible]
[illegible] دولت ایران [illegible]
[illegible] احترام [illegible] دارد

۱۳۳۳

که با سرعت وسائل بیطرفی لازمه خواهند فرمود که اولیای دولت امپراطوری اعلیحضرت پادشاه انگلستان با اراده ثابته آنان در تسلیم نقض بیطرفی ایران اثر
مراکه بلاتأخیر صادر فرمایند احترامات فائقه را تجدید مینماید (علاء السلطنه)

نمره (۲۲۸)
نمره ۲۶۱

مراسله وزارت امور خارجه به سفارت انگلیس

مورخه پنجم ربیع الاول ۱۳۳۳

پس از وصول مراسله محترمه جناب جلالتمآب مورخه ۲۰ شهر ذیحجه نهم نوامبر ۱۹۱۴ اولیای دولت متبوعه دوستدار از اظهارات مصلحت
آمیز جناب مستطاب ... اولیای معظم دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان در رعایت و احترام بیطرفی ایران بود
بانک شاهنشاهی ... [illegible] ... دولت ... از خود ... نمودند دوستدار ... که ... در ثبت ... که
در طی مراسله محترمه ... نموده بودند ... بیطرفی ایران را کاملاً ... قرارداده ... اینکه
مرحبت نزول آن ... شده ... دوستدار ... [illegible]
...ه شده مجدد ... که ... دارد ... منظور ... که برای دولت علیه ... از ... احکام ... که از ... [illegible]
صادر شده ... جلالتمآب نوشته ... اولیای دولت ... دوستدار را در این موضوع ... دقیق ... [illegible]
که اینگونه اقدام از طرف مأمورین ... دولت ... از ... هیچ ... و در این حال ... علی اولیای دولت
دوستدار که ... در ... [illegible] ... دوستدار ... خاطر ... جناب جلالتمآب
مستطاب ... اولیای دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان را ... و ... خواهند شد که ... بلاتأخیر ... فرمایند
... بانوار ... دارد ... داده ... در ... رعایت و احترام بیطرفی ایران
منظور نمایند و در ... طلوع ... جلالتمآب ... که سفارت ... در طهران ... [illegible]
... شده ... دولت علیه مقیم ... بلاتأخیر داده ... که ... احترامات فائقه را تجدید مینماید . . .

(علاء السلطنه)

نمره (۲۲۹)
نمره ۲۶۲

تلگراف وزارت خارجه به کارپردازی بغداد مورخه

ششم ربیع الثانی ۱۳۳۳

مذکور میشود در حقیقت خیال آنان گرفتن ... دارد ... حالی نمایند که آنان ... برای ... خطرناک و ...
... دولت ... لازم است ... که ... دولت ... که ... در ... هیچ نقطه عثمانی اقدام ننمایند (علاء السلطنه)

نمره (۲۳۰)
نمره ۲۶۴

تلگراف وزارت خارجه به وزیر مختار دولت علیه مقیم لندن

مورخه ششم ربیع الثانی ۱۳۳۳

شارژ دافر آلمان در مراسله ... نماینده سیاسی (فون موس [?]) آلمانی را ... در محمره گرفته ... کرده اند
وقوع ... که خلاف رعایت بیطرفی است ... آلمانی ... داده ... از وزارت خارجه ... [illegible]
(تعلیق)

نمره ۲۶۵
نمره (۲۳۱)

تلگراف وزارت خارجه به سردار ارفع ششم ربیع الثانی ۱۳۳۳

از قرار اظهار سفارت آلمان ... نماینده سیاسی ... فون موس ... انگلیسها گرفته ... از ... اسیر ...
... کرده است ... که ... بیطرفی ... عموم ... است ... دولت علیه ... عموم ... [illegible]
... بعضی ... اطلاع ... که ... سفارت ... شده است (علاء السلطنه)

۱۱۲
۸

نمره [illegible] ۲۵۷

ترجمه مراسله سفارت انگلیس به وزارت امور خارجه –

۴ ربیع الثانی ۱۳۳۳ (۱۹ فوریه ۱۹۱۵)

در جواب مراسله مورخه ۲۴ اسفند حال (۹ ربیع الاول) حضرت اشرف که در لف آن سواد مراسله سفارت روس را ارسال فرموده بودند خاطر مبارک را مستحضر میدارد که سفارت روس در مراسله فوق الذکر خود اظهار داشته بود دیگر لزومی به تعقیب تلگراف [illegible] کارخانه قالی باقی [illegible] آلمانی را در تبریز ضبط و توقیف نموده است [illegible] حضرت اشرف در مراسله خود اطلاع داده بودند که [illegible] آذربایجان را از [illegible] مسترد [illegible] است

در جواب خاطر مبارک را مستحضر میدارد که به موجب اطلاعات واصله به سفارت در عوض اینکه [illegible] را که [illegible] مانع [illegible] شده [illegible] توقیف نموده و در [illegible] آنها را [illegible] خود [illegible] روسیه [illegible] شده و در [illegible] رسیده است بعلاوه ژنرال قونسول انگلیس در تبریز به سفارت اطلاع داده است که حضرت اشرف [illegible] کارگذار [illegible] اعتراض [illegible] توقیف و دستور العمل داده است [illegible] کارگذاری [illegible] روس هم دارد [illegible] اظهار [illegible] است

(مارلینگ)

اول — نمره ۲۶۳

مراسله وزارت امور خارجه به سفارت روس مورخه

۵ ربیع الثانی ۱۳۳۳

عطف به مراسله جنابعالی مورخه ۲۵ ربیع الاول ۱۳۳۳ راجع به کارخانه قالی آلمانی در تبریز [illegible] احترام زحمت افزا است که مسیو [illegible] از سفارت انگلیس [illegible] روسیه [illegible] کارخانه [illegible] روسیه [illegible] و دو نفر از عمال [illegible] کارخانه را که [illegible] تبعه [illegible] و دیگری تبعه [illegible] دستگیر نموده [illegible] عملیات [illegible] نموده است [illegible] روسیه [illegible] از [illegible] مراسله [illegible] مورخه ۲۳ ربیع الاول را که در همین موضوع [illegible] نموده بودید [illegible] سفارت انگلیس ارسال داشته [illegible] عدم [illegible] از [illegible] خواهشمند است [illegible] ژنرال قونسول [illegible] صادر فرمایند که از ضبط و [illegible] صرف نظر [illegible] باشند [illegible] از [illegible] قرار [illegible] مستحضر باشند

(وثوق الدوله)

اول — نمره ۲۶۴

تلگراف سفارت کبرای ایران مقیم اسلامبول به وزارت امور خارجه مورخه

۷ ربیع الثانی ۱۳۳۳

تلگراف مبارک زیارت [illegible] حسب وعده [illegible] ولی [illegible] اگر [illegible] آن [illegible] است [illegible] فرموده [illegible] علانیه است در هر صورت حضور [illegible] سفارت [illegible] صدر اعظم [illegible] وزیر داخله [illegible] خود [illegible] صحیح [illegible] سفارت [illegible] جنگ [illegible] وزیر داخله [illegible] صحیح [illegible] صدر اعظم [illegible] وزیر داخله [illegible] داخله مملکت [illegible] آن [illegible] گردد [illegible] مقرر [illegible] باقی باشند

(محمود)

نمره (۲۳۲) تلگراف کارگزاری تبریز بوزارت خارجه ۸ ربیع الثانی ۱۳۳۳

نمره ۲۶۷

تاریخ مخابره پنجم ربیع الثانی

راپورت ارومی مورخه نهم ربیع الاول که امروز رسیده عیناً درج میشود (از قرار خبری که بارومی رسیده قشون روس که از اینجا حرکت کرده در طرف خوی و سلماس مشغول پیشرفت و هر روزه [illegible] نموده بعضی دهات را آتش زده اند علی الخصوص جیلوها (۱) که با روسها رفته اند در عوض [illegible] مردم [illegible] و [illegible] [illegible] (اسعد [illegible])

---

(۱) جیلوها از طوایف کرد مسیحی و تبعه عثمانی هستند که در اوایل جنگ از خاک عثمانی مهاجرت کرده بخاک ایران آمده و در اطراف ارومیه [illegible] دارای اسلحه شده قتل و غارت زیاد در آنجا [illegible] نموده [illegible] در ارومیه و سلماس و خوی [illegible] [illegible] گردیدند

نمره (۲۳۳) تلگراف کارگزاری تبریز بوزارت خارجه مورخه ۸ ربیع الثانی ۱۳۳۳

نمره ۲۶۸

(تاریخ مخابره ۵ ربیع الثانی)

راپورت ارومی مورخه نهم ربیع الاول که امروز رسیده عیناً درج میشود (دو عراده توپ [illegible] [illegible] دولت علیه ایران را در [illegible] قشون روس از قورخانه ارومی با [illegible] هر چه بوده [illegible] دولت [illegible] بعضی [illegible] را شکسته و برده اند [illegible]) (اسعد [illegible])

نمره (۲۳۴) تلگراف وزارت خارجه بحکومت کرمانشاه

نمره ۲۶۹

مورخه ۸ ربیع الثانی ۱۳۳۳

اگرچه بحسن توجهات حضرت مستطاب عالی راجع باوضاع حدودی کرمانشاهان اولیای دولت کاملاً اطمینان دارند ولی بنده بالاختصاص نظر باینکه توجهات حضرت عالی [illegible] [illegible] خطر [illegible] خود را مکلف میدانم که خاطر محترم [illegible] نمایم که امروز [illegible] کارگزاران حکومتی باید متیقظ و هوشیار اوضاع حدودی بوده بقسمی که بیطرفی ایران [illegible] قشون [illegible] و مأمورین عثمانی در سرحدات [illegible] حدودی را [illegible] جنگ هستند [illegible] اصلاح [illegible] دولت ایران بوده بلکه [illegible] سرحد داران دولت ایران را [illegible] تحریک [illegible] نقض بیطرفی دولت علیه میشود [illegible] [illegible] دولت [illegible] فوق العاده [illegible] فرمائید که [illegible] مأمورین عثمانی [illegible] در خاطر [illegible] [illegible] حضرت عالی [illegible] کاملاً [illegible] (معاون الدوله)

نمره (۲۳۵) تلگراف حکومت کرمانشاه بوزارت خارجه

نمره ۲۷۰

مورخه ۸ ربیع الثانی تاریخ مخابره پنجم ۱۳۳۳

شیخ [illegible] شیخ الاسلام چند روز است وارد کرمانشاه شده [illegible] ملاقات نموده [illegible] کارگزاری [illegible] شهر [illegible] در جمعه [illegible] جنگ [illegible] بعضی از علماء [illegible] تصمیم بعضی فتاوی علماء اسلام که چند فقره آنرا کارگزاری تقدیم نموده است تسلیم نمود —

وخلاصه مذاکرات و تبلیغات و صحبت با شیخ خزعل و همراهی با دولت عثمانی بود چون ضمناً مطالب را به نمایندگی شیخ حرکات تکرار
کرده بود بدین لحاظ او را بالطبع خلاصه و اختصاراً عرض میکنم خلاصه مطلب اینکه در ورود موضوع از شما تقاضای همراهی داریم
و اولاً در سر کوبی شیخ خزعل که با عالم اسلام خیانت و صحبت کرده با شما جازه بدهید که قشون عثمانی بلامعارض از کرمان و
عبور نماید در ثانی جای اول لشکر مهمی خزعل با کرمان و سفر زیادی دارد همراهی مینماید در این موضوع بالمجموعه برای شما منظور
همراهی نخواهد بود و اما در ثانی تقاضای ثانی جواب رسمی میخواهیم که بگوییم چه حرکات میخواهید بکنید ما نیز باید بطرف
باشیم و برای اینکه شما را قلباً با تمایلات خودتان متفق بدانیم مرتب را فوری با شیخ و خط مطلع کنیم از شما که حدود زیاد
قشون وارد کنید و منهم یک باشیم چون نقض بیطرفی ایران شده بلکه خیلی ها در حدود فارس و کرمان رویهم رفته مدتها
حدود شمالی قشون وارد میکنند خود شما میدانید که دولت ایرانهم بقوه لازم نتواند جلوگیری کند هر اردوی بجای دشمن از طرف
شما بتوسط دشمن با دولت ایران شده است حال آنکه یقین داریم شما راضی هستید و بعلاوه قشون شما در خاک
کرمان و بواسطه جنگ علنی یک درجه و مرجعی در این حدود دولت خواهد کرد که شما ملزم خواهید شد جلوگیری برآمد بعد
جواب رسمی محکمه شهر داری هم با ما را ایشان همراه بود پس از این اقدامات رئیس دیالمه در جزء ظاهراً اظهارات شده تصدیق و
وعده داده که تطمینات شده را بوسیله تلگراف به نمایندگان العداد و سفارت کبرای عثمانی اظهار دارد و در خاتمه چون
شیخ حزب را با اله و مادی ملک با خوانین کلیای داده است که وضع حال خود را شخصاً بحکومت داده و در دولت آنکه خارج
ای فعلی هر اقدامات بود پس از تصفیه و مادی خودش به تعداد هر حرکت کند مخصوصاً بمشارالیه خاطرنشان شد که
ختم هر ایست بوده و علاوه بر حلف بیطرفی ایران با این نبود که حکومت را باخبار نموده و علیه او در فرمانفرمایی خارج از اراک
ممانعت و وعده داد که بالکل نفی (آستر سیخم)

نمره (۲۳۶) تلگراف کارگزاری بوشهر بوزارت خارجه مورخه نهم
نمره ۲۷۲
ربیع الثانی ۱۳۳۳ تاریخ مخابره عزه ربیع الثانی

راپورت اداری مورخه ۲۹ صفر که امروز رسیده عیناً درج میشود (کشتی های آلمانی و مادی را یادگار بود که از آنها در این
طرف دریا توقیف کرده بودند در این موقع حرکت از آنها بیرون شده ابتدا به سر بندر گناوه آمده بودند و در آن چندی روزه از
کشتی ها خبری نرسیده بود امروز چند کشتی بادی در حدود جزیره عسلویه اظهار کرده اند در سر قهیانه رو با کشتیهای بزرگ را
غرق نموده و مادی ها را حرکت کرده بندرگاه و منازل و دکاکین را با قورخانه که در سر قهیانه بوده آتش زده و
بمحض کشتی ها را هم از جزیره خارج نموده بودند و آنها را با الحاق و غیره گرفته با هزار زحمت بطرف آمدیم
از قراریکه اظهار نموده از عمله کشتی ها را هم توقیف کرده اند (اسد الله)

نمره (۲۳۷) تلگراف کارگزاری بوشهر بوزارت خارجه مورخه نهم ربیع الثانی ۱۳۳۳
نمره ۲۷۳
(مخابره پنجم ربیع الثانی)

راپورت اداری مورخه نهم ربیع الاول که امروز رسیده عیناً درج میشود (از قرار خبر که با ارومی رسیده سی طابور
عسکر عثمانی با سی عراده توپ وارد ساوجبلاغ شده عازم سرحد صحیح خواهند شد در آنجا مشغول تهیه منزل هستند
و ضمناً سرحدی نوشته اند و ساوجبلاغ فرستاده اند که این عده از راه سرحد عازم مقصد شود زیرا که بواسطه خرابی دهات اردو و
سرحد اهالی اسباب زحمت زیاد خواهد گردید (اسد الله)

۱۲۲۷

نمره (۲۳۸) تلگراف شیخ خزعل سردار اقدس حاکم محمره
نمره ۲۷۴
بوزارت خارجه ۹ ربیع الثانی ۱۳۳۳

درباب اظهارات سفارت انگلیس در موضوع ارکان حرب قشون عثمانی حلاقت بعرض میرساند مدتی است حسب الامر اولیای
دولت خود را در بیطرفی نگاهداشته و تا آخرین درجه هم بیطرف خواهم بود عثمانیها کوشش دارند که اهالی عربستان را با خود همراه
نمایند قشون نظامی و توپ با اعراب عماره با چند نفر صاحب منصب عثمانی همراه آورده از طریق بستان طرف که خاک ایران است ده
ده فرسخ داخل شده بعموم عشایر و رؤسای عشایر عربستان نوشته دعوت بجهاد میکنند که هرکس با آنها متفق بشود که از طرف
حمله به بصره بنماید و هم جنگ ملایم اعراب که بدست انگلیسها داده شکست بدهند چون قشون نظامی از جانب دولت علیه ایران در عربستان
نیست که جلوگیری نماید و بواسطه عنوان جهاد از اعراب حاملین برازیم قشون و استعداد شاهپسری و بهانه برای جلوگیری و حفظ
املاک انگلیسها ورود فقط وارد نموده اند از اعراب تعدادی قشون ... اعراب و عشایر ... عملیات برای
بلیه ... جنگ مسئول اقدامات هستند (خزعل)

نمره (۲۳۹) نمره ۲۷۵
مراسله وزارت خارجه بسفارت انگلیس مورخه نهم ربیع الثانی ۱۳۳۳

مانند مراسلات مورخه ۱۰ ذیحجه ۲۵ ذیحجه و پنجم ربیع الثانی جناب اشرف علاءالسلطنه سلف دوستدار که با تصریح
رعایت بیطرفی دولت علیه ایران وقوع حوادثی که ممکن است بیطرفی دولت ایران را در مقابل مجهول نگاه دارد ...
احکام ... بیهوده سازد ... کاملاً تصریح داده قشون دولت ... بطرف ... از عثمانی ... خواهش شده
مراعات ... خطر ... بیطرفی ... خلاف آن ... عمداً ... مراسله محرمانه جوابیه مورخه سیم
دلو (۹ نوامبر) که رعایت بیطرفی ... از طرف دولت فخیمه انگلیس بطور صریح تأکید فرموده اند حمله
نموده ... ایلات ... از طرف ... وارد ... نظر ...
اعتبار و حمله ... دوستدار ورود قشون انگلیس ... که تعدیات ... دیگر ... از طرف دولت
علیه عثمانی ... ایران ... کرده ... الوقوع ... دوستدار ... از حملات ...
سعدی ... ایران ... مایت ... شیخ ... اعتراض نموده برای رعایت حقوق دولت متبوعه خود
و عدم ... بیطرفی ... که ... سیاست ... از ... که ... جلوگیری ... احتیاطات
مادی ... اهتمام فرموده ... دولت ... انگلیس ... در نزد دولت
متبوعه خود ... دوستدار ... فرمایند (مشاور الممالک)

نمره (۲۴۰) تلگراف وزارت خارجه توسط کارگزاری کرمانشاه
نمره ۲۷۶
بحکومت جلیله مورخه دهم ربیع الثانی ۱۳۳۳

در جواب اظهارات ... مسافت ... تلگرافات ... از کرمانشاه رسیده ... تلگرافات ... کرمانشاه
کرمانشاه ... نمایند ... کرمانشاه آنکه لازم است ... کارگزاری
... که دارد برای ... دولت را در موقع ...
... از ایران ... که ...
... ممالک ... (مشاور الممالک)

۱۱۸

۱۲۲۸

نمره (۲۴۱) مراسله وزارت خارجه به سفارت کبرای عثمانی مورخه

نمره ۲۷۷

دهم ربیع الثانی ۱۳۳۳

در تعقیب مراسله وزارت امور خارجه مورخه ۱۲ ربیع الاول راجع به تجاوزات قوای ابدولت علیه به پولیس نظامی
و عقب انداختن حق سیاسی آن دولت علیه سفارت کبرای رفع حمزه پولیس و ورود قوای جنگی دیگر به دریاچه و تعقیب
تجاوزات قوای ابدولت به عمل آمده است حسب الامر مقام منیع که مقصود از این فقره تجاوز دادن قوای نظامی ابدولت علیه
از خاک ابدولت برحسب مأموریت ابدولت علیه از سفارت در ارسال هلال احمر از ایران ممنوع و مطرح ابدولت علیه را
کاملاً رعایت نمایند تا نتیجات دولت ایران در رفع قوای جنگی دیگر از این و حفظ آن صفحات به نحو مطلوبه سودی
اتخاذ موقع . . . (مساعد السلطنه)

نمره (۲۴۲) مراسله وزارت خارجه به سفارت آلمان مورخه

نمره ۲۷۸

دهم ربیع الثانی ۱۳۳۳

در مضمون مراسله جنابعالی مورخه ۱۷ فوریه ۱۹۱۵ راجع به رفتار انگلیسها در اهواز نسبت به مسیو هلمیش تبعه آلمان مستخدم کمپانی
(دفن هوس) استحضار حاصل نموده و با اطلاعات سابق از این واقعه جزئیات آن بهتر معلوم است که وزارت خارجه در خصوص
وهم در مسئله موسیو و رفتاریکه با ایشان شده است سفارت انگلیس پروتست و ترجمه انکار را اتفاق نموده و هم
نظر به مخالفت دولت ایران مقیم دربار دولت بریطانیا تلگرافاً تأکید شده که مقامات لازمه از این رفتار صحبت حافظ
اولیای دولت ایران را اعلام و در دولت نموده توضیح دهد که این اقدامات طبق دلالت بی‌طرفی ایران نمی‌باشد
علیه ملاحظه ولی در این موضوع را ابدیده جمعیت مسافر که حق تجاوزات عثمانیها تحت حدود محمره و تحریکاتی که از عشایر اطراف
در اطراف آنها مقید از مقام منیع ریاست وزرا حاصل است بطور عملیات نظر کرده دولت علیه عثمانی را دوام قاطعه و اقدامات برکات
لازمه شده و حالت ناشی لزوم کرد که مستحق انواع ضررها و مادی و معنوی دولت علیه شده و فرع لجوادث و تجاوزات
دیگران بود خاطر نشان کرده و هم کتباً توجه لازم بود به سفارت متبوعه الیها از طرف سلف محترم جنابعالی نوشته شده و استدلال
تفتیش دارد و تصدیق خواهند فرمود تمایل تجاوزات و تحریکات عثمانیها در حدود محمره و تعرض به و اقدامات خلاف بی‌طرفی
درباره اتباع آلمان مقام قونسول اولدولت امپراطوری مورث همین تجاوزات و رفتار انگلیسها گردید رفتار دیگر بودن در
کاشان و حرکات ضمیمه ایشان در اصفهان و اقدامات آلمانها در حدود کرمانشاه نیز مخاطرات را ایران در نظر
ایران نمایش میداد و حال آنکه در عهود معتبره مصرح است که این دولت امپراطوری مأمورین خود را برای حفظ منافع
سیاسی خود در نقطه خاک این دولت علیه معین نموده بعرض که چنین متوقعی نسبت به منافع سیاسی این دولت امپراطوری
از طرف دولت علیه ایران درباره مواقع بطور کرده در رسم موافقت اکتسابیه که رضا داشتند آن جنس موافقت
موردی برنخورده بود گرد و مساعی جسته خویش در تحت قونسولگری آلمان و ایران راهنمایی به تعقیب و کرمانها و مقدس نظر نموده
حتی احترام است که با سرعت و سایر اشخاص مورد نظر را از ایران اخراج نموده حرکات که در صورت دوام موجب تشکیل کشمکش
می‌شود که دولت ایران هم نسبت آن علاقه داشت ممنوع فرمایند تا احتمال بی‌طرفی رعایت موافق مراتب با نظام ریاست
وزرای اولیای دولت علیه عثمانی تأکید است و حتی نسبت اولیای دولت امپراطوری آلمان موافقت کرده و مقرر بفرمایند که این
نسبت به اینکه ملت محترمه سفارت دیگران شده است از طرف اولیای دولت متبوعه ایشان نیز در دیگر مأمورین خود دولت
آلمان هم به همراه اقدامات مشروطه نظارت کرده برای دولت ایران الطبع تولید این مشکلات را نموده بی‌طرفی دولت علیه را
از هر جهت محترم بدارند (مساعد السلطنه)

نمره (۲۴۳) تلگراف کارگذار تبریز بوزارت خارجه

نمره ۲۷۹

دهم ربیع الثانی ۱۳۳۳

تلگراف کارگذاری ارومی که از جهت مخابره سانسور شده عیناً درج میشود (در وقتیکه روسها در ضبط اموال و اثاثیه اهالی اسلامی
مذهب اتحاد نموده بودند حالا همان نقشه را عثمانیها تعقیب کرده اند دکاکین و تجارات چند نفر از ملل مختلفه را که اکثر اتباع
دولت علیه و بعضی مدعی تبعیت امریکا هستند مهر و ضبط کرده اند معلوم نیست هرگاه اقدامات در جلو و درخصوص اعمال این طرف تغییر
رویه قانون داشتن است که رعیت دچار اضمحلال و دولت را دچار تکلف سیاسی بنماید اهالی این جهت از روی تعارف رقیه
در قدیم و حالیه شهر اکثر اهالی تبعه متعلق شده چند نفری هم که ایلی داد و ستد بود در فقط محضر مال اشیای مانده را هم
باین طرف حساب و مقروض سمارستین نیز بوده و ملت حضر ردها تجار شده اهالی در میان آتش سوزان نشسته اند کردیده اند
فانیا ترکیبی ترد دم میفرماید که مالک عوض یا مرتهن و جانی خود نیست حقوق درین وقت با کمال اعراض کردید چندی
درخیال داد رسی بوده نتایج تحصیر بر مصالح عامه مقدم است بالخصوص تلگراف نیست که در ورود ولایت جواب نشده را
بوزارت جلیله خارجه و کارگذاری کل عوض با جابجا اهم نیست معلوم نیست بر این سفارت بوزارت خارجه عرض
نمود که توجهی فرمایند والا عنقریب همه حقوق در زیر فشار محو خواهد شد)
اوضاع کنونی ارومیه و لواحق و صدمه که مال و جان و عرض و ناموس اهالی وارد آمده و بسیار از تصور خارج است
و ماه دیروز کارگذاری تلگرافی شد دقایق را سرزده حروف ملاحظه کنید و تلگرافات را فوراً بدهید چه سفارت است که
عموم ارامنه را بوسیله قاصد بفرستید و تلگرافخانه محبت تر اطلاع بدهید اگر توجه عاجل بشود اهالی در ولایت یکجا خراب
و پایمال خواهند شد (اسدالله)

نمره (۲۴۴) تلگراف وزارت خارجه بسفارت پطرگراد

نمره ۲۸۰

مورخه دهم ربیع الثانی ۱۳۳۳

لهذا و حالت باریکی آن روس در اطراف تمام اقدامات خودسرانه کرده اند از آن جمله در هنگام سر بهانه اینکه
قراول مستحفظ شده میرزا خان کرده صدای تیر از طرف اردوی روسها رفته از قبیل جمع قزاق مامور نموده اهالی بیدار
و ما بهم برگشته در اداره توقف کرده اند و در وحدت از اداره لطامم و قراولان غیره که مشغول است طرف
هستند خلع سلاح نمایند هرگز قرار اولیای دولت در حفظ بیطرفی سعی نمایند با عکس مامورین روس لسدی اعمال
وجود نمی فرمایند و با لدفعه ممکن است که لغو امتیاز مورث هیجان و تولید مشکلات عدیده بشود تعهد القوریست
مراکره و احکام موثر در ترک این اقدامات صادر نمایید تلگراف فرمائید (مشاورالممالک)

نمره (۲۴۵) مراسله وزارت خارجه بسفارت روس مورخه

نمره ۲۸۱

دهم ربیع الثانی ۱۳۳۳

دوستدار با نهایت توقیر و احترام در تعقیب مراسلات مورخه ۱۰ و ۱۳ ذیحجه و مورخه ۲۵ ربیع الاول خاطر محترم جناب
جلالتمآب عالی را فرصت مستحضر میدارد که بموافق مراسله که از انقره رسید که یک نفر سرباز توپخانه ابراهیم نام بیموجب کارخانه لطانت
التماسی را در تبریز که جمعی ایشان تابع مرصد شد از لشکریان انداختند بهم پرده جبار نموده و در آنجا بمعوض فرموده عنایت
الی خاطر محترم جناب جلالتمآب عالی مستحضر است که با بی طرفی دولت علیه ایران اینگونه اقدامات —

و معاونت نظامیان ابداً نسبت به دولت سنیه در مملکت دولت بیطرف که منافی اصول جاریه بین‌الملل باشد تماماً بی‌اساس و سردار ظفر محترم
الحشمت را امتعاد دیروز سیله فوق الذکر متعطف نموده محرمانه خواهش نموده است که مقصود او از پیرقها که به مواقع لزوم در این سرحد
و بعد قالیهای محمولی را عیناً اعاده ندهند و در صورتیکه قالیهای مذکور تعویض و فروش رسیده به مسئولیت آن تعهده کارگزاری
دولت سنیه روسیه حاضر بود با انتظار رسیدن نتیجه اقدامات حسنه آن سفارت است (معاون الدوله)

نمره (۲۴۶) تلگراف وزارت خارجه به سفیر کبیر ایران مقیم اسلامبول
نمره ۲۸۲

مورخه ۱۲ ربیع الثانی ۱۳۳۳

حقیقه رفتار عثمانیها با حیثیت جامعه الملک سیاست تعجب دیروز سفارت اسرار از طرف برای دولت ایران
رهاوی مصدق حقیقت از بغداد بسمت خانقین حرکت کرده خبر رسید عثمانیها پس از انتحار اداره دولتی ایران تأکید از سمت اهم
سنه سالار الدوله است که از قرار راپورت اداره الحدود آورده اند و با قائم مقام خانقین و فتاح بیک و
وشیخ محمد در قریه محمد خان و محل نقطه هستند سالار الدوله و فتاح بیک مشغول تدارک کانتالیه کلهر و
دهخلی و والی پشتکوه هستند که با خود همراه نموده بسمت رباط و بلد حرکت نمایند بطوریکه خطرات را انحصر به اهم
عثمانیها بهر قسم تحریکات در سرحد تازه آرامش یافته کرمانشاهان شکست دارد و بر تو تمام سعید ایشان را که احترا
سفارت آلمان ادرانسیت ولی قونسول عراق معرفی کرده در سرحد کرمانشاهان عثمانیها را با خود متحد و بین ایلات
وعشایر مشغول تحریک هستند تحریکات مشدده بر علیه سفارت برای ترویج سلطنت دولت عثمانی هم مسموع افتاده است
شنوده است که علی رغم عثمانیها در دول محاربه هم تفکر های دیگر خواهند نمود و خطرات دیگر را برای دولت ایران
استقبال نمایند زیرا طغیان سالار الدوله و تقویت او در ایران لوای تجاوز الدوله و حیثیت و دیگران است ممکن
است آنرا از حدود ات و تعهدات فوق العاده جنگ‌ها را اجتماع خیال قتل را اکنون تمام سرحد را اوراق ایلات
لازم در تحت امنیت فوق العاده سراکره و الحکومات در سرحد تحریکات لا یتجاوزه در جهت سالار الدوله را
با وجود تعهدات سابقه جداً رد نموده تحریر اطلاع دهید که دولت از روی جواب اولیای دولت عثمانی
در وظایف خود در اوضاع مملکتی رفتار نمایند (معاون الدوله)

نمره ۲۴۷ مراسله وزارت خارجه به سفارت انگلیس مورخه
نمره ۲۸۳

۱۲ ربیع الثانی ۱۳۳۳

با نهایت تأثر چندی قبل اطلاع حاصل شد که سیم تلگرافی که از قرار اطلاع رسمی علیه ایران مأمورین دولتی اشغال
حضرت پادشاه انگلیس از سیم تلگراف بحری از سواحل بحر خزر بطرف بغداد استمداد سیمی که از قرار بمیل و تصرف خود در اتصال داده
بلکه تلگراف سیم در ولایت نصب نموده که سیم جدیدالاحداث مزبور با منضم میشود و جز استعمال سیم خط خارج از ایلات قطعه
عموماً اتصال سیم دیگران را اجازه نمیدهد که جمعیات مزبور در خاک آن محل گردد بی حدود قول بین الملل است ناچار
در رسمیت سیم مزبور در خاک دولت بیطرف ایران بنا بر ارتباط قوانین بین‌الملل دولت متخاصم با حدود دول سیم ضمیمه
دیگر است حسب دستور لازم است که برای رفع آن اعتراض نموده و از جناب جلالتمآب وزیر مختار سفارت خواهش دارم که در نزد دولت
اعلیحضرت پادشاه انگلستان که سیم خط مزبور را بین الملل در رعایت بیطرفی ایران را در نظر خود قرار داده از هر جهت کافه
تقاضا نمایند که سیم جدید الاحداث مزبور از طرف مأمورین اولیای دولت دستگاه‌هایی را که در خطوط نصب نموده اند

برخیند با منطق جواب بر علیه جراثات [illegible] را کمتر بنمایم (معاون الدوله)

نمره (۲۴۸) تلگراف وزارت خارجه به وزیر مختار ایران مقیم پطرگراد

نمره ۲۸۴

مورخه ۱۲ ربیع الثانی ۱۳۳۳

در قزوین طلاب و جمعی از اهالی یک دسته قونسول روس [illegible] باقر [illegible] دسته های [illegible] شاهسونها هجوم و چند ده را [illegible] و غارت
[illegible] نوشته [illegible] شرف و حالت [illegible] مراتب را اطلاعاً نوشته [illegible] سفارت [illegible]
در [illegible] نموده [illegible] از این قبیل اقدامات جلوگیری [illegible] رقیق [illegible] بنماید (معاون الدوله)

نمره (۲۴۹) تلگراف وزارت امور خارجه به سردار اکرم

نمره ۲۸۵

مورخه ۱۲ ربیع الثانی ۱۳۳۳

تلگراف جنابعالی راجع به تعدیات عثمانی در اطراف بروجرد و [illegible] عثمانی خواسته شده و بوسیله سفارت دولت علیه در اسلامبول از اولیای امور [illegible]
نقض [illegible] و اقدامات سابقه بوسیله [illegible] لازم است باز هم در رعایت کامل بیطرفی کوشش و [illegible] نسبت به تحریکات [illegible]
ابراز [illegible] تعهد [illegible] از تحریکات [illegible] مردم را [illegible] بیطرفی [illegible] اقدامات دولت [illegible] بوده

(معاون الدوله)

نمره (۲۵۰) تلگراف کارگزاری [illegible] بوزارت امور خارجه

نمره ۲۸۶

۱۲ ربیع الثانی ۱۳۳۳

[illegible] کارگزاری [illegible] مورخه [illegible] ربیع الثانی [illegible] (پس از آنکه [illegible] شهبندری [illegible] نموده [illegible] شهبندری
[illegible] شده [illegible] شد [illegible] از [illegible] شهبندری [illegible] و [illegible] کردند [illegible]
[illegible] شهبندری [illegible] نموده [illegible] شهبندری [illegible] گرفتار شده [illegible]
[illegible] کردند [illegible] شهبندری گرفتار [illegible] (اسدالله)

نمره (۲۵۱) مراسله وزارت امور خارجه بسفارت کبرای عثمانی

نمره ۲۸۷

مورخه ۱۲ ربیع الثانی ۱۳۳۳

[illegible] سفارت [illegible] شهبندری [illegible] سفارت [illegible] وزارت امور خارجه
اعلام شد وزارت خارجه [illegible] محمود [illegible] مخترم [illegible] شده [illegible] اقدامات [illegible]
[illegible] نمود که [illegible] صرف نظر [illegible] سفارت [illegible]
[illegible] مخالف [illegible] بیطرفی [illegible] دولت علیه
[illegible] تحریکات [illegible] مردم [illegible] اقدامات [illegible] مردم [illegible]
[illegible] اقدامات [illegible]
[illegible] بیطرفی [illegible] دولت علیه [illegible] نموده
[illegible] اطلاع [illegible] فرمایند

(معاون الدوله)

نمره (۲۵۲) تلگراف کارگزار کرمانشاهان به وزارت امور خارجه

نمره ۲۸۸

۱۳ ربیع الثانی ۱۳۳۳

کارپرداز خانقین می‌نویسد شیخ رود است [?] محمد ابراهیم و سهام بیک [?] با تعدادی از تبعه آنجا در کار زد و خانقین [?] صادر زده اند چون قوه ورود
ایرانی هم همراه آنها آمده و رسول خان در تنزل دارند از قرار اخبار که آقای [?] در اداره سالار الدوله است و چندی را که از قرار حمل صادر شود
دستور فرمایند [?] از تعداد دارای آنها حمل شده و چند نفر عسکر در وقت خانقین تر فوره تو (۱)
فوریتی است که چون [?] حاکم مقام نفوذ از راه ترود بطور تخصیص سالار الدوله را با ورود عشایر همراه نموده و از کرمانشاهان کاملاً دارد
مراکزات با این حیثیت حیثیت [?] طلبید که [?] اولیای دولت تعداد محارم ایران [?] که عشایر سرحدی را با آنها همراه نمایند و دستور تحریک
اظهار داشته که [?] در رفع سالار الدوله با این خصوص [?] دارد و تعداد شده و جلو حرکت ایرانیان را دارد و لی والی تعداد [?]
او در همین اوقات طولی [?] کشید تنها کاملاً نمایان است که نتیجه باره این نیست

(مساعد الملک)

---

(۱) مرکز قصر شیرین

نمره (۲۵۳) تلگراف وزارت امور خارجه به حکومت کرمانشاهان

نمره ۲۸۹

مورخه ۱۵ ربیع الثانی ۱۳۳۳

جوابا مکتوب حضرت اجل عالی [?] داده اید لیکن صحیح و کاملاً تحقیقات جمیع لازم است در تبدیل [?] که خواهش کنیم اقدام کامل فرمایند
که اوامر نزد [?] شده به تعداد در حیث [?] در توقف او در کرمانشاه بفرمایند جمع [?] از نزد بررسی شد که در صدد
تحریکات بر ضد ما هستند [?] واجبات تحریک [?] حضرت عالی و رفع [?] در حوزه حکومتی کرمانشاهان [?] راه داده
اولیای دولت از این رهگذر آسوده خاطر باشند از طرف [?] هم انواع اقدامات شده به سفارت عثمانی کتباً و شفاهاً اظهارات
بعد از این به سفارت کبرای عثمانی هم تلگراف نیز لازم بود اعلام شده است [?] حضرت عالی توجه مخصوص به عمل آید

(علیقلی)

نمره (۲۵۴) تلگراف کارگزاری سلطان‌آباد به وزارت خارجه

نمره ۲۹۰

۱۵ ربیع الثانی ۱۳۳۳

دیروز ویس‌قونسول روس سی نفر سالدات فرستاده سید محمد خان ترخان را دستگیر نموده حالیه در قونسولخانه حبس است

(معز السلطان)

نمره (۲۵۵) مراسله وزارت خارجه به سفارت کبرای عثمانی مورخه

نمره ۲۹۱

۱۵ ربیع الثانی ۱۳۳۳

در تعقیب مراسلات سابقه عدیده وزارت امور خارجه راجع به تجاوزات قوای نظامی دولت علیه عثمانی به [?] ایران [?]
احترام خاطر [?] سردار [?] اخبار [?] دولت علیه ایران رسیده شاهزاده سالار الدوله
به معیت [?] مقام خانقین [?] محمد خان [?] نفط [?] و بوسیله [?] قائم مقام
قونسول [?] والی [?] به آنها [?] دعوای [?] کرمانشاهان نموده
و قصد [?] دارد [?] خود همراه نموده [?] مقصود خود را [?] وجود
سالار الدوله در حوالی سرحد ایران و [?]

بی‌حد باعث تعجب اولیای دولت متبوعه دوستدار گردیده زیرا نسبت بلاد کرد اینکه در اسلامبول پیش سفیر کبیر امپراطوری دولت علیه و اولیای دولت
علیه عثمانی در خصوص شاهزاده و میرزا ... بعمل آمده بود اولیای دولت متبوعه دوستدار انتظار داشتند که اولیای دولت علیه از حرکات
مشارالیه بسمت حدود ایران جلوگیری نموده هیچ نوع تقویت ننمایند برای تجاوز مشارالیه کمک بدولت علیه ننمایند حال امرای دولت
متبوعه دوستدار بوسیله جناب مستطاب اجل اولیای دولت علیه عثمانی توقع دارند که هرچه زودتر شاهزاده مزبور را از حرکات در حدود ایران
ممنوع و مقرر دارند با سوار چند ... که ... و ... شیخ محمد را نیز از ... حرکات بی‌رویه و تحریکات و تشبثات
خود ممنوع و هم جهت ... اند مقرر فرمایند با ... کامل ... دولت علیه ... استقلال ... تحقیق
... حرکات فوق برای ... وقوع حملات و تقصیرات فوق ... داده برای ... دوانی
ولایات ... دوستدار ... جناب مستطاب ... اقدامات ...

(معاون الدوله)

نمره (۲۵۶) تلگراف سفیر کبیر ایران از اسلامبول بوزارت خارجه
نمره ۲۹۲

۱۵ ربیع الثانی ۱۳۳۳

درباب سالار الدوله ... که او را ... ماوریز (محمود)

نمره (۲۵۷) تلگراف وزارت امور خارجه به سفیر کبیر ایران مقیم اسلامبول
نمره ۲۹۳

مورخه ۱۵ ربیع الثانی ۱۳۳۳

در اداری ... اتباع ایران ... که ... دولت ... ایالات
شده ... محفوظ ... علاج ... بسفارت ... توسط ...
... احوال ... (منیع)

نمره (۲۵۸) مراسله وزارت امور خارجه بسفارت کبرای عثمانی
نمره ۲۹۴

مورخه یازدهم ربیع الثانی ۱۳۳۳

مطابق خبر ... دوستدار رسیده شیخ ... الاسلام از بغداد ... وارد ... عراق عرب
و بعضی ... آورده که ... عثمانی بوده ... تمایند
... سردار ... عثمانی ... نموده است
دوستدار ... اطلاع خاطر جناب مستطاب ... تحریکات
مامورین ... دولت ... بامورین ... دولت
از ... تحریکات ... دولت متبوعه دوستدار است ممنوع گردد (معاون الدوله)

نمره (۲۵۹) مراسله سفارت روس بوزارت خارجه
نمره ۲۹۵

۱۷ ربیع الثانی ۱۳۳۳

دوستدار ... درجواب مراسله محترمه جناب مستطاب اجل ... مورخه دهم ... خواسته ... مورث
... دوستدار ... که جناب مستطاب ... وزیر امور خارجه ... از جانب ... قفقاز ...

که فردیش مانیهای تبانک را در صورتیکه اظهارات اولیای دولت علیه ایران بشود ان تصدیق [illegible] موقوف نماید در امتناع . . .
(ارکردستر تس)

نمره (۲۶۰) مراسله وزارت خارجه بسفارت عثمانی
نمره ۲۹۶
مورخه ۱۲ ربیع الثانی ۱۳۳۳

ملاحظاتی که اخیراً در طی تلگرافات واصله از آذربایجان رسیده است که عیناً برای استحضار خاطر محترم جناب مستطابعالی درج میشود: (عثمانیها دکتر [illegible] چند نفر از اهالی محلقه را که اکثر اتباع دولت علیه ایران و بعضی تحت تبعیت انگلیس هستند مورد ضبط کرده اند [illegible] در مقامات درجه ایران درجه رعایا [illegible] اطراف [illegible] قانون دهای است که [illegible] تعدی [illegible] بمملکت سیاسی کرده اند [illegible] مذهب با تمام معدوب رفته [illegible] شهر [illegible] برای چند نفر هم که اهالی [illegible] فقط مختصر مال [illegible] دهاتهم را از اطراف [illegible] محض [illegible] اما [illegible] مردم [illegible] بالاخره عوض [illegible] و حال خودشان [illegible] مصالح [illegible] است که اردو [illegible] شده را برای نور وزارت جلیله امور خارجه عوض ظرف توجه نمود)

اگرچه وزارت امور خارجه [illegible] دولت علیه تصریح نموده که عهده [illegible] ما بین مردم و صرر [illegible] دولت علیه ایران کارگزاران [illegible] خواهند بود [illegible] سابقه وزارت خارجه [illegible] خوف را نمایند [illegible] است [illegible] ما [illegible] فرمایند [illegible] صرر [illegible] وارده [illegible] را از [illegible] فرمایند (مساوی الدوله)

نمره (۲۶۱) تلگراف وزارت خارجه بسفیر کبیر ایران مقیم اسلامبول
نمره ۲۹۷
مورخه ۱۷ ربیع الثانی ۱۳۳۳

سابق از [illegible] خبر داده‌اند عثمانیها قصد [illegible] کردستان را کرده‌اند [illegible] اگر عثمانیها قصد [illegible] داشتند [illegible] تازه خبر رسید [illegible] در صدد است [illegible] و [illegible] آمده مردم [illegible] رود [illegible] عراق است ولی قصد [illegible] عساکر [illegible] خبر رسید [illegible] عثمانی [illegible] اظهارات سابق [illegible] نمره [illegible] تعلیمات [illegible] اعلام فرمائید (مساوی الدوله)

نمره (۲۶۲) مراسله وزارت امور خارجه بسفارت کبرای عثمانی
نمره ۲۹۸
مورخه ۱۷ ربیع الثانی ۱۳۳۳

در طی مراسله [illegible] وقایع [illegible] که از [illegible] است [illegible] دولت علیه [illegible] رسیده خاطر گرامی جناب مستطاب [illegible] آن [illegible] کرده است [illegible] سابقه وزارت امور خارجه [illegible] که حقیقه باعث [illegible] است [illegible] خاطر محترم [illegible] سفارت [illegible] که حتی [illegible] بعضی [illegible] کرده [illegible] که [illegible] واقع [illegible] قرار کرده [illegible] تمام که [illegible] دارد [illegible] دارد که قطعاً تصدیق [illegible]

در تاریخ اتحاد دولتین ... [illegible] ... نمایش ... را حاضر کرده و طبعاً مقتضی است که ... در تمام این احوال ... مصلحت و صواب ... [illegible] ... نموده ... [illegible] ... استقبال خواهد کرد ... [illegible] ... اقدامات دولتی ... اند دولت علیه را که ... [illegible] ... این جهت ... تمام ... [illegible] ... نموده ... انتظار ... توجه ... [illegible] ...

(معاون الدوله)

نمره (۲۶۳)
نمره ۳۰۰

تلگراف وزارت خارجه به وزیر مختار ایران مقیم پطرزبورگ

مورخه ۱۸ ربیع‌الثانی ۱۳۳۳

روسها ابداً جدی برای رفع ... [illegible] ... تلگراف کردم ... [illegible] ... الدوله که ... [illegible] ... با خود ... [illegible] ... کار کرده ... [illegible] ... اقدام ... [illegible] ... خواهد کرد ... [illegible]

(مستوفی)

نمره (۲۶۴)

تلگراف وزیر مختار ایران مقیم پطرزبورگ به وزارت خارجه

۱۹ ربیع‌الثانی ۱۳۳۳ تاریخ ... [illegible]

سابقاً هم ... کرده بودم ... [illegible] ... صادر شده است ... [illegible] ... در این باب تلگراف شده است حالا هم ... [illegible] ... جواب را ... [illegible]

(اسحق)

نمره (۲۶۵)
نمره ۳۰۱

مراسله وزارت امور خارجه به سفارت روس

مورخه ۱۹ ربیع‌الثانی ۱۳۳۳

دوستدار با کمال ... [illegible] ... خاطر محترم جناب جلالت‌مآب عالی ... [illegible] ... مرقوم ... [illegible] ... ساعت ... [illegible] ... شخص مجهول ... [illegible] ... قراول ... [illegible] ... قراول ... [illegible] ... دوستدار ... [illegible] ... خاطر محترم عالی ... [illegible] ... وزارت خارجه ... [illegible] ... دولت ... [illegible] ... ایران ... [illegible] ... اهالی ... [illegible] ... حیثیات خود ... [illegible] ... سفیر ... [illegible] ... دولت ... [illegible] ... ایران ... [illegible] ... نموده ... [illegible] ... لازم ... [illegible] ... دوستدار ... [illegible] ... مرکز ... [illegible] ... روس ... [illegible] ... داده شود

(معاون الدوله)

نمره (۲۶۶) مراسله وزارت امور خارجه به سفارت کبرای عثمانی

نمره ۳۰۲

مورخه ۱۹ ربیع‌الثانی ۱۳۳۳

بنا بر مراسلات سابقه وزارت امور خارجه مورخه ۱۲ ربیع‌الاول و دهم ربیع‌الثانی راجع به تجاوزات عساکر عثمانی بر امتداد [illegible]
[illegible] ایران که بسبب ورود قوای اجنبی دیگر و تصادمات در خاک بی‌طرف ایران [illegible] و تعدیات [illegible] فوق‌العاده [illegible]
[illegible] حکام [illegible] [illegible] قشون و قوای [illegible] نسخ [illegible] ایرانیه
[illegible] قوای اجنبی دیگر [illegible] [illegible] صدمات [illegible]
[illegible] وزارت [illegible] [illegible] [illegible] سرحدات [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] امداد [illegible]
[illegible] وزارت [illegible] [illegible] [illegible] سلطان
احترامات فائقه ...

(معاون‌الدوله)

نمره (۲۶۷) تلگراف وزارت امور خارجه به وزیر مختار ایران مقیم لندن

نمره ۳۰۳

مورخه ۱۹ ربیع‌الثانی ۱۳۳۳

در باب [illegible] مقتضی است بطوری که [illegible] از [illegible] در فراهم آوردن [illegible]
[illegible] مساعدت [illegible] [illegible] دولت ابداً مسئول نیست [illegible]
تلگراف شد [illegible] [illegible] شده است

([illegible])

نمره (۲۶۸) تلگراف وزارت امور خارجه به سفارت اسلامبول

نمره ۳۰۴

مورخه ۱۹ ربیع‌الثانی ۱۳۳۳

خبر رسید قشون عثمانی با عشایر [illegible] لازم [illegible] قشون انگلیس هم [illegible] و بیم مصادمه
[illegible] [illegible] [illegible] صدمات [illegible]
[illegible] ورود قشون انگلیس [illegible] ایران [illegible] قوای عثمانی و ملحقات [illegible]
سفارت عثمانی [illegible] [illegible] [illegible]
فرمایند سفارت انگلیس هم [illegible] [illegible] قوای [illegible] شد

(معاون‌الدوله)

نمره (۲۶۹) تلگراف وزارت خارجه به وزیر مختار دولت علیه در لندن

نمره ۳۰۶

مورخه ۲۰ ربیع‌الثانی ۱۳۳۳

اخبار ۱۵ حوت [illegible] که انگلیس‌ها شکست خورده [illegible] قشون انگلیس
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] قشون انگلیس عثمانی [illegible]
اگر انگلیس قشون [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
ایران [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
خاتمه [illegible] وقایع را اطلاع بدهم

(معاون‌الدوله)

آخر — نمره ۲۷۱

تلگراف وزارت امور خارجه به سفارت اسلامبول مورخه

۸ ربیع الثانی ۱۳۳۳

املاک مرحوم سردار رشید را نظم میکنند عثمانیها بعد از قتل مرحوم سردار رشید املاک دیگر نیز بعرض دستبرد در املاک مقتول الظلم را حیف
و میل مینمایند در رفع تعرض عثمانیها اقدام فوری فرمائید (معاون الدوله)

آخر — نمره ۲۹۹

مراسله وزارت امور خارجه به سفارت کبرای عثمانی مورخه

۱۷ ربیع الثانی ۱۳۳۳

در تعقیب مراسلات سابقه خود راجع به قتل سردار رشید و نتیجه مذاکرات شفاهی که در این موضوع با آن سفارت کبری بعمل آمده محترماً اظهار میدارد
که علاوه بر مساعدات عساکر دولت ابد مدت علیه در قتل مرحوم سردار محترم چند نفر دیگر که از اطراف متعهد چند در خصوص و خطر دولت
دوست هم اخیراً وارد آورده که این دفعه از ایل مانکان سردار مرحوم مقتول الظلم که عساکر دولت ابد مدت علیه در آنجا و جلوی آمده اموال
و صد و یک ایل مرحوم فرد دیگر از منسوبین خبر رسید که یکصد و چهار راس اسب و قاطر و یادداشت ۳ قبضه تفنگ از اموال سردار
مرحوم را ضبط نموده اند به حکومت ارجاع و حتی در املاک مرحوم تعرض نموده و تصرف نموده اند بطور مخفف یک قسمت را جزو داده و املاک را
مورد تعرض خود قرار داده اند در حدود آن با اینهمه تعرض و تلف از اقدام فوری دولت ابد مدت علیه در این باب منتظر است که از جبران کلیه خسارات
وارده و دیات مقتولین و توقیف مقصرین و ترضیه خاطر و نصف سطر را مالاً بالخصوص رفع تعرض فوری دولت ابد مدت علیه از املاک
مرحوم سردار مشروطه و همین حدود و اعاده اسب تعهد در این اوقات منظور داردتر خسارات وارده که در آن کردن جبران و از آنجمله سردار
را فرمایند منتظر است در این موقع احترامات فائقه را تجدید مینماید (معاون الدوله)

آخر — نمره ۳۰۵

تلگراف وزارت امور خارجه به سفارت اسلامبول مورخه

۱۹ ربیع الثانی ۱۳۳۳

خبر رسید قشون عثمانی با تخصیص تخت ... و اعراب ... اشتباه ... فوراً ...
سخت ... اعراب ... نمره ده ... تصرف و ...
اصلاح ... دولت ... ایران ... دولت عثمانی ...
سفارت عثمانی ... دولت ... ایران ...
فرمائید سفارت ... رفع ... فوری ...

(معاون الدوله)

نمره (۲۷۰) تلگراف وزارت خارجه به کارگزاری کرمانشاهان

نمره ۳۰۷

مورخه ۲۰ ربیع الثانی ۱۳۳۳

تلگرافات نمره راجع به شیخ [illegible] رسید با تحقیقات دقیقه معلوم نمایید اگر شیخ [illegible] مشغول تحریکات است [illegible] در صورتی که ادامه
کند قدغن [illegible] و هرگاه [illegible] اورا [illegible] نمایید و اگر [illegible] در کار نمی‌بینید [illegible] حرکت [illegible] فراهم نمایید در صورت
محظور بطوری اطلاع رسید که رفع محظور بشود (مشاور الممالک)

نمره (۲۷۱) تلگراف وزارت خارجه به سفارت لندن

نمره ۳۰۸

مورخه ۲۰ ربیع الثانی ۱۳۳۳

خبر رسید قشون عثمانی [illegible] شیخ [illegible] و اعراب [illegible] متوقف بوده انگلیسها هم [illegible] هستند
و روز ۱۲ حوت مصادمه واقع شده قشون اعراب [illegible] تا ناصری رسیده [illegible] معلوم نیست ولی اعراب
و عشایر هم [illegible] مشغول [illegible] انگلیسها [illegible] جهاد [illegible]
و عشایر [illegible] شده است [illegible] قشون [illegible] تمام [illegible] وارده [illegible]
مصادمه [illegible] راجع میشود [illegible] انگلیس [illegible] قشون [illegible] حالیه [illegible]
[illegible] قشون انگلیس را [illegible] اطلاع دهید (محرمانه)

نمره (۲۷۲) راپورت تلگرافی تلگرافخانه بوشهر به وزارت امور خارجه

نمره ۳۱۲

۲۲ ربیع الثانی ۱۳۳۳

تفصیل گرفتاری قونسول [illegible] قونسول [illegible] در منزل [illegible] مهمان بوده [illegible]
[illegible] انگلیس [illegible] بطرف عمارت [illegible]
[illegible] عمارت [illegible] محاصره [illegible]
[illegible] قونسول را بیرون آورده [illegible] بطرف عمارت [illegible] خواب بوده [illegible]
دستگیر کرده [illegible] بطرف دستگیر کرده [illegible] در (حلیلہ) [illegible]
[illegible] مسیو واسموس [illegible] از طرف [illegible] حاکم [illegible]
[illegible] دستگیر کرده بودند [illegible] مسیو واسموس فرار [illegible] برازجان [illegible] (عدالملک)

نمره (۲۷۳) تلگراف کارگزاری فارس به وزارت امور خارجه

نمره ۳۱۳

مورخه ۲۲ ربیع الثانی ۱۳۳۳

مسیو واسموس از برازجان بابت [illegible] تلگراف [illegible] در [illegible] حاکم [illegible] محاصره
کرده [illegible] تمام اموال [illegible] انگلیسها ضبط نمودند [illegible]
[illegible] حکم فرمایید [illegible] برازجان
منزل کرده ام [illegible] راپورت رسیده [illegible] در بوشهر قونسول [illegible] دستگیر نموده اند
(محرمانه)

نمره ۳۰۹

مراسله وزارت امور خارجه به سفارت روس مورخه

۲۰ ربیع الثانی ۱۳۳۳

در سند قرار در بعضی مراکز است تقاضای تا ... مستوفی الممالک با مسیو با رخ ماشاء الله سفارت ... دولت بهیه ... ظاهر محترم جناب جلالت
مآب را مستحضر ساخته اند که برای ... طلبات ... از بندر ... شهر ... رفته قراول بندر میشد که ...
... و دوازی ... است بسیار ... طریقه که در ... اهالی را صدا کرده ولی جوابی نمی شنود و بعد از ده پس از
چند دقیقه دیده است که شخص ... قراول ... تا قراول یک تیر هوائی خالی میکند حکام ... قبول اند دولت بهیه ...
صدای تفنگ یک عده قزاق بدان محل فرستاده و در انجا هم فوراً قراول ... را ... و ... دیگر ... زد و ...
و در همان آنان از حبس و استنطاق ... و بطوریکه خبر رسیده است اهالی ... از اوضاع ... سردار با کمال ... که از این
واقعه وارد و لازم ... خاطر محترم عالی را ... و ... جهات و ... فوق ... دولت بهیه روسیه دارای
... ساخته شده که ... اقدامات ... دولت بهیه ممکن است ... بیجا ... شده بطوری
... که ... خط حیثیات خود اقدامات ... تصدیق ... نقطه نظر بوده است که از اولیای
دولت متبوعه ... اقدامات فوق ال دولت بهیه در قبال ایران اعتراض نموده اند در هر حال فرض که تحقیق ... مشارالیهم
لازم میشد ... از طرف مامورین ... دولت بهیه ... اعلام دارد ... رسیدگی نموده ...
... مامورین ... تحقیق کرده ... مدت ...
دولت علیه ... استنطاق ... که ... در ... محترم ...
دیگر ... حکام ... از ایران ... اجتماع
غیر منتظم داده شود (مشاور الدوله)

نمره ۳۱۰

تلگراف سفارت اسلامبول به وزارت امور خارجه مورخه

۲۱ ربیع الثانی ۱۳۳۳

تلگراف مبارک ... سفارت ... سردار ... صدر اعظم ملاقات ... قرار ... تأکید ... که ... حفظ ... بکند

(محمود)

نمره ۳۱۱ اخر

راپورت تلگرافی از شیروان به وزارت امور خارجه مورخه

۲۲ ربیع الثانی ۱۳۳۳

دیروز اگنط روس قوچان با ده نفر قزاق وارد شیروان و از حکومت هم ... نفر ... حکومت هم ... همراه ایشان کرده
امروز از طرف قلعه حسن ... رفته ... برای ... تحقیق ... حکومت ...
در این خصوص ... تکلیف ... در ... اگنط ... چهار نفر ... نموده اند

(محمد محسن)

نمره (۲۷۴)
نمره ۳۱۴

مراسله وزارت خارجه به سفارت روس

سورخه ۲۲ ربیع الثانی ۱۳۳۳

دوستدار در ضمن شرح ملاقات اخیر توقیر احترام توجه خاطر محترم عالی را بنکاتی که است تقاضی درباب بیطرفی ایران در جنگ بین المللی کرده که از طرف
جناب مستطاب اجل رئیس الوزراء و خود دوستدار با آن جناب جلالتمآب اظهار شده بود [illegible] دولت بهیه [illegible] در رعایت نظام بیطرفی
و احترام روابط دوستانه [illegible] نموده [illegible] که [illegible] مقصود [illegible] دولت علیه [illegible] با مامورین
نظامی دولت بهیه که اقامت آنها در ایران بطول انجامیده و از این حیث [illegible] فراهم کرده است در موقع حرکت [illegible] در طرف
خوی و سلماس [illegible] اطراف [illegible] بعضی [illegible] سرراه [illegible] زده [illegible] و علاوه
[illegible] منظور [illegible] دولت علیه ایران [illegible] و لوازم آن حفظ
نموده [illegible] در موقع حرکت [illegible] که [illegible] نموده اند که [illegible] شده [illegible] خاطر حق [illegible]
جناب جلالتمآب عالی [illegible] فرمود [illegible] دولت بهیه روسیه [illegible]
[illegible] حقوق و منافع دولت علیه ایران است منظور [illegible] دولت علیه [illegible] حفظ [illegible] داریم که
[illegible] دولت [illegible] که [illegible] دولت [illegible] روس [illegible] ایران [illegible]
[illegible] دولت بهیه [illegible] محض [illegible] جناب [illegible] دولت علیه [illegible]
[illegible] دولت بهیه روسیه است

(معاون الدوله)

نمره (۲۷۵)
نمره ۳۱۵

تلگراف وزارت خارجه به ایالت فارس

سورخه ۲۲ ربیع الثانی ۱۳۳۳

از اصفهان خبر رسیده است [illegible] آقای [illegible] از [illegible] خود را از [illegible] مستقر گردیده [illegible]
را دو [illegible] نموده [illegible] که [illegible] داده [illegible]
[illegible] سواره و پیاده که از قرار [illegible] داده [illegible] خود [illegible] که [illegible] پیاده و [illegible]
فرار [illegible] دیگر [illegible] محمد خان [illegible] و تمام [illegible]
و غیره را [illegible] از قرار [illegible] دیگر [illegible] فرستاده شده است [illegible] سفارت [illegible]
خبر داد که قصد [illegible] زنرال [illegible] در فارس [illegible] حکومت [illegible]
[illegible] جواب [illegible] رسیده [illegible] سفارت [illegible] از وزارت خارجه [illegible] حفظ [illegible]
[illegible] و علاوه [illegible] تحقیق [illegible] از طرف [illegible]
[illegible] که [illegible] شده [illegible] وقوع [illegible]
[illegible] دولت [illegible] فارس [illegible] که از طرف [illegible]
در [illegible] فارس [illegible] در [illegible] وزارت
خارجه [illegible] فرمایید

(معاون الدوله)

نمره (۲۷۶) — نمره ۳۱۶

مراسله وزارت خارجه بسفارت انگلیس

مورخه ۲۲ ربیع الثانی ۱۳۳۳

در قرار اطلاعی که از بوشهر به سفارت رسیده در شب ۱۸ حوت مأمورین دولت فخیمهٔ انگلیس قونسول آلمان را که در یک ییلاقی [illegible] بوده
با رئیس سفارتخانه آلمان غفلة گرفته و بجهاز برده اند و نیز مأمورین انگلیسی که از آن جمله کاپیتان نوئل است در صدد بوده اند که مسیو واسموس آلمانی
را هم که در [illegible] بوده دستگیر نمایند ولی نامبرده فرار و به برازجان آمده تبعه و اموال او را که از فرار مذکور مغتنم نموده اند مأمورین
مزبور از بندر ریک بجهاز انگلیسی حمل کرده اند چون این قبیل حرکات مخالف استقلال مملکت ایران واقع میشود و نقض بیطرفی [illegible] محسوب میباشد
دوستدار [illegible] عطف بمراسله پنجم ربیع الثانی ۱۳۳۳ [illegible] که [illegible] مخالف بیطرفی [illegible]
اعتراض نماید از آنجائیکه اولیای دولت علیه ایران بهمه وسائل [illegible] بیطرفی ایران [illegible]
امیدوار کامل است که برای [illegible] اقدامات در خاک ایران که مصالح طرفین [illegible]
کرده بعجله اعاده قونسول و رئیس سفارتخانه و همچنین اعاده اموال مسیو واسموس و عدم تعرض مأمورین دولت فخیمهٔ انگلیس با او و همراهانش احکام لازمه
از طرف اولیای دولت [illegible] صادر خواهند فرمود و دوستدار ممنون خواهد شد که [illegible] از اقدامات جدیه جناب [illegible] اطلاع یافته و اطمینان
کامل در عدم تکرار اینگونه عملیات مأمورین دولت فخیمهٔ انگلیس حاصل نماید (مستشار الدوله)

نمره (۲۷۷) — نمره ۳۱۷

مراسله وزارت خارجه بسفارت انگلیس

مورخه ۲۳ ربیع الثانی ۱۳۳۳

موافق اخبار واصله اولیای دولت اعلیحضرت پادشاهی کاپیتان نوئل نایب قونسول دولت فخیمهٔ انگلیس بقصد دستگیری مسیو واسموس قونسول
آلمان با سوار شیراز و همراهان او که عبارت از یکنفر آلمانی و محمود خان ایرانی بوده اند در بندر ریک تنگستان [illegible] مسیو واسموس در شب ۱۵
حوت از هشیاری فرار کرده بسلامت به برازجان وارد میشود اما تبعه و اموال او را که از فرار مذکور مغتنم نموده اند آن یکنفر آلمانی
و ایرانی از بندر ریک بکشتی برده و بعد محمود خان را به بندر عودت داده اند چون دوستدار [illegible] که منافی بیطرفی دولت علیه است
[illegible] دوستدار [illegible] اعتراض نموده از آنجناب جلالتمآب انتظار قوی دارد که [illegible]
اعاده یکنفر آلمانی و اموال مسیو واسموس در نزد دولت اعلیحضرت پادشاه انگلیس اقدامات لازمه بعمل آورده بحصول نتیجه مطلوبه دوستدار را
قرین امتنان فرمایند احترامات . . . (مستشار الدوله)

نمره (۲۷۸) — نمره ۳۱۸

مراسله وزارت امور خارجه بسفارت انگلیس مورخه ۲۳ ربیع الثانی ۱۳۳۳

در تعقیب مراسله مورخه ۱۲ ربیع الثانی راجع بامتداد سیم بحری از عمارت قونسولگری انگلیس بسیم بصره [illegible] احتراما زحمت افزا
میگردد که از قرار اطلاعات واصله از [illegible] تلگرافخانه [illegible] باولیای دولت علیه ایران روز پنجم حوت مستر (استیونس)
تلگرافچی انگلیسی با یکنفر دیگر وارد تلگرافخانه اهواز شده [illegible] که حکم دارم [illegible] بصره و نقاط دیگر [illegible] قونسول [illegible] در یک از
اطاقهای تلگرافخانه منزل کرده اند دوستدار [illegible] تلگرافچی انگلیسی که بدون اجازه ادارات راجعه در تلگرافخانه اهواز بعمل آمده
در نقطه نظر [illegible] منافی بیطرفی ایران است [illegible] از اعتراض [illegible]
از طرف [illegible] جلالتمآب [illegible] دوستدار [illegible] بیطرفی دولت علیه ایران [illegible] وثوق دارد که
برای رفع این اقدامات در نزد دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان سعی کافی فرموده دوستدار را از نتیجه حاصله ممنون فرمایند

(مستشار الدوله)

نمره (۲۷۹) تلگراف وزارت خارجه بحکومت بنادر

نمره ۳۱۹

نمره ۳ ۲۳ ربیع الثانی ۱۳۳۳

اخبار بوشهر ۱۷ حوت منتشر است در اینکه دشمنوس نام آلمانی با یکنفر دیگر و میرزا محمودخان نام چهارشنبه دوم حوت از بهمئی بطرف شکاره سرقید … کاپیتن انگلیسی نزد حیدرخان در بندر ریگ آمده … میرزا محمدخان برادر حیدرخان آنها را گرفته شب ۱۵ حوت دشمنوس فرار کرده شب ۱۶ اسامی … دشمنوس با دیگر آلمانی و محمدخان را به بندر ریگ آورده تسلیم … نمودند روز ۱۶ آنها را در جهاز انگلیسی سوار کرده برده اند بعد از برازجان خبر رسید که دشمنوس به برازجان رسیده ولی قونسول آلمان را … ۱۸ حوت … گرفته بجهاز برده اند … اقدامات برخلاف بیطرفی ایران است وصول این تلگراف … حیدرخان را که … دشمنوس اقدامات … اقدامات را اعلام کنید

(عین تلگراف)

نمره (۲۸۰) تلگراف وزارت خارجه بوزیر مختار ایران مقیم لندن

نمره ۳۲۰

نمره ۳ ۲۳ ربیع الثانی ۱۳۳۳

کاپیتن … قونسول انگلیس … در بندر ریگ … دشمنوس قونسول آلمان … کرده دشمنوس فرار … به برازجان رسید … اقدامات … ایرانی را … کاپیتن … دشمنوس برازجان آمده … قونسول آلمان را در بندر … گرفته بجهاز انگلیسی برده … انگلیس … دشمنوس … نموده … اوراق … ملاحظه کنید این اقدامات … در حال … دولت انگلیس … اقدامات … بیطرفی … ایران … بیطرفی ایران را که … حفظ … اینگونه … اقدامات … دولت انگلیس … قونسول … اموال دشمنوس … (مسادل المرحله)

نمره (۲۸۱) مراسله بسفارت آلمان بوزارت خارجه

نمره ۳۲۱

۲۳ ربیع الثانی ۱۳۳۳

در تعقیب … مورخه … توقیف … هم … در … بندر ریگ … بیطرفی ایران … اقدام توقیف و ضبط اموال … قونسول … دولت … اقدامات … که … اقدامات … شارژدافر … مسیو هلمیس … ارائه داده شود

نمره … (دکارورق)

نمره (۲۸۲) مراسله سفارت امریکا بوزارت امور خارجه
نمره ۳۲۴

۲۳ ربیع الثانی ۱۳۳۳

با نهایت احترام توجه خاطر آنجناب را باطلاعات جدیدیکه از طرف روسها به بیطرفی ایران و بمنافع اتباع مملکتی که با ایران همسرحدی دارد
وارد آورده میشود معطوف میدارد قنسول روس در تبریز باعتراضات این سفارت آمریکا که مامور تحفظ منافع اتباع آلمان در آذربایجان است
هیچگونه وقعی و اهمیتی نگذارده و تمام ستاره آلمانی موقوم به ... را انتقال کرده است ولی قبل از حمله آنجوز از ... بنده
که قالیهای ... ستاره را هم سرقت کرده از قرار ... تمام ... و ... در مملکت بیطرف صورت ... اعتراض
نموده از آنجناب خواهشمند است اعمال اولیای دولت علیه که در تخلیه ستاره آلمانی اصرار فرمایند نموده و قالیهای ستاره
مزبور را محافظت نمایند (کالدول)

نمره (۲۸۳) تلگراف وزارت خارجه بسفیر کبیر ایران در اسلامبول
نمره ۳۲۵

۲۴ ربیع الثانی ۱۳۳۳

بعد از آنکه سیم تلگراف سرحد و تبریز دایر شد رئیس ... همراه آن بحکومت سرحد اینطور تلگراف میکند
(حکومت سرحد محافظه عسکر را در تحت ... آرمنستان ... هرگاه محافظه ... و اهل سرحد ... عظیم میشود فوراً
جواب بدهید قائم مقام ... رئیس تلگرافخانه فوراً جواب گرفته ... قائم مقام ... از
دفتر ملاحظه فرمایید رفتار اینها ... سفیر کبیر عثمانی ... نموده و ... ملاحظه تلگراف ... از ... حقیقت
مراتب را ... نموده ... نتیجه را اعلام فرمایید ... سفیر کبیر ... و بسفارت ... نوشته
شده است (مشاورالممالک)

نمره (۲۸۴) تلگراف وزارت خارجه بوزیر مختار ایران مقیم پطرزبورغ
نمره ۳۲۶

ولندن ۲۴ ربیع الثانی ۱۳۳۳

مسموع میشود که مکرر ... از ایران ... و ... هم ... داده است ... ولیعهد از
طهران وزیر مختار روس ... که ... قنسول روس ... موقوف دارد و ... دولت
روس هم عقیده ... است ... که ... ولیعهد ... فوراً ... خواهد شد و قنسول ... خواهد کرد ... از
ایران ... و ... نموده ... است که ... و ... قنسول ... دهند ... طهران خواهد کرد که ...
اقدام روسیه ... خواهد کرد ... فوری نموده نتیجه را تلگراف فرمایند
(ممتاز الدوله)

در آخر تلگراف لندن اضافه شده است: حتی‌الامکان ... با سفیر کبیر روس مذاکرات لازمه نموده
نتیجه را اطلاع دهید (ممتاز الدوله)

۱۲۴۴ نمره ۳۲۳

مراسله سفارت کبرای عثمانی بوزارت امور خارجه

۲۳ شهر ربیع الثانی ۱۳۳۳

مراسله محترمه وزارت جلیله امور خارجه مورخه نوزدهم شهر ربیع الثانی دایر بادعای تجاوز از طرف عساکر و عشایر عثمانی بحدود عربستان که سبب ورود
وارد حیثیت و صدمه و هتک احترام دولت علیه و بیطرفی تبعیت آن تصور فرموده بودند واصل و مضمون آن ملحوظ گردید تعقیب اینکه
با وجود اعلان بیطرفی دولت علیه ایران مدتی است از ... انگلیسها بخاک عثمانی با دستیاری و تعقیب شیخ محمره حاکم رسمی این دولت علیه در امان
از فرستادن سلک ارکان اعراب از هر محل برای عثمانیان در ایام اخیر ارسال شده ضبط و غارت عثمانی و فرستادن اعراب بالسمت نظر
و تعارضات کردن حرکات ایلات و جمع عموم اعراب بمنزله خود برای غارت گمرک بصره که اکنون تصرفات شده بوده در نزد اهالی
شیخ مرقوم موجود میباشند و لوقت ادعای مخصوص خود برای راهنمائی قوای انگلیس در اراضی عثمانی داخل شده تجمع قبایل انگلیس با خط عمل شیخ
کویت و سید [illegible] والی قبیله برای تطمیع و تهییج قرار داده و قطعی در اجرای انواع تحریکات بر ضد عثمانی و ورود دادن [illegible]
چهار انگلیس که [illegible] انگلیس بوده به [illegible] و ورود کاردان [illegible] و اسلحه [illegible] فرستادن [illegible]
برای حمل قورخانه انگلیس و روانه نمودن نقاط مختلفه و قطع سیم تلگراف دولتین ایران بین ناصری و محمره و [illegible] دولت بهداد
سیم تلگراف از البصره الی المحمره در اراضی ایران [illegible] و دیگر حرکاتی نموده اند که عنوان محو دانست این حرکات و رضا از طرف شیخ حاکم
رسمی دولت اسلامی که با وجود صدور احکام جهاد و دفاع در دول [illegible] از طرف عموم [illegible] در مسئله اسلام که بیطرفی خود را رسما
و علنا اعلان نموده آیا [illegible] نمی بیطرفی این دولت علیه [illegible] وارد [illegible] مسئول نموده است با وصف این چگونه میتوان ادعا
نمود که بعلت [illegible] آن حملات و ورود و دخول [illegible] عساکر و عشایر عثمانی بحدود عربستان بوده است مسلم است که اگر [illegible]
از طرف دولت علیه ایران مطابق اعلان بیطرفی با قرارات [illegible] از تحریکات و اقدامات انگلیسها در محل بعمل آمده
بود [illegible] عثمانیان مجبور با قدامات [illegible] نمیشدند لهذا دوستدار [illegible] را که [illegible] مراسله محترمه [illegible] مراسلات مرقوم
فرموده [illegible] و [illegible] نموده و موافق [illegible] سفارت کبری که [illegible] شده است از [illegible] اولیاء عظام
دولت علیه ایران [illegible] تحریکات [illegible] و اقدامات مامورین داخل و خارج بر ضد عثمانیان در نقاط مختلفه خاک این دولت
علیه [illegible] جلوگیری فرمایند [illegible] احترامات فائقه را [illegible] مینماید

(مهر)

اول نمره ۳۲۴

مراسله سفارت کبرای عثمانی بوزارت امور خارجه

۲۴ ربیع الثانی ۱۳۳۳

مراسله محترمه [illegible] سفارت کبری رسیده معلوم [illegible] که قونسول روس خارج از حد وظیفه خود باره [illegible]
[illegible] ساده [illegible] نموده و او را [illegible] نموده است دوستدار متحیر است که این قبیل حرکات مامورین خارجی را در خاک این دولت
علیه که بیطرفی خود را رسما اعلان کرده است بچه جهت [illegible] رو دفعه [illegible] نشده دیگر [illegible] است که در
[illegible] شده است چگونه ممکن است که تحمل این قبیل رفتار را بنمود لهذا دوستدار [illegible] حیثیت و [illegible]
و [illegible] عموم [illegible] مامورین و اتباع عثمانی را در کلیه نقاط خاک این دولت علیه [illegible] وزارت از اولیاء عظام دولت علیه ایران
طلب [illegible] است که [illegible] کامله آن [illegible] دولت علیه ایران خواهد بود [illegible] احترامات فائقه را [illegible] مینماید

(مهر)

نمره (۲۸۵) مراسله سفارت آلمان به وزارت خارجه
نمره ۳۲۷
۲۴ ربیع الثانی ۱۳۳۳

مدتی است اخبار رسیده است که مسیو لیستمان قونسول امپراطوری آلمان در بوشهر و مدیر مریضخانه آلمانی موسوم به (فن هوکس) توقیف شده‌اند چون سفارت از این تخطی و تعرض جدید که اسباب اهانت دولت علیه ملیه شده اعتراضات خود را با حالت اضطرار داشته خواهش نموده است ملاحظه برای استخلاص فوری مستخدم و تبعه آلمان اقدامات مجدانه و مؤثره بعمل آورند و نظر به مفقود الاثر شدن اسنادی داریم مورد اعتراض تخلیه قونسولگری و مریضخانه آلمانی که در تحت اشغال را تا حال انگلیسی ملیشه امر صادر فرمایند واضح است که سفارت امپراطوری آلمان عزل و انفصال حاکم بوشهر را تقاضا خواهد کرد چه حاکم مزبور ملتفت نشده تا حال است اسباب حفاظت قونسولگری آلمان را فراهم سازد (کاردورف)

نمره (۲۸۶) سواد تلگراف حکومت بوشهر به وزارت داخله
نمره ۳۳۰
۲۵ ربیع الثانی ۱۳۳۳

سواد — ۲ ع که شب گذشت ساعت ظهر جمعه ۲۵ مانده از شهر تو رسیدیم هیجان عمومی بدرجه‌ایست که فوق تصور است شخص از علما هرگز در بوشهر دست برداره نبود کلیه علما و عموم طبقات اهالی حضور رسیدند ملحض خطاب آقایان علما این بود که سه سال است هر دولت انگلیس هیچ ضرر مالی و جانی از ما در بوشهر نرسیده بدر این محل حلال کرده و عده قشون کثیر بوشهر و عالم اسلام معاینه میکند حرمت و حیا و بیطرفی دولت را نکرده ما صحیح حکام جاریه حقیقی اسلام محض اینکه شاید محبوب بیطرفی اختیار نموده اند ارادی اولیاء صحیح اسلام تقاضا کرده ایم عالم اسلام قصد ملوا جنگ جهادی نداریم جهاد قشون انگلیس در حبس قونسول و تابعین آلمانی را بحکم ایم و دست از حقوق بیرون حدود و بیعدالتی داریم اگر ما را آسوده کنید امنیت و عشایر و اهالی عموما حرکت دهند میکنند و وظیفه اسلامیت دارند رفتار خواهند کرد لیکن شرع از علماء بوشهر که الزام میکنم در این موقع تا بحال که اسرار و حسابات ملت همه باشد مرحمت و مساعدت را با مذاکره فرموده و مردم را با اقدامات دولت علیه امیدوار از حسنه بیطرفی فرموده‌اند ولی فقط از قصد الهی و توقع امام عصر عجل الله فرجه دیگر باکی نیست که اینحضرت حضرات ادیان شاید باهی از جهات همراه نبود والا اینجا بدون بیطرفی بکلی و باش بدیده بردم که هیجان ستا ئی اندازه ایران و قوای ایران را تنها بنشانم حال بسر در مسلط به اقدامات دولت هستند که فقط کافی باشد اسرار مشرق ستیزه و هیچ سینه نیست که باز اجتماع خواهند کرد (شیخ محمد)

نمره (۲۸۷) تلگراف وزارت خارجه به وزیر مختار ایران در پطرزبورگ
نمره ۳۳۳
۲۶ ربیع الثانی ۱۳۳۳

چندی در رفتن چند نفر از طرفین که میگویند از اسرای طرفین در اینجا اسیر شده‌اند که در شهر مشق آباد لوده اند در ورود آنها... فوهال از اینکه اگر آنها اسیر دیگر کرده و ایام آینده تا هفت روز و هفته در تاریکی از طرفین داده کسانیکه بدست آنها اسیر شده آنها را نیز دیگر تا بعد اینگونه رفتار ایشان در این حال و در کات آنکسانیکه در حوزه گریخته باشند... لفظ بیطرفی دولت علیه است ما بدانجا بموجب قانون عامه اینکه هر گاه اسیر در دولتی باشند بعد از آن دولت ... را اسیر نگه خواهد کرد و اسرا خوبی آنها هر دو ... روسیه و انگلستان و ایران خواهد بود لیکن اتباع را نمایانی بمقتضی بیطرفی از حدود خارجه خارج کنند و شما که داده‌اید اسیر رفتار را تقاضا نموده اطلاع فرمائید

(سعد الدوله)

نمره ۳۲۸

ترجمه مراسله سفارت فرانسه به وزارت امور خارجه مورخه

۲۵ ربیع الثانی ۱۳۳۳

از قراری که در تبریز شهرت دارد قریب هفتصد نفر مسیحی را در سلماس اکراد به تحریک عثمانیها قبل از ورود قشون روس به قتل رسانیده‌اند و سردار ایرانی فقط
اسماً ایالت [illegible] که این خبر را تصدیق نموده و [illegible] و لیکن [illegible] در صورتی که این قتل‌ها [illegible] آلوده نموده
و نگران می‌باشند که نظیر این رفتار در ارومیه نسبت به اهالی آنجا تجدید شود در ارومیه غیر از مسیحی‌ها سفارت [illegible] نظری درباره آنها
دارد چندین نفر مسیو [illegible] تابع فرانسه در تحت ریاست «مونسینیور سونتاک» نماینده حضرت پاپ که [illegible]
ساکن [illegible] شده‌اند این است که سفارت به مقام [illegible] را [illegible] وقوع را که حقاً باعث نگرانی سفارت شده است با دلایل [illegible] دولت
علیه که [illegible] در این نگرانی سهیم باشند [illegible] کلدانی‌ها [illegible] ایران هم در خطر هستند اطلاع بدهد تا [illegible] سردار [illegible] وقت
حوادثی بود که جناب [illegible] و [illegible] که اولیای دولت علیه دارای [illegible] مأمورین عثمانی [illegible] در ایران و ما در
اسلامبول بعمل آورند [illegible] مصیبت جدیدی را [illegible] حفظ [illegible] تابع فرانسه [illegible] این صرف را که در این خطر [illegible]
شفقت اولیای دولت علیه [illegible] محفوظ بدارند (ریموند لکنت)

نمره ۳۲۹

تلگراف وزارت امور خارجه به سفارت اسلامبول مورخه

۲۵ ربیع الثانی ۱۳۳۳

از تبریز خبر میرسد که [illegible] نام [illegible] مأموریت داشته‌اند که در امور داخله دخالت [illegible] حکومت سلماس [illegible] را
[illegible] جلوگیری [illegible] طلب فرمایند (معاون الدوله)

۱۳۴۷ اول

نمره ۳۳۱ مرقومه به سفارت آلمان از وزارت امور خارجه مورخه

۲۶ ربیع الثانی ۱۳۳۳

عطف به مراسله خود مورخه ۹ مارس ۱۹۱۵ (۲۳ ربیع الثانی) راجع به اینکه در خصوص بعضی نفوسها در حمله عثمانیها که در اطراف
سلماس مسیو (دهموس) قونسول آلمان وارد آنجا و دلیل یازده عرض کرده با اسم دکتر مستر تلگرافیکه از مقیمی دهموس رسیده است
مستحضر بوده باشند (در کلیسای مسیو دهموس و دکتر لابدرس و شده را توقیف و دیگر نموده و دهموس به ... فرار
نمود ولی شده و دکتر لابدرس را حرفاً و بالاخره فیمابین لکایه به شدیدترین رسیدند و در آنجا توسط حیدرخان ... نموده است الله ما را
بکشید و در آنجا شده را با ... دو ماه ... نیز اسیر ... ولی دکتر لابدرس را با اسیری بردند) در مقابل ... که از ...
اقتضا را ... نموده ... درباره ... مجلس ... قصد ... ممکن از تجارتها از ... که از طرف
دولت ایران ... که از ... و در ... مسیو دهموس ... اتخاذ شده است ... احترامات . .

(فن کاردرف)

نمره ۳۳۲ مرقومه به سفارت امریک از وزارت امور خارجه مورخه

۲۶ ربیع الثانی ۱۳۳۳

سفارت ... تلگرافی اطلاع رسیده است که در نزدیکی ارومیه چندین نفر ارامنه که دکتر ... رسیده اند و ... اشخاص —
مسیحی ... بوده اند که در دیلمان در نزدیک ارومیه ... کرده و ... دیگری را ... ارامنه ... شده اند و ...
جان و مال هزاران مسیحی ... که در ارومیه در تحت حمایت سفارت ... آمریکائی ... از خطر ...
فوق ... شده ... دارد برای حفظ و حمایت جان ... آمریکائی ... در حمایت ... اتخاذ اقدامات
لازمه ... و در این خصوص ... لازمه ... تلگرافی صادر ... و ... دارم که ...
واقع ... اقدامات ... شده است . . .

(کالدول)

نمره ۳۳۴ مکتوب وزارت امور خارجه بوزارت داخله مورخه

۲۷ ربیع الثانی ۱۳۳۳

سواد مراسله سفارت امریک راجع بمکتوب قنسول امریک هشتصد نفر سکنه قراء سلماس در ارومیه که میگویند مذهب مسیحی و در ایام توسط اکراد بعراق
افتاده است لفاً ارسال خاطر آن وزارت جلیله میگردد لازم است مقرر فرمائید نسبت باین مسئله تلگرافی در کشف حقیقت امر و حفظ جان و مال
مسیحیان و ایرانیان دیگر که در حمایت ایشان هستند بمواقع لازمه صادر و در وزارت امور خارجه را از نتیجه اقدامات مستحضر دارند
وزارت خارجه هم از طرف خود تلگراف در صدد تحقیق برآمده است (معاون الدوله)

نمره ۳۳۵ تلگراف وزارت امور خارجه بکارگزاری آذربایجان مورخه

۲۷ ربیع الثانی ۱۳۳۳

در فقره اظهار سفارت امریک هشتصد نفر از سکنه قراء سلماس در ارومیه که مذهب مسیحی بوده اند بقتل رسیده در تفلیس لیرا امر باید در وزارت
اکراد بوده اند سکنه جان و مال ایرانیان مسیحی وغیره که در حمایت مسیحیان است اقدامات لازمه بعمل آمده است خاطر آن وزارت جلیله در کشف
حقیقت امر و حفظ جان و مال مسیحیان و ایرانیان دیگر که در حمایت ایشان هستند اقدام و نتیجه را اطلاع دهید (معاون الدوله)

نمره ۳۳۶ تلگراف وزارت امور خارجه بکارگزاری ارومیه مورخه

۲۷ ربیع الثانی ۱۳۳۳

در فقره اظهار سفارت امریک هشتصد نفر از سکنه قراء سلماس در ارومیه که مذهب مسیحی بوده اند توسط اکراد ایرانی بقتل رسیده و لازم است حفظ
جان و مال ایرانیان مسیحی وغیره مسیحی دیگر که در این حدود در حمایت مسیحیان است اقدامات لازمه بعمل آورید در کشف حقیقت
امر و حفظ جان و مال مسیحیان و ایرانیان دیگر که در حمایت ایشان هستند اقدام و نتیجه را اطلاع دهید (معاون الدوله)

نمره ۳۳۷ تلگراف کارگزاری جلفا بوزارت امور خارجه مورخه

۲۷ ربیع الثانی ۱۳۳۳

در تعقیب تلگراف سابق چون خاطر مبارک مستحضر است که چون باره از اردوی روس از تبریز و تقویت قوای روس که متعاقب
اسرار از طرف قوقاز بحدود تبریز وارد و بحوالی رفته اند و عده ای ولایات حال حرکات رسیده بود با بعضی حرکات
در نقول ملاحظات و نتایج آن کار و الی رفتار عثمانی مطلوب حرکات را طرف اهالی و خصوص‌ها برای اقدام نظم است با خانها که تعقیب
حفظ بطرفی دولت علیه و حس نجات است اعتراض نمود مسارالیه هم از این بی‌اثر بودن اقدام است که بر خلاف دستور العمل و جدی از
لزوم سنف و وعده داد که فوراً تلگراف لازم بمشارالیه در موقوف داشتن اقدامات سفیر در جهت قوقاز بنمایند چون
برای آنکه از اقدامات سفیر چیز از سنه مبلغ چهار نفر سهم را که گرفت زود در اداره قونسول جلفا در قوقاز توضیح کرده که
حکومت مرکزی تسلیم نماید که توسط مأمورین ایران تسلیم مأمورین سرحدی روس شود هر دو هم قبول نمودند رفتن و اخطارات ایرانی بوده را
نمود ولی تسلیم آنها را بمأمورین سرحدی روس موقوف بامر آن وزارت جلیله دانسته است که از ایشان خاطر مبارک را مستحضر داشته اگر
تکلیف قطعی فوری را در این باب که الان چند روز است سفیر مشار الیه را توقیف داده و توسط رسیدن جواب معین تکلیف سرکار
مانده مرقوم فرمایند که در تعقیب اطلاعات حرکات قوافی منحرف و سرکار گرفته و حالی بیشتر نبود
(موثر الدوله)

نمره ۳۳۸ تلگراف وزارت امور خارجه بحکومت [illegible] مورخه

۲۷ ربیع الثانی ۱۳۳۳

از سفارت عثمانی علاوه بر اظهارات شفاهی جنابعالی [illegible] که قونسول روس برخلاف وظیفه خود درباره تبعه‌جات شهبندر عثمانی را داده
وادار اقدام نموده است و در ضمن اظهارات شفاهی شکایت میشد که تبعه‌ها توسط معاون حکومت توقیف شده است از قرار خبرهای اخیر [illegible]
[illegible] است که در زمان حکومت جنابعالی [illegible] نسبت به [illegible] سفارت کبری ارسال شده و [illegible]
تلگرافاً اطلاع نموده و با شکایات [illegible] توضیح بخواهید که آیا معاون حکومت و سایرین تبعه‌ها توقیف نموده و اگر نموده وجه [illegible] چه بوده است زود
اعلام فرمایید

(معاون الدوله)

نمره ۳۳۹ مراسله سفارت کبرای عثمانی بوزارت امور خارجه مورخه

۲۷ ربیع الثانی ۱۳۳۳

موافق مراسله که [illegible] از شهبندری عثمانی مقیم رشت بسفارت کبری رسیده معلوم میشود که حال تجار و اتباع عثمانی در آنجا روز بروز
وخیم‌تر میگردد و بواسطه اقدامات خودسرانه قونسول روس و عدم جدیت مأمورین محلیه [illegible] بطوری [illegible] که [illegible] منظور است
از هر کس طلب دارند [illegible] که [illegible] وصول نمایند و هر کس از آنها طلب دارد [illegible] تا [illegible]
[illegible] در امور خارجه [illegible] وغیره از طرف [illegible] طرف هستند [illegible] کونسولگری روس [illegible]
[illegible] شهبندر [illegible] نموده [illegible] و توقیف املاک و اموال [illegible] از [illegible]
[illegible] که بواسطه [illegible] شده است در [illegible] که
طرف دولت علیه ایران است چگونه ممکن است که مأمورین روس درباره اتباع عثمانی خودسرانه [illegible] اقدامات [illegible]
[illegible] که اتباع عثمانی [illegible] طرف [illegible] در [illegible] توسط [illegible] و [illegible]
[illegible] تقاضا [illegible] و [illegible] اتباع عثمانی [illegible]
و [illegible] از طرف [illegible] اتباع عثمانی [illegible]
که دولت عثمانیه [illegible] دولت علیه ایران را از [illegible] آن خواهد [illegible] است که [illegible]
مأمورین محلیه [illegible] و [illegible] اتباع عثمانی و حفظ حقوق آنها [illegible] امر [illegible] آن [illegible]
فرمایند ضمناً احترامات فائقه را تجدید مینماید

(مهمم)

اول

نمره ۳۴۱ مراسله سفارت روس بوزارت امور خارجه مورخه

۲۸ ربیع الثانی ۱۳۳۳

[illegible] احترام [illegible] سلطان [illegible] احترامات [illegible] در حفظ [illegible]
[illegible] عثمانی [illegible] که از [illegible] دارد [illegible]
احترامات فائقه را تجدید مینماید (کرستوتس)

نمره ۳۴۲ مراسله سفارت روس بوزارت امور خارجه مورخه — ۲۸ ربیع الثانی ۱۳۳۳

[illegible] احترام [illegible] مراسله خود مورخه ۱۷ [illegible] سلطانی را [illegible]
[illegible] (چرنوز دلیف) حکم داده است که [illegible]
[illegible] که [illegible] و [illegible] احترامات فائقه را تجدید مینماید

(کرستوتس)

نمره (۲۸۸) مراسله وزارت خارجه به سفارت کبرای عثمانی

نمره ۳۴۰

۲۷ ربیع الثانی ۱۳۳۳

موافق خبری که وصول [illegible] دو نفر صاحب منصب عثمانی با جمعی از اکراد به اهالی ولایت علیه به سمت [illegible] هر یک به بهانه اینکه محمد حسن [illegible]
در این حدود رفته با وجود اینکه از طرف رئیس مسئول [illegible] اطمینان داده شد که مجروح در این حدود متوقف نشده تمام [illegible]
را [illegible] نموده [illegible] لذا [illegible] سفارت [illegible] تصدیق خواهند فرمود که [illegible] اکراد [illegible] ولایت [illegible]
[illegible] طرف [illegible] دیگر [illegible] مملکت [illegible]
[illegible]
از این نوع [illegible] ممنوع [illegible] (معاون الدوله)

نمره (۲۸۹) تلگراف سفیر کبیر ایران مقیم اسلامبول به وزارت خارجه

نمره ۳۴۳

۲۸ ربیع الثانی ۱۳۳۳

سابقاً [illegible] دولت علیه ایران [illegible]
[illegible] : دولت عثمانی [illegible] اراضی ایران [illegible]
[illegible] عثمانی [illegible] ایران [illegible]
در جواب [illegible] وزارت [illegible] (محمود)

نمره (۲۹۰) تلگراف وزارت خارجه به حکومت [illegible]

نمره ۳۴۴

مورخه ۲۸ ربیع الثانی ۱۳۳۳

[illegible]
[illegible] اطلاع دهید (منتظم)

نمره (۲۹۱) تلگراف کارگزاری [illegible] به وزارت خارجه

نمره ۳۴۵

۲۸ ربیع الثانی ۱۳۳۳

[illegible]
[illegible] خواهد بود (مساعد الملک)

نمره (۲۹۲) مراسله وزارت خارجه به سفارت [illegible]

نمره ۳۴۷

مورخه ۳۰ ربیع الثانی ۱۳۳۳

[illegible]
[illegible]
[illegible] دولت ایران [illegible] وزارت خارجه [illegible]
[illegible] وزارت خارجه [illegible]
[illegible] (معاون الدوله)

نمره ۳۴۶

یادداشت سفارت بلجیک بوزارت امور خارجه نمره

۲۹ ربیع الثانی ۱۳۳۳

در جواب مراسله حضرت والا پادشاه بلجیک شرف وارد وزیر امور خارجه دولت علیه ایران را مستحضر میدارد از اینکه از قرار خبریکه از قونسل بلجیک مقیم تبریز رسیده شهرت دارد که اکراد و ایرانیها با تحریک عثمانیها در روز قبل از اینکه روسها ولایات را تخلیه نمایند هشتصد نفر مسیحی را در آنجا بقتل رسانیده اند جنرال سردوم که مسیحیان بسیاری در ارومیه که از قرار معلوم ده هزار نفر در تحت سرپرستی دعات فرانسه و امریکائی هستند در خطر بوده باشند قونسول امریکا مقیم تبریز از وزیر مختار دولت خود مقیم اینجا درخواست اکید نموده که توسط نفر کبیر دولت خود مقیم اسلامبول در خصوص این مسیحیان بیچاره اظهارات نماید سفارت تونلی بقین دارد که حسیات عالیه ملت ایران هر قسم اقدامات ممکنه مستقیماً یا توسط نفر کبیر عثمانی بعمل خواهد آورد که از وقایع ناگوار باین مسیحیان بیچاره جلوگیری بود

(د[illegible] تونلی)

نمره ۲/۳۴۶ ——— ملفوف وزارت داخله بوزارت امور خارجه نمره

۲۹ ربیع الثانی ۱۳۳۳

برطبق مرقومه مبارکه مستخرجه از سواد مراسله سفارت امریکا شرح بولکه حال الحیات آذربایجان در جلوگیری از اقدامات مخالف حفظ تبعه آن در آنجا تعلیمات لازمه سفارت در حفظ حیات و جلوگیری از وقایع نرسد معمول شد

(وزارت داخله)

نمره ۳۴۸ ادل

مراسله وزارت امور خارجه به سفارت کبرای عثمانی نمره

۳۰ ربیع الثانی ۱۳۳۳

مراسله محترمه جناب مستطاب عالی نمره ۲۲ ربیع الثانی راجع به اظهار اینکه مرقوم فرموده اند قونسول روس در رشت مساعدت امداد نموده است و مسیحیان ۳۵۰ نفر کرده به ناحیات ضرام وصلت اند که در خصوص حدا و در این مقام تحقیق از ضابط لازم میرآنهم ببرید و در صورت صحت این خبر که البته باعث تحیر خاطر اولیای دولت علیه ایران است اقدامات سفیقه از منع این قضیه بعمل خواهد آمد ولی اینکه در خاتمه مراسله محترمه مسئولیت اولیای دولت علیه را در این موارد گوشزد فرموده اند بر مسئولیت ایران نداده اند که خاطر محترم عالی مسبوق باشد که با دول اعراض دو دولت متخاصم در خاک بیطرف که البته برخلاف معمول کارگزاران دولت علیه ایران است همچو قضیه در مواردیکه دولت علیه حالیه قدر بدارد بطلب ایلچی طرف تصدیق است که از دول متخاصم هر یک بیطرفی دولت علیه ایران را ملحوظ داشته مسئول ضرر و مادی و معنوی دولت علیه خواهد بود

(مشاور الممالک)

نمره ۳۴۹ تلگراف حکومت گیلان بوزارت امور خارجه نمره

۳۰ ربیع الثانی ۱۳۳۳

از قونسول تلگراف مبارک که توسط کارگزاری بود استحضار حاصل نمود جواب مراسله حکومت راجع به قونسول روس و قزاقهای مقطوع الجاز باره مطالبات که از طرف ایلچی روس و دولت ایران و کارگزاری ابلاغ نماید جندی قبل بکارگزاری تعقیب نموده روسی رسیده بود که این باره از ایلچی روس تحقیق نماید مبلغی سپهداری را که تا بحال وارد رشت شده بقونسول گفته و جمعی توقیف کرده اند جنرال قونسول هم مهدی السلطان سالار حکومت بوده از تراکم غیرت جنگ بموده که جوابی است که در ولایات سپهداری بعد از ارسال طرف ناحیه که از طرف نمود دولتی را لو ایران رسیده که از طرف استیضاح نموده حکومت سیم نموده در ولایات ناحیه بطور کلی سپهداری اظهار را کرده اطلاعاً عرض نمود

(سپهدار اعظم)

نمره (۲۹۳) مراسله وزارت خارجه به سفارت آلمان مورخه
نمره ۳۵۰

۳۰ ربیع الثانی ۱۳۳۳

مراسله سعادت دایر بتعرضی که بمسیو لیستمان قونسول اداره امپراطوری و مدیر سفارتخانه آلمانی موسوم به «فن هوکس» در بوشهر وارد شده است واصل و باعث احترام گردیده و چون بعد از تهیه شکایت را از این قضیه حاصل نموده فوراً شرحی سخت بسفارت انگلیس نوشته سفارت دولت علیه ایران در دربار دولت انگلیس هم تعلیمات لازمه تلگرافاً داده شد که صحبت دولت ابد آثار دولت ایران را از این قضیه خلاف اصول با دولتی که حرکت ستارالیها [illegible] و بدین حرکات مرتکب شده مخصوص استحضار خاطر محترم آنجناب بمقام زحمت برآمده احترامات فائقه را تجدید مینماید (معاون الدوله)

نمره (۲۹۴) تلگراف کارگزاری [illegible] بوزارت خارجه
نمره ۳۵۱

۳۰ ربیع الثانی ۱۳۳۳

دیروز [illegible] شهر از [illegible] هفتصد نفر سالدات با چهار عراده توپ و دو توپ مسلسل کوچک ازینجا بکوه وارد [illegible] امروز تماماً بطرف اردبیل حرکت کردند (رحیم)

نمره (۲۹۵) مراسله وزارت خارجه بسفارت اتازونی
نمره ۳۵۲

مورخه ۳۰ ربیع الثانی ۱۳۳۳

دوستدار از اینطوریکه در جواب مراسله جوابیه خود زحمت فراگیرنده بعد از وصول مراسله محترمه مورخه ۱۹ فوریه ۱۹۱۵ که در موضوع فرستاده بود [illegible] اطلاعات [illegible] کارخانه [illegible] را از سرحد روسیه نموده و در آنجا [illegible] رسانیده [illegible] سفارت امپراطوری روس نوشته بود [illegible] از سفارت [illegible] دوستدار رسیده [illegible] وزارت امور خارجه روسیه [illegible] خاطر محترم [illegible] بمقام زحمت برآمده احترامات [illegible] (معاون الدوله)

نمره (۲۹۶) تلگراف وزارت خارجه به کارگزاری کرمانشاهان
نمره ۳۵۳

۳۰ ربیع الثانی ۱۳۳۳

مقارن وصول مراسله سفارت روس مراسله رسید که [illegible] نفر آلمانی در کرمانشاه مشغول تهیه سوار و اسلحه هستند [illegible] سوار [illegible] که [illegible] بعراق [illegible] کرمانشاهان حرکت [illegible] (ملیقع)

نمره (۲۹۷) تلگراف وزارت خارجه به جنرال قنسول ایران مقیم اسلامبول
نمره ۳۵۴

مورخه ۳۰ ربیع الثانی ۱۳۳۳

از سفارت روس و انگلیس و فرانسه [illegible] بوزارت خارجه نوشته‌اند هفتصد نفر [illegible] را [illegible]

جلوگیری از قتل و غارت اکراد را کرده اثر نتیجه مفید نداده است عثمانیها تحریکات شده در آذربایجان بین اکراد مشغول تاخت و تاز [illegible]
حوادث حاضره سبب شده که چندی از دولت در اینجا دو سه نفر کرد با عالی را از کیفیت مطلع نموده جداً امر به قونسولگری عثمانی
که بواسطه تحریکات آنها در خاک ایران روی داده متوجه دولت مشارالیها نمایند مخصوصاً با رعایت قطعی قونسول عثمانی استمالت کنند —
نفوذ و اقتدار قونسول خود را بر خلاف فوری در جلوگیری اکراد صادر نمایند بطور و لندن هم دستور اقدام فرستاده شده نتیجه را زود
اعلام فرمایند (معاون الدوله)

نمره (۲۹۸) تلگراف کارگزاری کرمانشاهان به وزارت خارجه
نمره ۳۵۵
۳۰ ربیع الثانی ۱۳۳۳

در نتیجه کمیسیون عشره دلو و سنجابی اجزاءً واقع شده که شرح آن تلگرافاً عرض رسیده از قرار راپورت حکومت قصر [illegible]
در سرحد با مأمورین مقتول عثمانی بدست سنجابیها افتاده که سواد آنرا اگر بند جواب آقای [illegible] فرستاده بعضی از آنها [illegible]
داشته اند یک [illegible] محتوی [illegible] نوشته محفظه [illegible] دارای [illegible] ماده و دیگری تلگراف مختصری است خطاب به شهبندر
داورانی که نمایند [illegible] مختصراً [illegible] عرض میشود :
از تاریخ ۲۳ شباط مطابق ۲۲ ربیع الثانی ۱۳۳۳
کرمانشاهان شهبندر عثمانی — ماده اول — در کاغذیکه بتاریخ ۱۰ شباط فرستاده بودم ایضاح کرده بودم که کارهای
حقوقی ایران از طرف حکومت عثمانی بعهده اینجانب تودیع شده
ماده دوم — سابق بر این در کرمانشاه از برای محافظت منافع دولت سنیه جوانان و محترمان با شرف [illegible]
و بعکس که بر خلاف حرکات و منافع ما [illegible] اجرا کنند [illegible]
با یک [illegible] ۳ نفر [illegible] فرستاده شده [illegible]
حق [illegible] از برای ارائه طریق کردن [illegible] کرده [illegible]
ترک [illegible] کردن [illegible] ترقی شده.
ماده سوم — عموم منافع و وسایطی که [illegible] آوردن [illegible] مبارزه کردن
عناصر مضره را ازاله کردن [illegible] صورت [illegible] کردن وظیفه [illegible] است.
ماده چهارم — در [illegible] که در بالا ذکر شده [illegible] کردن [illegible]
[illegible]
[illegible] ایران شده [illegible]
[illegible] ایضاح فرمایند.
ماده پنجم — [illegible] خواهید کرد [illegible]
استناد [illegible] است.
ماده ششم — اگر لازم [illegible] فرض کرده [illegible]
از طرف [illegible] داده خواهد شد (قرنداش [illegible] رئوف)
تلگراف حصوصی — از تاریخ ۲۳ شباط ۲۲ ربیع الثانی در کرمانشاه شهبندر عثمانی
آقا [illegible]

بهذا انتظارات نامه مفصل تقاضا هم میشود در این باب صرف مساعی و همت فرمودن از غیرت وطن پرورانه جنابعالی هستیم و امیدواری کاملی داریم (فرمانفرمای ...) (مساعد الملک)

نمره (۲۹۹) مراسله وزارت خارجه بسفارت آلمان

نمره ۳۵۶

۳۰ ربیع الثانی ۱۳۳۳

دوستدار پس از وصول مراسله محترمه جنابعالی ... راجع بامور رعایای عثمانی و آلمانی که مرقوم فرموده بودند قصد ضبط اموال و تنخواهات ایشان را دارند ... بلافاصله بدولت ... مذاکره نمود که اقدامات لازمه در حفظ اموال و تنخواهات ایشان منظور و معمول شود نتیجه را اطلاع دهند پس از وصول جواب خاطر محترم را قرین استحضار خواهند داشت (مشاور الممالک)

نمره (۳۰۰) تلگراف وزیر مختار ایران مقیم پطروگراد

نمره ۳۵۷

۳۰ ربیع الثانی ۱۳۳۳

راجع بتلگراف نمره ۲۴ ربیع الثانی (۱) دیروز با وزیر خارجه ملاقات و مذاکرات کردم گفتند تصور نمیکنم مطلب آنطور باشد ... مخصوصاً تلگرافی وزیر مختار را خواسته تلگراف ... حضور والاحضرت ... خوانده ... که وزیر مختار ... ایران ... حق ... ملت ... ایران را ... تمام شد ... خواهیم کرد (احتشام)

(۱) نمره ۲۸۲ است

نمره (۳۰۱) تلگراف وزارت خارجه بوزیر مختار ایران مقیم پطروگراد

غره جمادی الاولی ۱۳۳۳.

... اعراض ... وقتیکه ... کمپانی ... که ... تقاضا نموده که ... قونسول ... قشون روس ... سرحدی روس ... تقاضا کنند ... خارجه ... طرف تعرض واقع شوند نتیجه را اطلاع دهید (مشاور الممالک)

نمره (۳۰۲) مراسله سفارت انگلیس بوزارت خارجه

مورخه غره جمادی الاولی ۱۳۳۳

الان مراسله ... تلگرافی رسیده ... سفارت ... در «دیلمان»

بقیه در صفحه ... است

نمره ۳۵۸

مراسله سفارت انگلیس به وزارت امور خارجه مورخه

۳۰ ربیع الثانی ۱۳۳۳

درباره عبوری که گذشته یک بار فانه مشتمل بر هزار و چهارصد صندوق اسلحه و قورخانه به سمت دریبور برای راه اندازی وارد میشود کابینه پوست و
کتیبه لند ترک که مخصوصاً برای انگلیسها از فرستاده شده بود بیهار المحال گرفته و حمل انها میکنند اگرچه در آن وقت تصور میرفت که اسلحه و قورخانه
مزبور برای مصرف قانونی راه اندازی بکار برده شد ولی بطوری که یک بار فانه بوضع مخصوص و محرمانه رفتار شده که در بوشهر توقیف شد بعضی در
سفید انها شبیه بود در بوشهر توقیف شد و بعد هزار صندوق فشنگ که سابقاً در گمرک امانت گذارده شده بود با هواز فرستاده میشود که از انجا
باصفهان فرستادند در حمل و نقل این دو بار فانه اسلحه باندازه بطوری رفتار شده که ضمیمه اسباب بوطن کسانه اگرچه در آن وقت در حسن
نیت حضرت صمصام السلطنه بختیاری و دولت ایران که انها را استخدام نموده جزئی تردید نرفت از اطلاعاتیکه از آن بعد با مورین انگلیسی در خلیج فارس رسیده
محقق میشود که ارسال این لوازم جنگ از اهواز مرتبط بیک توطئه آلمانی بوده که آن توطئه با بستن در بوشهر شروع بود در دسته اهالی جهاد اثرات
کامله خود را بخشیده و دولت ایران اجباراً داخل این جنگ بکمک عثمانی شده باقدر بوده که حوالی از آن اندازه شمار در آن وقت
صحنه ایران در تحت حکم حضرت صمصام السلطنه بختیاری خود ریاست هیچ عمومی را صدد انگلیسی نموده با مورین انگلستان در این کار بعضی اوقات راه نیافت.
اتفاق میافتد در مقابل دیگر که از ملاقات ما بین سفارت آن در طهران و قونسول آن در بوشهر که بدست انگلیسیها افتاده درج شده
حدادان کشتی مامور تمام کار این اسلحه و قورخانه برای چه منظور بوده و بخوبی معلوم میسازد که حضرت صمصام السلطنه بختیاری داخل توطئه بوده است که ایران را
داخل جنگ نماید خواه دولت ایران در طهران مایل بوده یا نباشد در عرضه راپورتی که گذشته نارز در آنجا به قونسول بوشهر اظهار اتکا
میکند (از جهات درباب اسلحه مرتبط بعد از این هیچ اظهار نمینماید اسلحه برای منظور شخصی خود برده خواهد شد) هر لیست مین -
اظهار جواب میدهد (حضرت صمصام السلطنه بختیاری چند روز قبل اسلحه را از بندر دیر اقرار نموده در این کار ادر تمام مراتب محرمانه ماند است)
(داخل قونسلی)

نمره ۳۵۹

تلگراف وزارت امور خارجه به سفارت اسلامبول مورخه

۳۰ ربیع الثانی ۱۳۳۳

در بغداد به قدر ۸۰۰ نفر مسیحی در زیر مخفر انگلیس حبس یا در حبس خود بازه میکنند و در بحرانی آنها یک سقم طهران بوسیله سفارت خود
در اسلامبول تلکیف و غیانیهای آنها را متوجه صحوگری رایکرا کاد ملاحظات حضرت ایشان امر بفرمائید در پیش آمد امور هر وقت تماماً بهر کار تقاضی بدهند
با هر یک از تغییر آن دول مراتب اطلاع فرمائید   (معادل الدوله)

نمره ۳۶۰

یادداشت سفارت انگلیس به وزارت امور خارجه مورخه

۳۰ ربیع الثانی ۱۳۳۳

برحسب اظهاریکه در ۲۸ شهر حال حضرت مستطاب اجل مشاور الدوله فرموده بودید سر دفتر توقع شرف دارد که بعضی
اطلاعات در خصوص سابقه هر وسموس قونسول سابق آلمان در بوشهر بدهد.
و قبل جنگ خانه انگلستان و عثمانی شروع گردید این مأمور و هیچ آلمانی در اسلامبول بود بسمت ریاست مسیوی که مستقر بود
بر تیج تقریباً میکرد و مأموریت بهانه این بود که با ایران واقف تان آمده برای انگلیسها تشکیلات تولید نماید از تنشیکی که در حدود
اسباب بیاراند به دست انگلیسها افتاده این تشکیلات معلوم میشود و نیز از آن حال معلوم میشود که هر کس کمتر ضمن که حال در آن تا مان
هست و رفتار تعطونه او و دو تربیت خدیه آقا تیس در سرحد عثمانی و ایران و حوالی جاقیس گرار با اطلاع دولت ایران
رسانیده شده خود مسیوی بوده و مقصود این بوده در ایران اغتشاشی برپا نماید خواهی نخواهی دولت ایران را

بکمک عثمانی در جنگ جهاد کنند معلوم نیست که هر واسموس با هر شانمن در قفقاز بوده است یا نه ولی البته حالا میرود
که در بغداد با او بوده است. و در محافل رائج حضرت با دعایه طبقات [illegible] شهرت دارد که دولت ایران تحولی اطلاع داشته اثر که
بیلیون آلمانی با پول زیادی قصد دارد از راه ایران به افغانستان برسد و سپاهان برود که در آنجا با تمام مذهبی مردم را بر ضد انگلیسها
برانگیزاند اول دفعه که خبر آمدن هر واسموس رسید این بود که سالاره وارد بوشهر شده و فوراً تمام علما و مردم را اظهار داده که
در جهاد شرکت نمایند بعد از آن از سردار جنگ بختیاری شنیده که او از تمام لر از برای سردار جنگ با یک جایی ملحق او را اقدامات
وسیله آورده که معلوم میشود مطابق ترتیب آن داده شده و هر واسموس نوشته است که پیرامهارنز و بهبهان بر قرار کنند
در هر یک از این نقاط باعث حدث شغول تشیع حمایت مذهبی مردم گردید جهاد را بر عهده میشود در حوالی بندر ریگ —
هر واسموس از اقدامات مذهبی انگلیسها فرار نمود ولی بعد از اول و بعد از دیدن به ایشان مساعد و از آنجا فرار کرد
فرار میکند در آنجا تنگستانیها دشتستانیها را به ضد انگلیس تحریک نمود و پشتیبان تنگستانیها را خطر ملاها دعوی میکنند که مردم را
بر ضد انگلیس برانگیزاند از آنجا بر [illegible] رفته در آنجا چند روزی مبارزه کرد و مدعی گوش ملاها که مردم را بهیجان
در آورد مشغول تشویق تنگستانیها تا کمک نمایند بالاخره تا مخصوص تنگستانیها وارد شیراز میشود و فوراً گرفتار و تنگستانیها
میرود و در آنجا هر عشایر با اینکه فرمانفرما کاملاً برای او متوسل شده اند از طرف حکومت تا در این معلوم میشود که :
هر واسموس بعد از اینکه در شیراز چند تاثیری بارز «در را دیتیش» قبول کند در این باب هر واسموس او را فی
مدعی میشود که خیلی مهیج بوده و مقصودش این بوده است که اهالی ایران میان ایشان مسلمانان بر ضد انگلیسها برانگیزاند از قضایا فوق
ثابت میشود که هر واسموس در یک مملکت بیطرف از دشمنی وارد ایران شده و هر از او بنای تحریک منظم بوده است
از جمله چیزهایی که بعمارت رسیده هر واسموس حال منظم جهاد طرح است که اقدام تا حدی در نقطه خود مانند که مقصود
در آن نقطه این است که قونسول و قونسولگری انگلیس را بگیرد بر ای نیل فتح اقدامیکه که کار از آن انگلیس محو بوده اند که نظر به فرمان شهاد
داشته و کلاه آلمانی در بوشهر بنا بر دعوای جهاد مسلمانان البته که تحولی از این قضایا اطلاع دارند نقشه دست است که
بخواهیم حمایت مساعدت اعلیحضرت را بیشتر سازیم که هر گاه نقطه هر واسموس بموقع اجرا گذارده شود حمله و جنگ برای ایران خواهد
داشت چرا که او فقط میخواهد بکمک تنگستانیها و دشتستانیها از تهدیدی امنیه معلوم میشود که از تنگستانیها ترتیبی و محروم داشته
حمله انگلیس قرار داده اند محرمانه میسازند

(ولیم تونلی)

ادل   ~~نمره ۳۶۰~~   مراسله وزارت امور خارجه بسفارت روس مرقومه

غره   جمادی الاول   ۱۳۳۳

در موقع ورود بقره آقاجات قبلاً بوصله ترحمات وارد رود ۳۴ حوت مطابق با ۱۳ مارس تقریباً هزار و پانصد نفر قزاق سوار با چهارصد و
توپ و صد توپ سبز کوچک از راه دیگر نیز با وارد شده و ارامنه با درجه یک غارت نموده اند مستقر و ورود آنها پس از هزار نفر
سالدات دیگر با توپخانه و مهمات وارد اردبیل شده و کوبا خیال دارند در آنجا استحکامات بنا نموده بلاوقفه کسب تقویت
در اثر نمایند و بعد از آنها با توجه خاطر محترم عالی بمواعید مکرره اولیای دولت بهیه روسیه راجع بتخلیه ایران از قشون روس در دو سال اخیر
مذکور را با ایران خود نشان نموده و خواهشمند است عطف توجهی در ورود قشون جدید را مرقوم و حرکت آنها را از آنجا منحرف
و جهت نظارت اولیای دولت بهیه تعقیب فرمایند با انتظار حصول نتیجه مطلوب احترامات فائقه را تجدید مینمایم

(معاون الدوله)

دخالت ننمود مگر برای تأمین آنکه دولت بیطرف ایران در اروپا خود است حسب الاظهار نموده است که آقای معاون وزارت دولت ایران برای استخلاص
مزبوره و بیان است حفاظت را فراهم خواسته نظر مراتب فوق و سفارت انگلیس یادداشت مورخه ۱۳ شهر جاری (ماه مارس) خود را اظهار
نموده و در خصوص مطالب مندرجه در یادداشت مزبور را تأکید مخصوص مراتب احترامات ... (کالدول)

نمره (۳۰۳) تلگراف وزارت خارجه به سفیر کبیر ایران مقیم اسلامبول
نمره ۳۶۲۵

غره جمادی الاولی ۱۳۳۳

خبر رسید چند نفر عسکر عثمانی که با اهالی در کسندی کلهر با خان کلهر ملاقات و قصد آن داشته که شاه را دارا خبر رسید خبر رسید که
از یکصد نفر سوار عثمانی دلو برای ترکیه رفته به تکیه به مرزهای ایران در چم ... هجوم کرده آبادی را آتش زده و کله کوبه چهار اسب
و چهار نفر را مجروح و مقتول نموده از ایلات سالار مسعود و قلعه ... حیوانات و اموال اهالی به یغما گرفته چند نفر مجروح و مقتول شده فعلا
اهالی مشغول دفاع هستند.
خبر اخیر رسید از عثمانی ... که عده عسکر دیگر با اهالی مرزبان که قصد رفتن دارند ولایت را به وسیله قرار شده
با جلوگیری لازم و مراقبت ... حرکات ... و آنچه در فرستادن ... حرکات را اطلاع نتیجه را اعلام فرمایند
(معاون الدوله)

نمره (۳۰۴) تلگراف وزارت خارجه به ایالت فارس
نمره ۳۶۳۵

غره جمادی الاولی ۱۳۳۳

این دو سه روزه یادداشت و سواد بعضی تلگرافات که مأمورین انگلیس به سفارت خود کرده‌اند از سفارت انگلیس به وزارت
خارجه رسیده است که اطلاع حضرت عالی از کیفیات آنها لازم است

۱. در تلگراف اول یادداشت رسمی خود ملاحظه شده میان سپاه و مأمورین حکومتی ... بر هر از درجه آنچه باشد پنج و
ارزو وسیحه ... و تلگراف انگلیسی بوده است که اهالی مختلفه هند و اهالی را آنچه ... تصریح کرده است شخصی که جنس
مأمورین و اینها در فراق یک مملکت ... نظر یک سرباز هیچ قرار حکم نموده نشود.

۲. در رقعه دوم سفارت با فارس الوزاره و در تلگراف رسیده است که دیموس ابتدا با آن را انداز رسمی و تعقیب
در خارج شهر که سابق ملکی داشته منزل کرده و بعد از ورود او در کالسکه که مخصوص برای او فرستاده بود در بازار و
مدتی حاکم رفت تلگرافی از شیراز رسیده است که خبر رسیده که کاپیتن آرتن گرن) ... در عرض راه دستجات
ایرانی را بر ضد انگلیسی دعوت و با نصر دیوان و امین الرعایا رد نامه است که در آن مقصود شرکت جوید تحقیق نموده است
چند عده تفنگچی ملتزم برای جنگ با انگلیسی نشسته باشند و علنا گفته است مأمور در «اکانر» و قنسول انگلیس «
استاس» را وادار نموده است که برادر ... نول ... رفتار کنند که برای احضار بودند ... از فارس
نقل خالی شود. تلگراف دیگر خبر رسیده که نصف ... دیموس ... بوده است که تفنگچی ... حمله نموده قنسول را دستگیر نمایند ... اوز
اکانر با مأمور مخاطره ... از آنکه حاضر خواسته است تمام تلگرافات مزبوره و ... به ... مزبور ... تفنگچی
هیچ اهمیتی در رفتار ... تحقیق است که دیموس همراه ... و ... فارس هم با آنها
متحد باشند لهذا اعتبار ... دولت ایران ... و هرگاه قطعی در این ... صادر شود ایران
مجبور خواهد شد که باز در انگلیسی داخل جنگ شود و تلگرافات دیگری است که دلالت دارد که در روز ...
اسلحه و مهمات که در ... گذشته ... رسیده ... و ... اسلحه ... ایران
وارد شده

قسمتی برای سوئدیها لشکر از جمله کرده قسمت دیگر هنوز در مجمره است سوئدیها شهر اورش داده است خرابی ایران خواهند
شد مگر خود ما آن بخواهید ما را مارچه قرار داده است خرابی ایران را تهیه کنید .

۳ – تلگراف ۱۲ مارس قونسول شیراز است که خبر رسید شهید و همین دارد کازرون شده مشغول تحریک
مردم است اگر از طرف دولت اقدام نشود اقدامات صحیح و بی فایده است بهتر حکم با ایالت فارس نمود که از همان جلوگیری
کنند و نیز به تلگرافخانه ها قدغن نمود تلگرافات جمع را قبول ننمایند تلگراف دیگر قونسول شیراز حاکی است که اهالی مقصب
کازرون در تحت ریاست شیخ عبدالله ملای را با اندرز به سیاست مجتهدین رفته و کاغذ ثانی در همدان جهاد دارانه داده برای جمع
سوار و جمعیت هم از او شهار لشکر کازرون آمده من پس ملخص نشستند ملای شیراز قصاص تلگرافات مبتنی بعضی تعیاری کازرون نموده
که ما نهایت متعجب تمیز حرف نیست دولت ایران حکم کند که تلگرافخانه اسکریه تلگرافات را قبول ننمایند و حاکم و علما دستور داده
شود که از این حرکات جلوگیری نمایند

۴ – در جمع تلگرافی از البصره خبر رسیده شد و همین علما و اهالی اصفهان را با اتحاد دعوت کرده ولی مسئله اراده
کاغذ الکتابها که به آنجا آورده هم معلوم شده است

این است خلاصه اظهارات و اطلاعات که توسط سفارت انگلیس رسیده است .

ادعاشده نیست که این سپاه شیخ محمد سوئدی رسیده شد در اینجا انگلیس ادعای را اندرز سیری برای شده اظهار بی اطلاعی نمود تا انکار بکنند لازم است
جواب این تحقیقات لازمه نموده صحت و سقم این نسبت ها را معلوم و در صورت صحت فوراً جلوگیری فرمایند تا آنها تقسیمی که راجع بخود و همین
اظهار رسد دارند آنها صحیح است با خبر بسط اطلاعات مهیجه تقصیر بالای اهم و در هر صورت باید ساعی بود که مبادا در شیراز تحریکاتی که تجربه عین
و همدان و اهالی را صد مقصد نمود و به ظهور رسید و ما هر روزه و فرزندی که در از هر از همان جلوگیری فرمایند بطوریکه لیل و نهار از دهن
قونسول انگلیس خارج و شرط و طوری نمود که توسط عثمان از جنس سپاه سوئدی طرف نبود (ممتاز الدوله)

نمره (۳۰۵) تلگراف کارگزاری انزلی به وزارت خارجه
نمره ۳۶۴

غره جمادی الاولی ۱۳۳۳

دسته قریب هفتصد نفر سالداتها و قزاق تا شتی بسرکرده به اطراف مهاباد وارد و عازم بیان و دیگر با هزار نفر هم بمس خرد روزه وارد
خواهند شد نیز اردو و اوتیه و تحقیقات صحیح مبسوطه بعرض خواهد رسانید (نظام الممالک)

نمره (۳۰۶) تلگراف کارگزاری کرمانشاهان به وزارت خارجه
نمره ۳۶۵

دوم جمادی الاولی ۱۳۳۳

سیروس ستان در کرمانشاهان قصد اقامت دارد و ممکن نیست همان او را تسلیم عراق حرکت داد بطوریکه تلگرافاً عرض نمود
تاکنون سه مرتبه از شاه و نوار استخدام کرده امروز در توضیح ملاقات که مقصدش ار اگره شده اظهار میشود بواسطه رفتاری که انگلیسها در توکیاز
و همدان با قونسول اتمام کرده اند محروم برای حفظ خودم هر قدر سوار لازم هم استخدام کنم در جواب گفته شد کارگزاری
شاهزاده قول شده بر که در اینجا جدی بخواهد نشست شما حرکتی بی غرض ما از اظهار داشت از طرف دربار اظهاری توسط وزارت امور خارجه به آنان
نفوذ قونسول دو شهر جسارت داده شده و اقامت او را گرفتار کردند ممکن نیست دیگر ما باید دعوت تا منتقل عذر نموده هر گونه قیام هم از
دادن را دوست و جمع شما اظهار در این موضوع نماید یا اثر خواهد بود از هر اگرامت او معلوم میشود قصد اقامت دارد و در خاتمه
اظهار شد است ما دستگاه از طرف دشمنان ما حرکتی حقیقت ناشی شود از طرف ما هم فرا کشیده بی خبر نیفند هیچ خطر بر خواهد رسید
(معاضد السلطنه)

نمره (۳۰۷) تلگراف وزارت خارجه به کارگزار شیراز
نمره ۳۶۶
مورخه ۳ جمادی الاولی ۱۳۳۳

با همه پس در شیراز هنوز رسماً ترجمه نشده نظامیات و اقامت آلمانی که میگویند از ادوات ناشی شده در شیراز اداره حیله میدارند
حرکات او را مراقب باشید که با عنوان تحریک مردم مقابل بر نفع نرود (معاون الدوله)

نمره (۳۰۸) تلگراف کارگزاری آذربایجان به وزارت خارجه
نمره ۳۶۷
مورخه ۳ جمادی الاولی ۱۳۳۳

هر یک شش قبل و بعد درهای آذربایجان میروند دهات صادر اردو شده و همه در نواحی خوی و سلماس و غیره صرف اکراد ایرانی شنیده شد که
در تعقیبات اکراد و عساکر عثمانی تعرض نموده اند از اردو بعضی از رعایای ایرانی را به قتل رسانیده اند در دهات خوی و سلماس هم فوراً
در اینجا دهات را آتش زده و جمع کثیری از رعایای ایرانی را کشته اند از این حرکات و صدمات مالی و جانی فقط از جهت وقوع جنگ با مانع
عطرف ایران از رعایا و جری وارد آمده و بواسطه مرحمت تحقیقات به اردو رسیده است که بعض ادوات اقوام مأمورین
محض برای حفظ جان و مال اهالی از روحیه وزارت خارجه نتیجه با ایشان که از طرف ایالت و کارگزاری کامل بر طبق مقررات اولی رجوع
تعلقات ملیه مأمورین محلیه داده بود که حتی المقدور برای حفظ جان و مال اهالی مظلومه سعی نمایند در حالی که حاکم و کارگزار شنیده در
اردو مرتب ولیکن تلگراف وارد شده و مأمورین محلیه ارزبایی در قلع اتفاقیه مطالبات عالیه ملاحظه مقدرات نموده ممنوع و
حکومت [illegible] اقدام نمود مراتب اطلاع ایالت [illegible] رسیده که در باب [illegible] مطابق مقررات
اقدامات لازمه بعمل خواهد آمد (اسد الله)

نمره (۳۰۹) تلگراف وزیر مختار ایران مقیم پطرزبورغ به وزارت خارجه
نمره ۳۶۸
۳ جمادی الاولی ۱۳۳۳

(راجع به نمره ۲۸۷) مذاکرات مفصل نموده اقدامات و جمع اقدامات با به مأمورین روس را اطلاع کردم قرار شد
مطابق معمول عموم دول از طرف هر قسم از محبوسین جنگ دول محاربه که ایران نگذرند دولت علیه جلوگیری و توقف نماید
و توقف محبوسین در یک نقطه در تحت نظارت [illegible] بهمین طور دستور [illegible] داده اند
(اسحق)

نمره (۳۱۰) تلگراف وزارت خارجه به وزیر مختار ایران مقیم پطرزبورغ
نمره ۳۶۹
مورخه ۳ جمادی الاولی ۱۳۳۳

چنانکه سابق تلگراف کردم وزیر مختار روس در [illegible] والاحضرت [illegible] اظهار کرده است در [illegible] شنیده ام
دولت ایران [illegible] دارد نقض [illegible] والاحضرت [illegible] قبول روس [illegible] نقطه نظر [illegible] ولی ایران [illegible]
[illegible] والاحضرت [illegible] که [illegible] قونسول روس [illegible] میشود چون
او هم همین عقیده است همین قدر که اظهاری از طرف والاحضرت [illegible] بشود فوراً مقصود حاصل خواهد شد
با این تفصیل [illegible] که وزیر خارجه [illegible] وزیر مختار را تردید کرده [illegible] قونسول را [illegible] موکول میکند
مخصوصاً اینکه میگویند بعد از اعاده نظم [illegible] قونسول را [illegible] ملاحظه میکنید [illegible] لازم که [illegible]
هیچ نتیجه نمیتوان گرفت خطر [illegible] با احاطه و [illegible] که [illegible] دارد [illegible] داریم برای [illegible] فقره کار دارد
شوم [illegible] خودتان از اسرار [illegible] باشید (معاون الدوله)

نمره (۳۱۱) تلگراف وزارت خارجه به وزیر مختار ایران مقیم پطروگراد

نمره ۳۷۰

۳ جمادی الاولی ۱۳۳۳

مراسلات تلگرافات تبریز و جلفا که دیروز رسیده ۲۲ حوت مطابق ۱۳ مارس [illegible] نفر سالدات و پانصد نفر سالدات با چهار عراده توپ و دو توپ [illegible] کوچک با مقداری قورخانه از بادکوبه وارد آستارا و در روز ۲۴ حوت بطرف اردبیل حرکت کرده اند بعلاوه [illegible] سیصد نفر [illegible] هزار نفر سالدات با قورخانه و مهمات وارد اردبیل شده که گویا خیال دارند در آنجا انجمن تشکیل نموده و تلگراف بی سیم نصب و دایر نمایند هیچ معلوم نیست چه مقصود و منظوری از این اقدامات دارند [illegible] لازم [illegible] فرمایند در صورتیکه در این موقع باریک برای حفظ بیطرفی دولت ایران [illegible] کامله نموده و مخصوصاً [illegible] سرحدات برای همین منظور احضار قشون و [illegible] متجاوزات [illegible] که در پیش دشت مغان در شمال و جنوب ایران [illegible] خود ساخته و [illegible] هیجان [illegible] را فراهم نموده و دائره [illegible] وسعت [illegible] هیجان [illegible] نموده و [illegible] دولت [illegible] باریک [illegible] اعتراض و مقصود را معلوم نموده نتیجه [illegible] اطلاع دهید

(معاون الدوله)

نمره (۳۱۲) تلگراف وزارت خارجه به سفیر کبیر ایران مقیم اسلامبول

نمره ۳۷۳

مورخه ۳ جمادی الاولی ۱۳۳۳

در [illegible] که [illegible] دو سه [illegible] واقع شده و چهار نفر از اطراف [illegible] رسیده [illegible] عثمانی [illegible] [illegible] حکمران [illegible] [illegible] عثمانی [illegible] (۱)

مراتب را محض اطلاع اعلام نموده اقدامات [illegible] و [illegible] را [illegible] طلب کرده نتیجه را اعلام فرمایند

(معاون الدوله)

(۱) [illegible] در نمره ۲۹۸ [illegible] تلگراف کارگزاری کرمان [illegible] ذکر شده است

نمره (۳۱۳) تلگراف وزارت خارجه به وزیر مختار ایران مقیم پطروگراد

نمره ۳۷۴

۴ جمادی الاولی ۱۳۳۳

امروز آقای رئیس الوزراء [illegible] سفارت عثمانی [illegible] برای اینکه رفع بهانه دیگران و [illegible] اهالی [illegible] اولیاء دولت در حفظ بیطرفی [illegible] لازم است قشون [illegible] اردبیل [illegible] فوراً احضار نمایند [illegible] مطلب را امروز به پطروگراد تلگراف [illegible] اهتمام کنید [illegible] قشون [illegible] احضار شود [illegible] ظاهر [illegible] وزیر امور خارجه [illegible] و [illegible] [illegible] در باب لزوم [illegible] قشون روس [illegible] که اولیاء امور ایران تمام [illegible] و [illegible] [illegible] تهییج [illegible] هیجان [illegible] تولید شود

(معاون الدوله)

نمره (۳۱۴) مراسله وزارت خارجه به سفارت کبرای عثمانی

نمره ۳۷۶

مورخه پنجم جمادی الاولی ۱۳۳۳

[illegible] دولت علیه ایران [illegible] آذربایجان [illegible]

اف — نمره ۳۷۱

مراسله وزارت امور خارجه به سفارت انگلیس مورخه

۳ جمادی الاولی ۱۳۳۳

بر طبق خبر موثقه که به وزارت امور خارجه رسیده است جناب سردار ... که در تعقیب مراسله مورخه پنجم ربیع الثانی خود خاطر محترم را مسبوقا
زحمت افزا و متذکر میشوند که توقیف اموال ... در محمره و ... در اهواز با دلایل ... سردار نموده است خاطر
آن جناب را به تکرار اعتراضات شدیده از چنین اقدامات که در خاک دولت ... ایران از ...
بی در پی ... ظهور رسید ... و ضمناً ... که ... ایران است ...
... ایران ... [illegible]
... [illegible] ... که باید در دولت ...
و ... دولت فخیمه ...
انگلستان ... که اموال توقیف شده ایشان را ... در محمره و اهواز ... ایران ...
مساعدت ... قلبیه را تجدید مینماید

(معاون الدوله)

نمره ۳۷۲

مراسله وزارت امور خارجه به سفارت انگلیس مورخه

۳ جمادی الاولی ۱۳۳۳

در جواب مراسله ... که در تاریخ ۲۵ ربیع الاول دایر به تلگراف بیسیم ... سردار ... مرقوم فرموده بودید —
با کمال احترام خاطر مودت ذخایر آن جناب جلالتمآب را متذکر میسازد که با وجود اینکه ...
دولت فخیمه انگلیس ... اولیای دولت ایران است ... تلگراف بیسیم در ایران ایجاد ...
... حقوق ...
... حضرت اقدس شاهنشاه ایران میشود از آن جناب جلالتمآب ... مساعدت ... اولیای امور انگلستان ...
... با اقدامات ... از اینگونه ... سردار را ... فرمایید

(معاون الدوله)

اف — نمره ۳۷۵

مراسله وزارت امور خارجه به سفارت انگلیس مورخه

۳ جمادی الاولی ۱۳۳۳

در تعقیب مراسله مورخه ۲۳ ربیع الثانی راجع به دستگیر ... قونسول آلمان و رئیس تجارتخانه آلمانی ...
انگلیس در بوشهر خاطر محترم آن جناب جلالتمآب را ...
... قونسول آلمان ... تجارتخانه ...
منزل خود ...
... قونسول ... تجارتخانه ...
... از طرف سفارت ...
جواب ... خاطر محترم را زحمت افزا ...
که آن جناب ... قونسول و رئیس تجارتخانه آلمان ... ایران ...
... خاطر ... احترامات فائقه را تجدید مینماید

(معاون الدوله)

اولیای دولت متبوعه مسیو سندرلسون با استحضار خاطر محترم دانشمند لیعارت سماتی رسیده و در دولت شده است و علاوه
مأمول چون شهر حمص بموقعی از طرف اولیاء دولت علیه عثمانی حضوره کرمانشاه تا و مودت و تیقن علمش شده بالطبع
انتظار میرود که نتایج مطلوبه پیاپی هم در حدود ظاهر گردد خاصه که بعضی بیک های در اواسط شهر ربیع الاول
در سمانه دادن سماکیم مرتبه تلگراف در جواب مرقومه از طرف اداره دولت علیه تنها مختار (و مقام سمانه دادن ابری)
مسلم است که درباره نظر دقیق الحیات منطبق ایران ایشان سعی نمایش داده میشود که این رفتار را اظهارات قطعیه
رسمی حیات سلطانی در ارسال مسافرات و تسمیه حالات قوا و مأمورین دولت علیه برافق و در خور این حرکت دایقف
است که مأمورین دولت علیه در حدود طبقه سرتاسر حدود را فراموش ولی زوبه یا شده لا که نیز رحلات سماکت
اولیاء و مرتضی مستیش است بیرون تمامنده مسیو سندرلسون که تا آنها را حقانی و جواب دیگر گرده و سرحدی است که
ماموریات شوره مطلوبه آنها را از این رفتار که لیکن مخالف سیاست بیطرفی است ممنوع و حیات جهت آنها را
برای فراغت از اتفاق و تکیه تنبیه در این سمت و دارات منکم الوقوع است فراهم دارالحکومه مسیو سندرلسون را قرین استحضار نمایند
در اتموج جرایانات . . . . (معاون الدوله)

نمره (۳۱۵)
نمره ۳۷۷

تلگراف وزارت خارجه بوزیر مختار ایران مقیم پطرگراد
مورخه پنجم جمادی الاولی ۱۳۳۳

مدتی است هر روز با وزیر مختار در باب جهت قبول قرض و ایران و اردو سعی بعضی مذاکره و تأکید شد که برای تسکین اذهان
و تسهیل موقع کابینه حالیه که صمیمانه در حفظ بیطرفی سعی است لازم است اقداماتی از طرف روسیه بشود که
دست و پای دولت باز و فعالتر در حفظ بیطرفی بشود و عمالتی برای جهار از قونسولخانه بسلامت حضار فوری قبول ترور
و جهت احتمال دارد که وزیر مختار انگلیس نظر تکند در مسئله از اتصال حرکت که حرکات در روسیه با مأمورین انگلیس تولید کرده
است دارد در جهار قبول قرض تسلیمات بکند ولی حرکاتی با تطبیق را درست توضیح کرده و مقدورات حالت را
در رفع این اذهان عامه تسریع نمایند که زودتر نتیجه گرفته شود (معاون الدوله)

نمره (۳۱۶)
نمره ۳۷۸

تلگراف ایالتی فارس بوزارت خارجه مورخه
سیم جمادی الاولی ۱۳۳۳

اینکه در سنه و واسموس نوشته اید به شیراز الی ارد و دعوت با قبیله مذکوره اطلاعی ندارم اما آنچه در خصوص ورود واسموس
نوشته اند پیش از آنکه واسموس وارد برازجان شد دیگر قونسولخانه انگلیس به تلگراف اداره تلگراف سرحدات
آمده بود راندار مها واسموس را در تحت حفظ جوان ترتیب تکلیف قتل ... و در کارزرون این را آورده
طبیعتاً ورود او برازجان شد بطرز تحفظ برکنار بمکنید حضور تصحیح نظمیه را فرستادم با جواب این با درسکه رابطه او بود
واسموس در جواب ملاقات کرد مسهم وقت دادم با ایل در تکلیه کرانه ترتیب آنکه در شرح مسافرت خود را انگلیس حاکی
سیکرد میخواهم بیاید اولاد انگلیسها بخواهم بگیرم این را اگر باید در طرف بیرون شود رفت پس برودم آنکه نتیجه را ناتفهمید که هم
هنوز اطلاعی ندارم ضمناً اطلاع داد که یک سفیر از انجا های اورسیده روز ورود خواهش نمود دور فراز در برازجان
راندار مها نماند محصوصاً و گفته نویدی بابو طبعی که انگلیسها ارجح ندانست شما را در شیراز بخواهم قبول کنم و بهمان منزل
بیایند در شموج ایران از آنجا منزل کرده شود رفت و در باب ورود اینکه کاملاً «اداره ایالتی فارس»

از «براد وتیس» سؤال کردم چیزی نمیدانست. ناصر دیوان قطعاً دستاویزی نیافته و اگر مرخص شده دولت انگلیس نخواهد کرد
بلکه قونسول انگلیس که یکنفر ارمنی دیگری ریچ نام دارد در کازرون از این خطها نهاست که تنها حکومت کازرون و از ابتدا از مهاجرین
و ناصر دیوان در این سال آخر بعضی از او خواسته اثر و عده ابتدا به [illegible] را او عماد برادرم معتمد الحضور متکفل و امروز هم
به «براد وتیس» تأکید کردم تو دعوی کند را ابتدا از مهاجرین ابتدا از این اظهارات بکنند و خودم هم با ناصر دیوان و حاجی حسین
دشتی و دشتستانی چند بار ملاقات کرده احتیاط کردم که در ملاقات مردم سعی کنند جویای قونسول انگلیس صحیح نزدم
دستی طهارات را کرد او را متقاعد کردم که این مطالب صحت ندارد که این حالات و این اسباب و شبهات [illegible]
حایل اینکه و ایموس خیال کرده بی قونسول انگلیس را [illegible] و اینه با قدرت بر ارادهٔ ملکی سال مردم شهر این [illegible]
که و ایموس جوف [illegible] شیراز سایر و در شهر منزل کنند ساده ادرای شکی و قونسول شیراز که خبر سپری بلا خطر تعریف کند
احتکار حقدار متوفی است در هر حال خطر اولیای دولت انگلیس که در فارس از آنکه [illegible] امکانات که احتمال
داده‌اند نخواهد شد

اما در اینکه تمام مردم را راضی درجهٔ فسرده که از قضیهٔ شیراز دیدند [illegible] هیچ شبهه نباشد اگر افکار
این مردم مملکت ملاحظه است شرط عقل اصلاح افکار است تدابیر در حق [illegible] هر دو را با قونسول انگلیس گفتم که
ابتدا احتمال حدوث حادثه در فشار نبندیم در شیراز اصلاح نشد قبولی نداده نماند زیرا که ممکن است [illegible]
فسون تازه [illegible] اسباب تحریک مردم شود که اعتبار از دست اولیای [illegible] اوراق [illegible]
دائمی خصم [illegible] در قونسولگری جمعیت [illegible] طرفی [illegible] با ایران [illegible] نخواهد بود اما در باب [illegible]
ملک در تبریز [illegible] گفته‌ام که ایرانی [illegible] مصالح ملت [illegible] انگلیس [illegible] ممنون هستم و اگر [illegible]
مجبور بشوم بر خلاف ملت خود رفتار کنم [illegible] در این صورت [illegible] ممکن است [illegible] تعلیمات در کار اقدام
کند که [illegible] از [illegible] ایران را [illegible] در نظر [illegible] انگلیس [illegible] دینار [illegible] احکام
[illegible] است [illegible] مردم [illegible] ایران را [illegible] خواهد شد [illegible] اوراق [illegible]
مطرح است اگر مردم [illegible] مملکت و [illegible] طرفی [illegible] مردم [illegible]
[illegible] که در این [illegible] کرده [illegible] انگلیس [illegible] مردم [illegible] است [illegible]
[illegible] خود [illegible] صحیح و [illegible] در این صورت [illegible] کاری [illegible] طرف [illegible]
[illegible] اما در باب [illegible] که [illegible] شیراز [illegible] است [illegible] برادرم [illegible] اولیای دولت [illegible]
[illegible]

از حالات [illegible] هم [illegible] برادرم [illegible] اولیای دولت [illegible]
[illegible] مردم [illegible] معتقد عرض [illegible] که ارائه احکام
[illegible] در کازرون [illegible] انگلیس [illegible] احکام [illegible]
که [illegible] مردم [illegible]
[illegible] اعلام مردم [illegible]
[illegible] خلاف [illegible]
است [illegible] «براد وتیس» [illegible]
خواسته بودم [illegible] حالات قونسول انگلیس را [illegible] شد [illegible] نبود که [illegible] —

در جواب قونسول آلمان که خبر داده بود واسموس را از قونسول انگلیس در شیراز دولتین خواسته است تلگراف نیابت سلطنت است لکن
سفارت طهران این را هم اخطار کرده است که اگر تکرار شود اقدام مخالف نظر [illegible] بکنید خواهند کرد

([illegible] السلطنه)

ثبت تلگرافات سفارت ایران از اول حمل تنگوزئیل ۱۲۹۴ مطابق با سلخ جمادی الاولی ۱۳۳۳
اینجا ختم و مابقی بعد از این نوشته خواهد شد

در وسط این تلگرافات و مکاتبات رسمی دولت ایران که تا اینجا نوشته شده است اوضاع اندرونه مملکت و رفتار رجال [illegible] ما
با انگلیس و روس [illegible] کارکنان حکومت‌ها [illegible] در مقابل سفارتخانه‌ها ما با هم آن رویه که پیش کاملاً مشهود
[illegible] که انگلیس و روس در تمام [illegible] ملت بدبخت ایران با چه درجه دچار ضعف و ناتوانی افتاده و سلاطین ایران با چه پایه در حرکات
غفلت [illegible] بوده‌اند که [illegible] مملکت [illegible] انگلیس و روس [illegible] مسلط شدند
تا این عمل [illegible] سلاطین قاجاریه هم در [illegible] سر تسلیم فرود آورده فقط نام حکومت و خیالی سلطنت باقی
شده اگر افراد ملت هم [illegible] حس [illegible] ظاهر [illegible] سلاطین و عمال [illegible] که از این
ملت بودند [illegible] داریم [illegible] رسیده‌اند

اخر ۳۷۹

تلگراف وزارت امور خارجه به کارگزاری آذربایجان مورخه

۵ جمادی الاول ۱۳۳۳

توسط کارگزاری کل آذربایجان [illegible] حکمرانی مبارک دامت حضرت اجل آقای سردار رشید معتمد [illegible] از سفارت فرانسه اظهار میدارد

که [illegible] اردوی روسیه [illegible] فرانسه را در اردوی روسیه [illegible] کرده [illegible] را گرفته که مشغول [illegible] صدور

امر تلگرافی مقرر فرمایند [illegible] تحقیق و در استخلاص [illegible] اهتمام [illegible] جناب اجل عالی [illegible] را اطلاع بدهند

که [illegible] از [illegible] قراه [illegible]

(معاون الدوله)

۳۸۰

تلگراف وزارت امور خارجه به کارگزاری آذربایجان مورخه

۵ جمادی الاول ۱۳۳۳

راجع به مسیوها و [illegible] که از سفارت فرانسه در خصوص حرکات کردها رسیده بود در ضمن تلگراف [illegible] حضرت اجل عالی

[illegible] در این موقع [illegible] اهتمام و تحقیق کنید اگر مسئله حقیقت دارد در باب استخلاص مسیوها

فرانسه را فراهم [illegible] اقدامات خودتان را [illegible] اطلاع دهید

(معاون الدوله)

۱۲۶۵

اخر ۳۷۹

تلگراف وزارت امور خارجه به کارگزاری آذربایجان مورخه

۵ جمادی الاول ۱۳۳۳

توسط کارگزاری کل آذربایجان بخاکپای مبارک والاحضرت اقدس ارفع والا ولیعهد روحنا فداه [illegible] وزارت [illegible] فرمان [illegible] مدار [illegible] ... اروپا [illegible] ... را در اروپا [illegible] ... را [illegible] ... [illegible] ... [illegible]

[illegible]

۱۲۶۶

اگرچه مملکت ایران در موقع اعلان جنگ بیطرفی نمود ولی از طرف [illegible] روسها و انگلیسها در شمال و جنوب ایران از طرف تبلیغات ترکها و آلمانها در ایران خاصه در [illegible] ایران [illegible] و [illegible] ایران [illegible] مختلفه ایرانیها که [illegible] آورده [illegible] سرتاسر کشور ایران [illegible]

اگر دولت ایران داخل جنگ بشود [illegible] ... [illegible] ... و انقدر [illegible] ... [illegible] مملکت [illegible] ... انقدر اموال [illegible] ... و انقدر [illegible] ... وارد [illegible]

روسها در موقعی که در ایران [illegible] ... [illegible] ... ایران [illegible] ... [illegible] ... [illegible] ... ملت ایران [illegible]

انگلیسها و روسها برای اینکه [illegible] ... ایرانیها را [illegible] ... ایرانیها [illegible] ... [illegible] ... ملت ایران [illegible] ... [illegible] ... ایران [illegible] ... ایرانیها در صدد [illegible] ... [illegible] ... ایرانیها [illegible] ... مملکت [illegible] ... ایران [illegible] ... [illegible]

قشون روس هم برای جلوگیری از قشون ترک و ملیون ایران [illegible] ... ملیون ایران [illegible] ... قشون روس [illegible] ... [illegible]

حرکت ژاندارمری و مجاهدین از طهران و حرکت مهاجرین ایران

[illegible] ژاندارمری برای اینکه [illegible] ... مملکت [illegible] ... [illegible] ... ژاندارمری [illegible] ... [illegible] ... آماده کرده (مرنیتول) [illegible] ... [illegible]

عزم حرکت سلطان احمد شاه به اصفهان

در اثر فشار مهاجمین اوروپائی ایران سلطه جوی حقوق متوقفه ممالک نو بودند هم جنبه مرعوبه کار دولت عزم نمودند تصمیم قطعی در این باب اتخاذ نمایند
در اتخاذ این تصمیم بی اندازه سست بودند.

این وضعیت که هنوز آخرین قوای نظامی متحدین و متفقین به کفایت نرسیده در تهران بودند بار دیگر از شاه خواستند که حرکت کنند ... نمایندگان دولتین
متفقه شاه و سفرای ممالک متحده ... که قشون روس ... وارد تهران شدند ... شاه ایران ... نخواهد
شد بر این حرکت شاه به سمت اصفهان ترجیح براند ... که حرکت شاه موقوف شد.

اقدامات قوای متحدین و متفقین در ایران

در این موقع قوای متحدین و متفقین همه روزه در ... های اروپا ... اثر ... به مقصد رسیدند هریک ... و وعده های ... از
... که دولت ایران ... بی طرفی ... اختیار کند ... قشون کرده قوای خارجی تمام
... را که در خاک ایران هستند خارج نماید در اثر ... در تمام ... انگلیسها در ... ها
... بودند ... که ... ایران ... بی طرفی خود را حفظ کند از طرف ... ها ... هم ... را
... قطعی ... خود را از طرف ایران ... و ... حکم ... هم در
آن ... بودند ...

اما ... ایران ... ممالک ... اروپا ... که ... طرف ... شدند
... ایران ... نمودند انگلیسها ... ایران را ... و ... را
در دست گرفته ... قشون ... وارد کردند ... را ... نمودند ... اسم
... ها از طرف شمال ایران را ... کردند ... قشون ... ایران ... و
میانه ایران ... که ... آن ... شد ... ایران ... استفاده کند
بلکه ... ایران ... ایران ... ایران ... قشون
روس و انگلیس ... شدند و اموال رعایای ایران ... رفت.

تمام خاک ایران یک پارچه ... که ... باشد
... انگلیسها در جنوب ایران ... قوائی ... از ... و انگلیس ... که ... تشکیل دادند
قشون خود را ... بنام (اس.پی.آر) دادند ... انگلیسی ... مرکز این قشون
شیراز بود و در تمام نقاط فارس ... این قشون ... انگلیسها ... این قشون محدود بود
کردند این قشون ... با کمال ... در جنوب ایران ... این قشون را تحمیل
کردند که در آتیه ... خواهیم نوشت

حرکت قشون روس از کرج بسمت رباط کریم

قشون روسی که تدریجاً از انزلی تا کرج پیشرفت در تحت ظاهر اینکه آمده بودند دفع کنند از دولت ایران مانوس شدند در نتیجه ژاندارمری
و مجاهدین و مهاجرین ایرانی بسمت رباط کریم حرکت کردند که از آنجا بقم رفته مهاجرین ایرانی را از پیش بردارند
آلمانها و ترکها هم همان حدیث تغییر کابینه و رشادت در جلسات صدر روسی را تعقیب نمودند که آنها را از تهران قشون روس جلوگیری کنند
جمع کثیرا از ایرانیان از روسها و انگلیسها نوعاً طرفدار آلمانی که آنها در نیروی روس قشون تعقیب نمودند اینک آنها عزم قم نموده از طرف
روسها حمله نمودند جنگ فیمابین آنها و روسها ادامه یافت

اولین جنگ روسها با ژاندارمری و مجاهدین در
رباط کریم

همینکه قشون روس از کرج بسمت رباط کریم حرکت کردند عده از مجاهدین که سرکرده آنها حیدرخان ... سالاری و عده ژاندارمری
از قم برای جلوگیری از روسها حرکت کرده در رباط کریم تلاقی نمودند این جنگ ترجیح شور (کمیته دفاع ملی) و دیگرکها را خارج کردند

تشکیل کمیته دفاع ملی در قم

دسته مهاجرین وارد قم شدند در دیگر اینها کمیته بنام کمیته دفاع ملی ارائه داده بان تشکیل دادند در اعضای این کمیته طرفدار آلمانها و عثمانیها بودند و در طبق
دستور آنها رفتار میکردند

اسامی اعضای کمیته دفاع ملی

آقا سید محمد رضا مساوات - سرتیپ ... - سلیمان میرزا - آقا سید حسن مدرس - ... الملک
ادیب السلطنه سمیعی - حاج سید نصرالله ... حاج سید محمد ... - قطب الملک ... - سرتیپ کاظم زاده

این کمیته و دولت‌های آلمان و عثمانی از مهاجرین بودند -
بیشتر آنکه رضا قلیخان نظام السلطنه والی سرحدات لرستان و عربستان ... کلیه ... میرزا ... که مهاجرت کرده بودند
از آنجا به سوار حرکت کرده وارد کرمانشاهان شدند ریاست قوه مجریه را در دست گرفته کمیته دفاع ملی هم در
اختیار نظام السلطنه بودند و تمام افراد را که در نقاط مختلفه بودند در اطراف خود تجمیع و مرکز دادند تشکیلات
ملی را اداره نمودند
دسته دیگر و حوادث مهمه در حدود از نظام السلطنه دعوت برای ریاست قوه مجریه نمودند در آنجا همه دولتهای ... ایشان
دعوت کردند - ... شنید که بعد آن ... فرمان
که بعد از آنکه دستجات آنجا مهاجرین از قم بسمت کرمانشاهان حرکت کردند
بعد از دولتهای آلمان و عثمانی تشکیل ... دادند بنام تشکیل حکومت موقت

تشکیل حکومت موقتی تحت ریاست نظام السلطنه
(رضاقلی خان مافی)

رضا قلی خان نظام السلطنه	رئیس حکومت و فرمانده کل قوا
آقا سید حسن مدرس	عدلیه
میرزا محمد علی خان کلوپ (فرزین)	مالیه
ادیب السلطنه سمیعی	داخله
میرزا قاسم خان صور اسرافیل	پست و تلگراف
حاج عز الممالک اردلان	خزانه داری و فوائد عامه
عباس میرزا فرمانفرمائیان سالار لشکر	رئیس ارکان حرب

این حکومت موقتی مخصوصا کابینه مهاجرین ایران و جوانان وطن‌پرست در کرمانشاهان تشکیل یافت آلمانها دیگر تا هنگام اتحاد حکومتی تشکیلات لشکری دولت را امداد کردند و مهاجرین اکثرهم با قوای آلمان و عثمانی تحت فرمان رئیس حکومت موقتی بودند

اسامی مهاجرین ایران که اکثر آنها به اسلامبول
در [illegible] رفتند

رضا قلی خان مافی نظام السلطنه	میرزا قاسم خان صور اسرافیل	آقا سید جلیل اردبیلی
آقا سید حسن مدرس	حاج عز الممالک	عبدالحسین خان وحید الملک
میرزا محمد علی خان کلوپ فرزین	آقا سید محمد رضا مساوات	حاج سید ابوالحسن پسر حاج سید محمد صراف
ادیب السلطنه سمیعی	میرزا سلیمان خان میکده	قطب الملک جلالی
عباس میرزا سالار لشکر	شاهزاده سلیمان میرزا	میرزا حسین کاظم زاده

عده از صاحب منصبان ژاندارمری که با مهاجرین رفته بودند با اسلامبول دارد با [illegible]
با درجه که آنوقت داشتند در ترتیب سرحد [illegible] در قشون عثمانی با درجه داشتند

یاور سید حسن خان	یاور محمد علی خان قاجار	نایب اول احمد خان حکیمی
سلطان عبدالله خان نوربر	سلطان ابوالحسن خان پورزند	عبدالله خان مقدم
ماژور محمد تقی خان	ماژور عزت الله خان	ماژور حاجی خان ابوالفتح زاده
ماژور حبیب الله خان شیبانی	کاظم خان سلطان	سلطان مسعود خان
سلطان حسن خان	نایب اول [illegible] خان	نایب حسن الله
سلطان اکبر میرزا	سلطان حاجی کاظم خان	سلطان سید اسدالله خان
سلطان [illegible] ابوالقاسم خان	یاور اکرم نظام	سلطان [illegible] مسیحی
نایب عباس معروف [illegible]	نایب سهراب خان	سلطان حیدر قلی خان
سلطان محمد قلی خان	سلطان مصطفی خان روحانی	نایب عبدالله خان مخلد
نایب نصرالله خان	صادق خان سلطان کرباسی	نایب قاجار — برادر فضل الله خان

۱۶۰
۲/۲

ناصرالاسلام ندامانی
حاج میرزا علی محمد دولت‌آبادی
آقا شیخ محمد حسین استرآبادی
میرزا احمد خان [illegible]
میرزا اسمعیل خان نقالی
آقا میرزا محمد صادق طباطبائی
محمد علی [illegible]
مشارالدوله حکمت
حبیب الله خان شیبانی سرلشکر
محسن نجم آبادی
سردار محیی
انتظام السلطان
نصرالله خان [illegible]
میرزا اسمعیل نوبری
عمید میرزا محسن برادر سلیمان میرزا
امام قلیخان سرتیپ قزاقخانه
حاج حسین خان شرف الملک
حاج مجتهد [illegible]
حسین عظیم زاده رشتی
آقا سید حسین اردبیلی [illegible]
میرزا رفیع خان [illegible]
عبدالله خان [illegible]

امیر حشمت نیساری
امیر ناصر خلج [illegible] حکمران کرمانشاهان
آقا میرزا [illegible] دکتر [illegible]
آقا سید عبدالرحیم خلخالی
اسمعیل امیرخیزی
آقا میرزا طاهر تنکابنی
ابوالقاسم خان بختیاری پسر ضرغام السلطنه
سردار شجاع
آقا شیخ رضا دهخوارقانی
قطب الملک
میرزا کریم خان رشتی برادر سردار محیی
یار محمد خان سردار کل
سعدالله خان درویش
آقا میرزا حسن [illegible]
محمد حسین میرزا جهانبانی
[illegible] خان سرتیپ قزاقخانه
حاج سرتیپ نظم السلطنه
عارف قزوینی
سرهنگ عبدالعلی خان اعتماد مقدم
ملک الشعراء بهار [illegible]
محمد تقی [illegible]

باباخان محیط مافی
محمد خان حسن زاده
بهاءالواعظین
لقاءالملک برادر ادیب السلطنه
میرزا آقاخان عصر جدید
حاج محمد تقی شاهرودی
شیخ محمد حسین [illegible]
کلنل محمد تقی خان
مصطفی خان [illegible]
سرتیپ [illegible] خان [illegible]
میرزا موسی مجتهدی اردبیلی
آقا شیخ حسین طهرانی
حیدر خان عمواوغلی
میرزا محمد علی خان [illegible]
میرزا باقر خان [illegible]
محمد خان [illegible] نیساری برادر امیر حشمت
میرزا سعید خان [illegible]
میرزاده عشقی
والی اسدالله خان کردستانی
پسر مرحوم ثقة الاسلام تبریزی
حسینقلی خان قراگوزلو

وقایع جنگ روسها با ایرانیهای مهاجر
در موقع جنگ بین الملل

بعد از آنکه مهاجرین که بهمراهی آلمانها قصد داشتند در شهر وارد شهر قم شدند خبر روسها با قوای ملکی دولتی با سپاهی از رقیب مهاجرین در ابتدای ایران
از قزوین حرکت کرده بکرج آمدند قصد داشتند که مرکز را اشغال کنند و دسته سلطان جهانشاه تصمیم شد از طرف اصفهان بر ضد [illegible] انگلیسها
و روسها و دیگر از این تصمیم علیحده برای سیاست همه آنها ضرر داشت دارد و لیکن نیروی ژاندارم دادند که قبول ژاندارمی نمایند اگر تجاوز کند نتیجه
از طرف حرکت نکند ـ

خبر مهاجرین ایرانی بوسطه تعدادی و ستادها تعداد جنگ [illegible] دارند که با روسها متوازی بود از حیث ملک و ملکی ایران منظور شدند انگلیسها
اسم رئیس [illegible] کرده تمرین [illegible] شده که بیکی روز دیگر بود دسته که در جنگ ایران فشار بر قصر شیرین بود که از [illegible] دو کلمه
در روزهای مهاجرین با هم شفق از همدان شد و از طرف بیست قم حرکت کرد در نیمه ارزن در همدان با جنگ کرده از روسها در ساوه [illegible]
خلج که دارای طایفه دلیر بود با نیرو از قبل کاشی با عده اش مأمور ساوه نمودند

هر دسته از روسها که نزدیک ساوه میشدند با ایرانیها مشغول جنگ میشوند

یک عده از ژاندارمری دیده که این جنگ در راه سه نهالود با شیخ خان سپاه کوه
رباط کریم مأمور میکند نیز از روسها با تاجر عده روسها زیاد بود در از قم کمک میخواهند صالح شریح نیز ازین حیث با سردار محی از شهر
و واعظ خان نجاری تیر کشید با عده خود ثابت ماندند رباط کریم میشود بعد آنکه تیر شدند روسها متفقد که عده رباط کریم کادت
ساده [illegible] کرده جنگ شروع میشود در حدود دسته نفر از ژاندارم دعای [illegible] شده از محاصره خارج
کند بسمت قم عقب نشینی میکند ـ

[illegible] را بسکر قرار داده که تصمیم اتش خود را تغییر کرده بر روسها حمله کنند ـ

مجدداً طرف عصر روسها منظره حمله کردند که در منظریه از ژاندارمری بود یا در الوجهیان که جای آن در ترتیب
هشت صد و بیست نفر پیاده نظام ژاندارم دسته نفر سوار نظام داشت با چهار توپ شصت نیر هنگام شب فرو خانه حمله کردند
چهار سپاهی اسم سپاه ضابطه داشتند. سلطان عبدالرسول خان، نائب محمد خان، نائب عبدالله خان برادر [illegible] که سرپرستی بودند و قاسم خان یاور اینها [illegible] العظمی [illegible] خان قدم همراه بودند
حمله در منظریه از دفعه دارای هم تکلم بود سردار محی و واعظ خان با عده خود ثابت رفتند تعسکر از موقع منظریه طرف قم ایرا
از قم از دفعه فرستاده بودند که اسماً نامی است که پس از آن نمایند صبح بر روسها حمله کنند ـ

بقیه روسها هم لیکن بود که عده منظریه را که همراه بیست محاصره نمایند اینها فرار ساده بلافاصله عده سردار محی و واعظ خان نجاری از روسها
دفع کرده اند ایرانیها خود را بسمت جاده طرف رفته بار مهاجر در باره ساوه گشتند مشغول جنگ شدند ـ

روسها که قوی وضعیت را دیدند بسمت منظریه برگشتند که ایشان را محاصره نمایند ساعت جنگ سخت شروع میشود نظر باینکه قوای روسها خیلی
زیاد بود عده ژاندارمری جنگ کنان منظریه را تخلیه کرده بسمت قم عقب نشینی میکند مقابل روسها در این جنگ در حدود چهل و چند نفر
بود از عده ژاندارمری فقط یک [illegible] تلف شدند تمام اسلحه و مهمات خود را اصلاح کرده همراه بردند ـ

مهاجرین ساعت ۵ هم روز فوق از قم انجمن کرده بسمت کاشان و اصفهان حرکت کرده بودند لیکن عده هم که وارد قم شدند بسمت کاشان
حرکت کردند

ماژور پوسه و ماژور حوبره و ماژور الکس هم که تنها در طرف شهر نظم بوده در راه قوای ژاندارمری بودند
ماژور حوبره و ماژور الکس با عده خود بکاشان و محمد خان حسن زاده هم با عده خود نیز با یک عده از ژاندارمها بسمت اصفهان حرکت
کردند

ماژور پوسه با یک عده بسمت کاشان رفته بودند از جمله کاپیتان جعفر از دسته دیگر [illegible] تیپ [illegible] و گلشن [illegible] دارای الوجه خان
و صالح السلطان از کاشان بسمت گلپایگان و خمین حرکت میکنند و از آنجا وارد عراق شدند راه از آنها عراق هم با آنها ملحق کردیده
لکفید [illegible] شدند ـ

لاکبور آلمانی مجتهد عراقی اسم با ارتش مهاجرین همراه شده بعد از جهاد و سید و مهاجرین عراقی هم در مهاجرت تا شیراز رفته ملحق شد لیکن بعد از آنجا
فوری سکته کرد

بحکم لاکبور آلمانی مجتهد عراقی شروع بجمع آوری اعانه برای مخارج ارتش مهاجرین نمودند در حدود دو صد هزار تومان نقدی جمع آوری نمودند
حاجی سید اصغر ... [illegible] ... عراقی ... مهاجرین
و مدافعین در طی سرداران

بعد روسها به «تویزرجلو» که قریه ایست از حدود عراق رسیده ... عراق ... بعقب نشینی داده شود عراق را تخلیه کرده بسمت ... حرکت میکنند ... سرحد ... سپردند .
مهاجرین ضعیفان هم وارد بروجرد شده ... قرار رسید شد .
در این وقت (رضاقلی خان مافی نظام السلطنه) والی بروجرد و لرستان بودند با مهاجرین همراهی ... کرکردند ...
... بروجرد ... و در این ... بعمل آمد .
... را مامور کرده ... بروجرد ... نقاط ... بودند
... پانصد نفر عده ... حرکت کرده ... راه ... بودند با ... عده ... از خط ...
... وارد ... نبودند ... وارد ... .
جنگ های سختی در ... در حدود یکماه ادامه داشت .
چون کوه های ... سخت نبود با اینکه عده قوای ایرانی کم و ... زیاد بودند ... نمودند ... مهاجرین هم
... را تخلیه نموده بسمت صحنه حرکت میکنند
صاحب منصبان ژاندارمری ... که در بروجرد بودند :
سلطان ... کلنل محمد تقی خان ... محمد تقی خان ... هر یک با عده که داشتند ... مهاجرین
از بروجرد حرکت کرده بسمت ... که از ... ملحق کردند .
عده ها در ... صحنه ... قوای صحنه ... ملحق ... قید

جنگ های بید سرخ

در بید سرخ که در بین صحنه واقع شده جنگ های سختی بین روسها ... قوای ... صد نفر ... از اطراف ... قوای ایرانی ... بودند

«کلنل بوپ»

« [illegible] » آلمانی از طرف آلمانها از طرف عثمانیها مجرع یک سرتیپ با ۲۷۰ نفر سرباز عثمانی از طرف ... ملوک
لاهوتی خان - ابوالفتح خان - مجید خان - عبدالله خان مقدم - محمود خان پولادین - شیخ ... -
دکتر مجید خان - ... خان - صاحب منصبان ژاندارمری بودند .
عده قوای ایرانیها در صحنه در حدود چهار هزار نفر بود قوای روسها در حدود هفت هزار نفر بودند ... یکماه ... جنگ ادامه داشت
روسها حمله ... ایرانیها ... نمودند ... روسها ... کرده ... عثمانی ... قطط چهار ...
مانده بودند که ... میکنند .
بعد قوای صحنه ... بعقب نشینی ... از بید سرخ ... جنگ ... صحنه ... رفته ... بروجرد ...
... نموده ... و از ... ایرانیان ... دست ...
... نمایند

جنگ های کوه های سرخه دیزه

سرخه دیزه ... (در قرار ... قلعه ... بوده) ... قشون ...
سرخان ... ایرانی ... هزار نفر ... ایرانی ملحق ... در حدود
دو ماه این جنگ ادامه داشت .

کاردار نظام‌السلطنه ملکی بزرگ

سواد خطی است که وکلای مهاجر باقای نظام‌السلطنه رضاقلیخان مافی نوشته‌اند

دهم شهر ربیع الثانی ۱۳۳۴

خدمت ذی‌رفعت حضرت مستطاب اجل اکرم افخم آقای نظام‌السلطنه دام اجلاله العالی

نظر باهمیت موقع حاضر مملکت و لزوم اتحاد و یگانگی قوه و عدم انتشار امروزه در حفظ استقلال و اجتماع و اداره کردن امور مملکتی و جلوگیری از حملات دشمنان خارجی در تخلیص تخت مقدس سلطنت ملوکانه اعلیحضرت شهنشاه متبوع معظم سلطان احمد شاه قاجار خلدالله ملکه و سلطانه از تهدید و محاصره قبول احکامی و عقد مقاولات و شعائر اساسی و نظامی هیئت نمایندگان تشکیل هیئتی را بنام قوه مجریه لازم شمرده و با کمال اطمینان بحسن اعتبار و ظنی که بحضرت مستطاب عالی دارند تشکیل یا مواظبت ریاست را بحضرت عالی واگذار که این هیئت را در تحت ریاست خود تشکیل و بوظایف مقرره که مأموریت مطابق پروگرام مسلکه نظریات هیئت نمایندگان تهیه خواهد شد قیام فرمایند (از طرف کلیه هیئت وکلای مهاجر رئیس هیئت سید حسن [illegible])

سواد مراسله کمیته دفاع ملی باقای نظام‌السلطنه

۱۵ شهر ربیع الثانی ۱۳۳۴

خدمت ذی‌شوکت حضرت مستطاب اجل اکرم افخم آقای نظام‌السلطنه دام شوکته

آرزوی کمیته مدتها این بود که زمام اقتدارات و اختیار امور مملکتی در دست اشخاصی باشد که بصفت کفایت و وطن‌پرستی و مملکت‌داری متصف باشند و حقوق مقدسه این آب و خاک را حفظ و سعادت ملت ایران را همیشه و آسایش نمایند و بهمین جهت بود که بعد از ورود خود به کرمانشاهان این نظر خود را تعقیب نموده و اینک که ریاست قوه مجریه در سایه توجهات ملوکانه اعلیحضرت همایونی شاهنشاه متبوع معظم سلطان احمد شاه قاجار خلدالله ملکه و سلطانه از طرف هیئت محترم نمایندگان بحضرت مستطاب عالی تفویض شده است کمیته دفاع ملی از این موفقیت در نظریات خود خوشوقت گردیده و حضرت عالی را باین مقام جلیل تبریک میگوید

(از طرف کمیته دفاع ملی — مساوات)

اقدامات نظام السلطنه برای حفظ استقلال و تمامیت
مملکت ایران

بطوریکه قبلاً ذکر شده
وقتیکه نمایندگان ملت ایران و سیاسیون مملکت که مهاجرت نموده بودند ریاست قوه مجریه کشور را بکابینه نظام السلطنه
تفویض و تجهیزات نظامیه منتظم بود از قراری که قبلاً ذکر شده.
با نظام السلطنه عهدنامه ای با نماینده مختار و نظامی دولت آلمان «کنت کانیتز» منعقد نمودند و آن عهدنامه
بزبان فرانسه نوشته گردید که عین آن ذیلاً نوشته شد و ترجمه هم تقریبی ذکر گردیده

اصل متن فرانسه عهدنامه

ترجمه تاریخی عهدنامه منعقده بین نظام السلطنه [illegible]
حرکت آستال

سواد عهدنامه ایست که نظام السلطنه با ترکها و دولت
عثمانی بسته اند

عکس نظام السلطنه در حالیکه شمشیر حضرتی را در کمر دارد

تاریخ ارسال شمشیر از طرف علمای نجف و عتبات عالیات برای نظام السلطنه از جانب حضرت … اطلاعات هم و شرح آن

رسیدن اردوی باراتف بطهران

سردار اسعد از کاشان را نظام السلطنه بسمت اردو پیش کرده و خود نیز با یک عده ده هزار نفری از راه … و آباده نظام و لرستان نظام و پیشها بسمت عراق کشیدند که در بین قم حرکت کرده خود تا نزدیکی طهران رسیدند

روسها موفق شدند که این عده نیز بسمت عراق حرکت کرده بیایند عده زیادی … ایشان … خواستند در عراق … ایشان و روسها جنگ شروع نمودند در حدود … اسباب جنگ … جمعی و … ایرانیها که در عراق بودند … حرکت بسمت … تقریباً … بود که … ایرانیها … که در … بودند روسها را … را آنها … بسمت طهران حرکت کنند

تصرف بغداد بدست قوای انگلیسها

در همین موقع انگلیسها بغداد را تصرف کردند از طرف بعقوبه و قصر شیرین آمدند که ایرانیها را محاصره … حکومت موقت … کلیه قوای عثمانی … نمودند و از خط … عثمانیها در … مشغول جنگ … ایرانیها باسلامبول رفتند

توقف مهاجرین ایرانی در اسلامبول

مهاجرین ایرانی تقریباً دو سال و نیم توقف شان در اسلامبول بطول انجامید در این مدت عثمانیها تمام مهاجرین را ماهیانه حقوق معین که نظام السلطنه … کرده بود … ماهیانه در حدود ۱۳ هزار لیره … لیره … ایران … بودند که … [illegible]

۱۲۷۸

تاریخ درهو قنون عثمانی تغیر دیگرستان

خیانت سلیمان خان برادرزاده داود خان کلهر

سلیمان خان با روسها سازش کرده تمام سعی میکرد روسها تمام راه را که عثمانیها از کلهر را داده روسها را از جنگ کلهر بر حذر داشته وارد قصر شیرین بشوند
عثمانیها از هر قسمت زیادتر فوق العاده تمرکز نموده حمله برای آنها را از مصره روسها فارغ نمایند از هر از تمام حرکت کرده بی تعقیب وارد روسها
وارد قصر شیرین بشوند

عثمانیها در قصر شیرین خواسته بودند که از ورود روسها جلوگیری کنند سلطان حسین الدوله خان سنجابی عده از اندازه را جمع آوری کرده از ورود روسها جلوگیری نماید
در همین موقع سپاه عثمانی با بیست هزار نفر عده از تعداد کثیری تفنگ تمک برسانند جنگ سختی در نقش قصر شروع شده تعداد قوای روسها در
این وقت قریب چهار هزار نفر بود عده از آنها با اندازه فوق العاده هزار نفر با مجاهدین در حدود هزار نفر بیشتر بودند .

البته هر یک از اینها خودشان رفته بودند سلطان حسین الدوله خان با عده از اندازه بیشتر قراول عثمانی با هم از عقب حمله کردند
اینها از جلو سوارهای سنجابی از عقب بر روسها حمله نمایند با اتفاق در حدود دویست هزار نفر روسها تلفات داده عقب نشینی کرده
عقب نشینی کرده

این فتحات (که مختصر فتح قابلی است) وطن پرستان هم در حدود با اتفاق رسیده بود که هر گز نشان نبود بر روسها حمله کرده
در حدود دوازده هزار نفر از روسها را تعقیب میکنند .

سوارهای سنجابی با سلطان حسین الدوله خان سنجابی و از اندازه از طرف کلهر سمت کرند و اسلام آباد دست گیر شده جلو روسها را در کرمانشاهان
میگیرند قریب دوازده هزار نفر با آنها تعاقب وارد شهر کرمانشاهان را تصرف میکنند .

سلطان حسین الدوله خان سنجابی به نظام السلطنه تلگرافاً تصرف کرمانشاهان را اطلاع میدهد که با تمام عده مهاجرین و ~~از~~ حرکت کرده
وارد کرمانشاهان بشوند .

قوای اندازه با قوای عثمانی با روسها را تعقیب نموده همدان برسانند که گیر هم از روسها تلفات میدهند از هر از
و عثمانیها تا نزدیکی همدان رسیده تمام شهر را از روسها وجود روسها پاک میکنند .

موارد آن کرمانشاهان طبق معاهده رسیده نظام السلطنه با السلطنه در تعداد کثیره بودند در کرمانشاهان العقیده سمی دادند

سواد معاهده نظام السلطنه با دولت آلمان قبلاً نوشته شده است

بیان نامه

قوماندان کل قوای عثمانی و اسلامی در ایران

موقعی که اردوی عثمانی برای جنگ با روسها وارد خاک ایران (عتبات) شد [illegible] «اسمعیل حقی» که فرمانده کل قوا بود
بیان نامه ذیل را انتشار داد عین آن را برای ضبط در تاریخ ذکر میکنم

ایرانیان محترم! بر حسب اطلاعاتی که از محال مختلفه بر احوال شما حاصل کرده‌ام بر منشف [illegible] که شما را از دستان
[illegible] این [illegible] اشغال کرده [illegible] که البته [illegible] پیش [illegible] استقلال مملکت شما وارد آورده‌اند
[illegible] ایران را در پارچه [illegible] [illegible] بر باد داده [illegible] مملکت ایران در تحت اشغال [illegible] [illegible]
[illegible] در تحت [illegible] بر حسب وظیفه خود [illegible] شما را آگاه میکردم. انگلیس - فرانسه - روس - ژاپون - بلژیک
صرب - قره طاغ [illegible] دفعتاً واقعه [illegible] آلمان و اطریش [illegible] محاربه کرده‌اند و از قطعات
دنیا لشکر جمع آوری [illegible] بسیار [illegible] فاتح [illegible] و اطریش [illegible] ماهر
با دولت بزرگ اسلامی یعنی دولت علیه عثمانیه چون [illegible] اسلامیت [illegible] بر حسب وظیفه خود که حفظ حیثیت
اسلام است داخل در میدان کارزار شده [illegible] دشمنان [illegible] جلادت [illegible] کنند
از روس و انگلیس [illegible] اسلام [illegible] تضییقات [illegible] و محو کردن حوزه [illegible] دارد [illegible]
[illegible] اسلامی با دشمنان عالم اسلام بالطبع [illegible] است.
عجیب بر [illegible] ایتالیا نیز [illegible] بول [illegible] خود را [illegible] خود [illegible] همراه شد و [illegible] خود [illegible] کنند ولی
[illegible] در [illegible] شد محاربه ابتدا [illegible] [illegible] تمام [illegible] واضح شد.
ایرانیان [illegible] دول [illegible] آلمان و اطریش عثمانی [illegible] [illegible] را [illegible] [illegible] است
[illegible] در تمام دول [illegible] [illegible] خود را [illegible] دولت [illegible]
[illegible] جنگ خواهند در حالیکه در تمام دنیا کسی [illegible] کرده [illegible] [illegible]
آن [illegible] [illegible] داده [illegible] دل [illegible] با ما [illegible] خواهند
حق را با ما دیده [illegible] در [illegible] عدل و انصاف [illegible] است.
[illegible] خود را [illegible] . . . [illegible] خواهند [illegible] - (۱)

وقایع جهان بر انداز جنگ بین الملل (۱)

نظر باینکه دفعه جنگ بین الملل از وقایع مهم عالم است و در این دفعه مملکت ایران دچار خسارات فوق العاده [illegible]
با اعلام بیطرفی گردید که شرح آن را با [illegible] عمده برای [illegible] [illegible] تاریخ
این جلد (انقلاب ایران) است خلاصه [illegible] جنگ بین الملل را شرح میدهیم تا مطالعه کنندگان این تاریخ از [illegible] آن
[illegible] حاصل نمایند
[illegible] [illegible] [illegible] ایران [illegible]
ترجمه [illegible] مهدی [illegible] (سعد الملک) [illegible]
شروع جنگ بین الملل در ماه ژوئیه ۱۹۱۴ جنگ بین الملل مطابق ۱۳۳۲ هجری ۱۲۹۳ شمسی بوده
[illegible] آلمان [illegible] رسیده بود که [illegible] دنیا [illegible] امپراطوری [illegible] که از طرف [illegible]
فرانسه [illegible] [illegible] [illegible] ! و از طرف [illegible]
روسیه را [illegible] [illegible] [illegible] امپراطوری [illegible] [illegible] دنیا را
تحت سیطره خود در آورد!

با آنکه دشمنان همه قسم تشبثات کردند [illegible] و ضربت دفعه طاق [illegible] انگلیس رسید و لطمه [illegible] هم [illegible] ایشان را امداد کنند جز
خسارت حاصل نشد [illegible] میکردند به جهت ضبط اسلامبول که مقر سلطنت اسلامیه است [illegible] جبهه های [illegible] قلعه آورده و یک
هزیمت کامله و چهار پنجصد هزار تلفات داده بقیه السیف در حال رجعت قرار کردند و بس از یأس از اینکه [illegible] با دشمنان باک
چه زحمت ها کشیدند که بغداد را تصرف کنند و به چه جهات قشون مظفر ما چگونه طرد شدند و در کوت العماره آخراً تمام ژنرالها و صاحب
منصب ها و عساکر و مهمات ایشان از توپ و تفنگ ..... در چهارده هم شمار تصرف عساکر منصوره اسلامیه افتاده (۱۳۰۰۰)
سیزده هزار اسیر دادند و بعد از این همه [illegible] روسیان که به همراهی و مساعدت ایشان تا نقص قصر شیرین خود را رسانیده بودند یک
حمله دلیرانه [illegible] از [illegible] تا [illegible] و ارکان [illegible] و [illegible] دیدید که رشته انتظامشان را از هم دریدیم و عنقریب از این
صفحه [illegible] را طرد کرده [illegible] از [illegible] هم [illegible] در [illegible] و نابود [illegible] در نتیجه فرقه قشون
مظفر [illegible] سرگرم [illegible] قلعه و عراق و ایران نمودند روسها در [illegible] فراری [illegible] و در [illegible]
از [illegible] مطرود و مخذول شدند -

اما شاخص حکومات مرکزیه جنگ از دیار [illegible] [illegible] همراهی [illegible] خود در [illegible] عساکر منصوره
اسلامی را [illegible] کرده روسیان را از [illegible] می [illegible] -

[illegible] قشون که دشمنان از هر طرف [illegible] داده [illegible] جبهه [illegible] شده [illegible] حکومات مرکزیه [illegible]
[illegible] و [illegible] را که [illegible] قسم اعظم ایران است [illegible] کرفته [illegible] زیاده از [illegible] عساکر روس تلف شده
[illegible] [illegible] داده [illegible] مجروح در اطراف افتاده است [illegible] در ماه ایلول که مطابق با شهر ذیقعده است
[illegible] روس [illegible] محو و نابود شدند و حرکت [illegible] [illegible] از صفحه دول [illegible] گردیده قسم اعظم متملکات
فرانسه [illegible] آلمان آمده [illegible] است که [illegible] دفرانسه که [illegible] [illegible] زیاده از [illegible] هزار
تلفات در [illegible] چهار ماه آخر [illegible] رسیده [illegible] در [illegible] [illegible] هزار تلفات [illegible]
[illegible] از [illegible] که از [illegible] خود را [illegible] و در وسط مملکت روس و فرانسه [illegible]
[illegible] هزار تلفات که روس و انگلیس و فرانسه [illegible] [illegible] ([illegible])
[illegible] هزار تلفات [illegible] [illegible]
چهار انگلیس [illegible] آلمان [illegible] شد که [illegible] از [illegible] نجات دهد -

جنگ بین الملل

[illegible] ایرلش در ([illegible]) [illegible] برای [illegible] آلمان [illegible]
و جنگ [illegible] شروع کردید که خلاصه وقایع مهمه آن ذکر میشود

اوت ۱۹۱۴

فرانسه [illegible] از [illegible] آلمان [illegible] انگلیس [illegible] [illegible] حمله [illegible] آلمان
[illegible] (لورن) [illegible] و قشون فرانسه عقب نشینند.
[illegible] از [illegible] آلمان [illegible] [illegible] [illegible] که [illegible]
[illegible] [illegible] از [illegible] آلمان [illegible].
قشون فرانسه [illegible] ژنرال [illegible] شروع [illegible] [illegible] حمله [illegible]
شدند ولی در [illegible] رودخانه (مارن) [illegible] از ژنرال [illegible] شکست خورده عقب نشستند
و فرانسه [illegible] از خطر رست.
در [illegible] آلمان [illegible] شمال فرانسه کردید.

و یک جهاز جنگی انگلیسی که بر دسته سرعت از جمله جهاز جنگی آلمان غرق شد بلکه به زودتر جهازهای جنگی دستیاری انگلیسی شد غرق است
و (کرک جای جهاز اصل از آن کلمه میگیرد) تحت البحری های آلمان زودتر است که جهازهای جنگی انگلیسی را مشاهده غرق میکنند زپلین ها
و بالون های آلمانی به زود ... شب مانند خفاش بمبیر در بالای کارخانه‌های انگلیس ... میکند خاصه شبها از ترس خرابی فرار دارند -
با دشمنان ظالم ما همکاران کرده تا از احاطه شدند که از گرسنگی تمکین نکنند از خاک آلمان با تعداد جهاز ... است که ما هم
در حال ارتباط هستند و محصولات آن کفایت احتیاجات شان را میکند و تحت البحری های آلمان از زیر دریا تا امریکا میروند
دلیرانه ... ما دشمنان ظالم ما به تسویلات خود روسها را تحریک با داد هستند دیگر ماه است در راه عثمانی و آلمان و
متفق جنگ میکنند چه گردند (قلعه های سنگ کاله) محکم خود را از دست داده از سی هزار سرباز و یکصد و پنجاه هزار
و صد توپ از آن دست با فشار روسها که بهر ای تنها جنگ کرده و از آنجا فرار کرده و خود ... رسیدن به آن و غرق شدند
یک از دو روسها ... طرف اعزام ... سی هزار تلف داده فرار کردند و با دیگر روسها تا تحت خود را ترک
کرده بجای دیگر فرار نمود دار و دیگر استعداد خود ... مأیوس شده فعلاً ... دل خویش میکنند -
(چون بدهی حقیقت ره ...) حال با ایرانیان محترم ... که روسها چگونه میخواهند ایران قدیم را ببرند و
برده عظمت ایرانیان را ... نمونه خود ... و کم ... از قصر ... متعرض ... را
خراب کرده‌اند ... را سوار نموده اند در زمینها که تحت ... است ... مال ... و حرم
هر چه بدست آورده‌اند برده اند بلکه دست تطاول ... عصمت ... رسانده اند -
با روس و انگلیس مقصودی جز تخریب ایران ندارند حرب عمومی را مغتنم شمرده عساکر خود را با ایران ... کرده
مقصود را که تخریب ایران است در تحت عنوان جنگ با ... از دست ... میخواهند از ... که در تحت فرمان
اسلامی است ... آزادی ... ایران را از ... تحصیل کردند -
اکنون که ... ایرانیان ... بایستی مردم عوام ساده لوح را ... هند
... بطبع غلط ... مردم عوام ... اهم فریب ... از ... خواهند
... اسلامی که در تحت ... آلمان است ... تخلیص ایران از تطاول و تعدی دشمنان مقصودی ... ندارند
فقط میخواهند ایرانیان را در تحت سلطنت مستقله اعلیحضرت سلطان احمد شاه قاجار خلد الله ملکه حفظ ... در دست
کند و خانواده سلطنت را معظم و محترم دارند -

جنگ بین الملل

در ... دولت انگلیس ... ژنرال «فش» و ... «فرنچ» ... موفق ... فتح
آن جبهه ... در خط فش ... یکدیگر را ... جنگ ... نمودند،

جبهه شرق ۱۹۱۴ - ۱۹۱۵

اتریش بقصور آنکه دولت صربستان ضعیف و در مقابل یک جیش امپراطوری معظم ناتوان است و یک حمله ... را
(بلگراد) را ... از رود ... ها (سارو و درینا) عبور کرده لیکن در (شاباتز) از ضربهای سخت
خوردند ... اکثرت عده قشون صرب را مجبور به عقب نشینی کرد -

جبهه روس ۱۹۱۴ - ۱۹۱۵

در ... ابتدای جنگ روسها ... پروس شرقی را اشغال نمودند ... (تاننبرگ) شکست ... خورده بازگشتند
و در عوض در جنوب با اتریش ... داده ... اتریش ... شدند و آلمان ... خود ...
ژنرال (دنکل) و (ژنرال هیندنبورگ) ... و ... روسها را ... کرده ... شهر ... نمودند

ولی مملکت را الحمدالله ایرانیان باید از دوباره استقلال حکومتشان را استوار کنند با لطف الهی مملکت اسلامی از لوث وجود روس [illegible]
وظیفه ملیه ما است ایرانیان سلوک ما را با خودشان در این مقدار که از تحت سلطه روس خارج کرده ایم بدیده [illegible] روسیان
و روس [illegible] بین عوام ساده جهرا انتشار داده اند که این اردوی اسلامی خیال القاء انقلابات بزرگی در سر ایران «[illegible]»
کرده .

انتها نظام السلطنه را مقام ریاست جمهوری داده اند و متحد شده بعد از ورود تهران مقام مقدس سلطنت را متزلزل کنند و ...
آری [illegible] که به نشر این سخنان مضحک حمقانه می پردازند [illegible] که این ریاست [illegible] عموم را از ما متنفر دارند چه که عموم ایرانیان فهمیده اند
ما هیچ مقصودی جز تخلیص ایران [illegible] لوث وجود روس و انگلیس نداریم [illegible] خود ایرانیان
که با این مقصود [illegible] وارد [illegible] در روس [illegible] مطیع شده [illegible] عشایر [illegible] همراهی می کنند
و با روسیان اعدا جنگ می نمایند و با ما کمک کرده با دشمنان ما و خودشان جنگ می نمایند [illegible] از وجود روسیان
تطهیر کرده ایم نظام السلطنه [illegible] اعلیحضرت همایون سلطان احمد شاه [illegible] سلطنت [illegible] کرده [illegible]
[illegible] بعون الله تعالی بطهران رسیدیم [illegible] از وجود [illegible] تطهیر کرده ایم [illegible] جواهر [illegible] بیرق [illegible] کرده
در [illegible] مبارک [illegible] اردوی مظفر اسلامی [illegible] شده [illegible] رسانیده ایم از آن به بعد [illegible] فرمانهای لشکر [illegible]
با ذات مقدس همایونی [illegible] شده و آقای نظام السلطنه بالطبع در تحت فرمانهای اعلیحضرت شهریاری خواهیم بود [illegible] این اردوی
مظفر اسلامی که در تحت فرمانهای [illegible] خلیفه مقدس را تعقیب [illegible] کرد [illegible] ظفر [illegible] تمام [illegible] خواهد گشت .
حقیقتاً [illegible] جهاد اکبر را اعلان داده و عموم مسلمانان بجهاد دعوت فرموده و عموم علمای اسلام و مجتهدین کرام کثرالله
امثالهم با احکام مکرره [illegible] اسلامیان را عموماً بجهاد فی سبیل الله ترغیب و تحریص نموده اند .
[illegible] عموم مردم [illegible] دعوت را [illegible] حتی المقدور [illegible] اردوی مظفر اسلامی [illegible] همراهی کنند
عساکر منصوره ما که در این راه [illegible] خود [illegible] فوق [illegible] می کنند [illegible] اهالی [illegible]
[illegible] دشمنان را [illegible] موقع [illegible] .
این اردوی مظفر اسلامی که از [illegible] عظمی [illegible] هزاران فرسنگ راه [illegible] و خود [illegible] رسیده شما هم
باید [illegible] سال الی [illegible] سال [illegible] .
ای مسلمانان ایران ! [illegible] ممکن است باید [illegible] .

جنگ بین الملل

[illegible] ۱۹۱۵

[illegible] جنگ شد [illegible]
[illegible] .

ایتالیا بر ضد اتریش ۱۹۱۵

با آنکه ایتالیا بیطرفی خود را اعلان کرده بود معهذا در ۲۳ مه ۱۹۱۵ اعلان جنگ به اطریش داده [illegible]
[illegible] آلمان و اطریش را [illegible] روس [illegible]
[illegible] .

در سنه ۱۹۱۶

[illegible]
[illegible]
[illegible] .

سیم تلغراف و تلگرافخانه‌ها را ببرید پست تفنگ و توپ و فشنگ با تراکتور غنیمت ببرید وار فرار یابید و مستوری با ایشان کمک نمایند راه‌های
عقب سر ایشان را خراب کنند و بسیار عبور ایشان را در آن تابید و راه ارزاق و ذخیره را به ایشان سد کنید و هر گونه زحمت ایشان را دچار نمایید
(جاهد الکفار والمنافقین واغلظ علیهم)
که انتها از شرائط جهاد است و هر یک از اعمال مذکوره جهاد و اعمال عبادت و درجه مجاهدین نهایت غیر رتبت و حضور وقت و جوار ایمان
بعضی از آن سکه بصورت ستمکاران که ترس از دشمن دیگر تسلط ایشان تطمیع پول دشمن اعانات که در بازه اراضی اسلامی سعید هستند
و مروج افکار ایشان شوند لیکن خائن را از ایشان بر دارید و مار هر سبیلی تسلیم کنید تا خود دفع و اهدام نماید که در حقیقت خائن است که با خود ایشان
جنگ کرده لیکن ارباب اراضی اسلامی نموده جلی شده که همه اسلامی تفکر دهید و لیکن عقبات را تعقیب کنید و مثل اسلام دار ایران را معاونت کنید
که لیکن صلح جهاد و وحدت بین ملت در لیکن اقدامات کبیر را انتها عقبات و خطای به خواهر بود که سخن سخن و لعدیر خواهد شد در هر شهر و قصبه
و دهکده که مسلمانان کامل عقل هستند بدون لیکن ایمان به جهاد اگر اشتراک کنند و مسیر سورت دیگر با رسی لیکن دهند که شرکت نامه
از بیشتر قرار عملیات هستند خائن و من دولت ستمگر فوراً دستگیر کرده با روح اسلامی که در دست ایشان است بسیار برد اگر از دست اسلامی
هنوز اسمش نرسیده خود شان مجازات سخت دهند.
اقدامات خیر بر که جمعیت اسلامی دعوت و طریق بینی و در طریق سیر انتها را با هر صادق قسمت ملاحظه کنید که نتیجه عموم مسلمانان ایران برسد
بزرگی است در لیکن موقعه اهالی آذربایجان که از تعدی و فشار ایشان بجان آمده بودند و ظلم دشمنان را تکبر کرده بخشش بدید بدید
فداکاری و تحقیق در سر مسیر و حفظ حوزه ملیت به سرعت گرفته به جهاد تعدی و دفاع خیر قیام کرده در میدان جهاد جنگ داده
دار هر طرف تقواریان حمله برده با اینکه همین سرعت زیاده از شب بر از لوا انتها معقول کرده و تهاجم دفاع را ادامه داده
مشغول جنگ هستند دار عموم اهالی ایران انتظار همراهی و مساعدت دهید تا در سلطنت مطلوب.
صدای بلند و با ضرب آن را بلند و آنان را جلب کنند و به برادران ترکی خود یاری نموده وطن خود را از شر دشمن که دار ایران قصد جنگ
نزدیک است با بر دفع را از دست دید سیدار که در سایر مسلمانان ایران غیر دفاع کاری کنند ایران را از شر دشمن خلاص و
دشمن را از مملکت خود خارج خواهید کرد و استقلال مملکت خود را ثابت و محفوظ خواهید نمود.
در هر شهر و قصبه و دهکده مسلمانان شما اینجا زیاد می‌بینم همه مسلح بر دارید و آن مرد دلیر جوان هر کس مالی دارد و نقد دهد
مصارف نتیجه به کار در سایر بگذارد و نتایج اینجه بدبان را تحمل نمود دار دشمن هر کوچکی کنند و دشمن را از خود دور نماید
و دست تعدی دشمن را از خود کوتاه کنند و اگر قدرت اینجا جنگ نیست با یکدیگر همراهی و کمک کنند و دشمن را تضعیف نموده ایشان بر دارید

جنگ بین الملل

در همان هنگام که قشون آلمان در دوره سر ارکان ... طرفین هم حمله‌ها که تا به سختی با نابود آورده بهار عقب راند ... هجوم قشون روس
سخت ... ژنرال (...) مانع از پیشرفت ایشان گردیده و ناچار و ... کشیدند.

در چهارم ژوئن ۱۹۱۶

روسها با تعرض سخت خود را به طرفین آمده و بهار را مجبور با استعداد زیاد آلمان نمودند با اقبال سردار روس ... پیشرفت خود ادامه داد

روز سوم اوت ۱۹۱۶

دولت رومانی رجحان جوانه نقض کرده وارد میدان جنگ شد.
امپراتور ... از طرفین لکر و مخصوصاً ... روسها استفاده نموده شروع به تعرض شدید با طرفین کرد.
فرانسه و انگلیس هم برای نجات و روس و کاهش از حدت حملات آلمان شروع به حمله نموده لیکن نفراتیش از طرف جلو
نمرده و نتوانستند جبهه آلمان را بشکافند.
بعد از جنگ دو صد بیشتر قشون ... فرانسه دفعه ضرب شهر ... را مرکز خود قرار داده و هر چند قشون فراوان سخت شدند ولی
محاصره نتوانستند نمود.

جوانان غیور که بصحنه فداکاری و مساعدت حاضر میشوند از بین خود یک سرکرده انتخاب کرده در تحت فرمان او هر مساعدت را ادا کنند
و در محاربه با تیغ بان دشمنان و جبر ایشان اقدامات کامله نمایند .
و در ایران بجز اینکه جوانان پیشانی غیور و دلیران کارزار بخون خود جامه رنگین باشیم اگر بهتر است جمع شوند و از هر طرف جلوی دشمن را سد کنند و کار را
بر دشمن تنگ نمایند بجز اینکه میتوانند دشمن را از همه جا طرد و تبعید کنند چه که دشمن هم از همه جا بتوسط [?] نیز دستور [?] پوشیده چون از همه جا
کار را بجائی رسانیدند که مرعوب نیز بیشتر کردیم (واعدوا لهم ما استطعتم من قوة ومن رباط الخيل)
نمایند بلکه با قوت قلب و اطمینان دل باید کوشش کنند (قاتلوهم يعذبهم الله بايديكم) و باید عموم بدانند که هرکس هرچه از اسلحه
و سایر مهمات از دشمن بگیرد غنیمت است و برادر دینی دیگری را بر دین حق ثابت و مومن حکومت نیز منصوص الیه بابقیه را در همه جا از شهرها
و دهات و قصبات باید بمردم تفهمانند و همه را به جهاد تشویق و دفاع از دین دلالت کنند و عموم اهالی عقیده بزرگی آماده سازند تا دین
اسلام و مملکت ایران و مال و عرض و عصمت و ناموس مسلمانان از تعدی دشمنان و ظلم کافران راحت شود .
خداوند عز و جل همه را توفیق بخشد همراهی فرماید و دین شریف و قوم را غوث و نصرت مرحمت نماید آمین یا رب العالمین بحرمة
سید المرسلین

برای تشخیص ایران (فرماندهان کل قوای عثمانی و اسلامی " سعد پاشا ")

جنگ بین الملل

رومانی ارتش کرده روسها حمله به اطریش نموده و آنها را عقب راندند ولی آلمانها بکمک متحد خود شتافته مارشال ماکنزن - و ژنرال (فالکن هاین) قشون رومانی را شکست فاحش داده بوکارست پایتخت آن مملکت را متصرف کردند و روسها نیز قسمتی از متصرفات خود را تخلیه و عقب نشستند .

قشون فرانسه و انگلیس که مقصد ترکیه به تنبیه جزیره گالی پولی (داردانل) پیاده شده بودند شکست خورده و مجبور بعودت گردیدند و مخرج دریای سیاه نیز دارای [?] بروی روسها مسدود گردید و در عوض حمله ترکها به مصر و ترعه سوئز عقیم ماند از طرفی هم (گراند دوک نیکلا) در نواحی قفقاز ارزنه الروم و تمام ایران را متصرف و پس از آن هواخواهان آلمان را در ایران خفه نمود انگلیسها نیز به خلیج فارس تعداد خود را رسانیدند و بواسطه رسیدن مدد بموقع به کوت العماره ترکها عقب و تسلیم شدند

شریف مکه اعلان استقلال عربستان را داد و از طرف انگلیس و فرانسه بعنوان سلطان حجاز شناخته شد

در دریا ۱۹۱۴ - ۱۹۱۶

نظر باینکه قوای دریائی آلمان قادر بجنگ رو برو با بحریه معظم انگلیس نبود ناچار در دریا به ماندن خود ساکت مانده و فقط بوسیله زیر دریائی
بر ضد [?] جهت تفحص را فراهم می ساخت .

بقیه گزارش جنگ بین الملل

در ماه دسامبر ۱۹۱۶ آلمان بعلت صلح توسط دولت رئیس جمهوری امریکا پیشنهاد نمود زیرا حس کرده بود که از بس
از جنگ خسته شده و دشمن قوه اقتصادیش تحلیل رفته است ولیکن متفقین پیشنهادش را نپذیرفتند .

سنه ۱۹۱۷

آغاز این سال متضمن دو واقعه مهم بود اول ورود امریکا در جنگ بیش عملیات زیر دریائی های آلمان دوم خروج روسیه از صف
متفقین و صلح انفرادی او با آلمان بسبب انقلاب آن مملکت در دوره کارزار آن فراطوری .
انگلیس و فرانسه شروع به تعرض نموده نقاطی از اراضی متصرفی آلمان را مسترد داشتند ولی آلمانها خط سرحدی محکم متفقین عقب
نشسته مواضع خود را مستحکم نمودند .
ایتالیا در پیشرفت به اطریش سخت فعالیتی کرد .
یونان سالونیک هم سهم خود را خالی نموده و پادشاه یونان که زنش خواهر قیصر آلمان بود معزول و بجایش پسرش الکساندر
سیاست متفقین و ونیزلوس که از طرفداران جدی متفقین بود زمام ریاست وزرائی را در آورد و یونان هم در ردیف متفقین درآمد .
در بین النهرین و فلسطین هم متفقین فاتح و بغداد آلمان که محرک است در خلیج فارس حرکت کاری بتفتیش وارد ساز داد از پیش رفت .

انقلاب روسیه

اگرچه امپراطور روس صادقانه طرفدار متفقین بود لکن پیروی بود ساده لوح و تسلیمات ملکه زنش هم در اندازه فاسد بود جمع زیادی
از اطرافیان امپراطور هواخواه آلمان و در باطن صلح انفرادی را با آلمان منعقد نمودند و بیش مشکل ونفوذ غائب شده بود که ارتشها در جنگ
در مقابل فاتح نموده و بتعرض هم بسر بر نکردند و پیشرفت و بیش از آنچه جلو رفته بودند عقب می آمدند .
پس از تبعید امپراطور حکومتی از نجباء متشکل گردید که با ایجاد تجمعات کارگران و سربازان حکومت برقرار شود
و چون نظم تفهیم از همه از هم پاشید حتی دست برادری به سربازان آلمان دادند .
اگرچه بعد از ژنرال (بروسیلف) و (ژنرال کرنسکی) تعرض کردند ولی از آنجاکه سربازان روس فاسد شده
و مالک جنس لشکری از ادامه جنگ امکان پذیر نبود و در زمان فرقه دیگر حکومت روس خود بخود متلاشی گردید حکومت بلشویک
اعلان و صلح غیر از آمدن (برست لیتوفسک) را با آلمان منعقد نمود .
همچنین آلمان از جبهه شرق فراغت یافته متوجه ایتالیا گردید و شکست فاحشی باو داد در این موقع ترس انگلیس و فرانسه قشون
خود را کمک کرده و ژنرال (فوش) را برگزیدند و بعدها ایتالیا ثابت نمودند دولت اطریش را متوقف ساختند .
در نهم دسامبر ۱۹۱۷ دولت رومانی که امیدش از روسیه بقدری منقطع شده بود ناچار تسلیم آلمان گردید و بشرایط
طاقت فرسائی متعهد نمود .
در چهارم آوریل ۱۹۱۷ دولت آمریکا وارد میدان شده و مقداری که بواسطه خروج روسیه از دست رفته بطور کامل
برقرار کرده و بیاری روسیه قیام بلکه عالم را بلندی با امتیاز تخته یاری متفقین شتافت .

سنه ۱۹۱۸

در سپتمبر ۱۹۱۸

نقشهٔ آلمان که تازه افتاده در شکست مفتضحانهٔ آنان که در سنه صلابت هجوم شروع کرد تا بر قشون انگلیس و فرانسه و سپاهیان آمریکائی‌ها هم فتح را
در عوض کرده در این ماه عموم کلمانسو و لوید جرج تحسین و تبریک فرانسه و انگلیس بر آمریکا و ایتالیا دستور دادند نهادند در یک جبهه چهار صد
کیلومتری تمام قشون متحدین سرباز بفرستادن یکدیگر به نبرد روز بروز همچنین عرصه بر متفقین تنگ شد که لوید جرج رئیس جمهوری آمریکا ملاقات
کرد (واقعاً ما جنگ را برای آنها خوب نیستند) جواب گفت (شما هم کشتن نیستید) خلاصه بیشتر سپاهیان قشون آمریکا وارد
شدند.

قشون سالونیک هم بلغارها را از دو جا حمله کرد دفعتاً شکست دادند پادشاه بلغارستان پس از فتوحات زیاد که در صلح منعقد و سپاهیان متفقین وارد
ممالک گردیدند

متعاقب بلغارستان ترکیه و اطریش نیز تسلیم گردیده خواهان صلح شدند.

تسلیم شدن آلمان

آلمان که خود را یکه و تنها یافت ناچار تقاضای صلح نمود در روز یازدهم نوامبر ۱۹۱۸ امپراطور آلمان خود را نزد هلند (فرار)
فرمانده کل قوای متفقین گشت و شرایط متارکه را برای آلمان اعلام تمام کشتی‌ها و جنگی و هواپیماها تحویل دهند بعد از شرایط ما متحده
متفقین صلح در ورسای روز ۲۸ ژوئن ۱۹۱۹ با حضور نمایندگان بیست و هفت دولت منعقد گردید.

بعد از شکست و انهدام قشون دولت روسی
بدست قوای دولت آلمان

پس از آنکه قشون روسی بدست قوای دولت آلمان [?] شدند روسها حاضر شدند که با دولت آلمان و متحدینش قرارداد صلحی ببندند قشون آلمان سرعتاً [?] که جنگ نمودند دولت آلمان متعهداً خود را برای صلح با دولت روسی وادار [?] نمود بعداً دولت روسی حاضر شد این مذاکرات را قبول کند مجدداً قشون آلمان شروع بحمله و پیشرفت نمودند دولت روسی خود را مغلوب [?] کرد
این عهدنامه در (برستیتوس) منعقد گردید.

قبل از آنکه این عهدنامه بسته شود نظام‌السلطنه خبر [illegible] مذکور را شنیده بودند و در این موقع لازم بود که دولت آلمان تعهد خود را وفا نماید در حفظ استقلال و تمامیت مملکت ایران در این عهدنامه تأکید شود و تمام ایران منظور گردد بعد [?] سه نفر از آنان مذکور را از اسلامبول به برلین برای یادآوری بدولت آلمان فرستادند.

در تمام جنگ حاجی [?] نواب وزیر مختار ایران در برلین بود
و [illegible] هم بخصوص [?] حکومت موقتی (نظام‌السلطنه) مأمور برلین بودند
این سه نفر [?] از وزارت خارجه آلمان [?] شده و تذکر دادند بموجب عهدنامه منعقده در این موقع
لازم است منافع ایران منظور گردد دولت آلمان هم قبول کرده در عهدنامه که از طرف آلمان اطریش
عثمانی و بلغار — و از یکطرف روسیه بود آن عهدنامه منعقد گردید
دو ماده آن عهدنامه که بنفع دولت ایران نوشته شد

ماده هفتم مسائل عمومی [?] دولت فوق الذکر

نظر باینکه ایران و افغانستان دول آزاد و مستقل هستند طرفین متعاهدین متعهد میشوند که استقلال سیاسی و اقتصادی و همچنین تمامیت ملکی آن دول را محترم بشمارند

ماده هشتم [?] عثمانی و دولت روسیه که در (برستتوس)
منعقد و بسته شده

(ماده هشتم) در تکمیل اصولیکه در ماده هفتم مسائل عمومی اعلام گردید طرفین متعاقدین اعلام مینمایند که هر نوع مقررات بین‌الملل سابق را که برای انحصار مناطق نفوذ و یا منافع اختصاصی در ایران ترتیب شده باطل و کان لم یکن بشمارند و هر دو دولت قشون خود را از خاک ایران خارج مینمایند بمحض حصول این مقصود با دولت ایران داخل مذاکره خواهند شد برای تعیین جزئیات اخراج قشون و با این اقدامات [?] استقلال سیاسی و اقتصادی و تمامیت ملکی این مملکت از جانب دول ثالث هم محترم شمرده گردد.

مرام و خط مشی جمعیت ایرانیان استقلال طلب وارد با نقضات
دنباله چهار ماده اساسی مورخه ۲۰ رجب ۱۳۳۶

جمعی از ایرانیان مجتمع و در سبیل اصلاحات و ترقی اوضاع مملکت سیاسی و ملی را اهم و الزم دانسته و در انجام و پیشرفت آن متفقند اتفاق نظر حاصل نموده خود را در رفع موانع و اکمال مقتضیات پیشرفت آن متعهد ساختند

مرام و چهار ماده تصمیم است

(۱) سعی و کوشش در ازدیاد و اقتدار دولت و ترقیات در دوام آن ... دولت با دولت انگلیس معظمه متفق مساعی ... در رعایت مساعی ... انگلیس معظم متفق از وجوه ... مملکتی ... داخله قرار نمودن اساس ... و در سیاست خارجی ... مملکتی ... بر قرار نمایند

(۲) عمده ... دولت باید صرف ... نظامی و تنظیم قوای نظامیه ... بوده مملکتی را طبق ... جدید ... تشکیلات ... ممالک خارجه ... استخدام ... و طریقه ... مستخدمین خارجه ... موافق منافع مملکت ... اقدامات ... مملکتی ... فنون ... تشکیلات اقدام ...

(۳) دولت ایران ... را ... حقوق ... خارجه ... منافع حقه ... عدالت و ... ایران ... اصول ... نمود ... ابطال کلیه ... قرارداد ... امتیازات ... موافق ... استقلال سیاسی و اقتصادی ... ایران است خواهند نمود

(۴) دولت ایران ... خود را ... داده ... حفظ ... سرمایه و صنایع خارجه را ... اصول آزادی تجارت ... جلب نموده ... موافق منافع سیاسی و اقتصادی مملکت ... اقدامات ... داخله و خارجه ... خواهد داد.

در ... تاریخ ... رجب ۱۳۳۶

امضا کنندگان

سید حسن کزازی — محمدعلی کلوپ فروش — حسن تقی‌زاده — محمدعلی تربیت
ناصرالاسلام گیلانی — محمدعلی ... سالار معظم — سید محمدرضا مساوات — عبدالحسین وحید الملک
سید ابوالحسن طهرانی نوری — احمد عمارلوئی — قاسم تبریزی صور

ابلاغیه از طرف سفارت کبری عثمانی

ترجمه خبری است که از طرف آژانس ملی عثمانی بسفارت کبری تبلیغ کرده است
نماینده محترم هیئت مهاجرین ایران (مقصود رضاقلیخان نظام السلطنه است) که فعلاً از شرف ملاقات
مبارکه با رئیس وزرای عثمانی باسلامبول آمده بود پس از استحضار از قرارداد دولت عثمانی راجع بحفظ استقلال
تام و تمامیت مملکت ایران و مجلس برای عرض تشکر از الطاف ملوکانه که در روز افتتاح مجلس مبعوثان درباره ایران فرمایشات
فرموده بودند اعلیحضرت سلطان و هم مجلس اعیان تشریف برده و در دیوان مجلس مبعوثان اظهار تشکر نموده‌اند و نیز نماینده هیئت محترم
مهاجرین بحضور مبارک پادشاهی تشرف جسته و از اینکه درباره دولتین مساعده مبارکه جنگ دولت عثمانی نیات
و آمال قلبیه خود را نسبت بایران قبلاً بموقع اجرا رسیده است عرض تشکرات و امتنان نموده‌اند و در
جواب اظهار تشکر نماینده هیئت مهاجرین خلیفه بزرگ دلیل دارای امور خارجه چنین بیان نموده است که خواهش
استقلال و تمامیت ایرانی که با ما برادر و همسایه است در نظر ما مطلوب است که عین شرایط اساسی ما است یک مسئله طبیعی
و منافع اساسیه از آنجا ثابت آن محسوب میگردد و ما برای حفظ استقلال خود داخل در جنگ شده‌ایم بعد از این بعد از تحقق
آرزوی دیرینه دولت دوست ما نسبت بایران است که هرگاه از این جنگ مظفر و منصور بیرون آئیم استقلال تام ایران خارج از توقع ما و لازم
برای خودمان هم استقلال را استقلال تام میدانیم و حضرت صدراعظم طلعت پاشا نیز پس از صحبت ذکر فرموده‌اند که
فرموده‌اند که سعادت و مصونیت ایران برای ما انقطاع یک طبقه بزرگ است چنانکه یک طبقه مصونه محسوب میگردد و حضرت
انور پاشا نیز فرموده‌اند که دولت عثمانی برای خیر و سلامت ایران از هیچ چیز دریغ نخواهد کرد -

از جریده وطن مورخه ۱۰ جمادی الاولی نمره ۷۶ ۱۳۳۶

تاریخچه جنگ بین‌الملل و اثرات شوم آن در مملکت ایران
در قحطی و بیماری و طاعون که اتفاق افتاده ... در طهران
طبع دفتر ... سال‌های جنگ
در محرم ۱۳۳۳ جنگ بین‌الملل بود — جاتان روز دنیا

جنگ بین‌الملل در اول اوت ۱۹۱۴ شروع و در ۱۹۱۸ ختم شد سه سال و نیم تقریباً این جنگ طول کشید

اعلان بی‌طرفی دولت ایران بوسیله فرمان همایونی
سلطان احمد شاه قاجار

در تاریخ ۲۲ ذیحجه ۱۳۳۳ فرمان همایونی در بی‌طرفی دولت ایران صادر و بعموم مأمورین سیاسی خارجه تلگرافاً این اعلان مخابره شد
کننده شدن ... دولت انگلیس در مشهد

... در مشهد ... روسها که در خراسان ... ۱۹۱۴
... دولت ایران ... شد

مقدمه

مملکت ایران در دوره سلطنت فتحعلی شاه جنگ با دولت روس ... طاقت فرسائی خورده و هفده شهر بزرگ ... خود را که در قفقاز و حدود شمال ایران ... داد بهر ... بر آنها ... خود ... دولت روس ... که بعد
... از آن روسها در ... با ... محمد ... مشغول جنگ ... از طرفی ... روس و انگلیس ...
(ناپلئون) در ... خاصه ... شروع شده ... ایران ... سیاست ... انگلیس و ... سلاطین
ایران در ... بسیاری ... استفاده ... کرده خود ... کشور خود را از ... منظم ... تا ...
تمام ... سلطنت خود ... با ... قرار داده ... در مملکت ... با عصر ... شروع شد
ایران ... فتحعلی شاه ... سیاست کردند ... دولت ... روس ... خود ... بهار
شوم خود را ... کشور ایران ... مملکت ... سال ... آزادی ... انگلیس ... کشید
... سیاسی ... ایران سلطنت خود ... را در ...
و ... دولت ... روس و انگلیس ... سلطنت ... روس ... که ... او ...
و ... دولت روس ... منظور ... راه ... ایران را ...
طرف حصول این مقصود ... ایران را ... دولت روس
نفس ... ایران ... انگلیس ... روس ...
روس را ... (هندوستان) ... روس ... ایران
تا ... سلاطین ایران ... حاکم و محکوم ... بود.

عصر ... ناصرالدین شاه ... سیاست ... انگلیس ... ایرانیها ... در
... خود ... حدود خود با
ایران ... ناصرالدین شاه را در سنه ۱۸۸۹ ...
... بانک ... (بانک ...
... گرفتند (بانک شاهی ایران انگلیس را ...)

در سال بعد انحصار خرید و فروش تنباکو را برای یک شرکت انگلیسی به ازاء (۵۰،۰۰۰ و) لیره بمدت پنجاه سال گرفتند که هر سالی پانزده هزار
لیره با ربع منافع به دولت ایران بدهند نفوذ انگلیس بواسطه این شرکت و داشتن بانک شاهنشاهی در ایران قوی شد.
ولی هیجان افکار عمومی بر علیه شرکت تنباکو که شعبه شرکت (رژی) بود کار را بجائی رسانید که در دربار تقاضای لغو میکردند حکم تکفیر در سال
حاج میرزا حسن مجتهد شیرازی اجماع کرده و در این باب یک حکم سلطنتی بعنوان اینکه ناصرالدین شاه موضوع رژی را تنظیم کند صادر شد و فسخ داده
ارکان ملیون کاملاً کاسه صبرشان لبریز شد و مردم هجوم بسوی دربار بردند که عزل خود را توسط کامران میرزا نایب السلطنه پسر شاه
کامران میرزا وحشت کرده خود را در این کار نامحفوظ دید و اول عبارات درباری استعمال کرد،
این کار در ۱۸۹۲ با الغاء امتیاز ... داده بود و از اقساط ملت شد در ۱۸۹۲ ولی عده زیادی که تعداد آنها بالغ
شد کشته شدند جمعیت فراوان ... العمارت تخت ... در بازار شدند ... آنها بعدها باز
که کسی ملتفت نبود لیکن ابتدای نهضت ناصرالدین شاه در دربار رها نکردند،
با وجود حکم تحریم استعمال تنباکو دولتین شرکت تنباکو را که مشاء مصالح روسی محسوب میشد از ایران بیرون نمود شرکت عیب بزرگی برای سیاست
انگلیسی وارد ساخت و نفوذ روسی را تقویت نمود و صدارت امین السلطان مشغول نفوذ دولت خود را تقویت کردند،
شرکت تنباکو لغو شد ولی چون شرکت از حق خود صرف نظر نمود دولت ایران مجبور شد که نیم ملیون لیره خسارت
شرکت را ادا نموده و از بابت شرکت رضایت خاطر حاصل نماید در خزانه پول نبود از این رو دولت ایران قرضه از اروپا ناچار
دراز نمود ولی خود بانک راه دیگری نداشت که در تقویت نفوذ کمک نماید.
دولت روسی مایل بود که دسته قرضه ای و لیکن دولت ایران قرضه را نقد و صدی شش از بانک شاهنشاهی که مؤسس آن
انگلیسی بود تحصیل نمود در سنه (۱۹۰۰) دولت روسی موفق شد که مبلغ ۲۲ ملیون منات تضمینات کلیه گمرکات
ایران بجز گمرکات سواحل خلیج فارس بمظفرالدین شاه قرض بدهد شرط قرض این بود که تنزیل صدی پنج داده شود و
این بود که با مرور ۷۵ سال بابت صدی پنج از عایدات گمرکات مستهلک شده و دولت ایران از این پول قرض
خود را که از حقوق شرکت (رژی) بابت بانک شاهنشاهی قرض نموده است بپردازد مقصود روسها این بود که ظاهراً نفوذ ایران
مانند دست انگلیسی دخیل باشد معذالک باقی این قرض در سفر شاه بفرنگستان خرج شد و ... دربار خرج شد
و در سال دوم ۱۹۰۲ دولت ایران تحمل قرضه ای از دو ملیون منات تنزیل صدی چهار از دولت روسی قرض نموده در مقابل امتیاز
راه آهن از جلفا به تبریز و قزوین به روس داده شد شاه پولها را برداشته سفر دوم به فرنگستان نمود.
و در اول سنه ۱۹۰۳ از طرف دولت انگلیسی یک کمیسیون توسط هیئت سیاسی (دکورات دادن) برای مظفرالدین شاه فرستاده
شد و در اول سپتامبر در نتیجه توقف طولانی دولت ایران معاهده یک اتحاد تجارتی منعقد کردند ولی نفوذ انگلیس در کسب نفوذ بازار
موفقیتهائی که روس توسعه دربار ایران شاه کسب نموده بود در سند ... ضعف مزاج شاه ... درباریان روس پرست
افزوده و چون سلطنت محمدعلی میرزا ولیعهد که در دربار کاملاً با آداب و عادات روس پرورش یافته بود تا آن زمان نیز انگلیسها را
در آینده نزدیک به وحشت می افکند.
در سنه ۱۹۰۴ - ۱۹۰۵ جنگ ژاپن و روس شروع شد حیران اشتغال انگلیسی را به اشتغال فراهم نمود
روسها را کاملاً مجبور و مشغول نمود انگلیسها در ایران کاری که کرد ... امین السلطان را چیده و ... مقصود کاملاً موفق
شده بر اثر کشمکش ... خود را از ایران کنده و با فراغت بال مشغول جبران مافات شدند.
در ۱۹۰۷ چند ماه بعد از اعلان مشروطیت دولت روس معاهده معروف ۱۹۰۷ انگلیس و روس قرارداد
دو منطقه روس و انگلیس و یک منطقه بیطرف عراق در زیر

مواد معاهده

۱- حفظ استقلال و تمامیت ملکیه ایران

۲- ضمانت شخص شاه ایران و نفوذ او

۳- اصفهان و کرمانشاه و بعضی قسمت‌های ایران در تحت نفوذ روس

۴- نفوذ انگلیس منحصر در قسمت جنوب شرقی ایران (از بندرعباس تا کرمان و از آنجا تا بیرجند و سرحد افغانستان، ما بقی از ترشیز بوشهر تا حد اصفهان و کویر جندق تا سرحد هرات منطقه بیطرف،

در محرم ۱۳۳۳ قمری سال اول شروع جنگ بین الملل بین آلمان و روسیه که نظر به معاهده فوق ذکر شد برای بیداری ایرانیان است که نسل آینده از ضعف گذشته مملکت خود آگاه گردند که در آن سی سال چگونه با نفوذ روس و انگلیس حرص توسعه همجوار در نتیجه بیچارگی از اراده منقطع بعد از شروع جنگ ایرانیان که از اول با طرف بیطرفی را در جمیع امور نگه داشتند انگلیس و روس دیده بود برای جلوگیری از جنگ به بهانه اتحاد حس انتقام که ... از نفوذ انگلیس و روس به طرفداری آلمان و ترکیه عثمانی شدند،

موضوع مهاجرت ایرانیها مهاجرت که شرح آن جداگانه نوشته می‌شود در محرم ۱۳۳۴ مهاجرت شروع شد مخصوصاً جنگ بین روس و عثمانی شهر ... ثم بعد الطرف جنگ جهاد و استفاده از شروع جنگ نموده صد دهسالی که در این چند سال از طرف روسها و انگلیس ملت ایران وارد آمده خشم فرا گرفته بود پس از ... قوم روس در ایران در نظر ... با سلوک انگلیس در این موقع از دولتین احساسات عمومی شده و انگلیس را مخصوصاً پس از وقوع جنگ با اتفاق دولت روس با اهالی نظر نفرت نگریسته و دلها منتفر شو از جمعی در میان طبقات مختلفه ... بیدار بود قهراً و طبعاً یک انجذاب به طرف دول آلمان و ترکیه دولت اسلامی ترک ایجاد شده و دو دول (مانند ... ملک دولت) و امید انتقام کشیدن از ظلم دو دولت عزم ... به تصور اینکه دولت ایران می‌تواند از این جنگ عمومی استفاده نموده خود را از زیر بار ... حق ... نجات بخشد ... عمومی ... برگشته ... طرفدار ... شدند،

بنابر این جنگ از سرحدات ایران ... بودند ... [illegible] ... عالم اسلام ... الگلدت شدند ... ایران ... ملیون ... ایران ... عمومی را بوسیله ... و سطوعات ... و اطفال ... فقط و فقط خروج قشون روس از آذربایجان مخصوصاً و سایر نقاط ایران عمرا ... عدم دخالت انگلیسها در جنوب و ... سیاسیان خود را از آن نقطه بود،

کابینه مستوفی الممالک در آن اوان با تمام ... مشغول حل این قضیه بود و بر سر ... وزیر مختار روس و ... با اتفاق سفیر انگلیس با روسها و از طرف عثمانیها ... داده شد ولی ... اینجانب از ... دولت روس از مراسله که وزیر مختار اظهار تاریخ ... محرم امسال ... نوشته مسموم نموده)

سواد مراسله وزیر مختار روس

بوزارت امور خارجه

اولیای دولت امپراطوری روس حفظ بیطرفی (دوستانه) دولت ایران را نسبت به دولت روس در این جنگ عثمانی و روس منظور داشته و در سایه همین حسن خواهی دولت ایران نسبت به دولت امپراطوری تعهدات نظامی خود را تحدید نموده که اولیای دولت امپراطوری ابداً اراده ... ارکان ... استقلال ایران را ... نخواهد داشت اطمینان میدهیم که ... بعد از این در جنگ ... دولت روس که از ... (با ...) در ایران ... (صلح طلب) آرزو ... (صلح طلب) ...

حینیکه نامه روس رسید (محل توجه خواهد بود) البته دولت امپراطوری تصدیق خواهد کرد که (قسمت قشون خود را از آذربایجان
بعد از اتمام جنگ دیوتر از نظم داخلی آن جا بردیه بیرون خواهد برد) و امیدوار است که دولت علیه ایران بوعده خود وفا نماید
(کراستووتس)

از مضمون این مراسله تظاهرات بوج سری قائل ملیای روس را در باب ایران بخوبی میتوان فهمید روسها صریح میگفتند ما باید بیطرفی بنماید
دوستانه خود با ما را اعلان نماید و با جنگ هیچ چیز حتی وجه ما نیستی نامبرده ما را در رفتار خود بنظر ترکیه اثر ... بکند
و دیگر آن که با ما در خانه دیگرها و دیوان قضاوت شما قشون آورده و به ما به مسلمان نه حکم کنیم و جسارات وارده بر اهالی صحیح طلبی را که
نقیض هم بکنید نسبت به بیطرفی خود روسها هم محل توجه قرار خواهیم داد
لازم به توضیح است که از طرف سفارت روس بوزارت امور خارجه فرستاده شد نمره ۳۲ مورخه ۱۴ ماه محرم درج شده بود
در جواب آن سفیر روس نوشته بود که نظر باظهارات سامی و اینکه دولت روسیه دولت ایران ظاهراً وعده داده است که بیطرفی
دوستانه خود را نسبت بروسیه حفظ نماید لذا بیطرفی از طرف وزارت خارجه تلگراف ... و نیز در جواب درخواست عوض کردن بعضی فقرات
مراسله سفیر روس نمود چنانچه از آن فقرات نسبت به سفیر شد عبارات (بیطرفی دوستانه) و (نظم داخلی) را عوض نموده
و فقرات اتقاضای وعده را نیز حذف نمودند ولی در قبال تعهد ملکه در باب خسارات وارده بر اهالی در قفقازیه عبارت
(محل توجه خواهد بود) چونکه در نفسه تعهد نمیکنند چیزی برای جرح تعهدی نکرده‌اند.
وصل این فقره باید گفت که نیز تطبیع داده و نگاه داشتند که وزیر مختار روس ظاهراً در جواب مراسلات تقاضی خود با اکثر رئیس الوزرا را
که مشعر (بیطرفی دوستانه) را احتیاط نموده و در جراید اعلان کرده است در صورتیکه رئیس الوزرا در جواب نامبات
سفیر روس بسهو وعده بیطرفی دوستانه داده ملکه لازم بود که خروج قشون را یادآوری نموده بود
روسها هیچ نبودند ملکه صریح میگفتند که دولت ایران باید بیطرف باشد ... رفتار کند سرحدات ما هم قوه جمع کرده و ما باید
بیاید و خطوط ایران آذربایجان ... کنند و هر گاه عثمانی نظر قراری ... قبال السلطنه ها را جمیع قوه تجاوز ایلهردالها را
فرو نشاند ... در همان اوان روسها با وجود ... دولت ایران ... داده‌اند که تجاوز ایلهردالها را از آذر
بایجان دور ... در همین ... ملک ... مشغول جمع آوری سوار ... از طرف ...
و توقف او بسفیر روس اعتراض شده بود ... تاریخ نهم محرم ۱۳۳۳
توسط سفیر ایران ... قضیه تجاوز ایلهردالها ... دولت عثمانی ... که این اقدام روسها و آوردن تجاوز ایلهردالها کاملاً
مخالف ... با دولت ایران و با وعده ... داده ... اقدامات او
... دولت ایران ... که لوا از این اقدام را
روسها ... برای حفظ بیطرفی ایران که مطابق صلاح ... است ... تجاوز ایلهردالها را از آذر
خارج کنند یا ... روسها ... نکردند ...
علاوه روسها ... حقوق ... ایران ... بودند که نه تنها تجاوز ایلهردالها را اخراج نکردند ملکه با کمک ...
هم نمودند ... صریح ... ایران ... تجاوز ایلهردالها از طرف ... دولتی ... نمودند ...
را در قبال ... تجاوز ایلهردالها موقوف کنند و از ... نمایند.
روسها و ... بودند که ... دولت ایران ...
با خود ... ایران ... ایران ... ایران ...
... در شمال ... تجاوز ایلهردالها ... روسها ... شده

ولی در حرب بین‌المللی از روز اول کابینه ایران موفق شده از محاربه برکنار و بی‌طرف ماند دیگران به جای روسها و عثمانیها و سردار ایران
از ابتدای جنگ [illegible] در مقصود خود که بیرون نمودن قشون خارجه و حفظ بی‌طرفی تامه دولتی و احترام سلطنت ایران است موفق نشد
چنانچه در صحنه عملیات نظامی ایران [illegible] ولایات عثمانی [illegible] با قشون [illegible] لشکر عثمانی — [illegible] نموده است —
این است که از همان بدو جنگ رعایت احترام بی‌طرفی ایران بوده و با اینکه در بسیاری از موارد خود سفارش این مسئله را توضیح و تأکید نموده ولی
مع‌الاسف دیده شد که فقط دولت عثمانی است که این مسئله را مراعات نموده و دولت ایران هم [illegible] است که این بی‌طرفی را ترجیح داده
و در هر موقع اغراض دیگران را ناکام کنند.

در صورتی که همین دولت بی‌طرف نسبت به روسها که همیشه حفظ بی‌طرفی ایران را از نظر نداشته و تخلفات خود را پس از اعلان
جنگ در آذربایجان روز افزون نموده است [illegible] که احمد خان شجاع الدوله را با مراجعه آورده قسمتی جمع
آوری قوا و تهیج اهالی بر ضد عثمانی شده است و چون این تخلفات بر ضد دولت عثمانی بوده و تحریکات در سرحدات
آذربایجان و جلب حرکات لشکری و نظامی هجوم [illegible] از طرف دولت ایران هم جلوگیری نشده قوای ایرانی
مدارا و اظهار وجود [illegible] که دولت عثمانی برای جلوگیری از تخلفات خطرناک خصم و مدافعه در آن
هیچ اقدامی مضایقه نخواهد نمود ولی این برای اینکه از سمت ایران به ملکیه نظر تا موقعی است که در تحت اشغال قرار
روس است و شرح مختصر ذکر شده که :

اگر آذربایجان جزء ملک ایران و در تحت نفوذ دولت است چطور با بی‌طرفی ایران روسها (پاشن شهیدر)
عثمانی را در زیر [illegible] و ولایات آذربایجان را توقیف در قفقاز متعهد نمایند و اتباع عثمانی هم از [illegible]
شنیده [illegible] حسن خان بر ضد عثمانی در اینجا قوه جمع می‌کنند و چرا آذربایجان از تحت نفوذ دولت ایران
خارج است [illegible] دولت ایرانی [illegible] می‌کنند و چگونه ما را الزام می‌کنند که خود را از آذربایجان کنار بکشیم
ما روسها را از آن راه [illegible] می‌زنند در سال [illegible] که لشکر عثمانی در طرابلس با کمال جرأت چنین [illegible]
[illegible] است در جواب اعتراضات دولت راجع به تعدی عساکر ترک ملوث خبر و رفع عساکر
عثمانی که جمعاً دولت [illegible] و [illegible] نفر عساکر تو در شهرهای متصرف (کرکوک) وارد
[illegible] و [illegible] مأمورین تحت از طرف کردها [illegible] غارت در خود [illegible] در [illegible]
اهالی [illegible] و از طرف دیگر روسها در [illegible] ایران اصرار می‌کردند که باید از شجاع الدوله به نحوی که موفق بجلوگیری گردیده
شدند [illegible] دولت شجاع الدوله قریب ششصد سوار و هفتصد سرباز با سه عراده توپ به طرف [illegible]
حرکت داده و کامل از طرف روسها از آن دو توپ [illegible] گردید.

دستگیری [illegible] بیک [illegible] عثمانی [illegible] روسی

افتتاح مجلس شورای ملی

در [illegible] مجلس شورای ملی در [illegible] محرم مفتوح گردید و از طرف اعلیحضرت همایونی نطق افتتاحیه قرائت
و در باب بی‌طرفی ایران از زبان سلطنت در طالار بهارستان شنیده شد.

تمام [illegible] در بهارستان [illegible] مجلس [illegible] تا [illegible] تحقیقات [illegible] عملیات [illegible] ملت [illegible] بود :

در این اوان [illegible] وزارت ترکها و مشایخ و غیره بر تبعه عثمانی در نقاط مختلفه سرحدات ایران [illegible] از لشکر روسیه هم جلو
آمده و خبر قصد ورود [illegible] عده عسکر به کردستان حوالی تبریز شایع شده بود و [illegible] حرکت به طرف [illegible] لاجرم
دولت با جواب‌ها [illegible] مشکلات [illegible] عمومی روز بروز شدیدتر می‌شد بطوریکه [illegible] سردار [illegible] آمده و چند
[illegible] تبریز [illegible] اجتماعات عمومی فوراً [illegible] میدان [illegible] تبلیغات از طرف ترکها و آلمانها
[illegible] می‌شد دولت [illegible] از طبقات [illegible] آزادی [illegible] خبر بود [illegible]
در [illegible] ایران اطلاع [illegible] روز بروز [illegible] عمومی [illegible]
خود می‌افزود در این هنگام ملاقات مستوفی الممالک با وزیر مختار روس و انگلیس و مذاکرات مهمه [illegible] کافی است
که نظریات کابینه و [illegible] عقاید مأمورین سیاسی همسایه کاملاً [illegible] می‌فهمیم.

در پنجم ماه صفر ۱۳۳۳ ملاقات مستوفی الممالک با سفیر روس و انگلیس با حضور علاء السلطنه وزیر امور خارجه :
آقای رئیس الوزراء — [illegible] کار [illegible] طور است که با وجود مذاکرات مکرره ما مجبور شده‌ایم [illegible]
[illegible] قبل از ابتدای جنگ روس و عثمانی و بعد از آن [illegible] خواهش
نمودم که قشون روس از ایران احضار شود [illegible] دولت ایران موفقیت [illegible] ولی عدم موفقیت [illegible]
صادقانه دولت ایران [illegible] دولت ایران [illegible]
بار دیگر خود را [illegible] قشون روس از ایران احضار شود دولت ایران [illegible] بی‌طرفی
بی‌طرفی خود عمل نموده از این حوادث [illegible]
ایران [illegible] دولت ایران در حفظ بی‌طرفی خود که [illegible] تعقیب
نموده است موفقیت حاصل [illegible]

بعد از سکوت [illegible] وزیر مختار انگلیس سکوت را [illegible] در باب بی‌طرفی که حضرت اشرف آقای رئیس الوزراء اظهار
فرمودند [illegible] در طهران [illegible]
هر چند [illegible]
[illegible] که [illegible] سفارت [illegible]

بلکه برای مصرف لشکر انگلیس است. دیده‌ایم اگر دفعه دیگر مطلبی بنویسند میخواهم توقیف کنم. حضرت صاحب‌منصبان نوبتی
خود را نسبت با مسلمانان نمیخواهند مشوش دارند ترسم این است که در صورتی که روزنامه‌جات ژاندارمری بر ضد دولت با مردم همراهی کنند.
رئیس‌الوزراء امیدوارم اظهار میکنید. خوب است اینکه مذاکره کردم برای این بود که هر روز اظهارات شما را بشنوم از اینکه مجبورم بنویسم باید عقیده خود را
خیلی واضح بیان کنم. سعادت میخواهم بشنوم با وجود مساعی دولت ایران در حفظ بیطرفی خود از بیطرفی انگلیس طرفداری نمود.
اتفاقیه سلطان‌آباد را که توسط نقاره‌چیان انگلیسی با قریب نظامیان نگاه کرده اقدامات شجاع‌الدوله در عدلیه بنوعی را که از آن نمود به ما حمل نمود
نیز ژنرال قونسول نزد رئیس آذربایجان را همراهی شجاع‌الدوله ضرورت دارد در ظاهر اینکه جنابعالی برحال انگلیسی فرموده‌اند یک قسمتی را انکار
میخواهم رد کنم و یک قسمتی را ممکن است میتوانم تصدیق بکنم. اخراج برانداز ری فرمودید ابدا تصور نمیکنم عقیده ژاندارمری اظهار اخراج نمایان
افکار عامه اظهار داشتند ستمدیدگان میکنم که از آنها شکایت هستند و ممکن است بعضی حسابات داشته باشند ولی این سبب را مدرک کرده ملاحظه فرمایید
از رفع نمود مساعی ممالک هستم و از حسابات ایالت ممالک بخوبی واقفم یقین دارم اگر با مساعدت دولت ایران مساعدتی نمود از جناب نعمت
حواله کرده دولت ایران موقف کاملی حاصل خواهد نمود ولی فعلی انقلاب در ادارات امر نخواهد داشت چرا که هم در اینکه با عقیده دولت
ایران موقف نمود برای این است که بهانه بدست بیاید که عقیده طیبجان را رد نماید.
وزیرمختار انگلیس در جواب بیان میکنید. آنچه درباره ژاندارمری اظهار کردم اطلاع داشته‌ام خودم هم تصور میکنم اظهارات حالا درست است
هم قطعا در ضمن اخراج باید جواب حضرت اشرف رئیس‌الوزراء را بدهند.
وزیرمختار روس میگوید درباب بیطرفی اما بیطرفی ایران نسبت به طرف متخاصم بعضی شده رئیس‌الوزراء در جواب میگویند باز جهات
وزیرمختار روس ملاحظه میکنید که مسلمانان ایران با ترک‌ها در این موقع خیلی فرق است و از اینها مقید نمیتوانند رفتار کرده لذا اگر اسلام را با ترک‌ها
انطور رفتار کردند ملاحظه کنید هم اظهار اساسات ایشان اسلام را با فراهم آورده بود.
وزیرمختار روس قشون روس چرا با ایران آمد برای این بود که حال دول متخاصم در خطر بود سی نفر سی تفنگ ساعت را قطعه
سفر را شد ولی در همه جا در جواب میگوید آمدن قشون ابدا با جهت بودجه در زمستان بعد از ابدا مستقیما دول متخاصم هم عوض
نشد بلکه بعد از حیوکری اخطار در این مسائل با مردم قشون ارضی وارد شدند.
وزیرمختار روس همیشه در این چند سال دولت ایران جهت قشون را به محل نقل میکرد.
آقای رئیس‌الوزراء اگرچه بنده در نوع دولت ایران حضور قشون روس را در ایران ترتیب کرده ولی اصرار هر روزه برای سرحد دوستی ایران
که توسط جنگ اتفاق افتاده و از ارادت قشون روس در ایران حرکات بزرگی در نقطه ایران شده باشد.
وزیرمختار روس درباب شجاع‌الدوله اعتماد دولتی را دارد و چون اول است کاری قرار شده است برای جلوگیری آن را کردن عثمانی‌ها
به نیروی مقاومت مانده اگرچه در نظر دیگران عقیده این درباب شجاع‌الدوله داریم که اما تغییر میکند ولی اگر دلایل ترتیب طرق وصول اصلی
ذریعه فرمایید مقرر دارید.
آقای رئیس‌الوزراء اقدامات شجاع‌الدوله و لشکری که از او ملحوظ میشود عقب را در آذربایجان با دست دارد ممکن است جهت حرکت
واضح و باید بنویسند مشکلات که بحکم برای دولت ایران کرده بود تهم سلب نیست به هیچ تنها است که کرده بودم و حال اجرا داده شد.
امر در ارادت آن ظاهر شده است و بعضی است که بعضی آنها در تمام رابطه این هم ملاحظه خواهند آمد است در این نوع مأمورین حاکم
با نهایت حیرت دولت ایران را اظهار کنم. اگر دولت ایران بخواهد اشکالی فوری بدید با همین داده نمودند و بعد از آن فوری کمک جمعی
را نظم برقرار فرمایید است که دولت اشکالی شده هر سوئی ملحوظ نمود ملاحظه نشود. باید این ترتیب آنها حال ایران به در قطعی با عامه توسط خواهد کرد
و حقیقتا عقاید عامه را نسبت به طرف دولت خواهد نمود. تقاضا میکنم خود را درباب رفع قشون با هم ملاحظه نماییم و در آخر ممکن است ایران
را مسائل خود واگذارید که بتواند از وقایع ناگوار جلوگیری نماید.

وزیر مختار روس — در موقع تحدید حدود چرا دولت ایران همراهی کمیسیون سرحدی نشد این مسئله برای این بود که دولت
ایران در مقابل عثمانی نتوانست حقوق خود را حفظ نماید

وزیر مختار انگلیس — مسئله حدود در ابتدا بر شرایط [illegible] مذاکره نموده است ،

وزیر مختار روس — دولت ایران چه میخواهد ؟

وزیر مختار انگلیس — پر واضح است ایران نه تنها [illegible] میخواهد نه تخلیه اردو را ،

رئیس الوزرا — تمامی بعضی ایلات سرحدی ما در دست آنها است که مقصود [illegible] با قشون خارجی [illegible] و حکم این مسئله بر نفع دولت عثمانی نخواهد بود مگر از
ملکیت دولت ایران با قوای خود پس از آنکه از قوای خارجه آذربایجان ممکن است تعدی صدمه دارد [illegible] وارد خواهد آورد ،

وزیر مختار انگلیس — بنده هم تصور دارم که برای ایران وضع مشکل شده آنچه که تخلیه اردو از طهران است نقطه دیگر را عامه شده و حتی
سایر نقاط سرحدی را گرفته معلوم نیست اگر عثمانیها سؤال کنند چرا تخلیه اردو که دولت ایران است قوای خود را از ضد عثمانی تجهیز میکند دولت ایران
چه جواب خواهد داد

اگر [illegible] را در دست ما [illegible] عامه [illegible] ملاحظه سلماس [illegible] تصور میکنم قبل از اینکه [illegible] دیگر
[illegible] صحبت [illegible] دولت ایران محکوم [illegible] طرف [illegible] راه حل
برای این کار فکر کنیم بعقیده من جواب اینست قشون روسی از [illegible] حرکت [illegible] تبریز [illegible]
الدوله [illegible] وارد [illegible] قشون آذربایجان [illegible] محول کرد .

وزیر مختار روس — خوب است دولت ایران فکر کند که تمامی [illegible] طرف برای ایران [illegible] است از نظر دیگر
اطلاع داده اند که بعضی عشایر [illegible] عثمانیها همراهی میکنند .

وزیر مختار انگلیس — حالا موقع [illegible] که دولت ایران در سرحد یک از طرف [illegible] خود را ملاحظه نماید

رئیس الوزرا — [illegible] که با وجود [illegible] رعیت و [illegible] عشایر دولت ایران [illegible] حفظ [illegible] کرده که
مملکت است [illegible] دولت [illegible] بعضی نقاط [illegible] مقصود [illegible] تحمل کرده ام [illegible] که برای
رفع این مشکلات ایران را [illegible] که با قوای خود از این حوادث جلوگیری نماید

وزیر مختار روس — [illegible] ما را [illegible]

رئیس الوزرا — اگر دولت ایران را بحال خود بگذارید با اطلاعی که از احساسات اهل مملکت دارد یقین دارم دولت ایران
با قوای محلی خواهد توانست از حوادث جلوگیری نماید در صورت حرکت قشون [illegible] عثمانیها هم تخلیه خواهند کرد و [illegible]
محال [illegible] نیست [illegible] دولت ایران با آنها طرف خواهد شد [illegible] معلوم است که ما نمیخواهیم قشون روس از
ایران خارج شود و بجای آنها قشون عثمانی بیاید

وزیر مختار روس — اعلیحضرت [illegible] میفرمایند [illegible] واضح [illegible] ایران [illegible] بدهید

رئیس الوزرا — ابتدا [illegible] مسئله را [illegible] واضح ملاحظه [illegible] دارم بطوری [illegible] ملاحظه کنند
ولی بطوریکه [illegible] مردم این مملکت [illegible] هستند چه میل دارند [illegible] سرحد [illegible] حدی است که
خالی از قشون خارجی است لیکن [illegible] اوقات [illegible] بدهید

وزیر مختار انگلیس — اطلاعاتی که من دارم باید اظهار کنم قائم مقام [illegible] صمصام الممالک [illegible] کرده و باز
گفته است در صورتیکه انگلیسها [illegible] عثمانیها [illegible] کنند صمصام الممالک گفته است [illegible] حکم
[illegible] قائم مقام گفته است از دولت حکم [illegible] خواهیم کرد .

وزیر مختار روس — مراتب را به پطروگراد تلگراف خواهم کرد ولی مذاکرات را بعداً اطلاع خواهم داد

وزیر مختار انگلیس — منبع مذاکرات کافی نیست باید با ملاحظات خود نیز اعلام بکوشد

وزیر مختار روس — حرکت آخری قشون به ایران بتقاضای سفارت روس شده چون شاید فقط انگلیس هم به ما کمک کند ولی بعقیده دارم

در پطروگراد اینطور تصور خواهند کرد که ایران میخواهد روسها را ایلوار فشار دهد

وزیر مختار انگلیس — مراتب را با ملاحظات خود تلگراف خواهم کرد

رئیس الوزرا — مقصود دولت ایران ابداً این نیست که بدولت روس فشار وارد آورد اگر درست ملاحظه کنند تصدیق خواهند کرد

که نیات ایران در تقاضای خود دایر بر جمعیت قشون همسایه بوده و نیز مقتضیاتی که بس بطول انجامیده حالا هم تقاضای خود را که باز در

خیر ایران و روسیه است تکرار میکنم که: از خطراتیکه ایران را تهدید میکند چیزی که معلوم است در صورت رجعت قشون

حضرت فرسی و تبعه یه دیگر تلف خواهند شد در قوه منظم از قوای محلی در اینجا لشکر خواهد آمد و حمل دولت ایران انتظار

خروج قشون ما را نیز دارد و منتهای جواب وزیر مختار انگلیس را هم در جواب بطور دقت خواهد گرفت و مکرر هم مینویسم که:

مذاکره نمود ولی اینکه جناب وزیر مختار روس میفرمایند تقاضای ما در پطروگراد اثر خوبی نخواهد بخشید دولت ایران بعد از

در تقاضای خود صادق و صمیمی است که از تکرار این خواهش در آتیه هم خودداری نخواهد کرد حتی یقین دارم که جناب وزیر مختار

روس بفرمایند خبر بکنند و چنانکه میگویند بسرای این بعضی عناصر نفاقی تباه بشود بعمل حرکت بوده بقیناً خیلیست.

وزیر مختار روس خیلی خوب از پطروگراد جواب رسیده ولی اینطور تصدیق شده است مراتب را تلگراف میکنم ولی معذلک

اثر بدی خواهد بخشید

رئیس الوزرا — تا حال میخواهم قول بدهم که دولت ایران بقدر ذره برخلاف نظریات رفتار نکرده و باندازه یک قدم

از جاده نظریات منحرف نشده اگر تقاضای دولت اثر بدی نه بخشید فقط جای تأسف است ولی از مانع نخواهد شد

از اینکه دولت ایران تقاضای صمیمانه خود را تجدید و تکرار کند

وزیر امور خارجه — از جناب وزیر مختار روس خواهش میکنم در جواب تلگراف ولایات را هم که آقای رئیس الوزرا اشاره فرمودند

بیان نمایند

دولت ایران باعتبار اینکه برای یک مرد سیاسی بسیار بجا است در جلب اعتماد دولت روس کوشیده

و البته بطوریکه ظاهر است بنظر انگلیس هم در اینوقت باندازه با دولت ایران موافقت میدارند ولی از این نوع تصادف

نتیجه حاصل نگردیده .

روسها و شجاع الدوله

در تعقیب مذاکرات هیئت الوزرا در حضور وزیر مختار انگلیس و وزیر امور خارجه با سفیر وزرای خارجه با نمره روس از

طرف وزارت امور خارجه تلگرافات مفصل که حاوی تناقض نظریات از طرف روسها و تحریک شجاع الدوله و عدم

اعتنا باعتراضات ایران و احتمال شورش و انقلاب در اطراف ایران و هیجان افکار عمومی و اعتدال حیات و موجودیت

سیاسی دولت ایران بسفیر پطروگراد و لندن مخابره شده و تأکید شد که خروج قشون روس و اعزام تبعید به تبریز

و لشکر قوای محلی در آذربایجان را خاطرنشان وزرای خارجه دو دربار نموده و دولتین شرقی بطوریکه حالت را اقدام

و انتصار سیاسی دولتی در این باب از وزیر امور خارجه تقاضا شده و تذکر شد که چرا دولت روسیه فوق العاده به شجاع

الدوله اظهار علاقه میکنند و پیشنهاد وزیر مختار انگلیس نیز این بود که پس از رفتن قشون روس و اعزام و تبعید دولت

شجاع الدوله ریاست قشون آذربایجان را واگذار کند

در این باب هم اگر دولتها قشون خود را بیرون نبرند دولت هم برای برداشتن نفوذ با دولت انگلیس و روس راه صحیح
برای قطع نفوذ شجاع الدوله پیدا خواهد کرد و سفیر انگلیس وسط القوا ایران مقیم با رئیس الوزراء ملاقات نموده و جواب شنیده بود
که با دولت انگلیس در خروج قشون روس از ایران موافقت خود را با ایران ابراز دارند .
در عین حال (مراسله ذیل که انگلیس در خصوص روح مراکزات نقابی و تحریکات چندماهه در خصوص نفوذات سفیر
انگلیس در خصوص کلیه انتظارات تنفیذ شده از طرف (کرستوفنس) وزیر مختار روس به وزارت امور خارجه
فرستاده شد :

از سفارت روس به وزارت امور خارجه صفر ۱۳۳۳

حالیه برای فرستادن دو روت (دو دسته) قزاق ایرانی دو توپخانه بهمراهی حاج شجاع الدوله به مراغه (در اصل
مراسله با کوتو نوشته) لازم بود که دفعتاً برای مخارج لشکرکشی چهار هزار و دویست و نود و هشت تومان و شصت
کالیک روس از ابتدای ماه سابق به فرستادن چهار هزار و هشتصد و شصت و هشت تومان داده شود مخصوصاً آنکه
دولت علیه ایران به قزاق ها ایرانی که تعدد جنایت مرتکب شده و نقل خطر بزرگ داده اند که این وجوه از قرار نه
دولت امپراطوری پرداخته بود بسر خطر بزرگ بود که دولت علیه ایران این وجوه را مسترد دارند محض استحضار خاطر
سود سرحدات شیطان انرقت عالی زحمت اعزام کنید و در این موقع احترامات فائقه را تجدید می نمایم
(کرستوفنس)

و سفیر انگلیس از طرف وزیر مختار ایران از اظهار کرده مضمون ذیل رسید :

وزارت خارجه سیزدهم صفر ۱۳۳۳

چندی قبل نیز مشغول اقدامات بودم تا سفیر انگلیس را هم با خود همراه کرده ام وزارت خارجه سفیر شجاع الدوله
در امورات ایالتی مراغه مرا از دست ندهند مسئول حفظ علاقه هات خود و سبب مراغه است که در صورت حمله اکراد
دفاع نماید و حالی در سابق جلوگیری قشون عثمانی اکراد را به عنوان در زیر تحریک میکند مقرر شجاع الدوله کمی نشت
جلوگیری نماید و مسافرت او صلاح و ممکن نیست صرف نظر شود سفیر انگلیس هم کمی جواب رد داده
(اسحق)

در تلگراف دیگر سفیر وزیر امور خارجه از توقیف سیم تلگراف و تب آذر با سیمان از طرف مأمورین روس اظهار بی
اطلاعی کرده می گویند از طرف سفیر مبادرت خواهند کرد و سفیر می گوید قوانین که به سیماند و آن رسیده و عدم مداخله صمد خان شجاع الدوله صلاح
در اهالی و تعهد داشته قوا نیز محیط از طرف دولت ایران ابداً موافقت ندارند
مورخه نهم صفر مراسله از طرف وزیر امور خارجه با علاء السلطنه سفیر روس فرستاده شده و از مضمون مراسله هجدهم صفر
سفیر روس در باب اعزام دو دسته قزاق ایرانی حقوق دادن خزانه و دسته نظام فرص ایران اظهار حیرت نموده تعجب
را در خصوص کلیه اصول و قوانین ذکر کرده و اظهارات سابقه رئیس الوزراء را راجع بخروج قشون روس از آذربایجان
ایران در حفظ بی طرفی شد که پیشنهاد راجع شجاع الدوله را یک اقدام حق شکنانه در خصوص عوالم و دوستی و وداد بعد از
این اقدامات را تأیید نموده و غیر قابل تحمل نشان داده که مشعر اظهار اعتراض است و در پایان مراسله عرض حیرت
مساعدت اید نیست را در خروج قشون و اراده ایران و جلوگیری از حوادث که تو نقض نموده بود .
روز بعد سعد الملک بعموم سفرای دولت ایران در ممالک خارجه تلگراف فرستاده شده و با نتیجه حرکات شجاع الدوله
و حمایت روسها را از ابتدا تا امروز که نظر به نتیجه علتی مشارالیه از احکام دولت — دولت و تبانی با نتیجه پس از

تعادل نظریات دولتین بالاخره مرتفع شد اسلحه سلاح ادارات دولت روس مرات قزاقخانه را که از آذربایجان برای اداره سدن
سردار رشید را ذکر و تصاحب و عودت دادن شجاع الدوله از طرف روسها جهات عدیده را داده و جبراً تقاضا صورت شخصی را که سفیر
روس در باب عوام و دسته قزاق ایرانی تا حقوق بیشتر که از قرار به روسیه داده العنوان قرض ایران به قزاق ها داده شده و سالها با
قزاق ایرانی تحت نظر کنسولها بر سر بلیه نبود و اقدامات که دولت [illegible] اقدامات دیپلماسی شجاع الدوله و ادعای [illegible] و جواب اعتراض
انگلیس که تقاضای سفیر روس داده شد کلمه را اظهار [illegible] با شور و جود نموده و سپس بر نقطه راجع بود و فرستاده و یادآوری کرده که در
معاهدات قدیمه که تمام [illegible] راکه کان برای رفع هر گونه تشبث ها اظهار می دارند.

در این موقع ملاقات دیگری بین رئیس الوزرا و وزیر مختار انگلیس روی داده و سفیر انگلیس از همسایگان [illegible] عمومی دیگری نموده در این
الوزرا ... خروج قشون روس را از نقاط مختص [illegible] دانسته و با اظهار کرد که دولت انگلیس از ایران حفظ نموده
بود ولی اینک لطف موقف دولتی سرکار با دولت روس [illegible] از انگلیس ها هم قراری کرده دولت انگلیس در حفظ و صلاح
خود نیز همه بی [illegible] اسلحه حفظ و حظر خود نموده بهانه دادار تغییر سیاست و سلوک حالیه خود ناشی شاید.
و نیز در جواب اینکه در صورت همسایگان [illegible] عمومی تعبیر تنها آیا دولت ایران با انگلیس توقف خواهد نمود،
آقای رئیس الوزرا اظهار داشتند دولت ایران تا آخرین نقطه در حفظ بیطرفی سعی خواهد نمود.
از بیانات سفیر انگلیس در این موارد که مشعر خوش بینانه ملیته که در باب رسیدن نظریات در باب نظر دولتین موافق شد سفیر
انگلیس نیز به صورتی رسیده بوده است زیرا از تغییر منتظر ... و بعلاوه سابق خود که سمت بیطرفی و مساعدت نظریات ایران بود.
دیگر نیز در این مذاکرات و حالیه در نتیجه اشتباهات رئیس الوزرا گفته بود آیا ممکن نیست قشون روس از بعضی نقاط ایران رفته و در
بعضی نقاط دیگر اقامت نمایند.
و نیز در باب مراکز [illegible] که با معاون وزارت خارجه نموده صورتاً تنها توقف را در این صحبت نظریات ایران دانسته
و در آخر مقصود خود را انکار نمود.

سه شنبه ۲۹ صفر از طرف سفارت شجاع الدوله رسید سعادت وزارت خارجه در ملاقات روز مزبور با سفارت انگلیس
شجاع الدوله را در سفارت [illegible] از قوا عثمانی و فرار او در حوالی [illegible] نموده و بعد جواز را
از او گرفته که نتیجه عدم اطاعت روسها به نظریات دولت ایران و سیاست او [illegible] الوزرا بود ... و در خاتمه لزوم اتخاذ
راه های جلوگیری از حفظ بیطرفی در امور عامه برای حفظ آن نمود.

سفیر مزبور موقف خود را با تمام مطالبات دولت ایران اظهار و رفتار روسها را مخالف تمام [illegible] دانسته گفت:
بر طبق دستور رسمی از روس کمیته [illegible] بطور کامل را که بر طرف لازم باشد تغییر داده روسیه در طرز عمل آنها را با وضع حاضر موافق نموده
و روسیه در تعقیب ایران و [illegible] سلاحخانه که ممکن نیست روزی مواقف حاله از روس و انگلیس تصرف تسلیم نماید
مانده است که ایران دولتی دارای تمام قوا است که حکم در این باب مقصود است.
چند روز قبل هم که (سر لورنس) با سایر [illegible] ملاقات نموده است بسیار اظهار داشته که به سفارت حاضر حاضر در ایران
ممکن است منتهی همه طرف روسیه و انگلیس باشد ... که خود در محل از روس [illegible] و بعد از جنگ با دولت
روسیه در ایران مخصوصاً در ساحل بحر خزر این ها در باره (وُد نسک) و سپس مراکز روس از مسکو آمده است
در تعقیب آنکه همین شخص به نظر دارد که [illegible] (لطفی)
و بسیار اعتماد دارند که عملیات او با ایران موافق هستند و با [illegible] همراهی کند الوقت در نظر دارد به قبول
لیرا آورده اعتماد داشته باشد.

معاون وزارت خارجه دولت ایران در کلیه ادوار موازنه بیطرفانه نهایت سعی و کوشش را دارد و مخصوصاً تقاضا میکند که [illegible]
توسط بعضی از عمال داده اند منتشر شد که دولت متبوع در صلح کردن یا جنگ کردن تابع حوادث تاریخی است با وجود این خوشوقت است که هر اقدامات
دولت ایران را انگلیس و [illegible] تحسین نموده است

در تبریز [illegible] آقا بنده [illegible] صدر العلما [illegible] امام جمعه [illegible] رفتن از تهران [illegible]
حال [illegible] هم در [illegible] در طهران هم [illegible] [illegible] بالاخره در مجلس [illegible] را [illegible]
[illegible] داده شده نزدیک [illegible] آمده [illegible] که دولت ایران باید
هیچ از هر طرف [illegible] دولت ایران [illegible] صلح ایران را
[illegible] شرط کند [illegible] ایران [illegible] استقلال ایران [illegible] ایران
[illegible] نبود [illegible] شرط [illegible] رفتار کردند [illegible] همان طور
رفتار کرده و [illegible] کنند که [illegible] جنگ بود

معاون وزارت خارجه سؤال میکند [illegible] جنگ بود

در مجلس [illegible] در طرف [illegible] [illegible] میکنند و در طرف [illegible] ایران
دولت [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] فوراً [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] باشند که [illegible]
[illegible] در [illegible] مجلس [illegible] و در مجلس [illegible] [illegible]
[illegible] که [illegible] در [illegible] [illegible] بوده است که :
ایران را [illegible] [illegible] [illegible] از هر طرف [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] .
تنها [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] ایران
مدعی هستند که ([illegible]) [illegible] ایران [illegible]
([illegible]) [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] در مجلس [illegible]
[illegible] [illegible] بوده [illegible] بوده است که از [illegible]
با معاون وزارت خارجه [illegible] است .

[illegible] [illegible] [illegible] از [illegible] [illegible]
[illegible] ([illegible]) [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] .

[illegible]

در [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] نموده
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

۱۳۰۳

در این موقع بود که سفیر عثمانی بمیان افتاده گفت ممکن است قشون روس خاک ایران را ترک کنند مشروط بر اینکه دولت انگلیس نیز [illegible]
ایران گفته بود که در نتیجه [illegible] قفقاز و بحر خزر روس اطلاع رسیده که تلگراف [illegible] قشون روس آذربایجان را تخلیه خواهند نمود در این صورت
لازم است دولت ایران هم جدا از عثمانیها تخلیه قشون آنها را بخواهند

از طرف دولت جواب داده شد اولا [illegible] در این خیال افتاده اند بواسطه اینکه اکراد در اطراف سلماس آورده و [illegible] را اندیشه [illegible]
[illegible] و عثمانیها را [illegible] شده [illegible] اظهارات [illegible] نوشته و فقط [illegible] قانع شد و عثمانیها [illegible]
که تا حال [illegible] تمام خاک ایران بود فقط آذربایجان و عثمانیها هم [illegible] گفته اند تا قشون روس در خاک ایران است ما هم [illegible]
تخلیه نخواهیم کرد

ضمنا [illegible] الوزرا با سفیر کبیر عثمانی این مسئله را مطرح قرار داده سفیر [illegible] جواب [illegible] قانع شده قرار شد [illegible]
نوشتند که از تمام خاک ایران خواهند رفت [illegible] [illegible] تحصیل جواب خواهیم کرد.

سفیر روس هم در [illegible] [illegible] داده بود که قشون روس خاک ایران را تخلیه [illegible] [illegible] انگلیس [illegible]
در همین موقع از طرف دولت انگلیس بسفارت ایران [illegible] [illegible] [illegible]
که در [illegible] قرار گرفته شد که [illegible] [illegible] [illegible]
در طهران [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] دولت ایران [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] قشون روس [illegible] [illegible] عثمانیها [illegible]
[illegible] [illegible] عثمانیها [illegible] [illegible] نشود.

[illegible] دیگر هم از طرف وزارت امور خارجه به سفیر کبیر ایران [illegible] [illegible] [illegible] داده [illegible] که
[illegible] روس [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] که
عثمانی [illegible] [illegible] ایران [illegible] داده [illegible] ایران [illegible] [illegible] از
[illegible] قشون عثمانی [illegible] [illegible] اسلام [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] خواهد بود.

[illegible] ارباب الدوله [illegible]

بنده [illegible] تلگرافی را در [illegible] ایران [illegible] [illegible] کرده بودم [illegible] [illegible] تلگراف [illegible] [illegible] رسید که
[illegible] برای اطلاع خاطر مبارک عرض میشود

[illegible] [illegible] تلگراف [illegible] [illegible] [illegible] دولت ایران را توضیح [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] است

زیرا [illegible] [illegible] ایران [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] ایران [illegible] کلمات [illegible] اسلام را
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] در این صورت [illegible]
اسلام [illegible] [illegible] کلمات [illegible] [illegible] [illegible] داده [illegible] اسلامیت [illegible] کرده
[illegible] [illegible] (امضا [illegible] - [illegible] - ابراهیم [illegible])

[illegible] [illegible] [illegible] عثمانی [illegible] کرده [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] روس در [illegible] (آجی) [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

تمام قوای ترک را قلع و بقیه را دو هزار نفر به روسیه فرار نموده فرماندهان ایرانی نیز از هم متفرق شده برخی از راه روسیه به طرابلس و بعضی
در سایر نقاط متفرق شدند با مأمورین سیاسی [illegible] و در بیانک و غیره نیز به روسیه [illegible] گریختند .

از قزوین و بعضی نقاط دیگر هم قشون روس خارج شده و چون بعد از [illegible] نفر روس خارج شدند ولی کمی در خصوص خروج قشون
روس از ایران ، ملیون از آذربایجان به دید تمام را به نظر عملیات ضد و نقیض [illegible] از طرف قشون قوای عثمانی از راه [illegible] وارد آذربایجان گردیده
روز شنبه ۲۳ صفر قوای ترک به تبریز و جلفا و داخل شهر تبریز شده و قشون روس هم که در کنار ارس بود حرکت کرده به سمت [illegible] رفتند در این حین جلفا
و صوفیان را ترک‌ها گرفتند منتظر حمله به ترکها شدند در طهران شهرت داده بودند که در واقع جمعیت قشون روس [illegible] رفته و در خصوص
از طرف روسها شدید [illegible] جمعیت قشون عثمانی را از ایران [illegible] و در [illegible] تحقیقات شدید ایران را متهم به ترکها دانسته
و در حقیقت قشون ترک را موافق اراده و رضایت ایران قلمداد نمودند

دولت ایران در آن تاریخ (اواخر صفر) بعجله خود را برای اغتنام فرصت [illegible] نموده تحصیل احترام و تعهد
با دولتین با یک قوه [illegible] در صدد بود بلکه تخلیه خاک آذربایجان را از قشون روس [illegible] تخلیه عهدی نموده
در اوایل رجب نوشته [illegible] ترکها سردار [illegible] را [illegible] کرده [illegible] حاکم [illegible] را معزول نمودند مجدداً [illegible] عثمانی
با بعضی دیگر [illegible] اهالی [illegible] شدند [illegible] ترکها رفته بودند [illegible] شدند از طرف قوام
مردان [illegible] اصول نظامی [illegible] قوای روس [illegible] دولت [illegible]
[illegible] عثمانی [illegible] روسها [illegible] روس [illegible] عثمانی
محفوظ [illegible] دولت [illegible] آذربایجان [illegible]
شده و [illegible] آن [illegible] و تاراج [illegible]
رفت .

در ماه ربیع الاول ۱۳۳۳ روسها [illegible] قشون ترک را [illegible] وارد [illegible] شدند
[illegible] از طرف [illegible] وارد [illegible] نمودند

[illegible] ترک [illegible] در حدود [illegible] و [illegible] شده [illegible] وارد [illegible] شدند [illegible]
عثمانی از حدود قصر شیرین وارد ایران شده [illegible] عراق [illegible] نموده [illegible]
[illegible] ایران [illegible] اصفهان [illegible]
[illegible] نمودند [illegible] شده [illegible] ترک [illegible] وارد ایران شده [illegible]
[illegible]

در طرف دیگر [illegible] شیخ [illegible] عشایر [illegible] طرف [illegible]
علیه ایران [illegible] دعوت [illegible] کنند .

[illegible] ایران در حدود [illegible] شده [illegible]
از طرف دیگر روسها از حدود [illegible] ([illegible]) [illegible]
[illegible] نموده [illegible] شدند

[illegible] دولت ایران [illegible] نموده از طرف [illegible]
[illegible] دولت [illegible]
[illegible] نموده [illegible] نمودند [illegible]

در سفارت روس هم در از نه تلگراف بی سیم نصب نموده و نتیجه در قبال این حرکت رکیک روس و انگلیس آلمانها هم در اصفهان مرفق نصب
ماشینخانه تلگراف بی سیم کرده و لیکن مدتی کل نظمیه ایران با کمال سه دولت از سر نو کرد دید.

در ۱۵ ربیع الاول انگلیسها حسینی که سرباز یار سیدی را نها نو به ماشین جاده نموده و سر ذرع ...بلگر را تا ح لنهال نمودند
خرنفرسقیه آلمان (میر هولتت) (هیمتیس) را دستگیر و به هند و سال تبعید و تیر ما مور ملکی قنات
امواز را فرار و ملک قنات را توقیف نمودند

کابینه مستوفی الممالک در ستاد ملیر اقدامات هم از طرف عثمانیها هم از طرف روسها و انگلیسها در تمدید صدا
رونشت نالی نموده و ابداً منهم نشده دار هیچ طرف حرارت منطقی بر دلت عاجز شد.

مستر پور از بانک هم ارگر از هندل عهد نامه های دیگر قانع شده با هر کمال برکرام متوافق نظر بات خود سر ذرع
تحریک نموده

مطبوعات هر یک لواحر طلائی و مطالب عقده با تحریک نتیجه گلیس بیانات سر ذرع شهادت
شد و با شد حیا نات تهاد رود لیکن در ذیقعده نظمیه دولت وقت و در آن اقدامات خرابی روس و انگلیس
در سر با فضل نظمیه ایران بمراد هستند نطق می‌شوند

در اوایل ماه ربیع الاخر اقدامات روسها در آذربایجان شدید شد مخصوصاً از (جلو) با دعوی
در امتیه هر آن تقویت نموده در نتیجه در دهات اطراف آذربایجان ... سر ذرع نقش بنادرت و
حرق نمودند

کار بر کابینه مستوفی الممالک سخت مبتذل روز تا بحران قرار رسیده بود برای این فرم مستر گفته شد که
کابینه طرف وثوق و اعتماد بار لمان شد با مستوفی الممالک کابینه دیگر را ممیز معرفی کند تا از طرف مستر آن
کابینه به سمت محلی بهتر مطلوب کنید و تشکیل هم نقصان و تسخیرات با پسای دشاهدگان تحدید و تفتیش با عیب لعوق
امر بود

در ربیع الاول کابینه ترجیح داد از طرف مستوفی الممالک در مجلس معرفی شد
مستوفی الممالک رئیس الوزراء - عین الدوله داخله - معاون الدوله خارجه - محتشم السلطنه مالیه -
مخبر السلطنه عدلیه - شهاب الدوله پست و تلگراف - صاحب اختیار جنگ - علاء السلطنه علوم -
مهندس الممالک تجارت - نصیر الدوله اوقاف - وزیر عدلیه معادل

نهم ربیع الاول از تبریز روسیه را اوقات رسید که روسها کشتیهای تجاری و بادی دریاچه ارومیه را در بندر شرفخانه
لنگر انداخته و دوچار کرده و مجلسات اتها را هم کشته و سنگها را برداشته کالاهای تجارتی را هم با قرق آنجا که
در انبار توده محرق و خراب نمودند

در همین تاریخ راپورت دیگر رسید که سرطان بو عسکر ترک با سیصد عراده توپ دارد با حملات شدید شده تا زم
سرحد حقها شدند

در این موقع تسویه دولت انگلیس خطر خط ها را دنبال تو بیم که از اتحی سر ذرع مبتلا بود

تسایده ۱۹۱۵
در سال ۱۳۳۳ قمری بین دولت روس و انگلیس یک عهدنامه سری تسلیم بود که یک قسمت از آن مربوط
به ایران بوده و دولت روس در آن عهدنامه به دولت انگلیس حق میدهد که منطقه بیطرف ایران را که:

تمام خاک ماوراء دولتین انحصاری و قسمتی از خاک لرستان و عربستان را بمنطقه انگلیس منتقل نموده و در عوض حوزه روس را ما بین اصفهان و یزد که اولاً متنازع فیه در حدود منطقه بیطرف محسوب میشد منتقل کند .

بعلاوه روس در منطقه خود بهمه قسم عملیات و تصرفات مختار و آزاد بوده و تشکیل را از آنوقت از این معاهده سری بین دولتین روس و انگلیس جز بدیهیات فقط از طرف ع ارباب دولت ایران خبری نشنیده تحدیات پرداختن رسیده بود و اخبار یجوکه سندیت داشته باشد این معاهده منتشر شد فقط پس از کابینه سپهسالار اعظم (محمد ولیخان تنکابنی) العقد خاید روس و انگلیس در آنوقت (شوال ۱۳۳۴) شرحی در اثر اعتراضات باعتراض معاهده مخفی مزبور اثر ممنوع ولی باز روح معاهده که حق نفوذ انگلیس بطرف منطقه بیطرف و حق نفوذ روس بطرف اصفهان و یزد (ظاهراً بعد از انقلاب روس ... تمام نموده بودند چون روس با انقلاب رفته بود حقوق آنها را در محیط حدود قرارداد لغو نمود) فقط در بیانیه روس نوشته که با ایران تحت حمایت روس و انگلیس قرار گرفته و معاهده ۱۹۰۷ ملغی ممنوع اعلام کرده ملغی و کنترل و حق دولتی در مالیه ایران جاری و نظام ایران نیز در قسمت شمال در تحت نظر دولتین خواهد بود ...

لکن ارتکاب معاهده سری بین دولتین خبر نداشت .

در این سال اسناد سیاسی دربار تزار از طرف (تروتسکی) وزیر خارجه بالشویک کشف و از آنجمله معاهده مخفی مزبور بود که :

در ۱۹۱۵ یک سال قبل بین دولتین منعقده کشته شده بود که مهندسان روس و انگلیس در ایران حقوق ایران را همراهی با نظریات منتقض نموده بخواهند دولت و ملت ایران را اشغال نمایند و در همان وقت هم در این دو دربار نقشه محو و فنای ایران کشیده شده و نقشه ۱۹۰۷ را که برای ایران از اول تقسیم بود اینک قرارداده شده بود و استقلال ایران را بکلی محو نمود برای همه و قرارداد تقسیم کامل ایران را با یک عجایب آورده بود که در کار در صدای ایران آن قرارداد را امر و کشف و بعد باطل نمود .

مقارن همان اوقات بود که انگلیسها لیست با محمره و اهواز قشون وارد نموده و بلافاصله رسم حوزه را بهم زده دل جاره دولت ایران در مسئله صلح نقض نمودند

از طرف وزیر خارجه وقت (مشاور الممالک) مورخه ششم ربیع الثانی ... مراسله در این باب بسفارت انگلیس نوشته شد در آن مراسله که سفیر وزیر دفتر نوشته ... قشون انگلیس را از عربستان و بعض نقاط که دولت انگلیس بتاریخ هشتم و نهم سلطان نهم ۱۹۱۴ اخراج قشون بشرقی بوده است یادآوری میکند در عدم هر خسارتی انگلیسها بحدود ایران نموده و همین اندازه مداخله این اغراض ملتهب .

ماه ربیع الاول ۱۳۳۳ کابینه مرحوم مستوفی الممالک در کار بیطرفی ایران که مدد از طرف روسها در یک حسنی و خطای بزرگی که از این فکری را در ایران اثر دولت ثانی شد حتی با تمام انگلیس هم ظاهراً بخطای بودن آن تصدیق داشتند نمود و در بیانی لنگیل کرد .

روسها در شهر بخارا بخانه شیعه ایرانی (لیطاک) را غارت کرده متجاوز از صد هزار تومان مال از آنها را تفقد و حمله نموده بعد چند از طرف سفارت هرگاه در این باب مکرر یادداشتها بدولت ایران رسید ... درانوقت حفظ منافع ایرانیان در نقاط اشغال شده بعنوان روس بعهده دولت آمریکا بود

از طرف دولت ایران نیز بر قسمیم اقدامات شده در نتیجه اقدامات وزیر امور خارجه بسفارت ایران دستور داد در محاذ روس جواب رسید که وزیر امور خارجه دولت روس بقونسولها دفعات اخطار کرده که در صورت صحت اظهارات مردم ایرانی خانهای شخصی را از چپاول حفظ میکردند .

درهمان اوقات روس شروع بجمع اسلحه کلیه ایلات سرحدی نموده و در مقابل سرداران جنگی شاهسون از قراریکه در اوایل این ماه بنام
هیئت نظامی حرکت خلع سلاح نمودند در شاهسون سرحدی بنام فراولان جدید وارد و تا این جنگی بکار برده انجام یکه فراول جدید بشب خالی کرده است
روسها دسته دیگر را هم که از آن نقطه وارد کرده بودند برده حبس نمودند .

از ارومیه در دوم ربیع الاول از اورمی رسید پس از آنکه روسها شاهسونها را محاصره نمودند چند نفر از شاهسونها تسلیم شده را در جوار
در شهر ایران واقع گردید چند نفر از شاهسونها مقتول و چند نفر هم از روسها مجروح گردیدند بعد از آن تحقیقات یک کمیسیون شاهسونها
تسلیم شدند پنج صاحب منصب که در شهر بودند گرفتار شدند و بعد چهار نفر ایرانی را که مجلس محرر سید طه و رئیس بودند روسها آزاد گردند
و هفده نفر هم از پنج صاحب منصب شاهسونی گرفته بودند بروسیه فرستادند —

در ماه ربیع الاول در همین ماه از تبریز خبر دادند که در دو روز قونسول روسی سی نفر سالدات فرستاده سید محمد خان حاکم را دستگیر نموده
حالیه در قونسولگری حبس است

در همین اوان قونسول روس مأمور جزء سعادالدوله را مورد حمله حرکت با خود همراه برده و او را حاکم خوی از طرف دولت
در این خصوص هم بطور دیگر اعتراض میشود

در تاریخ ۲۲ ربیع الاول از طرف کابینه اعتراض در خصوص بعض نقاط و حملات شده سربازان روس در مسکن ... و نقب
ارومی در حدود خوی و سلماس با افراد و ادات طراق تعدی و اعدام نموده و بعضی دهات تبریز را آتش زده بود
لذا تعداده مرحم وزارت خارجه سفارت روسیه ایران در اعلان قرار و هستانه روسیه با ادعات و اقدام
آن ضبط و در شروع حرکت ارومی و بهار ابراهیم نمره برده توپها را ضایع کرده اند از دولت روس اعتراض نموده ولی
حرکات را متوقف نمود و کلیه خسارات وارده از این راه را بعهده دولت روسیه میخواهند

اقدامات ترکها در ایران

از طرف دیگر در همین ماه اقدامات عثمانیها در حدود قصر شیرین و دولتیان و آذربایجان شدید شده عراق را نوشته اند که
صلحت و ... سرحد و ... سردار رفیق در خوی سلماس اداره داده و در شهر ها تقسیط ... ایران ... برده ... حمله میکنند در
حدود قصر شیرین جمعیت آن ... بهمراهی سالار بیک و قائم مقام خانقین و فتاح بیک ... و شیخ حمید محی الدین و شیخ
و دیگر که (سالارالدوله) بوده است داخل حدود ایران شده مشغول کاغذ نویسی بر روسای کلهر و ... ولی و والی پشتکوه
برای جلب مساعدت آنان شده و شیخ ... داوود ... شده و تبلیغات مشغول بوده برای ... از ایل عراق و خمسه
ترک آورده و از حکومت کرمانشاه (ابراهیم) بخش توبیخ نموده است که با ترکها در مقام جنگ بر آمده ولی قوای ترک
لطف فرزند بهمراهی مانند —

محمود مختص بیک با مهر اسعد از طرف فرمانده عثمانی مامور سنندج شده و در آنجا به تبلیغات پرداخته بود
ملکزاده سوار قریب ۱۴ ربیع الاول قرار کرد تا به مقصود داخل ... رسید — از قرار تلگراف ... سنندج روز اوایل محرم الحرام ...
تورباشی ... آن بیلاده باشته آمده در کیار زرد و خانقین برای اسلحه ... نفر ... آنها ... ایرانی ... همراه آنها ... در سه ماه ... چهار
منزل وارد از ... مذکور ... از آن ... (سالارالدوله) است جدی را میگویند ... و ... میگویند اسلحه
زیادی از بغداد برای آنها حمل شده است و ... ... در ... خانقین به (قوره تو) ... جمعیت ... باز
قائم مقام به (قوره تو) بر رود بطور تحقیق ... سالارالدوله را با ... بهمراه ... روانه کرمانشاه نمایند
از قرار اطلاعات ... ... میشود که ... و ... بعداد ... که ... در سرحد ... همراه ... کنند
از ... خبر میرسد که عثمانیها و شیخ ... و چند نفر ... ایران شده ... ... را از ...

مولانا و نشنیده ولی طرف اصراری حضور سرحد اغتشاشات بزرگی در میان اعراب حادث شده بعضی‌ها هم در سرحد قشون آماده کرده‌اند
دولت ایران در تاریخ ۵ ربیع الاخر اقدامات بزرگ را خبر شنیده به توسط تلگراف عثمانی مقیم طهران و هم توسط تلگراف ایران مقیم اسلامبول
پروتست نموده مخصوصاً در مسئله سالار الدوله که منتقل مراکز تحت قیر ایران و ... آمده و قرار شده قشون را ... دارد که
ایران بود حالا همراه خود عثمانی‌ها به ایران آمده و احتمال انقلاب بزرگ نام شاهزاده مزبور در دو این خصوص هم شنیده اعتراض شده و جواب
جوابی از اسلامبول رسیده بود که با تمام تلگراف ایران دولت عثمانی قرار داده در سالار الدوله را به (قونیه) تحویل داده آنها ایران
متصرف باشند.

باز در اواسط ماه ربیع الاخر راپورت رسید که متصرف سلیمانیه با عده زیادی عسکر وارد خاک ایران شده از راه سولدوز به
آذربایجان ... هم در طرف دیگر در این باب از طرف دولت ایران پروتست شد.

در این اوان قنسول عثمانی شهرارومی را ... از دسته‌ها سرزده نشدند ولی تا توانسته‌اند با مردم بدرفتاری نموده‌اند
دولت و چند ملت ... که سفیر عثمانی در تاریخ ۱۸ ربیع الاخر مجلس اظهار داشته و وزارت امور خارجه ... جواب
ارارومی را که ... مملکت ... طرف ... اطلاع ... العاده ... حقیقی ... ایران ... چند
قریه کلیسا ... بعضی ... دهات ... رجال ... مردم آن ... کرده ... که مسیحی ... سکونت
داشته‌اند ... واقع ... دلجویی ... کرده‌اند ... خبر ... نتیجه ... که مستخدم ... باب
بوده ... سرمایه ... رسیده‌اند
وزارت امور خارجه در این باب ... مذاکرات ... دارد که قطعاً تصمیم ... وقوع ... دولت ... از تاریخ
اتحاد ... سطور ... گردد ... حکم ... احوال ...
اشتمال ... مصالح ... سهل ... مذاکرات ... انتقال ... حقاً
و اصولاً ... اقدامات ... نتیجه ... وقوع ... دولت ... جبران تمام
خسارات ... طلب ... نمایند.

اقدامات انگلیس‌ها در ایران

در اوایل ... ماه ربیع الاول از طرف مأمورین انگلیس ابتدا اقداماتی ... صادر شد حتی مأمور ... آن
... اقدامات ... ایران را ... کرد.
... دیگر ... (نیلی) که ... در ایران ... در طهران ...
... نموده ... مدیر ... در ... گردن ... (عراق‌العجم)
... قرار ... مدیر ... خود ...
... از طرف مدیر ... عقد ... تلگراف ... بوده ...
... ایران ... – ... – ... قرار ...
... سابقه ... تصدیق کردند.
... سفارت ... قبول ... که دستور ... عثمانی رسیده و با
... تلگرافخانه ... .
... عثمانی در ... دولت ... مأمورین طرف
... نمود.

و در اصفهان تیر مهر ماه وارد شده و بدون اینکه از طرف دولت مشارالیه بدوا به اصفهان معرفی شده باشد شروع باقدامات نمود از طرف
دیگر شهر (لوتمان) آلمانی که سابق در تبریز مقیم بود از طرف تجارتخانه آلمانی مأمور [illegible] شده و در آنجا نیز شروع باقدامات و تبلیغات نمود
در فارس تیر بهمن (وسموس) قونسول آلمان در شیراز شروع بکار و تبلیغات نمود

در آخر فوریه [illegible] از طرف دولت ایران به [illegible]
آلمان مقیم طهران نوشته شد

[illegible]

دولت ایران [illegible] دارد که [illegible] محترم تصدیق خواهد کرد که [illegible] تجارت [illegible] در صدد [illegible] و تقریبا به اقدامات
[illegible] بعضی اتباع آلمان بعنوان اینکه [illegible] سفارت [illegible] را ایجاب نمود [illegible] دیگر [illegible] در کاشان و اخیرا
اصفهان اقدامات (لوتمان) در صدد [illegible] مخاطرات را برای دولت ایران [illegible] حال [illegible]
صحیح است که [illegible] حفظ [illegible] حقوق [illegible] دولت [illegible] هستند فرضا
که [illegible] از طرف دولت علیه ایران [illegible] آن [illegible]
[illegible] که [illegible] موقعیت [illegible] کرده

اقدامات انگلیسها

(سرپرسی سایکس) [illegible] انگلیسها شروع بتبلیغات نموده و برای [illegible] از طرف
ایران قشون [illegible] اعزام [illegible] کرده و [illegible] از [illegible] به بصره اعزام
داده و از طرف دولت ایران توسط [illegible] در [illegible]
[illegible] واقع شد [illegible] از طرف دیگر [illegible]
[illegible] و عساکر عثمانی [illegible] شده [illegible] ۱۴ و ۱۵ ربیع الثانی مطابق ۱۲ و ۱۳ برج حوت [illegible]
در [illegible] (املینیه) [illegible]
در [illegible] از طرف دولت [illegible] ربیع الاول [illegible] توسط [illegible] ایران [illegible] شده [illegible] انگلیسها را در وارد کردن
قشون [illegible] انگلیسها [illegible] و [illegible] خود [illegible]
در [illegible] : [illegible] انگلیسی
[illegible] قبول وارد کردن [illegible] حسارات
[illegible] انگلیسی و عثمانی [illegible] شده

[illegible]

در [illegible] ایران [illegible] اقدامات انگلیسها [illegible]
توسط [illegible] انگلیسها در [illegible] — [illegible] ۲۲ ربیع الثانی [illegible] رسید که :
[illegible] قونسول آلمان در [illegible]
[illegible] قونسول [illegible]
[illegible] (دستک) [illegible] (جانیپرت)
[illegible] خود [illegible] .

سمو و اسمرس قونسول جنرال انگلیس [illegible]

سومی [illegible] از اصفهان قصد شیراز داشته در [illegible] حیات داشته (کاپیتن قونسول) اعلیحضرت [illegible] را عفو نموده و اتفاق
به جانب [illegible] حمله برده خود [illegible] حمله قرار کرده از طرف [illegible] ولی تمام دارائی [illegible] را در ضبط [illegible] قونسول [illegible]
[illegible] آلمانی و دیگر [illegible] نموده [illegible] .

و نیز انگلیسها در [illegible] [illegible] قونسول [illegible] بصره گردیدند
از طرف وزارت خارجه در کلیه [illegible] وقایع و حرکات [illegible] انگلیسها [illegible] اعتراضات [illegible] انگلیس [illegible]
نوشته و [illegible] گردید

و اسمرس – شیراز [illegible] مانده از طرف [illegible] بوشهر [illegible] – بوشهر اجتماع نموده در علیه [illegible] اقدامات
[illegible] انگلیسها [illegible] آلمانی [illegible] از طرف ایران اعتراضات شدیده نمودند .

در ضمن [illegible] جواب [illegible] اعتراضات [illegible] دولت ایران مستر [illegible] پروگرام کابینه مستوفی
الممالک به مجلس آمده قرائت شد و بعد از [illegible] مجلس [illegible] اعتماد خود را به کابینه دادند

در روز [illegible] ۱۷ – ۱۸ ربیع الاول پروگرام کابینه مستوفی الممالک در مجلس خوانده شد و از طرف [illegible]
شد [illegible] پروگرام [illegible] خط [illegible] دیده نشده [illegible]
[illegible] کابینه [illegible]
[illegible] دولت ایران [illegible] مستوفی الممالک را
[illegible] ۲۴ ربیع الاول [illegible] مستوفی الممالک [illegible] ۲۵ مجلس [illegible] مشیرالدوله [illegible]
نمود .

تشکیل کابینه مشیرالدوله ۱۹ ربیع الاول
۱۳۳۳

پس [illegible] کابینه [illegible] ایران تشکیل و به مجلس معرفی شد کابینه [illegible] ۸ [illegible] مجلس
معرفی شدند

آقای مشیرالدوله رئیس الوزراء – مستشار الدوله وزیر داخله – ممتاز الدوله خارجه – مستشار السلطنه مالیه –
دکتر [illegible] عدلیه – حکیم الملک معارف و اوقاف – نصیرالملک [illegible] تلگراف – تجارت و فوائد عامه

در [illegible] قونسول روس [illegible] ایران

در تاریخ ۳۰ ربیع الاول [illegible] خبر داده [illegible] روس [illegible]
[illegible] شده [illegible] کردند .

در [illegible] آلمان و [illegible] ایران

[illegible] آلمان و [illegible] روس [illegible]
[illegible] قرار [illegible]
[illegible] از
[illegible] از طرف [illegible]
[illegible] از طرف [illegible] ایران
[illegible] شد .

مقدمه آمدن جیش رئوف بیک به ایران

صبری نام افسر ترک که شغلش مهندسی بود با چند نفر دیگر برای بردن نقشه سرحدی در اواسط ۱۹۱۴ به کوهستان
کلهر و سنجابی ها میآیند صبری و چند نفر از آنها بدست سنجابی ها که سرحددار [illegible] بودند و مانع از عملیات خود [illegible]
جنگ [illegible] میکنند مقتول میگردند

در این حکومت [illegible] آلمانها در کرمانشاه [illegible] مبارزات [illegible] را [illegible] و در [illegible] که در کابینه
[illegible] الممالک [illegible] (شیرخان صمصام الممالک) رئیس ایل سنجابی [illegible] تحریک با [illegible]
[illegible] وقایع [illegible] خطر [illegible] میشود

ماست راه اندازی [illegible] (کلنل آوداک؟) که [illegible] حدود [illegible] حدیث داشت که [illegible] را
[illegible] (مسیو [illegible]) قونسول آلمان که فعلاً [illegible] کارخانه [illegible] است — باتفاق کاپیتان
(کوتسون؟) فرمانده ژاندارمری [illegible] و [illegible] (الصدیق السلطنه) را [illegible] برای [illegible] صمصام الممالک
[illegible] سنجابی را [illegible] صمصام الممالک
رفته باتفاق [illegible] در سرحد [illegible] آلمان و ترکیه [illegible] در صفحه طرف ترکها فراهم کرده

از طرف ملت هم [illegible] سید [illegible] که همراه حضرات [illegible] که صمصام الممالک به [illegible]
میکردند در [illegible] ژاندارمری و [illegible] آلمان [illegible] که [illegible] داد [illegible]
منع کرده بودند لذا ژاندارمری و قونسول آلمان [illegible] در تعقیب [illegible] جیش رئوف
را با [illegible] نفر [illegible] و [illegible] نفر [illegible] در [illegible]
[illegible] (اپریل ۱۹۱۵) بود که [illegible] ایران شد

[illegible] ژاندارمری که در [illegible] بود [illegible] نفر [illegible] نفر [illegible]
[illegible] در [illegible] جیش رئوف [illegible]
[illegible]

[illegible] جیش رئوف را [illegible] اعلامیه [illegible]
از [illegible] جیش رئوف شروع [illegible] کرد

[illegible] سنجابی و کلهر [illegible] جیش رئوف حمله کردند [illegible]
در [illegible] شروع شد [illegible] ژاندارمری
در [illegible] ژاندارمری و قونسول آلمان [illegible]
[illegible] نفر ژاندارم [illegible]
[illegible] جیش رئوف [illegible] جیش رئوف را [illegible] 1
و در نتیجه [illegible] در [illegible] حکم [illegible]
[illegible] از ایران بود دید
که [illegible] جیش رئوف [illegible]
وقتی جیش رئوف را [illegible] ایران [illegible]
[illegible] نتیجه جیش رئوف [illegible]

1

[illegible] نفر [illegible]
[illegible] نفر [illegible]
[illegible]
در زمستان ۱۹۱۶
[illegible] صد [illegible]
نفر در [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] (۳۰)
[illegible] ۱۳۳۵
[illegible] ۱۲۹۵
است

علاوه بر سوارهای ژاندارمری
آنان قسمتی از قشون عثمانی هم
با آنها موافقت داشتند
بالواسطه ژاندارمها مشغول شدند در
کرمانشاه بهمدی خارج شدند
سوارها هم ژاندارمها به ایلات
در حدود هشت نفر بودند با
شاهزاده حسین

شمشیر را در سواره قزاقها بالکار برد و دسته کلی را القدر هم دشمنان نابود
و عشکر دولتی در کنهاور و همدان ایران شدند و قونسول آلمان عده سوار و جنگ جو را خود جمع کرده بود و بیش از بیست ادر دس ارایهر خارج
شده همدان رفتند سپس تحت قشون از راه کردستان و (تنگ سرداربند) و (تنگ برنجان) کرمانشاه بر عقب نشاند
این خبر که کرمانشاه رسید به قونسول روس و انگلیسی باشتیغ قزاق ایرانی و جنگ از راه ساید ادراز آنها از روس که مأمور حفظ آنست
الحمدالله تو بود عده به (تنگ سرداربند) فرستاده از طرف آلمانها هم عده سواره و عده هم مجاهد به تنگ سر فرستادند در آنجا مس
مجاهدین را از ارم و سوارها برگشتند و قزاق مستحفظ ایرانی در دسی رود حوزه واقع سوارها ژاندارمها شغو با شکست خورده بطرف کرمانشاه
عقب نشینی کردند قزاقها نظامی تعقیب بهادرانه مستمسک قرار داده بطرف کرمانشاه عازم شدند -
روز شنبه محرم ۱۹۱۵ بود دولت را بدانرمی از قصه سطیع در قهارها را حاکم کرمانشاه دسته عباس دانسته قسمتی از
دولت تو جو را خود بطرف تنگ برنجان حرکت پس از شش روز مبارزه در تنگ سر نو قزاقها شکست خورده بطرف تنگ سرداربند
عقب نشینی کردند
همین تنگ فوق لشکر خارج از منطقه عوث بود راندارمری دیگر تعقیب بهادرا صلاح ندانسته بود هیچ سردار رسید کردستانی
با چهارصد سوار و قشت کرده بطرف کرمانشاه رحیب ملهد

تشکیلات چریک ساتم (نادری)

بنام هر کور تشکیلی در کرمانشاهان تحت ریاست اکبر میرزا قهرمان لور دو بعد شد بده تنها از سوار و پیاده تا هزار و سیصد نفر رسید
این تشکیلات در ۱۳۳۳ شروع و بعداً به جهت ابرا انتها به تعبیر اوضاع کرمانشاهان برهم خورده منحل گردید

استمرار من عشایر عوش در ۱۳۳۳ ق

استمرار در این تاریخ بین عشایر عوثی بوسیله تیمر راندارمری عوش و (توتمان) اتفاقی در کار راه ایران ماهی دشت بین راه
این سنجابی قلخانی - کوران - کلهر منعقد گردید که اطراف هر کور تراع ... اتحاد را ترک کرده در یک وقت از
ردسی) جنگ با نجاعه مرور تر دفعات سکش برد سپاه وارد آوردند -
بعد از رفتن (توتمان) از کرمانشاه سردسور تراع از طرف تنها مأمور کرمانشاهان شد

بعد از تشکیل حکومت برقی در کرمانشاه

سیر (للدون ژی) سمت تقریباً آن همراه کرمانشاه وقت فقط شخص در کرکیه دارای تجارت است
سی از رفتن (ترتیس رایس) از طهران
که شخص هر کور تقریباً جرأت آشنای در طهران بعد دسته از ماتحت رفتن دیگر با تنها بطریق تقریباً تقریباً نفرستادند فقط (
للدون ژی) را بعنوان کار روار فرستادند در کرمانشاه بعد تقریباً شد

در تاریخ غره جمادی الاولی ۱۳۳۳

قرا [illegible] مامور سکنی ایرانی طرابس بوده که انواع تعدیات را نسبت برعایا و اهالی اجرا نموده که جنرال قونسول مشهد
در مسافرت خراسان کارگزار طهران را مطلع از این امر نموده و گفته است که حاکم قوچان خودسرانه بدون اطلاع اولیای امور اقدام نموده
و حمله [illegible] کرده است که چهار نفر اسیر طرابسی را که گرفتار شده بودند [illegible] قوچان توقیف نموده بحکومت محل تسلیم نماید که توسط حکومت
ایران تسلیم مامور سرحدی روس بشوند. بکارگزار تعلیمات داده شد که تسلیم اسرا از حکومت محل قبول ولی تحویل آنها را بمامورین سرحدی روس
نپذیرند ولی [illegible] جنرال قونسول اصرار دارد که در اجرا [illegible] بکارگزار تاکید شد که فوراً تغییر حاکم قوچان را [illegible] نماید در طهران هم
بسفارت روس مسطوراً نوشته شد.

در تاریخ سوم جمادی الاولی [illegible]

در باب اسرا اکراد [illegible] نموده اوراق [illegible] اقدامات بعضی از مامورین روس را اخطار [illegible] قرار شد سلطان [illegible]
بطرف [illegible] المحروسه [illegible] مامور [illegible] ایران و [illegible] در کار مجبوری در یک نقطه
تحت نظر [illegible] بسفارت هم مسطوراً [illegible] فرستاده [illegible]

(در [illegible] ایران [illegible])

معدالک [illegible] از عبور اسرای [illegible] بوده [illegible] از طرف روسها [illegible] گردیده و بعلاوه از دهات قوچان
[illegible] و [illegible] که [illegible] و [illegible] اسب [illegible] خود اثبات نموده [illegible]
اسلحه [illegible] و [illegible] از طرف [illegible] که [illegible] از طرف [illegible]
[illegible] نموده [illegible] ترتیب داده [illegible] کارگزاران
هم که در [illegible] حرکات روسها و [illegible] موافق تعلیمات [illegible] نموده در [illegible] ایران [illegible] طرف
[illegible] روس و [illegible] واقع بالاخره [illegible] کاملاً [illegible] گردید.

[illegible] حسن رئوف بیک

در حدود [illegible] و [illegible] شده و ([illegible]) [illegible] بوار [illegible] آنها [illegible]
ملکی [illegible] قرار [illegible]

از طرف دولت [illegible] عثمانی [illegible] طهران نوشته شد بواد [illegible] حسن رئوف بیک [illegible] و [illegible] حرکات
[illegible] کار [illegible] ایران [illegible] شد که دولت [illegible] خود نموده
و [illegible] حسن رئوف بیک [illegible] عثمانی [illegible] که در [illegible] شده [illegible] و [illegible]
اقدامات عثمانی [illegible] دولت را در [illegible] ایران از [illegible] روس [illegible] نمود [illegible] شد که در
رفع این حرکات [illegible] دو [illegible] و [illegible] اقدام نمایند.

در تاریخ [illegible] جمادی الاولی [illegible] ایران [illegible] رسید [illegible] خود را با صدر اعظم عثمانی
[illegible] که [illegible] و [illegible] و [illegible] اقدامات نموده
بودند [illegible] شده بود که دولت عثمانی [illegible] عساکر [illegible]

در تاریخ [illegible] جمادی الاولی [illegible] که حسن رئوف بیک [illegible] داده است که [illegible]
الممالک [illegible] بیک و چند نفر [illegible] عثمانی [illegible] و [illegible] سرحدداری [illegible]
سردار [illegible] و چند نفر [illegible] حسن [illegible] آنها را [illegible] نمایند.

و حکومت کرمانشاه تقصیر ایشان [illegible] اطلاعات بمأمورین ما ترتیب کار را داده بود والیه [illegible] ۲۳ شعبان سردار رشید [illegible] جواب بفوره

فوریه قصر را اشغال صمصام الممالک را توقیف خواهند کرد و در جنگی که تفکار برادر ایرانی گفته بوده است که دولت عثمانی مرا در این سرحد

محارست ماموریت داده که [illegible] اقدام بجزائیم میکنم .

از طرف شهر حسن رئوف بیک مرحوم [illegible] از ... سرتیپ (طایفه) و (مادر سردیسی) که سه سال بوده ما

ماده لوری بمعدل نقطه و عوض [illegible] در نزد خود نگاه داشته و اسرار قلعجانی را از بنجود جلب نموده است .

راپورت دیگر میگوید حسین رئوف بیک جمعیت زیادی از عشایر و نظامی عثمانی و قسمتی از طوائف ایرانی [illegible] کوهستانی

دوره قانه زیادی [illegible] و بمعدل نقطه حاضر کرده [illegible] از (حیاف) [illegible] جمعیت دارد و [illegible]

تفکار برادر [illegible] حسین شده [illegible] حکمران کرمانشاه [illegible] جوابی کرد

از طرف [illegible] ایران [illegible] شده که قسمتی از آنرا درج میکنم :

اساساً تجاوزات عثمانیها در ایران از روی تاریخ و تجربه [illegible] که از نقطه نظر خود این تجاوزات را در بهار

و حدوث [illegible] عثمانی [illegible] ایران [illegible] ممالک اسلامی این طور

در آتش [illegible] حدود [illegible] کرمانشاه [illegible]

و بعکس [illegible] عراق را [illegible] اشغال نمایند [illegible] عثمانی [illegible]

[illegible] اقدام [illegible]

و [illegible] عثمانی [illegible] واقع کرده [illegible]

اسلام [illegible] صدراعظم [illegible] حسین رئوف بیک [illegible] حرکات

و تجاوزات [illegible] حدود غربی ایران است [illegible] نمود .

در تاریخ ۲۳ جمادی الاولی تلگراف ذیل از حکومت کرمانشاه رسید :

امروز [illegible] تلگرافی حسین رئوف بیک کرده ام که [illegible] از قصر

رسید که عثمانیها [illegible] محمد [illegible] را [illegible] محمد [illegible]

در قصر بوده [illegible] صمصام الممالک [illegible]

قصر [illegible] نمیخواهند .

در تلگراف [illegible] قصر را اشغال کرده [illegible]

در [illegible] حسین رئوف بیک [illegible] واقع بود

روز ۲۵ جمادی الاولی از کرمانشاه راپورت رسید که :

اردوی عثمانی وارد قصر شده صمصام الممالک حاکم قصر [illegible] نموده است .

[illegible] در [illegible] و اطراف شهر

تلگراف [illegible] اطلاع [illegible] که [illegible] اطراف [illegible] مخصوص

تلگرافی هم [illegible] رسیده [illegible] دارد [illegible]

دولت [illegible] و [illegible] نخواهد باشد .

در تاریخ ۲۵ جمادی الاولی تلگرافی [illegible] ایران [illegible] از طرف وزارت خارجه مخابره شده [illegible]

[illegible] (کمیدل) و (قوره تو) [illegible] ایران را از طرف [illegible] عثمانی [illegible]

راه هفت نفر دیگر بیک رئوف بیک که گریزند و در بیابان می‌شوند تا هر درجه با نفر عثمانی مذاکره شد که مسئله قتل بوریانی دوست
عرض مملکتی است بوسیله یک کمیسیون مشترک تسویه نمود شده به نسبت اینکه امیر مفخم تحریک بعضی‌ها سرحدداران قبیله عصور را تعقیب و از قتل که
حکمران کرمانشاه و حسن رئوف بیک با یکدیگر در قصر ملاقات و اختلال را تسویه و تعهد نمایند الوقت هم در ورود شدن رئوف بیک از
سرحدداران شده امیر مفخم و صمصام الممالک سنجابی که رئیس قراسوران حاکم سرحد و متعلقات الحدود تا و علاوه شد اینها مریانشاه برادر
حرکت بهناط نفوذ تأیید نیز ملازم خطراتی را قطعاً متصرف مملکتی است که قلعه سحیت نکنند و بلافاصله تحریر زدن و خورده و ملوقعه مرخصی کردند دالاحمده
تا رتصار حیث رئوف بیک از سرحدداران خاطرنشان و تکلیف شده بود

راپورت از کرمانشاه بمورخه دوم جمادی الاول

بعد از تحقیقات عمیقه و اظهارات حسن رئوف معلوم شد از نفر عسکر عثمانی در قصر و قوره تو طرف کلهر وجود دارد و هزار نفر دیگر
هم تا سه چهار روز دیگر از طرف سرحد وارد خواهند شد ملاقات حسن رئوف بیک با اهالی و تکفیر نزاع سنجابی نهایت مقصود اصلی است
که این عساکر عثمانی دخول خاک ایران و کرمانشاه در آیند اگر از طرف دولت اجازه داده شود ... ولی اگر اجازه داده نشود حسن رئوف
متجاوز از طرف کلهر و (قلعه سبزی) و (قوره تو) که قبیله هجوم کند صلاح هم طایفه کلهر با رئوف بیک متفق و جمعی از عشایر عثمانی را داخل
کلهر نموده که قسمتی هم از قلخانی‌ها هم با رئوف بیک متحد اند

در تاریخ ۲۷ شهر جمادی الاول از طرف وزارت امور خارجه در نتیجه شکایت سرکرده لشکر عثمانی مرخص شد حیران ارتش
مادی و معنوی وارده و دو ماه مشغولیت و جواب بکشش از قوای عثمانی طلب کردند و ما به سلطان بول تلگراف تمرکز صادر شده در جهت قوای رئوف
بیک تقاضا شد

در تاریخ دوم شهر جمادی الاخری راپورت ذیل و سواد ذیل از کرمانشاه رسیده بود :

سواد مکتوب ابراهیم ادهم بیک ترک

ابراهیم ادهم بیک باقی از حکام مداخل ترک تسلط نها و رؤسای ایل قلخانی و گوران ملتمس شد
حضرت جمال عموم سلاطین و رؤسای کرام طایفه گوران که حامی ملت اسلام و دولت علیه عثمانی دارایند رحمت بسیار
بواسطه اینکه امیر مفخم حکومت تحریک دولت انگلیس حسب سردار نصرت رئیس ایل کلهر و جدید نفوذ از سلاطین طایفه گوران را
حبس کرده از طرف دولت علیه عثمانی الیحاصل دعا نصید تقریر و باده نظام دولتی برای کمیلان و سایر طایفه کلهر آگره حضرت
حکام مداخل کل با پیش هزار نظام و مجاهدین عراده توپ تر الیوار و ۹ سپتامبر سنه پنجشنبه از قصر و قوره تو برای
قصر شیرین حرکت خواهند کرد از طرف حضرت حکام مداخل کل با جهت امر شده که بعموم شما اخطار شود از طرف شما هم
حضرت حضرت حکام مداخل کل بهم عنوان شده که روز معین تمام وارد نمایند طاق و بانبوطاق را بگیرند که از طرف قصر شیرین
اردوی منصور فاتح طرف سرپل خواهد آمد بحول و قوه حضرت حق تعالی به دلخواه را از شما بیرحم و چموش رکاب ملازم
بشنوند از این کار شنید صحیح نیست از هر طرف حرکت است یک ورق حکام ببطحه حضرت حکام مداخل از شما ارسال داده شد.

(حکمران ابراهیم ادهم بیک)

راپورت‌های دیگر از حکمران کرمانشاهان رسید که عثمانی‌ها وارد قصر شده بنای عمارت و حرکات دیگر کرده که جمعی از اهالی
قصر و کلهر سنجابی که در اینجا اقامت دارند بنای قرار کرده سربازی آمده تعظیم نمایند که اردوی عثمانی چند نفر از اهالی را در قصر مجبوس و
دارائی‌ها و بهائم را غارت و شهر نقیبان کرده اند بعد ده رعایای دالاش (قلعه سبزی) را هم غارت کرده اند

راپورت دیگر مورخه چهارم جمادی الاولی

از قرار مذکور عشایر عثمانی امروز وارد کرند شده‌اند و به سمت کرمانشاه خواهند رسید و این که شنیده‌ام هم فردا وارد کرمانشاه خواهند شد اهالی
عموماً در اضطراب اند مخصوصاً حرکات انگلیسی‌ها که تا کنون روس و انگلیس از کرمانشاه خارج و اهالی رفته‌اند (لرستان)
انگلیسی‌ها در شهر برعده سوار خود افزوده از طرف دیگر (۲۵۰) نفر برعده قشون روس مقیم قزوین زیاد شده
و از طرف روسها مبلغی از این مقیم قزوین تقسیم شده که پول ایران تنزل کرده.

از طرفی هم والی پشتکوه و سردار ایران صریح گفته بوده است که این حرکات حسن الروف یک خود را نه است خود را
یک هم گفته است که من این درست خود کار نداریم و در حرکات آزاد بوده و مخارج آنها خواهیم داشت
از طرف دیگر هم شنیدم سردار بختیاری و اهالی سنجابی و جمعی ایلات کردی و لرستان ها و سردار مقیم حاکم کوران و سردار مظفر امجد
که هر چند نظر او این دولت در حال بی‌طرفی بوده حکومت مرکز با وضع حاضره در امور سر در در حفظ کرمانشاه ما چه دلیل تصرف
و از طرف عشایر عثمانی خبر جوابهای غیر منتظره شنیده شده و انگلیسها دست زیاد رسیده.

مذاکرات مدیر نوبهار با یک نفر لیدر عثمانی در طهران

مدیر نوبهار به مناسبت حمایت عالم اسلام گاه گاه ملاقات با هم یک نفر لیدر دولت عثمانی مرتب داد و یکدیگر دقیقه
رفت یک غرض اعلام نموده بود جناب لیدر صحبت نموده و مقاصد حرکات را از جانب آنان می‌شمارد در حال
اظهارات مدیر نوبهار فقط این طور اظهار میدارد که:

مقام خلافت اسلامی با فوق مقام ها است باید تمام عالم اسلام را هم آواز نمود تمام عالم اسلام با یکدیگر ملحق شوند فقط ایران
مثل یک دیواری در برابر حرکات وحدت عالم اسلام حائل است — اگر ایران با ما هم آواز شود وحدت عالم اسلام
و باید مقام خلافت شود ما مایل هستیم که این دیوار را از پیش برداریم ....
اتفاقاً که جلسه جلسه آخری بود که مدیر نوبهار بزرگ فصل ملاقات شعر محترم را نقل کردید.

علت انقلاب و هیجان در فارس

در این موضوع حمایت عمومی در فارس تحریک کرده و هیئات خود ستایانه و خطاهای فحیح انگلیسها در بوشهر و بنادر جنوبی شکست داده
شده و تسلیم مستعد سلطنه در نقاط فارس در این ایام از حرکت اظهار نمود در تهران به اشکال کار افزوده و بعلاوه فارس
که شرح آن را اقلیم داده کرده‌ام ملکیان سیاسی یک و نقاط مهم کنند برای حرکت را در اطراف
وارد کردن قشون انگلیسها در حیر [illegible] رود خوزستان و عشایر دوان جهادیه در حدود جنوبی و اعزام بار سوم (هو تنت)
انگلیسی و تنگ دیگر از ارتباط میان محمره و اهواز با آبادان سپر (بیمان) قنسول انگلیس و مدیر تجارتخانه تهران موسوم
به (فون هوکس) در بوشهر یکی از یک دیگر آنها نیز موسوم (وسموس) در حساب و ضبط تمام اموال
و تصاحبات دارائیهای آنها نوده تمسعه به تعدی فارسی و جنوب ایران که شرح هر یک در محل خود مفصل ثبت است
و در مجلس ایران عشم شدن تاریخ ۲۵ ربیع الاول حرارت زیاد شدن متکرات دیگر را

در جواب ملکاتات دولت متاره ملحاذ

[illegible] .... و غیره ..... زیارت

مذاکرات مفصل که مکرم سکوی به مدل است دولت عثمانیه را با تفقد صلح عثمانیها و عشایر مطلع نموده‌ام هیچ فرصت برای
جلوگیری نکرده و اگر عثمانیها حمله بیاورده بوده‌اند با هجوم قشون وارد نمی‌کردیم ما اکنون اگر قشون را نبریم از نفوذ عثمانیها
چه جلوگیری خواهیم نمود تا اقلیت تشابه کنی به لطف الکرام قوه حفظ خواهیم.

۱۳۱۷

در باب اینکه قشون [illegible] سپاه [illegible] کار نبود آنچه لازم بود گفتم [illegible] دولت علیه نموده یا خواهد نمود ملاحظه
نفرمایند که استعداد [illegible] اندازه [illegible] عشایر و غیره در اینجا آماده نموده اند [illegible] عرض نمود فقط همدان طرف کافی نیست باید تهیه دیده شود
از حفظ ایران که مملکت [illegible] میدان جنگ نشده [illegible] طرف [illegible] خود بدهند [illegible] نقطه میدان جنگ شده
محل خطر است .

(مهدی)

[illegible] نطق [illegible] دربار [illegible] که در جواب [illegible] ایران گفته [illegible] طلوع داد [illegible] بود که
[illegible] قرارداد [illegible] حاضر نموده [illegible] را [illegible] خواهند [illegible]
[illegible] کارانه [illegible] ایران بود که
[illegible] مانده و مملکت [illegible] از خطر [illegible] شده بود

در عین حال از طرف [illegible] سرحدات [illegible] در خصوص [illegible] انگلیسها [illegible] ما از [illegible] را
[illegible] نگاریم

[illegible] آلمان وزارت خارجه

سورقه ۲۳ ربیع الثانی

[illegible] خبر رسیده است که (لیمان) [illegible] آلمانی [illegible] (قول [illegible])
[illegible] عثمانی [illegible] اظهار [illegible]
[illegible]
[illegible] آلمانی [illegible] لیمان [illegible] است که [illegible]
[illegible] است [illegible] را فراهم سازد

(فن کاردلف)

از طرف انگلیسها [illegible] وضع [illegible]
[illegible] ([illegible]) [illegible]
[illegible]

[illegible] ([illegible]) [illegible]
[illegible] ([illegible]) ([illegible]) ([illegible]) ([illegible]) بوده است که
[illegible] مملکت [illegible]
نمود

[illegible] نوشته بود که [illegible]
[illegible]
[illegible] ([illegible]) [illegible] ایرانی را [illegible]
اظهار داشته است که [illegible] انگلیسی [illegible]
[illegible] داشته است [illegible] نموده است که [illegible]
[illegible] ([illegible] انگلیسها)
[illegible] ([illegible])

با ملاحظه این مخاطره را حس می‌نمودند که اجازه خواسته است تمام نوشتجات سربسته و محرمانه خودشان را تفتیش [illegible] هیچ [illegible] در فارس
سوئدی‌ها است و معلوم نیست که با واسموس همراه و همدست شدند و شکی نیست که [illegible] فارس هم با آنها متحد شده‌اند بنابراین اعتبار
اطمینانات دولت ایران محلی ندارد و هرگاه این قبیل وقایع در [illegible] نقاط ایران مجبور خواهند شد که با روس و انگلیس داخل جنگ شوند و
ملاکان [illegible] نیست که [illegible] و مهمات که [illegible] و محمره وارد شده آنها [illegible]
ولی [illegible] ایران وارد شده قسمتی را [illegible] قسمت دیگر [illegible] در محمره است [illegible] را فرستاده
اسباب [illegible] ایران خواهد شد [illegible] قرارداده اسباب [illegible] ایران را تهیه کنند
در ملاقات [illegible] قونسول شیراز خبر رسید و واسموس وارد کازرون شده مشغول تحریک [illegible] از طرف [illegible]
اقدام [illegible] است [illegible] حکم بود که از [illegible] جلوگیری [illegible]
[illegible] را قبول ننمایند .
ملاقات دیگر قونسول شیراز حاکی است که [illegible] کازرون در تحت ریاست شیخ [illegible] تجارتخانه [illegible]
[illegible] داده [illegible] کازرون [illegible]
[illegible] کازرون [illegible] دولت ایران حکم کند [illegible]
را قبول ننمایند و محاکم و [illegible] دستور داده [illegible] حرکات جلوگیری نمایند .
[illegible] انگلیسی‌ها از دولت ایران [illegible] در اینگونه موارد دولت ایران [illegible]
است [illegible] ولی در [illegible] انگلیسی [illegible] ایران [illegible]
دولت ایران [illegible] انگلیسی‌ها [illegible] صحیح است - مؤلف)
نظر انگلیسی‌ها [illegible] شیراز [illegible] فارس [illegible]
[illegible] انگلیسی‌ها [illegible]
[illegible] اوائل ماه نوامبر ۱۹۱۵ [illegible] انگلیسی‌ها [illegible]
[illegible] که تمام فارس [illegible] فارس را [illegible] آماده نموده بودند
دولت ایران [illegible] اطلاعات [illegible] اطلاع [illegible]
[illegible] انگلیسی‌ها [illegible] واسموس [illegible] فارس [illegible]
انگلیسی‌ها را فوراً اطلاع داده [illegible] حرکات واسموس [illegible] جلوگیری [illegible] حوادث [illegible]

در تاریخ [illegible] جمادی الاولی

ملاقات دیگر [illegible] شیراز [illegible] «واسموس» در شیراز [illegible]
[illegible] حرکات [illegible]
تحریک و دعوای مردم [illegible]
در جواب اظهارات [illegible] آن [illegible] فارس [illegible]
[illegible] فارس رسید [illegible] انگلیسی‌ها [illegible] فارس [illegible]
[illegible] جمادی الاولی [illegible]
[illegible] فارس رسیده [illegible] .

ملاقات صبح مخبر السلطنه والی فارس

اینکه در شیراز دیموکرات نوشتجات بر ضد ما [illegible] و غیره منتشر [illegible] اطلاعی ندارم اما آنچه در خصوص دیموکرات نوشته‌اند پس از اینکه دیموکرات وارد [illegible] شد [illegible] مصلحت نداشتند [illegible] آنچه [illegible] دیموکرات را از جهت حفظ [illegible] حقیقت [illegible] و ارتباط [illegible] طبیعتاً [illegible] شد [illegible] مخبر السلطنه را [illegible] در مسئله [illegible] دیموکرات [illegible] کرد [illegible] دادم [illegible] در مسئله [illegible] لکن شرح [illegible] خود [illegible] ملاقات [illegible] اطلاعی ندارم — ضمناً اطلاع داد که [illegible] دور [illegible] منزل [illegible] قبول کنم [illegible] بود وقت.

در باب [illegible] (کاپیتان اورتیس کرن) از (پرادیس) سؤال کردم [illegible]

قطعاً [illegible] در کار [illegible] که سابقه [illegible] کار کردن [illegible]
و اعتماد [illegible] خیلی [illegible] (پرادیس) [illegible] فرمایش [illegible] مردم [illegible] صحیح [illegible] کرد
اوراق [illegible] که [illegible] حالات [illegible] است — [illegible] دیموکرات [illegible] کرده [illegible]
[illegible] مردم [illegible] دیموکرات [illegible]
و [illegible] خبر [illegible]

سرحد در باب [illegible] مردم [illegible] ملاحظه [illegible] شرط [illegible]
اصلاح [illegible] است

[illegible] ابداً [illegible] در فارس [illegible] صلاح [illegible]
[illegible] تحریک مردم [illegible] است [illegible]

[illegible] اوراق [illegible] خبر [illegible] با ایران [illegible] بود
اما در باب [illegible] گفته‌ام که ایرانی [illegible] از مصالح ملت — [illegible]
[illegible] محمود [illegible] خود [illegible] — در [illegible] ممکن است
[illegible] در کار [illegible] که [illegible] ایران را [illegible] گرفت — [illegible] در
این موقع که [illegible] اسلام [illegible] مردم [illegible] ایران را [illegible] شد [illegible]
که بعضی اوراق [illegible] مردم [illegible] مملکت [illegible]
[illegible] بود [illegible] از مردم [illegible] که در این موقع [illegible] کرده‌اند
خود [illegible] از [illegible] مردم [illegible] است [illegible] خارج [illegible]
[illegible] جنگ [illegible] بیش [illegible] پس در صورت
[illegible] که [illegible] طوایف [illegible]

[illegible] اما [illegible] است [illegible] ایم

با اعلیحضرت ... مردم از اظهارات ... در اثبات دعوی خود جرم زده و از نظم تمرد خواهند کرد حضرت
بعد سرحدی ارومی سیاست حرب عثمانیها ذکر کرده جمعیت خود را در پس خط وسیع داده صورتی از اوراق جهاد و چند مکتوب و غیره را
فرمکلح و معاهده دانسته و در خانه سرحدی جهار ... کتاب و کاش ... اوراق ضایع نموده دستخطهای مرکز خود را با داوری و عدم ... خود را
نماید ... فارسی جهار رسیده است

در تاریخ هفتم جمادی الاولی

تلگرافات مفصلی از طرف علما و اهالی و اصناف تبریز مخابره ... ارکان و ... حرکت ... قشون و سالار ... شده بودند
حرکات ... عثمانیها را در خصوص ... قونسول ... عرض ... خود را ... حصول ... ایران ... دولت ...
یاد داشت نموده تلگراف دیگر هم ... انگریک و ... در اظهار ... ارومیه ... عثمانیها ... نموده ... در
در بعضی اوقات ... مطابق ۸ - ۹ - ۱۰ جمادی الاولی بود که ... قریه ... در ... قوای خود را ...
در ... و ... از طرف دیگر عثمانیها ... مطابق ... پیاده ... لاه ... تبریز ... اند

در تاریخ دهم جمادی الاولی

۱۳۳۳

تلگراف مفصلی از طرف وزارت امور خارجه به وزیر مختار ایران مقیم لندن مخابره و در ... قرق ... طرفین ... می‌شوند
... اول ... چند مبلغ ... وزیر مختار روس ... در این موضوع ... و در خلاف ... انتظار از طرف —
(...) عرض ... مذاکرات شده و ... در ... مسلک ... ورود قشون ... بنظر ... بنمود —
در ... مجدداً عثمانی ... دهات ... خود را که ... از آن ... ایران ضد ... داشته ... همت
داده ... و ... ورود قشون روس را ... اعلام ... حقیقت ... خود ... در ... تبریز
و ارسال ... در حدود ... راه ... (...) ... شهر ... و حال ... اگر ... نبود
... بلا ... نمود ... عثمانیها ... دارد ... که ... تجارت و ... قرار ... است
... در حفظ بیطرفی ... است ... دولت ... عثمانی ... روس ... دولت را ... روز بروز ...
و ... با ... قوای ... دو ... رشته ... روس دولت ... مملکت ... بیش ... مسلم است که ...
... که ... از طرف دولت ایران پیش ... شده ... روس و عثمانی خواهد بود ... بواسطه
وزارت امور خارجه ... دولت ... طرفین ... نماید
... و ... ایران ... فارس دارد ... است
... عثمانیها از ... که ... موافق ... خود حفاظت ... لند
... امروز ... متوجه ... که ... مصادف با ... عظیم
خواهد بود ... خصوص ... اگر مقصود ... و ... را
در حفظ بیطرفی که در صلاح خود ... هم ... باید ... دولت ... دکار ... کنند که ... به
اعتبار را از دست دولت ... دولت نبرد

(مستوفی الدوله)

انگلیس و ژاندارمری

از فحوای سند حاضر که اینک در مقابل ماست تغییر سیاست انگلیس را در ایران تحول احساس کرد آن زمان انگلیس در تعقیب مقاله ۱۹۱۵ که سفارت انگلیس و سفارت روس در ژاندارمری کابینه ولی بیک ازبک در بدو بکار آمده سیاست خود را عوض کرد قبل از عقد این مقاله که ظاهراً ۹ ماه بعد از فتح پارلمان ایران بوده انگلیس ها در تقویت ژاندارمری - خروج قشون روس حفظ بیطرفی ایران مساعدت با مستوفی الممالک رئیس الوزرا - کوشش داشته در این باب (سر والتر تانلی) تحولی موافق قضیه دادار جهد کابینه های مستوفی الممالک و در کابینه های عین الدوله سوم بار سر والتر سردار محترم با اهرامی بطرف حقوق ایران و آزادی روس در منطقه خود بکار بسته (سر والتر تانلی) تغییر نموده و با رسیدن پول ژاندارمری فراهم نمایند بر بد بها شدن - (با لیمارس) از ایران خارج ژاندارمری را برای تحکیم هر چه بیشتر خلاف بیطرفی انگلیس در فارس دعوت قوای خارجه با والی نقدی در فارس به تهمت غیر موجود در مرحله سوم در خروج قشون روس باز دیگر - اثری و قدمی از طرف انگلیسها مورد سوء ظن واقع نشد.

(سر ادوارد گری) در تلگراف به سفیر انگلیس گفت که حمله از آن بی پول ژاندارمری ایران بالاخره متحمل خواهد شد چگونه با مساعدت با آن ادارات تحرک نکرد!

دستور (لرد کرزن) زبان جنگ برآمد - سر ادوارد گری بموجب اساس ژاندارمری در رحم دیپلماتهای دیگر عدم مساعدت و اصرار در صدد با صاحب منصبان سوئدی بر دولت خود نمود

خیانت ایرانی ها بر توطئه ها تقویت نموده و با اینکه دولت انگلیس تحت نظر یک را برای ادارات بود و ژاندارمری اختصاص داده بود از طرف مامورین روس و انگلیس در نقاط مختلف ایران ژاندارمها را تعقیب نموده از طرف آنها هم قوه لازمه فرستاده نشد حتی پس از تنفیذ قانون ۲۳ جوزا - دولت جارات خزانه داری تا حدی تا بحدی دیده شد که در روزنامه ها مامورین مالیه های بلژیکی را گرفته و بیشتر در مصادره و تعدی مالیه فرود آمد و در مقابل آنها آن مفتی فرقی بین ژاندارمری و همراهی نکرد و در زمینه تعلیمات ژاندارمری از اینکه گردن کشان تجاوز نموده در دولت در ایران بیطرفانه وقت را ژاندارمری دعوت عدم مساعدت روسها و انگلیسها منجر شده در شکایات فقر و فاقه و عرایض در شهرها انعدام و بر آن گرفتار شده حتی مستوفی الممالک بار دیگر کار نبود از حسب خود مقام رئیس الوزرائی را داده ولی بالاخره این رویه غیر عملی و فلاکت روی کار آمد و این رشته منجر به تخریب اداره و تهدید نظام است آنگاه حرکت تا شد ژاندارمری در مقابل مداخله انگلیس و روس حیثیت ایران برای این حیات خود با میلیون ها تومان ادار کردید -

سقوط کابینه عین الدوله

عین الدوله با همان نظریات روس که در تشکیل کابینه های دیگر شد و تعقیب شده بیش سردار کرام آن نیز تمایل آینده و همان نظریات را تعقیب نمود و حتی استدلال کرد که با موافقت شاه انگلیس تا اندازه در خروج قشون روس و تعیین یاری جلوگیری نماید ولی دراولین فرصت با موافقت جدی (تانلی) مصادف گردید

در جلسه روز ۱۳ ماه جمادی الاولی بود که عین الدوله سردار کرام خود را که زوج آن بیش از حفظ بیطرفی و صلاح ادارات دانسته یک قوه نظامی در تعقیب راه ارزی بود تمایل کرد و نمی خواهند سردار کرام از طرف سفیر انگلیس و روس تقاضا شد و کابینه مستعفی و کار شغل کرد.

قانون ۲۳ جوزا نیز در جلسه پنجشنبه غره جمادی الاولی در مجلس جلسه طولانی القوه شده بعد کابینه گرفتار شد بر روش دخالت که یک از آنها در دست گرفتن امور مالیه و تهیه قانون تعهدات مالیه بود.

و سپس تهیه پول برای راه‌اندازی و دیگر مراکز، با نورد خارجه در باب تخلیه ایران از قشون، تا حدی الحق با جدیت هرچه تمام‌تر ولی
چندی حمله و جلوگیری شد

قانون استقدام بلژیکی‌ها به صورت از طرف سرالدوله تهیه شده و به مجلس پیشنهاد شد - مسئله راه‌اندازی و حفر کانال‌های جدید
شد ولی و آن عدم مساعدت روس و انگلیس خاصه انگلیس بود با آن که راه‌اندازی - انگلیس‌ها پس از آن که سیاست خود را
در ایران عوض کرده و تصمیم بر اشغال منطقه بی‌طرف شدند خود را ناگزیر دیدند که زمینه خودبینی راه‌اندازی را که برای
ها در زمینه و تصدیق‌ها رسمی در انتصاب وجه اداره و متعهد بودن آن به تجارت انگلیس از طرف خود تا این سرحد تمام آن بود -
در این مورد که سیاست طمع کارانه خود را در جنوب ایران لازم می‌شمردند لازم دیدند که اداره سرتوررا اتهام - ضعیف
- گردند و بالاخره سخت ساختند و در این در تحقق خود به تجاوزات بازی نهادند

این بود که کابینه سرالدوله در پیش آمد که در تخلیه ایران از قشون روس و بالاخص عودت قشون روس از ازل قزوین - در این طوری
- تهدید در برابر مأمور انگلیس بود دیده شد که (سر والتر تاونلی) مأمور انگلیس نه تنها لزوم تقبل وارد قشون روس را در قزوین مستدل است
بلکه لزوم تعدیل راه‌اندازی سرتاسر و ملکه معنا کلیه برای لا نقطه نظر تسلط و لزوم استقلال تا در دوراه نقاط مهمه جنوب از نفوذ انگلیس نیز
تا دادگر و سیاست خشن خود را در این خصوص در فوق روشها قرار داده است

سرالدوله در مذاکرات‌ها که با سفارت خود که یک روز سه شنبه ششم جمادی الاولی مطابق اول حمل ... بود با وزیر مختار روس
روس و انگلیس در زمینه تخلیه ایران از قشون روس و تعهد دولت ایران در جلوگیری از تجاوزات دولت عثمانی صحبت مفصل
نموده و منطق و مطالبات ایران بالاخره کار را به جایی رسانید که وزیر مختار روس نرم شده و نقطه نظر رئیس الوزرا را تصویب
و وعده مساعدت که مراتب را به پطرزبورگ مخابره نموده و عقیده خود را نیز به نفع مطالبات دولت ایران قرار دهد -

ولی در همان حین (سر والتر تاونلی) وزیر مختار انگلیس تمام مطالبات دولت را به خوبی رد کرده و تمام نقاط عمومی انگلیس
اتکای و عثمانی دلیل لزوم فراز قوای روس در قزوین قرار داده مسئله عدم تجزیه سلطنت دولت فارس و در جنوب بی طرفی
راه‌اندازی سرتاسر را نیز تقاضا نموده هرچه وزیر مختار روس ملایم‌تر می‌شد سفارت انگلیس سخت‌تر شده و در رد منطق و مطالبات ایران
دهن نهاد

دور دیگر ابراز شد که حکم صادر از ملی بود که ... به ... و نتیجه از ... با دولت ... پیچ داد و کرده اثر در حضور شکیبا تحقیق
ورود به ... قرار داده بوده

در سال ۱۹۱۳ مطابق ۱۳۳۱ دولت ایران برای مخارج ضروریه راه‌اندازی فارس و کرمان و غیره مبلغ ...
نفت سه میلیون فسنگ یک میلیون فسنگ سرالدور سیصد هزار فسنگ یک گلوله برای ... هر دو ... الماس تقریبی در
آذر ۱۹۱۴ وارد بوشهر گردید ولی به واسطه بی‌پولی دولت و راه‌ها سرتیپ وزیر فارسی سرتوررا در بوشهر ماند با الاخره
نظر به احتیاج فوری سرتیپ به اسلحه و مهمات که به واسطه جنگ انگلیس و عثمانی در حدود خلیج فارس اسلحه به دست انگلیس‌ها افتاد نهایت
مرتبط ... جهت سیصد تومان اسلحه سرتوررا در ژانویه ۱۹۱۵ - ۱۳۳۳ از بوشهر حمل نمودند که مرتع ...
سیصد ... در اتمام این امر باعث توقیف با مردم انگلیس شده و انگلیس‌ها بدیشان با از شانه تا ... سرحد خود داده و محو ... از
قرار داده شد

در یکی از تلگرافات که وزارت امور خارجه وقت طی تبدیل مخابره مفصلی پس از آن که مسئله اسلحه را مطابق معلومات فوق شرح ...
می‌نویسد

مخابرات رسمی بین سفارتین انگلیس و دولت ایران در واقعه خلیج فارس ... راه‌اندازی دارد - انگلیس‌ها در ...

اقدام و تشبثی را در داخله مملکت بر خلاف بیطرفی برای خود جایز دانسته و بمجرد بروز ادراک حقیقی از طرف سفارتین دولتین فوراً در ساعت مقرر
دلو طلب از دولت بعد امتحان دیگر ژاندارمری را که فقط ادای تکلیف نماید سهم میباشد همین واسطه صاحب منصبان سویدی با نوبت دوره
حدود تعقیب بر آمده از ادای تعهد سهم از ورود بعدی طرفدار ژاندارمری نمود که هر واسطه انگلیسها با عدم ادای سهم شدید وارد نماید و در مشتبه توجه
اینجانب عامه سلکرده

در ۱۵ جمادی الاولی یادداشتی از طرف وزیر خارجه ایران بسفارت انگلیس نوشته شد تمام تقصیرات بگردن مامورین انگلیس و اولیای فارس
و صاحب منصبان سویدی مقیم فارس و جهات ارباب مامورین آلمانی مستند گردید و تمام اعمال بعوض مامورین انگلیس از فارس و کلیه تبعه
برادرهان نموده و حمله ما طرفشان شده بود که از طرف اولیای دولت انگلیس اقدامی از قبیل پیاده کردن قشون و غیره
که ناقض بیطرفی است بعمل بیاید ممکن است باندازه تهیجات اهالی مردم فارس و غیره گردد که اختیار از دست اولیای دولت ایران
خارج و ایالت مقتضی حرکت را انگلیس و اولیا نمایند و بیشتر مایوس شد در صورتیکه جناب (سر والتر تانلی) از نمودن بعضی
اوراق تحقیقی در مرز با تبعه خارجه تکاتب داشته لذا اظهار میدارد مطابق بیطرفی ایران مدعی است که تعقیب اتباع
خارجه در ایران از طرف مامورین انگلیس و وارد کردن قشون بخاک ایران نقض فاحش بیطرفی است که منجر بعواقب وخیم
هرزه خواهد شد

در تبر امور خارجه عقاید خود را به اظهارات طرفداران مدرسان فارس و همچنین تصور میکند با نفوذ برادرش و صاحب منصبان دیگر
ژاندارمری فارس ابداً مامور بلکه هرچه باشند احتمال حدوث حادثه با جریان حال که داده بشود وی انکه اقدامات مامورین انگلیس برله
حادثات و مهیج عموم بشود که اینها در این صورت کمکی را بر ایران سبب و هم بعنوان مسئول قرار داده و در خاتمه تعیر انفصال کلیه انگلیسی
مقیم برادرهان که اسباب زحمت اولیای دولت و سفارت انگلیس را فراهم نموده تقاضا تصحیح اوره کلیه مامورین انگلیس مقیم فارس و بنادر را
با تعلیمات کافیه که بر خلاف آسایش الحذر دست تقسیم حسنات ژاندارمری نیز خواهش نمود

بالاخره دولت ایران با یک حدت خشک بایستی برای احترام مامورین جریان و حقیقتی را که شد در مورد فعلیه بی ادبی انگلیسها
از بعضی وقایع در جنوب اظهار نگرانی نموده و تقاضا نمود که مخبر السلطنه منفصل شود ژاندارمری را از آنکه با نفوذ برجسته
ریاست ژاندارمری فارس به کلنل (سرکار) محول با مورد آلمانی را از سرکار اصفهان و کرمان دور داشته دار
عودت آنها به صنعت حکومت کردی نمود از طرف دولت ایران برای اظهار ترتیبات تنظیمی و تمام محبت در قبال تکالیف
ذوقی منظوره را نیز قول شنیده شد

ابقا برای سلکی جمعی از عامه علمای قنوت که در آنها در بقعه متحفه وارد شده و بیرون نموده هم بیرون اسحق وسیع وارد شکسته بعودت
عودت داده شده بایستی در باب قرار مشاوره آذر با حال جزیره از آنچه در آن حیث اظهار موقف در موقعیت خالی بود

ثانیاً سفیر روس تقاضا نمود که چندی ماه است حقوق ایشان داده شود از ممالک فرض سه ساله بنده بیرون خواهش شده است قبول نماید
ثالثاً رفع مامورین روس تعدیل در روشن سلوک آنها در باب اخذ مالیات لازم بود

بعد از چند روز تمام اکراه درجه سیم ولی تا در مختار انگلیس و حجب در اینکه مخبر السلطنه منفصل رئیس ژاندارمری فارس جدید دمحماد
منصب دیگری در سوئد بعنوان ازو اعزام شده از شیبانی آلمانها اصولی که بما بیعت آمد "با قید سرحدات ایران" موفقیت حاصل
و قرار شد وزیر مختار انگلیس و روس با هم مراکره کرده در استدلال بطور کلی در اینات و کلاء بعمل آورند حالت اراهم با مامورین
خود در بطور کلی و استدلال و دستور العمل بدین با انتظام دیانت مالی مراکره نمایند
تصور میشد که با تو قعهایی که از طرف مامورین روس در خصوص قشون از قزوین ابراز شده و فقط تقاضای انگلیسها تابع کار
بود – در صورتیکه دولت حاضر است تقاضای انگلیس را کاملا با انجام بدهد حالا دیگر با مامورین انگلیس هم از تعقیب حرف زده و کار بعودت گرمی
بیچارگان و اصلاح خواهد نهاد.

مسافقه پس از چند روز انتظار دولت در روز عقد هم با [illegible] الدوله که وزیر مختار انگلیس و وحید وزیر امور خارجه الملک بوده
بوده هر چیش اظهار داشتند که با وزیر مختار دولت روس در این باب مذاکره و مشورت نموده هم ساز الملک موقف [illegible] نمود
تا بر این اقدامات منصرف شده ایم !

در عین حال بعضی با وزیر مختار روس در این خصوص صحبت کرده و جواب شنیده بودند که وزیر مختار انگلیس و وحید در این پیشنهاد
دولت ایران مخالفت دارند !

لیکن بدون اینکه [illegible] که در نتیجه خطرهای بسیار [illegible] است به ما فرمایند روس و انگلیس و [illegible] ها که دو کلمه و عدم بصیرت
و فکر و خود کول زدن آنها [illegible] استقلال و [illegible] در عرم و کاملاً بر الدوله شکایت

اقدامات بعدی ایران در دربار خارجه شریک دیگر [illegible] نبود که در امر خارجه روس و انگلیس با عنایت ابدا [illegible]
و فکر و داد به ایران [illegible] و [illegible] شده و روش نهاده [illegible]

با وجود این حرف را از حرکات نظامیان خود در [illegible] که مردم در قزوین روس [illegible] دارد ولی بود بی سابقه [illegible] می‌نمود ـ
در بار رسیدن هیچ جواب [illegible] وزیر خارجه روس حرف را [illegible] استقلال ایران معتاد کرده ولی تخلیه ایران را از قشون
روس محال و به ایران شرایطی که تا ختم جنگ داده انتظام [illegible] داران را تشویق [illegible] حرکات [illegible] خطر قرار صدور
و آسان می‌باشد

دولت ایران پس از [illegible] ملفوظ مفصله [illegible] که در فصل [illegible] ذکر کردیم [illegible]
[illegible] را [illegible] خود در دربار [illegible] رسیدن [illegible] به تاریخ [illegible] جمادی الاولی [illegible] مفصل [illegible]
اقدامات و پیشنهادات مذکوره به وزیر مختار ایران [illegible] در صدد [illegible] می‌رسد .

[illegible] وزیر امور خارجه روس [illegible] که [illegible] در [illegible] چند ماه [illegible] دارد [illegible]
و [illegible] که [illegible] دولت ایران [illegible] روس و انگلیس [illegible]
در [illegible] که در [illegible] ایران بوده [illegible] در عوض آنکه [illegible]
[illegible] صنعت دولت را [illegible] در ایران [illegible]
عمومی [illegible] نموده اند

و در خاتمه باز می‌نویسد :

[illegible] وزیر امور خارجه اظهار [illegible] استقلال و آزادی ایران [illegible]
[illegible] خواهند کرد که دولت [illegible] مقاصد خود را [illegible] خود [illegible]

ورود قشون انگلیس به خاک ایران

[illegible]

روز ۲۰ جمادی الاولی [illegible] که از بوشهر [illegible] ۱۹ جمادی الاولی انگلیسی [illegible]
[illegible] که [illegible] فرسخ [illegible] با بوشهر مسافت دارد [illegible] کرده اند

[illegible] ۲۲ جمادی الاولی

[illegible] انگلیسی [illegible] داده [illegible] ناظم [illegible]
[illegible] فرسخ [illegible] بوشهر مسافت دارد [illegible] سربازان هندی [illegible]
و [illegible] سرباز [illegible] .

خلاصه مراسله دولت علیه عثمانی

مورخه ۲۲ جمادی الاولی ۱۳۳۳

از قراری که راپورت ساوجبلاغ رسیده است چند روز قبل پانصد نفر سوار روسی به بوکان پیاده و در آنجا یک فقره تجاوز و تعدی ...
پانصد نفر دیگر قریب به شهر پیاده شده‌اند — اولیای دولت ایران از این اقدام که مخالف بی‌طرفی و ثابت ... بی‌طرفی است متعجب و لیکن قرار یکه تا امروز ... حکماً اسباب تعدی و صدمات حرکت دیگر بالعکس
عثمانی از طرف اهالی ... آن اتصال فکر کند
از طرف مأمورین امید است بعض اقدام حضرت ... نسبت به دولت که بنای ... حقوق و حرمت را
رعایت کرده است نشد است
بسی از اقدامات مأمورین عثمانی در بوکان و ... یک نسبت با اتباع خارجه و اهالی ... و نوازش شد
و لیکن آن نفرات سالار و ... از اخطار مأمورین حرکت عثمانی خواهد نمود رضایت دارد که حکم از اقدام سالار مرتکب
صادر شود

در این بین تلگرافی از لندن در جواب تلگراف ... از دربار ایران رسید که خلاصه آن قرار ذیل است

مورخه ۲۴ جمادی الاولی

اداره امور خارجه مشغول مذاکره هستیم هنوز ختم نشده عجالتاً لازم شد اتم عقده حرکت عثمانی این است که تا حال همه قسم
همراهی با دولت ایران کرده و در بین خود دلالت نموده‌ایم در دادن وجه مساعده در مسئله راه‌انداز ... در ... خطر ؟!
ایران ولی ... حرکت عثمانی تقاضا کرده از قبول آن ... آورده ... صدا را مشغول داشته‌اند —
درباب محتشم السلطنه عقیده خود را تغییر نمود شد چند روز قبل از حضور نمودند و خواهش کرد که از ... رسیده که ابداً ممکن
نیست ... را تا روز ... محتشم السلطنه ... مردم ... آنهم ... است
و چند روز پیش ... که ... عثمانی ... شدید ...
... مشیر دولت ایران از محتشم السلطنه که ... ضد ما کار ... دولت ... وزارت خارجه ... که ما ...
... هیچ قسم مساعدت نمی‌کند ... دولت ایران تقاضا ... را قبول نمی‌کند ... دولت ...
... ما هم ... مساعدت خواهیم کرد ... است که دولت ایران ... در
عوض ... را قبول نماید

مراسلات دولت علیه عثمانی

تاریخ ۲۵ جمادی الاولی

یادداشت ذیل را سفارت عثمانی فرستاد :
وزارت امور خارجه ... ایران ... که ... عثمانی ... رسیده ... وزیر امور خارجه
در مراسله مورخه ۲۲ جمادی الاولی ... (مسیو ...) ...
(قائم ... عموماً از ... عثمانی اصرار داشت که ... را از دل
... مجال عمومی ...)
وزارت امور خارجه ... عثمانی را که ... حقوق ... بعد آمده است
... نموده ... عثمانی انتظار دارد که ... اصلاح ... حضرت ... عثمانی

۱۳۲۹

از نقشه‌های پیش قشون در خاک ایران و وارد نمودن قشون تازه که اسباب نقض بی‌طرفی و هیجان ایران گردیده و شهر [illegible]
بزرگ میبود در نزد دولت متبوعه بشاهی شده انعکاس [illegible]

تغییر پالیسی روس و انگلیس

وزیر مختار انگلیس — والتر تاونلی — از انگلیس‌هائی بود که برخلاف نظریه پارلمانی سر ادوارد گری که طرفدار اتفاق با روس و انگلیس
و موید معاهده ۱۹۰۷ بود معتقد بود که اتفاق انگلیس و تسلیم شدن انگلیس در برابر تشبثات و افراط کاریهای روس
در شرق بالملاحظه آتیه و خطر مهم سیاسی آتیه هند و سیاسی بوده و هرچه روس بواسطه سکوت انگلیس در ایران پیشرفت و استیلا [illegible]
و تقویت داده عملیات خود در ایران خصوصاً در شمال [illegible] انگلیسها در جنوب [illegible] بطرف [illegible] منظور [illegible] و ترقیه [illegible]
هند و سیاسی بزرگ‌تر خواهند شد چنانکه تاونلی [illegible] از تجاوزات حدود یا داخل [illegible] ایران [illegible] حال
ما دولتها را [illegible] ممکن نیست [illegible] و بهمین جهت از مطالبات [illegible] دائره قشون کشی روس در ایران تمسک بوده
و در صدد بر [illegible] در خروج قشون روس تصریح میداد ولی مادر [illegible] از [illegible] میداشت که نظریات در باب تبدیل خروج قشون
روس از ایران [illegible] بوده [illegible] تاونلی [illegible] با کابینه مستوفی الممالک در مسئله قشون روس متحد بلکه
موفق [illegible] شد.

از طرف لندن هم ابتداء در فصل [illegible] ایران [illegible] شد [illegible] قرارداد ۱۹۱۵ [illegible]
[illegible] بود ! [illegible] و [illegible] والتر تاونلی انگلیس و (کروستوتس) سفیر روس [illegible] تا [illegible]
[illegible] از [illegible] خود [illegible] میرسید.

هجوم روس در ایران [illegible] هجوم در تعقیب [illegible] قشون روس از منطقه روس بمنطقه بطرف [illegible] خطر [illegible]
است [illegible] نظر [illegible] از [illegible] خواهد بود که [illegible] خود [illegible]
[illegible] علاوه بر توافق نظر [illegible] روس و انگلیس [illegible] و [illegible] نموده [illegible]
در [illegible] انگلیس [illegible] سفارت در ایران
پس از [illegible] ۱۹۱۵ [illegible] نموده [illegible] که [illegible] کابینه
مشیرالدوله با وزیر مختار [illegible] از [illegible] لندن (مسیو اتر) از [illegible] و (سر مارلینگ) از
لندن [illegible] (کروستوتس) و (والتر تاونلی) [illegible] حرکت کردند
[illegible] خبر انفصال [illegible] رسیده بود [illegible] حرکت [illegible] ما [illegible]
[illegible] و [illegible] لندن [illegible] بود
وزیر مختار [illegible] کرده و سر مارلینگ وزیر مختار انگلیس [illegible] مسیو (اتر) وارد تهران شدند
[illegible] ایران [illegible] نموده [illegible]
[illegible] مارلینگ [illegible] نظریات [illegible] ایران
[illegible] مارلینگ [illegible] که [illegible] مشیرالدوله [illegible]
[illegible] ۱۹۰۷ [illegible] مشیرالدوله که [illegible]
[illegible] مشیرالدوله را [illegible]
[illegible] کابینه [illegible]
[illegible] -

۱۳۲۷

خاتمه داده شود. در کابینه مسیو الیزه گفته بود — عقیده اینجانب بوده است که ایران بدون تقاضای عوض و مقابله بمثل برتری انگلیس
حمایت کرده و در عوض مرز ترکیه بعضی نواحی مختصری با مجمع سرحدی شرقی و شمالی فرعی قلمداد نمایند
و خود را برای دریافت منافع سیاسی و حقوق تلف شده آماده سازد. آذر ماه رئیس انجمن فنلاند در سوئد به دربار (؟) اتحاد
وارد تهران شده و در بیانیه‌ای که از طرف انجمن رسمی ارائه شده در جواب نظریات خبرنگاران در تعقیب مذاکرات
و نظریات برگزیده فرق میسیو رئیس ارائه جواب داده و خود را هم برای ادامه این عمل مذاکرات ملی حفظ نموده — تحدید ایران
عدم تساوی و منافع حاصل — سرعت حیات و اقتصاد عمومی صورت گرفت از این طرف و تحلیل آن از اعلامیه غیره خاتمه داده در این ایام اوج
ماه اول کابینه وقتی حس کرد که مسئله از نظر واقعی است
در اواسط ماه جمادی الاولی روز شنبه ۳ ماه ساعدالدوله با دولت تمیلی (؟) از ناچار شده و عده از وزرا از کمیسیون
دارایی خارجه تسلیم و عوض و در آن موقع عدم قدرت خود را در اداره امور و حفظ نظم و عدم مساعدتهائی که انتظار می‌رود اظهار
و تصمیم جدی خود را در استعفا بیان نموده و صریح گفته که با این رویه ممکن است نتوان کار کرد باید تمیلی (؟) و تا چندی تصمیم خود را
در تعقیب سیاسی و مشی مملکت اتخاذ و مرافق آن تصمیم کابینه انتخاب نمایند
از طرف نمایندگان مجلس در سعدآباد و در تصمیم کناره‌گیری ایشان شده ولی عزم ایشان در کناره‌گیری جدی بود که:
و لذا نمایندگان در تصمیم ایشان تغییری ندیدند بالاخره از ایشان خواهش شد که لااقل یک هفته تامل کنند تا مجلس تکلیف تصمیم را در جریان
مشی و روش و ترتیب اتخاذ و کابینه در نظر گیرد. ایشان این تقاضا را قبول نموده و از مجلس خارج شدند و در روز دوشنبه اسفند
ماه جمادی الاولی استعفای ایشان عملی گردید
استعفای آقای ساعدالدوله از طرف مجلس از دو کلانتری و همکاریها مخالف تلقی نموده روح قضیه آن سرمایه‌ها و عدم
موفقیت قطعی آن کابینه آقای ساعدالدوله بوده تمام جهات شخص ساعدالدوله در حسن نیت اداری و انتظامات قانونی و سیاست جدی
و انعقاد معاهده جنبی و نظریات خلاف واقع تقویت شده در زمان ورود مارشال کمک همراهی شاه را در فهرست روش
از شاه و وقت خواسته در همان صبح تا از استیضاح و طرح شکایت مارشال سرود و می‌رسید برای چه وقتی خواسته اند
جواب که تا چه حد بوده ولی سیاسی جواب بسیار برای اینکه شاه را مجبور کند استعفای ساعدالدوله را تا اندازه کابینه ساعدالدوله را پیش
و فوراً مجلس را به حرارت و امواج تغییر رأی بعد اینکه بخش شوکت و صلاح در کوچک تعلیم حال کابینه که نمایندگی شده —
الفصل شوکتها و توقف حیات و بعد عصر تا افکار بی‌نظر و عاقبت انتقال خواهد شد جواب سپرده که:
شاهنشاه که افکار عمومی در ایران برخورد نموده و تحول مثبت کرده و از این رو عجز از این قضیه علاج و دیگر برخورد
اگر اینگونه رژیم تهران در مخاطره خواهد بود.
اتفاقاً از طرف دربار بالمعقول جواب داده شده که اعلیحضرت همایونی در این دو روز کتاب این اختیار را فقط خواسته
فرمود ولی در مجلس بالفعل قیافه سعودیه منتظر وصول جواب تعویض شده تقریح آنکه سرود بیست وزرا برای تعقیب استعفا در یک
اطاق نشسته بودند در مجلس رسمی بود را اراده همراهی شاه را فقط در روش آن جانب بر ناچار وارد شده و تمایل خود را
در حضور اعلیحضرت همایونی تا یک ساعت شنیده و جواب بر آن صدور فرمان همایونی را در صدارت ساعدالدوله دادند و کوتا
و این مجلس و دو از شاه و تقاضا بعد از اصل عنوان مجهول نتیجه صحیح گرفته بین یک حکومت ایجاد کنند که حقوق را
تعقیده منطقاً تغییر حساسی ما را امانت بگیرند
بطور خلاصه کابینه ساعدالدوله دیگر از کابینه اتفاقی بر او سعادت طبعی در شهر ایجاد و سعادت مسلح انگلیس ها را در مردم
حکایت و هم اتحاد.

۱۳۳۸

تا سعدالدوله گفته که من فقط مأمور تشکیل کابینه شده‌ام و قبل از اینکه از طرف اعلیحضرت همایونی بشود مأمور یک دو فرض [illegible]
بروز می‌آید و تقاضا خود را گفته و من از اتمام مقاصد آنها بیرون (اکرونا) استنکاف نموده ابداً حرف آنها را برای اعلیحضرت حاضر
نخواهم بود.

نفر یکی که مستوفی الممالک تنها نبود با افکار سالار و قبل از ورود در طلب کابینه سعدالدوله ظاهراً همراه شده و با اراده خود دفعه برای
برای اتمام تعهد دیگر کشیده بوده است به ترکیب تشکیل کابینه (سعدالدوله) ملکی را خسته مقصود که اظهار مساعدت با مأمورین وزیر و حاضر
کردن او را در موقعیت بالفرض کابینه سعدالدوله دیگر نتیجه نقض افکار عمومی یک مسئله سیاسی تازه و منحرف نقض افکار را از مسئله
ها یک سیاسی که دوام روز ۴ دهه ایحریم خیال اوراق شده در یک بود در کشف بود تصور می‌رفت که دیگر آنها هم در
کارهای یک دخیل بوده است

دیگر تشکیل یک کابینه که بتواند در این فرم مسئله‌ها یک را اصلاح نمایند در این اظهارات نفر یکی بود که مستوفی دولت را در عدم تشکیل
کابینه سعدالدوله موفق نماید حیث نفر یکی سعدالدوله مایل نبود زیرا او را مایل و نهایت مساعد تصور نمی‌کرد و کسی از او در غیر سعدالدوله اظهار بلدی
نمی‌دانم را و لیاقت هم در تحرکات مکتب یکی از عدم موقعیت او به صدارت نخواهند ناصر الملک ترجیح داد در تشکیل کرد (لمماثلت)
را بعد سعدالدوله و جواب نتیجه تعهد سعدالدوله تحت نظر مختار الدوله که بعد به تو سابقه سعدالدوله را اعلیحضرت یاره کرده
اعلیحضرت اول یک بیرون نقد روش قبل سعدالدوله باید موافق و اطلاعات مأمورین تو یکی تشکیل کابینه سعدالدوله
راضی نموده و مدیر است با یک جنس کابینه مصادف نماید نبود از طرفی با مأمور ورش مساعدت نموده و از طرف دیگر
اقدامات نمود که فقط به نتیجه عین الدوله شده و بعضی میگویند که مأمور یک در تشکیل کابینه عین الدوله بعضی از نمایندگان تبانی داشته
و نمایندگان اولیه بعضی ردود کنها را در عدم تشکیل کابینه سعدالدوله تقویت نمود

تا از زندگی بی است مأمور اظهار نمی‌کنم بعضی از رجال با مأمور یک بود بند اینک برای دخول در کابینه سعدالدوله حاضر
نشده بهمین عدم حضور آنها در آن کابینه باعث شد که مستوفی دخول آنها را در کابینه عین الدوله منظور است در قضایا نمود —

کابینه عین الدوله

نمایندگان بودند که نظر شان این بود که مستوفی الممالک رئیس شد که اکثریت با اتفاق ریاست الوزرائی شاهزاده عین الدوله
همراهی نمودند ممکن است از جمله کابینه سعدالدوله که از آن بیم داشتند جلوگیری کرده مستوفی نیز بعد از بعضی از اتفاق داده
عین الدوله نیز برای کار حاضر شده با هم مساعدت در تشکیل کابینه

در روز ۱۹ ماه جمادی الاخری در مجلس معرفی شد

کابینه شمس الدوله

و طوریکه قبلاً گفته شد در شهر رمضان شد در شد روز جمعه هشتم جمادی الاخری ۱۳۳۳ شمس الدوله مستعفی با رئیک
وزیر مختار انگلیس و سالار و قبل روش تقاضای خود را اخراج از ایاله نموده و شب سه شنبه در روز شنبه نهم رمضان شیخ سید الرده
در جلسه سه شنبه نهم جلسه بعد را باید هیئت مجلس روز چهارشنبه اعلان نمود و الی عصر روز بعد (یکشنبه دهم) نمایندگان عموماً
در مجلس حاضر شده با یک انتهاب و حرارتی جلسه خصوصی منعقد و در آن جلسه با اتفاق کابینه سعدالدوله رد شد
و با اکثریت قریب با اتفاق ریاست وزرائی شاهزاده عین الدوله تصویب شد ده نفر از نمایندگان با اتفاق هیئت مجلس مأمور
شدند که بحضور همایونی رفته نظریات مجلس را ابلاغ نمایند.

شب سه شنبه ۱۲ در شب هشتم جلسه بار دیگر ای هیئت مجلس شرحی در خصوص حیات سیاسیه و اینکه در روز رسمی تا لی
نمایندگان فرموده بودند که می‌خواهی در این آرام و در اینکه با همراهی نهایت مرحمت سیاسی و مجلس مقدس بوده‌ایم —

سپس بر توقیف امتیاز حضرتش را در ریاست وزرائی شاهزاده عین الدوله که بمبری اطلاع شاهزاده عین الدوله سفیر دولتین امپراطوری اظهار داشتند که:
امتیاز حضرت سلطانی در امروز به شده فرمودند از نظر انگلیس که در بمبئی سفارتش از طرف بمبئی سفارتش حاملین سیر تیت سفیر دولتین زودتر بانگلیس
کابینه داده شود و برای اینکه خاطر محترم شاهزاده مستحضر شود امر فرمودند بمبئی خطاب شده ادامه کابینه تلگرافاً بخود اطلاع
شاهزاده از حسن نیتی که درباره ایشان مبذول شده تشکر کرده خیلی که جمع الذائم و کمال امتنان را دارد عرض میکنم در مسئله (التماس)
تا یک چند روز بعد تلگراف و اضطراب در ذهنم پیدا شده است در اینجا حرکت با تصمیم کرده ام که اسباب اطمینان فراهم کردم اسم
فراهم شود شاهزاده یک لایحه در این خصوص حاضر کرده تقدیم کنیم فردا صبح تقدیم شقعه شده و آن لایحه را متین بعد زودتر موافقت
مجلس اسباب امنیت عمومی فراهم گردد
سپس بعد وزرای خود را هم در ظرف ملتقی عهده دار شده بمبئی سه شنبه ۱۲ روز قبه شور رسند

مسئله اسکناس

بانک شاهنشاهی به واسطه حمل نقره و طلا زیاد در سنه ۹ از نقاط خارجه که در آن اوقات بی اندازه صرف شکر دولتین ...
هجوم مردم شهر بانک را مستاصل کرده و از طرفین تبرئه و اسباب هم کرده و بجائی رسید که بانک مجبور شده که در
بیرون جهت وجه نبود ادارات بانک در شهر طرفین و سایر نقاط تجدید نمود که نای جمع کردن نمود اکثر اسکناس به
بدا سری که در شماره قبل ذکر کردیم بعرفا و بانکی شده بود مردم سنگ بانک مرکز و رشکست میکنند .
روز سه شنبه ۲۱ سه ربیع الثانی عین الدوله بمبری آمده ولایحه راجع بانک شاهنشاهی و اسکناس داده که در روح آن مهلت
دادن هفت روز ببانک که روزی فقط دو هزار تومان بیش سکوک ندهد بانفر اسکناس را فقط یک تومان اسکوک و نقد
را اسکناس خورد بدهد و در دهنه این قانون را اجرا کرده و مکتب در جای اوتی رواج یابد در مجلس کردند و تصویب رسید
نفر اسکناس شب سه هزار ریس الوزرا انوشه و قید کرده بود که اگر بانک تا هر ماه میتواند از عهده ادای وجه در مقابل اسکناس
تا آنکه حرف اسکناس را عهده بر خواهد آمد بود که بعد وسیله شسته مهم بانک در اولین قدم حس قبل از شدید و وزرا ... وق
اصلاح شده و اکثر حرکت ایران مالی بی قرض که اسم ... رواداشت با تعلیمات نمود بحال خود توجهات آنان را جلب
نموده و سیاست خوبی در سنه ... اتکار نموده بود .

در رفع وزرای مختار انگلیس و فرانسه

دولتین کرد داره وزرای مختار انگلیس و فرانسه در روز شنبه یازدهم جمادی الاولی وارد طهران شده و از طرف
مردم سه روز ظرف ... حسب جشن کلی باران دولتین واقع شده ... تبرکات در مقابل اجزای آنان بود که بار لبک
در حشد اداره ها ... ونده داده و علناً در ترتیب فقط عمومی کوشش نموده بود

نصب افراد وزرای کابینه عین الدوله

روز شنبه یازدهم ماه رئیس الوزرا بمبری آمده و افراد کابینه را الفرادی معرفی نموده و برنامه خود را تا آنجه وعده داده در
شاهزاده عین الدوله رئیس الوزرا — فرمانفرما وزیر داخله — محتشم السلطنه وزیر خارجه — سردار منصور وزیر عدلیه
صاحب اختیار نظام وزیر مالیه — مودب السلطنه وزیر پست و تلگراف — حکیم الملک وزیر علوم
وزارت جنگ را رئیس الوزرا ... خود عهده دار شده و در آتیه وعده تعیین آنرا داده

نطریات رئیس الوزرا راجع بکابینه

ظاهراً کابینه ... از طرف ... روش ... بوده ... تا به ... صریح ... که فرمانفرما عین الدوله در از
باهمند

همان روز روزنامه در ضمن ملاقات با مدیر سیاسی وسطی مطالب ذیل را از مدیر مزبور نقل میکند - چنانکه از اطراف بما رسیده که
است که کابینه صمصام الدوله با مخالفت تمام مشغول جلوگیری از هیجان ملی است که بواسطه تحریک آلمانها و عثمانیها در کرمانشاه تولید گشته
سپس برخی از تبلیغات متعددی در ایران توسعه دیگر :
کابینه صمصام الدوله هر چند اکثریت تبلیغات و تحریکات است با جد و جهد تمام از جلوگیری با کوشش مشغول است اگرچه سیده
حدت چند نفر آلمانی از طرفش وارد ایران شده و عده صندوق با خود داشته اند که با دلایل بسیار محکمی اسلحه بوده که از حقوق دول
با ایران وارد کرده اند لازم است که موقعیت ما در ایران بیشتر از آن باشد که با اینکه در صدد بوده ایم که ایران تمامیت استقلال خود را
ادامه دهد بلکه طرفدار استقلال آن مملکت بوده ایم
دعوتهای ایران با مراقبت کامل که دولت روس از قدیم الایام حد داشته با دولت ایران کرده و اخیرا در نتیجه موقعیت ما با
دعوتهای مزبور کابینه فعلی ممکن است از تمام مساعی ما دلخوش جلوگیری نمود چه بلکه حالا وقت است که دولت ایران بعد از بعداد
و قشون بزرگ که بتواند از نفوذ آلمان و عثمانی جلوگیری کند و اغتشاش داخلی را رفع نماید هر چند اینطور رفع خیلی مشکل است که با ایران
مساعدت نقدی نمود و بلکه با ایران در هر گونه مرحله مساعدت باید ایران بنمود (لوود ور یما)
نظریات روسها را در جواب از مخالفت مدیر سیاسی وسطی مفهوم میشود که از طرفی از عملیات متحدین در هر دو طرف آلمان و
اطرافش با صد و چهار نفر که در عهد ما اسلحه بوده است ... شده و از طرف دیگر کابینه صمصام الدوله امیدوار بوده و
تصور نمیشده است که بتوان کابینه مزبور را با مخالفت متحدین و موقعیت روس و انگلیس جلب نمود
انگلیسیها نیز همین نظریات روسها را در موضوع کابینه اتخاذ کرده و در اخبار لندن و جراید خود (سرباز انگلیس)
ورقی از سیاسیات خود را در ایران شایع میکند
صمصام الدوله رئیس الوزرا یک شخصی است که تمایل از آلمانها دارد ولی معلوم است که با یک حدی که تحکیم موقعیت
باشد ولی شاهزاده فرمانفرما وزیر جنگ فوق العاده طرف طمع و عملیات آلمان و ترکیه امیدوار است
از طرفی که متحدین جدال از کابینه تو بوده و رئیس الوزرا با مساعی آلمان داخلی یک دسته آزادی طلب شده بود که شورای ملی
در کابینه اکثریت خود را با مساعی آلمان در دست نهاده ولی نفوذ عثمانی و جدال کابینه موافق بوده و جنس ... برای بودن فرمانفرما و
اقدامات سختی که در کرمانشاه برای جلوگیری از نفوذ یک از طرف دیگر از آنجا شروع شده بود دیگر آنکه جدا کابینه مزبور از اطلاع
و وصول تقریر عثمانی با آلمانها در یک سلسله گفتگوهای محرمانه شده است
اخیرا ما مراقبت که نفوذ عثمانی فوق العاده از اتحاد دولت و مقاومت ما در خصوص سیاست اخیر تحریک بین ترکیه ایران و آلمان بحران است
مشروع شده اند که ما راضی بوده و صریح گفته که دولت ایران حق دارد هر دولت داخلی که در طرف مسائل با متحدین اروپا در کرز
داخلی گفتگوهای بلیغ نمود و سرانجام که دولت آلمان هر دولت عثمانی قول داده است که کلیه امور راجع به عالم اسلامی را با دولت ایران و علما
خلافت اسلامیه حل و تصفیه نماید و همین جهت معارض همین مسئله بین (بر نش رویس) نمود و آلمان شاهزاده صمصام الدوله که از نویسنده
منعقد شده و نظر بیکری را با کابینه حل و فصل همین اتحاد را از طرفداران ترک و اعتماد کامل تر اتحاد ثابت نمود که اخیرا
نقطه نظر سیاسی (بر نش رویس) با شاهزاده صمصام الدوله جوش نموده
صمصام الدوله فوق العاده مایل بر نشان بود که در عین حسن نیت از وطن سیاسی روس و انگلیس نیز از وطن خود ایران متحدین و جدیدا گرفت
راجع به نحو حسب تحصیل نفع عامه نماید و از این طرف ملکه تولید خطر دیگر با مراعات حفظ نماید
انگلیسیها و روسها بمنظور صورت نگرفتند که با دولت از اقدامات ترکها در صدد جلوگیری نموده و از عملیات آلمانها و طرفداران
اتحاد ترک و ما بر خط مخالفت بعمل آید

و خود را هم برای دادن سعدآباد به انگلیسها آماده فرض نموده و در این باب پیغامی به کابینه منصورالدوله ابلاغ نموده‌اند (سر ریدر بولارد)
و در مجلس مستقیماً انگلیس‌ها به کمک ساعدت بالایی اعتقاد داشته و مشکل طرفین پول دادن که تعداد جوانان ایران بجز دادند برای تقویت
نظامات ماشین محمد ثابت بود ایران ایران مطیع شده و یک فرض نهی باد و بدین ماشین آنرا نه نموده دیگر را تحویل دهد —
در این مورد پیداست که همین نکته مختصر (ادامه) تا در نهایت شبیه یا همانه قسمتی از دولت داده ضمن آن را ارجاع
عملیات خود بگذارد .

نفر آلمان نفر از یک بیش از بیطرفی سکوت عقیده این بوده است که باید جوانان ایران سیاست خود را با روس و انگلیس
محکم ساخته و هرچه زودتر ساز و برگ از طرف آلمانها در کشور هم در دست ایران فراهم گردد که مبادا حمله دولت حکومت کابینه
و بحران و محیط روس و انگلیس بی‌معنی باشد از جانب ترک تدریج قطعیات روس و انگلیس را جلب نموده فرانه را خود را نه دیده
حقوق را از این را برآورده و قبول روس و انگلیس را از ایران در باره آن طمعها ما فارغ سازد تا دستگاه را حفظ بار رسیده
در این وضع مسئول ایم مقصد کشته و آلمان برای ایران قوه و استعداد در بر دارند زیرا در آن وقت راهی برای ارتباط کمک و قوه
و دوز ... ارتباط آلمان با ایران باز نبود و حتی دولت عثمانی هم در حقیقه فقط بحیله گرفتار بوده و عقب نشینی بین شهرها از آن ناحیه
تمام نواحی هم پس از انگلیس مواضع و نوبت از بزرگ نموده الحق این نظریه (سر ریدر بولارد) تنها آلمان فوق العاده درست بود
نظر از یک بعضی از اعضای کابینه منصورالدوله ... کابینه ... بوده است که سیاست خود را با انگلیس
روس و انگلیس تنظیم ساخته و در حقیقت منتظر ورود قوای روس و انگلیس بوده است .

در همین حال گرفتیم منصورالدوله توانسته بود با مذاکره و اعتماد و طمع آن روس و انگلیس را بنحو حیله کاری در این اظهارات انگلیسها ابتدا در صدد کار که
تحقیقات روس از رواق ... و صاحب منصبان شوروی ... در مقابل اتحاد یک قوه بزرگی در تحت فرماندهی صاحب منصبان انگلیسی
بی نقاوتی نکرده و از همان لحظه که در مذاکره اخیر کردند ! — نعیم ... اقدامات و در دکار انها با سوالات آلمان
و عثمانی در بر کرد و در این میان عناصر اطراف ... (کلنل کاتیز) آنان را نظامی آلمان در طهران در خلاف عقیده
ریاست روس ... اعمال است ... انگلیسها و در همان ... ساخته ... عده قبول روس در فردی آنان را عدی ساخته بود
در این صورت پیداست که کابینه منصورالدوله با تمام ملاحظات و زیرکی خود ... در حفظ موازنه سیاسی در ایران و تجزیه قبول ...
نموده و طبیعت در همین حال نگار بیان خود مستقل بود .

آلمانها نظریه گفتم و عده شدادند که ایران را در صبر کند تا دستگاه ما توانیم با قوه بر رشیم عیب نها تشکیل دهد ما از آنها حرف ... کرده در دل
دولتی با آلمان ... روس ... ضعیف شده بحکم جهاد با تبریز ... جنگ و قیام نموده روس و انگلیس را از ایران خارج ...
بعضی ... سیاست ... ترک ... در ... مثلا انگلیس ... در آن زمان نقطه نقطه دعوت کرده دادگاه ...
بیاورد و در ... از طرح جمیع ... ملکه ... و ما ... در شرف جنگ ... و جمیع ... گلستان ...
و بدین سبب ... و ... شهرهای ایران ... رسیده و همراه آن آدم ... در ... عرض راه ...
صد ... را در آنها ... کار ... ضخیم و ... خود را به پهلوی ایران که ... اندک فکر ... صحیح ...
بیاورد .

انگلیسها نیز در برابر ... و صلوات ... ایران که (اقرار عوض ... ایران تنها باید برای خاطر انگلیس همه ...
و انگلیس ادامه آن نتایج هم فرمی با ما بعیدی باشد — ... را ساخته کند در سر راه ... قبول روس از فرمی و سایر نقاط تمام ... خود را
بمرحمت ... تا ما هم ... انگلیس و همکاری را در حال سکوت ... سیاست را عوض و ... خود ما را ...
جواب ... داده ... که : ... اگر نخواهید شد ... با ما ... مسئله ... غیر ممکن است

بلکه باید دولت ایران قدر این حس مساعدت ملت‌های بیطرف را دانسته و با جدیت‌های [illegible] نمائیم در موقع انجمن
صلح بدانیم بتوانیم احقاق حقوق ایران نمائیم !

افکار عمومی

افکار عمومی در حال تشویش و اضطراب و [illegible] در حفظ بیطرفی و تخلیه ایران از قشون روس و انگلیس و عثمانی جریان داشت
در همین حال عدم اعتنای روس و انگلیس [illegible] قشون روس [illegible] در قزوین و [illegible] اطراف همدان [illegible] قشون
روس در اصفهان [illegible] قشون روس [illegible] (بیجار) [illegible] در باره
فتح و [illegible] عراق روس در همدان و [illegible] مخصوصاً [illegible]
لشکر عثمانی [illegible]
وضعیت کار [illegible] در ایران

او اخر ماه جمادی الاولی و ماه رجب ۱۳۳۳ نتیجه این عملیات این بود که روز بروز بر حرکت [illegible]
روس و انگلیس افزوده و افکار عمومی [illegible]
مردم) [illegible] (برای [illegible]) [illegible] الاولی [illegible] انگلیسها [illegible] روس و انگلیس [illegible]
و در همین احوال [illegible] کابینه [illegible] شد .

نقشه اقدام انگلیسها در جنوب

هنوز کابینه [illegible]) [illegible] ایران [illegible] انگلیس نوشته
[illegible] قشون [illegible] کرده در سال اول [illegible] جمادی الاولی [illegible]
[illegible] انگلیس رسید

تاریخ ۲۹ جمادی الاولی

عده قشون هزار و چهار صد نفر از فوج [illegible] پیاده نظام [illegible] انگلیس و هندی [illegible] که هر ساله در بوشهر عوض
[illegible]
[illegible] پیاده شده [illegible] است

از طرف کابینه [illegible] تاریخ هفتم جمادی الاخری ۱۳۳۳
[illegible] نوشته شد

از مضمون مراسله جوابیه [illegible] ۲۹ ماه گذشته ۱۵ آپریل ۱۹۱۵ در باب پیاده کردن قشون انگلیسی به بوشهر
استحضار حاصل شده محترماً زحمت اظهار میدهد :
[illegible] (که عده از فوج [illegible] پیاده نظام [illegible] انگلیس و هندی [illegible] که هر ساله در بوشهر عوض
[illegible]
[illegible] اولیای دولت [illegible]
[illegible] اولیای دولت [illegible]
[illegible]
[illegible] اولیای دولت [illegible]
[illegible] اولیای دولت [illegible]
[illegible]

در همین اوقات از طرف دیگر نیز انگلیسها تمام اطراف قراولخانه‌های خط عربستان و محمره و اهواز را از وقف و دستگاه‌ها را
از طرف جنوب بصره نیز لشکر انبوهی [illegible] البحری نیز از اهواز تا بصره کشیده دارد از طرف دولت ایران (کاپیتان نیر الدوله)
در خصوص شیخ محمره جانب شده و بعد از خسارات وارده به تجارت دولتی الی العهده دولت انگلیس واگذار نموده
لیکن خصوصی بر سیاست و سیاستی که بود که پس کاپیتان نیر الدوله و نظارت انگلیس واقع شده و همین کاپیتان نیر که ذکر گردید نظارت دید
قنسول که نیز انگلیس حافظ شده و کاپیتان نیر الدوله بر این کار اگر در این جنگ ایام نزاع بین انگلیسها و عثمانیها در نواحی محمره تکرار شد

حرکات روسها در شمال

بدیهی است حرکات روسها در شمال از چه قرار بوده در آذربایجان و قسمت عراق و بالاخره روسها که [illegible] از دسته‌جات
مسلح از قبیل ارامنه و جلوها تقویت نموده آنان را مسلح ساخته هر شهر و قصبه که از دست ترکها خارج میشد تا دفعات قتل و غارت از آنها
و دسته‌جات دیگر قضیه هر دفعه از دست روسها خارج میشد دست ترکها غارت میشد جایی که در این بین از طرف آنها از اشرار
جلو - کرد - ترک در ارومیه و سلماس با دو حلالی روی داده است بقدری زیاد است که نوشتن آن یک مرتبه بیش نیست
و بدین جهت از شرح تمام آن فجایع در میگذریم

خلاصه اینکه از سرحد جلفا الی جاک کردستان و اطراف دریاچه ارومی یک پارچه غارت و بالاخره قتل و غارت
دهات و تاراج توده و فریاد رعایا از هر طرف به آسمان بلند و کسی به فریاد آنها نرسید
ارامنه و جلوها در دست روسها قشونها دو کالسکه سلمانان را غارت کرده سرها را میکندند از طرفی ترکها در مظفر بیستم در
هزارها سوار از کرد و نصرانی و هکاری شیعه ایران را آزار و خانه‌ها سوزان کشته شدند کودکان سر میبریدند و اموال آنها را غارت کرده
با خود میبردند - از جهت اهالی جلگه ها بیش از قتل و صحرا ها آواره و از ترس جان رعایای ایرانی زمین و ملک خود را
ترک و جلای وطن نموده در طرفین به جمیع شده و دهکده ها و ویران و دسته‌جات آن بیچاره نومید و متحیر و سرگردان
و گرسنه ماندند سواران شهر ها بمبارزه و کشتن جوانها از طفلان و صغیران و پیرمردان بیرحمانه به تیغ کشیده آورده اهالی
اعراض و ذریه را الوسعه قتول با طرفین اعدام نمودند

فاجعه سلماس

بلاد و دیگر یک نمونه از فجایع آنجا است که بتاریخ ۲۳ جمادی الاولی از طرف والی حضرت سعید
سعید را در مقابل سیدکاظم حضرت شهریاری مباشره شده و فاجعه سلماس را خبر میدهند :

بعد العنوان

سالدار مظفر ارومیه که در روز ارسال جنگ سه چهار روز قبل ما پیش را دیده اظهار میدارد که شهر از نفوس عثمانی
با روسها بر سر سلماس مشغول مبارزه شده مرکز عثمانی با شصت سلماس را ابتدا زده و روسها را بیرون کرده و بعد عده
بزرگ روسها آمده حمله کرده شکست فاحشی به عثمانیها داده اند و در این بین شصت و یک سلماس را به حکم تسخیر کرده از ارومیه بیرون
کرده اند و قضیه دلمقان با آن از این شهر راه جاک تا با صنف صنف نموده اند مدتی است بالاخره تصادم
با کردها برای بیچاره چه کرده است و عاقبت آنها در این گیرودار چه حال داشته و چگونه طعمه قوه نار و توپخانه
حوادث گشته اند و بطوری معرکه گرم بوده که صدای توپ تا خوی میرسیده است :
و طیاره‌های طرفین در بالای توپ میپرازند و حمله ثابت و بی نهایت برافراشته الله اطلاعات هر قرب بین از قشون عثمانی
با کشته و جنگ سخت در حدود ارومیه و ترغیب قریه (قوشچی) است و محل است شدید از طرف نیکلا
جنگ شدید و به دقت محض بخاطر تحمیل شعار تا نواحی حوادث و در زیر که هر بدبختی در این که لازم است
تعیین نمایند

۱۳۳۴ دفتر اوراقیکه خودم را هم بصورت مسلسل با ورقه ابداً فوری از نشت ورق عمل باید

١٣٣٥

اقدامات روسها

در همین اوقات روسها در ارزنةالروم تلگراف بیسیم جدیدی نصب نموده و تحقیقات نظامی شروع کرده کردها را از طرف روس
(کاظم بیک سرالدوله) بعرض شیر ... در الیه ... شده ولی لوله ... بعضی افتاده و شتر الاغها در اصفهان تلگراف بیسیم
دایر نموده و اقدام خود را منسخ با اقدام انگلیس در جنوب در روس در شمال قرار داده‌اند

ترکها در کرمانشاه

آقای عمید جمله که از کاظمیه بسرالدوله راجع به پیشقدمی حسن رئوف بیک لشکر عثمانی سنندج را ... داشت

مورخه هشتم جمادی الاولی

سرالدوله در تعقیب مراسلات خود راجع به تجاوزات حملات حسن رئوف قوای دولت علیه عثمانی در خاک دولت علیه
ایران که بسبب تعدیات وحشیانه شده و با انتظار کامل بیشتر از نتیجه اقدامات ... تعارض بهای ... اثری ظاهر
نگشته با نهایت احترام زحمت افزا است. با وجود اینکه تجاوزات حسن رئوف بیک حکمرانان دولت ایران ...
که بر تخطی و راند در وزیر در خطرات سنقرل ... به مرکز ایران از ... و مسکدی ... آقا آقا فرانکی
... خبر رسید رفتار حکمرانان ... و ... بعقیده ... الیه از ... سرالدوله است
که اعمال ... کار را به ... تعقیب آن تاخت ... بعد از صدور ... از این ... است بحکم ...
را اینکه قطعاً ... اسلامی است. سرالدوله تمام ...
خود با تجاوزات که ... از عوالم ... ایست حدود عرض کرده ... است که ... با اقدامات
فوریه ... قطعیه در رجعت قوای ... دولت علیه از خاک ... ایران بالاخص از حدود کرمانشاه صادر
و متوقف دارند حسن رئوف بیک از ... و ... وسیله اساس ... کاملاً ... گردد الی آخر

(مساوات الدوله)

ولی جواب در ... رئوف بیک ابداً اعتنا نکرده اول ... کرمانشاه را تهدید ... نموده
... تقدیم ... و وصول ... را ... کرده ... عثمانی ... احوالی ... گرفت
داده ... در ... رئوف بیک ... نمایند ... اقدامات ... مکرر
کارگزار کرمانشاه به تاریخ یازدهم جمادی الاولی را گزارش داد که:
صمصام الممالک رئیس طایفه سنجابی ... داده که ... در حفظ ... اینکه
قوه دفاع داشتم برای اینکه بهانه ... ترکها ... را تخلیه نموده عساکر عثمانی وارد ... از ...
خود ولی کم ... و چند ... قصری را ... به بهانه ... کرده در ... هزار لیره ... عشایر ...
... طرف طایفه سنجابی که در ... هجوم آورده ... قتل و قمع نمایند.
برای ... از ... حکومت ... بودم ... (لرستان) ... شدم که خبر رسیده
که عثمانیها ... به ... سنجابی ... که ... رسید ... طرف ... بیاید با ...
مدید دفاع کنم یا ... زیر ... عثمانی بروم،
الحمد ... اطلاع داریم در این چند روزه (لرستان) ... ملکه ... تهدید ... لرستان
... ظاهر ... طرفداران ... با ... اظهار ... انگلیسیها ... دولت عثمانی
... سرحد ... مخالف ... لرستان ... شده ... است

از کشف [illegible] الملک را [illegible] نمایند (مستخدم الملک)

در این ضمن رئوف بیگ [illegible] رسید [illegible] سکته [illegible] عهد نامه که از طرف رئوف بیگ با عشایر در آن باب نهاده بود از

ذیل ملاحظه شد :

بسم الله الرحمن الرحیم

اتفاق نامه اردوی اتحاد اسلام

ماده اولی — [illegible] حکومت اسلام و تعلقات مبارکه [illegible] کرده [illegible] که [illegible]

داده شده [illegible] از ممالک اسلامیه [illegible] نمود و با اردوی اتحاد اسلام متحداً و متفقاً حرکت کردن تعهد نموده و [illegible]

عظیم [illegible])

ماده دوم — هر کس این تعهد را نقض و بیشتر تفرقه در قوت اتحاد اسلام را اخلال نماید خونش هدر است

ماده سوم — بموجب این اتفاق نامه [illegible] اعتصام کنند [illegible] عشایر اسلامیه [illegible] اسلام

[illegible] و [illegible] حیات و [illegible] از راه [illegible]

[illegible] و [illegible] محفوظ [illegible]

ماده چهارم — عشایر [illegible] که با اتحاد اسلام صادق بمانند با اردوی اسلام که با دشمنان خارجه مقابله [illegible]

در هر صورت [illegible]

ماده پنجم — از برای تطبیق این مواد [illegible] اردوی اتحاد اسلام الحاق نموده [illegible]

[illegible] الحاق کرده [illegible] خواهد نمود

ماده ششم — [illegible] اردوی اتحاد اسلام [illegible] از طرف [illegible] خواهد شد [illegible]

[illegible] داشتن در قرارگاه [illegible]

ماده هفتم — این تعهد نامه بدون جبر و اکراه [illegible] قرار [illegible] و تصدیق [illegible]

رئوف بیگ [illegible] این قرارنامه را مهر کنند [illegible] تحریر کرده بود که [illegible] قرارداد را

امضا کنند [illegible] کرده بود

در این باب [illegible] از [illegible] در شهر [illegible] شده [illegible]

[illegible] در [illegible] شهر [illegible] نموده

[illegible] رئوف بیگ [illegible]

[illegible] از طرف [illegible] عثمانی [illegible] نموده [illegible] کرده [illegible]

[illegible] حکومت [illegible] از طرف [illegible] رئوف بیگ [illegible]

حکومت [illegible] (قرانلو) [illegible] از طرف [illegible]

مراسله سفیر کبیر عثمانی

سفیر کبیر عثمانی — مراسله بتاریخ ۱۸ جمادی الآخر [illegible] سرالدوله [illegible]

حضرت اشرف [illegible] الدوله رئیس الوزرا

در [illegible] در این تاریخ آقای [illegible] الدوله [illegible] داده و [illegible] الدوله رئیس الوزرا شده بود) در [illegible]

[illegible] داده بودم که [illegible] دارد که [illegible] از ایران [illegible]

۱۳۳۸

در تمام قطعات مملکت امپراطوری محدوده ایشوار باید برای تامین اطمینان در این که هیچگونه ریب و تردیدی در این موضوع نمانند

و ستانه دولت ابد مدت حضرت امپراطوری سلطان السلاطین و دولت ابد مدت حضرت امپراطوری تا ابد باقی بمانند

و تمنا دارم جرئت یافته ام که اظهارات دوستانه را باطلاع حضرت شهریاری برسانم :

چون دولت علیه عثمانی سعی بلیغ مبذول کرده است که برای دفاع سرحد شرقی و تشخیص حقوق خود اقدامات نظامی خویش را دوباره از

از حقوق ایران نیز با قدرت اظهار بدارد که در حین جنگ پس از آنکه استقلال ملی ما در باب اراضی مملکت امپراطوری ایران را تایید نمود

در تخلیه اراضی آن مملکت هم خواهد بود. الی آخر (مصطفی عاصم)

بهمین تاریخ تلگرافی از تبریز رسیده [illegible] ایران [illegible] تا روز نهم جمادی الاولی [illegible] رسیده که در آنجا علاوه بر اعتماد خود را از اطمینان

عثمانی در اینکه قوای خود را از ایران [illegible] و دیگر [illegible] اظهار داشته و دولت ایران را تا [illegible] تصمیم [illegible] خط سیر [illegible]

توجه و یادآوری کرده بودند

۱۹ جمادی الاولی — تلگراف کرمانشاه حاکی است باینکه از دفعه [illegible] از طرف [illegible] کرند حمل [illegible]

(کاروانسرا [illegible]) و عمارت [illegible] (لیلزه) و [illegible] باقی مانده است [illegible] شده — تیر و چوب

و عمارت و [illegible] را [illegible] و [illegible] از آنجا به [illegible] حمل و خسارت وارد کرده اند

همان تاریخ تلگراف دیگری از کرمانشاه رسیده میگوید :

[illegible] نظمیه [illegible] که در روز [illegible] شهر [illegible] را احضار نموده [illegible] حکمران [illegible] قرار داده

و [illegible] خط [illegible] که [illegible] از [illegible] کرده [illegible] نوشته هر کس از اهالی شهر [illegible] و با [illegible]

شهر [illegible] مخالفت [illegible] بادیه [illegible] را [illegible] قبول نموده [illegible] ادارات [illegible] داده [illegible]

چند نفر [illegible] از [illegible] و [illegible] که [illegible] عنوان [illegible] از قوای عثمانی [illegible]

و [illegible] اظهار داشته است که [illegible] عساکر [illegible] شهر [illegible] داخل خواهند شد .

[illegible] که [illegible] اهالی [illegible] جواب [illegible] متعدد [illegible] که در [illegible] امام جمعه [illegible]

همچنان [illegible] و [illegible] نموده و [illegible] نوشته اند که [illegible] عثمانی [illegible]

تصمیم گرفته اند در صورتیکه عثمانی ها وارد شهر بشوند [illegible] شهر [illegible] (انگلیسها) [illegible]

بهمین تاریخ تلگرافی از [illegible] ایران [illegible] شده

حکمران عثمانی [illegible] معاهده [illegible] ده [illegible] داده [illegible] ایران را [illegible]

[illegible] و [illegible] خود [illegible] محکوم [illegible] و [illegible] دیگر [illegible] عظیمه [illegible] فرمایند .

و [illegible] عثمانی نوشته [illegible] که [illegible] اهالی [illegible] شده

دعوت [illegible] شده اند

در [illegible] احوال [illegible] از کرمانشاه [illegible] که [illegible] طبقات اهالی [illegible] عمومی [illegible] در کار

[illegible] اجتماع نموده اند و [illegible] شهر [illegible] عساکر [illegible] دولت است

در [illegible] و [illegible] شده و [illegible] کرمانشاه [illegible] هر یک [illegible] که [illegible]

[illegible] عثمانی [illegible] خود [illegible] قرار کردیم

[illegible] عساکر عثمانی هر کس [illegible] شدید [illegible] و [illegible] مشغول [illegible]

راپورتی در ۲۵ جمادی الاولی از کرمانشاه رسید که : [illegible] ملک [illegible] عساکر [illegible]

سه هزار عثمانی گذشته وارد کرمانشاه شده و از شهر بار و ذخیره هم وارد شده که سه بار از این صورت منتشر شده ولی نتیجه نبوده اهالی را هیجان آورده
در منزل حاجی محمد مهدی اجتماع و قصد کرده بودند که تحت حمایه قرار دهند ولی صحبت کرده اند از این حیث تلگراف طهران تحقیق داده بودند و
مسائل عثمانی ها تظاهر کردند احتمال قوی میرود که فساد بزرگی بر پا نمایند.

دولت روس یک صورت پیشنهاد و اولتیماتوم به کرمانشاه رسید مخصوصاً برای عواقب تجارت و کار و تجار و اداره بلیط قرار
داده اند که شرح عمارت سفارت را به مال تجار جزو داده صورت اموال تجار با تمام خط تصحیح کرده بودند ولی حس را برای نمود

و در تاریخ ۲۷ شهر حاضر رسماً از طرف کابینه دولت عثمانی به همان طریق نوشته شده در این حین خبر از اردوی فوج دولتی
عثمانی به کرمانشاه و احتمال مصادره با اهالی و جمعیت پیش بینی شده و برادر او که از کرمانشاه رسیده بود به شهر برگردید
سواد تلگراف کرمانشاه

یک عده قطار پایدره اهالی تلگرافخانه بزرگ نموده در منزل آقای سردار جلیل اجتماع کرده تلگراف را نشر خواستند
جناب کلنل (سالشول) را هم حاضر و با کمال جرأت اظهار نمودند که خون خبر رسیده است امام و ادهم یک ماه یک
عده از عسکر عثمانی و عشایر بالطبع به اردو آمده و سیم تلگراف را قطع کرده اند لهذا ابتداً طهران را نیز مایوس مانده و بطور
حتم است را قبول عثمانی و اعلانات وارد خواهند شد و بعداً از این تلگراف سلامتی خواسته که اطراف شهر را سنگربندی
کرده و بسیار بلند در صدد و صول کرمانشاه هر چه در جواب اظهار شد که تمام ساعتی مشغول هراکره و مذاکرات
است و سلطان دولت را با هر تحریم شمرده مشغول شده و مخصوصاً تلگراف به کرمانشاه در قهوه خانه عمومی رسیده که از عدم
قبول خود مال ذخیره و نیز غارت به تصرف و در صدد بر قهوه بر آنچه و با تمام حال اهالی تلگراف را هم بلند نمود از تلگراف قطع
قطعی حاصل کرده در اولتیماتوم تلگرافخانه داده و الهام عده در تلگرافخانه توقیف نموده اند در تلگراف مسلح قطع این ضرر
به هیچ تقصیر نمیدهند به اسباب اعتبارات مردم را بس و قرار بدهند لذا اهالی فرار و سوار قطعاً را به اطراف شهر را گرفته در ذخیره را
تصرف و ظاهراً بیرون خواهند کرد (اداره اداره تلگراف کرمانشاه)

وزارت امور خارجه به تصدیق اینکه اقدام فوری در اعلام نماید در روز یک شنبه ورود اوباش عثمانی نمایند که خلع
سلاح اسلام وارد و سایر اسباب جمعیت فراهم شود.

در همین وقت ۲۳ جمادی الاولی در تهران که تمام مطبوعات سکوت اختیار کرده بودند روزنامه نوبهار مقاله در تحت عنوان
(دیرکهای دو کرمانشاه) نوشته و تفسیر و مطالب او را نیز در اخبار سیاسی بار آنجا در روز دوشنبه یک بحث دو جمله عمارت را آباد در ایران
ملاقات گردیده در قهوه جشن هم نمی شکند جناب نیکولای تعریف هر عده عثمانی را بر هم زدن تصمیم دولت کرمانشاه در علاوه بر که یک
صدر و چشم بر نیر سیاسات رسمی دولت ایران و عثمانی وارد شود و دولت ایرانی را در دربار راه خود در راه استقلال و وحدت
برادران نشیم خود کار و ارکان و دولت و دولت ایران در هر روزی نشان تمام اسلام ارد نظر
ایران باز کرده و ضرر کار ما را انتخاب در حوض به شدت بر خواهد شکند الی آخر

ارگان نطق پیر مستمر تمی نوبهار خطابه که به موضوع عمل و افکار دیگر و فرستاده روس از هیئت سوران لشکر تعداد چاپ کرده و بسیار
عریض ایران اندک تولید سهم کوچکتر ار روز از مطالب (ساوانیف) گردید

حین دولت یک رفتی به نفس خود و دیگر لشکر عثمانی سرمایه ایران را قطع نموده اند (رجب ۱۳۳۳)
هیئت سپاهیان روسها بسکه چه چه حمله کرده روف یک آنان را دعوت نموده بود گرفتار و بعد از گردید صف های جنگی
و مقامات ایران قرار اقدام جانانه به یک نفر روف شد!

تفصیل مسیر حرکت در اصفهان و شیراز
ربیع الاول ۱۳۳۶

ترکها در کرمانشاه

در تاریخ دوم رجب تلگرافی از جناب ممتاز السلطنه سفیر کبیر دولت ایران مقیم اسلامبول در ذیل رسیده بفوریت تلگراف و بیانات ذیل را انتشار داده بود :

معهذا سفیر فرانسه در ... که ترکها از نیمی وراث روس و انگلیس در اطراف ایران حتی دروازه تهران [illegible] سپس می‌شوند و قصه عثمانیها منحوا [illegible] به تبریز نمایند از همه طرف [illegible] شده و تجاوز [illegible] ایرانی و مهاجرت و [illegible] با آنها جنگ سخت مشکل بود از آنکه آنها را فاتح در دستها و از ... ایرانی فرد کرار ... سکوت و مانور ... دولت [illegible] شوند .

سردار [illegible] حاکم رسمی دولت تا [illegible] عثمانی جنگ سکند و قبول عثمانیها انگلیسها ... حاکم کرمانشاه [illegible] و سنی ... عثمانی [illegible] و ... دولت عثمانی [illegible] ... که با ادلیای دولت ایران ... اعتراض ... جلوگیری ... اعتراض کرده کسی گوش نمیدهد

در صورت [illegible] عثمانی که مجبوراً و حق برای حفظ حدود خود و دفع حمله دشمنان از خاک ایران و حک عثمانی و استقلال و تخلیص ایران و حسن نیت ... و بدانش ... ایران [illegible] شده و ... بطوری ... مملکت ... اشغال و تصرف کرده ... طرف شده انگوینه ... میکنند .

آیا در مقابل این اخبار ... حقیقت

بقراری که سفیر ... اظهار عقیده نموده در فاتحه جنس ... شوند

عقیده بنده باید دولت علیه ایران تا آخرین لحظه بیطرفی خود را حفظ کرده و از خونریزی جلوگیری کند و حتما برای ... مدافعه با تحت اقدام ... و از ... فداکاری کوتاهی نکند ... جنگ عمومی ... صلح ... سعادت ... طرف در آتیه را ... باشند

(محمود)

جواب بیانات فوق از طرف ... ایران

در جواب تلگراف جناب ... که حاوی ... دیپلوماتهای عثمانی بود - از طرف وزارت خارجه ... تاریخ دوم رجب تلگرافی شد که بفوریت تلگراف و بیانات ذیل را اظهار نمود

نقطه نظر دولت عثمانی در ... و استقلال ایران و حوزه ... و ... ایران ... مصلحت ... عثمانی ... چند سال ... ملکی ... اهمال شده و ... در ... ایران ... کرده ،

و امروز که اوضاع ... جنگ ... ایران ... عثمانی ... نموده ... که قوای عثمانی از حدود ... شده ... ایران ... ایران ... ملاحظه

و جان ... گرفته ... که ... کرده ... ایران ... - ... قبول و ... نمایند ... و ... ایران ... در ... قوه ... منظم از عثمانی ... شده ... ایران ... شده است ... ایران ... بر آن ... کرده است ... کردند ... ایران ... میدان جنگ عظیم ... اعتراض ... عثمانیها ... میکنند در ... ایران ... عثمانیها ... خارج ... دولت عثمانی ... و رست ... باشند ... خواهند ... نمایند ؛

در این موقع که مشغول تهیه مرام خود را حاضر و مرتب تنظیم طرف شمال و جنوب بود که ناگهان در حدود مملکت ایران مشاهده نمودند که احساسات ممالک
عثمانیه را معدوم نمودند با احساسات و استقلال ایران شدند عالم اسلامیت گواهی میدهد به اقداماتی که از طرف حدود کرمانشاهان نموده‌اند
بخصوص ایران را با آن بلاد و شدت سریع مقدار الوف بیان نافع و منحصر خواهد است !

عجب اینست تا نقطه نظر اتحاد اسلامی اظهارات حسین رئوف حکمرانان در عدم اطاعت از نفاق طرفین و مالیات و
اختیارات مطلقه خود قوای عثمانی ترکی از قبیل عساکر و شیخ عشایر عرب - اکراد - و الوار متمرد وحشی و رفتار آنها از
زد و خورد و احراق و غارت قتل و غارت که علاوه بر خسارات آنان با اهالی فقیر و ضعیف کاروانسراها با هیئات عشایر با طاق
و بشوره‌ها - سرخه دیزه که منبع در ارض و عقار هزار تومان خسارت وارد آمده است اما باز هم مردم کرمانشاهان را
عموماً دشمنی از مردم طرفین را منکر و شره نموده سعی که برضد و وحشیانه بر کرمانشاهان اهالی آن شهر فقط به عنوان سلطه و به رفیقه کرده‌اند
و با چه رحمی تا سؤال صورت گرفته با این احوال و این اعمال و این قوه و اظهارات شهید کرمانشاهان در مقصد عثمانیان لشکر اولیاء آن
درست در مقابل به ناچار در مقصود مقدس اتحاد اسلام و استقلال ایران کمک خواهد رسید . !!

نمایندگان آلمان و نظر نیش با تبعیت آنان عساکر عثمانی موقف قرار دادند و در این زمینه سفرای خودشان در اسلامبول گله کرده‌اند
و حسین رئوف از مباشره آنها ممانعت نموده است - الحمد لله که در این موقع باریک ملوان آلمان نظر گرفته
دولت اسلامی را کمک برادرانه در تهیه اقدام در جهت جانب اتفاق ایران و شرایع آن از کرمانشاهان است ،

(وزارت امور خارجه)

راپورتهای کرمانشاهان

متواتراً خبر میرسد که اهالی شهر توقف نموده است - رئوف بیک در کرند متوقف است ابراهیم ادهم پاده تقو عسکر
و سردار نصرت سهارون لک آمده اند قوای نظامی رئوف بیک بیش از هزار نفر عسکر نیست و ملک کافی قرار در
توجه آنها به ذخیره و مواشی کرمانشاهان است که اتراک اصرف کنند حتی که آنها از آذوقه شهر منع کرده است اهالی اهالی و
مخالفت شنیع آنها دخیل است صمصام الممالک رئیس سنجابی که در قصر شیرین تا آنها شاهد بود برای آنکه شاه صلح
خود حرکت کرده شهید رفته و شهید رسانیده او را استطلاق کرده در توقف بیک تقصیر را مینویسند رئوف بیک جواب عرض میدهد
که ذیلاً درج میشود

°°°

سرافتان مادر شهید رفته است حق بانی زن کالی خود را دارد هر گاه سربازادهم به شهید رفته با شید او فرنگ فرصت آنها پیکار نمود !!

(حسین رئوف)

رد و جواز دستحط لی تا با رئوف بیک

سرحدیست که یکی از موثقین و رؤسای کرمانشاهان که خود داخل کار و حاضر وقایع بوده است مینویسند
حسین رئوف از بیرون خود را مریض آورده مبتلی شد و دفعه با بهاء الدین بیک محمد آقا فرستاده آشنا ربک بسند
و ابراهیم ادهم بیک را بهارون لک فرستاده که موظف در صف جلال کلهرها باشند و دیگر از تعهدات بالای شهر داد و ترک نظر
نموده و چند نفر از اتراک شهر را که از الصنف و ملت کلهرها بهارون لک رفته بودند شهید نموده حواله کرده تا فرار صمصام الممالک
حاکم کردستان کرمانشاهان که بایر بار عهدنامه عشایر را که از اتحاد با اتیه که به مهر شاه و با شیخها قطع معارضه و شاکی کنند و چند نفر را به
مراوده با شیخهای نا شریفان کرد و مسند محترمی ارشادات کردند را ایلخانی نموده و عساکر او در قصبه کرند نشسته نیمی نوال الغرضی بیرون در
سر دوم کرند شهریان آمده دست سربازان آورده چند نفر از عسکر را در ایل آباد رسانیدند حسین رئوف هم توپها را القصبه لیسه‌ها تی
بممارزان کردند بهاءالدین بیک هم از جسرو آباد با شهدا خود که از طرف دیگر حمله کرده اهالی کرند با شتر تقاوت نیما دره
مرد زن و اطفال آنها سرنگون و بیماران و شغل کاران که خانه و اموال آنها را شر عساکر و عشایر که با حسین رئوف بودند افتاده خود
احتشام الممالک هم پیاده فرار کرده مکوه رفت و شعله بلا اقا محسوس واهالی شهر تشنه نمود .

مردم شهر که بدنی بود با هم متفق شده و جدا از آن حسین رئوف [illegible] مخالفت [illegible] سردار [illegible] را اتحاد
با خود [illegible] حسین رئوف [illegible] آورده بود [illegible] از [illegible] نمودند [illegible]
نموده [illegible] سردار [illegible] شهر [illegible] مشغول [illegible]
[illegible] ([illegible]) [illegible] حسین رئوف
[illegible] حسین رئوف [illegible] مشغول [illegible]
[illegible] قرار [illegible] .
اما [illegible] رفته [illegible] کرده [illegible]
[illegible] مشغول [illegible] شدند
[illegible] حسین رئوف [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] ([illegible]) ([illegible]) [illegible]
[illegible]
[illegible] :
[illegible] منازل خود رفتند :
روز دیگر [illegible] حسین رئوف [illegible] قرار دادند [illegible]
[illegible] حسین رئوف [illegible] ([illegible]) [illegible]
[illegible] حسین رئوف [illegible]
[illegible]
حسین رئوف ([illegible]) مشغول [illegible] حسین رئوف
[illegible] داده [illegible]
[illegible]
[illegible] .
[illegible]
[illegible] حسین رئوف [illegible]
[illegible]
و [illegible] خود آورد
[illegible] ([illegible]) [illegible]
[illegible] رئوف را [illegible]
[illegible]
[illegible] حسین رئوف را [illegible] دادند .
اما [illegible]
[illegible] ([illegible]) [illegible] داد
[illegible]
[illegible] مشغول نمودند .

استیضاح ۱۳ آبان

وکلای دموکرات از فرمانفرما و اخیراً کابینه یوزر؟ حاصل کرده بودند - مسئله علاقه کامل نصرت‌الدوله به فرمانفرما - عدم تمایل ذات
ملوکانه به فرمانفرما - تماس فرمانفرما در اهتمام یک حاکم مقتدر برای ... ایالات - حصول اجازه از ارگ شاه و دار ... ترس
کلیه از اینکه مبادا رئیس‌الوزراء از موقعیت استفاده کند - حوادث آذربایجان و ... ایالات که تمام عموماً برای مسئله
آذربایجان و اعمال نفوذ کابینه فرمانفرما در انتخابات و ملاقات تعدد وزراء در عدم اتحاد ایلات که برنامه که ... معتقد است
سیاسی که طرف ... و فرمانفرما بوده تعیین کند والا دفعه تجدید آذربایجان و کلیه مسئله سیاسی ... برای ... ایران
امنیت سیاسی

(دلایل فوق تماماً متوقف بیکدیگر و غیر موجه است - حتی چند نفر هم می‌بایستند اگر فرمانفرما از ظرفیت ... بوده
که فرمانفرما آذربایجان ... که ... و اکثریت ... ایالات غیر از ... سیاسی ... که آذربایجان ... از رئیس
... اکثریت ... کرده ... اگر فرمانفرما ... ظرفیت ... که ... بوده ...
و فرمانفرما ... ظرفیت ... بوده ... ایران ... بی‌طرفی ... نظر فوق حین
خارج از دلایل و متوقف بیکدیگر است بعنوان از نقطه نظر حقیقت ... بلکه ... مربوط ... بوده است (مؤلف)

این سوانح قسمتی از دلایل اختلاف ... و نقض کردند که فرمانفرما در ... یک ... را ... که ... صورت ...
... قطع و ... آذربایجان ... و ... که ... تحریک ... شد و دیگر ... خورد
... که ... استیضاح ... بعضی ... ایران.

این بود دفعه استیضاح

واز طرف دیگر هم تصور نمی‌رفت که ... و در ... و در جلسه ... که کابینه را ... بلند کرد ... رابطه
... فرمانفرما ... از طرف دیگر ذات ملوکانه ... فرمانفرما ... بودند و از اول
... که ... کابینه ... فرمانفرما ... کابینه ... تمایلی
این بود که استیضاح ... شده و از طرف ... نفر ... از دموکرات امضا شده و در روز شنبه ۱۳ آبان ساعت چهار بعد
قبل از ظهر در ... مجلس قرائت شد.

صورت استیضاح

مقام محترم ریاست مجلس شورای ملی   ما امضاکنندگان ذیل از وزیر داخله راجع به وقایع ناگوار ... کرمان‌شاه
که ... و ... اقدامات حضرت مستطاب اجل ... استیضاح داریم - ... به وزیر داخله اطلاع داده جهت
در روز ... برای استیضاح فوق ... معین فرمایند   (امضا ۲۰ نفر)
جلسه مزبور ساعت ... قبل از ظهر ... طول کشیده ... نفر از وکلا ... کرمانشاه فقط ... و عدم ... و حدت
وزیر داخله در اهتمام حکومت ... ایالات ... از ... آذربایجان ... که ... دیگر
... بوده و از طرف استیضاح کنندگان مخصوصاً در عدم ... سیاسی ... ولی ... از طرف
دیگران مختصر ... ساکت شده بود

وزیر داخله ... حال ... ولی ... نطق و دفاع کرد ... وزیر امور خارجه در ... حدت
نطق کردند ... که کابینه ... و زیر داخله ... بود
در ضمن ... دیگر در دست است

... از طرف ... تبدیل داده شده که در ... نصرت‌الدوله را ... فرمانفرما ... کابینه
و ... کابینه ... الدوله ... شده ...
دیگر ... چون ... شده است ...

و شب در همان تاریخ تاریخ از طرف نفرات علیحضرت شاهزاده عین‌الدوله گفته شد که – تمام اعضا باید باشند و فرمانفرما هم باید حتماً در
کابینه باشد والا محال است موافقت از نو کابینه بردن و فرمانفرما تشکیل دهد.
سر حال اگر فشار در این باره جواب بشنوم خبر یاد آور می‌شویم که ظاهراً آن نفر اعلیحضرت شخص فرمانفرما را یاد کرده و حیدرخان نظر سلطنت فقط عین‌الدوله در زمانه اگر
در موقع استیضاح دیگر حمله اعتدالیون از فرمانفرما و کابینه مرفه کرده و مسئول حدوث بحران و انقلابات بشناسند که ممکن است بیش باز
در این گرفتن استیضاح می‌نمودند سلیمان میرزا که یکی از استیضاح کنندگان بود گفت:
ما نیز بقدری که استیضاح کرده‌ایم
کابینه را هم در نظر گرفته‌ایم بحران هم باید منوط به مسئول بحران و مسئول حفظ کابینه اکثریت کابینه اکثریت است
آن هم اشخاصی که اکثریت دارند و کابینه طرف اعتماد آن اشخاص است اگر از این جزء هم استیضاح نبود و رفته‌ها بعقیده خود ما را
در نهایت درست و عقلانی و این تنفر کرده‌تر و وزرا هم در واسطه اینکه اکثریت دارند و کارها را خودشان را در نظر داشت
اکثریت نشستند و مسئول امور مملکت اکثریت و کابینه هستند در صورتیکه استیضاح کنندگان که بیشتر از ... ببینید نبودند گفت
که اکثریت کابینه بهتر باید از این کابینه در نظر گرفته اند چرا بعلاوه ما بکابینه اعتماد داریم ولی بشخص فرمانفرما اعتراض داریم اگر کابینه
خودش بخواهد خود را با فرمانفرما ملحق کرده و در عدم اعتماد شریک نماید تقصیر با خودشان است.
رئیس هم در این روز مخصوص بود که دو دسته از وکلای دست راست و علاوه از وکلای منفرد که بعد از افتادن کابینه را منتصر
و از طرف ظاهر آن دارند و ما هیچ فقط آن بود در هیچ جای نبود که برای جلوگیری از بحران و رفع آن بعقیده داده کابینه را
با فرمانفرما حفظ نمایند و نمایندها اکثریت خود را اظهار داشتند ولی الظاهر هست خطر نوع سیاسی مملکت نیز بکه
در قسمت چهار راه لیست تاریخی هم ذکر کردیم -:
اکثریت فعلی مجلس با اعتماد که کابینه در حصول نفس بحران مثلاً که خود را برای یک فداکاری در مخالفت سیاسی حاضر کرده
و صریح گفتند که ما برای او از ابتدا حاضر بوده بلکه فقط مدرسه تمام اعضای شده ارادات را اشباع نمائیم.
مدرس در خاتمه نطق خود گفت بنده از این مجلس ... دارم و ابتدا ... باید ... یک کابینه
تشکیل بدهد دیگری گفته بود باید اینها یک جواب کرده ... خود ... آباد کنند،
از طرف هم شاهزاده رئیس الوزرا معترضانه با وزرای خود سال ... تمام استعفا خارج در این روز ولی در باب استیضاح
گرفته شد و وزرا از این بی‌ثباتی ... خودشان از طرفی هم ... بمواقع کابینه در جلسه آمده متمسک
ابتدا اهرامی در وظیفه خود که دارای اکثریت بودند بعد ... با درازه ... کابینه و طرفدار انس و انجا که منوط
کابینه را شود بحران خطیر و بحران را شخص مسئول تشکیل ... که استیضاح کنندگان استیضاح خود را
مسترد دارند
استیضاح کنندگان نیز مسلفه بر حمله اعتماد داریم ... باید از کابینه خارج شده و با کابینه جدید باز
اعتماد داریم با کابینه ... کابینه دیگر ... و اکثریت ... قطعی ... عذر
طرفداران ... کابینه بالاخره گفته مستنفقا بعین الدوله را اعتماد دارید ولی عین الدوله قبول نمیدارد که پس از عدم
... فرمانفرما را عوض کنند یا او را خارج نماید بالاخره جلسه در همان اوقات در منزل حاج امام جمعه خوئی از
نمایندگان دموکرات و اعتدال و ... شد که از طرف استیضاح کنندگان ... رئیس الوزرا را
مهلت داده شود که در این بین کابینه خود را ترمیم نموده و در سر برد (که سه روز بود) کابینه را معرفی و رای
اعتماد بگیرد ولی این نظریه از طرف بعضی از هواداران ... فرمانفرما پذیرفته نشده و بالاخره کابینه استعفا داد
شاه پذیرفت و در روزهای ۲۰/۲۱ - ۲۲ شعبان خبر استعفا و عدم قبول آن ... در
مسجد و در ... مجلس ... شد رئیس الوزرا و وکلای دموکرات ... رئیس الوزرا ... اظهار
... که در فوق درج شد ... در ... فرمانفرما ... دموکرات‌ها ... در عدم ... اظهار نموده

نتیجه این شد که کابینه عین الدوله در حال بحران ماند. نه جداً برای کناره گیری حاضر شد و نه جداً در خارج شدن فرمانفرما
اقدام کرده و تمام همّ و دسته [illegible] کار خودرا مطابق سفارت متبوعه انجام میدادند
ظاهراً معلوم میشود اقدامات نفرالعظمی راجع به ابقاء فرمانفرما در کابینه و عدم امکان تغییر یک کابینه بدون وجود فرمانفرما از طرف
عین الدوله بعد از تاریخ ۵ شنبه ۲۵ شعبان بوده است چه روز پنجشنبه ۲۵ در باغ مجیدیه تقریباً اتفاق نظر بین رئیس الوزرا
و سایر کابینه و دموکراتها در تشکیل کابینه بدون فرمانفرما حاصل شده و روز بعد از این رفت
قرار داده بود که رئیس الوزرا متعذر آمده لایحه [illegible] و دیگری [illegible] در آن شده و در [illegible] اعتماد [illegible] لایحه از طرف
ما وزرای کابینه نوشته شد ولی در انتها ابدا اسم [illegible] برده نشده [illegible] بودن فرمانفرما را حتمی کرده [illegible] لایحه [illegible]
را تصحیح شد [illegible] لایحه طرف [illegible] دموکراتها و طرفها که عقد [illegible] [illegible] شده و [illegible] واقع شده ولایحه از
طرف دموکراتها نوشته شد . که : اسمی از [illegible] در آن برده شده [illegible] [illegible] اعتماد [illegible] را اراده [illegible]
[illegible] اسم استعفاء کابینه [illegible] بود [illegible] برای آنکه [illegible] از طرف دیگر [illegible] [illegible] شد [illegible] لفظ [illegible]
[illegible] فقط [illegible] الفاق [illegible] که [illegible] در [illegible] [illegible] ولی [illegible] [illegible] شد که [illegible] از
سه روز استعفای فرمانفرما را خواهند [illegible] استعفای [illegible] گرفته [illegible] [illegible] قبول کردند لایحه را
برای عین الدوله [illegible] که عصر امروز (۲۹ شعبان) [illegible] آمده بخوانند ولی [illegible] فرمانفرما [illegible] از طرف [illegible]
شده و [illegible] که [illegible] [illegible] ولی [illegible] [illegible] فرمانفرما از کابینه خارج خواهد شد ،
ولی [illegible] کابینه که فرمانفرما در آن است [illegible] اعتماد [illegible] [illegible] .
بحران امروز ۲۷ – ۲۸ شعبان طول کشید در این اوقات از طرف شاه [illegible] شد که [illegible] کابینه [illegible]
دیگری [illegible] ریاست وزراء در نظر بگیرد کاندیدها منحصر بود – عین الدوله – [illegible] الدوله و مستوفی الممالک – دموکراتها
و [illegible] [illegible] الدوله و مستوفی الممالک [illegible] و [illegible] عین الدوله [illegible] شاه آقای مستوفی الممالک [illegible]
[illegible] [illegible] شاه گفت [illegible] [illegible] کابینه [illegible] [illegible] بحران نشده ام
[illegible] – [illegible] بحران [illegible] رئیس الوزرائی [illegible] داده شاه [illegible] رئیس الوزرای دیگری [illegible]
[illegible] خودرا [illegible] – [illegible] گفت [illegible] [illegible] نظریه خودرا [illegible] گفته شد
[illegible] گفت [illegible] امروز سه شنبه سلخ شعبان) [illegible] فردا [illegible] شد فردا [illegible] شد
[illegible] روز [illegible] عین الدوله را [illegible] حضور شاه [illegible] شاه [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] که [illegible] کابینه [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] چند روز دیگر [illegible] عین الدوله
کابینه [illegible] گفت [illegible] شرط کابینه [illegible] خواهم داد

۱ – [illegible] استعفاء
۲ – قول دادن که دیگر استعفاء نشود
۳ – بودن فرمانفرما در کابینه بدون شرط و قید [illegible]

[illegible] استعفاء که از ۱۳ [illegible] شروع [illegible] [illegible] عین الدوله را [illegible] [illegible]
[illegible]
[illegible] که [illegible] بودن فرمانفرما [illegible] کابینه [illegible] الدوله [illegible] ۱۰ و ۱۱ [illegible]
[illegible] نظریات خودرا در رئیس الوزرائی [illegible] الدوله [illegible] [illegible]
شاه [illegible] [illegible] الدوله [illegible] [illegible] مستوفی [illegible] عین الدوله را در کابینه لازم [illegible]
اظهار [illegible] که [illegible] [illegible] رئیس الوزرا [illegible] .
معلوم [illegible] شد که [illegible] الدوله [illegible] رئیس [illegible] [illegible] و جداً از [illegible] [illegible] .

شاهزاده عین‌الدوله هم برای دخول در کابینه مشیرالدوله در ترمیم مستوفی‌الممالک حاضر شد.
مشیرالدوله رأی تمایل به مستوفی داد. مستوفی روز چهارشنبه ۲۲ رمضان ۱۳۳۳ معرفی کرده و تشکیل کابینه خود را برای سه چهار روز دیگر وعده
داد. و بحران بزرگ چهل روزه با این ترتیب خاتمه یافت.

روس انگلیس — آلمان عثمانی
و ایران

مذاکرات در استیضاح

فارسی‌ها تاریخچه باید بدانند که خود را در برابر تاریخ می‌بینند و در بعضی یک از اشکال سیاسی دالامده باید تاریخ نام مبلغ تحصی و جمعیت و عقاید
و احساسات خود را در برابر قضاوت آینده منکشف کنند دارای قول تا در کار بحث نکرده تا در حساب فحص باشند که از این نوع ملاحظات در پرده
نوشته‌ها و نامه‌ها باشند ولی ما در نتیجه مطابق ملاحظات و نهاد و حکمت تاریخی باید حقایق را نوشتیم و هم با قضاوت واضح نشده‌ایم در
کار بوده است که اگر واقع میشد نتیجه حکمت تاریخ را در کول ملاحظه اما تاریخ مسئول قضاوت دقیقه است. این قضاوت فرضی — لازم است که
روح قضاوت‌ها را ما در حضور قضاوت نهاده و بعد هم از قضاوت غیر وارده نیز با استشهاد محفوظ میشد نتیجه فرق بسیار دارد.

روح استیضاح

اینکه رجال در زمان ... نوشتند که: استیضاح کنندگان برای گرفتن استیضاح را داده‌اند لکن از وقوع و از فشار همه عموم است
چه با اینکه ترسیده و جلو جریانات خصوصی (بروفرکیون) و (کمیته) آن ادعا نشده و تملک امروز برای آلوده بودن
تعجیل ... کاملاً در تحت سیاست ... اثر بوده و مشهود بودن حسن حقیقت و ... خود را اجرا گرفته و موقت اقدامات
تاریخی را انکار کرده به تعهد مستوفی‌الممالک ... رفقای خود بی‌خبر بوده و از حقیقت آن کاملاً مطلع بود.
رفقای من — هرچه ... — برای اینکه دولت گرفته و کابینه را بر قرار کنند چه شده بود ... اعتبارات ... و مصارف
نیز دهند ولی از آنها ... — ... — از این فقط ... جلسات دیگر ... که آنان را در جلسات ... محرک میشد اول
درست نشده بود برای اینکه درست ... قضاوت کنم باید حالات ... بنویسم — و حالات ... رئیس ... دموکرات
و افکار ... را ملاحظه کرده بود در نظر گیریم.

افکار عمومی ... تحریک ... احساسات و ... دیدن ... سیاست تاریخی و سیاسی در جریان
اقدامات ... از خط ... در ... و عدم ... افکار عمومی و اقدامات
عثمانی‌ها (حسن ...) کاملاً ... ایران در ... نموده ... و ... اقدامات
روس و انگلیس ... اقدامات روس ... اقدامات ... درباره ... آلمان ...
... از طرف ... (پرنس روس) ... از طرف ... (کنت کانیتز) و ...
... در ...

کابینه‌های ایران از حفظ بی‌طرفی در نتیجه اقدامات و ...
... محافظه کاری ... سیاست و عدم تصمیم ...
اشاره ... تا ...
... سیاست ... بی‌طرفی ...
سیاست ... محافظه ...
ایران ... مستوفی‌الممالک ... مشیرالدوله ... سیاست بی‌طرفی ...
آلمان و کابینه ... مستوفی‌الممالک ... عین‌الدوله ... کابینه عین‌الدوله ...
... از ...

و سوئیسی‌ها خودشان را در سرحدات ایران تحویل بدهند

همچنان نسبت به این عقیده در سال اعتصاب حرکت و اعتصاب عمومی در ژوئن (کم و بیش) موجود بود در قسمتی که اکثر مردم در اراد
تمامی ادارات و دسته جات را اشغال داده بودند طرفداران اتحاد و دسته قوای منخدمی بوده و خودشان را محتاج نمی‌دانستند که با قشون حالا متحد شوند در
نگاهداری یا نموده و قبل از وصول قوای متحدین قوای حاضره روس‌ها را خرد خواهد کرد نتیجه از حیث این عقیده تمام یک نفر کوچک
وطن‌پرستان او بودند

ولی همین از حیث این عقیده منظر شدند که طرفداران تسلیم با منفعت بودند بر در اثنا حیث این عقیده عمل نموده و اتفاق کنند
با اینکه در ظرف مدتی روس‌ها و انگلیس‌ها اتحاد کرده از آنها فرو گرفته تا آنها را راه رفته و باندرجه اهمیت نشان بدهند که منفعت تاریخ خواهد شد
مأمورین منفعت بعضی از خواهد در حق از وکلا دوره طرفداران عقیده بودند

منفعت قوم از این طبقه طرفدار حفظ این سلطنت کامل بوده و با اینکه یقین بعدم امکان این عمل داشتند معذلک این طریق را
دلیل صحیح مشهور نمی‌دانند و ممکن است روس‌ها با فاصله شرط نمایند

در این میان سیاست دولت روس حیثیت عقیده خود را ابراز نمود از آن جمله (پرنس ردیس) و در قسمت زبان‌ها و یک عده مخصوص را انگار
وکلا بودند که این فکر را دور نمی‌کردند و این دسته که اکثر افکار و مرام ایشان به دولت حسن سیاست مربوط بود معتقد نبودند به قدری که مجلس
اقدامات ده ماهه در تعاقب رشته یک خارج و داخل فقط رشته منفعت قائم نموده دفعه را تا مدتی که در تحت قرار داده بودند
موقع تمام امور مابین ایشان و هیئت دولت تا حدی که مأمورین دولتی هر دو با کارکنان هیئات حماسه‌ها لفظ عطایای دولت منفعت دادند از ابتدا
عمومی و هر چه داشتند از ابتدا روس و انگلیس و با انگلیس از حیث موقعیت ایران با مال یک دو - اتریش - منفذ مرکزی محکم شده
و یک روز در رژیم سیاسی در افکار دفعه هر دو دولت عمومی ایجاد شده بود که این روز در ژیم منفذ خودشان سیاستی را اتخاذ کرده
و خصوص دولت عمومی هیئت برقرار شد از کار او هم کار نوبت قبلیت کامله دولت و بالاخره تا باز منفذ بالاخره تبدیل
تعقیب دستور حفظ رشته را انجام نموده وارد هم یک عده از وکلا را از ادارات استعفا ۱۲ نفر را ادارات مخفی
نمی‌شد لیکن آن وقت که خصوص یک نه یک جنگ عثمانی با روس‌ها نه رفتن حاکم کرمانشاه نه بی‌حرکت نفوذ عثمانی‌ها اجازه کدام عمل و از دوره
استعفاء نمودند علیه این استعفا حاکم بیگانه نوع عمومی بوده که در روی دولت بودند هم از این امر فضایا با هم کدام شده
و قضایای دیگری هم که در این باب سیاسی دادند در کل هم شده قرار مالیات با استعفا شدند
در ایران یک کارها مردان دیگر نفعه مثل آنکه اینکه خودشان اراک کرده دیگر از این مجلس عظیم داخل شد و در سنه ثانی باید
بجای نام سبب فوق فقط اندک تجربه و اکثر تجربه اندک خصوص با روس و انگلیس را در کمال قبول شده تا حیث اندک یک
انتقام جویانه مختصر اظهار از سیاست‌ها اظهارات نشد دادن یک انقلاب تمام بالاخره یک از هیئت دولت یک قرار با دولت یک
استعفا شده و دیگران نیز با همین سابقه ها حرکات ساختند منهدم نموده و تبدیل دل قوای سفر و ملیت بالاخره خود شرا اراک کرده
و یک صفحه تاریخ را انتقال و شرح را تحت ملل منتظره در کشور ایران آن یک صفحه تاریخ را دادن حیث رنده .

هر چه بود استعفا داده شد تا اظهار صلاح مملکت و ملت این بود که وزیر خودشان را فراموش کرده و دولت اگر رفیق و کابینه جدید
مستوفی‌الممالک حرکت کرده فوراً کابینه دیگر بر روی کار آورده اگر سابق در حرکت منظم را از دولت قطع کرده بحران را خاتمه بدهد
ولی اینها هیچکدام نشد چون بحران در تمام این جمع جلسه چهره نموده است همان حیثی که استعفا را اعلام نمود همان
حسن الدوله را در عقب دولت و در تعهد اداره مرکز و ادارات است همان حس دولت مستوفی اعتدال را به حکم تعقیب
نظر به حسن آنکه دولت با ایران وارد است همان علتی که باعث استعفا شده بود همین را با قوت و حیثیت در مجلس
و مرکز و ادارات است .

دسته فضایا بحران را طول داد نتیجه طول بحران شدت حملات آلمانها - عثمانیها - روسها - انگلیسها را
باعث نفوذ در آنها این اراده به قدری کار را رساند تا توسط منفعت را با ایران در برابر قوای روس را طرف
طهران نزدیک قسمت (قبل از تمام) هفتم محرم ۱۳۳۴ را ایجاد نمود

تقصیر با که بود؟

تقصیر با همه با روس - با انگلیس - با عثمانی - با آلمان - با فرانسه - با اهل الدوله - با دموکرات - با اعتدال
با مردم - با دولت - اینها همه در تحت تأثیرات زورانه قرار گرفته‌اند که تقصیر همه آن اعمالات بعهده تمام اینها
که هر یک بعهده این تاریخ است وارد کردم.
پس حالا که نگفتم در این اصطلاح فصاد نیاورد چیزی غیر از این نتوانستم بکنم که در آخر این اصطلاح مطابق نظریات خصوصی نوشته باشم یک
صفحه تو از صفحات تاریخ را اسرار انداخته لکن این ۳۰ سال هم نه مخبر ایران.

مأخذها و سندهایی که در این تاریخ از آنها ذکر و نقل شده است

تاریخچه پیدایش مذهب باب توسط سفیر روسی مقیم طهران (کنیاز دالغورکی) از آرشیو وزارت خارجه روسیه ترجمه ...
کتاب سبز وزارت خارجه ایران - کتاب عهدنامه‌های وزارت خارجه ایران
کتاب آبی دولت انگلیس
کتاب اختناق ایران تألیف مستر شوستر خزانه‌دار ایران (آمریکائی)
کتاب دیوان مرحوم فرصت الدوله شیرازی
کتاب انقلاب آذربایجان
کتاب دلیران تنگستانی
کتاب تاریخ جنگ بین الملل
کتاب تاریخ میرزا نصرالله ... مستخدم گمرک ایران چاپ تبریز راجع بمشروطیت
مراسله مرحوم سید جمال الدین اسدآبادی به ناصرالدین شاه و شرح حال آن مرحوم ...
اسناد تاریخی توسط عبادالله ... سپهانی
اقتباس از جریده وطن منطبعه طهران
اقتباس از جریده نوبهار منطبعه طهران

یادداشتهای تاریخی خاص که از آنها گرفته شده است

یادداشتهای مرحوم سید زین العابدین خان (مستعان الملک) ...
یادداشتهای سرتیپ جعفر ... راجع بجنگ ... در قراسو با دوام الملک و غیره ...
یادداشتهای ... امیر ابوالعطش راجع بشروع اولتیماتوم و رفتار روسها در رشت و انزلی و ... از آنها
یادداشتهای ... راجع به ... کرمان و ... آزادیخواهان ...
یادداشتهای ... شوشتری

از مقالات و کتابچه‌های منتشره

شرح حال مرحوم شیخ محمد خیابانی از کتابچه که در برلین چاپ شد جمعیت قیامیون
نقل از مجله ... مکتوبات مرحوم سید جمال الدین اسدآبادی
وقایع ... اولتیماتوم روسها در طهران
کتابچه راپرت مرحوم صنیع الدوله
کتابچه مرحوم ... راجع بروسها
وقایع جنگ بین الملل ... مرحوم ... نظام السلطنه ... .
نقشه ... ایران
اسامی وکلای پارلمان ... که جمع کرده‌اند در ... الی ۱۲۹۹
اوراق منتشره در ...
... مجله ... در ...

سواد مکاتبات دولت ایران با دولت بورودی
سواد تلگرافات دولت ایران با ترکیش در رسیدگی شوکت
وکلای دوره چهارم مجلس شورای ملی
اسامی هیئت رئیسه مجلس
قوانینی که دوره چهارم مجلس وضع کرده است
قسمت دوم عهدنامه‌ها
تکمیل و تدوین قوانین حقوقی
قسمت سوم تلگرافات
قسمت چهارم اطلاعات
قسمت پنجم تصویبات مالی
قسمت ششم تصمیمات و مطالب متفرقه مجلس
اعلامیه وزارت خارجه ۱۳۳۶
حرکت ثانی قشون اجنبی از ایران
کرات قحطی ۱۳۳۶ قمری
اقدام بجمع آوری اعانه
اوضاع عمومی مملکت
کابینه رسمی مستوفی الممالک
تصمیم کابینه برای انتخابات مجلس شورای ملی

فهرست جلد پنجم تاریخ انقلاب ایران
از سنه ۱۳۳۲ قمری الی [illegible]
که [illegible] ایران است

